

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
۱۳۰

از استارا تا استرآباد

مجلد دوم

شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی

تألیف
دکتر منوچهر ستوده

از استارا تا استرآباد
مجلد دوم
تألیف
دکتر منوچهر ستوده

سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی
۱۳۰

از آستارا تا استارباد





سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۰

از آستارا تا استارباد

مجلد سوم

شامل آثار و بناهای تاریخی

مازندران غربی

تألیف

دکتر منوچهر ستوده

از این کتاب ۲۰۰۰ نسخه در چاپخانهٔ
زیبا به چاپ رسید است
شماره ثبت کتابخانهٔ ملی ۱۸۸۳ مورخ ۳۵/۱۱/۲۲

سیزدهمین نشریهٔ انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

سال برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

سرآغاز

بنام آفریدگار بزرگ جهان

باعرض سپاس فراوان به درگاه پروردگار یکتا و درود بسیار بر واپسین پیمبران حضرت محمد مصطفی (ص) در پرتو عنایات کریمانه و همیشگی ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر مجلد سوم کتاب "از آستارا تا استارباد" شامل اطلاعات مربوط به آثار و بناهای تاریخی قسمتهای غربی خطهٔ مازندران به معرض انتشار و استفادهٔ علاقه مندان گذارده میشود.

همانطور که در دیباچه نخستین مجلد دورهٔ کتاب "از آستارا تا استارباد" (۱) اشاره نمود همه سرزمینهای واقع در جنوب دریای خزر بخشی از کشور ما و بزرگ ترین گنجینه های آثار تمدنهای باستانی ایران بشمار رفته و بواسطهٔ وضع طبیعی و آب و هوای آن از اصول معماری ویژه ای نیز برخوردار بوده است و بهمین جهت

خواه از لحاظ پیدا شدن آثار مدفون در دل خاک که به دوره‌های پیش از تاریخ یا سده‌های پیش از اسلام و حتی تا چند سده بعد از اسلام ارتباط دارد و خواه از نظر بناهای تاریخی موجود از عهد اسلام خاصه از بابت مخصوص است و در مجلد حاضر شرحی که اشاره رفت اطلاعات مربوط به آثار و ابنیه تاریخی نواحی غربی مازندران گردآوری و تدوین شده است و یقیناً مطالب ناشناخته فراوان در بر دارد که خوانندگان گرامی با بررسی متن کتاب بهتر چگونگی آنرا درمی‌یابند.

مؤلف محترم دوره "از آستارا تا استارباد" بصورت اصولی و منظم نسبت به تالیف مجلدات آن کوشش بخرج داده و میدید و به ترتیبی که در مجلدات پیشین گذشت ابتدا آثار باستانی و بناهای تاریخی قسمتهای غربی استان گیلان را که در آن سوی سفیدرود واقع گشته است (و بنام بیه پس خوانده میشود) در نخستین مجلد معرفی نموده و پس از آن اینگونه آثار و ابنیه را در قسمت شرقی گیلان واقع در این جانب سفیدرود (که بنام بیه پیش می‌نامند) مورد شناسائی و بررسی قرار داده و شرح آن در مجلد دوم بچاپ رسیده و اینک در مجلد حاضر نوبت به آثار و بناهای تاریخی مازندران غربی "از سامان رود خانه سورخانی" (= سفیدتمش تا کنار رود) "برار" رسیده است و طبعاً "مجلد چهارم حاوی مطالب و اطلاعات

راجع به آثار و ابنیهٔ تاریخی مربوط به قسمتهای خاوری مازندران خواهد بود و پس از آن آثار باستانی و بناهای تاریخی سرزمین پهناور گرگان در مجلد پنجم معرفی خواهد گشت و مجلدات ششم و هفتم بدلایلی که در آغاز آن دو جلد مذکور افتاد (۲) پیش از سه مجلد اخیر الذکر به چاپ رسید و منتشر گردید.

ضمن ستایش از کوششهای همیشگی دانشمند گرامی آقای دکتر منوچهر ستوده جهت ادامه و تکمیل خدمت خطیری که بر عهده گرفته اند باد آوری این نکته را مناسب میداند که بسیاری از اطلال باستانی و آثار تاریخی مازندران همانند این گونه بناها در گیلان و همچنین نقاطی در دشت و باموتنهای گرگان به علت وضع طبیعی محل آنها از جهات گوناگون ناشناخته مانده است و آنچه بمنظور دسترسی و معرفی آنها بوسیلهٔ مؤلف دورهٔ مجلدات کنونی صورت گرفته می گیرد در بین سرسختی و پایمردی و علاقه وی به انجام دادن چنین خدمت مهم و اساسی است و جز اینگونه عوامل انگیزهٔ دیگری را آن یارائی نتواند بود تا عناصر دانشمند و پژوهنده را به گام نهادن در این راه دشوار وادار نماید و این معنی بیش و کم در مورد مؤلفان دیگری هم که برای تهیهٔ کتابهای مربوط به آثار فرهنگ دیرین ایران در سایر استانهای کشور با انجمن آثار ملی بهکاری و همگامی بخرج میدهند صدق می کند و اساساً خدمت

به آثار تاریخی و پاسداری یادگارهای ملی و فرهنگی ایران در هر کجا و بهر حال و بهر صورت نیازمند عشق و اخلاص و ایمان در راه چنین هدفهای مقدس است به فرمودهٔ شیخ اجل سعدی:

غم عشق آمد و غمهای دگر پاک ببرد　　سوزنی باید کز پای برآرد خاری

در پایان از همهٔ نیکمردانی که برای پیشرفت هدف و منظور ملی و علمی مؤلف ارجمند کتاب به وی و انجمن آثار ملی مساعدت و یاری فرموده اند و نثار روان ارسلان خلعتبری در زمرهٔ ایشان بوده و نام شریف سایر شخصیتها هم در مقدمه کتاب آمده است صمیمانه اظهار امتنان می نماید و با امیدواری توفیق روزافزون فرزندان مرز و بوم عزیز ایران در راه نگهبانی و خدمت به میراث فرهنگی خویش سرآغاز را پایان می بخشد و خوانندگان گرامی را به بهره مندی از متن کتاب دعوت مینماید.

بنفشه کرمیها
انجمن آثار ملی

---

(۱) نشریهٔ شمارهٔ (۷۰) انجمن آثار ملی در مرداد ماه ۱۳۴۹ (۲۵۲۹ شاهنشاهی)

(۲) نشریه‌های شمارهٔ ۱۱۸ و ۱۱۹ ـ انجمن آثار ملی مهرماه ۱۳۵۴ (۲۵۳۴ شاهنشاهی)

فهرست

مقدمه ۱–۷۹

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاك مازندران غربی به‌ترتیب سنوات هجری قمری ۷–۳۶

طرح و نمای بناهای متبرك مازندران غربی ۱۹–۲۱

خطاطان و کتیبه‌نویسان ۲۱–۲۲

نجاران و کنده‌کاران (= نقاران) ۲۲–۳۲

بنایان ۳۲–۳۴

کاشی‌کاران ۳۴–۳۵

سنگ‌تراشان ۳۵

رویگران ۳۵

گچ‌بران ۳۶

درختان کهنسال در خاك مازندران غربی ۳۷–۴۵

درختان آزاد ۳۷–۳۹

درختان بلوط (= مازو) ۳۹–۴۰

درختان پلت (= افرا) ۴۰–۴۱

درختان تادانه (= تو) ۴۱

درختان چنار ۴۱–۴۳

درختان سور (=سرو جنگلی) ۴۳
درختان سفیدار ۴۳
درختان شهر (= شمشاد) ۴۳
درختان کرزل ۴۳–۴۴
درخت کهل ۴۴
درخت گردو ۴۴
درختان لنگا (= اوجا = نارون) ۴۴–۴۵
کتابشناسی حاشیهٔ دریای مازندران ۴۷–۶۸
کتب و رسایلی که به‌زبانهای خارجی در بارهٔ نواحی و شهرهای ساحلی دریای مازندران نوشته‌اند ۴۷–۶۷
فهرست کتبی که قبل از زمان ملگونوف نویسندگان روسی در بارهٔ گیلان و مازندران و گرگان نوشته‌اند ۶۷–۶۸
اصطلاحات فنی و لغات محلی ۶۹–۷۴
منابع و مآخذی‌که در نوشتن این‌کتاب از آنها استفاده شده است ۷۵–۷۹
دنبالهٔ مجلد دوم ۱
بازماندهٔ بناها و آثار تاریخی جیر ولایت اشکور سیارستاق و بالااشکور ۱
امامزاده برهان در دهکدهٔ میج بالااشکور ۱
بقعهٔ شاه سفیدکوه ۱–۲
چشمهٔ دم‌کش در فتیج‌گوابراوشیان ۲
چاه عمیقی که با سنگ چیده‌اند ۲–۳
باقی بناها و آثار تاریخی اوشیان ۳
جغرافیای تاریخی و انسانی و تاریخ مازندران ۵–۴۰
طوایف و تیره‌های ساکن در مازندران ۱۲–۱۴

تاریخ طبرستان	۱۷–۱۴
سکه‌های طبرستان	۲۰–۱۷
بخش اول ــ تنکابن	۹۹–۲۱
۱ــ جغرافیای تاریخی تنکابن	۲۸–۲۱
۲ــ بناها و آثار تاریخی سخت‌سرو تنکابن	۴۳–۲۹
۳ــ بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن	۵۳–۴۴
۴ــ بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن	۶۸–۵۴
۵ــ بناها و آثار تاریخی دوهزار و سه‌هزار تنکابن	۷۸–۶۹
۶ــ بناها و آثار تاریخی نشتای تنکابن	۸۲–۷۹
۷ــ بناها و آثار تاریخی لنگای تنکابن	۹۹–۸۳
بخش دوم ــ کلارستاق	۱۶۳–۱۰۱
۱ــ جغرافیای تاریخی کلارستاق	۱۰۶–۱۰۱
۲ــ بناها و آثار تاریخی دشت کلارستاق	۱۱۷–۱۰۷
۳ــ بناها وآثار تاریخی نواحی‌بیرون‌بشم‌کلارستاق	۱۲۵–۱۱۸
۴ــ بناها و آثار تاریخی کلاردشت کلارستاق	۱۴۲–۱۲۶
۵ــ بناها و آثار تاریخی کوهستان شرقی و غربی کلارستاق	۱۶۲–۱۴۳
بخش سوم ــ کجور	۲۴۱–۱۶۳
۱ــ مختصری از جغرافیای تاریخی کجور	۱۶۶–۱۶۳
۲ــ بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور	۲۲۶–۱۶۷
۳ــ جغرافیای دشت کجور	۲۲۸–۲۲۷
۴ــ بناها و آثار تاریخی دشت کجور	۲۴۱–۲۲۹
بخش چهارم ــ نور	۳۷۶–۲۴۳
۱ــ مختصری از جغرافیای کوهستان نور	۲۴۴–۲۴۳

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان نور ۳۱۵ـ۲٤٥
۳ـ جغرافیای تترستاق نور = ترتیه‌رستاق نور ۳۱٦
٤ـ بناها و آثار تاریخی تترستاق نور ۳۱۷ـ۳۲٥
٥ـ جغرافیای تاریخی دشت نور ۳۲٦ـ۳۳۱
٦ـ بناها وآثار تاریخی ناتل‌کناردشت نور ۳۳۲ـ۳۳٦
۷ـ بناها و آثار تاریخی ناتل‌رستاق دشت نور ۳۳۷ـ۳٦۰
۸ـ بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور ۳٦۱ـ۳٦٦
۹ـ بناها و آثار تاریخی میان‌رود پایین نور ۳٦۷
۱۰ـ بناها و آثار تاریخی لاویج نور ۳٦۸
۱۱ـ بناها وآثار تاریخی نائیج نور ۳٦۹ـ۳۷٦
بخش پنجم ــ لار قصران و بالالاریجان ۳۷۷ـ٤۸۷
۱ـ جغرافیای تاریخی لارقصران ۳۷۷ـ۳۷۹
۲ـ بناها و آثار تاریخی لارقصران ۳۸۰ـ۳۹۱
۳ـ جغرافیای تاریخی لاریجان ۳۹۲ـ۳۹٤
٤ـ بناها وآثارتاریخی‌بالالاریجان و امیری‌لاریجان ۳۹٥ـ٤٦۲
٥ـ جغرافیای طبیعی و انسانی دلارستاق ٤٦۳ـ٤٦٥
٦ـ بناها و آثار تاریخی دلارستاق ٤٦٦ـ٤۸۰
۷ـ جغرافیای طبیعی و انسانی نمارستاق ٤۸۱ـ٤۸۲
۸ـ بناها و آثار تاریخی نمارستاق ٤۸۳ـ٤۸۷
تعلیقات و اضافات ٤۸۹ـ٥۰٤
تصحیحات و تعلیقات ٥۰٥ـ٥۰۹
عکسهای بناها و آثار تاریخی مازندران غربی ٥۱۱ـ۷٤۸
فهرست نامها ۷٤۹ـ۸۳۳

خداوندا در توفیق بگشای

مقدمه

کتابی که از زیر نظر خوانندهٔ گرامی می‌گذرد ، مجلد سوم از آستارا تا استارباد است . در این مجلد بناها و آثار تاریخی مازندران غربی از سامان رودخانهٔ سورخانی (= سفیدتمیش) تا کنارهٔ رود هراز شرح‌داده شده است و بخشهای جغرافیایی این قسمت از خاك مازندران از غرب به شرق یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است .

ابتدادشت و شهرهای ساحلی بررسی شد و پس از رسیدن به رودخانه‌هایی که آثاری درکنارهٔآنها حدس زده‌می‌شد ، دنبالهٔرودخانه راتا سرچشمه‌های آن گرفتم و آثار قابل ذکر کناره‌های چپ‌وراست آن را بررسی کردم‌و دوباره به دشت آمدم .

بخشهایی که‌آثار آنها در این کتاب گنجانـده شده ، بدیـن ترتیب است .

۱ـ تنکابن شامل : سخت‌سر (= رامسر) ، جوردی (= جواهرده) که ییلاق سخت‌سر است ، جنده‌رودبار (=جنت‌رودبار) ، گلیجان، خرم‌آباد ، (=بلده = قلاگردن) ، دوهزار ، سه‌هزار ، زوار،

نشتا و لنگا .

۲ـ کلارستاق‌شامل : دشت کلارستاق،بیرون‌بشم ،کلاردشت ،کوهستان شرقی وغربی کلارستاق .

۳ـ کوهستان کجور شامل : پنجك‌رستاق ، کوهپر ، شهرکجور ،حومهٔ شهرکجور ، زانوس رستاق .

٤ـ دشت‌کجور شامل : کران ، چلندر ، بلدهٔ‌کجور ، علوی‌کلا ، کالج.

٥ـ کوهستان‌نور شامل : اوزرود ، کمررود ، یالورود ، بلدهٔ‌نور ، میانرودبالا ، تنرستاق .

٦ـ دشت‌نور شامل : ناتل کنار ، ناتل‌رستاق ، میانرودپایین ، میان‌بند ، نائیج .

۷ـ لارقصران، بالالاربجان، امیری ، بهرستاق ، دلارستاق ، نمارستاق. این‌دوبخش اخیریعنی دلارستاق و نمارستاق فعلا در تقسیمات جزء نور به‌حساب آمده‌اند .

آنچه اثر تاریخی در کنارهٔ راست و چپ هرازبود تالیتکوه (= بالاخیابان و پایین خیابان) شرح دادم و لیتکوه واهلم رستاق را که جزء خاك‌آمل به حساب آمده‌اند برای مجلد چهارم گذاشتم چون شرح بناهای تاریخی شهر آمل نیز در آن‌مجلد ذکر خواهد شد .

بناها و آثارتاریخی هربخش جداگانه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و شرح‌آن تاجایی‌که‌لازم به نظرمی‌رسید داده شد . بناهای محقر و ناچیز را که‌اهمیت زیادی‌نداشتند در متن‌نیاوردم و درآخر هربخش زیرعنوان «بناها و آثارتاریخی» ذکرکردم . چون امکان دارد که این بناهای بی‌اهمیت امروز ، روزی سروسامانی داشته و مدفن یکی ازبزرگان وسرشناسان محلی‌بوده که‌براثر گذشت‌زمان و فراموش‌شدن نام و نشان او به وضع موجود افتاده است .

در مدت بررسی این پهنهٔ پهناور ، راد مردانی پیدا شدند که ساعات عمر عزیز خود را صرف همراهی این بنده کرده یاوسایل‌تسهیل کار اینجانب را فراهم آورده‌اند . یادایشان در اینجا دین ایشان را بردوش من سبکتر خواهد کرد . از یکایك آنان برای همیشه متشکر و ممنونم .

آقای ارسلان خلعت‌بری که حق‌استادی نیز به‌گردن بنده‌دارند، بیش از ده نامه به خویشان و دوستان خود دراین صفحات نوشتند و این بنده را به آنان معرفی کردند . این رادمرد امروز درمیان مانیست خدایش بیامرزد و قرین رحمت کند .

آقای ابوالفضل علامه فهرست‌مفصلی از بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ شهسوار را نوشتند و محلهای آنها را نشان دادند .

آقای موسی‌صمیمی رئیس‌آموزش‌وپرورش شهسوار دستوراتی به راهنمایان تعلیماتی دادند و راه را برای بررسی اینجانب گشودند .

آقای حسین علی‌رمجی ـ راهنمای تعلیماتی قسمت غربی شهسوار ـ دوسه‌روزی این منطقه را پابه‌پای اینجانب آمدند .

آقای پرویز خان‌امیری ـ راهنمای تعلیماتی ناحیهٔ خرم‌آباد ودوهزار و سه هزار ـ در حدود یك هفته در کوه و دشت بامن همراهی کردند .

آقای غلامحسین‌خان خلعت‌بری (نصرت‌نظام) درخانهٔ خودرا برمن گشودند و پس از احضارکربلائی صفرعلی‌منتظری ـ دهبان‌املاك ـ وضع بناهای خاندان خلعت‌بری را در خرم‌آباد برای اینجانب روشن کردند .

آقای حسینعلی‌علی‌پور در بررسی بخشهای‌نشتا ولنگا همکاری داشتند .

آقای سهراب دیلمی آثار اطراف کلارآباد و چارز ویال‌بندان و

راه قدیمی پیشبور را معرفی کردند .

آقایان کاظم زال‌رز و علی‌اصغر اسفندیاری و محمدسام در شناسائی آثار تاریخی حومهٔ چالوس و نواحی ییلاقی و کوهستان غربی کلارستاق کمکهای مفیدی کردند .

آقای سیدعبدالله حسینی‌آرا ـ مسؤول سپاه دانش ادارهٔ آموزش و پرورش نوشهر ـ و آقای فیروز کیا ـ راهنمای تعلیماتی سپاه‌دانش ـ با اینجانب در سرما و یخبندان زمستان ۱۳۵۳ در کوه و دشت کجور همپا بودند .

آقای حاج‌علی روحانی رئیس محضر شمارهٔدو نوشهر در شناسائی بخشهای جغرافیائی دشت‌کجور راهنمائیهای با ارزشی کردند .

دکتر افشین‌ستوده ـ دومین فرزند اینجانب ـ درسه سفر در سراسر دهکده‌های نورو نمارستاق یارو یاورمن بود.سفر اول ازکمربن به دهکده‌های اوزرود و کمررود و یالورود رفتیم . سفرهٔ گشادهٔ آقای کریم صدیق‌بهزادی دریالو رنج سفر را از خاطر ما برد . درهتر دوربین عکاسی از کار افتاد و مجبور به بازگشت شدیم .

در سفر دوم که خاطرات تلخ آن فراموش نشدنی است ، قاطری چموش که زیرپای اینجانب بود براثربرخورد به‌قاطرهای دیگر ، در نزدیکی اوز مرا به‌سختی به‌زمین‌کوبید . سرو صورت ودست راست آسیب دید . پس از گذراندن شبی‌دراز در اوز مجبور به بازگشت شدیم . پرستاریهای آقای عبدالهادی عقیلی ودلسوزیهای او در طول شب‌فراموش نشدنی است .

سفر سوم بادوست گرامی آقای امیرکاشفی ازکمربن باقاطر به‌راه‌افتادیم . در این‌سفر کاشفی‌نیزاز قاطرپرت شد و براثرآسیب‌پای‌او ازادامهٔ‌سفر منصرف شدیم و بازگشتیم .

سفر چهارم ازکمربن پس از طی دو روز راه در بلده به‌منزل

آقای خانبابا سلطانی وارد شدیم و بلده واطراف آن و ناحیهٔمیانرود بالا را بررسی کردیم و از راه‌فیول وایواونج به درهٔ نمارستاق وارد شدیم . ناحیهٔ نمارستاق را مورد مطالعه قراردادیم و خود را به کنار هراز رساندیم .

آقای نصرت‌الله سالاری معاون ادارهٔ آموزش و پرورش سولده راه را برای بررسی صفحات دشت‌نور گشودند .

آقای الیاس جعفری متصدی دفتر نمایندگی آموزش وپرورش چمستان بیش از یک‌هفته عمر خود رااز بام تاشام صرف همراهی این بنده کردند . از خداوند متعال سلامت و توفیق این افراد را مسئلت دارم .

بسیار مفتخرم که انجمن آثار ملی ، مجلد سوم ازآستارا تا استارباد را جزء سلسله انتشارات خود به چاپ رسانید . درزمان ریاست تیسار مرحوم سپهبد آق‌اولی‌رحمه‌الله‌رحمةواسعه ، انجمن به فکرافتاد که کتبی دربارهٔآثار تاریخی موجود ایران بنویسد و این کار را میان افراد مختلف‌تقسیم کرد . قرعهٔبررسی آثار تاریخی حاشیهٔ دریای خزر را به‌نام اینجانب زدند .

تاکنون پنج مجلد از کتاب آستارا تا استارباد به ترتیب زیر به چاپ رسیده است :

۱ــ مجلد اول شامل آثار تاریخی گیلان بیه‌پس .
۲ــ مجلد دوم شامل‌آثار تاریخی گیلان‌بیه‌پیش .
۳ــ مجلد سوم شامل آثار تاریخی مازندران غربی .
٤ــ مجلد ششم شامل اسناد تاریخی گرگان .
۵ــ مجلد هفتم شامل اسناد تاریخی گرگان .

امیداست مجلدات چهارم و پنجم که‌دربارهٔ آثار تاریخی مازندران شرقی و گرگان است در آتیهٔ نزدیکی به چاپ برسد .

از دوست همراه و رفیق موافق آقای مسعود گلزاری که در یکی از سفرهای کوهستان کجور وناحیهٔ کلارستاق و سفر دیگری در لاریجان قدم به‌قدم همراه من بودند وعکسهای زیبایی از این نقاط برداشته‌اند ، تشکر می‌کنم . کار چاپ این‌کتاب نیز به‌عهدهٔ ایشان بود و چنانکه از صفحات آن پیداست به‌خوبی‌ازعهده برآمده‌اند .

از کارکنان چاپخانهٔزیبا که‌دقت کافی درچاپ این کتاب کرده‌اند ممنون و متشکرم .

امید است دعای خیر من بدرقهٔراه کسانی باشد که در راه گسترش دانش سعی و کوشش دارند . خداوند چنین کسان را تنها نخواهد گذاشت و نظرلطف خود را از ایشان دریغ‌نخواهد داشت .

منوچهر ستوده

اول امرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

مطابق ۱۳۵۵ شمسی و۱۳۹۶ هجری قمری

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاك مازندران غربی

به ترتیب سنوات هجری قمری

بناها و آثارمورخ مازندران‌غربی‌زیاد قدیمی نیست . قدیمیترین آنها در ورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم پسرالمؤیدبالله در دهکدهٔ جزما (سیدابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن است که تاریخ آن به‌سال ۷۰۶ قمری می‌رسد و ازعمر آن ۶۹۰سال گذشته است . متأسفانه در سال ۱۳۵۳ شمسی که اینجانب مشغول بررسی این صفحات بودم با کمك‌متولی‌یك‌لنگه آن رادرهم شکسته‌ویکی‌دوشمسهٔ آن را به غارت برده بودند .

در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)مورخ ۷۴۳ چنانکه درمتن همین‌کتاب حدس زده‌ام مربوط به مقبرهٔ اونیست وازمحل دیگری بدینجا نقل شده است . زیرا که صندوق این مقبره مورخ ۹۵۱ هجری قمری است . آثار و بناهای مورخ دیگر متعلق به قرن نهم و دهم هجری و قرون بعد درمازندران غربی‌به‌نظر رسید که فهرست آنها به ترتیب سنوات به‌قرارزیر است :

۱ـ تاریخ درورودی بقعهٔ سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما(سیدابوالقاسم) دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص۷۵) ۷۰۶ هـ . ق .

۲ـ تاریخ اتمام در ورودی مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص۳۶) ۷۴۳ هـ . ق .

۳ـ تاریخ صندوق طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹۳) ربیع‌الاخر ۸۰۴ هـ . ق .

٤ـ تاریخ در ورودی‌بقعهٔ‌سلطان‌محمدکیادبیر صالحانی در صالحان کجور (ص ۲۰۱) محرم‌الحرام ۸۲۰ هـ . ق

٥ـ تاریخ صندوق امامزاده احمدرضا در لاسم بالالاریجان (ص٤۰۹) ربیع‌الاول ۸۲۱ هـ . ق .

٦ـ تاریخ کتیبهٔ نمای بیرونی بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹٦) ۸۲۸ هـ . ق .

۷ـ تاریخ اتمام نمای خارج بنای طاهر و مطهر در هزارخال کجور (ص ۱۹٦ و ۱۹۷) ۸۲۹ هـ . ق .

۸ـ تاریخ ختم بنای شاه‌بالو به‌دستور ملك‌کیومرث‌بن بیستون (ص۳٤٦) ۸٤۰ هـ . ق .

۹ـ تاریخ کتیبهٔ‌پیت‌حمام‌سر مقابل قلعهٔ‌گلپیر (ص ۳۰۱) ۸٤۸هـ.ق.

۱۰ـ تاریخ در ورودی بقعهٔ طاهر و مطهر درهزارخال کجور(ص۱۸۹) جمادی‌الاولی ۸٤۹ هـ . ق .

۱۱ـ تاریخ درورودی‌بقعهٔ امامزاده ابراهیم در تیرساتترستاق (ص۳۲۱) ۸٤۹ هـ . ق .

۱۲ـ تاریخ‌اتمام‌بقعهٔ‌جمشید کیاسلطان در المده کجور به دستور ملك‌کیومرث (ص ۲٤۰) ۸٥۱ هـ . ق .

۱۳ـ تاریخ‌صندوق‌مرقدملك‌کیومرث‌استندار (ص ۱۹٥) ۸٥۸هـ.ق.

۱٤ـ تاریخ صندوق مرقد درویش‌تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك (ص٤۲۳) محرم ۸٦۰ هـ . ق .

۱٥ـ تاریخ یادگاری شخصی نامعلوم بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی

ناسنگ لاشك‌کجور (ص۲۱۲) ذی‌قعده ۸۶۰ هـ . ق .

۱۶ـ تاریخ یادگاری ولی‌الدین دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ لاشك کجور (ص۲۱۱) ۸۶٤ هـ . ق .

۱۷ـ تاریخ در ورودی بقعهٔدرویش تاج‌الدین حسن‌ولی درنیاك(ص۴۲۲) ۸۶۶ هـ . ق .

۱۸ـ تاریخ یادگاری قطب‌الدین‌بن شیخ‌نورالدین شاه‌رستم دریاباری دربقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك کجور (ص ۲۱۱) ۸۷۰ هـ . ق .

۱۹ـ درورودی‌بقعهٔ سلطان حاجی که فعلا درورودی مرقد سلطان شهاب‌الدین است (ص ٤۷۵) ۸۷٤ هـ . ق .

۲۰ـتاریخ‌سنگ‌قبر شمس‌الدین‌بن حسام‌توپا در گورستان الیت‌کوهستان غربی کلارستاق (ص ۱٤۸) ۸۷٤ هـ . ق .

۲۱ـ تاریخ اتمام درورودی‌مسجد ابابکرعلی‌در دهکدهٔ‌کلا ازدهکده‌های میانرود بالای نور (ص۳۰۸) شوال ۸۷۷ هـ . ق .

۲۲ـ تاریخ درورودی‌مسجد متصل‌به بقعهٔامامزاده‌محمودبن موسی‌الکاظم درنایهٔ‌نور (ص ۲٦٤) ذی‌قعده ۸۷۷ هـ . ق .

۲۳ـ تاریخ اتمام درورودی یك‌لختی امامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرودنور (ص ۲۵۹) رمضان ۸۸۰ هـ . ق .

۲٤ـ تاریخ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌ابن اسکندرتاول در گورستان شاهزاده ابراهیم در دهکدهٔ صالحان کجور (ص۲۰۸) ۸۸۰ هـ . ق .

۲۵ـ تاریخ درورودی امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم‌در نایهٔ اوزرود نور (ص۲٦۲) جمادی‌الاخری ۸۸٦ هـ . ق .

۲٦ـ تاریخ یادگاری درویش مقبولی شاعربردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۰) ۸۸٦ هـ . ق .

۲۷ـ تاریخ درسابق امامزاده ابراهیم‌دردهکدهٔ دینان‌امیری لاریجان (ص۴۴۹) ۸۹۸ ه . ق .

۲۸ـ تاریخ سنگ‌قبرسلیمان‌ورام‌بن حسین ورام در گورستان قدیمی دهکدهٔ الیت در کوهستان غربی کلارستاق (ص۱۴۷) ۹۰۰ ه . ق .

۲۹ـ تاریخ اتمام درورودی امامزاده یوسف‌بن یعقوب درکلیك‌نور (ص ۲۷۶) سلخ رمضان ۹۰۰ ه . ق .

۳۰ـ تاریخ کاشی‌کاری ازارهٔ مرقد سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دیلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور (صفحات ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱) ۹۰۳ ـ ۹۰۱ ه . ق .

۳۱ـ تاریخ اتمام درورودی بقعهٔ درویش رستم در دهکدهٔاطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور (ص ۲۲۲) محرم ۹۰۴ ه . ق .

۳۲ـ تاریخ اتمام درورودی دیگر بقعهٔدرویش‌رستم در اطاق‌سرای زانوس رستاق‌کجور (ص ۲۲۴) رمضان ۹۰۴ ه . ق .

۳۳ـ تاریخ منبرسنگی مصلای دهکدهٔ صالحان کجور (ص ۲۰۷) محرم ۹۰۷ ه . ق .

۳۴ـ تاریخ اتمام صندوق مرقد امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا در دهکدهٔ تیرساترستاق‌نور (ص ۳۲۲) ۹۰۹ ه . ق .

۳۵ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده یحیی‌بن موسی‌بن جعفر در دهکدهٔ نوای بالالاریجان (ص ۴۲۶) ۹۱۹ ه . ق .

۳۶ـ تاریخ یادگاری درویش عمادالدین‌بن درویش‌احمد نائینی‌بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص۲۱۱) شوال ۹۲۰ ه . ق .

۳۷ـ تاریخ اتمام صندوق درویش‌الیاس درآس‌تنگهٔ شونادشت لاریجان (ص ۴۴۵) ۹۲۰ ه . ق .

۳۸ـ تاریخ اتمام درکفش‌کن امامزاده‌محمد و امامزاده ابراهیم دردهکدهٔ هتریالورود نور (ص ۲۸۸) ۹۲۰ هـ . ق .

۳۹ـ تاریخ اتمام در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم دردهکدهٔ اوز ازدهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۵۸) ۹۲۳ هـ . ق .

۴۰ـ تاریخ‌اتمام‌صندوق مرقدبی‌بی‌خانم دردهکدهٔ نسل‌نمارستاق‌نور (ص ۴۸۶) ۹۲۶ هـ . ق .

۴۱ـ تاریخ اتمام قبهٔ‌مسین گنبد امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ هتریالورودنور (ص ۲۸۹) رجب ۹۲۶ هـ . ق .

۴۲ـ تاریخ‌اتمام درورودی بقعهٔ سلطان ابابکر درکلاز دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۷) رمضان ۹۲۷ هـ . ق .

۴۳ـ تاریخ‌اتمام در ورودی بقعهٔ‌امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور (ص ۲۶۹) شعبان ۹۳۳ هـ . ق .

۴۴ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده جعفربن امام‌علی‌النقی در انگرود اوزرود نور (ص ۲۶۹) ذی‌الحجه ۹۳۴ هـ . ق .

۴۵ـ تاریخ اتمام‌درورودی‌امامزاده‌محمدوامامزاده ابراهیم درهتریالورود نور (ص ۲۸۹) غره ذی‌قعده ۹۳۹ هـ . ق .

۴۶ـ تاریخ درورودی سابق سلطان ابابکر در دهکدهٔ‌کلا از دهکده‌های میانرودبالای‌نورکه‌فعلا درانباربقعهٔ است(ص۳۰۸) رجب ۹۴۳ هـ . ق .

۴۷ـ تاریخ یادگاری شیخ‌حسین‌بن شیخ‌عزالدین درباه‌باری معروف به لارجانی در بقعهٔ‌درویش‌امیر در اراضی ناسنگ‌لاشك‌کجور (ص ۲۱۱) ۹۵۰ هـ . ق .

۴۸ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ سلطان ابابکر در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور (ص ۳۰۵) ۹۵۰ هـ . ق .

۴۹ـ تاریخ صندوق مقبرهٔ پلاسید درسادات‌محلهٔ رامسر (ص ۳۶) ۹۵۱ هـ . ق .

۵۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌سیدحسین‌دردهکدهٔ تازه‌آباد سرراه اسپچین به‌ساقی‌کلایه (ص ۹۳) جمادی‌الاخر۹۵۸ هـ . ق .

۵۱ـ تاریخ اتمام‌صندوق‌مرقدسیدسعدین در یاسل‌نور (ص ۲۷۳) محرم ۹۶۰ هـ . ق .

۵۲ـ تاریخ اتمام صندوق مرقدسید محمدکیا دبیرصالحانی درصالحان کجور (ص ۲۰۳) ذی‌الحجه ۹۶۴ هـ . ق .

۵۳ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده ابراهیم در دهکدهٔتیرساتترستاق‌نور (ص ۳۲۰) ۹۶۸ هـ . ق .

۵۴ـ تاریخ اتمام‌بنا ودرورودی امامزاده هفت‌تنان در هفت‌تنان بهرستاق لاریجان (ص ۴۵۵) ذی‌الحجهٔ ۹۷۰ هـ . ق .

۵۵ـ تاریخ اتمام صندوق مقبرهٔ امامزاده انوشیروان در سراسب‌کمررود نور (ص ۲۸۴) ربیع‌الثانی ۹۷۵ هـ . ق .

۵۶ـ تاریخ اتمام‌بنای‌بقعهٔ درویش‌رستم‌ودرویش شهراگیم دراطاق‌سرای زانوس کجور (ص ۲۲۵) صفر ۹۷۸ هـ . ق .

۵۷ـ تاریخ سنگ‌قبر قاهرعلی‌بیگ غجرچاوشلو در مسجد جامع‌بلدهٔ نور محرم ۹۷۹ هـ . ق .

۵۸ـ تاریخ اتمام درورودی‌دیگر امامزاده هفت‌تنان در دهکدهٔ هفت‌تنان بهرستاق لاریجان (ص ۴۶۵) ۹۸۱ هـ . ق .

۵۹ـ تاریخ یادگاری سیدملک‌جان بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر دراراضی ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) جمادی‌الاولی ۱۰۱۷ هـ.ق.

۶۰ـ تاریخ یادگاری محمدخیاط بردیوار بقعهٔ درویش‌امیر در اراضی ناسنگ لاشک‌کجور (ص ۲۱۲) ۱۰۱۸ هـ . ق .

۶۱ـ تاریخ سنگ‌قبر سیدصالح‌طاج (ظاهراً : کاج)بن ملك‌مظفر در گورستان خالدکیاسلطان درمناچیرکلای علوی کـلای کجور (ص ۲۳۸) ربیع‌الاخر ۱۰۲۸ هـ . ق .

۶۲ـ تاریخ اتمام درورودی امامزاده رضا درکچل‌ده میانرود سفلای‌نور (ص ۳۴۷) ربیع‌الاول ۱۰۲۹ هـ . ق .

۶۳ـ تاریخ اتمام پل‌شاه‌عباسی‌درپلوربالالاریجان (ص ۴۰۵) ۱۰۳۴ هـ . ق.

۶۴ـ تاریخ تحریرسند مبایعه یافته‌شده در کنـدلوس میخـاز کجـور (ص ۲۱۷ و ۲۱۸) ۱۰۳۶ هـ . ق .

۶۵ـ ماده تاریخ تجدید بنای دزگامزگتی دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۲) ۱۰۴۵ هـ . ق .

۶۶ـ تاریخ سنگ‌قبر آخوند . . . بن‌شیخ‌مراد ملاآقا برسرراه دلیربه الیت از دهکده‌های کوهستان کلارستاق (ص ۱۴۶) ۱۰۷۰ هـ . ق .

۶۷ـ تاریخ سنگ‌قبرفخرالدین‌بن عبدالهادی‌رستمداردردهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص۲۳۵) ۱۰۷۷ هـ . ق .

۶۸ـ تاریخ سنگ‌قبر زرینکمر ولدمظفرباغبان وپری‌بنت حسین‌کمانگر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنـور (ص ۳۰۰) ذوالحجه ۱۰۷۸ هـ . ق .

۶۹ـ تاریخ سنگ‌قبرنام‌آور انگریج‌بن محمد در اراضی قلاکوتی‌نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲۴۸) محرم ۱۰۹۳ هـ . ق .

۷۰ـ تـاریخ سنگ‌قبر درویش مرزا بن زرینکمر در امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم در دویلات میانرودنور (ص ۳۰۰) ۱۱۰۱ هـ . ق .

۷۱ـ تاریخ سنگ‌قبر درویش شاهبیك‌بن زرینکمر درامامزاده محمودبن

موسی‌الکاظم در دویلات میانرود نور (ص ۳۰۰) ۱۱۰۱ ه . ق .

۷۳ـ تاریخ اتمام صندوق مقبرهٔ شیخ‌احمد نوری در بلدهٔ نور (ص ۳۹۱) ذوالحجه ۱۱۰۲ ه . ق .

۷۳ـ تاریخ لوحه‌ای چوبین که سنگ‌قبر درویش گرشاسب‌بن درویش‌محمد دربقعهٔ سید سعدین در یاسل‌اوزرود نور (ص ۲۷٤) ۱۱۰۹ ه . ق .

۷٤ـ تاریخ زیارتنامه‌ای برسنگ پادزهر دربقعهٔ امامزاده سیدزکریا در اوزکلای اوزرودنور (ص ۲٦۱) ۱۱۲۷ ه . ق .

۷۵ـ تاریخ سنگ‌قبر قاسمعلی‌بیج ولدمحمدجعفر در گورستان‌نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۳۱ ه . ق .

۷٦ـ تاریخ سنگ‌قبر آخوندملامحمدزمان در دهکدهٔ جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ۱۱۵۰ ه . ق .

۷۷ـ تاریخ سنگ‌قبر آخوندملاعزیزبن درویش شرف‌الدین در جورکلاك اوزرود نور (ص ۲۵۳) ربیع‌الاول ۱۱۵٦ ه . ق .

۷۸ـ تاریخ سنگ‌قبر علی‌نقی‌ابن کربلائی محمدلطیف بابوکر (ص ۳٤۲) ۱۱۷۷ ه . ق .

۷۹ـ تاریخ سنگ‌قبر حوا بنت‌محمدباقر انگرودی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرود نور (ص ۲٤۹) ۱۱۸٤ ه . ق .

۸۰ـ تاریخ اتمام صندوق امامزاده‌ابراهیم دردهکدهٔ دینان‌امیری‌لاریجان (ص ٤۵۰) ۱۲۰٤ ه . ق .

۸۱ـ تاریخ سنگ‌قبر آقامیرمحمدحسین در گورستان مقبرهٔ پلاسید در سادات‌محلهٔ سخت‌سر(رامسر)تنکابن (ص۳۷) ۱۲۰٦ه.ق.

۸۲ـ تاریخ سنگ‌قبر رمضانعلی ولدحیدر در گورستان امامزاده‌ابوالقاسم دردهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آبادتنکابن

(ص ۷۵) ۱۲۰۹ هـ . ق .

۸۳ـ تاریخ سنگ‌قبر امیرخان‌بن شاه‌قباد خواجه‌وند در گورستان شاهزاده حسین درفیروزکلای پایین‌کجور (ص۱۸۰) ۱۲۱٤ هـ . ق .

۸٤ـ تاریخ اتمام منبرامامزاده احمدرضا در دهکدهٔ لاسم بالالاریجان (ص ٤۱۰) ۱۲۱۵ هـ . ق .

۸۵ـ تاریخ‌درورودی‌بقعهٔ‌امامزاده‌یحیی درنوااز دهکده‌های بالالاریجان (ص ٤۲٦) ۱۲۱۷ هـ . ق .

۸٦ـ تاریخ سنگ قبر حاجی الله‌ویردی در گورستان نسن از دهکده‌های اوزرودنور (ص ۲٤۹) ۱۲۲۰ هـ . ق .

۸۷ـ تاریخ اتمام درورودی بقعهٔ‌امامزاده ابراهیم در دهکدهٔ‌دینان امیری‌لاریجان (ص ٤٤۹) ذی‌القعده ۱۲۲۳ هـ . ق .

۸۸ـ تاریخ سنگ قبر آقاحسین ولد آقاصالح در گورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده‌ابوالقاسم) دوهزارخرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۱۲۲٤ هـ . ق .

۸۹ـ تاریخ سنگ‌قبرتیمورخان ولد شیرمحمدخان‌خواجه‌وند فیروزکلائی (ص ۱۸۰) ۱۲۲٤ هـ . ق .

۹۰ـ تاریخ سنگ‌قبر علی‌اکبربن عباس‌رکا در الامل‌کوهستان‌کلارستاق (ص ۱۵۲) ۱۲۲۷ هـ . ق .

۹۱ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق‌سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۲ـ تاریخ‌اتمام‌منبر امامزاده عبدالمناف در دهکدهٔ عبدالمناف‌نمارستاق نور (ص ٤۸۵) ۱۲۳۰ هـ . ق .

۹۳ـ تاریخ سنگ‌قبر محمدنصیر سلطان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند در

فیروزکلای پایین کجور (ص ۱۸۱) ۱۲٤۰ هـ . ق .

۹٤ـ تاریخ سنگ‌قبر نامدارخان‌بن کاکاسلطان خواجه‌وند درفیروزکلای پایین‌کجور (ص ۱۸۱) ۱۲٤۲ هـ . ق .

۹۵ـ تاریخ سنگ‌قبر خدیجه‌بانو بنت‌کربلائی آقابابادرگورستان‌بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات‌کوتی گلیجان تنکابن (ص ٤۹) ۱۲٤۵ هـ . ق .

۹۶ـ تاریخ‌سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌آقا سیدابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص٤۹) ۱۲۶۰ هـ . ق .

۹۷ـ تاریخ سنگ‌قبر کبریاخاتون بنت‌استادعلی‌خان ملقب به‌سیف دربقعهٔ چهارسی پیمد میان‌بندنور (ص۳۶۲) رمضان ۱۲۶۱ هـ.ق.

۹۸ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر(رامسر)تنکابن(ص ۳۳) ۱۲۶۷ هـ . ق .

۹۹ـ تاریخ سنگ قبری در گورستان مسجد حاجی میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳٤) ۱۲۶۷ هـ . ق .

۱۰۰ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان‌دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۶۹ هـ . ق .

۱۰۱ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۲۷۰ هـ . ق .

۱۰۲ـ تاریخ سنگ‌قبر رمضان ولدغلامعلی در گورستان بقعهٔ آقاسید ابراهیم در دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن (ص ٤۹) ۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۳ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان مسجد حاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳٤)

۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰٤ـ تاریخ صندوقی‌چوبین برای‌مواد خواربار درنوجمه (ص ۳۷۵) ۱۲۷۲ هـ . ق .

۱۰۵ـ تاریخ سنگ‌قبر شاه‌نظر ولدالهی جوربند لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب‌پیغمبر دردهکدهٔ‌بندبن‌لنگای‌تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷۳ هـ . ق .

۱۰٦ـ تاریخ سنگ‌قبر مهربانوبنت علی‌رضا درگورستان بقعهٔ‌ایوب‌پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷٤ هـ . ق .

۱۰۷ـ تاریخ سنگ‌قبر زینب‌بنت کربلائی‌حاجی در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۱۲۷٦ هـ . ق .

۱۰۸ـ تاریخ سنگ‌قبرشهربانوبنت‌آقامحمدبیگ درگورستان دزگامزگتی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص۳۳) ۱۲۷۷ هـ . ق .

۱۰۹ـ تاریخ سنگ‌قبر عباسقلی ولدحبیب‌الله‌خان در گورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۱۲۷۸ هـ . ق .

۱۱۰ـ تاریخ اتمام بنای تکیهٔ یوش از دهکده‌های اوزرودنور به‌امر محمداسماعیل‌خان نوری وکیل‌الملك (ص ۲۷۱ و ۲۷۲) ذی‌الحجةالحرام ۱۲۸۰ هـ . ق .

۱۱۱ـ تاریخ اتمام ضریح بقعهٔ امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم درناية اوزرود نور (ص ۲٦۳) ۱۲۸۸ هـ . ق .

۱۱۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌طاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۲۹۰ هـ . ق .

۱۱۳ـ تاریخ کتیبهٔ شکل‌شاه در تنگ‌بریده در لاریجان (ص ٤۵۳)

۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱٤- تاریخ سنگ‌قبرعسکر ولدمحمدجردورونی درگورستان سیدالوافی درکلارآباد لنگای تنکابن (ص ۹٦) ۱۲۹۵ هـ . ق .

۱۱۵- تاریخ اتمام نجاری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم درنانواکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور (ص۳۵۱) ۱۲۹۸ هـ . ق .

۱۱٦- تاریخ اتمام در ورودی امامزاده‌قاسم در دهکدهٔ پایین و از ناتل‌رستاق دشت‌نور (ص ۳٤۰) جمادی‌الاخری ۱۲۹۹ هـ . ق .

۱۱۷- تاریخ اتمام در ورودی شاه‌رضاکیاسلطان در گورستان قدیمی ناتل از دهکده‌های ناتل‌کنار نور (ص ۳۵٦) ۱۳۰۱ هـ . ق .

۱۱۸- تاریخ تعمیر امامزاده سیدزکریا در دهکدهٔ اوزکلای اوزرود نور (ص ۳۵۹) ۱۳۰۲ هـ . ق .

۱۱۹- تاریخ‌تعمیر گنبدطاهر ومطهر دردهکدهٔ‌هزارخال کجور(ص۱۹۸) ۱۳۰٤ هـ . ق .

۱۲۰- تاریخ سنگ‌قبری در گورستان بقعهٔ‌طاهر ومطهر درهزارخال‌کجور (ص ۱۹۹) ۱۳۰۹ هـ . ق .

۱۲۱- تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌میرزابابا ولد مرحوم ابوالفضل درگورستان امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم)دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۹) ۱۳۱۲ هـ . ق .

۱۲۲- تاریخ سنگ‌قبر غلامحسین‌بن نوروزعلی‌بیگ‌اسکی درمسجدغربی بقعهٔ سلطان‌سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ٤۳۷) ۱۳۱۳ هـ . ق .

۱۲۳- تاریخ درورودی‌امامزاده صالح‌در سوردار میان‌بندنور (ص۳۹٦) شوال ۱۳۲۰ هـ . ق .

۱۲٤ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۲۱ هـ . ق .

۱۲۵ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی در جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳٤) ۱۳۲۲ هـ . ق .

۱۲٦ـ تاریخ سنگ‌قبری درگورستان دزگامزگتی درجوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۳۲۲ هـ . ق .

۱۲۷ـ تاریخ سنگ‌قبر شیخ‌محمدعلی گزانی در مسجدشرقی‌بقعهٔ‌سلطان سیدمحمد قرشی درامامزاده سرگزنگ بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۱۳۲۷ هـ . ق .

۱۲۸ـ سنگ‌قبری در گورستان مسجدحاجی‌میرزا عبدالباقی درجوردی (جواهرده)ییلاق سخت‌سر (رامسر)تنکابن (ص ۳٤) ۱۳۲۹ هـ . ق .

۱۲۹ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان دزگامزگتی در جوردی(جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر) تنکابن (ص ۳۳) ۱۳۲۹ هـ . ق .

۱۳۰ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده قاسم در زوات‌دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳۵ هـ . ق .

۱۳۱ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان امامزاده‌قاسم درزوات دشت کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳٦ هـ . ق .

۱۳۲ـ تاریخ سنگ‌قبری در گورستان اطراف امامزاده قاسم در زوات دشت‌کلارستاق (ص ۱۰۸) ۱۳۳۸ هـ . ق .

طرح و نمای بناهای متبرك مازندران غربی

طرح بناهای متبرك درقسمتی از خاك مازندران غربی تقریباً همانند بناهای متبرك گیلان ازاطاقی چهارگوشه یامستطیل شکل‌تشکیل

شده است . در این قسمت از خاك‌مازندران از حدقدیمی این سرزمین که‌رودخانهٔ سورخانی یا سفید تمیش است تاسامان کلارستاق به بناهایی برمی‌خوریم که طرح‌ونمای آنها یابناهایی که‌یادآور شدیم اختلاف دارد. این‌بناها تحت تأثیر طرح‌ونمای بناهای متبرك خاك شرقی مازندران است‌که معمولا میلهای‌مدوریاشش‌ضلعی یاهشت‌ضلعی است . از آنهااست بقاع متبرك‌وبنای امامزاده‌های زیر :

۱ـ بقعهٔ سیدابراهیم نزدیك دهکدهٔ کرات کوتی گلیجان تنکابن که طرح‌ونمای خارجی آن مدور است (ص ٤٨) .

۲ـ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ زوات ازبلوك‌دشت کلارستاق که نه‌ترك است (ص ۱۰۷) .

۳ـ بقعهٔ‌حمزه‌رضا در دهکدهٔ کوشك سرای‌چالوس که طرح‌ونمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۱٦) .

٤ـ امامزاده خلیل‌درسعدآباد بیرون‌بشم کلارستاق که‌طرح ونمای اصلی آن‌چهارگوشه است‌وبامی کلاه‌درویشی به‌شکل‌منشورمثمن‌القاعده دارد (ص ۱۱۸) .

٥ـ بقعهٔ آقاعبدالرضا دردهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق‌که‌طرح ونمای آن شش‌ضلعی است (ص ۱۱۹) .

٦ـ بقعهٔ سیدمحمد دردهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم که‌نمای آن چهارگوشه است و بامی کلاه‌درویشی به‌شکل هرم مثمن‌القاعده دارد ص(۱۲۳) .

۷ـ امامزاده زکریا در دهکدهٔ شکرکوه کلاردشت که‌طرح ونمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۳۲) .

۸ـ بقعهٔ فضل‌وفاضل برسر کوه‌زردك‌درجنوب‌دهکدهٔ فشکورکوهستان کلارستاق که طرح آن چهارگوشه است و گنبدی مدور دارد (ص ۱٤٥) .

۹ـ بقعهٔ امامزاده اسماعیل در دهکدهٔالامل کوهستان کلارستاق که طرح و نمای آن هشت‌ضلعی است (ص ۱۵۱) .

از ساحل راست رودخانهٔ چالوس که حدفاصل ناحیهٔ کجور و کلارستاق است ، طرح‌ونمای عمومی بناهای متبرك عوض می‌شود و هرچه به جانب شرق مازندران می‌رویم بیشتر به‌بناهای چهارضلعی و شش‌ضلعی وهشت ضلعی بابامهای کلاه‌درویشی برمی‌خوریم و ازکنارهٔ راست رودخانهٔ هراز به جانب شرق تقریباًطرح تمام‌بقاع متبرك هشت ضلعی یا شش‌ضلعی‌است . شاید بقعهٔشاه‌بالو در آهودشت ناتل‌رستاق که درزمان ملك‌کیومرث در سال ۸۴۰ قمری ساخته‌شده و بقعهٔشیخ‌سلطان‌ـ احمد در بلدهٔنوررابتوان نمونه‌های زیبا و کامل این طرح درخـاك مازندران غربی دانست .

برای تزیین این بناها هنرمندان بسیاری سالها به‌کار مشغـول بوده‌اند و به کنده‌کاری درها و صندوقهای مرقدها یاکاشی‌کـاری و گچ‌بری جداراداخلی بناها ونوشتن‌کتیبه‌برجدارهای خارجی‌پرداخته‌اند. دراینجا نامهای‌ایشان رایادآور می‌شویم و به‌ذکر هنر هریك می‌پردازیم.

خطاطان و کتیبه نویسان

۱ـ محمودبن نجیب رستمداری‌درسال ۸۰۴ قمری کتیبهٔ صندوق طاهرو مطهر را در هزارخال کجور نوشته است (ص ۱۹۳) و هموست که کتیبه‌های آجری نمای خارجی این بقعه را درسال ۸۲۹قمری تحریر کرده است (ص ۱۹۶) .

۲ـ گودرز در سال ۹۰۴ قمری کتیبه‌های در ورودی درویش‌رستم و درویش شهراگیم را دراطاق‌سرای زانوس کجور نوشته است (ص ۲۲۳) .

۳ـ حسین بن عباس در سال ۹۵۱ قمری کتیبه‌های صندوق مقبرهٔ پلاسید

رادر دهکدهٔ سادات‌محله از دهکده‌های سخت‌سر (رامسر) تنکابن نوشته است (ص ۳۶) .

٤ـ حاجی‌محمد گیلانی در سال ۹٦٤ قمری کتیبه‌های صندوق‌سیدمحمد کیا دبیرصالحانی را در صالحان کجور نوشته است(ص ۲۰۳).

٥ـ محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی در سال ۹٦۸ قمری کتیبه‌های صندوق امامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور نوشته است (ص ۳۱۸) .

٦ـ عبدالله درسال ۱۰۲۹ قمری کتیبه‌های در ورودی بقعهٔامامزاده رضا رادر کچل‌ده میانرود سفلای‌نور نوشته است (ص ۳٤۷) .

۷ـ سلمان‌بن محمدبن ملامحمودملك ساکن قریهٔ یالو در سال ۱۲۹۸ قمری کتیبه‌های بقعهٔ امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم را در نانواکلای ناتل‌رستاق‌نور نوشته است (ص ۳۵۱) .

۸ـ رضا ولد معصومعلی‌توب در رجب ۱۳۰۱ کتیبه‌های درورودی‌بقعهٔ شاه‌رضا کیاسلطان رادر ناتل‌رستاق‌نور نوشته است (ص۳۵٦).

۹ـ محمود رستمداری نویسندهٔ کتیبهٔ نمدجوق در لاراست که‌متن کتیبهٔ آن را دستی تراشیده و ازمیان برده‌اند (ص ۳۸۸) .

۱۰ـ مشهدی‌حسین روضه‌خوان کتیبه‌های تکیهٔ نوا را در دهکدهٔ نوا از دهکده‌های بالالاریجان نوشته است (ص ٤۲۷) .

۱۱ـ خسروبن اسکندر کتیبه‌های صندوق امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان نوشته است . تاریخ اتمام منبر این‌امامزاده سال ۱۲۱٥ قمری است . نام این کاتب را اعتمادالسلطنه حسین‌بن اسکندرخوانده است (ص ٤۰۹) .

نجاران و کنده‌کاران (=نقاران)

نجاران و کنده‌کاران فراوان در صفحات دشت و کوهستان

مازندران درهای ظریف و صندوقهای مرقد پرکار ساخته‌اند . کارهای هنری ایشان تا امروز چشم شیفتگان هنررا خیره می‌کند و ازبن‌دندان به تحسین وآفرین وامی‌دارد . تنها در کوهستان نور چهارنسل از خاندانی لواسانی به نامهای محمد وعلاءالدین و خوشنام و محمود ، ازسال ۹۲۳ تا سال ۹۶۶ قمری ، به‌مدت چهل وسه سال به کار نجاری وکنده‌کاری مشغول‌بوده‌اند وکنده‌کاریهای ظریف بردرها وصندوقهای بقاع متبرك نور ازخودبه‌جای گذاشته‌اند . تاجائیکه نگارنده بررسی کرد می‌توان صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور که به دست علاءالدین‌بن محمد ساخته شده ، ظریفترین‌وپرکارترین کار این‌خاندان دانست . باید به جرأت گفت که نظیر این صندوق در سایرنقاط کوهستانی ودشت مازندران غربی نیز دیده نشده است .[1]

برای اینکه نامهای استادان نجار وکنده‌کار ضبط وثبتی پیدا کند ، در اینجا فهرستی ازنامهای ایشان را باذکر کاری که کرده‌اند می‌آوریم :

۱ـ استاد حسین‌بن حاجی‌تنهجانی در سال ۷۴۳ قمری درکنونی [2] مقبرهٔ پلاسید را در سادات محلهٔ سخت‌سر (راسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۲ـ فرهادبن استاد رستم خلیل‌المحلی در سال ۷۸۲ صندوق بقعهٔهادی کیا را در حسن‌کیف‌مرکز کلاردشت ساخته است (ص ۱۴۰).

۱ـ شایدبتوان صندوق مرقد طاهرومطهر وصندوق‌گورملك‌کیومرث را در هزارخال کجور تا اندازه‌ای نظیر این صندوق دانست . ۲ـ ظاهراً این در برای این‌بقعه ساخته نشده است .

۳ـ استاد محمدبن‌الحسین‌النجار معروف به کیاکردی ولایت رودی [۱] در سال ۸۰٤ صندوق مرقد طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۹۳) .

٤ـ محمدعلی نجار در سال ۸۲۱ صندوق امامزاده احمدرضا را درلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۰۹) .

۵ـ حسین‌نجار لواسانی در سال ۸۷٤ در ورودی‌سلطان حاجی را در دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ساخته است (ص ٤۷۵) .

٦ـ محمدشاه نجار لارجانی در سال ۸۷٤ قمری در ورودی دیگر بقعهٔ سلطان حاجی را دردهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق نور ساخته است (ص ٤۷۵) .

۷ـ محمدبن حسین‌کیاکردی درسال ۸٤۹ قمری در ورودی بقعهٔ طاهرو مطهر را در هزارخال کجور ساخته است (ص ۱۸۸) .

۸ـ استاد یوسف‌بن [حسین] نجار فیروزی در سال ۸٤۹ قمری دردیگر بقعهٔ طاهرومطهر را در هزارخال کجور ساخته است(ص۱۸۹).

۹ـ استاد حاجی‌بن استادمحمود در سال ۸٤۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را درتیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۱) .

۱۰ـ پیروزنجاربن شمس‌نجار در سال ۸٤۹ در ورودی بقعهٔامامزاده ابراهیم را در تیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۱) .

۱ـ این دهکده بنام «ولات‌رود» معروف است . این نام از سه‌جزء«ویه» به معنی خوب و «لات» به معنی زمین کناررودخانه و کلمه«رود»ترکیب است یعنی محلی‌که زمین کنار رودخانهٔ آن بارور وحاصلخیز است و به غلط به ولایت رود معروف شده است .

۱۱ـ استاد بایزیدبن محمدنجار جیلاردی [۱] در سال ۸۶۶ در ورودی درویش تاج‌الدین حسن‌ولی را در نیاك بالالاریجان ساخته‌است (ص ۴۲۲) .

۱۲ـ استاد سلیمان‌بن حسین‌نجار فیروزی در سال ۸۷۵ در ورودی‌انبار کوچك متصل به بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه (ناحیه) اوزرود نور ساخته است (ص ۲۶۴) .

۱۳ـ حسین‌بن نجار در شوال‌سال ۸۷۷ قمری در ورودی مسجدسلطان ابابکرکیا را در کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص ۳۰۸) .

۱۴ـ سیدعلی درسال ۸۸۰قمری در ورودی‌بقعهٔ سید زکریارا دردهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲۵۹) .

۱۵ـ استاد خسروبن علی‌نجار در سال ۸۸۰ در ورودی بقعهٔ سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۰) .

۱۶ـ استاد حبیب‌بن استادحسین نجارکمری در سال ۸۸۶ در ورودی بقعهٔ امامزاده محمود را در نایه از دهکده‌های اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۲) .

۱۷ـ حبیب‌الله‌بن حسین کمری درسلخ‌رمضان ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده یوسف رادر کلیك‌نور ساخته است (ص ۲۷۶) .

۱۸ـ استادمحمدبن اسماعیل نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی بقعهٔ امامزاده زکریا را درشکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۱۹ـ استاد حسن‌بن علی‌نجار در حدود سال ۹۰۰ در ورودی امامزاده

۱ـ امروز گیلیارد گویند از دهکده‌های دماوند است . ۲ـ منسوب به‌کمر (بضم کاف‌ومیم) از دهکده‌های کمر رودنور است .

زکریا را در شکرکوه کلاردشت کلارستاق ساخته است (ص ۱۳۳) .

۲۰ـ استاد علی‌اصغر درحدود سال ۹۰٤ قمری پنجرهٔ مشبك بقعهٔ درویش رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲٤) .

۲۱ـ استاد درویش محمدبن رستم در سال ۹۰٤ قمری درورودی بقعهٔ درویش‌رستم را در اطاق‌سرای زانوس‌رستاق کجور ساخته است (ص ۲۲۳) .

۲۲ـ استاد محمدخان گیلانی‌در سال ۹۰۹ قمری صندوق امامزاده محمود را در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق‌نورساخته است (ص ۳۲۲) .

۲۳ـ استاد محمودنجار درسال ۹۱۹ صندوق امامزاده یحیی را در دهکدهٔ نوااز دهکده‌های‌بالالاریجان ساخته است (ص٤۲٦).

۲٤ـ خشنام‌لپاسانی در سال ۹۲۳ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده‌موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲۵ـ یعقوب‌کم در سال ۹۲۳ قمری همراه خشنام‌لپاسانی در ورودی بقعهٔ امامزاده موسی را در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲۵۸) .

۲٦ـ خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمود لباسانی درسال ۹۲٦ صندوق‌مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ٤۸٦) .

۲۷ـ محمدبن حسن در سال ۹۲٦ همراه خشنام‌بن علاءالدین لباسانی صندوق مرقد بی‌بی خانم را در نسل نمارستاق ساخته است (ص ٤۸٦) .

۲۸ـ محمدنجار لواسانی در سال ۹۲۷ در ورودی بقعهٔ‌سلطان‌ابابکرکیا

را در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص ۳۰۲) .

۲۹ـ خشنام‌بن علاءالدین لواسانی درسال ۹۳۳ در ورودی بقعهٔامامزاده جعفر را در انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۸) .

۳۰ـ خشنام‌بن علاءالدین‌بن محمودنجار لواسانی در سال ۹۳٤ صندوق مرقد امامزاده جعفر را دردهکدهٔ انگرود اوزرودنور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۱ـ علاءالدین‌بن محمدبن حسن‌لواسانی درسال۹۳٤همراه خشنام‌بن علاءالدین صندوق مرقد امامزاده جعفر را درانگرود اوزرود نور ساخته است (ص ۲۶۹) .

۳۲ـ استادخوشه‌نام (= خشنام)بن استاد علادین (= علاءالدین) لباسانی درغرهٔ ذی‌قعدهٔ ۹۳۹ قمری در ورودی بقعهٔ امامزاده محمد و امامزاده ابراهیم را در هتریالورود نور ساخته است (ص ۲۸۹) .

۳۳ـ استاد ابراهیم‌بن استادنظر تنکابنی در سال ۹۵۱ قمری صندوق مرقد پلاسید را درسادات‌محلهٔ سخت‌سر(رامسر) تنکابن ساخته است (ص ۳۶) .

۳٤ـ علاءالدین‌بن محمدنجار لباسانی در سال ۹۵۶ ، صندوق مرقد سلطان ابابکرکیا را دردهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای‌نور ساخته است (ص۳۰۳) .

۳۵ـ استاد ابراهیم‌بن خوشنام نجارلباسانی درسال ۹۶۰ صندوق بقعهٔ سید سعدین را دریاسل اوزرودنور ساخته است (ص ۲۷۳) .

۳۶ـ علاءالدین‌بن محمدنجار در سال ۹۶٤ صندوق سیدمحمدکیا دبیر صالحانی را در صالحان‌کجور ساخته است (ص ۲۰۳) .

۳۷ـ استادمحمودبن استادخشنام‌بن محمود لپاسانی درحدود سال۹۶۶

درورودی بقعهٔ سیدسعدین را دریاسل اوزرودنور ساخته است (ص ۲۷۳) .

۳۸ـ شاه‌محمد دیلمانی درشوال ۹۶۸ قمری‌صندوق مرقد امامزاده ابراهیم را درتیرسای تترستاق‌نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۳۹ـ استادکمال صوفی درسال ۹۶۸ همراه شاه‌محمددیلمانی صندوق مرقد امامزاده ابراهیم را در تیرسای تترستاق نور ساخته است (ص ۳۲۰) .

۴۰ـ استاد عزالدین‌بن یوسف‌نجار لباسانی در ربیع‌الثانی سال ۹۷۵ قمری صندوق مرقد امامزاده انوشیروان در سراسب کمرود نور ساخته است (ص ۲۸٤) .

۴۱ـ استاد اسفندیاربن کیا فلك‌الدین‌کلوت در سال ۹۷۶ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمد کیاسلطان را درخجیرکلای اوزرود نور ساخته است (ص ۲۷۰) .

۴۲ـ استاد ضحاك‌بن استادحسین نجار اروی درسال۹۷۹ قمری صندوق هفت تنان در دهکده هفت تنان از دهکده های بهرستاق لاریجان را ساخته است . این صندوق عظیمترین صندوقی است‌که نگارنده تاکنون در صفحات شمال دیده است . (ص ٤۵۸) .

۴۳ـ بابوشاه‌بن جلال‌الدین نجار دماوندی درسال ۹۷۹ همراه استاد ضحاك‌بن استاد حسین‌نجار اروی صندوق هفت‌تنان را ساخته است (ص ٤۵۸) .

٤٤ـ استاد شرفالدین‌بن افضل‌صوفی نقارلباسانی در سال ۹۸۱ در ورودی بقعهٔ هفت‌تنان را در هفت‌تنان بهرستاق لاریجان ساخته است (ص ٤۵۶) .

۴۵ـ استاد میرزاعلی ولدمشهدی رمضان‌قصری [۱] درسال ۱۰۲۹ قمری در ورودی بقعهٔ‌امامزاده رضارا درکچل‌ده میان‌رود سفلای‌نور ساخته است (ص ۳۴۷) .

۴۶ـ استاد ملاآقاجان نجار در سال ۱۱۰۰ در ورودی‌بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را دردهکدهٔ دلاز دهکده‌های دلارستاق‌نور ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۷ـ مشهدی گلبابا نجار درسال۱۱۰۰ همراه‌استاد ملاآقاجان‌درورودی بقعهٔ سلطان‌احمد نریزنده را در دهکدهٔ دلا ساخته است (ص ۴۶۷) .

۴۸ـ استاد ابراهیم درذوالحجهٔ سال۱۱۰۲قمری‌صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری رادر بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۴۹ـ استاد مظفر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ قمری همراه استاد ابراهیم صندوق مرقدشیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۰ـ استاد محمود در ذوالحجهٔ‌سال ۱۱۰۲ قمری همراه‌استاد ابراهیم صندوق مرقد شیخ‌احمد نوری را در بلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۱ـ استاد علی گرشاسف درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه استاد ابراهیم و دیگران صندوق مرقدشیخ‌احمدنوری را دربلدهٔ نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۵۲ـ استاد حسین پوشگر کاردگر در ذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ همراه‌استاد ابراهیم و دیگران صندوق‌مرقدشیخ احمدنوری را دربلدهٔ‌نور ساخته است (ص ۲۹۱) .

۱ـ منسوب به‌رودبارقصران است که‌درکتب جغرافیایی قدیم به‌نام‌قصران داخل نیز خوانده شده است .

۵۳ـ منوچهر همراه استاد ابراهیم و دیگران درذوالحجهٔ سال ۱۱۰۲ صندوق مرقد شیخ‌احمدنوری را در بلدهٔنور ساخته است (ص ۳۹۱) .

۵٤ـ سیدجعفر نیاکی استاد زمان در سال ۱۲۰٤ درورودی بقعهٔ امامزاده ابراهیم را دردینان امیری لاریجان ساخته است (ص ٤۵۰) .

۵۵ـ استاد سلم‌الله درسال ۱۲۰۷ صندوق مرقد سیدزکریا را در اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور ساخته است (ص ۲٦۰) .

۵٦ـ استاد محمدصادق درسال ۱۲۰۷ همراه استاد سلم‌الله صندوق‌مرقد سیدزکریا رادراوزکلا ساخته‌است (ص ۲٦۰) .

۵۷ـ استاد افراسیاب‌بن استاد علی‌نجار لارجانی درحدود سال ۱۲۱۵ قمری درورودی بقعهٔامامزاده احمدرضارادرلاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۰۹) .

۵۸ـ محمدبن علی‌بابو نجار درحدود سال ۱۲۱۵ قمری‌صندوق مرقد امامزاده احمدرضا را در لاسم بالالاریجان ساخته است (ص ٤۱۰) .

۵۹ـ استاد آقابابا در سال ۱۲۱۷ درورودی بقعهٔ امامزاده یحیی را در نوا از دهکده‌های بالالاریجان ساخته است (ص ٤۲٦) .

٦۰ـ استاد محمدبن استاد عباسعلی کلج‌ساکن نوشان در سال ۱۲۲۰ ، صندوق بقعهٔ دانیال پیغمبر رادردهکدهٔ دانیال لنگای تنکابن ساخته است (ص ۹٤) .

٦۱ـ استاد نورمحمد نمارستاقی درسال ۱۲۳۸ صندوق امامزاده‌ابراهیم را دردهکدهٔ تیرسای تترستاق نور پس‌از زلزله تعمیر کرده است (ص ۳۱۸) .

٦۲ـ استاد محمدقلی نجار در سال ۱۲٦۷ نجاری بقعهٔآقاعبدالرضا را

نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق به اتمام رسانیده است .(ص ۱۲۲) .

۶۳ـ استاد محمدابن بسطامی در سال ۱۲۸۸ضریح امامزاده محمود را درنایهٔ (ناحیه) اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲۶۳) .

۶۴ـ استاد علی‌ابن بسطامی در سال۱۲۸۸ همراه استاد محمدابن‌بسطامی ضریح امامزاده محمود را درنایهٔنور به اتمام رسانیده است (ص ۲۶۳) .

۶۵ـ کربلائی مرتضی‌بن لطفعلی طایفهٔ گرجی‌درسال ۱۲۹۸ نجاری‌بقعهٔ امامزاده بلال را دردهکدهٔ ناتل‌رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۶۶ـ کربلایی حمزه سراسبی درحدود سال ۱۳۰۰ سقاخانهٔ چوبین دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورودنور را تمام کرده است (ص ۲۸۶) .

۶۷ـ محمدکاظم ولد الله‌ویردی میان‌بندی‌نوری‌دررجب ۱۳۰۱ صندوق مرقد شاه‌رضا کیاسلطان و در ورودی بقعهٔ آن را تمام کرده است (ص ۳۵۶) .

۶۸ـ کربلایی کاظم نجار جزنی‌درسال ۱۳۰۶ در ورودی بقعهٔ امامزاده سیدحسین را در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی کلای ناتل رستاق نور ساخته است (ص ۳۴۰) .

۶۹ـ استاد جعفرلورائی از اهل‌نسا درسال ۱۳۲۰ قمری نجاری بقعهٔ آقا عبدالرضا را نزدیك دهکدهٔ پردنگون بیرون‌بشم کلارستاق تمام کرده است (ص ۱۲۱) .

۷۰ـ استاد سبزعلی لورائی از اهل‌نسا در سال ۱۳۲۰ همراه استادجعفر لورائی نجاری بقعهٔ عبدالرضا را درپردنگون به اتمام رسانیده است (ص ۱۲۱) .

۷۱ـ محمود نجار در سال ۱۳۲۰ قمری درورودی بقعهٔامامزاده صالح را در سوردار میان‌بندنور ساخته است (ص ۳٦٦) .

۷۲ـ استادعلی‌اصغر ولد کربلائی علی‌مراد سرائی در سال ۱۳۲۲ قمری نجاری بقعهٔ امامزاده اسماعیل را در دهکدهٔ پایین‌وازنائیج‌نور تمام کرده است (ص ۳۷۱) .

۷۳ـ استادحسین نجارباشی درسال ۱۳۳۸ قمری ضریح مرقد امامزاده خطیب ونجیب رادرنایهٔ (ناحیه) اوزرود نور به اتمام رسانیده است (ص ۲٦۵) .

۷٤ـ استاد حسین‌نجارباشی ولدمرحوم مشهدی‌جعفر من‌طایفهٔ حیدریه درسال ۱۳۳۹ در ورودی امامزاده داودکیاسلطان را درنایهٔ اوزرودنور تمام کرده است (ص ۲٦٦) .

۷۵ـ استادحسین باروج در ورودی امامزاده اسماعیل را دردزدبن کوهستان کلارستاق ساخته است (ص ۱٤۹) .

۷٦ـ کربلایی مرتضی نجاری بقعهٔ امامـزاده عبـدالله را در سوردار میان‌بند نور به‌عهده داشته وبه‌اتمام رسانیده است (ص۳٦۵) .

بنایـان

بنایان چیره‌دست از مصالح بنای‌عادی روزگار خود همچون سنگ و آجر و گچ‌وآهك بناهای جالب‌نظر و پایدار ساخته‌اند . اغلب دژهای کوهستانی باسنگ‌قلوه و گچ‌سرندی ساخته شده‌اند و سنگ تراشیده در آنها دیده‌نشد . درآب‌انبارها و مخازن آب این نوع‌بناها، ساروج نیز به‌کار رفته است .

مصالح‌بنای بقاع‌متبرك کوهستانی،همچون دژها ، بیشتر سنگ‌ـ قلوه وگچ‌سرندی استوداخل وخارج آنها راباگچ غربالی سفیدکاری کرده‌اند دریکی‌دوبنا در کوهستان‌نور رنگ‌نیز به‌گچ‌اندود دیوارافزوده

بـودند .

آجرهایی با قالبهای معمول دردشت‌وکوهستان مازندران در بناهای امامزاده‌ها و مساجد و تکیه‌ها به‌کار رفته است وبرای ساختن پلها نیز از آنها استفاده شده است . خشت این‌آجرها درمحل زده می‌شد ودرکوره‌های محلی با چوبهای جنگلی می‌پخته‌اند .

برای ساختن دروپنجره و صندوقهای مرقدها و سقف‌بناهای مربع ومستطیل شکل انواع چوبهای محکم جنگلی را به‌کار برده‌اند .

درسالهای اخیر که به‌فکر نوسازی افتاده‌اند ، اغلب مساجد و بقاع پابرجای‌قدیمی را خراب می‌کنندو بـه‌جای آنهاازبلوك (خشت سیمانی) و سیمان‌وآهن بناهایی می‌سازند که‌هیچگونه ظرافت و هنری درآنها دیده نمی‌شود وگذشت‌زمان نشان خواهد داد که استحکامی نیز نداشته‌اند .

ذکر نام‌بنایان و معماران معمولا دربناهای مذهبی نیست . در چندموردی که به‌آنها برخورده‌ایم از این قراربوده است :

۱ـ بهرام‌بنابن‌علی در سال ۸٤۰ قمری به‌دستور ملك کیومرث بنای‌عظیم و زیبای شاه‌بالو را دردهکدهٔ‌آهودشت ناتل‌رستاق‌نور ساخته است (ص ۳٤۵) .

۲ـ پاشابن تهمراس‌بکشاه‌جمشید در سال ۸٤۰ معمار پیشکـار بنای شاه‌بالو درآهودشت ناتل‌رستاق‌نور بوده‌است (ص۳٤۵).

۳ـ استاد حسین‌بن‌علی بنای آملی‌حسینی در حدود سال ۸٤۹ قمری‌بنای بقعهٔ طاهرومطهر را درهزارخال کجور به اتمام رسانیده است (ص ۱۹۰) .

٤ـ محمدبنا در سال ۱۰۳٤ قمری رباط‌شاه‌عباسی‌پلور را تمام کرده است . این رباط برسرراه لار واقع شد ویکسره از میان رفت (ص ٤۰۵) .

۵ـ استادقنبرعلی‌ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ ارجوار در سال ۱۲۴۵ بنای بقعهٔ امامزاده اسماعیل الامل‌کوهستان کلارستاق را تمام کرده است (ص ۱۵۱).

۶ـ هاشم‌اوزج شاگرد اوستاد قنبرعلی بوده و درساختن بنای‌امامزاده اسماعیل دست داشته است .

۷ـ رمضانعلی متو در سال ۱۲۹۸ قمری بنای امامزاده بلال‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم را در دهکدهٔ نانواکلای ناتل رستاق‌نور تمام کرده است (ص ۳۵۱) .

۸ـ بایزیدبن حاجی‌جواد بنا امامزاده یحیی رادر نوای بالالاریجان ساخته است (ص ۴۲۶) .

کاشی‌کاران

دربناهای دشت و کوهستان مازندران غربی به کاشی‌کاریهای قابل‌ذکر برنخوردم . فقط درازارهٔ بقعهٔ سلطان‌شهاب‌الدین در دهکدهٔ دلا از دهکده‌های دلارستاق‌نور ، کاشی‌کاری مفصل و جالب‌نظری دیده شدکه از سال ۹۰۱ تا ۹۰۳ قمری ده‌تن درساختن آن شرکت داشته‌اند . در میان‌کتیبه‌های مفصل این کاشیها که اغلب حدیث‌نبوی وقدسی یاکلمات قصارفتیان وجوانمردان است به‌نام این ده‌تن برمی‌خوریم ، اما معلوم نیست‌که اینان درساختن این ازاره چه سهمی داشته‌اند . نام‌بنا وکاشی‌ساز و خطاط ، بدون تعیین فن‌هریك ، پراکنده دراین کاشیها دیده می‌شود . این نامها به‌قرار زیر هستند :

آقارضی‌بن حیدرکرار (ص ۴۶۷) .

حسدالله‌بن یدالله‌جعفر (ص ۴۶۹) .

علی حدادبن بایزید (ص ۴۶۹) .

سلطان کمانگر (ص ۴۶۹) .

کمال سرخاب (ص ٤٦٩) .
محمد لواف (ص ٤٧١) .
سهراب سرخاب‌آهی (ص ٤٧٣) .
حبیب‌الله (ص ٤٧٤)
جعفر (ص ٤٧٤) .
خاکی صوفی (ص ٤٧٤) .

سنگ‌تراشان

۱ـ استاد عبدالله در سال ۸۸۰ سنگ‌قبر کیازین‌الدین خواجه‌بن اسکندر تاول را تراشیده است (ص ۲۰۸) .
۲ـ حسن هزارخالوئی و برادرش درسال ۹۰۷ قمری منبر سنگی‌مصلای دهکدهٔ صالحان کجور راتراشیده‌اند (ص ۲۰۷) .
۳ـ درویش مرتضی در سال ۱۰۲۸ سنگ‌قبر سیدصالح‌کاج‌بن ملك‌مظفر را در بقعهٔ خالدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی کلای کجور تراشیده است (ص ۲۳۸) .
٤ـ استاد علی‌اکبر درکه‌ای درحدود سال ۱۲۸۰ دروازهٔ سنگی که‌خود بیستان (= بیستون) خوانده است برسرراه ناصرالدین‌شاهی نزدیك ولی‌آباد تراشیده است (ص ۱۵٦) .
۵ـ ابراهیم حیدر درسال ۱۳۱۳قمری‌سنگ‌قبر مشهدی یحیی‌ابن‌ملاامین را در چارسی‌آقا درپیسه میان‌بندنور تراشیده است(ص۳٦۲).

رویگران

۱ـ استاد علاءالدین رودگر در سال ۹۲٦ قبهٔمسین امامزاده محمد و ابراهیم را در دهکدهٔ هتریالورود نورساخته است . (ص۲۸۹)

گچ‌بران

۱ـ قربانعلی جغتائی گچ‌بریهای تکیهٔ نوارا در بالالاریجان انجام داده است (ص ٤٢٧) .

درختان کهنسال
در خاك مازندران غربی

زیبایی بیشتر بقعه‌های شمال ایران یا میدانهای بزرگ‌دهکده‌ها به درختان کهنسال و عظیمی است که‌درمحوطهٔ آنها دیده می‌شود . عمر بعضی از این درختان جنگلی از قدمت تاریخی‌بنای بقعه یا احداث میدان بیشتر است یعنی این درختان قبل از بنای بقعه یا احداث‌میدان درمحل وجودداشته‌اند ولی‌بعضی ازآنهاپس‌ازبنای بقعه‌یااحداث‌میدان دستی نشانده‌اند . درخت سور (سرو جنگلی) عجیب بقعهٔسیدالوافی در کلارآباد دشت کلارستاق و درخت چنارمیدان‌چنارین زانوس‌کجور را می‌توان از گروه دوم دانست . درختان عظیم این دودسته که در طی بررسی به‌آنها برخورده‌ایم به ترتیب در این فهرست گنجانده شده‌اند .

درختان آزاد[1]

۱ــ درخت‌آزاد امامزاده فضل‌الله در دهکدهٔ سیدکلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۵۲) ۶۸۰ سانتیمتر .

1_ Zelkova Cronata

۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشك‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۶۲۰ سانتیمتر .
۳ـ درخت‌آزاد دربقعهٔ سیداسکندر درخرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳۴۳) ۶۰۰ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌آزاد در محوطهٔ امامزاده‌رضا درکچل‌ده میانرودسفلای‌نور (ص ۳٤۷) ۵٦۰ سانتیمتر .
۵ـ درخت آزاد امامـزاده سید حسین در جنگـل‌سازی‌یك‌اسبی کـلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳٤۰) ۵٦۰ سانتیمتر .
٦ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده ابوالقاسم در دهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ۵٦۰ سانتیمتر .
۷ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعهٔ خالـدکیاسلطان در مناچیرکلای علوی‌کلای کجور (ص ۲۳۹) ۵۳۰ سانتیمتر .
۸ـ درخت‌آزاد در گورستان‌جمشیدکیاسلطان درالمده مرکزدشت‌کجور (ص ۲٤۰) ۵۲۰ سانتیمتر .
۹ـ درخت‌آزاد گورستان جمشیدکیاسلطان در المده مرکز دشت‌کجور (ص ۲٤۰) ۵۰۵ سانتیمتر .
۱۰ـ درخت‌آزاد در امامـزاده‌رضا درکچـل‌ده میانـرود سفلای‌نـور (ص ۳٤۷) ۵۰۰ سانتیمتر .
۱۱ـ درخت‌آزاد در امـامزاده سیدحسین در جنگل‌سازی‌یك‌اسبی‌کلای ناتل‌رستاق‌نور (ص ۳٤۰) ٤۵۰ سانتیمتر .
۱۲ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔحمزه‌رضا در کوشك‌سرای‌چالوس (ص ۱۱۷) ٤۳۰ سانتیمتر .
۱۳ـ درخت‌آزاد در بقعهٔامامزاده ابوالقاسم دردهکدهٔ جزما دوهزار خرم‌آباد تنکابن (ص ۷۵) ٤۰۵ سانتیمتر .
۱٤ـ درخت‌آزاد در گـورستان بقعـهٔ سیدابوالحـسن (ابوالحسیـن)

المؤیدبالله در دهکدهٔ لنگـای تنکابـن (ص ۸۶) ۳۶۳ سانتیمتر .

۱۵ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ حمزه‌رضا در کوشك‌سرای چالوس (ص ۱۱۷) ۳۶۰ سانتیمتر .

۱۶ـ درخت‌آزاد در بقعهٔ سیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳۴۳) ۳۵۶ سانتیمتر .

۱۷ـ درخت‌آزاد در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدابوالقاسم در دهکدهٔ جزما (امامزاده ابوالقاسم) در دوهزار خـرم‌آباد تنکابـن (ص ۷۵) ۳۲۰ سانتیمتر .

۱۸ـ درخت آزاد در بقعهٔسیداسکندر در خرابه باری‌کلای ناتل‌رستاق نور (ص۳۴۳) ۲۳۰ سانتیمتر .

درختان بلوط (=مازو)[1]

۱ـ درخت‌بلوط در گورستان بقعهٔ میرشمس‌الدین دردهکدهٔ ولی‌آباد خرم‌آباد تنکابن (ص ۶۷) ۶۸۰ سانتیمتر .

۲ـ درخت بلوط درگورستان بقعهٔ آقاشیرعلی در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۶۴) ۶۴۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌بلوط درگورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص۵۶) ۵۶۰ سانتیمتر .

۴ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔامامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۶) ۴۹۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔسیدقوام‌الدین در دهکدهٔکبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۶) ۴۵۰ سانتیمتر .

۶ـ درخت بلوط در گورستان بقعهٔمیرشمس‌الدین در دهکدهٔولی‌آباد

۱ـ Qeorcos Lucitanica.

خرم‌آباد تنکابن (ص ٦٧) . ۳۹۰ سانتیمتر .

درختان پلت = افرا[1]

۱ـ درخت‌پلت در گورستان امامزاده محمد در واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ۸۳۰ سانتیمتر .

۲ـ درخت‌پلت در گورستان مزار سیده فاطمه بر سرراه‌اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ۹۲) ٦٥٠ سانتیمتر .

۳ـ درخت پلت در گورستان بقعهٔ گلدسته دربرامسر گلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٥٧٠ سانتیمتر .

٤ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٥٢٠ سانتیمتر .

٥ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٨٠ سانتیمتر .

٦ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ گلدسته در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن (ص ٤٧) ٤٤٠ سانتیمتر .

۷ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ آقامیرسبحان در دهکدهٔ تمیجانك گلیجان تنکابن (ص ٤٥) ٤۲٠ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف بقعهٔ امامزاده محمد در دهکدهٔ واچك‌گلیجان تنکابن (ص ٤٨) ٤٠٠ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ امامزاده سیدقوام‌الدین در دهکدهٔ کبودکلایه خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ٤٠٠ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٦) ۳٦٠ سانتیمتر .

۱۱ـ درخت‌پلت در گورستان اطراف‌امامزاده سیدقوام‌الدین دردهکدهٔ

1_ Acer Plantanoides.

کبودکلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۶) ۳۵۰ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت‌پلت در گورستان بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضی اسپچین‌لنگای تنکابن (ص ۹۰) ۲۸۰ سانتیمتر .

۱۳ـ درخت پلت در گورستان امامزاده‌سیده فاطمه برسر راه‌اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص۹۲) ۱۱۵ سانتیمتر .

۱۴ـ درخت‌پلت در گورستان مزارسیده فاطمه برسرراه اسپچین وخش‌کلای لنگای تنکابن (ص ۹۲) ۱۰۵ سانتیمتر .

درختان تادانه = تو[1]

۱ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد درگویتر بیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ۴۴۵ سانتیمتر .

۲ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ۴۴۴سانتیمتر .

۳ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔ سیدمحمد در گویتربیرون‌بشم کلارستاق (ص ۱۲۳) ۳۶۰ سانتیمتر .

۴ـ درخت تادانه درگورستان بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۵) ۳۳۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت‌تادانه در گورستان بقعهٔامامزاده سید قوام‌الدین در دهکدهٔ کبود کلایهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۶) ۲۶۰ سانتیمتر .

درختان چنار[2]

۱ـ درخت‌چنار در بقعهٔ عابدین‌رضا دردهکدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ۴۳۹) ۱۲۰۰ سانتیمتر .

۱ـ Celtis australia. ۲ـ PoPulus migra;Populus plantanus.

۲ـ درخت‌چنار در چناربن دهکدهٔ زانوس کجور (ص ۲۲۱) ۱۱۸۰ سانتیمتر .

۳ـ درخت‌چنار بقعهٔ‌سیدعلی‌کیاسلطان‌دردهکدهٔ‌سیدعلی‌کیادرخیررود ـ کنار کجور (ص ۲۳۱) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

٤ـ درخت‌چناری در اراضی مونج‌میخاز زانوس‌رستاق کجور (ص ۲۱۵) ۸٦۰ سانتیمتر .

۵ـ درخت‌چنار حسینیه بقعهٔ شاهزاده حسین در فیروزکلای پایین‌کجور (ص ۱۸۱) ۸٤۰ سانتیمتر .

٦ـ درخت‌چنار گورستان جمشید کیاسلطان در المده مرکزدشت‌کجور (ص ۲٤۰) ٦٤۰ سانتیمتر .

۷ـ درخت چنار جلو در ورودی بقعهٔ آقاسیدابراهیم نزدیك دهکدهٔ کرات‌کوتی‌گلیجان تنکابن (ص٤۸) ٦۲۰ سانتیتر .

۸ـ درخت چنار در محوطهٔ مسجد و تکیهٔ فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲ و ۱۸۳) ۵۰۵ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌چنار در گورستان بقعهٔ سیدمحمدکیا دبیرصالحانی درصالحان کجور (ص ۲۰٦) ٤۹۰ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت چنار امامزاده سلطان سید محمد قرشی در اراضی امامزاده سرگزنك بالالاریجان (ص ٤۳۸) ۳٦۵ سانتیمتر .

۱۱ـ درخت‌چنار نزدیك بقعهٔ آشیخ‌نیکه در رزن‌ترستاق (ص ۳۲۵) ۳٦۰ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت‌چنار نزدیك بقعهٔ‌آشیخ‌نیکه در رزن‌ترستاق (ص ۳۲۵) ۳۲۵ سانتیمتر .

درختان سور = سرو جنگلی

۱ـ درخت‌سروی عجیب در گورستان بقعهٔ سیدالوافی درکلارآبـار لنگای تنکابن (ص ۹۶) ٤٤٠ سانتیمتر .

۲ـ درخت‌سور درمحوطهٔ امامزاده نوح‌در دهکدهٔاندرور ازدهکده‌های بلدهٔ کجور (ص ۲۳۵) ۲۲۵ سانتیمتر .

درخت سفیدار

۱ـ درخت‌سفیددار در کنار رودخانهٔ سنگ‌رچ‌کیله در دهکدهٔفقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۱۰۰۰ سانتیمتر .

درختان شهر = شمشاد[1]

۱ـ درخت‌شمشاد در گورستان بقعهٔ آقاسیدعلی در دهکدهٔ مزرك خرم‌آباد تنکابن (ص ٥٥) ۱٦۰ سانتیمتر .

۲ـ درخت شمشاد در گورستان بقعهٔآقا سیدمحمد در اراضی اسپچین لنگای تنکابن (ص ۹۱) ۱۲٥ سانتیمتر .

۳ـ درخت شمشاد دربقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه در اراضـی اسپچیـن لنگای تنکابن (ص ۹۰) ۱۲۳ سانتیمتر .

٤ـ درخت شمشاد در گورستان آقانورکیاسلطان در دولت‌آباد اودم جوربند نائیج‌نور (ص ۳۷۰) ۹٥ سانتیمتر .

درختان کرزل[2]

۱ـ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آبادنشتای تنکابن (ص ۸۲) ٤۱۰ سانتیمتر .

۱- Buxus Sempervirens. ۲- Carpinus betulus.

۲ـ درخت کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۶۰ سانتیمتر .
۳ـ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده قاسم درزوات کلارستاق (ص ۱۰۸) ۳۲۰ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌کرزل در گورستان امامزاده مختار در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن (ص ۸۲) ۳۲۰ سانتیمتر .

درخت کهل

۱ـ درخت‌کهل در گورستان بقعهٔ دهکدهٔ فقیه‌محلهٔ گلیجان تنکابن (ص ٤۷) ۳۷۰ سانتیمتر .

درخت گردو

۱ـ درخت گردو در محوطهٔ امامزاده عابدین‌رضا در دهگدهٔ شنگلده امیری بالالاریجان (ص ٤۳۹) ۳۹۶ سانتیمتر .

درختان لنگا = اوجا = نارون[1]

۱ـ درخت‌لنگا نزدیك بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالای‌کجور (ص ۱۸۲) ۷۰۷ سانتیمتر .
۲ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ۵۳۵ سانتیمتر .
۳ـ درخت‌لنگا در امامزاده قاسم در ایزده ناتل کنارنور (ص ۳۳۶) ۵۰۰ سانتیمتر .
٤ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ٤۶۰ سانتیمتر .

۱- Ulmus campestris ; Ulmus montana.

۵ـ درخت لنگا در گورستان چهل‌تن در آستانکرودکجور (ص ۱۶۹) ٤٥٤ سانتیمتر .

۶ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔ میانرود گلیجان تنکابن (ص ٤٩) ٤١٠ سانتیمتر .

۷ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ٤٠٤ سانتیمتر .

۸ـ درخت‌لنگا در محوطهٔ متصل به گورستان امامزاده سیدولی در فیروزکلای بالای کجور (ص ۱۸۲) ٤٠٠ سانتیمتر .

۹ـ درخت‌لنگا در گورستان چهل‌تن درآستانکرود کجور (ص ۱۶۹) ۳۹۵ سانتیمتر .

۱۰ـ درخت‌لنگا در گورستان دو برادران در دهکدهٔ کچانك گلیجان تنکابن میان‌شیرود و کچانك (ص ٤٦) ۳۸۰ سانتیمتر.

۱۱ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ ایوب پیغمبر در دهکدهٔ بندبن‌لنگای تنکابن (ص ۸۸) ۳۲۵ سانتیمتر .

۱۲ـ درخت لنگا در امامزاده قاسم درایزده ناتل‌کنارنور (ص ۳۳۶) ۳۰۰ سانتیمتر .

۱۳ـ درخت‌لنگا در گورستان بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله در دهکدهٔمیانرود گلیجان تنکابن (ص ٤٩) ۲۷۶ سانتیمتر .

۱٤ـ درخت‌ملچ[1] در گورستان بقعهٔسیدمحمدطاهر درپایین بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن (ص ۵۷) ۳٤۰ سانتیمتر .

1- Ulmus montana.

کتابشناسی حاشیهٔ دریای مازندران

کتب ورسایلی که به زبانهای خارجی دربارهٔ نواحی و شهرهای ساحلی دریای مازندران نوشته‌اند

ABBOTT, KEITH : Proceedings of the Royal Geographical Society, Vol. III, p. 390.

ABBOTT, W.G. : Bemerkungen über Gilan. St. Petersburg, 1841.

ABBOTT, W.G. : Report on the Silk Trade of Guilan for the year 1864-65. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1865. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Resources of the Province of Guilan for the year 1869. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Reports on the Trade of Guilan for the year 1870. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of Guilan for the year 1871. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1872. Consular Reports.

ABBOTT, W.G. : Report on the Trade and Commerce of the Province of Guilan for the year 1873. Consular Reports.

ACTI HISTORICI, t.IV, p. 390. St. Petersburg 1842. (Invasion de Stenko Razin en Perse).

ADES, R. : Persian pottery, examples of the remarkable finds at Gurgan. The Illustrated London News, CCXV, Dec. 3rd, pp. 849-

50, with 12 coloured illustrations 1949, from the Raymond's Ades collections (Creswell 755).

ANET, CLAUDE : Feuilles Persanes. Paris, 1924.

ANON : Gurgan potteries recently excavated at Gumbad-i-Kabuz. The Illustrated London News, CCXI, 27 Sept. 1947. pp. 0-61, with 16 illustrations (Creswell 756).

ARNE, TURE : Die Schwedische Archälogische Ausgrabungs — expedition auf des Türkmanen — Steppe, 1933. Petermans Mitteilungen, LXXXI, pp. 293-4, Gotha, 1935.

دربارهٔ سفالهایی از نوع سفالهای ری است کـه در حفاری محـلی در سیزده کیلومتری شمال شمال غربی استراباد (گرگان امروز) بدست آمده است.

ARNOLD. A. : Through Persia by Caravan. T. 1rst chap. 8 - 10.

BAKER, V. : Clouds in the East. London, 1876.

صفحات ۸۹ـ۶۲ دربارهٔ اشرف ، ساری ، شیرگاه ، زیرآب ، فیـروزکوه ، سربندان ، بومهن ، تهران ، لار ، اسك ، خلو ، علی‌آباد مطالبی دارد .

صفحات ۱۴۲ ـ ۸۷ : علی‌آباد ، سورکنده ، چشمه علی ، دمـلا ، دامغان .

BARTHOLD : Istor. Georgr. Obzor Irana. St. Petersburg, 1903. pp. 158-161.

این کتاب بنام جغرافیای تاریخی ایران درسال ۱۹۳۰ در تهران ترجمه شده‌است.

صفحات ۲۹۵ـ۲۸۹ این کتاب مطالبی دربارهٔ حاشیهٔ دریای مازندران دارد.

BATAZERS, BASIL : Nouveaux Mélanges Orientaux. Paris 1886. Lignes 933-950 مصاحبه با ژنرال *LEVASOFF* فرمانده سربازان روسی در گیلان است .

BAUER : Dattelpalmen an den ufern des Kaspischen Meeres. Bull. de l'acad. des science de St. Pétersburg, Feb. 1859.

BELL, C.M. : Geological Notes on part of Mazandaran. London Geological Transactions, Series 2, Vol. V, p. 577.

BELL, J. : Travels from St. Petersburg to diverse parts of Asia. Glasgow, 1763. T. 1rst, pp. 132-137.

BENJAMIN, S.J. : Persia and the Persians. Boston 1886, pp. 414-422.

BERNARD, V. : Révolution de la Perse. Paris, 1910, pp. 100-117.

BERESFORD, L. : Itinerary notes of route surveys in Northern Persia. Proceedings of R. G. S. V., pp. 57-84. Feb. 1883.

از شهرها و دهکده های : تهران چالوس ، نور ، بلده ، لار ، اسك ، فیروزکوه، فولاد محله ، چهارده ، زیارت ، استراباد شرحی دارد .

BERESINE, E. : Recherches sur les dialects Persans. Casan, 1853.

BINDER, H. : Au Kurdistan, Paris, 1887.

صفحات ٤٤٢ ــ ٤٢٧ این کتاب دربارهٔ گیلان است .

BLARAMBERG, J. : Statistische übersicht Persiens. St. Petersburg, 1853.

اطلاعاتی دربارهٔ گیلان دارد .

BLAU, O. : Commercielle Zustände Persiens. Berlin, 1858. p. 73.

BOBEK, H. : Naturlichen Walder und Geholzfluren Irans. Bomner Geogr. Abhandl. Bonne, 1951.

BODE, VON. : Yamut and Guklan. Abhandl. der Russisch. Geograph. Gesellschaft, 1847. Vol. II, p. 209.

BROWNE, E.G. : An Abridged Translation of Ibn Isfandyar's history of Tabaristan. London. 1905. E.J.W. Gibb Memorial Series, Vol. II.

BROWNE, E.G. : A Year Amongst the Persians, London, 1893. pp. 557-568.

BUHSE, F.A. : Bergriese von Gilan nach Asterabad. Beiträge zur Kenntniss des Russischen Reiches, 1849, Vol. XIII, p. 125.

صفحات ۲۳۶ ــ ۲۱۷ دربارهٔ ، لسپو ، کلاردشت ، کجور ، اسك ، فیروزکوه و فولاد محله است .

BURNS : Travels into Bokhara, 1835.

فصل ۳ ص ۱۲۲ ــ ۱۰۳ ، دربارهٔ استراباد و اشرف وعلی‌آباد وفیروزکوه و تهران مطالبی دارد .

CHARDIN, SIR JOHN : Travels of Sir John Chardin into Persia, and the Coronation of Soleiman III. London, 1686.

CHODZKO, P. M. ALEXANDRE : Le Guilan ou les marais Caspiens. Description historique du pays qui borde au sud de la mer Caspienne, 1850.

این کتاب قبل از ترجمهٔ کنونی در زمان ناصرالدین‌شاه در مجموعهٔ شمارهٔ ۸۲۸ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی از ورق یك تا ورق ۵۷ ترجمه شده است .

CHODZKO, P.M. ALEXANDRE : Specimens of the popular poetry of Persia. London, 1842.

CHRISTENSEN, ARTHUR : Contribution a la dialectologie Iranienne. KOBENHAVN, 1930. pp. 30-123.

CLAVIJO : Embassy to Tamerlane 1403-1406. Translated from the Spanish by Guy LeStrange. London, 1928.

CONOLLY : Journey to the north of India overland. London, 1834.

فصل اول صفحات ۲۷ ــ ۲۰ دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، ساری و اشرف مطالبی دارد .

COON, C.S. : Cave Exploration in Iran, 1949. University Museum of the University of Pennsylvania, Philadelphia, 1951.

COON, C.S. : Ecavation in Hotu Cave, Iran, 1951. American Philosophical Society, Vol. 96, 1952.

COSTE, PASCAL : Monuments modernes de la Perse mesurée dessinée et decrite. Paris, 1867.

CRENDER : Historia Samanidarum. Göttingen, 1825.

CURZON, Hon. G.N. : Persia and Persian problems.

ج ۱ ، صفحات ۳۸۹ ــ ۳۵٤ اطلاعاتی در بارهٔ گیلان و مازندران دارد .

CUVIER, G. : Le Régne Animal.

در بارهٔ ماهیهای شمال مطالبی دارد .

D'ALLEMAGNE, Henry-René : Du Khorasan au pays des Backtiarie. Paris, 1911.

D'ARCY, E. TODD : Memoranda to accompany a skech of part of Mazandaran etc. J.R.G. Soc. Vol. III, No. 5, April 1836. pp. 101-108.

D'ARCY, E. TODD : Itinerary from Tabriz to Tehran via Ahar, Mishkin, Ardabil, Talyish, Gilan and Kasvin in 1837. J.R.G. Soc. Vol. VIII, pp. 29-39. London, 1838.

DARMESTETER, J. : Lettre de Tansar au Jasnasf Roi de Tabaristan. Journal Asiatique. 1849, pp. 185-250 and 502-555.

تنسر مؤبد موبدان اردشیر اول ، جشنسف را بهتسلیم ترغیب می‌کند . این سند را ابن مقفع ابتدا از پهلوی به فارسی ترجمه کرد . متـن آن در تـاریخ طبرستان ابن اسفندیار آمده است .

DE BODE : Ocherki Turkmen. zemli i yugovostoch. Pribrezh. Kapiskago Moria, otechest zapiski, 1856, No. 7 pp. 123-150.

در این قسمت از تهران ، سربندان ، فیروزکوه ، چهارده ، هزار جریب ، استراباد و ساور و رادکان مطالبی دارد همچنین در No. 8,pp. 459_472 اطلاعاتی راجع بهشمال هست .

DEFREMERY : Memoires sur les Enis-el-Omera. Paris, 1848.

DEFREMERY : Memoires sur la famile de Sadjides. Paris, 1848.

DE MORGAN : Mission Scientifique, Etude Geographique, 1894,

در قسمت اول صفحات ۲۰۸ ــ ۱۱۳ شکلها و تصاویر زیاد دربارهٔ شمال دارد .

DORN B.: Auszüge aus 14 Morgenel. Schriftstellern betreffend des Kaspischen Meer.
Melanges Asiatique, VI, p. 658. VII, pp. 19-44 & 52-92.

در فهرست تاریخی آن نیز مطالبی مفید دارد .

DORN, B. : Auszüge aus Muhammadanischen Schriftstellern betreffend die gechichte und geographi eder Südlichen Künstenländer des Kaspischen Meeres. St. Petersburg, 1858.

مطالبی دربارهٔ مازندران از ۲۸ مجلد کتاب فارسی و عربی و ترکی است که به نام انتخاب البهیه چاپ شده است .

DORN, B. : Bericht über eine Wissenssch. Reise in den Kaukasus etc., Mel. Asiat., IV, pp. 429-500, 1863.

مطالبی در بارهٔ آشوراده ، اشرف ، بارفروش (بابل) مشهدی‌سر (بابلسر) دارد .

DORN, B. and MIRZA MUHAMMAD SHAFI' : Beiträge Zur Kenntniss der Iranischen Sprachen. Theil I : Masandaranische Sprache. Theil II: Lieferung die Gedichtsammlung des Emir-i-Pazewary. St. Petersburg, 1866.

DORN, B. : Caspia. Memoires de l'ac. des Science de St. Pétersbourge, 1875, Vol. XXIII, No. 1.

همچنین در H.L. Rabino : Le Guilan, p. 9.

زیر کلمهٔ اسکندر مطالبی در بارهٔ حمله اسکندر بهصفحات شمالی ایران دارد .

DORN, B.: Die Geschichte Tabaristans und der Serbedare nach Khondemir. Memorie de l'academie de St. Petersburg, 1850, Vol. VIII.

DORN, B. : Die Münzen der Ispehbede Chalifen und deren Slatthalter. mél. Asiat. T. II S. 243.

DORN, B. : Die Pehlewy - Münzen des Asiat. Museums der Kaiser-

lichen Akademie der Wissenschaften. Mél. Asia. T. II, S. 249.

DORN, B. : Forschungen in der Pehlewy - Münzkunde Mel. Asiat. T. VI p. 22.

DORN, B. : Neue Ansichten in der Pehlewy - Münzkunde. Mel. Asiat. T. III, p. 426.

DORN, B. : Noch Einige Nachweisungen über Pehlewy - Münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 387.

DORN, B. : Noch Einige Worte über die auf Pehlewy-Münzen Vorkommendes Sogenanntes münzzeichen oder monogramm. Mel. Asiat. T. III, S. 286.

DORN, B. : Uber die Letzten dem Asiat. museum Zugekommenen Pehlewy-münzen. Mel. Asiat. T. II, S. 608.

DORN, B. : Reise nach Masandaran im j. 1860. St. Petersburg, 1895.

از سن‌پیترزبورگ به اشرف و بازگشت با یك نقشه . در صفحات ۱۶۱ ــ ۱۵۶ . مطالبی در بارهٔ حملهٔ اسکندر به‌صفحات شمال ایران دارد .

DROUVILLE, G. : Voyage en Perse, 1822-1823. St. Petersburg, 1829.

DROVIN, ED. : Observation sur le monnaiss à légendes en Pehlewi et Pehlewi Arabe. Revue Archéologique. Paris, 1884.

EASTWICK, E.B. : Journal of a Diplomate's Three Years Residence is Persia. London, 1864. T. 1rst. pp. 321-333, T. II. pp. 1-24.

مطالبی دربارهٔ گیلان دارد . در این کتاب از استراباد، اشرف ، ساری، علی‌آباد، شیرگاه ، زیرآب ، سرخ رباط ، فیروزکوه ، سربندان و بومهن نیز مطالبی دیده می‌شود .

EICHWALD, ED. :Reise auf dem Kaspischen meere und in den Caucasus, Unternommen in dem Jahren 1825-18256. Stuttgard und Tubingen, 1834-38.

دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان مطالبی دارد در فصل یازدهم صفحات ۳۸۵ ــ ۳۳۰ مطالبی دربارهٔ مشهدی‌سر (بابلسر) وبار فروش (بابل) است.

ELOY AUCHER : Relations de Voyage en Orient, de 1830 à 1838. Paris, 1843.

ENCYCLOPAEDIA BRITANICA.

زیر اعلام مربوط به صفحات شمال ایران اطلاعاتی دارد .

ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM. Edited by M. TH. Houtsma and T. W. Arnold, Leyden, 1911.

زیر اعلام مربوط به شمال ایران اطلاعاتی دارد .

FERRAND, G. : Notes sur Recht et le Guilan. Bulletin de la Soc. de Geographie d'Alger, Avril-Juin 1902.

FERTE, H. : Vie de Sultan Hossein Baikara. Paris, 1898.

FLANDIN, E. and COSTE, P. : Voyage en Perse, Perse moderne. Paris, 1854.

FONTON : La Russie danl'Asie Mineure (occupation russe du Guilan).

FORSTER, G. : Sketches on the Caspian Shores.

در ژانویه ۱۷۸٤ در مازندران مسافرت می‌کرده است .

FORSTER, G. : A journey from Bengal to England. London, 1798-1808.

در فصل دوم صفحات ۲۱۰ ــ ۱۷۹ مطالبی دربارهٔ بسطام ، ده ملا ، چالوس ، ساری و بارفروش (بابل) دارد .

FORTESCUE, L.S. : The Caspian Provinces (Lectures given on Feb. 14th, 1924, to the Central Asian Society at the Royal United Service Institution).

FRAEHN, B. : Die Chosroen-münzen der Früheren Chalifen. Verhandl. der Kurländ. Gesellschaft. Bd. II Mitan, 1822.

FRAEHN, B. : Essai servant à determiner d'une manièr plus precise l'epoque d'une expédition enterprise au XS. par les Russes sur les côtes de la mer Caspienne. Nouv. Jour. Asia. T. II, p. 450, 1828.

FRASER, J.B. : History of Persia, published in the Edenburg Cabinet Lib.

طرحی از بناهای قصر صفی‌آباد دارد .

FRASER, J.B. : A Winter's Journey from Constantinople to Tehran. London, 1838.

صفحات ۱٤۵ ــ ۱۳۱ دربارهٔ فیروزکوه ، شیمیرزاد ، شاهرود مطالبی دارد .
ودر صفحات ٤۸۲ ــ ٤۱٦ اطلاعاتی درباره مشهدی‌سر (بابلسر) ایزی ده (ایزده) و سخت‌سر (رامسر) آمده است .

FRASER, J.B. . Adventures in the Persian Provinces on the southern banks of the Caspian Sea. Loudon, 1826.

در صفحات ۲۵ــ۱۲ مطالبی در بارهٔ اشرف ، ساری ، بارفروش ، آمل ، ایزدی‌ده، علی‌آباد ، آب‌گرم ، لاهیجان می‌توان یافت .

FRASER, J.B.: Narrative of a Journey into Khorasan in the year 1821 and 1822. London, 1825.

GASTEIGER-RAVENSTEIN-KOBACH : Rundreise durch die Nördlischen provinzen Persiens. 1862.

در صفحات ۳۵۶ ــ ۳۴۱ در بارهٔ تهران ، فیروزکوه ، سوادکوه ، ساری ، اشرف (بهشهر) واسترآباد (گرگان) مطالبی دارد .

GEIGER & KUHN : Grundriss der Iranischen philologie, die Kaspischen Dialecte.

در صفحات ۳۸۰ــ۳۴۴ در بارهٔ لهجهٔ حاشیهٔ دریای خزر مطالبی دارد .

GEIGER : Ostiranische Kultur. 1882.

GMELIN, S.G. : Reise durch Russland zur untersüchung der drei Natturliche. T. II Reise durch das Noerdliche Persien. T. IV Zweyte Persichen Reise. 1770-1784.

صفحات ۴۷۲ ــ ۴۴۶ مطالبی دربارهٔ آمل ، بار فروش ، علی‌آباد (شاهی) ساری واشرف (بهشهر) دارد .

GOLUBIANTNIKOV : Neftiyanoye i Slantsevoye Khoziaystvo. Moscow, 1921.

GREWINGK, C. : Die Geognostischen und Orographischen Verhältnisse der Nördlischen Persia. St. Petersburg, 1853.

GROHMANN, R. : Die Entwicklugs — geschichte des Kaspisees und des Schwarzen Meeres. Leipzig, 1937.

GUILLINY, E. : Essai sur le Ghilan. Bull. de la Soc. de Géog. de Paris, Fév. 1866, Sec. V T. II pp. 81-104.

HABLITZL, C. Bemerkungen in der Persischen Landschaft Gilan, und auf dem Ghilanschen Gebirge in dem Jahren, 1773-1774. St. Petersburg, 1783.

HAMMER : Die Sprache Thaberistans' FUND GR. d.o. 1813. Bd. III. S. 46.

HANTZSCHE, J.C. : Physicalisch — Medicinische Skizze von Rescht in Persien. Virchow's Archiv. Bd. XXV. Berlin 1862.

HANTZSCHE, J.C. : In einer Persischen Turnhalle Gartenlaube, 1863.

HANTZSCHE, J.C. : Der Aufstand in Rescht im Jahre, 1855.

Z.D.M.G. Bd. XII, S. 309-314.

HANTZSCHE, J.C.: Palaste Schah Abbas I von Persien in Masandaran. Z.D.M.G. 18, 1864.

HANTZSCHE,, J.C.: Specialstatistik von Persien. Koner's Zeitsch. der Ges. für Erdk. in Berlin, 1869, t. IV part, V.

HANTZSCHE, J.C.: Beiträge zur Geographie und Alterthumsikende Nordpersiens, Z.D.M.G. 1862, T. XVI, pp. 525-532.

HANTZSCHE, J.C.: Topographie und Statistik der Persischen Turkmanen. Zeitschrift Allgemeine Erkunde, Berlin, 1862. No. 110.

HANZSCHE, J.C.: Talysch, eine geografische skizze. 3 ter Jahresbericht des Veriens für Erkunde zu Dresden 1866. Anhang, pp. 1-64.

HANZSCHE, J.C.: Frühere und Gegenwärtige Politische Eintheilungen der Landschaften von Talysch im W. bis S.W. des Südlichen Beckens des Kaspischen meeres. Koner's Zeitsch. für Allgemeine Erkunde; Neue Folge, T XIX, part VII, pp. 148-151.

HAMMER: Die Geschichte der Assassinen. Stuttgart und Tübingen, 1818.

HANWAY, Jonas: An historical account of the British Trade over the Caspian Sea, with a Journal of Travels and the Revolution of Persia. In 4 Vol. London, 1753. In 2 Vol. London, 1762.

ج۱ ، فصل سیزدهم ، صفحات ۱۹۸ ــ ۱۹۲ در بارهٔ لنگرود ، آمل ، بارفروش ، اشرف اطلاعاتی دارد .

ج ۱ ، فصل بیست‌وپنجم ، از ص۱۰۹ از لنگرود تا استراباد را با قایق طی کرده و سوانح سر راه را نوشته و دماوند را از دور دیده است .

ج ۱ ، فصل بیست‌وهفتم ، صفحات ۱۴۹ ــ ۱۳۹ دربارهٔ استراباد وبارفروش (بابل) مطالبی دارد .

HANWAY, J.: Zuverlässige Beschreibung seiner Reisen von London durch Russland und Persien etc. 1754.

HASSEL, G.: Vollständige und neueste Erdbeschreibung, 1821.

HERBERT, A.J.: Report on the Trade and Industries of Persia, 1886. Dip. and Cons. Reports.

HERBERT, O.: Relation du voyage de Perse et des Indes Orientales. Paris, 1663.

HERZFELD: Reisebericht. Z.D.M.G. 1926, p. 278.

مطالبی در بارهٔ بسطام ، رادکان ، ، گردنهٔ شمشیربر ، دامغان دارد .

HOLMES, W.R. : Sketches of the shores of the Caspian. London, 1845.

فصل دهم مطالبی در بارهٔ کلارستاق ، نور ، آمل ، فرح‌آباد ، استراباد دارد .
فصل هفدهم شرحی در بارهٔ ساور ، شاه‌کوه ، گردنهٔ شمشیربر ، چشمه‌علی دارد .

HOMMAIRE, DE HELL, XAVIER : Voyage en Turqui eet en Perse. Paris, 1854-1860.

فصل سوم صفحات ۳۳۶ ــ ۲۱۴ مطالبی دربارهٔ تهران ، لار ، آمل ، اشرف ، استراباد ، رادکان ، گرد محلهٔ دارد ، و در فصل چهارم صفحات ــ ۲۸۵ــ ۳۰۶ راهها را شرح داده است .

HOTZ, A. : Persian Trade Foutes. Journal of the Society of Arts, London, March 10th, T. XLVII, pp. 341-359.

HUART, CLEMENT : Les Ziarides. Extrait des mémoires de l'academic des Inscription et Belles - Letteres, T. XLII, Paris, 1922.

INOSTRANTSEV : The customs of the inhabitants of the Caspian provinces in the tenth century. Zhiwaya Stariva, 1909.

این کتاب به زبان روسی است عنوان آن ترجمه شده است .

IWASCHINZOFF : Die Russische Aufnahme des Kaspischen Meeres. Mittheilungen .US.W., 1863.

JUSTI : Iranisches Namenbuch, 1895, pp. 430-435.

جداول آن نیز به کار شمال می‌آید .

KHANYKOV, N. : Mémoire sur l'ethnographie de la Perse. Paris. 1866.

KHANYKOV, N. : Voyage Scientifique de M. Dorn dans le Mazanderan, le Caucase et le Daghestan. Journal Asiatique. Feb. 1862. pp. 214-225.

KINNEIR, J.M. : Memoire Géographique sur l'Empire de Perse. Trd. par G. Drouville. St. Petersburg, 1827.

KLPROTH, J. Von. : Russisch-Persisch-Türkishe Graenzbestimmung in Jahre, 1727, in Fundgruben des Orients, T. VI, pp. 349-358. Vienne 1818.

KOSTOMAROV : Der Aufruhr Stenko Rasin. St. Petersburg, 1859.

اصل کتاب به زبان روسی است و نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

KRAFFT, A. : Uber HRN. PROF. Dr. OLSHAUSENS Entzifferung der Pehlawi-Legenden auf Münzen Wien. JAHRB. 106, 1844.

KRUSINSKI : Prodromus ad Tragicam Vertentis belli Persici His-

torian Leopoli, 1740.

KUNIK, E. Notes sur l'expédition des Russes Normands en 944 vers les pays situées aux bords de la mer Caspienne d'apres Nizami, IBN-AL-ATHIR et AINY. Bullet. de l'acad. T. 4. 1848.

LAFONT, D.F. : La Sericiculture en perse. Bull. de l'off. l'agriculture, Août 1908.

LAFONT, D.F. : Sur la fabrication des graines de vers à soie en Perse. Bull. de l'Union Franco-Persane. Paris, 1911.

دربارهٔ درختان جنگلی شمال اطلاعات مفصلی دارد .

LANDOR, A.H. SAVAGE : Across Coverted Lands, London, 1902. T. 1rst, pp. 36-72.

LANIER, L. : L'Asie. Paris, 1904. T. 1rst pp. 483-519.

LEINAT, F. Methodo di Allevamento in Persia; il tilimbar. Une analyse de cet opuscule se trouve dans "Il Bacologo Italiano, Anno IV, 1881-1882."

LE STRANGE, GUY : The Lands of the Eastern Caliphates, Mesopotomia, Persia, and Central Asia. Cambridge 1905, pp. 368-372.

LOVETT, C.B. Report on Astarabad. (Consular Reports March 1882).

LOVETT, C.B. Itinerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882. Proceedings R.G.S. Vol. V, Feb. 1883, with maps.

MACKENZIE, F. : Report on the Persian Caspian provinces. Rasht 1859-1860. In manuscript.

MARQUART : Alexander's Marsch von Persepolis nach Herat. in Untersuch. z. Gesch. von Eran. II 1905. pp. 45-63.

MARQUART, : Eranschahr nach der Geographie des ps. Moses Xorenachi (abhandlung der Königl. Geselschaft der Wissenschaften zu Göttingen Neue Folge 1Bd. III 1899-1901.

در صفحات ۱۳۶ ــ ۱۲۹ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

MAZE (le père de la) : Lettres edifiantes et Curieuses. Edition merigot T. IV p. 80.

MELGUNOF. G. : Die Sudliche ufer des Kaspischen Meeres oder die Nordprovinzen Persien. Leipzig, 1868.

MELGUNOF, G. : Essai sur les Dialectes de Mazandéran et du Ghilan, d'après la pronunciation locale. Z.D.M.G., Vol. XVII, pp. 195-224.

MELGONOF. G. : O yuznom berege Kaspiskago Moria
Appendix to Vol. III of Zapiski Akadem. Nauk. St. Petersburg,

1863, pp. 95-195.
Zenker has translated this book into German by the name of Das Südlische ufer des Kaspischen meeres. Liepzig, 1868.

MILES, GEORGE : The Coinage of the Bawandid of Tabaristan.

MONTEITH, E.I.C. : Journal of a Tour through Azerbaijan and the shores of the Caspian. J.R.G.S. London, 1834, T. III, pp. 17-26.

MORDTMANN, A.D. : Nachrichten über Tabaristan aus dem Geschichts - werke Tabaris. Z.D.M.G., Bd. H, p. 285.

MORDTMANN, A.D. : Erklärung der münzen mit Pehlewi-Legenden. Z.D.M.G. Bd. VIH v. XII, 1854.

MORDTMANN, A.D. : Münzen der Sassaniden. Z.D.M.G. Vol. XXXIV, pp. 1-162. 1880.

MORIER, M.J. : Voyage en perse. Paris, 1813.

این کتاب از زبان انگلیسی ترجمه شده است .

MORIER, M.J. : Second journey in Persia. London, 1818.

در فصل بیست و سه مطالبی دربارهٔ تهران ، بومهن، دماوند، باغشاه، فیروزکوه، آسران ، فولاد محله ، چشمه‌علی ، ساور ، استراباد دارد .

MURAVIEW: Voygges en Turcomanie et à Khiva. St. Petersburg. 1823.

NAPIER, G.C. : Extracts from a diary of a tour in Khorasan. J.R.G.S. XVI, 1876, pp. 62-171.

دربارهٔ قلهك، گیلیارد، فیروزکوه، گورسفید، خنگ‌رودبار، چشمه‌علی، چهارده، شمشیربر ، اسپی‌ئزا ، شاهرود، مطالبی دارد . این کتاب دارای نقشه‌های بسیار خوبی است .

NIEDERMAYER, O. : Die Persien Expedition mitt d. Geogr. Gesell. in München VIII, 1913, pp. 177-188.

مطالبی در بارهٔ فیروزکوه ، تورود ، پلور (بفتح پ و واو) ، ساری ، نکـا ، سفیدجه دارد .

NOEL, J.B. : A Reconnaissance in the Caspian Provinces of Persia. J.R.G.S. June 1921, Vol. LVII, No. 6, pp. 401-418.

در بارهٔ تهران ، آمل ، فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

O'DONOVAN, E. : The merve oasis. Vol. I, New York, 1883.

دربارهٔ تهران ، آمل ، فرح‌آباد ، نور ، کجور و تنکابن مطالبی دارد .

OLEARIUS. ADAM : Relation du Voyage d'Oléarius en Moscovie, Tartarie et Perse. Traduit par A. de Wicquefort. Paris, 1659.

ملگونوف سال انتشار را ۱۶۷۶ ذکر کرده است .

OLSHAUSEN, D. Justus : Mazdoran und Mazanderan. Gesammtsitzung der Akademie, 23 Nov. 1876, Vienna, pp. 777-783.

OLSHAUSEN, D. Justus : Die Pehlewi-Legenden auf dem Münzen der Letzten Sassaniden. Kopenhag, 1843.

ONGLEY, H.H. : Report on the Trade and Commerce of Ghilan for the year 1866. (Consular Reports).

ORSOLLE, E. Le Caucase et la Perse. Paris, 1888.

در صفحات ۱۷٤ ــ ۱٤۲ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

OUSELEY, W. : Travels in various countries of the East, more particularly Persia. 3 Vol. London, 1819-1823.

در فصل سوم اطلاعاتی در بارهٔ : فیروزکوه ، سرخ ربـاط ، زیرآب ، شیرگا ، علی‌آباد (شاهی) ، ساری ، اشرف (بهشهر) ، فرح‌آباد ، آمل ، میان‌کلا ، دماوند آمده است .

PATENOTRE, Jules. : Les Persans Chez Eux. Revue des deux Mondes. Mars 1875, 1875, pp. 145-168. اطلاعاتی در بارهٔ گیلان دارد .

PETERMANN,A. : Mittheilungen aus Justus Perthes Geographie Anstalt. 1861. Zwei Neue Messungen des Demavand, 1862.

PIETRO dellaValle : Viaggi. 1618. Part II, letter IV.

در این قسمت مطالبی راجع به مازندران دارد .

POLAK, J.E. : Persien, das Land und seine Bewohner. Leipzig, 1865.

در قسمت اول صفحات ۵۸ ــ ۵۵ مطالبی دربارهٔ گیلان دارد .

POLYBIUS, X, pp. 28-31.

مطالبی دربارهٔحملهٔ اسکندر به صفحات هیرکانیا دارد .

POTEVES, DESABRAN, JEAN DE : Notes de Voyage d'un Hussard. Paris, 1894.

POPE, Arthur Uphan (Editor) : From prehistoric times to the present. (edition de luxe) Oxford University Press, London and N.Y., 1938.

POPOF : Geschichte des Aufstandes Stenko Rasin's. Moscow, 1857.

اصل کتاب به زبان روسی است نام آن به آلمانی ترجمه شده است .

POSLAWSKI, Général : D'un Voyage sur les rivières Atrek et Gurgan, 1900. Extrait des comptes rendus des Séance du Cercle Turkestanais des amateurs d'archéologie, Protocole 4.

PRICE, D. : Chronological Restoropects of Memoirs of the Principal Events of Mohammedan History. London, 1811, 3 Vol.

PUGH, John : Jonas Hanway; Remarkable Occurrences in His Life; comprehending an abstract of such of his travels in Russia and Persia as are most interesting. London, 1787.

PUSCHKIN, Capt. : The Caspian Sea.

متن کتاب به زبان روسی است نام آن به‌انگلیسی ترجمه شده است .

QUATREMERE : Notice de l'ouvrage "Mesalek-al-Absar fi Memalek-al-Amsar. Noticse et manuscrits. Paris, 18383.

فصل سوم صفحات ۳۰۰ـ۲۹۲ مطالبی راجع به گیلان دارد .

QUERRY, A. Le Qabous-namé. Paris, 1886.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandran. J.R.G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, J. : Banking in Persia. Journal of the Institute of Bankers. London, 1892.

در این صفحات راجع به رشت تا ساری مطالبی دارد .

RABINO, M. Les Dynasties du Mazandaran de l'Iran de l'an 50 Avant l'Hegire al'an 1006 de l'hegire, d'après les chronique locales. J.A. CCXXVIII. (1936), pp. 409-437.

با شجره‌نامه‌ای در صفحه ٤١٦ .

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad, 1928.

وصف راههای ساحلی ، تشکیلات اداری ، فهرستی از دهکده‌ها ، کتیبه‌های اسلامی
در صفحه ۲۰ این کتاب فهرست مفصلی از کتب دربارهٔ ساحل دریای
مازندران است .

RABINO, H.L. : Silk in Ghilan, Mazandaran and Astarabad, 1907. Un résumé de ce rapport se trouve dans "The Board of Trade Journal" 6 juin 1907, pp. 455-460.

RABINO, H.L. : Report on the production of Rice in the province of Ghilan, Mazandaran and Astarabad. Une notice de ce rapport setrouve dans "The Board of Trade Journal" 25 April 1907, p. 185.

RABINO, H.L. : Report from March 21, 1907 to March 20, 1909, on

the trade of the Persian Caspian provinces, consular district of Resht and Astarabad Diplomatic and Consular Reports, Ann series, No. 4398.

RABINO, H.L. : Report from March 20, 1903, to March 20, 1907, on the Trade of the consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 3864.

RABINO, H.L. : Reports from March 21, 1909 to March 20, 1911, on the Trade of the Persian Caspian provinces. Consular district of Resht and Astarabad. Dipl. and Cons. Reports Ann. series No. 4828.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : L'Industrie Séricicol en Perse Montpellier, 1910.

RABINO, H.L. : Report for the year 1910-1911 on the trade and general condition of the city of Barfurush and the province of Mazandaran Dipl. and Cons. Reports, Ann series No. 4812.

RABINO, H.L. : Culture du tabac en Guilan. Progrès Agricole et Vitocol. Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. and LAFONTE, D.F. : La Culture du Riz en Guilan et dans les autres province du Sud de la Caspienne, Montpellier, 1911.

RABINO, H.L. : Carte de la province du Guilan, dressée et dessinée par le Capitaine Faure, et publiée par la Société Lyonnaise sericicole et soies d'Extrême-orient. Lyon, 1914.

RABINO, H.L. : Les anciens sports du Guilan. "Revue du Monde Musulman, Mars 1914.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Gourde à Ghalian en Guilan et en Mazandaran. "Revue de Monde Musulman", 1914. T. XXVIII.

RABINO, H.L. : Les provinces Caspiennes de la Perse. Paris, 1917.

RABINO, H.L. : A journey in Mazandaran from Resht to Sari. J.R. G.S. Nov. 1913, pp. 435-454.

RABINO, HL. : Les dynasties Alaouides du Mazandaran. Journal Asiatique, Avril-Juin 1927. pp. 253-277.

RABINO, H.L. : Mazandaran and Astarabad, London, 1928. Persian text printed at Cairo.

RABINO H.L. : Reports on the trade and general condition of the city and province of Astarabad. Dipl. and Cons. Reports, Ann. series No. 4381.

RABINO, H.L. and LAFONT, D.F. : Culture de la Canne à Sucre en Mazandéeran "Revue de monde Musulman".

RABINO, H.L. : Culture des plantes textiles (Coton, chanvre, etc.) en Guilan et Mazanderan.

RABINO, H.L. : Album of coins, medals and seals of the Shahs of Iran (1500-1948). Oxford University Press, 1951.

RADDE, G. : Reisen an der persisch - Russischen Grenze Talysh und Seine Bewohner. Leipzig, 1886. pp. 365-377.

RADDE, G. : Die Fauna und Flore des Südwestlichen Caspi-Gebietes. Leipzig.

RADDE, G. : Reise auch Talysh, aderbaidschen und zum Sawalan, 1879-1880. Petermann's mitt, 1885.

RADDE, G. : Talysh, das Nordwestende Alburs und seine Tiefland. Petermann's mitt, 1885.

RAWLINSON, H.C. : Notes of a journey from Tabriz, through Persian Kurdistan to the Ruins of Takht-i-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom to Gilan, in Oct. and Nov. 1838. J.R. G.S.T.X. pp. 1-64. London, 1841.

RAUSCH von TRAUBENBERG, PAUL : Hauptverkehrswege Persiens. Halle a.s. 1890, pp. 54-60.

REHATSEK : The Baw and Gaobarah Sepahbuds along the Caspian shores. Journal Bombay Br. R. Asiat. S. 1876. T. XII, pp. 412-445.

RIES, P. : Voyages dans le Guilan et le Mazandéran. Zapisk. Kavkask. Geogr., Vol. VI, 1864.

متن بفزبان روسی است عنوان بفرانسه ترجمه شده است .

RITTER, K. : Die Erkunde von Asien. Berlin, 1833.

صفحات ۵۱۴ ــ ۴۷۱ : جاده‌های رشته البرز .

صفحات ۵۵۰ ــ ۵۱۴ : نواحی ساحلی مازندران .

صفحات ۵۹۵ ــ ۵۵۰ : دماوند .

ROLLIN, CHARLES : The ancient history of the Egyptians, Carthaginians, Assyrians, Babylonians, Medes and Persians, Grecians and Macedonians. with notes by James Bell. 2 Vol. Glasgow, 1842.

ROUSSKIA KONSOULSTVA, Vol. du dixhuitième siècle. Ce volume continent de nombreux extraits de la correspondance des consuls Russes au Guilan pendant le dix-huitième siècle.

RUNDREISE Durch die Nördlichen provinzen Persiens nach briefl.

Mittheilungen des Ritters von Gasteiger-Ravenstein Kobach an Hr. Dr. Brugsch Zeitschr. f. Allg. Erkunde. Berlin, 1862. No. 1071, p. 341.

SACHAU. Ein Verzeichniss des Muhammd. Dynastien. Berlin, 1923.

SARRE, F. : Denkmäler Persischer Baukunst.

ذکری ازامامزاده‌یحیی درساری‌داردواین بنا را به‌نام ملامجدالدین‌خوانده‌است‌در صورتیکه قبرمجدالدین باسلطان‌رضاکیا در یاش‌بناوبرسرراه فرح‌آباداست.

SARRE, F. : Reise in Mazanderan (Persien) Zeitschrift der Geselschaft fur Erkunde, 1902.

در صفحات ۱۱۱ ــ ۹۶ ذکری از دماوند و آمل و اشرف (بهشهر) و بندرگز دیده می‌شود .

SAUVAIRE. H. : Letire à propose d'un dérham 'Alide du Guilan appartenant à M. de Saint - Laumer, 1887.

SCHINDLER, A.H. : Reisen in Nordlichen Persien. Zeitsch. d. Ges. F. Erd. Zu Berlin, 1879. T. XIV p. 119.

SCHINDLER, A.H. : Rice and Sugar in Persia. Unite States Consular reports 1888.

SCHINDLER, A.H. : Notes on Demavand, proceedings R.G.S. Feb. 1888.

SCHINDLER, A.H. : Eastern Persians. Irak. R.G.S. 1897.

SEIDLITZ : Handel und Wandel an der Kaspischen Südküste. Pet Geog. Mitt, 1869, pp, 98-103 and 255-265.

در بارهٔ سفیدرود ، مشهدسر (بابلسر) و بندرگز و اشرف (بهشهر) و کـاخ صفی‌آباد مطالبی دارد .

SHEIL, LADY : Glimpses of Life and Manner in Persia. London, 1886.

SHIEL, JUSTUS. LIEUT. COL. : Itinerary from Tehran to Alamut and Khurrem-abad. Journal of the Royal Geographical Society. T.I. 1837.

SCIENCE MILITAIRE (Journal de) T. II., Notice Geographique et statistique sur le Guilan et le Mazanderan,, provinces de l'Empire de Perse.

SOCIETY OF ARTS (Journal of): Silk production in Persian, Nov. 19, 1886.

SOIMONOFF : Opisanie Kasniiskago Mora. Beschreibung des Kaspichen Meeres, mit Geographischen Zusatzen von Müller) St.

Petersburg, 1763.

SOKOLOV, AL. : Abriss der Geschichte der Reisen auf des Kaspischen Meere. Moscou, 1854.

متن کتاب به روسی است . عنوان آن به آلمانی ترجمه شده است .

SONO, TOSHIHIKO and FUKAI SHINJI : Dailaman III. The excavation at Hassani Mahalleh and Ghale Kut. 1964.

این کتاب در سال ۱۹۶۸ منتشر شده است .

SPIEGEL, Fr.: Nachrichten über Tabaristan. nach dem Tarikh-i-Tabaristan von Abol Hassan Ben Isfendiar Z.D.M.G. Bd. 18, p. 62.

SPIEGEL, Fr. : Eran Altertunskunde, 1871. I., pp. 64-74.

SPIEGEL, Fr. : ERAN, Berlin, 1863.

STACK : Six months in Persia. London, 1882.

فصل دوم صفحات ۲۰۲ ــ ۱۷۰ در بارهٔ تهران ، کوه دماوند ، مشهدی‌سر (بابلسر) اطلاعاتی دارد .

STAHL, A.F. Notes on the march of Alexander the Great from Echatan to Hyrcania, J.R.G.S. Oct. 1928, pp. 312-319.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und Zentral Persien, with maps, Pet. Geog. Mitt. Ergäsheft, No. 118. Gotha, 1896, Blatt I, 1895.

درصفحات ۱۸ــ۷ : شرحی دربارهٔ تهران ، کلارستاق ، نور ، لار ، دماوند ، آمل ، فیروزکوه ، علی‌آباد (شاهی) آمل ، استراباد (گرگان) تاش . چهارده ، سمنان با نقشه‌ای مشروح آمده است .

STAHL, A.F. : Die Orographischen und hydrographischen verhältnisse des Elburzgebirges in Persien. Pet. Geog. Mitt. 1927, Heft 7, 8 mit karte, S. Tafel 13.

STAHL, A.F. : Zur Geologie von Persien. Pet. Geog. Mitt. Ergsft. 122. pp. 39-43. Gotha, 1897.

STAHL, A.F. Reisen in Zentral und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1905.

STAHL, A.F. : Reisen in Nord und West Persien. Pet. Geog. Mitt. 1907. Heft VI, pp. 121-132. Tafel 10.

STAHL, A.F. : Die durch Nivellierung des Rescht-Tehraner Wegs erhalten Höhen. Pet. Geog. Mitt. Ergsft, 1902.

STICKEL, J.G. : Allteste Muhammedanische Münzen bis zur mün-

zreform, Abdul Melik's. Leipzig, 1870.

STODART, R.: The Journal of Robert Stodart, published with an introduction and notes by Sir E. Denison Ross. London, 1935.

ترجمهٔ احمد توکلی ، فرهنگ ایران زمین ج ۸ ص ۲۲۰ ــ ۱۶۱ ــ سال ۱۳۳۹ .

STOLZE et ANDREAS : Die Handelsverhältnisse Persiens. Pet. Georg. Mitt. Ergsft 77. Gotha, 1885.

STRABO : The geography of strabo translated with notes, the first six volumes by H.S. Hamilton, the remainder by W. Falconer. 3 volumes. Bohn's Classical Lib. London, 1912.

STUART, Gen. Charles: Journal of a Residence in northern Persia and the adjacent provinces of Persia. London, 1884.

در صفحات ۱۸۴ ــ ۲۴۷ از شهر دماوند ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری و آمل و تهران بحثی بمیان آمده است .

TSUCKNBERG, S.C. : Hydrographie des Russischen Reiches T.5., 1848.

SVEN HEDIN : Genom Khorasan. Stockholm, 1892.

در قسمت اول صفحات ۶۹ ــ ۵۷ از دامغان و چهارده و جهان‌نما و استراباد شرحی به میان آمده است .

SYKES, MAJOR P.M. : A sixth journey in Persia. J.R.G.S. January 1911, London.

TEXIER, C. : Description de l'Armenie, la Perse, et la Mesopotomie. Paris, 1842-45.

THEVENOT : The travels of Monsieur de Thevenot into Levant. London, 1687.

THOLOZAN, Dr. J.D. : Sur les Vents du Nord de la Perse et sur le Foehm du Ghilan. Comptes Rendus, Acad. Sc. de Paris, 1885.

THOMAS, EDWARD. F.R.S.: Recent Pehlawi decipherments. London, 1872.

THOMAS OLDFIELD, F.R.S.: On Mammals from northern Persia, presented to the National Museum by Col. A.C. Bailward. Annals and magazine of Natural History, Ser. 7, Vol. XX, Sept. 1907.

THOMSON, TAYL: An account of the ascent of mount Demavand in 1837. Journal of the Royal Geographical Society, T.I., 1838.

TOMARA, M.L. : Economicheskoé Polojenié Persié. St. Petersburg, 1895.

TORNAUW : Aus der Neuesten Geschichte Persien. Z.D.M.G. 3 Bd. 1849.

TORNBERG : Sur une monnaie de "THAIR FILLAH". Revue Archaeol. 1855, p. 427.

TOWNLEY. W. : Cultivation of Olives in Gilan, 1891. Dipl. and Cons. Rep. Misc. Ser. 191.

TREZEL, Colonel : Notice sur le Ghilan et le Mazandéren, dans le voyage en Armenie et en Perse (1805-1806 de p. Amédée Jaubert. Paris, 1821.

VANDENBERGHE, L. : Archeologie de l'Iran Ancien. Leinden E.J. Brill, 1959. این کتاب را آقای عیسی بهنام به پارسی ترجمه کرده‌اند .

VASMER, R. Die Eroberung Tabaristan durch die Araber zur zeit des chaliefen al-mansur. Verlag der Asia major. Leipzig. Separat druck aus Islamica.

VASMER, R. Die Münzen der Ispehbed und Statthalter von Tabaristan.

VOSKOBOINIKOV : Puteshestviye po severnoi persii. 1843-1844. Gornii Zhurnal, St. Petersburg, 1846.
German translation in Ermans Russ Archiv.

مطالبی در زمین شناسی شاهکوه ، ساری ، فیروزکوه ، کجور ، تهران دارد .

Voyage de monsieur le chevalier chardin en Perse, et autre lieux de l'orient. Amesterdam. 1711.

V. WEISS und V. STARKENFELS und TH. V. SCHWARZ HUBER: Key Kaws im Masenderan, aus dem Schahname etc. Wien, 1841.

WAHL, G. : Altes und Neues Vorder und Mittel-Asien. Leipzig, 1795.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz mountains to the Caspian Sea. The Scotish geographical magazine. Jan. 1898.

در صفحات ۹ ــ ۱ از افجه و کجور و نور رودبار و ملاکلا بحثی بمیان آمده است .

WHIGHAM, H.J. : The Persian problem, London, 1903.

WILBRAHAM, :Travels in the Trans-Caucasian Provinces, London. 1839.

در صفحات ۴۷۷ ــ ۴۲۳ شرحی دربارهٔ تهران ، فیروزکوه ، زیرآب ، ساری، اشرف (بهشهر) و آمل دارد .

WINDT, H. de : A Ride to India across Persia, London, 1891.

شرحی راجع به راه رشت تااسترآباد در این کتاب آمده است .

WULSIN, F.R. : Excavation at Tureng Tepe near Asterabad. Supplement to the bulletin of the American institute for Persian Art and Archaeology, Vol. II, No. 1 bis, March 1932, New York.

ZAMBAUR, EDUARD VON : Die Münzprägunagen des Islam Zeitlish und Ortlich Geordnet. Wiesbaden, 1968.

در این کتاب از ضرابخانه‌های آمل ص ۳٤ و استراباد ص ٤٦ و تیمجان ص ۹۳ و جرجان ص ۹٦ و چوکام ص ۱۰۲ ودنباوند ص ۱۱۸ و دیلم ص ۱۲۲ رستمدار ص ۱۲٦ و رشت ص ۱۲۷ و رودبار ص ۱۲۸ و ساری یا ساریه ص ۱۳٦ و طارم یا طرم ص ۱٦۹ و طبرستان ص ۱۷۰ و فریم ص ۱۸۵ و گرجیان ص ۲۰٤ و کرسی‌الدیلم ص ۲۰٦ وگویج و چوکام ص ۲۱۵ و گیلان ص ۲۱٦ و لاهیجان ص ۲۱۸ و لشتشاء ص۲۱۹ ومازندران ص ۲۲۱ وهوسم ص ۲٦۷ سخن بمیان آمده است .

ZENOVIEFF : Statistique du Guilan de Chahroud et de Bastam, 1879-1881. متن این کتاب به زبان روسی است . عنوان آن به فرانسه ترجمه شده‌است .

ZUSTAND : Des Russ Handels in der persischesn provinz Masanderan. St. Petersburg. 1836.

فهرست کتبی که قبل از زمان ملگونوف نویسندگان روسی دربارهٔ گیلان و مازندران و گرگان نوشته بوده‌اند

BEREZINA,I. : Puteshestviye po severnoy persii Kazan, 1852.

BLARAMBERGA, N.F. : Statisticheskoye obozryenis Persii, 1841. Zap. Russk. Geogr. Obsh. 1850 i 1853.

BLARAMBERGA, N.F.: Zhurnal Vedenbii vo vremai zkpelesi gla obozhrenia vostochn. ber. Kasp. Moriya, 1836.

BLARAMBERGA, N.F.: Topographicheskoyé i statisticheskoyé opisaniye vost-berega Kasp. Moriya.

BODZ, K. : Opisaniyé Torkmenskoy Zemli, Otech. Zap. 1856, G. Iyul i Avgust.

BODZ, K. : O Turkmenskikha pokoleniyax : Yamudakh i Gokpanakha. Zap. Rus. Geogr. Obsh. 1847. KN. 2.

DRUVILA, G. : Puteshestviyé po Persii ve 1812 i 1813 G. G. Prev. Sfrantz, 1826.

IVASHINSOVA, N. : Noveysheye opredeyleniye Gori Damavend and uruvenem Kasp. Moriya. Morskoy Sbornik, 1861. No. 4.

IVASHISOVA, N. : Pisma siyuzhnago Kaspiskavo pribrezhiya Doktora M. Zhurnal "Vremiya", 1862.

IVANINA, M. Poyesdka na Polustova Mangishlaka, 1846. G. Zap. Rus. Geogr. Obshch. KN 2, 1847.

GMELINA SAMUILA GOTLIBA : Puteshestviya po Rossi gla izseledovaniya vesex triox zartsv veleriroje. S. Peterb., 1785. u.z.

KAZEMA-BEKA : Muridizma i Shamil. Zhurnal "Ruskoye Slovo," 1859, Dekabr.

KAZEMA-BEKA : Nadpisi Mazandaranskiya i Gilanskiya Otchet Akademika Dorna o puteshvii po Kavkazu i Persii. St. Peterb, 1861.

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb., 1859 .

KASTOMAROVA, N. : Bunga stenki Razina, izd. 2. St. Peterb, 1819 i 1820, G.G. Moskva, 1822.

MELGUNOV, G. : Kaspeyskago Moriya. St. Peterb., 1863.

POPOVA, A.N. : Snosheniya Rossi i Khivoyu Bokharoyu pri petré velikom. Zap. Rus. Geogr. Obshch., 1853.

RISSA : O Taleshinazakh ikha obraze zhizni i yaziki. Zap. Kavk. Otd. Rus. Geogr. Obshch., 1853.

Rukopis sa Zamechaniyami Sovorova, 1780-1783, Sostavllenaya ve Astrakhan i ma Kubani.

SAVELEVA : Mukhamedanskaya Numizmatika ve Otnosheni ka Ruskoy istorii. St. Peterb., 1846.

S. Peterburgskiya Vedomesti, Ostrov Ashuradé, 1863, G. No. 63.

SOYMONOVA : Opisaniyé Karpskago Moriya sa Dopolneniyami izdatela istoriographa millera. St. Peterb., 1763.

KHANIKOVA, N. : O premezha - Yushchikhsiya i izmeneniyakh urovniya Kaspeyskago Moriya. Zap. Kavk. Otd. Rus. Geogr. Obshch. KN. 2. 1853.

KHANIKOVA, N. : Voskhozhdenia na Demavand. Zap. Kabk. Geog. Obshch. 1853.

اصطلاحات فنی و لغات محلی

آویز : قسمتی از نوعی تزیین درهای چوبین است . پاره‌چوبی با کنده‌کاری از کلگی چهارچوب در حدود بیست سانتیمتر پایین آمده و بالای در ورودی قرارمی‌گیرد. این‌نوع کار دربقعهٔ الثایرباللهدرمیانده سیاهکلەرود گیلان وامامزاده زکریا در شکر کوه کلاردشت دیده شد (ص۱۲۳).

آهن‌کوبی : آهن ورق را بر خرپاکوبی سقف به‌عنوان بام یا بر بدنهٔ بنا کوبیدن (ص ۱۵۲) .

اربه (خرمندی) : نوعی درخت جنگلی که میوهٔ آن را برای اربه شیره یاسر که به‌کار می‌برند. نام علمی این‌درخت *Diospyros lotus* است (ص۲۲۹).

اندرونی : قسمتی از بنای خانه‌های قدیمی که محل زندگی صاحبخانه و همسر و متعلقان اوست (ص۵۱) .

اوجا : از درختان جنگلی است که به نام *Ulmus Campestris* شناخته می‌شود (ص ۲۲۹) .

ایوان کتابی : ایوانی باریك در حدود یك متر عرض (ص ۴۹) .

باری : بنایی ازسنگ و گل . این واژه در دهکدهٔ فشکور شنیده شد (ص۱۴۴).

بیرونی : قسمتی از منزل مسکونی که شامل حیاط و اطاقها است و مخصوص پذیرایی مهمانان است (ص ۵۰) .

پردی کوبی (بفتح پ) = پل‌کوبی : کوبیدن تخته برسر واشانها از بالا . پردو در لغت کوهپایه های تهران به چوبهای دسته بیلی گویند که از داخل اطاق برسقف کوبند (ص ۲۱۴) .

پشته : لبه های پیش آمدهٔ بام که برای جلوگیری از برخورد باران به دیوارها و پنجره‌ها ساخته می‌شود (ص ۴۹) .

پل کوبی = پردی کوبی .

پلور (بفتح پ وسکون لام و فتح واو) : تیرهای سقف را گویند که معمولا در سواحل شمال چهار نبش می‌کنند (ص ۷۴) در کوهستان نور نیز این واژه شنیده شد . در دهکده های نور به دستکهائی که روی پلور می‌اندازند رمس (بفتح راء و سکون میم وسین) گویند و چوبهائی به قطر دسته بیل که چپ وراست روی رمس می‌اندازند گلی (با چسباندن گاف و لام) گویند . تخته‌ها یا چوبهای گرده به قطر ده سانتیمتر که لاپ کرده وروی پلور بر خلاف جهت آنها قرار می‌دهند، لارده (بسکون راء و کسر دال) خوانند و به چوبهائی به قطر دسته بیل که از زیر به پلور می‌کوبند و با کوتاه و بلند بریدن آنها ، اشکال هندسی نظیر لوزی می‌سازند پردی (بفتح پ) می‌گویند .

پلورگیر = حمال = دوش‌کش : چوب قطوری که در طول بنا در وسط قرار می‌دهند و سرهای پلور از دو طرف بنا برآن می‌افتد (ص ۲۳۵) .

پنجره‌های ارسی (بضم الف و راء) : پنجره‌هائی که در دو طرف چهارچوب دارای ناو هستند و از بالا به پایین و بالعکس حرکت می‌کنند . این پنجره‌ها معمولا آلت سازی دارند و شیشه‌های رنگین در آنها به کار می‌رود (ص ۵۱) .

تیجی = امرود : نوعی گلابی وحشی ریز است . درخت آن بزرگ می‌شود و میوهٔ فراوان می‌دهد (ص ۳۷۰) .

تیره : رشتهٔ اصلی کوه که آسمان گذار گویند (ص ۱۴۹) .

تیسکا = توسکا : از درختان جنگلی است که به نامهای علمی *Alnus Glutinosa* و *Alnus Vulgaris*, شناخته می‌شود .

چکش گردان : چوبهای چهار نبشی که سر آنها را با تراش تزیین می‌دهند ودر بالای دیوار برای نصب پشته‌ها قرار می‌دهند (ص۴۹) .

حلب پوش : بامهایی که با حلب پوشیده شده‌اند . در تهران شیروانی گویند (ص ۴۹) .

خرپاکوبی : کوبیدن چوبهای زیر شیروانی (ص ۱۵۲) .

خفنگ : پنجره های مشبك چوبین یا شیشه‌دار نورگیر که در بالای درها نصب می‌کنند (ص ۱۱۹) .

درزپوش زده : برای پوشاندن درز لمبه‌ها ، تخته‌های نازك و باریکی به پهنای چهار پنج سانتیمتر و قطر شش هفت میلی متر می‌تراشند و برروی درزها می‌کوبند لبهٔ این درز پوش گاهی زده است (ص ۷٤) .

دوش‌کش = پلور گیر (ص ۷٤) .

زگالی (بفتح زاء) : بنایی که دیوار آن از چوب است یعنی در فواصل معین چوبهای قطور عمودی در زمین قرار می‌دهند و روی آنها را از خارج و داخل چوبهائی به قطر هفت هشت سانتیمتر یا نازکتر با درازای دو سه متر می‌کوبند و فاصلهٔ این چوبها را با گل پر می‌کنند وازخارج و داخل جدار بنا را گل مالی می‌کنند (ص ۵۵) .

ستون چوبین چهار سوی پخ زده : ستونهای چوبین چهار تبش که تیزی آن‌را گرفته‌اند (ص ۵۵) .

سربند : محلی در رودخانه که بند جلو آن می‌بندند و آبرا در نهرها می‌اندازند (ص ۱۳٤) .

سرستون : قسمتی از ستون که چوبین است وجدا ، آن را به شکلهای مختلف تزیینی می‌تراشند و برستون نصب می‌کنند (ص ٤۹) .

سرستون دهان اژدری : سرستونی است که تراش دو طرف آن به شکل دهان اژدها است (ص ۸۷) .

سرنال : چوب قطور چهار تبشی که روی ستونها در طول ایوان قرار می‌گیرد (ص ٤۹) .

سفال سر : بناهایی که سقف آنها را باسفال پوشانده‌اند (ص ۸۷) .

سنا سنگ : سنگاب (ص ۳۰۹) .

سنا نظار : بناهای مربع شکل بلند چوبین که بر چهار پایه استوار است و درایام عاشورا یا مواقع دیگر آداب مذهبی در آنها اجرا می‌شود (ص ۳٤٦).

شب خسب = شاغور : درخت گل ابریشم است که از درختان جنگلی شمال ایران است و در سالهای اخیر دچار آفت شده و بیشتر آنها خشك شده‌اند این درخت به نام علمی *Albizzia Julibrissim* شهرت دارد .

شمسه = نگار : قسمت اصلی ترینن که معمولا بزرگتر از سایر قسمتهاست و در متن صندوق یا در ورودی تکرار می‌شود و نقشهای دیگر از آن جدا می‌گردد (ص ۷٤) .

شهر = کیش = شمشاد : از درختان جنگلی شمال ایران است که چوب آن استفادهٔ صنعتی دارد و به نام علمی *Buxus Sempervirens* شناخته می‌شود (ص ۳۷۰) .

شیرسر : چوبهای چهار نبش با تراشهای زینتی که داخل بنا برای جمع‌کردن دهانهٔ سقف به کار می‌رود (ص ۹۰) .

شیشار = شهر (ص ۲۲۹) .

طاق جناغی : طاقی‌که بر سر درگاهها می‌زنند و میان آن تیز ونوك‌دار است . (ص ۱۳۲) .

طاقنما : قسمتی از دیوار که گودتر از سطح اصلی ساخته می‌شود . معمولا یکی دو طاقنما داخل هم می‌سازند (ص ۱۱٦) .

فرسب (بفتح فا وراء و سکون سین و باء) = پلورگیر . این واژه در دهکدهٔ رینه در بالا لاریجان شنیده شد (ص ٤۱۸) .

فرش (بضم فاء) : ماسهٔ نرم را گویند که معمولا با آهك مخلوط می‌کنند و فرش آهك می‌خوانند و جدار دیوار را از داخل و خارج با این مخلوط می‌پوشانند (ص ۲٤۰) .

فرمونی : از درختان جنگلی است (ص ۲۲۹) .

فاك (بکسر فاء) = بید : از درختان جنگلی است که معمولا به نام علمی *Salix Pentandra* معروف است (ص ۲۲۹) .

قاب و آلت : درها یا صندوقها که از تخته و آلت ساخته شده‌اند . تخته‌ها معمولا شکلهای هندسی پنج ضلعی دارندکه حاشیهٔ آنها زبانه دارد و داخل کمهای آلت قرار می‌گیرد یا لبهٔ تخته‌ها تیز است و داخل اشکاف آلت می‌افتد (ص ۱۲۰) .

کراب (بکسر کاف) : از درختان جنگلی است شاید با *Carob Tree* که همان درخت کرات است و نام علمی آن *Cerasus Vulgaris* معروف است ارتباط داشته باشد (ص ۳۷۰) .

کلاه درویشی : بامهایی که به شکل منشور مثمن‌القاعده هستند (ص ۱۱٦) .

کله (بفتح اول) : اجاق (ص ۲۷۱) .

کوتی = کتی (بضم کاف) : خاکریزهای دستی یا تپه های کوچك طبیعی که بر بالای آنها قلعه و استحکاماتی ساخته‌اند (٦٥) .

کهله : از درختان جنگلی است که به‌نام علمی *Pterocarya fraxinifolia* شناخته می‌شود (؟) (ص ۳۷۰) .

گلرد (بفتح اول و دوم وسکون سوم و چهارم) = و لرد (با همان اعراب) : قسمتی از کوه که سنگهای بزرگ به قطر نیم متر و هفتاد و پنج سانتیمتر بر اثر ریزش در آن جمع شده باشد (ص ٤٢٩) .

گل سری (بکسر اول و سکون دوم و فتح سوم) : بناهایی که روی سطح زمین می‌سازند و کرسی ندارند (ص ۳۱۱) .

گوشوار : پیش آمدگی کنج بناها نزدیك به سقف برای جمع کردن دهانهٔ سقف . معمولا بناهای چهارگوشه‌را با چهارگوشوار به‌هشت ضلعی تبدیل می‌کنند و پایهٔ بام را براین هشت ضلعی می‌گذارند و بامی به‌شکل هرم مثمن‌القاعده برآن می‌سازند (ص ۱۱٦) .

لاچ‌لنگری هفت‌و هشت : نوعی از کنده‌کاری بر ستونها که به‌شکل هفت و هشت است (ص ۸۷) .

لتازه : حفاظی که با قرار دادن تخته های عمودی جلو ایوان می‌سازند (ص ۱۲۱) .

لت‌پوش (بفتح لام و کسر تاء) : بناهائی‌که بام آنها را باتخته‌هائی به درازی سی و سی‌وپنج سانتیمتر و پهنای ده پانزده سانتیمتر پوشانده‌اند (ص ۱۲۲) .

لك = کهل : از درختان جنگلی است که زیر عنوان «کهله» شرح داده شد (ص ۲۳٦) .

لمبه‌کوبی (بفتح لام) : کوبیدن تخته هائی به‌پهنای پانزده بیست سانتیمتر و درازای سه چهارمتر ازداخل اطاق بر سقف تا پاورها پوشیده شود (ص ٥٦) .

مازو : از درختان جنگی شمال‌است‌که به نام علمی *Quercus Castaneaefolia* معروف است (ص ۲۳٥) .

ممرز (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) = شرم (بفتح اول و دوم) : از

درختان جنگلی شمال است که به‌نام علمی *Carpinus Betulus* معروف است (ص ۲۳۹)

میرکا : مهره زردی و مهره‌های دیگر را گویند (ص ۲۱۵) .

ناو : دره‌ای کم عمق که از زمینهای اطراف بیش از یکی دو متر عمق ندارد (ص ۱۶۹) .

نگار = شمـه (ص ۱۳۳) .

واشان : چوبهای بلند چهار تبش به قطر ده دوازده سانتیمتر یا بیشتر که برای پوشاندن سقف به کار می‌رود . در تهران به جای آنها تیر به‌کـار می‌برند (ص ۴۹) .

واشان کشی : تیر ریزی و چیدن واشانهای سقف با فواصل معین (ص ۴۹) .

هشتی : بنایی هشت ضلعی که پس از در ورودی کوچه قرار می‌گرفت و سپس از هشتی باگذشتن از در دیگر وارد حیاط ساختمان مسکونی می‌شدند (ص ۵۰) .

هلی : آلوچهٔ وحشی که به‌نام *Prunus Insititia* شناخته می‌شود (ص۲۲۹) .

یال : بازوهای کوه که از رشتهٔ اصلی به چپ وراست جدا می‌شود (ص ۱۴۹).

منابع و مآخذی که در نوشتن این کتاب از آنها استفاده شده است

آثارالبلاد واخبارالعباد تألیف زکریابن محمدبن محمود قزوینی چاپ بیروت سال ۱۳۸۰ قمری .

احسن‌التقاسیم فی‌معرفةالاقالیم تألیف شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدابوبکر مقدسی معروف به بشاری چاپ لیدن سال۱۹۰۶ میلادی .

استرابادنامه به کوشش مسیح‌ذبیحی انتشارات فرهنگ ایران‌زمین‌سلسلهٔ متون و تحقیقات شمارهٔ ۱۲ .

اعلاق النفیسه تألیف ابن رسته چاپ‌لیدن سال ۱۳۰۶ قمری .

اقلیم نور از جمله کتبی‌که انجمن بهائیان تهران به‌چاپ رسانیده است .

تاریخ‌الامم‌والملوك تألیف ابوجعفر محمدبن جریرطبری چاپ قاهره‌سال ۱۳۵۷ قمری .

تاریخ‌خانی تألیف علی‌بن شمس‌الدین محمدلاهجی تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ۱۶۶ سال ۱۳۵۳ شمسی .

تاریخ رویان‌تألیف مولانا اولیاءالله آملی تصحیح و تحشیه منوچهرستوده

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٦٤ سال ١٣٤٨ شمسی .
تاریخ طبرستان ورویان و مازندران تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی به‌اهتمام عباس شایان تهران ١٣٣٣شمسی .
تاریخ گیلان تألیف‌ملاعبدالفتاح فومنی گیلانی‌تصحیح و تحشیه‌منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٩٢ سال ١٣٤٩ شمسی .
تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی تصحیح و تحشیهٔ منوچهر ستوده انتشارات بنیاد فرهنگ ایران شمارهٔ ٤٦ دی‌ماه ١٣٤٧ شمسی :
تاریخ مازندران‌تألیف اسماعیل‌مهجوری مجلد اول دی‌ماه ١٣٤٢شمسی.
تاریخ مازندران تألیف اسماعیل مهجوری مجلد دوم تیرماه ١٣٤٥ شمسی .
التدوین فی‌احوال جبال‌شروین تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه یونت‌ئیل ١٣١١ قمری .
التفهیم لاوایل صناعةالتنجیم‌تألیف ابوریحان بیرونی‌تهران ١٣١٨شمسی.
التنبیه‌والاشراف تألیف مسعودی چاپ قاهره سال ١٣٥٧ قمری .
جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی‌محمدمیرزا مهندس‌سال١٣٠١ نسخهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .
جغرافی‌لار تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه شمارهٔ ٦٣٩ کتب‌خطی کتابخانهٔ ملی ایران .
خرده‌اوستا تفسیر و تألیف پورداود ازسلسله انتشارات انجمن‌زرتشتیان ایران بمبئی و انجمن ایران‌لیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
دائرةالمعارف اسلامی .
روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه بامقدمه و فهارس از ایرج‌افشار تهران ١٣٤٥ شمسی .

روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ یکشنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۵۰ شمسی .
روضة‌الصفای ناصری تألیف رضاقلی‌خان هدایت تهران ۱۲۸۰ قمری .
سفرنامهٔ استراباد و مازندران و . . . مورخ ۱۲۷۵ قمری تصحیح مسعود گلزاری انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی. از متن عکسی استفاده شده است .
شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ازمجموع نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت .
صورة‌الارض تألیف ابن‌حوقل چاپ‌لیدن سال ۱۹۳۸ میلادی .
طرائق‌الحقایق تألیف محمدمعصوم شیرازی معروف به معصوم‌علیشاه (نایب‌الصدر) به تصحیح محمدجعفر محجوب تهران ۱۳۴۵ شمسی .
عالم‌آرای عباسی تألیف اسکندربیگ منشی مؤسسهٔ مطبوعاتی امیرکبیر سال ۱۳۳۵ شمسی .
عباسنامه تألیف محمدطاهر وحید قزوینی به‌تصحیح و تحشیهٔ ابراهیم دهگان کتابفروشی داودی اراك اسفند ۱۳۲۹ .
غاررنگ‌وجان به قلم عبدالحسین امینی مجلهٔ‌تاج سال دوم شمارهٔ ۹ دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ شمسی .
فرهنگ جغرافیائی ایران مجلدسوم استان‌دوم از انتشارات دایرهٔ جغرافیائی ستاد ارتش شهریور ۱۳۲۹ شمسی .
فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی ایران‌تألیف نصرت‌الله مشکوتی.
الکامل فی‌التاریخ تألیف ابن‌الاثیر جزری مصر ۱۳۰۱ قمری .
کتاب‌البلدان تألیف ابن‌فقیه لیدن ۱۳۱۲ قمری .
گزارشهای باستانشناسی ایران باستان .
مازندران و استراباد تألیف رابینو متن انگلیسی لندن سال ۱۹۲۸ میلادی متن‌کتیبه‌ها درمطبعهٔ اعتمادقاهره سال۱۳۴۲قمری‌مطابق

۱۹۲٤ میلادی .
مازندران و استراباد تألیف رابینو ترجمهٔ وحیدمازندرانی بنگاه ترجمه ونشر کتاب تهران سال ۱۳۳٦ شمسی .
مجلهٔ خواندنیها سال دوازدهم ٤۳ شنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۳۳۰ شمسی .
مجلهٔ نیرو و راستی سال پنجم شمارهٔ۱۵۵ ؛ چهارشنبه ۲۸ مردادماه ۱۳۲٦ شمسی .
مجمل‌التواریخ والقصص به تصحیح ملك‌الشعرای بهار تهران ۱۳۱۸ شمسی .
مجموعهٔ شمارهٔ ٤۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك مورخ ۱۲۹۹ قمری .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲٦ مجلد دوم .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۲ .
مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۳ .
مرآت‌البلدان تألیف محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه تهران۱۲۹۷ قمری .
المسالك‌الممالك تألیف ابواسحق ابراهیم‌بن محمدفارسی اصطخری‌لیدن ۱۹۲۷ میلادی .
معجم‌البلدان تألیف ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله حموی‌لیپزیك ۱۸٦٦ میلادی .
نزهةالقلوب تألیف حمدالله مستوفی قزوینی به‌سعی و اهتمام لسترانج لیدن ۱۹۲۳ میلادی .
هیأت علمی فرانسه در ایران ترجمهٔ کاظم‌ودیعی .
یسنا تفسیر وتألیف پورداود سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران‌لیگ بمبئی ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .
یشتها تفسیر و تألیف‌پورداود از سلسله انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران‌لیگ ازنفقهٔ پشوتن‌مارکر .

کتابهای خارجی

ABBOTT. K.E. : Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran.

BARTHOLOMAE, C. Altir Wörterbuch.

DARMESTETER, Le Zend Avesta, 3 Vol. Paris, 1892-93.

FRASER, J.Bè : Travels and adventures into the Persian Provinces on the Southern banks of the Caspian Sea, London, 1826.

LOVETT, C.B. : Itenerary notes of Route Surveys in Northern Persia, 1881 and 1882.

MACKENZIE, C.F. : Narrative of a journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 - 1859.

SAMADI, H. : Les découvertes fortuites Klardasht Garmabak, Oman et Tomadjan.

WELLS, Lt. Col. H.L. : Across the Elborz Mountain to the Caspian Sea in the Scottish Geog. Magazine, Jan. 1898.

بازماندهٔ بناها و آثار تاریخی جبرولایت اشکور، سیارستاق و بالااشکور

امامزاده برهان [1]

در یک کیلومتری دهکدهٔ میج بالااشکور

بنای امامزاده در میان گورستانی قدیمی است . بیش‌از هشتاد سال است‌که حجةالاسلام آخوند ملاعلی اشکوری‌که از علمای معروف تنکابن و اهل اشکوربالا بود ، بقعهٔ مزبور را از نو ساخت . آخوند زمستانها را در محلهٔ «خوبان رزگاه» [2] و تابستانها را ابتدا در دهکدهٔ « تمل » [3] و بعداً در دهکدهٔ میج می‌گذرانید . قبر او درایوان همین بقعه است. درایام متبرك از اطراف بەزیارت این بقعه می‌آیند وگاوو گوسفند قربانی می‌کنند .

بقعهٔ شاه سفیدکوه [4]

بالای قلهٔ کوه بلور ، نزدیك گردنهٔ میان کوه ، سرراه میج بەلاك‌تراشان بنایی

۱ــ ازاین بقعه در ص ۴۱۵ ج ۲ ازآستارا تا استارباد، ذیل‌باقی‌آثار وبناهای‌تاریخی بالااشکور یاد شده است. ۲ــ بفتح راء وکسر زاء . ۳ــ بضم تاء و میم .

۴ــ درص ۴۱۴ ج۲ از آستارا تا استارباد از این بقعه یاد شده است .

است‌که با تیرهای قطور و چوب ساخته شده است . می‌گویند که هشتصد سال است‌که این‌بنا برپاست. روزهای‌جمعه وایام متبرك به‌عنوان زیارت دراین‌بقعه جمع‌می‌شوندو گاو وگوسفند قربانی می‌کنند . نظیر این بقعه‌که بربلندترین قله‌ها ساخته می‌شود ، درکوهستان گیلان زیاد است . ظاهراً کوههای بلند ، همچون درختان عظیم، درنظر کوه‌نشینان مقام و مرتبتی دارند و برای تعظیم و تکریم ، این بناها را بربالای آنها می‌سازند . ازاینها می‌توان سلطان برزکوه ، بقعهٔ تورار ، بقعهٔ گردکول ، بقعه‌های ملاخروشه وسوری واسّه‌تاشان ، بقعهٔ فیروزکوه ، بقعهٔ سام ولام برسر قلهٔ سوانه‌کوه ، شاه علمدار و بقعهٔ فضل و فاضل[1] را یادکرد .

مطالب از قلم‌افتادهٔ ناحیهٔ اوشیان رانکوه

چشمهٔ دم کش
درفتیج گوابر[2] اوشیان

درفصل زمستان درگودال‌اطراف چشمه ، آب بالا وپایین می‌رود . درتابستانها آب این چشمه چهل وهشت ساعت‌آرام است بطوریکه چشمه خشك می‌شود و چهل‌و هشت ساعت‌بعد آب‌می‌جوشد ونهرها راپرآب می‌کند . هنگام عقب نشینی وجوش‌آب صداهای غریبی‌ازچشمه شنیده می‌شود. نگارنده این چشمه را درتابستان ندیده‌است.

چاه عمیقی‌که با سنگ چیده‌اند
درپشت چشمهٔ دم‌کش فتیج گوابر اوشیان

درپشت چشمهٔ دم‌کش چاهی است‌که دهانهٔ آن نسبت به قسمت پایین تنگ‌تر است وتمام داخل‌آن باسنگ چیده شده‌است. نظیر این چاه از واجارگا تارمك‌رامسر

۱ــ اذدوبقعهٔ آخر درمجلد سوم یادخواهیم کرد.
۲ــ بکسرفاء و تاء وضم گاف‌و فتح باء .

در دامنهٔ رشته تپه‌هایی که مسلط به دشت است ، دیده می‌شود . معروف است که این چاهها از زیر به هم راه دارند . اهالی می‌گویند این چاهها فرارگاه یا محل زندگی بوده است .

باقی بناها و آثار تاریخی اوشیان

۱ـ بقعهٔ شیخ‌احمد در دهکدهٔ دوران اوشیان .

۲ـ آستانهٔ دیتل دردهکدهٔ فتیج گوابر اوشیان .

۳ـ آستانه‌ای قدیمی دردهکدهٔ هرات‌بر اوشیان . دراین آستانه دوتن به خاك سپرده شده‌اند .

۴ـ گورستانی قدیمی در مرتع خشکاسرای اوشیان . مدفونین این گورستان با به‌قبله دفن شده‌اند .

۵ـ گورستانی قدیمی در مرتع چوملاسرای اوشیان . دراین گورستان نیز مدفونین با به‌قبله دفن شده‌اند .

۶ـ درشهرستان که فعلاً مرتعی میان قاسم‌آباد و اوشیان است آثار بنای‌قدیمی دیده می‌شود .

جغرافیای تاریخی و انسانی و تاریخ مازندران

مازندران میان ساحل جنوبی دریای خزر و سلسلهٔ اصلی کوههای البرز واقع است . این ناحیه در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و طول جغرافیایی ۵۰ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۳۰ دقیقه است . حدغربی آن بیشتر اوقات رود سورخانی و حدشرقی آن جرکلباد بوده‌است . طویلترین قسمت مازندران، از شرق به‌غرب ۲۹۲ میل (درحدود ۸۰ فرسنگ) واگر پیچ وخمهای ساحل دریارا به‌حساب آوریم البته بیشتر خواهد شد و پهن‌ترین قسمت مازندران درجنوب فرح ـ آباد است‌که به ۶۸ میل (۱۸ فرسنگ) می‌رسد . یك‌سوم این پهنا دشت و باقی کوهستان است .[۱]

درمشرق جرکلباد ، ناحیهٔ گرگان است و اگر گرگان امروزی را همان خاك « وهرکانه»[۲] بدانیم، اراضی غربی، یعنی مازندران، دردست«دیوان‌مازنی»[۳] بوده‌است.

دارمستتر کلمهٔ مازندران را صفت‌تفضیلی دانسته است و می‌نویسد که Māzan ـ Tara نظیر شوش و شوشتر است .[۴]

۱ـ مازندران‌واسترا باد دابیتو، متن‌انگلیسی، ص ۳. ۲ـ Vehrkāna

۳ـ Mazaniya Daēva . ذیل Bartholomae , Altir Wörterbuch, Col . 1169 ,

۴ـ Darmesteter , Le Zend Avesta 11. 373, Note 32 .

شاید حدس « نولدکه » بحقیقت نزدیکتر باشد . او می‌نویسدکه « مازن‌در » بمعنی دروازهٔ مازن است . این ناحیه حدود معین و مشخصی داشت و زمانی از خاك طبرستان جدا بود .[۱]

درنوشته‌های اوستایی وپهلوی، ایرانیان، ساکنان این‌خاك‌را مردمانی‌خارجی‌و اجنبی دانسته‌اند .

دراوستاکهنترین سند تاریخی ما ، شش‌بار کلمهٔ « ورنه »[۲] آمده و درتمام این موارد از دروغ‌پرستان این سرزمین یادشده و نام این دروغ‌پرستان ، اغلب با «دیوان مازنی» یکجا ذکر شده است .[۳] از فحوای این عبارات چنین برمی‌آیدکه در این دو سرزمین ، گروهی به‌آیین قدیم خود باقی مانده و پیرو دین زرتشتی نشده‌اند.

درنخستین‌فرگرد وندیداد فقرهٔ ۱۸، این سرزمین راچهارمین‌کشور روی‌زمین شمرده و مولد و منشأ فریدون دانسته است .

بنابر متن بندهشن « مـردم مازندران ، از پـدر و مادری غیراز پدر و مـادر ایرانیان و عربها بوجودآمده‌اند . »[۴] درمتن شاهنامه نیز به فکری نظیر همین فکر برمی‌خوریم .

از ساکنان‌گذشتهٔ مازندران « تپیرها »[۵] را می‌توان نام برد . اینان‌درکوهستان شمالی سمنان ساکن بوده‌اند . « امردها »[۶] نیز ازساکنان قدیمی این ناحیه بوده‌اندکه طبق اظهارنظر «اندره‌آس» و «مارکوارت» نام خود را بشهر آمل داده‌اند .این‌دوتیره، از اسکندر مقدونی شکست خورده‌اند .

۱ـ . Grund . d. Iran. Phil . 11 . 178 ۲- بفتح واو وکسر راء وفتح‌نون.
۳- یشتها جلد اول ، ص ۵۷، فقرهٔ ۱۹ هزمـزدیشت . همین‌کتاب صفحهٔ ۶۷، فقرهٔ ۳۲ هزمزدیشت . یسنا جلد اول، ص ۲۳۱،فقرهٔ یك‌یسنای ۲۷. خرده‌اوستا ، ص ۱۰۰،فقرهٔ دوم‌هوشبام . یشتها جلددوم،ص۷۵، فقرهٔ۷۱ فروردین‌یشت . وندیداد فرگرد یك،فقرهٔ۱۸.
۴- بندهشن، ص ۲۸، فقرهٔ۱۵. ۵- بفتح‌تاء . ۶- بفتح الف و میم .

پادشاه پارتی به نام « فرادات اول » درسال ۱۷۶ پیش‌از میلاد ، امـردها را به ناحیهٔ خوار ، درشرق ورامین کوچ داد وسرزمینی راکه ایشان درآن سکونت‌داشتند به‌تپیرها رسید و ظاهراً بعدها کلمهٔ « طبرستان » به سرزمینی اطـلاق شدکه در دست تپیرها بود .

این نام درسکه‌های پهلوی به‌شکل «تپورستان» دیده می‌شود وطبرستان، شکل نام‌گذاری‌اعراب است .

ابن‌الاثیر ، درتقسیم‌کردن‌ایران، میان‌سران‌حکومت، به‌توسط‌الب‌ارسلان‌درسال ۴۵۸ هـ .ق . می‌نویسدکه مازندران را به‌امیر اینانج بیغو داد .[۱]

ابن‌اسفندیار[۲] و یاقوت[۳] می‌نویسند که بتازگی نام مازندران به جای طبرستان به کار می‌رود . زکریای قزوینی[۴] می‌نویسد که ایرانیان ، طبرستان را مـازندران می‌خوانند . حمدالله مستوفی میان خاك مازندران و طبرستان فرق می‌گـذارد . در زمان او ، هفت‌تومان ولایت مازندران ، شامـل : جرجان ، موروستاق ، استراباد ، آمل ورستمدار ، دهستان ، روغد و سیارستاق بوده است .[۵]

ازطرف دیگر « دیارقومس و طبرستان » شامل :سمنان ، دامغان ، فیروزکوه‌و شهری از خاك دماوند به نام « قریم » می‌شود .[۶] خواندمیر نیز متوجه این اختلاف بوده و یادآور شده است .[۷]

ظاهراً نام «پتشخوارگر = پذشخوارگر » بیشتر به‌منطقهٔ کوهستانی مازندران و گیلان اطلاق می‌شده است درصورتیکه وسعت این ناحیه بیشتر بوده است .

درمتن پهلوی کتاب شترستانهای ایران‌که درسال ۱۸۴ هـ . ق تألیف شده است

۱ـ الکامل‌فی‌التاریخ،قسمت ۱۰، ص ۳۴. ۲ ـ تاریخ‌طبرستان، ص ۱۴ .
۳ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص ۵۰۲ . ۴ـ آثارالبلاد، ص۲۷۰ .
۵ـ نزهة‌القلوب، ص ۱۵۹ و ۱۶۰ . ۶ ـ نزهة القلوب، ص ۱۶۱ و ۱۶۲ .
۷ـ مطالب گذشته از دایرةالمعارف اسلامی ترجمه شده است .

این عبارات دربارهٔ بذشخوارگر دیده می‌شود :

« بیست شهرستان در بذشخوارگر ساخته شده ، چه ارمایل . . . پس او (ارمایل) بفرمان فریدون برای کوه‌نشینان ساخت . ایشان از آزی‌دهاك (ضحاك) شهریاری کوهستان رابه دست آورده بودند . »[۱]

گرگان ناحیهٔ شرقی مازندران از یك‌طرف به‌دینار جاری واز طرف دیگر به جنگل انجدان محدود می‌شد . جنگل انجدان شاید ازتمیشه زیاد دور نبوده است و تمیشه هم محلی بود در مغرب خندقی‌که اسپهبد فرخان‌کبیر ، برای دفاع در برابر تورانیان ، کنده بود . استراباد را « بیرون تمیشه » و اراضی شرقی مازندران را « اندرون تمیشه » می‌گفتند .

حدود مازندران از تمیشه و جنگل انجدان در مشرق تا نمك‌آبرود در مغرب بودکه آن‌را از رستمدار جدامی‌کرد. مازندران‌شرقی، بمناسبت عنوان‌شاهزادگانش، اسپهبد یا اسپهبدان خوانده می‌شد ، چنانکه ناحیهٔ رستمدار را نیز « استنداریه » می‌گفتند .

مازندران درقدیم به موزاندرون معروف بود ، زیرا «موز»نام کوهی بودکه از حدود گیلان تا لارقصران کشیده می‌شد و چون این سرزمین در درون کوه موزبود ، بهاین نام مشهور شد.[۲]

۱ــ شترستانهای ایران ترجمه از متن پهلوی ، از مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت، ص ۴۲۲ و ۴۲۳ . طبق نقل یاقوت و دینوری ، ارمایل ، آشپز آزی‌دهاك و به روایت دیگر ارمائیل وزیر بیوراسب بوده است . (التفهیم ، ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و مجمل‌التواریخ ص ۴۰)بذشخوارگرسلسلهٔ کوههای البرزاست وفرمانروایان این سرزمین را « کوهیار » گویند . عنوان «کوهیار» در زند وهومن‌یسن‌آمده است(نقل از حاشیهٔ ص ۴۲۳ مجموعهٔ نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت) . ۲ ــ مازندران و استراباد رابینو، متن انگلیسی، ص۳ .

رشتهٔ اصلی البرز ، حد جنوبی خاك مازندران و موازی با ساحل دریاست . بستر رودخانه‌ها ، این رشته را به‌قسمتهای مختلف ، تقسیم کرده‌است . دهانهٔ این رودخانه‌ها تمام‌شمالی‌است . رود مزارچوب، خاك طبرستان را ازتنکابن جدامی‌کند.

رودهای مازندران به‌دونوع تقسیم می‌شوند . یکصد رودخانهٔ کوتاه ، در خاك مازندران ، جریانی شمالی دارند و به‌دریای خزر می‌ریزند و رودخانه‌های بزرگتر که عمق و وسعت سرچشمه‌های آنها بیشتر است ، ازغرب به‌شرق ، بدین ترتیب‌اند :

سردابرود ، چالوس ، هراز که آبهای لار و دماوند و سرچشمه‌های دیگر درآن می‌ریزد و از میان آمل می‌گذرد ، بابل رود (رودخانهٔ بارفروش) ، تالار (رودخانهٔ علی‌آباد = شاهی) ، تجن (رودخانهٔ ساری) ، رود نکا (اسب‌نیزه) که جریان آن شرقی غربی است .

حدشرقی مازندران (طبرستان) با خاك گرگان (استراباد) ، ظاهراً در تمام اوقات در حوالی کلباد ، برساحل رود گرند بوده است . این رود خلیج استراباد و کوهستان مازندران را ازخاك‌گرگان جدا می‌کند .

ابن‌اسفندیار حدشرقی طبرستان را ازدینار جاری می‌گیرد و حد غربی آن را به « ملاط » ورای هوسم می‌رساند .[۱] در ادوار بعد شهر شالوس (چالوس) برسر مرزو سامان طبرستان و دیلمان واقع بود .[۲] اما بعدها تا درهٔ سردابرود (کلاردشت) نیز جزء خاك طبرستان به حساب آمده است . اراضی ساحلی تنکابن ــ در غرب سردابرود ــ گاهی ادارهٔ آن با مازندران و زمانی باگیلان بوده است .

ابن‌رسته درسال ۲۹۰ هـ . ق . از دیوار آجری و دروازهٔ طمیس (تمیشه)

۱ــ تاریخ طبرستان،ج ۱،ص ۵۶ . دهکدهٔ ملاط تا امروز باقی‌است و مدفن‌خاندان سلاطین کیایی گیلان است وآنطرف هوسم (رودسر) قرار می‌گیرد . ۲ــ اعلاق‌النفسیه ابن رسته، ص ۱۵۰ .

سخن به‌میان آورده ومی‌نویسدکه مسافران باید از این دروازه بگذرند .[۱] وابن‌فقیه نیز عین این مطالب را یاد کرده است .[۲]

جغرافیانویسان مسلمان، میان ناحیهٔ پست ساحلی (سهلیه) ومنطقهٔ کوهستانی (جبلیه) مازندران فرق گذاشته‌اند .[۳]

شهرهای مهم طبرستان‌که در اراضی پست ساحلی بودند ازاین قرارند :

شالوس (چالوس) ،کلا (کلار) ، میله ، ترجی (توجی = برجی) عین‌الهمّ مامطیر (بارفروشده = بارفروش = بابل) ، ساری،طمیس (تمیشه) .[۴]

قصبه یا شهر معتبر طبرستان درزمان یعقوبی (۲۷۸ ه . ق .) هنوز شهر ساریه (ساری) بود .[۵] اما در زمـان مسعودی و اصطخری (۳۴۰ ه . ق .) و ابن حوقل (۳۶۷ ه . ق .) شهر معظم ایـن ناحیه ، آمل بـودکه آن را بـزرگتر از قـزوین می‌دانستند .[۶]

ناحیهٔ کوهستانی مازندران کاملاً محدود و مشخص است . اما ارتباط آن با اراضی پست ساحلی ، در کتب جغرافیای اسلامـی ، زیاد روشن نیست .[۷] طبری در سوانح سال ۲۲۴ ه . ق . ، به سه منطقهٔ کوهستانی ، درمازندران اشاره کرده‌است :

۱ـ کوهستان ونداهرمز در وسط . ۲ـ کـوهستان برادرش ـ ونداسنجان بن الندابن قارن . ۳ـ کوهستان شروین بن سرخاب .[۸]

اما ابن‌رسته می‌نویسدکه ونداهرمزقارنوند، نزدیك دنباوند حکومت داشت[۹] و درجـای دیگر از کتاب خود می‌نویسد که دوران حکمروایی جریر بن یزید ،

۱ـ اعلاق‌النفیسه، ص۱۴۹. ۲ـ کتاب البلدان،ص۳۰۳ . ۳ـ اصطخری، ص ۲۱۱ و ۲۷۱ . ۴ـ اصطخری،ص ۲۰۷ ـ مقدسی، ص۳۵۳ . ۵ـ کتاب البلدان، ص۲۷۶ . ۶ـ التنبیه‌والاشراف ، ص ۱۷۹ ـ مسالك‌الممالك، ص ۲۱۱ ـ صورة‌الارض، ص ۲۷۱ . ۷ـ به شرح مختصر درهم ریختهٔ مسالك الممالك اصطخری، ص ۲۰۴ نگاه کنید . ۸ـ تاریخ‌طبری، ج۳، ص۱۲۹۵. ۹ـ اعلاق‌النفیسه، ص۱۵۱.

وندامرمز ، هزار جریب اراضی‌صوافی ، بیرون شهرساری خریده است .[۱] این اراضی ظاهراً درچشمه‌های رود تجن و نکا قرارداشت و امروز هم به‌نام هزارجریب خوانده می‌شود . بعدها قسمت اعظم مازندران شرقی ، جزء قلمرو وندامرمز به حساب آمده است . وندامنجان ، ظاهراً برقسمت وسیعتری از مازندران حکومت داشت ، زیرا پایتخت او به‌نام « موزن » محل اجتماع لشکریانی بودکه به‌خاك دیلمان گسیل می‌شدند . اما کوهستان شروین ، شامل قسمت جنوب شرقی مازندران بود ، زیرا به‌گفتهٔ ابن‌فقیه قلمرو او نزدیك قومس بوده است .[۲]

در زمان اصطخری (۳۴۰ هـ . ق .) سه ناحیهٔ کوهستانی بدین ترتیب مشخص شده‌اند :

۱ـ کوهستان رویِنج . ۲ـکوهستان فادوسبان . ۳ـکوهستان قارن . این سه‌ناحیه ، شامل‌کوههای بلندی است و هرکوهستانی سرکرده‌ای دارد . کوههای رویِنج، بنابه‌گفتهٔ ابن‌حوقل ،میان ری وطبرستان است.[۳]

«بارتلد» رویِنج را با « رویان » یکی دانسته است . ابن‌رسته می‌نویسدکه خاك رویان ، نزدیك ری است . در زمان او (۲۹۰ هـ.ق.) رویان جزء طبرستان نبوده ، بلکه کوره‌ای جداگانه به حساب می‌آمده است و « کجّه »[۴] حاکم‌نشین آن بوده است . حدود رستمدار و رویان تقریباً یکی است و رستمدار بعداً شامل‌تمام مازندران غربی یعنی خاك میان سخت‌سر (رامسر) وآمل بوده است .[۵]

کوهستان قارن فقط یك قصبه به‌نام « شهمار » داشت‌که دریك روزه رامساربه بود . سلاطین محلی سلسلهٔ قارن درقلعهٔ فریم مستقر بودند . این قلعه ظاهراً باید ،

۱ـ اعلاق‌النفیسه ، ص ۱۴۹ . ۲ـ کتاب البلدان، ص ۳۰۵ .
۳ـ صورةالارض ، ص ۳۷۷ . ۴ـ کچه‌رستاق از بلوك کجور است . ۵ـ برای دانستن حدود دقیق رستمدار و رویان به‌کتاب تاریخ رویان چاپ نگارنده صفحات هفت تا شانزده نگاه کنید .

کنار شاخهٔ غربی رودخانهٔ تجن باشد ، بلوك کنونی فریم ، درهزارجریب است . با تعیین وضع دقیق‌تر ، باید گفت‌که در نیمهٔ غربی این ناحیه است‌که امروز دودانگه خوانده می‌شود .

بنابر گفتهٔ ابن‌اسفندیار ، کوههای وندا امید ، در دست خاندان قارن بود .[۱] همین مؤلف درصفحهٔ ۲۵ کتاب خود می‌نویسدکه‌آب جامع‌آمل ازاین‌کوهها می‌آید . شهر آمل ، لفور (درسرچشمهٔ بابل‌رود) و فریم‌که کوه قارن خوانده می‌شود ، تمام در قلمرو این خاندان بود . یاقوت ، جبال شروین را نیز جزء خاك خاندان قارن می‌داند .[۲] مرحوم میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه[۳] جبال‌شروین را با سوادکوه یکی می‌داند . ناحیهٔ سوادکوه در سرچشمه‌های رودخانهٔ تالار است . تالار از علی‌آباد (شاهی) که میان آمل و بارفروش (بابل) است می‌گذرد . گردنه‌ای‌که به‌سوادکوه می‌رسد ، تا امروز شلفین > شروین خوانده می‌شود .

کوهستان پادوسپان (فادوسبان‌که به‌اشتباه فادوسیان خوانده‌اند) درفاصلهٔ یك روزه راه از ساری بود و مسجدجامعی داشت . سران این ناحیه دردهکدهٔ « اُرم »[۴] زندگی می‌کردند . واسمر[۵] می‌گویدکه این محل را درفاصلهٔ میان بستر رودخانه‌های بارفروش (بابل) و علی‌آباد (شاهی) ، درشمال لفور و نزدیك شیرگاه باید جستجو کرد .

طوایف وتیره‌های ساکن در مازندران

میان مازندرانیها و گیلانیها اختلاف زیاد نیست . اما مازندرانیها از نظر جسمی مردانه‌ترند . چون تابستانها را درکوهستان بسر می‌برند.

۱ـ تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۹۵ . ۲ ـ معجم‌البلدان، ج ۳، ص۲۸۳ .
۳ـ التدوین فی‌احوال جبال‌شروین ، ص ۴۲ . ۴ـ بضم‌الف وفتح‌راء . در صورة‌الارض ابن‌حوقل، ص۲۶۸، س ۱۷ ، ارم خواست وآرم‌آمده‌است . ۵ـ Vasmer

عدهٔ سادات در مـازندران زیـاد است . پس‌از شهادت حضرت رضا ، بعضی از منسوبانش به‌مازندران پناهنده‌شدند وهنگامیکه‌یحیی‌بن‌عمر بن یحیی‌بن‌حسین‌درکوفه شورش کرد و درمیان زیدیه ادعای امامت‌کرد ، بعضی‌از سادات‌که درجنگ‌همراهش بودند ، پس‌از دستگیرشدن او ، به مازندران و دیلمان گریختند و به ریاست سید حسین‌بن زید ، از سادات‌علوی و بنی‌هاشم ، از حجاز و سوریه و عراق دسته دسته به طبرستان آمدند و این کار در زمان امرای بعدی خاندان علوی نیز دوام داشت .[۱]

علاوه برسکنهٔ بومی و طوایف محلی ، قبیله‌های دیگری در سراسر مازندران پراکنده‌اند : خواجه‌وندها ،عبدالملکیها، لکها،گرایلیها،اصانلوها، بلوچها، افغانهاو کردها ، در دورانهای مختلف به‌وسیلهٔپادشاهان ایران به صفحات مازندران کوچانده شده‌اند. این گروههای مختلف چنان با اهالی درهم آمیخته‌اندکه بازشناختن آنها از دیگران‌غیرممکن است . غیراز کردها و عدهٔ کمی از ترکها ، همهٔ ایشان زبان اصلی خود را از یاد برده و زبان طبری را آموخته‌اند .

عبدالملکیها در دره‌گز بودند . سپس به شیراز و بعد از آن به شهریار کوچ داده شدند . آقامحمدخان ایشان‌را به‌نور فرستاد و ایشان چهل‌سال درآنجا ماندند. اما میرزاآقاخان نوری درسال ۱۲۷۲ه .ق. ایشان را به‌ناغمرز ـ نزدیك ساری ـ کوچ داد . خواجه‌وندها اصلاً از خاك لرستان هستند. آقامحمدخان ایشان را از اردلان‌و گروس به مازندران غربی آورد تا به کمك عبدالملکیها ، تهران را از شورش و اغتشاش شمال محفوظ نگاه دارد . لکها بیشتر درکلاردشت ساکن‌اند .

گرایلیها را آقامحمد از کالپوش آورد و در اندرود و میاندورود و قراطغان جا داد و مانند اصانلوها ایشان نیز ترك‌نژادند . صدوپنجاه خانوار اصانلو نیز به امر آقامحمدخان به‌ساری و دهات اطراف آن کوچانده شد . عدهٔ کمی طـالش درکلت

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترابادرابینو ،ص ۳۰ .

قراطغان وعدهٔ دیگری در حوالی عمارات سلطنتی سابق مازندران ودر ناحیهٔ تنکابن و عدهٔ کمی «قوی حصارلو»هم در تنکابن سکنی اختیار کرده‌اند. ازایل قاجار نیز عده‌ای را در مازندران می‌توان دید. درحدود سی‌چهل خانوار بلوچ از بلوچستان به ساری آمده‌اند اما اثری از آنها باقی نیست. از افغانیها طایفهٔ غلجایی در قره‌تپه هستند. نادرشاه ایشان را به‌مازندران آورده‌بود. اما ایشان پس‌ازمرگ نادر به‌حدود گوکلان رفتند و آغامحمدخان دوباره ایشان را بازگردانید.

قبیله‌های کرد جهان‌بیگلو ومدانلو نیز درمازندران آمده‌اند. قبیلهٔ مهم دیگر ترك به نام عمرانلو نیز در گلوگاه بوده‌اند. عدهٔ کمی‌از اعراب را آقامحمدخان به مازندران آورد.

بعضی خانواده‌های گودر، بنگاشی، بربری، کراچی وکولی نیز درمازندران بوده‌اند. از سی‌هزار گرجی و ارمنی‌که شاه‌عباس ایشان را به مازندران کوچاند، عدهٔ‌کمی باقی‌ماندند. تعدادکمی ازکلیمیها نیز درصفحات مازندران دیده می‌شوند.[۱]

تاریخ طبرستان

سلاطین محلی مازندران در سه طبقه قرار می‌گیرند:

۱ـ خاندانهای قدیمی‌که اصل ایشان به‌پیش‌از اسلام می‌رسد.

۲ـ سادات علوی.

۳ـ خاندانهای محلی‌که اهمیت‌کمتری دارند.

هنگام طلوع دولت ساسانی، پادشاهان طبرستان و پدشوارگر،[۲] گشنسپ بودکه

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو صفحات ۳۱ و۳۲.

۲ـ بفتح ب و دال وگاف. فرشوادگر تلفظ غلطی ازهمین نام‌است‌که دربندهشن قسمت ۱۲ س ۱۷، نیز دیده می‌شود. این‌کلمه «پذشخوارگر» نیز خوانده شده است ومادرصفحات‌قبل به‌همین شکل یادکردیم، مارکوارت در ایرانشهر س ۱۳۰، پدشوارگر را ناحیه‌ای از مازندران می‌داند که درمقابل خوار قرار می‌گیرد.

اجداد او ، از دوران اسکندر مقدونی ، براین‌صفحات سلطنت داشته‌اند .

درسالهای میان ۵۲۹ و ۵۳۶ میلادی ، طبرستان ، بـه دست شاهزادهٔ ساسانی ـ کیوس پسر کـوات ـ اداره می‌شد . انـوشیروان ، زرمهر کـه نسب خـود را به کاوهٔ آهنگر می‌رسانیـد ، به‌جای او گذاشت و سلسله‌ای‌که او به وجود آورد تا سال ۶۴۵ میلادی سلطنت داشت . درایـن وقت ، گیل گاوباره‌که از نسل جاماسپ پسر پیروز ساسانی بود ، خاك طبرستان را ضمیمهٔ گیلان کرد . این خاندانهاکه سکه‌های باقی‌مانده از ایشان ، ممکن است کمی وضع ایشان را روشن کند ، بازماندگانشان در دوران اسلامی حکومت داشتند .

باوندیان‌که خودرا ازنسل‌کیوس می‌دانستند ، درطول حکومت‌خود ، دوسه‌بار منقرض شدند . سلسلهٔ نخستین از سال ۴۵ تا ۳۹۷ ه.ق. حکمروایی کرد و به دست قابوس‌بن وشمگیر زیاری برافتاد . دنبالهٔ اینان از سال ۴۶۶ تا ۶۰۶ ه.ق. سلطنت کردند و هنگام فتح مـازندران به دست سلطان محمد خوارزمشاه از میان رفتند . آخرین‌سلسله‌که ازسال ۶۳۵ تا ۷۵۰ ه . ق . حکومت‌داشتند، دست‌نشاندگان‌مغولان بودند . آخرین بازماندهٔ باوندیان به‌دست افراسیاب چلاوی کشته شد .

خاندان قارن‌که در کوهستان قارن سلطنت داشتند ، می‌گفتندکه ما از نسل زرمهر ـ برادر قارن‌ـهستیم . آخرین بازماندهٔ ایشان ـ مازیار ـ درسال۲۲۴ ه. ق. کشته شد .

پادوسپانان که در رویان و رستمدار حکومت داشتند ، رشتهٔ نسب خود را به خاندان « دابویه » در گیلان می‌رساندند و سرسلسلهٔ خود را پسر گیل‌گاوباره می ـ دانستند. درسال۴۰ به سلطنت رسیدند وهنگام‌سلطنت‌علویان ، دست‌نشاندگان ایشان بودند و پس از علویان دست نشاندهٔ آل‌بویه و باوندیان شدند و در آخر کار در سال ۵۸۶ ه . ق. به‌دست باوندیان برافتادند . دنبالهٔ این‌سلسله درسال ۶۰۶ دوباره قدرتی

بدست آورد و تا زمان تیمور صاحب تاج و تخت بود . آخرین افراد این سلسله‌که بازماندگان کاوس‌بن‌کیومرس بودند ، تا سال ۹۷۵ ه . ق . حکومت داشتند .

همزمان بااین سلاطین‌محلی ، علویان توانستند ، برای خود ، درخاك‌طبرستان حکومتی به‌دست آورند . درسال ۲۵۰ ه.ق. ، مردم رویان ، علیه حاکم خود قیام کردند وکسی را بری ، نزد حسن‌بن‌زید فرستادند . این مرد از سادات زیدی وپشت شانزدهم امام‌المتقین علی‌بن ابی‌طالب‌بود . سلسلهٔ سادات‌حسنی تا سال ۳۱۶ ، درخاك طبرستان حکومت می‌کردند .

سلسلهٔ سادات‌حسینی میان سالهای ۳۰۴ تا ۳۳۷ ه . ق .(؟) برقسمتی از خاك طبرستان مسلط بودند .

سلسلهٔ دیگری از سادات ، به‌نام سادات‌مرعشی ، میان سالهای ۷۶۰ تا ۸۸۰ در مازندران سلطنت داشتند ،سرسلسلهٔ ایشان، قوام‌الدین مرعشی بودکه خود راپشت دوازدهم امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب می‌دانست .

خاندان دیگری از سادات ، به‌نام سادات مرتضایی ، درمزارجریب ، میان سالهای ۷۶۰ تا ۱۰۰۵ ه .ق . حکومت کردند .

خاندانهای سرشناس دیگرکه باج و خراجی می‌گرفتند ، فراوانند . رابینو از کیائیان چلاوی (درآمل و رستمدار و طالقان) نام می‌بردکه درفاصلهٔ زمانی ۷۹۵ تا ۹۰۹ ه.ق. کرّوفری می‌کردند . کیائیان جلالی ساری‌که میان سالهای ۷۵۰ تا ۷۶۳ حکومتی‌داشته‌اند. خاندان‌روزافزون سوادکوه‌که ازسال۸۹۷ تاسال۹۲۳ ه.ق.سلطنت کرده‌اند . خاندان‌دیو ، در زمان شاه طهماسب ، دربعضی قسمتهای مازندران‌حکومت می‌کردند. پسران‌کاوس‌درفاصلهٔ میان سال۸۵۷ و۹۵۷ و پسران اسکندر میان سالهای ۸۵۷ و ۱۰۰۶ ه. ق . برقسمتی‌از خاك مازندران دست داشتند . شاهزادگان دیگری درتمیشه و میاندورود ولارجان ومامطیر (بابل) و لفور نیز اهمیتی بهم رسانده‌اند.

گذشته از این دسته‌های درهم‌آمیختهٔ سلاطین محلی ، گروهی از فاتحان‌که از خارج آمده‌اند ، برای مدتی درقسمتی از خاك مازندران ، حکمروایی داشته‌اند . از آنها باید اعراب را نام بردکه ازسال ۲۲ ه.ق. پابه سرزمین مازندران گذاشتند و تا سال ۱۴۱ ، در زمان منصور ، برآنجا دست یافتند .[۱] دیگر طاهریان و صفاریان و سامانیان وزیاریان و غزنویان وسلجوقیان و خوارزمشاهیان و مغولان و سربداران و تیموریان و بازماندگان ایشان وصفویان به‌ترتیب براین سرزمین تسلطی داشته‌اند.

شاه طهماسب درسال ۹۲۳ لشکریانی به مازندران گسیل داشت . اما در زمان شاه عباس ، درسال ۱۰۰۵ بودکه خاك مازندران جزئی ازحکومت مرکزی ایران‌شد. شاه عباس به‌علت ارتباط خود به سیدقوام‌الدین مرعشی ادعای سلطنت موروثی دراین سرزمین داشت .[۲] فرح‌آباد درسال ۱۰۲۰ ه.ق. وسال بعداشراف (بهشهر) با کاخهای مشهور ساخته شدند .

سکه‌های طبرستان

هنوز درجواب این سؤال که آیا سلاطین ساسانی درطبرستان سکه به‌نام خود زده‌اند ، چیزی نمی‌توان گفت ، زیرا حروف سکه‌های ساسانی‌که نشانهٔ ضرابخانه‌ها هستند تا امروز روشن خوانده نشده است . دربارهٔ دوحرف « الف و میم » که اززمان فیروز به‌بعد درسکه‌ها دیده می‌شود ، گفته‌اند مخفف کلمهٔ آمل است . اما این گفته را اثباتی نیست .

خاندان دابویه و حکمرانان اولیهٔ عرب ، در طبرستان ، سکه‌هایی به شکل درهم ساسانی (درزمان خسرو دوم) ضرب‌کرده‌اند . برروی سکه، شکل نیم‌تنهٔ

۱ـ مطالبی متضاد در بارهٔ آمدن اعراب و تسلط ایشان در مازندران در کتب تاریخ دیده می‌شود . ۲ـ عالم‌آرا، ص ۳۵۴ .

حکمران و نام او به‌حروف پهلوی و برپشت سکه شکل آتشدان با دونگهبان وطرف راست این قسمت محل ضرب یعنی « تپورستان » و طرف چپ تاریخ به حساب تقویم طبری است .[۱] حدمتوسط وزن این سکه‌های نقره ۱٫۶۰ گرم است‌که موازی ۲۹٫۳ شعیراست ونیم‌درهم به‌حساب‌می‌آیند. ازحکمرانان خاندان‌دابویه ، نام «فرخوان»[۲] و « دات‌برج‌متون»[۳] و « خورشیت » برروی این سکه‌ها خوانده شده است . سکهٔ سلطان‌اول مورخ ۶۰ تا ۷۷ ه .ق. وحکمران دوم ۸۶ تا ۸۷ ه. ق . وسکهٔ خورشیت مورخ ۸۹ تا ۱۱۵ ه.ق. است . بااین تواریخ می‌توان اشتباه مورخان‌را تصحیح‌کرد. بربعضی از سکه‌ها که نام « خورشیت » است ، بعضی‌از محققان تاریخها را ۶۰ تا ۶۳ خوانده‌اند . این‌اشتباه ازتشابه « شست » و « دست »[۴] درالفبای‌پهلوی برخاسته‌است. بدین‌ترتیب ، این فرض‌که خورشیت اول در شصت‌سال اول تقویم طبری سلطنت می‌کرده است ، باطل به‌نظر می‌رسد ، زیرا او درسال ۱۴۴ه .ق. فوت شده است .

دربارهٔ سکه‌هایی‌که از حکمرانان عرب ، مقدم برسال ۱۱۶ تقویم طبری دیده می‌شود ، باید به‌این‌نتیجه رسیدکه حکمرانان‌عرب ، چندی بعداز تسلط برمازندران به‌نام پادشاهان‌قدیم طبرستان سکه‌می‌زده‌اند ، چنانکه درفتح ایران در دوران‌خلافت عمر نیز چنین کرده‌اند .

برسکه‌های اولیه حکمرانان عرب در طبرستان نام « خالت » (خالدبن برمك ۱۱۶ تا ۱۱۹ ه .ق.) و اومر[۵] (عمربن‌العلا ۱۲۰ تا ۱۲۵ ه.ق.)به خط پهلوی ضرب شده است. ازسال ۱۲۲ ه.ق. نام حکمرانان به‌خط‌کوفی نیزدیده می‌شود و پس‌ازاین تاریخ ، نام حکام (عمر ، سعید ، یحیی ، جریر ، سلیمان)فقط به خط کوفی‌است .

۱ــ مبداء این تاریخ یازدهم جون ۶۵۲ میلادی‌است. ۲ــ بکسر فاء وضم خاء.
۳ــ برج به‌ضم باء و متون بفتح میم . ۴ــ بکسر دال و فتح سین . ۵ ــ بضم الف و فتح میم .

درسال ۱۳۰ و ۱۴۰ ، اغلب به نامهایی برمی‌خوریم‌که با نامهای حکامی‌که مورخان یاد کرده‌اند ، اختلاف دارد . این نامها ظاهراً نام افراد سیاسی دیگری هستند .

سکه‌هایی بدون نام حکمرانان نیز ضرب شده‌اند . ضرب سکه‌هایی به‌شکل سکه‌های ساسانی درسال ۱۴۳ تقویم طبری نیز رواج داشت . سکه‌هایی از سال ۱۶۱ نیز ضرب شده است که برروی آنها جای سر پادشاه خالی گذاشته شده است . بر سکه‌های سلیمان ـ حکمران عرب ـ (۱۳۶ تا ۱۳۷) شکل لوزی با حروف « به » عربی و برحاشیهٔ آن فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین به‌خط عربی است . برپشت‌این‌سکه‌ها به‌جای آتشدان و محافظان آن ، سه‌طرح موازی مانند زبانه‌های آتش است که میان آنها درچهارسطر ، شهادتین ، به‌خط کوفی ضرب شده‌است . اما تاریخ و محل ضرب به‌خط پهلوی است .

سکه‌های درهم درسال ۱۰۲ ه.ق. به‌نام خلفا درطبرستان ضرب شده است ونام « روح » حکمران عرب برآنها دیده می‌شود و سکه‌های بعدی به نام « عمربن‌العلا » است . درادوار بعد به‌نام داعیان علوی ، درآمل سکه‌هایی ضرب شده است . درزمان آل‌بویه و زیاریان درآمل و ساریه و فریم و درزمان باوندیان فقط درفریم سکه‌هایی زده‌اند . بعدها سامانیان وجانشینان هلاکو ، سربداران ، تیموریان درآمل وساری و شاهان ایران درآمل و ساری و طبرستان و مازندران ضرابخانه داشته‌اند .

درآمل سکه‌های مسین بدون نام ، از قرن دهم ه. ق . به‌بعد ضرب شد . بر چندین سکهٔ این زمان عبارت « ضرابخانهٔ طبرستان » دیده می‌شود . این‌سکه‌ها بسیار کمیاب‌اند و ضرب آنها را باید ضرب اتفاقی دانست و برهیچیك از آنها تاریخی دیده نشد .

سکه‌های فراوان‌تر ، سکه‌هایی به‌ارزش چهارقازیکی (۱۸ تا ۲۲ گرم معادل

۲۸۰ تا ۳۴۰ شعیر) است که شیر و خورشید وعبارت « ضرب مازندران » بر آنهاست و متعلق به قرن دوازدهم ه.ق. است .

درسال ۱۷۲۳ تا ۱۷۳۲ میلادی که روسها بر گیلان دست یافتند ، چون با کمبود پول جاری روبروشدند ، سکه‌های مسین ایرانی با دوعقاب روسی بر آنها ضرب شد و به جای سکه‌های روسی در مناطق اشغالی به جریان افتاد . این سکه‌ها را به غلط سکه‌های مازندرانی می‌نامند ، درصورتیکه فقط خاك گیلان در تصرف روسها بود و این سکه‌ها درآنجا ضرب می‌شد .[۱]

۱ـ بیشتر مطالب این مقدمه از مقالهٔ R.vasmer در صفحات ۴۲۴ تا ۴۲۹ دایرة‌المعارف اسلامی ترجمه شد .

بخش اول

۱ ـ جغرافیای تاریخی تنکابن

بخش تنکابن که امروز شهرستان شهسوار خوانده می‌شود ، از شمال به دریای خزر و از جنوب به رشتهٔ اصلی البرز واز شرق به ناحیهٔ قشلاق کلارستاق و از غرب به‌ناحیهٔ‌اوشیان‌رانکوه محدود می‌شود.عرض‌این‌بخش‌ازیك‌کیلومتر،درحدود دریاپشتهٔ سخت‌سر (رامسر) تا نه‌کیلومتر در محور شمال و جنوبی شهسوار است . کوهستان جنوبی ، سلسلهٔ البرز است که محل ییلاقی جلگه‌نشینان است و در حدود شصت کیلومترازلب دریا فاصله دارد . ازاین رشته‌کوه رودخانه‌هایی به نامهای زیرسرچشمه می‌گیرند :

صفارود ، چالکرود ، رودخانهٔ دوهزار و رودخانهٔ سه‌هزار که در محلی به نام « چاله » در بیست وچهار کیلومتری جنوب شهسوار یکی شده و پس از بیرون آمدن از کوهستان ، به نام چشمه‌کیله خوانده می‌شود ، ترك‌رود ، گرگه‌رود ، رودنیرم ، رودلمرا ، نشتارود ، پلنگ‌آبرود ، کاظم‌رود و نمك‌آبرود .

بخش تنکابن شامل نواحی زیر است :

۱ ـ سخت‌سر (رامسر) که مرکزآن آخوندمحله و منطقهٔ ییلاقی آن جندمـ

رودبار (جنت رودبار) است . ۲ ـ شیرود. ۳ ـ گلیجان ولمرا[1] . ۴ ـ خرم‌آباد و توابع یعنی آبادیهای کنار رود دوهزار و سه‌هزار . ۵ ـ نشتا وزوار . ۶ ـ لنگا . ۷ ـ سرحد .

در تنکابن یازده طایفه سکنی دارند . نامهای ایشان بدین‌قرار است : خلعت ـ بری ، قوی اوصالو (قوی حصارلو) ، کلانتریه ،فقیه ، تالش، گلیج[2] ، دج[3] ، اساس، شورج[4] ، طالقانی ورودباری .

حکومت ناحیهٔ تنکابن از دو قرن پیش در خانوادهٔ سپهدار اعظم موروثی بود. درآن وقت مهدی بیگ خلعت‌بری ، برای شکایت ازبد رفتاری قوی‌اوصالوکه حاکم بود به شیراز رفت و از کریم خان لقب خانی و حکومت تنکابن را گرفت . همین مهدی‌بیگ به‌طرفداری‌آقا محمدخان برخاست و به سپاهیانی‌که به جنگ هدایت‌الله خان رشتی می‌رفتند پیوست . بسبب این لشکرکشی عداوتی میان مردم گیلان و تنکابن‌پیدا شد تا براثر درخواست مهدی‌بیگ ، تنکابن را از گیلان جداکردند وجزء خاك مازندران آوردند . هادی‌خان‌که بزرگترین پسر مهدی خان بود ، جانشین او شد . ولیخان ـ پسر هادی‌خان ـ در محاصرهٔ هرات به قتل رسید و فرماندهی‌لشکری که پدر داشت به نوادماش ـ حبیب‌الله خان ـ رسید . حبیب‌الله خان پسری سیزده‌ساله‌و به لقب صاعد الدوله معروف بود . جانشین صاعدالدوله ، پسرش محمدولی خان ـ سپهدار اعظم ـ شد . بازماندگان سپهدار تا زمان اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر ، کرّوفری داشتند ولی از آن تاریخ از حکومت افتادند .[5]

فریزر در بهار سال ۱۲۳۸ ه.ق.از تنکابن‌گذشته و در بارهٔ آن نوشته است: « خرم‌آباد مرکز تنکابن است .محمدقلی میرزا، تنکابن را به محمدکاظم میرزاواگذار

۱ـ بنم گاف وکسرلام. ۲ـ بنم گاف . ۳ـ بفتح دال. ۴ـ بکسرداء .
۵ ـ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو،متن انگلیسی، ص۲۲ .

کـرده است . ما پس از گذشتـن از رود مـزور و شیرود ، در آب گـرم سخت سر ماندیم . »[۱]

ابت[۲] در سال ۱۲۵۹ ه.ق. ،ناحیهٔ تنکابن‌را دیده‌ودر بارهٔ‌آن‌چنین نوشته است :

« رودخانهٔ میان‌ده‌که سفیدتمیش نیزخوانـده می‌شود، بخش رانکوه وتنکابن‌را از یکدیگر جـدا می‌کند. تنکابن جزء خاك مازندران است ولی معمولاً حکمران آن از تهران تعیین می‌شود . حاکم فعلی حبیب الله ـ پسر ولی‌خان ـ است‌که‌سرکردهٔ قشونی بود که در تسخیر هرات ، نزدیك شهر کشته شد . در فاصلهٔ‌کمی از سفیدتمیش به سورخان‌رود رسیدیم کـه بیست وپنج قدم پهنـای آن بود . در بیست و سه میلی مقابل روی ما ، ارتفاعی بود که سخت‌سر خوانده می‌شد و کوهی جنگلی است . در بیست و چهار میلی آرشه‌رود بود و در بیست وشش میلی ، ترك‌رود بود کـه بستری سنگی داشت . در بیست و شش میلی بـه دهکدهٔ سلم‌رود رسیدیم‌کـه نزدیك ساحل بود . ما بایـد به‌آب‌گرم می‌رفتیم که بالاتر از مسیر ما بـود . از آب گرم ، دوباره به ساحل دریا آمدیم وازآب سلم‌رودگذشتیم . در حدود دو میل از این محل به رود کوچکی رسیدیم ودرسه میل فاصله ، از رود سیدمحله گذشتیم . درشش میل‌ونیمی‌به نوسررود رسیدیم‌کـه عرض آن صد وسی‌و چهار قدم اسب‌بود . درده میلی شیررود را قطع کردیم‌کـه دو معصب شنی‌دارد و آب آن به‌شن فرو می‌رود . قسمت علیـای آن رودخانهٔ بزرگی است و هنگامی‌که سیلابی است ، گذشتن ازآن مشکل است . درده میلی رود واچك است و شال‌کلا بیش از یك میل از این رود فاصله دارد ، دردوازده میلی رود مزار است‌که در معصب به دو قسمت می‌شود و هریك پنجاه قدم عرض دارد . در نیم میلی این رود، رودشاهی‌ور است‌که رودکوچکی‌است ودرچهارده‌میلی‌رودی‌بود که پهنای آن پنجاه قدم بود و در پانزده میلی ، تیـلارود است . از جنگل منحرف

۱ ـ سفرنامهٔ فریزر، صفحات ۱۱۴ و ۱۱۵ . ۲ ـ Abbott

شدیم و در حدود بیست میلی ، به دهکدهٔ زوار رسیدیم . محلی که رودخانهٔ نمك ـ آبرود به ساحل می‌رسد ، در جهت شرق جنوب شرقی بود . در دو میلی به ایزرودکه هشتاد قدم پهنای آن بود . در شش میلی به رود پسنده رسیدیم و یك میل پس از آن رودخانهٔ عباس‌آباد را قطع‌کردیم . با ادامهٔ راه از عباس‌آباد ، از راهی پهن وعریض گذشتیم و رودخانه‌های نامبردهٔ زیر را یکی پس از دیگری طی‌کردیم :

اسبه‌چین ، گراکه‌رود ، تیلاررود ، پلنگ‌رود ، کلار رودبسار ، نمك‌آبرود ، نورود ، رودپشت ، سرداب‌رود ، رودچالوس .

نمك‌آبرود ، حد فاصل میان تنکابن وکلارستاق است ورود چالوس‌کلارستاق‌را ازکجور جدا می‌کند . حکومت این سه ناحیه با حبیب‌الله خان بود .»[1]

مکنزی در سال ۱۲۷۶ ه .ق . ، تنکابن را دیده و این شرح را دربارهٔ آن نوشته است :

« پس از گذشتن از آب اوشیان ، از نه رودخانهٔ دیگرگذشتیم تا به ایزارود رسیدیم . آب این رودخانه گل‌آلود است . پس از این رودخانه ، منطقه‌ای جنگلی است تا به میان‌ده‌رود می‌رسد . کوههای جورده که ییلاق مردم تنکابن است ، طرف دست راست ما بود . در مقابل سخت‌سردرجنوب جنوب شرقی دیده می‌شد . رودخانهٔ سورخانی ، حد میان‌گیلان و مازندران است . ما سخت‌سر را دور زدیم و راه خودرا به طرف جنگل بـه سمت جنوب جنوب شرقی‌کج‌کردیم ، تا به‌دریاپشته برسیم. بـه آب ترك‌رود زدیم و از نزدیك امامـزاده‌ای‌گذشتیم ، پس از آن ازکرخت‌محلـه‌که آسیابی داشت،رد شدیم . راه سنگ‌فرش‌است وآخوندمحله طرف دست راست وصفا ـ رود پیش‌روی ماست . از آبادیهای زکین و کندسر و نارنج‌بن گذشتیم و به آب‌گرم رسیدیم. از سیاهکله‌رود تاآب‌گرم‌چهارفرسنگ است.

۱ ـ سفرنامهٔ ابت، ص ۳۱.

درجهٔ حرارت آب‌گرم سخت‌سر صدوچهارده درجه ونیم با میزان‌الحرارهٔ فرانهایت است . آب‌گرم بچه‌کنو صدویازده درجه وآب‌گرم انجیره‌بن ۹۸ درجه فرانهایت است .کمی پایین‌تر دوچشمهٔ دیگراست، اولی به‌نام « کلوخ » خوانده می‌شدو ۹۸ درجه حرارت داشت ، دومی به‌نام « زنگه‌بن » معروف بود و ۱۰۱ درجه حرارت داشت .

از آب‌گرم سخت‌سر تاخرم‌آباد ، چهارفرسنگ است وراه به‌طرف جنوب‌شرقی متوجه است ـ ابتدا از پل چوبی سلم‌رود گذشتیم . از اینجا دوراه درپیش است،یکی از بالای‌گرمرود می‌رود وبه‌سیدمحله می‌رسد . دیگری‌که ما از آن رفتیم از پایین گرمرود می‌گذرد و پس از عبورازمزارع برنج و باتلاق به ساحل دریا می‌رسد . »[۱]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه تنکابن را قسمتی از خاک‌گیلان می‌داند و می‌نویسد :

« تنکابن تقریباً هشتاد پارچه ده‌کوچك و بزرگ ییلاقی و قشلاقی است ، این ناحیه را با دو ناحیهٔ دیگرکه‌کلارستاق وکجور باشد محال ثلاثه‌گویند . در هر سه محال‌گندم و جو و شلتوك و مرکبات و میوه‌جات غیراز زردآلو و نی‌شکروابریشم در دهات قشلاقی به‌عمل می‌آید . عجب این است که در این نواحی جایی است که مرکبات موجود است وبه‌فاصلهٔ یك میدان در همانجا به هیچوجه مرکبات وجود نمی‌آید و سبب این‌است که‌بعد از باریدن برف وصاف‌شدن هوا بر روی‌برگ درختها شبنم می‌افتد . باد ارز[۲] که درتمام صفحات مازندران وزان است، بهرجا وزیددرختها را حرکت می‌دهد و شبنم‌ها می‌ریزد و درختها را خشك‌کرده محفوظ می‌ماند و جایی

۱ـ سفرنامهٔ مکنزی،صفحات ۱۸و۱۹ و ۲۱ . مکنزی دنبالهٔ سفرنامهٔ خودرا باهمین دقت نوشته است و ما از ترس اطالهٔ کلام از ترجمهٔ تمام مطالب صرف‌نظر کردیم .

۲ـ بضم الف و وراء.

که بادگیر نیست شبنم در برگ درختان منجمد شده ، یخ درخت را می‌خشکاند .

بالجمله خاك تنکابن ازسفیدتمیش تا نمك‌رود که رودخانه‌ایست مشترك میانهٔ تنکابن وکلارستاق هفت فرسخ است و از طرف دیگر حد این خاك « کاسه‌گرمحلـه » است . آبادی و قرای تنکابن مجاورکوهی است‌که در ساحل بحرخزر ممتـد و فاصلهٔ کوتاه تا دریا ، بعضی جاها نیم فرسخ است و به‌جایی می‌رسدکه این فاصله به دومنزل می‌رسد .

یازده رودخانه از محال تنکابن جاری است و مصب همـه دریای خزر است و غالب پنج شش فرسخ بستر ومجاری رودخانه‌هاست تا به دریابرسد.اسامی رودخانه‌ها ازاین قرار است:

اول رودخانهٔ سخت‌سرکه دایمـاً بیست سنگ آب دارد وگاهی زیاد می‌شود . دویم چالك‌رود ، آن نیز بیست سنگ‌آب دارد . سیم رودخانهٔ شیرم[۱] ، سی‌سنگ‌آب دارد . چهارم رودخانهٔ مزر[۲] . این‌رودخانه عظیم ومثل رودخانهٔ چالوس بلکه بزرگتر است و پانصد تومان جمع دیوانی دارد . پنجم رودخانهٔ تیر پرده‌سرکه در تابستان ده سنگ آب دارد و دروقت بارندگی عبور ازآن ممکن نیست . ششم ازارود[۳] ، دروقت خشکی آب بیست وپنج سنگ آب دارد ، هنگام بارندگی عبورازآن ممکن نیست. هفتم نشتارود ، رودخانـهٔ عظیمی است و در طغیان آب عبـور از آن مقدور نیست . هشتم رودلنگا[۴] ، بیست سنگ‌آب دارد . نهـم رودخانهٔ اسب‌چین ، بیست سنگ آب دارد . دهم رودخانهٔ جمشیدآباد ، ده سنگ آب دارد . یازدهم پلنگ رود ، پانزده سنگ آب دارد و رودخـانهٔ نمك‌رودکه مشترك میانهٔ کلارستاق وتنکابن است شصت سنگ آب دارد و آب آن شوراست و عـلاوه براینکه به‌کار خوردن حیوان‌و انسان

۱ـ بفتح شین وسکون یاء وفتح راء . ۲ ـ بفتح میم و زاء . ۳ ـ بکسر الف اول . ۴ـ بفتح لام .

نمی‌خورد ، برای زراعت هم حاصلی ندارد .

در دریاسر ، ییلاق جنب دوهزار تنکابن یك ماه از بهارگذشته یك دفعه چشمه‌ای جاری می‌شود ووقت جریان‌آن صدای عظیمی حادث می‌شود وتا اول‌تابستان جاری است . بعد خشك می‌شود و از تمام سطح زمین قریب به این چشمه نیز در دو ماه آخر بهار آب می‌جوشد .

در دوازده قریه از قرای تنکابن حمام هست و قرای دیگر نیز همه در تهیهٔ ساختن آن می‌باشند . در بعضی دهات نیز مسجد ساخته‌اند . در سخت‌سر وجوره از محال تنکابن،مدرسهٔ محقر چوبی دارد.

حاکم‌نشین قشلاقی تنکابن و دومحال دیگر ، خرم‌آباد از محال تنکابن است و دوهزارحاکم‌نشین ییلاقی است . خرم‌آباد یك مسجد وده باب دکان و دو حمام دارد که یکی عمومی و یکی مخصوص باغ و عمارت حکومتی است .

صاعدالدوله ـحبیب‌الله خان تنکابنی ـ حاکم محال ثلاثه ، باغی موسوم به باغ ناصری در خرم‌آباد احداث نموده که هزار قدم طول و چهارصد قدم عرض دارد . درباچه و عمارت بسیار عالی دومرتبه مشتمل بر اطاقهای متعدد و تالار و غیره دراین باغ هست . در گوشهٔ باغ برای تماشای صحرا و دریا، تالار چوبی بطرز مازندران ساخته شده . اشجار باغ عبارتست از مرکبات و گل رشتی ، سرو ، انار ، ازگیل ، هلو ، آلوبالو ، به ، آلوچه ، سیب و غالب‌درختها درحاشیهٔ باغ است .

در تنکابن کوهی است موسوم به « مارکوه» دخمه‌های متعدد دارد . شپره‌های زیادی در این دخمه‌ها هست که خود را به‌آدم و چراغ می‌زنند و مانع از دخول به دخمه‌ها می‌باشند . بالای این کوه جایی است مشهور به « نقاره خانه » هرگاه سنگی برآن موضع بزنند ، صدایی مثل صدای طبل حادث می‌شود و تا نیم فرسخ‌راه ، آن صدا می‌رود .

در سه‌هزار غاری است که ده نفر در آن غار می‌توانند نشست . از سقف آن غار چکه‌چکه آب گرم می‌ریزد . متصل به این موضع کوهی است مشهور به « تخت سلیمان » که صعود به قلهٔ آن سواره متعذر و برای پیاده در وسط تابستان ممکن ولی متعسّر است . درقلهٔ کوه بطور شیروانی ، ازچوب عمارتی است که جای دونفر می‌شود. مشهور است که حضرت سلیمان علیه‌السلام بالای این کوه آمده است . درزیر شیروانی مسطور ، از سنگ شکلی است شبیه بمار ، سکنه گویند این‌مار را حضرت سلیمان سنگ کرده .

در محال ثلاثه تقریباً بیست بقعه از امامزاده‌های واجب‌التعظیم هست که، زیارتگاه مردم است . از جمله امامزاده قاسم است که دری دارد منبت وخط آن را بطور حجاری کنده‌اند . قریب پانصدسال است که این در ساخته شده و به هیچوجه عیب نکرده ، منبتها بحال خود باقی است .

صنایع تنکابن الیجه و چارشب رختخواب و شلوار سواری و چوخاست .

در محال‌ثلاثه شکار ازقبیل قرقاول، کبك ، چیل، بلدرچین،کبوتر ، بافرقرا و مرغابی موجود است . بز ومرال و شوکا نیز دارد . از مرغهای شکاری : قرقی ، قوش، قزل ، اترکی ، بحری و شاهین در محال مسطور هست . در جنگلها نیز پلنگ ، ببر ، خرس و خوك موجود می‌باشد . نمك از طالقان به تنکابن می‌آورند .

علما و فضلای قدیم تنکابن : ملاعبدالکریم گلیجانی ، میر ابوطالب ، حکیم میرمحمد مؤمن ابن حکیم میرمحمد زمان‌که از معارف فضلای تنکابن و صاحب‌کتاب تحفه ، معاصر با شاه سلیمان صفوی است وکتاب تحفه را که در ادویهٔ مفرده و بعضی ترکیبات می‌باشد ، به اسم شاه‌سلیمان‌نوشته‌است . ملاحسین‌نامی ازعرفای تنکابن‌بوده. قریب دویست نفر از طایفهٔ ساعدالدوله در تنکابن هستندکه همه از اعزه‌می‌باشند.» [۱]

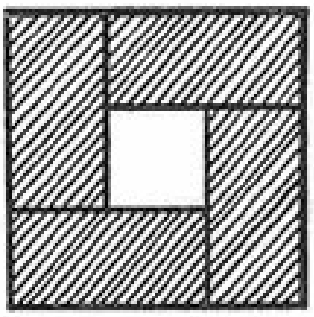
۱ ـ مرآت‌البلدان، ج ۱،ص ۵۰۱ و ۵۰۲ ذیل نام تنکابن .

۲ـ بناها و آثار تاریخی سخت‌سر (رامسر) وتنگابن

چاهی به‌نام « یاغی‌لوکا »
درکوه ایل‌ملی[1] بالای اردوگاه فعلی رامسر

در این‌کوه سنگی که دارای شیبی تنـد است ، چاهی است که داخـل آن را چیده‌اند . عمق آن معلوم نشد . این‌چاه ، در دامن‌کوه ، مخرجی به‌طرف دریادارد.

بقعهٔ سید محمد
در تالش‌محلـهٔ سخت‌سر (رامسر)



بنایی است زگالی با چهار ایوان در چهارطرف ، صندوقی سادهٔ چوبین‌در وسط بناست.در ورودی قاب‌بندی و نگار اصلی آن بدین شکل است :

آیات و احادیث و اشعاری به‌ترتیب زیر برآن حك شده است :

برسر پاسار لنگهٔ سمت راست:

«بسم الله الرحمن‌الرحیم .»

۱ـ بکسر میم .

برپاسار اول:

«انافتحنا لك فتحاً مبیناً .»

برپاساردوم:

«انا مدینة العلم و علی بابها .»

برباثوی سمت راست :

اول دفتر بنام ایزد دانا صانع‌و پروردگار وحی‌توانااین مشهد....»

برباثوی سمت چپ:

«امید عفو نباشد ...»

برسر پاسار لنگهٔ سمت چپ: ....

بر پاسار اول لنگهٔسمت چپ :

« ناد علیاً مظهر العجائب تجده. »

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

«عونا لك فی النوائب کل همّوغم سینجلی .»

بر باثوی سمت راست :

مطالبی بود که به‌علت فرسودگی خوانده نشد .

بر باثوی سمت چپ :

«بعظمتك یاالله بنبوتك یا محمد بولایتك یا علی. »

بالای دماغهٔ درکنده‌کاری ظریف وپرکاری است .

سمج قدیمی به‌شکل غار

در محلی به‌نام شه‌پره‌چال در لات‌محلهٔ آخوندمحلهٔ رامسر

می‌گویند این سمج به قلعهٔ دیزکول راه دارد و ظاهراً فرارگاه آن قلعه بوده است . کسانی تا پانصد متر در این سمج پیش رفته‌اند اما به‌علت سنگینی هوا

بازگشته‌اند . مدخل این غارکه از نزدیك دیده شد، طبیعی به‌نظر می‌رسد وچون راه آن انباشته شده بود و پر از گل ولای بود نگارنده نتوانست داخل شود . این سمج به نام « غار نادر » نیز خوانده می‌شود .

مسجد و مدرسهٔ مرحوم میرزا عبدالباقی‌خان در دهکدهٔ سختسر (رامسر) تنکابن

صاحب طرائق‌الحقایق در سال ۱۳۱۴ ه.ق. این مسجد و مدرسه را دیده و در بارهٔ آن می‌نویسد « مسجد و مدرسه مشتمل بر حجرات ، از مرحوم میرزاعبدالباقی خان و مزاری در یکی از زوایای مسجد است . »[۱]

پس از تحقیق معلوم شد که مسجدی قدیمی‌که فعلاً در آخوندمحلهٔ رامسر در کوچهٔ گلشن است باید همین مسجد باشد . آثار مدرسه نیز برجای است امابسیاری از اراضی آن را دیگران تصاحب کرده‌اند .

این مسجد بزرگ به درازای نوزده متر و پهنای چهارده متر است . در طول مسجد دو سرنال (حمال) است که هرسرنال روی سه ستون چوبین قطور قدیمی استوار است . بالای سرنالها واشان‌کشی وپل‌کوبی است. سه‌ستون ازسرستونها،قدیمی است . طرف شرقی ، پنجره‌های ارسی قدیمی بوده‌که فعلاً تبدیل به پنجره‌های‌آهنین شده است . طرف غرب، پنجره‌های بزرگ چوبین است . دو ایوان در دوسمت شرقی‌و جنوبی است . پهنای آنها یك متر وده سانتیمتر و درازای آنها ده متر است . ستونهای چوبین ایوانها لاج لنگری‌مارپیچ وهفت وهشت است . طرف شرقی ، در ورودی قدیمی قاب‌کاری‌وطرف قبلی هم یك در قدیمی است . سراسر مسجد سفال‌سر است .

۱ـطرائق الحقایق ،ج۳، ص ۹ آ۶.

مسجدی کهن به نام دزگامزگتی[1]
در دهکدهٔ جوردی (جواهرده)[2] ییلاق سخت‌سر (رامسر)

این مسجدکه به‌نام آدینه مسجد معروف است ، مورد احترام‌مردم مازندران‌و گیلان است . هرسال برای تعمیر و گلکاری آن جشنی محلی برپا می‌شود و مردم از دهکده‌های کوهستانی وجلکه‌ای دراینجاگرد می‌آیند ،گلکاری این مسجددرنخستین جمعهٔ تابستان ، به دست دوشیزگان محل انجام می‌شود . این سنت ظاهراً مربوط به دوران قبل از اسلام است ، زیرا در تعمیر و مرمت مساجد اسلامی‌چنین رسم وروشی نیست .

بنای‌کنونی مسجد قدمتی نداشت . برسرنالی (حمالی)که برستونهای نزدیك در ورودی استوار بود ، قطعه‌ای پانزده بیتی با قافیهٔ الف وردیف «شد» و ابیاتی‌بسیار سست با خطی بد نوشته شده بود . این ابیات حکایت از خرابی مسجد براثرزلزله‌ای شدید و تجدید بنای آن می‌کرد . بیت ماده تاریخ‌آن چنین بود :

تأمل نما و بگو ازسرفیض «مکان عبادت محل دعا شد»

اگر این ماده تاریخ درست باشد به‌حساب جمل سال ۱۰۴۵ هجری قمری این مسجد تجدید بنا شده است (عکس‌شمارهٔ ۱) .

اطراف مسجد محوطه‌ای بسیار وسیع است‌که‌گورستان اهالی است . بعضی از سنگ قبرها به شرح زیر است :

۱ــ بکسردال وفتح میم و سکون زاء و فتح کاف دوم. ۲ــجواهرده: قصبهٔ ییلاقی ازبخش رامسرشهرستان شهسوار، سی‌کیلومتری جنوب‌غربی‌رامسر، دارارتفاع تقریباً دوهزار متری واقع است (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳). نام تیره‌های گالش جوردی بدین‌ترتیب است : قورشا ، الی‌شا (بکسرالف) ، جولا (از همه قوی‌ترند) ، مراد ، تغار (بفتح‌تاء وتشدیدغین) ، هکروکر (بفتح‌ها وکسرکاف دوم) . تیره‌های ساکن دهکدهٔ جوردی از این قرارند : درجانی ، لارجانی، قصاب، شیخ‌الاسلامی .

« وفات مرحوم کربلائی حسن ولد مشهدی عباسقلی سنه ۱۲۳۰.»

بر حاشیه شعر عربی معروف:

« وفدت علی‌الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح و دو عدد انگشتر . »

«وفات مرحومه مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه خان شاتوره خانم (؟) بنت مرحوم مبرور غفران‌پناه و جنت و رضوان‌مکان نصرالله‌الحسینی ۱۲۶۷.»

بر حاشیه شعر عربی معروف .

« وفدت علی‌الکریم بغیرزاد» الخ حك شده بود . نشانه‌ها : گلدان . »

(عکس شمارهٔ ۲)

« وفات مرحومه مغفوره مبروره رضوان‌آرامگاه نرجس خانم بنت مرحوم میرزا محمدرضا الحسینی فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۶۹.»

«وفات مرحومه شهربانو بنت آقا محمدبیك بتاریخ یکشنبه پنجم شهر ربیع‌الاخر ۱۲۷۷ طایفه خلعت‌بری . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، آفتابه و بینکی. »

سنگهای دیگری مورخ ۱۲۷۰ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ در این گورستان بود .

مسجد آقاسیدسعید

در دهکدهٔ جوردی (جواهرده) ییلاق سخت‌سر (رامسر)

مسجد قدیمی را بهمن خراب‌کرده است و مسجدی تازه به‌جای آن ساخته‌اند. دو سه ستون چوبین این مسجد قدیمی و مابقی تازه است . در میدان جلو مسجد ، دو درختون (زبان گنجشك) قدیمی است . محیط یکی از آنها ۴۵۰ سانتیمتر و دیگری ۴۳۰ سانتیمتر است .

رابینو می‌نویسد ازمدارکی که دردست سادات سادات محلهٔ سخت‌سر است معلوم

می‌شودکه این مسجد قدیمی‌است.ازآقایان سادات پرسیده شدچیزی دردست‌نداشتند.

مسجد حاجی میرزا عبدالباقی
دردهکدهٔ جوردی (جواهرده) سخت‌سر(رامسر)

مسجدی است قدیمی بـه‌درازی ۱۷/۵ متر وپهنای ۱۳متر . دوردیف سرکش (حمال) در طول بناست . هرردیف برسه ستون قطـور پرکار قدیمـی از چوب راش استوار است . سرستونها پرکار و ازستونها جداست.سقف واشان‌کشی وسراسربناءلت‌پوش است . منبری مشبك نسبةً قدیمی در مسجد دیده‌شد .

درگورستان نزدیك این مسجد، سنگ قبری از مرمر با خط خـوش نستعلیق به نظررسیدکه عبارات زیربرآن حك شده بود :

« وفات مرحومه مبروره مغفوره مؤمنه عفیفه صالحه حوایـگم بنت مرحوم آقا سیدمحمد بتاریخ شهر ذیقعدةالحرام ۱۲۷۲. »

سنگ قبر دیگری در این‌گورستان بودکه هشت‌بیت شعر با خطخوش‌نستعلیق برآن حك شده و مورخ ۱۲۶۷ هجری قمری بود .

تاریخ سایرسنگها : ۱۲۶۷ و ۱۳۲۲ و ۱۳۲۹ خوانده شد.

چاهی قدیمی
برقلهٔ کشکرت‌کوه[1] در چپرسرسخت‌سر(رامسر)

بر قلهٔ این‌کوه چاهی است‌که هرگاه بخاری غلیظ ازآن‌بیرون‌آید ، بارندگی‌و انقلاب هوا در شمال قطعی است . حرکت این بخار به طـرف شرق نشان اینستکه هوا زودتر خراب می‌شود .

۱ـ بکسر هردوکاف .

قلعه‌ای قدیمی
در مرتع پاره‌نسا پشت مهمانخانهٔ رامسر

برفلهٔ کوهی که در این مرتع است ، قلعه‌ای قدیمی‌است. بنای‌آن بیشتر باآجرو ساروج است . برسر راه قلعه سمجی است‌که داخل آن را با سنگ چیده‌اند . ظاهراً این سمج فرارگاه نهائی قلعه بوده است.

بقعه‌ای از سادات کیائی
در جنوب مهمانخانه و شمال حمام رامسر

این بقعه را در سال ۱۳۱۱ ه.ش. خراب کرده و شمشادهای قدیمی و قطور آن را ریشه‌کن‌کردند . امروز درمحل بقعه یك اصله درخت تادانه باقی است.

مقبرهٔ پلاسید[1]
در سادات‌محلهٔ سخت‌سر (رامسر)

سید مدفون در این‌مقبره، جد سادات‌آخوندمحله است‌که درزمان شاه‌اسماعیل صفوی به‌اینجاآمده است .

بنای‌بقعه قدمتی‌نداشت (عکس شمارهٔ ۳). در ورودی‌وصندوق‌آن‌کنده‌کاریهای بسیار ظریف و پرکار دارد . درازای هرلنگه در ورودی ۱۶۲ و پهنای آن ۴۵ سانتیمتر است . برپائو و پاسارها و تنکه‌های درکنده‌کاری و اسلیمیهای بسیار شکیل است (عکس شمارهٔ۴).

عباراتی‌که بر این‌دربود بدین‌ترتیب است :

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت راست : نوشته‌ها به‌علت فرسودگی خوانده نشد.

بر تنکهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

«الله مفتح الابواب. »

۱- بکسر پ . پلا یا پیلا به معنی بزرگ است و در گیلکی‌گیلان «پیله» گویند .

بر پاسار وسط لنگهٔ سمت راست :

« هذا من عمل استاد حسین.»

بر پاسار وسط لنگهٔسمت چپ :

« بن‌حاجی تنهجانی تحریراً فی‌ثلث اربعین سبعمایه.»[1]

صندوقی به درازای ۱۸۰ و پهنای ۹۸ و بلندی ۷۳ سانتیمتر مرقد پلاسید را پوشانده است(عکس‌شمارهٔ ۵)، واین عبارات باخط ثلث توانا بربدنهٔ مقابل‌در ورودی خوانده می‌شود:

« وقع هذاالعمل بالامر والاشارة من اعظم‌الخواتین‌عظمة بنت شاه‌کاوس‌ابتدا دعا[کذا] خلّدت ایام عصمتها نیلاً لثواب‌الله و طلباً لمرضاة ربها تاریخها سنة احدی و خمسین و تسعمایة کتبه حسین بن‌عباس.»

زیر این‌کتیبه عبارات و آیات زیر خوانده می‌شود :

«عمل استاد ابرهیم‌بن استاد نظرالاجل تنکابنی .

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نصر من‌الله و فتح‌قریب. »

مسجدی قدیمی نزدیك این مقبره

درازای بنای مسجد ده متر وپهنای آن شش‌متر است . سه در ورودی شمالی‌و یك در شرقی و یك در غربی مشبك چوبین دارد . محرابی‌ساده در طرف‌قبلی‌بناست. سرکشی (حمال) در طول بناست‌که برسه ستون قطور قدیمی با سرستونهای پرکار استوار است . در دو طرف سرکش‌یك‌چکش‌گردان است که واشانهای سقف براین چکش‌گردانها استوار است. بام سراسر بناء سفال است .

۱ـ ظاهراً این ددمتعلق به‌جایی دیگر بوده‌که بدینجاآورده‌اند، زیراتاریخ صندوق ودر هیچگونه سازشی با یکدیگر ندارند .

در محوطهٔ اطراف مقبره سنگ قبری به این شرح دیده شد :

« وفات مرحوم مغفور رضوان جایگاه فردوس آرامگاه آق سید ابوالقاسم خلف جنتمکان خلدآشیان آقامیر محمد حسین یوم دوشنبه بیست وسیم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۰۶ . »

درگورستان اطراف مقبره، گور سید محمد میرزآقابسمل، مرثیهسرای معروف باوضعی بسیار ساده دیده میشود .

قلعهٔ مارکوه

در سمت شرقی دهکدهٔ کتالیم بر بالای کوهی منفرد

فضای قلعه بقدری است که در حدود یکصدتن سرباز می‌تواند در آن سکنی کند. آثار و قطعات کنگهای سفالین در قلعه دیده‌شد. ظاهراً آب مصرفی قلعه‌را از چشمه‌های دور دست می‌آورده‌اند . در وسط قلعه چاهی کنده شده که امتداد آن، درمحلی معروف به قلعه‌باغ می‌رسد .

مصالح بنای این قلعه سنگ وگچ غربالی است و برجها و باروی آن برجای است . طول ضلع شرقی ۱۷/۷۰ متر و قطر آن ۲/۳۰ و ارتفاع آن ۶/۳۰ متر است (عکس شمارهٔ۶) . طول ضلع غربی ۹ متر تمام است . ضلع شمالی با سنگی که در امتداد آن بوده است به دوقسمت می‌شود: قسمت غربی آن۱۴/۸۰ متر وقسمت شرقی آن که از سرسنگ جدا می‌شود ۱۵متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷). با روئیدن درختچه‌های فراوان در میان محوطهٔ قلعه طرح اطاقهای مسکونی آن را نتوانستیم معلوم کنیم . شاید نام این قلعه در قدیم «ازبلو» بوده است . مولانا اولیاءالله آملی از دو قلعهٔ معروف در خاك تنکابن یاد می‌کند یکی «تنکا» و دیگری «ازبلو»[1]

۱ــ تاریخ رویان چاپ‌نگارنده، ص۱۴۷ .

مقبرهٔ چهل‌شهید
در غرب قلعهٔ مارکوه و شرق دهکدهٔ کتالم

در غرب قلعهٔ مارکوه ، بقعهٔ محقر وگورستانی عظیم ، معروف به چهل شهید است . چنانکه معروف است، این شهدا در یك‌روز کشته شده‌اند . ظاهراً این کشتار دسته‌جمعی یادآور جنگی است که در پای این قلعه اتفاق افتاده است .

قلعهٔ گرزمان‌سر
میان راه کتالم و گرسبسار در تنکابن

نخستین‌بار از قلعهٔ گرزمان‌سر ، هنگام حرکت سیدعلی‌کیا به طرف تنکابن‌و شکست فرزند سیدرکابزن‌کیای تنکابنی بدین شرح سخن به‌میان آمده است . سید ظهیرالدین می‌نویسد: «در آن ایام به موضعی‌که مشهور است به گرزمان‌سر ، حصنی بود حصین. درآن قلعه‌کوتوالی معتمد را بازگذاشت وچندنفر از نوکران نیك خودرا به جهت محافظت آن قلعه باز داشت و خود به‌گرجیان نزد امیران آنجا رفت وچون روزی چند آنجا اقامت نمود ، حضرت سید امامت شعار (= سیدعلی‌کیا) با لشکر جرّار غیرفرّار به‌پای قلعهٔ مذکوره‌آمد و به محاصره مشغول‌گشت ودو سه نوبت‌حربی عظیم واقع‌گشت و نفری چند از لشکر مازندران فوت شدند و برادر سیداعظم سید حسن‌کیا را درآن محاربه به‌قتل‌آوردند. اما به‌عون‌الهی ، قلعه را فتح نمودند و خود به قلعه رفته اقامت نمودند . و فرزند رکابزن‌کیا چون چنان دید به‌نزد امیره‌نوپاشا به رانکو رفت و صورت حال معروض داشت . امیره‌نوپاشا لشکر جمع‌کرده ، متوجه قلعهٔ گرزمان‌سرشد . . . . چون امیره نوپاشا با لشکر خود به پای قلعه رسید [سیدعلی از این واقعه مطلع گشت] و جمعی از موافقان و تائبان خود را بدان‌قلعه بازگذاشت و برادر شجاعت‌دثار ، سیادت‌دثار سید هادی‌کیا را بر آن قلعه بازداشت و خود با معدودی چند از لشکر مازندران‌که انتخاب‌کرده بود، از

قلعه بیرون‌آمد و پنهان از راه بیراه به ولایت اشکور درآمد و از آنجا به رانکو آمد و خانه و جایگاه امیره نوپاشا را آتش زد و بسوخت و آنچه موجب شجاعت بود ، به تقدیم رسانید .

چون امیره نوپاشا را ازآن قصه معلوم‌کردند ، بازگشت وبه دفع سید عجاله ورزید . چون او به رانکو رسید ، سید خود معاودت‌کرد و از راهی‌که آمده بود ، باز به‌قلعهٔ مذکوره رفت و اقامت نمود و ولایت تنکابن را به تحت‌تصرف درآورد و دوست‌کام درآن مقام ساکن شد .»[۱]

این قلعه را امروز «دزدکول» می‌نامند ونزدیك دهکدهٔگرسبسر است وظاهراً گرسبسر ، شکل دیگری از گرزمان‌سر است . آنچه از دیوارهای قلعه بجاست با سنگ و ملاطی بسیار محکم چیده شده است . آثارگنگهای سفالین دراین‌قلعه، نشان می‌دهدکه آب قلعه از چشمه‌هایی نزدیك آن‌تأمین می‌شده‌است . محل این قلعه‌بسیار مرتفع و مسلط برتمام دشت زیردست آن است .

عمارتی قدیمی ملکی‌آقای علینقی نیکنام
در مرجان‌لات جنده‌رودبار ییلاق رامسر

از بناهای اواخر دوران قاجاری است . ابعادآن ۱۸ × ۱۷ متراست.دوایوان بزرگ و وسیع در شمال و جنوب آن است . در و پنجره‌های قدیمی آن بر جای است .

بقعهٔ‌آقاسید حسن‌بن امام موسی‌الکاظم
در دهکدهٔ چالك‌بلوك جنده‌رودبار تنکابن

بنایی است از سنگ وگل وچهار طرف‌آن چهار ایوان کتابی‌است.هر ایوان

۱ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، صفحات ۲۹ و۳۰ و۳۱ .

دارای هشت ستون با سرستونهای ظریف است. پنج‌ستون ایوان‌جلو لاچ‌لنگری‌ظریف است . مقطع سایر ستونها هشت ضلعی است . ایوانها تکائل صندوقی‌وکنده‌کاریهای هندسی دارد . سراسر بام بنا ، حلب‌پوش است .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ کوه پایین مازو سر راه رامسر به‌جوردی (جواهرده)

برسرقلهٔ این کوه‌آثار باقیماندهٔ دیوارهای‌قلعه‌ای قدیمی‌ازسنگ دیده‌می‌شود .

آثار آبادی و شهری قدیمی
در مرتع پرچو در میان‌بند سخت‌سر (رامسر)

در سرراه رامسر به جواهرده در مرتعی به‌نام پرچه یا پرچو آثار ساختمان و گورستانی قدیمی دیده می‌شود . در محل دیگری از این مرتع محلی به‌نام «شهرستانك» است‌که آثار ساختمان وآبادی قدیمی است .

راههای قدیمی سخت‌سر (رامسر) تنکابن
راه قدیمی جوردی (جواهرده)به قزوین

این راه از دهکدهٔ ییلاقی جوردی به زلزلان دشت‌ـسیاه‌کوتی‌ـ ازدهاسنگ‌ـ باغ دشت ـیال بکت[1] ـ لپاسرـ تمل ، ازدهکدهٔ تمل‌که جزء بالااشکور است وسایر دهکده‌های این‌ناحیهٔ‌کوهستانی راههای متعددی به قزوین می‌رود وما درمجلد دوم به‌آنها اشاره‌کرده‌ایم .

راه شاه‌عباسی
در تنکابن

این راه از سورخانی بمیان‌ده ، از میان باغها و اراضی می‌گذرد و بمیان‌ده وارد می‌شود . ازپل دوم وکنار حمامی قدیمی می‌گذرد و به برتولو[2] می‌رسد، از

۱ـ بفتح باء وکاف . ۲ـ بضم تاء .

پهلوی خانهٔ اسماعیل علی‌پور و حسین حسینیان می‌گذرد و وارد لات می‌شود و به سه‌راهی می‌رسد، از رودخانهٔ ایلچارود می‌گذرد و به رزسر وارد می‌شود. پس از گذشتن از باغها و مزارع به شیخ‌زاهدمحله می‌رفته است.

قلعه‌بند یا شاه‌نشین
درمیان‌جنگلی درجنوب‌غربی سخت‌سر (رامسر)

قلعه‌ایست قدیمی بادیوارهای سنگی وآجری و غرفه‌ها و پله‌ها که بیشتر آنها را خاك و سبزه ودرخت پوشانده است. آب قلعه از چشمهٔ «درواست» می‌آمده و هنوز گنگهای سفالین آن برجای است. در محل معروف بود بر اثر جنگی که قلعه‌نشینان با مهاجمان داشته‌اند، مخالفان آب قلعه را در محلی به نام «جولابن» بستند و مهارکردند و در نتیجهٔ نرسیدن آب به قلعه، ساکنان مجبور شدند قلعه را تخلیه کنند.

باقی بناها و آثار تاریخی دشت و کوهستان سخت‌سر

۱ـ مسجد وبقعه‌ای در دریاپشته[1] حومهٔ سخت‌سر (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران‌و استراباد رابینو ص ۳۹)، نوسازی شده است و آثار قابل ذکر ندارد.

۲ـ بقعهٔ پوتك در پشت‌توبن[2] سخت‌سر، داخل جنگل، بقعه‌ای‌زگالی است و آثار قابل ملاحظه‌ای ندارد.

۳ـ قلعهٔ دیزکول، درمحال‌سخت‌سر، معروف است که سمج شه‌پره‌چال به‌این قلعه منتهی می‌شود. از این قلعه آثاری برجای نمانده بود.

۴ـ مسجد و مدرسه در آخوندمحلهٔ رامسر (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و

---

۱ ـ دریاپشته: ده از دهستان حومهٔ بخش رامسر شهرستان شهسوار، شش‌کیلومتری شمال غربی رامسر کنار شوسهٔ رامسر به رودسر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۲ ـ توبن: ده از دهستان حومهٔ‌بخش رامسر شهرستان شهسوار، هفت‌کیلومتری شمال غربی رامسر، سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به رودسر (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).

استراباد رابینو ص ۳۹)، ظاهراً منظور رابینو از این مسجد و مدرسه همان مسجدو مدرسهٔ میرزاعبدالباقی‌خان است که شرح آن را نوشتیم .

۵ـ آثار قلعه‌ای قدیمی درقلعه‌باغ‌نزدیك نیاسته [۱] . اطراف آن خندقی به‌عرض هشت‌متر وارتفاع چهار متر باقی است . مابقی اراضی آن تبدیل بـه‌بـاغ چای شده است .

۶ـ در خشکاسرا بالای قریهٔ سرولات آثـار استخری بزرگ وگورستانی وسیع قدیمی است .

۷ـ چاهی درهـزارچال درمحال سخت‌سر . راه از سادات‌محله بـه اربـه‌کله است وباقی راه را پیاده یاباماك‌باید رفت .

۸ـ گورستانی قدیمی درمیان‌ده . زیرخاکی فراوانی از اینجا بیرون‌آورده‌اند.

۹ـ بقعه‌ای قدیمی درکهنه میان‌ده نزدیك دهکدهٔ جنگ‌سرا . [۲]

۱۰ـ غاری درپایین‌کوه قلعه‌بند یا شاه‌نشین کنارشاهراه شاه‌عباسی پشت‌دهکدهٔ رمك . [۳]

۱۱ـ بقعه‌ای در شامنصورمحله . [۴]

۱۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ ایزکی از دهکده‌های جندرودبار (جنت‌رودبار) .

۱۳ـ قلعهٔ گل‌کند [۵] درجندرودبار . درمحل معروف بودکه سمجی به چاه‌قلعهٔ

۱ـ نیاسته : ده ازدهستان حومهٔ بخش‌رامسرشهرستان شهسوار،دوازده‌کیلومتری جنوب شرقی رامسر دوکیلومتری جنوب شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ، ج ۳).

۲ ـ جنگ‌سرا : ده از دهستان حـومهٔبخش رامسرشهرستـان شهسوار،هیجـده‌کیلـو متری غرب رامسر و شش‌کیلومتری جنوب چابکسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۳ ـ رمك : ده از دهستان حومهٔ بخش رامسرشهرستان شهسوار، دوکیلومتری شرق رامسر و کنار راه شوسهٔ رامسر به شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۴ ـ شامنصورمحله : ده از دهستان رامسرشهرستان شهسوار، ۱۵ کیلومتری غرب‌شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۵ـ بکسرگاف .

مارکوه دارد .

۱۴ـ قلعهٔ دربندان در جنده‌رودبار .

۱۵ـ گورستان گبری در مرتع اژدلم سرراه رامسر به‌جوردی (جواهرده). دراین مرتع گورهای بزرگ و فراوان است .

۱۶ـ آهن پچان آثـار قدیمی کوره‌ها و معدن آهن است . سـرراه جـوردی (جواهرده) از راه رجه .[1] راه از پهلوی پل بامسی به قهوه‌خانهٔ بـارگـاه می‌رود . آهن‌پچان روبروی قهوه‌خانه می‌افتد .

۱۷ـ بقعه‌ای بربالای اشکونه کوه[2] درراه ییلاق جوردی (جواهرده) .

۱۸ـ دوبقعهٔ قدیمی در تنگه‌درهٔ جوردی (جواهرده) یکی به نام سید خرم کیا و دیگری به نام آجنکوله .[3] مسجد و حمام این محل نیزقدیمی است .

۱۹ـ گورستان گبری در سرخ‌تله یا کهه‌بن درجوردی .

۲۰ـ گورستان گبری درپای کوه وژه[4] درجوردی .

۲۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بر قلهٔ کوه زین‌دشته ، شرق جوردی .

۲۲ـ گورستانی قدیمی شامل گورهای گبری و اسلامی درلپاسر[5] جوردی .

۲۳ـ آثار خرابهٔ دهکدهٔ قدیمی در اسبه‌گا[6] جوردی .

۲۴ـ آثار خرابهٔ آبادی قدیمی دربازرشت[7] دردهکدهٔ جوردی .

۲۵ـ خانه‌ای قدیمی ملکی میررضائی در دهکدهٔ جوردی .

۲۶ـ خانه‌ای قدیمی ملکی آقای لاریجانی در دهکدهٔ جوردی .

---

۱ ـ بفتح‌راء . ۲ ـ بضم‌الف . ۳ ـ بفتح‌جیم . ۴ ـ بفتح واو
۵ ـ بفتح‌لام . ۶ ـ بفتح الف. ۷ ـ بفتح‌راء .

۳ـ بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

بقعهٔ آقاسیدجلال از نواده‌های امام موسی‌الکاظم‌علیه‌السلام
درزروج‌محلهٔ[1] گلیجان‌تنکابن

بنـای اصلی بقعه مـربع شکل وصندوقی سادهٔ چوبین درمیان آن است . در ورودی قبلی است . چهار طرف ایوان دارد . در هـر ایوان هشت ستون هشت ضلعی است که پایین آنها مربع شکل است . سرستونها نسبةً ظریف و پرکاراست . طرف سر نال و طرف دیوار بقعه ، هر یك دارای یك چکش‌گردان ظریف است که واشانها برآنها متکی است . بنای بقعه از داخل نیز چکش‌گردان دارد و واشانهـای سقف بقعه برآنها استوار است . جلو ایوانها تکائل صندوقی ظریفی به‌کار رفته است .

بقعهٔ آقامیرسبحان
دردهکدهٔ تیمجانك[2] گلیجان‌تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل است . در اصلی ورودی جنوبی است و دردوطرف

---

۱ ـ زروج محله : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار،دوازده کیـلومتری غربی شهسوار و سه کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳). زارود = زارو ، از آبادیهای‌پشتکوه و از توابع جوردی (جواهرده) است .درخودجواهر ـ ده هم زارومحله‌ای هست . نسبت به‌زارو ، زاروج و مخفف‌آن زروج می‌شود .

۲ ـ تیمجانك : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، ده کیلومتری غرب شهسوار و دو کیلومتری جنوب راه شهسوار به رامسر(فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

آن دو شیر نقاشی شده است ، بالای درعبارت « از علی آموز اخلاص عمل » خـوانده می‌شود . ایوان جنوبی دارای شش ستون قدیمی با سرستون است که چهار عدد آنها لاج لنگری است . باقی‌ایوانها هریك هفت ستون چوبین دارد . در محوطهٔ اطـراف بقعه درخت پلت (افرا) کهنسالی بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر ۴۲۰ سانتیمیر بود.

گور کیا اسکندر چلاوی
درحوالی شیرود گلیجان تنکابن

پس‌از اینکه کیااسکندر پسر افراسیاب چلاوی ، امیر تیمور را به دفع‌سادات مرعشی به قلعهٔ ماهانه‌سر آورد و سادات را به دست امیرتیمور شکست داد ، خود بر امیرتیمور بشورید و پس از جنگی که در جنگل فری‌کنار با امیرتیمورکرد شکست خورد و به تنکابن درآمد . امیرتیمورکسان خود را به دنبال او بفرستاد . ایشان بـه نمکـاوه‌رود رفتنـد وازسیدهادی کیـا ـ والی تنکابن ـ اسکندر را زنـده و مـرده خواستند . سیدکسان خود را فرستاد و او را در شیرود هزاربکشتند و سرش را بـه فرستادگان امیرتیمور دادند.[1]

بقعهٔ آقـاسیدرضا
در دهکدهٔ بالاشیرود گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل و به ابعادشش‌متر است . درووردی اصلی قبلی‌است. چهار طرف بنا ایوان دارد و ایوان جنوبی پهن‌تراز سایر ایوانهاست . جلو هرایوان هفت ستون هشت ضلعی است . قبرستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است .

بقعهٔ آقاسیدحسین بن امام‌موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ پایین شیرود گلیجان تنکابن

درازای بنای اصلی ۵۰۰ و پهنای آن ۳۲۰ سـانتیمتر است . در ورودی اصلی

۱ ـ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران سیدظهیرالدین،ص ۳۱۴ و ۳۱۵و ۳۱۶ .

جنوبی است و دو طرف آن دو طاقچه بنا شده است . در ضلع شرقی سه طاقچه است که بالای طاقچهٔ وسط خفنگی مدور نورگیر نصب شده است . در ضلع غربی نیز سه طاقچه دیده می‌شود . ضلع شمالی مانند ضلع جنوبی دارای دری ورودی و دوطاقچه درطرفین آن است . ایوانها دارای ستون با سرستونهای نسبةً ظریف است.سنگ مرمری قدیمی جلو پلهٔبنا بودکه روی آن را سیمان کشیده بودند . مطالب حک شدهٔ برآن درست خوانده نشد . چناری قدیمی در بیرون محوطهٔ بناست‌که فعلاً پنج‌شاخه شده و تنه‌ای بسیارقطور دارد . معروف است‌که این سیدحسین، برادر سیدحسن است که در دهکدهٔ چاك‌ییلاق جنده‌رودبار مدفون است .

دو برادران
در دهکدهٔ کچانك‌گلیجان تنکابن میان شیرود و کچانك

دو برادران شامل‌دو بقعهٔ ساده و محقراست .پشت یکی‌ازبقعه‌ها درخت‌لنگائی (نارون) است‌که محیط تنهٔآن ۳۸۰ سانتیمتر است . پلت (افرا) بزرگ وکهنسالی نزدیك این نارون است . مسجدی‌کوچك‌و محقر نیز در محوطهٔ این دوبقعه‌ساخته‌اند.

پل آجری
در دهکدهٔ لپاسرسرراه رمج‌محله و کچانك‌گلیجان تنکابن

این پل برآبی است که از زهاب زمینها بوجود می‌آید . آجرهای پل‌به ابعاد ۴×۲۰×۲۰ سانتیمتر است . پهنای پل با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون جان‌پناه دومتر است . درازای پل نوزده مترو ارتفاع آن از سطح آب سه متر است (عکس شمارهٔ ۸) .

پل آجری
برسرراه نسیه‌محله به فقیه‌محله و دهکدهٔ برامسر[۱]

۱ ــ بضم‌باء وفتح‌سین. برامسر : ده ازدهستان گلیجان شهسوار،هشت کیلومتری غربی شهسواردوسه کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

این پل برآب واچه‌کیله بناشده که از رودخانهٔ‌مرز[۱] جدا می‌شود . بنای پل قدیمی است . درازای آن ۲۴٫۶۰ مترو پهنای آن با جان‌پناه ۲۵۰ سانتیمتر و بدون آن ۲۳۰ سانتیمتر است . بلندی پل از تیزی جان‌پناه تا سطح آب ۳۵۰ سانتیمتر و پهنای دهانهٔ پل ۵۳۰ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۹) .

بقعهٔ گلدسته
در دهکدهٔ برامسر گلیجان تنکابن

بنای بقعه شامل چهار دیواری است با مقداری درختان انجیرودرختان‌دیگر. درخت پلت عظیمی نزدیك بقعه بود که محیط تنهٔ آن بالغ بر ۴۴۰ سانتیمتر بود. در محوطهٔ بقعه ، درخت پلت دیگری بود که محیط تنهٔ آن ۵۷۰ سانتیمتر بود .

بقعه‌ای
در دهکدهٔ فقیه محلهٔ[۲] گلیجان‌تنکابن

ازبنای قدیمی چیزی برجای نبود و سراسر آن تجدیدبنا شده‌بود . درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . درخت کهل‌نسبةً کهن در این‌گورستان دیده‌شد که محیط تنهٔ آن ۳۷۰ سانتیمتر بود .

امامزاده محمد[۳]
در دهکدهٔ واچك[۴] گلیجان تنکابن

بنای قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن بنایی نوسازبا مشخصات‌زیر

۱ــ بفتح میم و راء . ۲ ــ فقیه‌محله: ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش کیلومتری جنوب‌غربی‌شهسواردودو کیلومتری گلیجان(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).
۳ــ در روزنامهٔ کیهان شمارهٔ ۸۵۲۳ مورخ یکشنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۵۰ عکسی از این امامزاده وگزارشی‌از حفاری دزدانهٔ آن درنیمه‌شب چاپ‌شده است. ۴ــ واچك‌یکسرج. ده ازدهستان گلیجان شهسوار، چهار کیلومتری غرب شهسوار کنار شوسهٔ شهسواربه برامس، (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

ساخته‌اند . ابعاد بنای اصلی ۵۰۰ در ۴۷۰ سانتیمتر است. چهار طرف چهار ایوان دارد . ایوانهای جنوبی و شمالی به درازای ۸۵۰ سانتیمتر و ایوانهای غربی و شرقی به درازای هشتمتر است . پهنای تمام ایوانها ۱۸۰ سانتیمتر است . جلوایوانهاتکائل آجری است و روی آنها را سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۰) . در محوطهٔ اطراف بقعه درختان پلت (افرا)کهنسالی بودکه محیط تنهٔ آنها بدین قرار است :

۸۳۰و ۵۲۰و ۴۸۰و ۴۰۰ سانتیمتر .

سیدظهیرالدین می‌نویسد که قبر برادرش سیدعبدالحی‌بن سیدنصیرالدین‌بن سیدکمال‌الدین‌بن میرقوام‌الدین‌مرعشی در واچك گرجیان است . [1] ظاهراً گلیجان امروز با ناحیهٔ گرجیان قدیم کهوبیش قابل تطبیق‌اند .

بقعهٔ آقاسیدابراهیم‌و گورستان اطراف آن
نزدیك دهکدهٔ کرات‌کوتی [2] گلیجان‌تنکابن

بنای اصلی بقعه مدور و طرح ایوانهای اطراف آن مربع‌شکل است .هرایوان سابقاً هشت ستون داشته که سرستونهای آنها زیر سرنال (حمال) باقی است .

ایوانهای کنونی ، دارای چهارستون سیمانی و تکائلی از آجرو سیمان است. طاق بقعه مدور و سنگی‌است وکاشیهایی به‌رنگهای مختلف بردیوار داخلی بقعه‌دیده شد . در بقعه نسبةً قدیمی است و دارای آلتهایی است که درمیان آنها تخته بکار رفته است وبالای درخفتگی با همان طرح دیده می‌شود . چناری کهنسال در جلو در ورودی بقعه بود که محیط تنهٔ آن به ۶۲۰ سانتیمتر می‌رسید . در گورستان اطراف بقعه سنگ قبرهایی به این شرح دیده شد :

۱ــ تاریخ طبرستان ورویان‌و مازندران، ص۳۴۸ و ۳۸۵ .

۲ ــ کرات‌کوتی : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، پنج کیلومتری غرب شهسوار ودوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

«وفات مرحوم مشهدی رمضان ولد مرحوم غلامعلی ۱۲۷۲ . نشانه‌ها: مهر ، تسبیح و شانه . »

« وفات مرحومه خدیجه بانو بنت کربلائی آقابابا ۱۲۴۵ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه ، آفتابه ، قیچی و بینکی . »

سنگ قبری مورخ ۱۲۷۲ و سنگ قبرشکستهٔ دیگری مورخ ۱۲۶۰ نیز دیده شد .

بقعهٔ آقاسیدحبیب‌الله
در دهکدهٔ میانرود[1] گلیجان تنکابن

بنای اصلی بقعه مربع شکل ، چهار طرف چهار ایوان‌کتابی و هر ایوان هفت ستون چوبین با سرستونهای نسبةً ظریف دارد . سقف بنا واشان‌کشی است و واشانها بر چکش‌گردانهای دیوار وسرنال استوار است . لبهٔ بنا از خارج دارای دو چکش‌گردان و یك پشته است . سراسر بام حلب‌پوش است . در گورستان اطراف بقعه دو درخت کهنسال لنگا (نارون) است که محیط تنهٔ یکی ۲۶۷ و دیگری ۴۱۰ سانتیمتر است . گورستان اطراف بقعه، قدیمی و وسیع است .مسجدی بزرگ و حلب‌پوش در اراضی گورستان است .

مسجد علامه
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد[2] گلیجان تنکابن

مسجدقدیمی این دهکده را مرحوم آیةالله میرزامحمدعلامهٔ تنکابنی بساخت.

---

۱ ـ میانرود : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار دو کیلومتری جنوب غربی شهسوار و چهارکیلومتری راه شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳) .

۲ ـ سلیمان‌آباد : ده از دهستان گلیجان شهرستان شهسوار، شش‌کیلو متری جنوب غربی شهسوار کنار راه فرعی شهسوار به چلاسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

این مسجد که روی در خرابی داشت ، اخیراً به دست آقای ابوالفضل علامه نوهٔ آن مرحوم تجدید بناشد .

مدرسهٔ سلیمانیه
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد گلیجان تنکابن

این مدرسه ازمستحدثات میرزاسلیمان طبیب بود و در حدود بیست حجره طلبه‌نشین داشت . پسرش مرحوم میرزا محمد علامهٔ تنکابنی سالها در این مدرسه علوم قدیمه و معارف شرعیه را تدریس می‌کرد و پس از او نیز این مدرسه مرکز طلاب علوم دینی بود . امروز اثری از این مدرسه برجای نیست .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ سلیمان‌آباد گلیجان تنکابن

گورستانی وسیع است که سنگ قبری در آن نیافتم . بربالای بلندترین نقطهٔ میان این گورستان ، بقعه‌ای ساده با چهار ایوان اطراف آن بنا شده بود .

عمارت منتظم‌دیوان
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

صاحب طرائق‌الحقایق درسال ۱۳۱۴ ه . ق . می‌نویسد « سلیقهٔ جناب منتظم‌دیوان از این باغ و طرح بازار و حمام معلوم است.» [۱]

بنای اصلی عمارت منتظم‌دیوان به درازای ۳۰ و پهنای ۱۸ متر بوده و بیست‌و چهار اطاق داشته که فعلاً خرابهٔ آن بشکل تپه‌ای کوتاه درآمده است . بنای اصلی بیرونی که تا امروز برجای است به درازای ۱۷ مترو پهنای ۱۳متر است که راهروبی در وسط و چهاراطاق در دو طرف راهرو دارد. دروپنجره‌های قدیمی آن‌از میان‌رفته‌و فعلاً محل دبستان منتظم‌گلیجان است . سردر ورودی بیرونی ساختمان، هشتی مانندی

۱ ــ طرائق الحقایق ، ج ۳ ، ص ۶۲۸ .

داشت که میان اندرونی و آشپزخانه قرار می‌گرفت . قسمت پایین هشتی راهرو وقسمت بالای آن اطاقهای اهل علم و روضه‌خوانها بود. آجرهای این بنا را برای ساختمان املاك بردند. تمام بناها، درهای ظریف و پنجره‌های ارسی پرکار با شیشه‌های رنگین داشت.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ گلیجان تنکابن

این حمام را مرحوم میرزا محمدعلی معروف به نایب ساخته است وتا امروز برقرار و براه است .

عمارت قدیمی شیخ نورالدین
در نورآباد گلیجان تنکابن

این بنا که یکی از ساختمانهای قابل بررسی دوران قاجاری بوده است به دستور شیخ نورالدین پدر دکتر محمدخلعت‌بری ساخته شد . از این بنا امروز نشانی نیست .

باقی بناها و آثار تاریخی گلیجان تنکابن

۱ ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ لشتو که اطراف آن گورستانی قدیمی است .

۲ ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ نورآباد .

۳ ـ چاهی بزرگ در آمکچال در دیوچال‌گردن بالای دهکدهٔ چال‌کش[۱] .

۴ ـ سمجی به نام « زاغ‌سی » نزدیك دهکدهٔ لگا[۲] برسر سه‌راهی شرگو[۳] .

۵ ـ گورستان قدیمی اریه[۴] نزدیك دهکدهٔ لاك‌تراشان[۵] .

---

۱ ـ بنم کاف . ۲ ـ بکسرلام،لگا: ده کوچکی از دهستان گلیجان شهسوار ، پنجاه کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۳ـ بفتح‌شین وکسرراء . ۴ـ بکسرالف . ۵ـ لاك‌تراشان: ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوارچهل‌وهشت‌کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی ایران ، ج ۳).

۶ ـ گورستانی قدیمی در میان دهکدهٔ لاک‌تراشان .

۷ ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ دیمرون در ییلاق گلیجان .

۸ ـ امامزاده طاهر و مطهر در جنوب شرقی دهکدهٔ سیب‌کلایه در ییلاق گلیجان . چند درخت ون (زبان‌گنجشك) کهنسال در محوطهٔ اطراف بقعه است .

۹ ـ بقعهٔ آقامیرابوطالب در دهکدهٔ خشك‌رود[1] سلیمان‌آباد گلیجان . بنایی سادهٔ زگالی است و بامی حلب‌پوش دارد . مسجدی نوساز کنار بقعه است .

۱۰ـ قلایهٔ کارکو، آثار قلعه‌خرابه‌ایست بر روی‌تپهٔ کارکو درخشك‌رودگلیجان.

۱۱ ـ سمجی قدیمی در سیاه‌بند کارکو در خشك‌رود گلیجان .

۱۲ ـ گورستانی قدیمی باآجرهای قدیمی فراوان در خشك‌رود گلیجان .

۱۳ ـ حمامی قدیمی در خشك‌رود گلیجان .

۱۴ ـ آثار بنایی قدیمی در بیسرکودهٔ گلیجان که خندق اطراف این‌بنا هنوز برجای است .

۱۵ ـ چاهی قدیمی در آمارکودهٔ گلیجان .

۱۶ ـ چنارهای کهنسال در مزار انبارسر بالای دهکدهٔ سلیمان‌آباد .

۱۷ ـ بقعه‌ای در شاهمرادمحلهٔ گلیجان .

۱۸ ـ قلعه‌ای قدیمی‌در لزربن[2] گلیجان‌که امروز به‌باغ چای تبدیل‌شده‌است .

۱۹ ـ برج و حصاری در پشت گالش‌محله[3] که آجر فراوانی از آنجا بـرای

---

۱ ـ خشك‌رود : ده از دهستان گلیجان‌شهرستان‌شهسوار، ده‌کیلو متری جنوب غربی شهسوار و سه کیلومتری غربی راه قدیم شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ ـ بفتح‌لاهوزاء وضم‌بـاء ، لزربن:ده ازدهستان گلیجان شهرستان‌شهسوار، دوازده کیلومتری جنوب غربی شهسوار وچهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به رامسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ ـ گالش‌محله :ده‌از دهستان گلیجان شهسوار شانزده کیلومتری جنوب غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

ساختمان حمام برده‌اند .

۲۰ ـ بقعه‌ای در کالش‌محلهٔ گلیجان .

۲۱ ـ بقعه‌ای در نورالدین محلهٔ[1] گلیجان.

۲۲ ـ بقعه‌ای در جل[2] آخوندمحله از بلوك گلیجان .

۱ ـ نورالدین‌محله : ده ازدهستان گلیجان شهرستان شهسوار، یازده کیلومتری غربی شهسوار ودو کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار بهدامس (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران ، ج ۳) .

۲ ـ جل‌بفتح جیم : دهکدهٔ کوچکی ازدهستان گلیجای شهسوار، یك کیلومتری آخوندمحله (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

۴ـ بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن

خانه و باغ امیراکرم
در محلهٔ شهسواران (شهسوار) تنکابن

محمدمعصوم شیرازی مشهور به معصومعلی‌شاه که درسال ۱۳۱۴ هـ . ق. خانه و باغ امیراکرم را در محلهٔ شهسواران دیده ، دربارهٔ آنها چنین نوشته است:

«بایدبرویم کنار دریا وتماشای عمارت وباغ که [امیراکرم] برساحل ساخته‌اند، نیم فرسخ است و آنجا را محلهٔ شهسواران گویند . تجارباکوبازار وحمام و خانه‌های خوب دارند اما باغ امیر بهشتی است بی‌نظیر. زمین آن فرشش بنفشه و یا زلف حورالعین گسسته، سروش درناز و با شمشادقدان سرخوش و دمساز، درختان نارنج و ترنج از دل رنج برند وقماریش برشاخسار پردهٔ چغانه وخرم نوازند. وسط آن عمارتی است که مراتبش از سبع طباق گذشته و برفرازش روباه زرد، رواق بیستون نگذشته...»[۱]

از بناهای قدیمی این باغ اثری برجای نبود . اما خود باغ در دو طرف خیابان اصلی شهسوار در غرب فلکهٔ اصلی تا امروز برجای است و در دست بازماندگان امیراکرم است .

۱ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۱ .

مسجدی قدیمی معروف به قبر چهل‌دختر
در دهکدهٔ آغوزکلهٔ[1] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی مسجد را تجدیدکرده بودند . بنای مسجدتازه درمیان‌گورستانی قدیمی است. درختان نسبةً قدیمی در محوطهٔ‌گورستان دیده شد .

درخت چناری بسیار کهنسال
برسر راه بلده (قلعه گردن) و آغوزکله

بر سرراه بلده به‌آغوزکله ، سمت چپ این‌جاده ، چناری بسیار قـدیمی است که شایدکهنسالترین چنار این صفحات باشد . به علت روئیدن پاجوشهای فراوان در اطراف آن نتوانستیم محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن را اندازه‌گیری‌کنیم . شاید عمراین‌درخت بالغ برپانصد سال باشد .

بقعهٔ آقاسیدعلی‌کیا
در دهکدهٔ مزرک[2] خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی، چهارگوشه ، در وسط و دو طرف‌آن دو بنای دیگر متصل به‌آن است‌که استفادهٔ مسجد ازآنهامی‌شود . در جلو بنای بقعه و دو اطـاق دو طرف آن، ایوانی است‌که سیزده ستون چوبین چهارسوی پخ‌زده است‌که سرستونهای نسبةً پرکاری‌دارند.درمحوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است. درخت نادانه‌ای‌که‌محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر و درخت شمشادی که محیط‌دایرهٔ تنهٔ آن ۱۶۰سانتیمتر می‌باشد در محوطهٔ گورستان است .

۱ـ آغوزکله : ده از دهستان خرم‌آبادشهسوار، هشت‌کیلومتری جنوب شهسوارویك کیلومتری غرب‌بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) .

۲ـ بفتح میم و ذاء .

امامزاده سید قوام‌الدین
در دهکدهٔ کبودکلایه[1] خرم‌آباد تنکابن

بنایی است چهارگوشه به ابعاد چهارمتر درچهارمتر . دری طرف قبلی و دری شمالی دارد . صندوقی مشبک‌چوبین در وسط بناست. چهار طرف بقعه ایوان‌کتابی است و اخیراً تعمیراتی درآن‌کرده و نوسازی نموده‌اند . سقف بنا لمبه‌کوبی و بام‌آن حلب‌سر است .

اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درختان کهن درآن زیاداست. درختان مازوی آن به محیط دایرهٔ زیر است :

۵۶۰ سانتیمتر و ۴۹۰ سانتیمتر و ۴۵۰ سانتیمتر .

درخت توتی دراین‌گورستان است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۲۶۰سانتیمتراست .

بقعهٔ نورزاده خانم
در دهکدهٔ مزردشت[2] خرم‌آباد تنکابن

این بقعه‌که به نام نورزاده‌خانم معروف است اصلاً شهربانو بنت‌شیخ‌باقر مزردشتی است. بقعه‌ایست ساده وچوبین و دری مشبک‌چوبین‌دارد وصندوقی ساده در آن است . در نزدیکی بقعه آثار مسجد وحمامی قدیمی دیده می‌شود.

در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است و درختان قطور پلت (افرا) در آن زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین آنها به ۴۰۰ و ۳۶۰ و ۳۵۰ سانتیمتر می‌رسد .

۱ـ کبودکلایه : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، ۳/۵ کیلومتری جنوب شهسوارکنار شوسهٔ شهسوار به خرم‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۲ـ بفتح میم و زاء .

حمامی قدیمی
در بلدهٔ (قلعه‌گردن)[۱] خرم‌آباد تنکابن

حمامی بسیار قدیمی در این دهکده بود که در نوسازیهای دوران اعلیحضرت فقید رضاشاه‌کبیر خراب‌شد و از میان رفت .

بقعهٔ سید علی کیا
در پایین‌بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

به تازگی بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده‌بودند و به‌جای‌آن بنایی ازنو ساخته‌اند.

بقعهٔ سیده زبیده
دربلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

چند سال قبل بقعهٔ قدیمی راخراب کردند وبه جای آن بنایی از نوساخته‌اند.

بقعهٔ سید محمد طاهر
در پایین‌بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

بنایی است زگالی بابامی حلب‌پوش . بنای‌محقری نزدیك بقعه‌است‌که معروف است مدفن سیده شهربانو ـ خواهر سید محمد طاهر ـ است. مسجدی متصل به بقعهٔ اصلی است. محوطهٔ اطراف‌بقعه‌گورستانی‌قدیمی است و درختان ملج و مازو وگردو و کرزل درآن زیاد است. یکی ازدرختان ملج محیط دایـرهٔ تنه‌اش به ۳۴۰ سانتیمتر می‌رسید .

۱ـ بلده : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار، نه کیلومتری جنوب شهسوار (فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران ، ج ۳) . این‌دهکده امروزبه «قلعه‌گردن» شهرت پیداکرده‌است.

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

در میان اهالی معروف است که این مسجد بسیار قدیمی را حضرت امام حسن(ع) بنا کرده است . این دلیلی تواند بود که این مسجد بسیار قدیمی بوده است . حمامی قدیمی نیز نزدیک این مسجد بود . مسجد و حمام در دوران نوسازیهای اعلیحضرت فقید از میان رفت . هنگام خراب کردن مسجد به آجرهای قالب بزرگ و کاشیهای قدیمی برخوردند .

قلاگردن (قلعه‌گردن)
برقلهٔ کوهی در جنوب بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن[1]

برقلهٔ کوهی که جزء رشتهٔ جنوبی بلده است، کنار راه دوهزار قلعه‌ای قدیمی بوده است . آثاری از این قلعهٔ قدیمی برجای نیست و امروز آبادی بلده که در دامنهٔ شمالی آن است نیز به‌نام گردنه‌ای که نزدیک به این قلعه است «قلعه‌گردن» ، خوانده می‌شود .

این قلعه ظاهراً همان قلعهٔ تنکا است که مولانا اولیاءالله وسید ظهیرالدین از آن نام برده‌اند . و چنین به‌نظر می‌رسد که نام بخش تنکابن نیز از نام این قلعه گرفته شده باشد .

قلعهٔ تنکا
درجنوب دهکدهٔ بلدهٔ خرم‌آباد تنکابن

مولانا اولیاءالله ، از قلعه‌های ازبلو[2] و تنکا در وقایع سال ۵۶۰ قمری چنین

۱ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۲۴ .

۲ــ ظاهراً قلعهٔ ازبلو همان قلعهٔ مارکوه امروز است.

یادکرده است: استندار کیکاوس با اسماعیلیان مخالف بود و در قلمرو او (رستمدار) یك تن از اسماعیلیان راه نداشت . اما استندار هزارسپ ـ برادرزادهٔ کیکاوس ـ با اینکه مردی سپاهی بود ، در دفع ایشان کوتاهی می‌کرد و بیشتر قلاع را به‌تصرف ایشان داد و خود به عیش و عشرت پرداخت و دست به قتل بزرگان دراز کرد . بزرگان رویان ودیلمان هم‌پیمان شدند تا دفع او کنند . نزد ملك‌اردشیر رفتند . ملك‌اردشیر لشکر به‌آمل وکجور کشید و قلعهٔ ولج را محاصره کرد و پس‌از تسخیر، قلعهٔ نور و ناجو را نیز بگرفت . دوباره به‌قلعهٔ ولج آمد و ازآنجا به‌کلار رفت . پس از آن به‌قلعهٔ ازبلو و تنکاآمد و این قلعه را بگرفت و مردم‌آن ولایت رامطیع کرد.[۱]

سید ظهیرالدین نیز از دزتنکا، بیش از دویست سال بعد ذکری به‌میان‌آورده و می‌نویسد :

پس از جنگ رشت و شکست خوردن سادات از امرای محلی گیلان در سال ۷۸۹ قمری ، سیدهادی‌کیا ـ حاکم تنکابن ـ که در این‌جنگ شرکت داشت ، چاره‌ای جز فرار ندید، ازکوچسفهان به لاهجان وازآنجا به رانکوه و تنکابن رفت . تواملج و امرای ناصرود که از این فرارآگاهی یافتند ، او را دنبال کردند . سیدهادی‌کیا به دز تنکا در تنکابن‌که بعد از خرابی آن را آبادان ساخته بوده متحصن شد. امرای ناصرود و همراهان چون به تنکابن رسیدند، آتش درخانه‌ها زدند و به‌غارت وتالان مشغول شدند . سیدهادی‌کیا از قلعه بیرون آمد و بدیشان حمله‌کرد وایشان‌را منهزم ساخت .[۲]

استحکامات قلعهٔ تنکا یا قلعه‌گردن در زمان ساعدالدوله تعمیر و مرمتی شد و چندی مورد استفاده بود .

---

۱ ـ تاریخ رویان، ص۱۴۵ و۱۴۶ و۱۴۷ . عین‌این‌مطالب درتاریخ طبرستان، ج۲، ص ۱۴۴ نیز آمده‌است .

۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ، ص۸۷ و ۸۸ .

ساختمانهای خاندان خلعتبری در خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سال ۱۳۳۰ ه . ق . ازخانه‌های میرزا حبیب‌الله خان ساعدالدوله و محمدولی خان سپهدار اعظم و امیر اسعد[۱] فرزند ارشد سپهدار- در سه طرف میدان دهکدهٔ خرم‌آباد تنکابن یادکرده است و مـی‌نویسد در طرف شمـال میدان، خـانـهٔ امیر اسعد ـ فرزند ارشد سپهدار اعظم- است.[۲] سبزه‌میدان خرم‌آبادکه رابینو ازآن ذکر می‌کند از سبزه‌میدانهای بزرگ صفحات شمال ایران بوده است. ایـن میدان از شمال به دیوار جنوبی مدرسهٔ سنائی‌کنونی می‌رسیده و این دیـوار ازغـرب به شرق امتداد داشته و جادهٔ‌کنونی شهسوار به‌خرم‌آباد را قطع می‌کرده است وبـه‌کنار راهی می‌رسیده‌که مورب به‌گوشهٔ جنوب‌شرقی میدان می‌رفته است . ضلع‌غربی‌میدان دیوار مؤسسهٔ‌کشاورزی امروز بوده است‌که این دیوار از شمال به‌جنوب امتداد داشته و تا جنوب فلکهٔ امروز می‌رسیده است. در زوایهٔ جنوب‌شرقـی میدان کاروانسرایی بوده که باز رابینو ازآن یادکرده است ومادر شرح بناهای خرم‌آبادآورده‌ایم.ضلع‌جنوبی میدان هم از پنجاه شصت‌متری‌جنوب‌فلکهٔ‌کنونی می‌گذشته است . در شمال و غرب و زاویهٔ جنوب شرقی میدان، ساختمان ناصریه، ساختمان سردرب[۳] ، ناهار خوران ، ساختمان هاجرخـانم، عمارت دیوانخانه ، عمارت‌عالیه خانم بوده است. این بناهاکه نمونه‌های کاملـی از بناهای اعیانی دوران قـاجاری بوده ، تا زمان اعلیحضرت فقید رضا شاه‌کبیر برجای بود ، در همین زمان است‌که کم‌کم رو به خرابی رفته واشخاص مختلف در و پنجره و سایر مصالح‌آن را به‌جایی برده‌اند .

۱ـ لقب امیر اسعد را مرحوم میرزا عبدالله‌خان‌معزالحکمااز تهران برای‌علی‌قلی‌خان آورده است (بنا بهاظهار آقای حبیب‌الله شاهمرادی).

۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۴۲ .

۳ـ در محل به همین شکل تلفظ می‌شد .

جادهٔ شهسوار به خرم‌آباد امروز، این اراضی را به‌دو قسمت‌کرده است. آنچه از این اراضی برسمت چپ جاده بوده ، به دست اشخاص مختلف افتاده است و در اراضی سمت راست موسسهٔ‌کشاورزی خرم‌آباد و دبیرستان سنائی بنا شده و دو قطعهٔ بزرگ غربی و یك قطعهٔ بزرگ شمالی نیز درملکیت دیگران است .

ساختمان ناصریه

این بناکه ظاهراً به‌نام ساختمان آیینه نیز معروف بوده است ، درست برجای دبیرستان سنائی کنونی قرار داشته و آیینه‌کاری وگچ‌بریهای آن جزء شاهکارها بوده است .

ساختمان سردرب

ساختمانی بوده است در اراضی باغ‌کشاورزی خرم‌آبادکه مرحوم امیر اسعد و حرم او درآن زندگی می‌کرده‌اند .

ناهارخوران

ناهارخوران تختی است به‌ارتفاع یك متر که اطراف آن سنگهای تراشیدهٔ نقش‌دار یك‌پارچه است (عکسهای شمارهٔ ۱۱ و ۱۲) و درشمال‌آن حوضی به شکل مربع مستطیل از سنگ قرار دارد (عکس شمارهٔ ۱۳) . این‌بناکه نمونهٔ کوچکی از باقی‌ماندهٔ مجموعهٔ این بناهاست تا امروز در مؤسسهٔ‌کشاورزی برقرار است .

قسمتی از خیابان‌بندی و درختان کهنسال فراوان سرو تا امروز برجای است (عکس‌شمارهٔ۱۴). یکی دوسه چنارقدیمی نیز پراکنده در این باغ‌به چشم می‌خورد .

عمارت دیوانخانه
در جنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

باغ عمارت دیوانخانه درحدود پنج‌هکتار و به‌شکل مربع مستطیل درجنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد و در جنوب مسجد قدیمی این شهر برجای است .ازآثار قدیمی آن حوضی مخروبه باقی مانده است .

عمارت عالیه‌خانم
درجنوب شرقی خرم‌آباد تنکابن

اراضی اطراف این عمارت به شکل باغی متروك در شرق عمارت دیوانخانه و جنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد برجای است . این اراضی قطعه‌بندی شده واشخاص‌مختلف بناهای محلی درآن ساخته‌اند و امروز اثری از عمارت عالیه خانم برجای نیست .

مسجدی قدیمی
درخرم‌آباد تنکابن

در مجاورت دیوانخانه و در اراضی شمالی آن مسجدی بوده‌که‌به‌دستور عالیه خانم بنا شده است . برجای این مسجد قدیمی ، مسجدی نو بناکرده‌اند .

حمامهای قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

حمامهای قدیمی دراین شهر برقراربوده‌که بیشتر به‌علت مجهز نبودن به‌وسایل تازه از میان رفته است .

کاروانسرایی قدیمی
در خرم‌آباد تنکابن

رابینو از این کاروانسرا یاد می‌کند ومی‌نویسد ازآجرهای مرغوب ساختده است.[۱] این کاروانسراکه درکنج جنوب‌غربی سبزمیدان بود ، درنوسازیهای این‌شهر از میان رفت .

قلعهٔ پرز[۲]
نزدیك دهکدهٔ سیاورز[۳] خرم‌آباد تنکابن

رابینو از این محل به‌نام قلعه یادکرده است.[۴] فعلاً درشمال‌دهکدهٔ سیاورز در باغ مرکبات مشاع سیدمحمدباقر و سیدمسیح و سیدابادر ، قلعه‌کوتی بزرگی برجای است‌که برسرآن درختان مرکبات کاشته شده است .

گوری قدیمی
درگورستان دهکدهٔ سیاورز خرم‌آباد تنکابن

در محل معروف است که مدفون در این گور ، جـد سادات سیاورز است ودر حدودسیصدسال پیش دراینجا به‌خاك سپرده شده است . سنگ حصاری بیش نیست و هیچگونه اثر هنری ندارد . درختان تادانه و ممرز و شمشاد قطور در این‌گورستان است‌که در نزد اهالی به«آقادار» معروف است. درگورستان قدیمی این‌دهکده بقعه‌ای ساده به‌نام سیده زبیده خانون است .

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازنـدران و استرابـاد ، ص ۴۵. ۲ـ بفتح پ و راء .
۳ـ سیاورز(بفتح واو و راء) : ده از دهستان‌خرم‌آبادشهرستان شهسوار، ده‌کیلومتری‌جنوب شهسوار و دوکیلومتـری مشرق‌بلـده (فرهنگ جغرافیایی‌ایـران ، ج ۳). ۴ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۲۵ .

فرهاد جوی

فرهادجوی‌که نهرفرهاد وفرهادرود نیز نامیده می‌شود، نهری است‌کداز ولم‌رود جلو منزل مشهدی باقر فرهادی منشعب‌می‌شود و ازکنار جاده، جلو دکان علم‌الهدی طبری می‌گذرد و در اراضی بلدهٔ بالا مقابل‌کارخانهٔ چای از تونلی از تپه‌های جنوبی قلعه‌گردن خارج می‌شود و به دهکدهٔ سیاورز می‌رسد ودهکده‌های تلوسرك، میان‌سرا، تشکون[1]، هلوبن، توساکله ، کشکلستان و شاغوزکوتی را مشروب می‌کند.

بقعهٔ آقاشیرعلی
در دهکدهٔ میان‌ناحیهٔ[2] خرم‌آباد تنکابن

بنای قدیمی بقعه راآقای صدوقیان یکسره خراب‌کرده وتجدید بنانموده‌است. گورستانی قدیمی در اطراف بقعه است . درخت مازوی بسیارکهنسالی در محوطهٔ گورستان است‌که‌به علت ساختن غسالخانه‌ای متصل به‌آن، اندازه‌گیری نشد . درخت مازوی دیگری پشت بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن به ۶۴۰ سانتیمتر می‌رسد .

قلعه‌کوتی‌لشکرك
نزدیك دهکدهٔ لشکرك خرم‌آباد تنکابن

رابینو این‌کوتی را به‌نام «قلعهٔ لشکرك» خوانده و می‌نویسدکه این قلعه شاید قابل تطبیق با «قلعهٔ سپاهی‌تل‌دشت» باشدکه سیدظهیرالدین درتاریخ‌گیلان‌ودیلمستان خود ازآن یادکرده است.[3]

---

۱ ــ بضم تاء . ۲ــ میان‌ناحیه : ده از دهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، هشت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری خرم‌آباد(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) . ۳ــ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران واسترابادد، ص ۲۵. لشکرك: ده ازدهستان خرم‌آبادشهرستان شهسوار، هشت‌کیلومتری شرق شهسوار(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

قلعهٔ لشکرك شامل دو قلعهٔ بزرگ وکوچك است . سطح قلعهٔ بزرگ در حدود پنج‌هزارمترمربع و دورآن نیز خندقی است . تمام خاك زیرقلعه دستی است .

بالای قلعهٔ کوچك در حدود هزار و پانصدمترمربع ، یك‌طرف آن رودخانه و طرف دیگرآن راه است . تمام سطح‌کوتیها به باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ برسی‌بور[1] خرم‌آباد تنکابن
کنار راه عمومی

کوهی است سنگی‌که‌آثار چاه و تونل درآن است وفعلاً گاردجنگل تصاحب کرده و می‌خواهد بربالای‌آن ساختمانی بسازد .

آتشکدهٔ تشکون
پشت دهکدهٔ امیرآباد در اراضی کشکلستان[2]

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسد « بالاخره به‌نقطه‌ای‌که آتشکده نام دارد رسیدیم‌که در چهارمیلی حبشه‌بر[3](همش‌پور)[4] در پای تپه‌ای واقع بود. ازآنجا وارد جنگل شدیم و چهارنفت‌چاه به ما نشان‌دادند، عمق این چاهها زیاد نبود وروی آب دوحلقه ازآنها ورقه‌ای نازك چربی دیده می‌شد . جای تردید نیست‌که از این محل چندین‌قرن‌است‌که نفتی‌استخراج‌نشده‌است، اما نام آتشکده‌نشان می‌دهدکه روزی در آنجا آتشکده‌ای برپای بوده است . دلیل‌دیگر برای تأیید این فرض وجودتوده‌های خاك و پاره‌های آجر در اطراف این چاهاست . این محل را سابقاً «تشکون» می‌خوانده‌اند و هنوز دهکده‌ای به‌همین نام، درمحلی‌که ازآتشکده چندان‌دور نیست برقرار است .»

۱ـ بفتح‌باء وکسر راء اول. ۲ـ بفتح‌کاف‌اول وضم‌کاف دوم. ۳ـ بضم‌باء دوم . ۴ـ بفتح هاء وميم و سکون‌شین .

راهی‌که رابینو طی‌کرده و خود را به‌این آتشکده رسانده ازحسن‌کلا که دو کیلومتری خرم‌آباد است‌گذشته ودهکده‌های‌کاردگرمحله واستلخ‌سر را دیده و از رودخانهٔ کراجو(کورجو) گذشته ، سپس دهکده‌های میان‌محله و نصرآباد را به‌دست چپ‌گذاشته و خود را به‌آتشکده رسانده است .

از دوحلقه نفت‌چاه‌که درباغ حاجی‌علی‌اصغر در اراضی‌کشکلستان است امروز هم‌گاز زیادی بیرون می‌آید واهالی اظهار می‌کردندکه درتابستان برای رخت‌شویی و تهیهٔ رب دیگها را برسرآنها می‌گذارند و باکبریتی‌گاز را آتش می‌زنند و دیگهارا به‌جوش می‌آورند.این‌گازها دراراضی باتلاقی زیاد است وظاهراً گاز اتان یا متان و نظایر آنهاست .

دو نفت چاه دیگر پشت خانهٔ ملاحسن است . بعیدنیست‌که ازگاز این چاهها برای روشن نگاه‌داشتن آتشکده استفاده می‌کرده‌اند .

درکنار دو حلقه نفت‌چاه که در باغ حاجی علی‌اصغر است ، چرخ دندانه‌دار آهنین قطور به قطر دایرهٔ ۶۷ سانتیمترکه برپایه‌ای نصب است ، افتاده است . ظاهراً در زمان امیراسعد وسایل زیادی برای استخراج نفت‌بدین‌نقطه آورده‌اند اما از نتیجهٔ کوشش او،کسی اطلاعی نداشت .

قلعه‌ای مستحکم و قدیمی
نزدیك دهکدهٔ حبشه‌بر (همش‌پور) خرم‌آباد تنکابن

رابینو در سفرنامهٔ خود می‌نویسدکه در چندقدمی دهکدهٔ حبشه‌بر ، قلعه‌ای مستحکم وقدیمی دیده می‌شود . شکل‌آن چهار ضلعی وطول هرضلع هشتادو سه‌گام است . حصاری‌گلی‌که ارتفاع‌آن درحدود نه‌متر است ازآن باقی است.خندقی اطراف قلعه است و در ورودی آن شرقی است .[1] تپه‌ای از این قلعه امروز برجای است .

۱ـ متن‌انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واسترابادرابینو، ص۲۴.

بقعهٔ میرشمس‌الدین
در دهکدهٔ ولی‌آباد[1] خرم‌آباد تنکابن

بنای بقعه چهارگوشه است و چهارطرف آن ایوان دارد . صندوقی‌سادهٔ چوبین مشبك در وسط بنا مرقدرا پوشانده است . اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است . دو درخت بلوط کهنسال درمحوطهٔ گورستان است. محیط دایرهٔ تنهٔ درخت بزرگتر ۶۸۰ و درخت کوچکتر ۳۹۰ سانتیمتر است .

باقی بناها و آثار تاریخی خرم‌آباد تنکابن

۱ـ چالوك بالای دهکدهٔ شهرسر در اراضی باغ مولائی‌که سابقاً تونلی مستقیم بوده و پس از طی این تونل با سه پله درحدود دومتر راه پایین‌تر مـی‌رود . پس از پیمودن سه متر به محوطه‌ای بدقطر سه‌متر می‌رسد . امروز جلو این تونل‌رابسته‌اند.

۲ـ بر «غریب خـاك‌گردن» نزدیك دهکدهٔ شهرسر، آثـار دهکده‌ای قدیمی است .

۳ـ در دهکدهٔ شهرسر پشت منزل هادی‌سیدی ، آثار گورستانی‌قدیمی است .

۴ـ در موزی‌بن نزدیك امیرآباد خرم‌آباد تنکابن محلی به‌نام «قـلا» است‌که آثار قلعه‌ای قدیمی است .

۵ـ بقعهٔ سید مرتضی در دهکدهٔ پرچین‌پشتهٔ خرم‌آباد .

۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ سوتك لیره‌سر .

۷ـ بقعه‌ای در هرات‌بر خرم‌آباد .

۸ـ امامزاده‌ای در توساکلام خرم‌آباد .

۱ـ ولی‌آباد : ده ازدهستان خرم‌آباد شهرستان شهسوار ، سه‌کیلومتری شرق شهسوار کنار شوسهٔ شهسوار به چالوس(فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج ۳) .

۹ـ آثار قلعه و سنگ‌چین به نام «بازارکوتی» در جل[1] بندبن .

۱۰ـ برروی‌آب ولم‌رود پل‌سنگی‌قدیمی بوده‌که‌آثارآن‌باقی است .

۱۱ـ سفه‌کوتی‌کشکو، قلعه‌ای نزدیك شهسوار بوده است .

۱ـ بفتح جیم وکسر لام .

۵ـ بناها و آثار تاریخی دوهزار و سه‌هزار

سنگ فرش قدیمی
در قسمتی از راه دوهزار و سه‌هزارخرم‌آباد

این سنگ‌چین از دهکدهٔ بلده (= قلاگردن = قلعه‌گردن) شروع می‌شود و از فراز و نشیب گردنهٔ کوتاه قلاگردن بالا و پایین می‌رود وپس‌ازگذشتن از امام‌زمین کنار آب دوهزار و سه‌هزار روبروی «گاپشته » در دهکدهٔ لتاك[1] قطع می‌شود .

قلعهٔ اکر[2]
در توبن[3] دوهزار خرم‌آباد

در شرق دهکدهٔ توبن، سمت راست آب دوهزار بربالای تله‌ای[4] که از سنگ سفید است و از طرف غرب دارای پرتگاههای بلندی است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود .

خاك عمر
در اراضی توبن دوهزار خرم‌آباد

در حدود پانصدمتری توبن در سمت چپ آب دوهزار ، آثار بنا و سنگ‌چین

۱ـ بفتح‌لام. ۲ـ بکسر الف و فتح‌کاف . ۳ـ بضم باء . ۴ـ بمعنی بند وپرتگاه وکوهی یك‌پاره است.

مدوری است که قسمت مرکزی آن را زیرو روکرده‌اند. هرکس ازکنار این آثار می‌گذرد ، به‌قصد اظهار تنفر سنگی برآن پرتاب می‌کند . طرف شرقی این اثر تپه‌ای از سنگ انباشته شده است . این اثر و طرز رفتار باآن شباهت کاملی به‌قبور گوناگون «بابا ملحودی‌گور» دارد که در نقاط مختلف دیلمان واشکور دیده شده است.

حرام حلالی

برسمت چپ آب دوهزار و در حدود دوکیلومتری توبن ،کمی بالاتر از سطح جاده ، در تلهٔ سفیدی‌که مسلط برجاده است ، طاقنما مانندی طبیعی است . کف این طاقنما شیب دارد . راهگذریان برای‌اینکه روشن شودحرامزده یاحلال‌زاده هستند، سنگ درآن می‌اندازند،سنگ هرکس‌درآن شیب‌بماند حلال‌زاده ودر غیراین‌صورت حرامزاده است .

راه قدیمی دوهزار

این راه ازدهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) به‌گردنهٔ قلاگردن و پس‌از سرازیر شدن و گذشتن از ولم‌رود[1] از دهکده‌ها و نقاط زیر می‌گذرد :

امامزمین ـ لتاك[2] ـ گاوپل ـ درازلات ـ قهوه‌خانهٔ رمضان ـ خرماکله[3] ـ توبن ـ تلهٔ‌دوهزار ـ از اینجا وارد خاك دوهزار که در حدود سی‌پارچه آبادی است می‌شود. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ جوراشتوج[4] به دوشاخه تقسیم می‌شود :

شاخهٔ دست راست به میان‌کوه ـ پلت‌داربن[5] ـ پایین‌میاه‌کوه ـ میان‌لات‌ـنوشا. پس از طی گردنه به دهکده‌های اکینه[6] و میج که جزء دهکده‌های بالااشکور هستند می‌رسد .

۱ـ بفتح واو و لام وکسر میم . ۲ـ بفتح‌لام. ۳ـ بفتح‌کاف، بمعنی محل و مرکز وکانون است . ۴ـ بضم‌الف ، جوراشتوج به معنی اشتوج بالا است .
۵ـ بکسرپ ولام وضم‌باء، پلت بمعنی‌درخت افرا است. ۶ـ بفتح الف وکسرکاف.

شاخهٔ دست‌چپ به‌کلیشم[۱] ـ هلوکله[۲] ـ نرس[۳] ـ اسل‌محله[۴] ـ دریاسر ـ خانه‌بن‌ـ گردنهٔ سیالان و پس از سرازیر شدن به خشکه‌چال ،به گازرخانی وسایردهکده‌های الموت می‌رود .

راه سه‌هزار

ابتدای این راه تاقهوه‌خانهٔ رمضان با راه دوهزار یکی است . به سر دوآب‌که رسید راه به طرف دست چپ جدا می‌شود و از دهکده‌ها و محلهای زیر میگذرد :

نمک‌سولات ـ یان‌دشت‌ـ زلم[۵] ـ گاوور ـ داس‌درّه‌ـ آش‌محله ـ لات‌سه‌هزار‌ـ خانیان ـ لات‌خانیان ـ پلت‌هال ـ قهوه‌خانهٔ ولی ـ پایین‌بالان ـ بالابالان ـ دهکدهٔ قاضی‌محله . پس از قاضی‌محله دو راهی است : راهی به سمت دهکدهٔ آرود کـه از اینجا می‌توان به حسن‌کیف کلاردشت رسید.

راه دیگر به یوج و مران[۶] می‌رود . از یوج راهی به‌درجان[۷] ـ میان‌رود‌ـآب گرم سه‌هزار می‌رسد و پس از طی‌گردنه وراه هزارچم به جوستان و سایر دهکده‌های طالقان می‌توان رسید . میان دهکدهٔ مران و الموت نیزگدوکی است‌که پس از طـی آن به‌دهکده‌های الموت می‌توان رفت .

خاك گبری

برسمت راست‌آب دوهزار و سه‌هزار، پایین پردسر[۸] و شمال قهوه‌خانهٔ‌رمضان، گورستانی‌قدیمی است که جهت دفن مردگان، قبلی نیست . این‌گورستان برکنار راه است و از دستبرد حفاری غیر مجاز برکنار نبوده است . اهالی ، این گـورستان را به‌نام «خاك‌گبری» می‌شناسند .

۱ـ بکسر کاف و ضم شین . ۲ـ بفتح هاء وکاف . ۳ـ بفتح نون .
۴ـ بکسرالف و سین، به‌معنی استخراست. ۵ـ بفتح زاء ولام. ۶ـ بفتح میم.
۷ـ بفتح‌دال . ۸ـ بضم پ وکسر دال .

حمام امیراسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزارخرم‌آباد

حمام امیراسعدکه تا امروز ازآن استفاده می‌شود شامل یك سربینهٔ بزرگ یك گرمخانه ، یك خزینهٔ آب‌گرم و سه‌نوره‌خانه در دو طرف‌گرمخانه است . اخیراً با افزودن دوشیرآب به خزینهٔآب‌گرم ، استحمام‌درگرمخانه انجام می‌شود وکسی داخل خزینه نمی‌رود . ازارهٔگرمخانه پنج ردیف‌کاشی چهارگوشه با رنگها و طرحهای عجیب است .

مسجد امیراسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم‌آباد

مسجدی است مستطیل شکل‌که درازای آن از خارج هفده مترو پهنای آن یازده متر است . ازارهٔ مسجد پنج‌ردیف‌کاشی‌کاری است.

کاشیها ظاهراً درمحل تهیه شده‌اند زیرا رنگ و طرح‌آنها عجیب وبی‌نظیر است. کاشیهای اصلی شش‌ضلعی دو به دو برابر است‌که در میان اضلاع‌کوچك آنها کاشیهای چهارگوشه بارنگ‌آبی به‌کار برده شده است .

بناهای مسکونی امیراسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزار خرم‌آباد

از این‌بناهاکه ظاهراً زیاد بوده است چیزی برجای نمانده است.درمحل‌بناها، مقداری سنگ وآجر دیده شد. چنارهای بسیار قطوری‌که اخیراً آنها را انداخته بودند در محوطهٔ بناها بوده است . آجرهایی‌که در این‌بناها دیده شد به ابعاد۲۱/۵ سانتیمتر و قطر چهارسانتیمتر است . این بناها گچ‌بریهای ظریف داشته که چندتکه ازآنها در دفتردبستان امیراسعد دیده شد .

مدرسهٔ امیر اسعد
در دهکدهٔ جوراشتوج دوهزارخرم‌آباد

بنایی‌که امروز دبستان این دهکده است ، مدرسه‌ایست‌که امیر اسعد آن‌را بنا کرده است .

امامزاده ابوالقاسم بن کیا ابوالحسن المؤیدبالله
در دهکدهٔ جزما (امامزاده‌قاسم)[1] دوهزار خرم‌آباد

امامزاده ابوالقاسم‌که امروز اورا به‌نام «امـامزاده‌قاسم» می‌شناسند ، پسر سید کیا ابوالحسن‌المؤید بالله (مدفون درلنگا) بن‌حسین‌بن‌هارون بن‌حسین‌بن محمدبـن هارون‌بن‌محمدبن قاسم‌بن حسن‌بن زیدبن امام حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب علیهم‌السلام است .[2] این مرد از ائمهٔ زیدی است‌که به‌قصد دعوت به ناحیهٔ دوهزار آمد و همانجا پس ازگذراندن دوران زندگی ، فوت و مدفون شده است.

سیدظهیرالدین این مرد را به‌نام «امامزاده ابوالقاسم» ودهکده‌ای‌که او درآن به خاك سپرده شده است به نام «قریهٔ جزما» می‌خواند و در این باره چنین‌نوشته‌است:

« وحقیر از وارکوه بامعدودی قریب پنجاه شصت نفر سوار و پیـاده به جانب کلیشم روانه شد و شب به قریهٔ دیمرون‌گلیجان اقامت نموده ، روز شنبهٔ دهم‌رجب‌را به قریهٔ جزما که مزار مبارك امامزاده ابوالقاسم‌بن مؤیدبالله علیهماالرحمة والغفران است فرودآمده.»[3]

بنای اصلی بقعه، اطاقی‌است به‌ابعاد۷ × ۵ متر که مصالح‌اصلی‌آن‌سنگ وگل و

۱ــ امامزاده قاسم : ده ازدهستان دوهزارشهرستان‌شهسوار، سی‌ونه‌کیلومتری‌جنوب‌غربی شهسوار و سه کیلومتری اشتوج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) . ۲ــ نسب این مرد از تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ص ۱۰۱ نقل شده است . ۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۴۴۸ .

مسجدی متصل به‌آن‌است (عکس‌شمارهٔ ۱۵). صندوقی چوبین مشبك در وسط اطاق، مرقد امامزاده ابوالقاسم را می‌پوشاند . چهارچوب قطور بالای صندوق و مشبکهای درشت سطح آن قدیمی است . چهار بدنهٔ صندوق ظاهراً به یغما رفته و ازنوسازی آن زمانی نمی‌گذرد . سه ستون قدیمی با سرستونهای بزرگ در طول بنا در وسط قرار داده و دوش‌کشی(حمالی) روی‌آن استوارکرده‌اند . پلورها از دوطرف برروی این دوش‌کش قرارگرفته‌اند . بالای پلورها ، پل‌کوبی با درزپوش‌زده است . در ورودی بقعه دولنگهٔ چوبین قاب وآت‌دار است (عکس‌شمارهٔ ۱۶).

مسجدی متصل به بنای بقعه است‌که ستون قطور و سرستون عظیم‌آن قدیمی است . در ورودی بقعه بمسجد، بزرگ وپرکاروآن‌را باید ازظرایف‌هنری‌بازندران دانست . چهارچوب این در برجای اصلی خود نصب وبرقرار است و دولنگه درآن، از قدیمترین ایام‌برسرجای‌خود قرار داشته‌اند . این دولنگه ، یك‌بار به‌دست دزدان محلی دزدیده شد ، اما زمانی نگذشت‌که آنها را پیداکردند . سال گذشته ظاهراً باهمکاری متولی یك‌لنگهٔ آن تکه‌تکه شده وکتیبهٔ بالاکه رقم‌سازندهٔ در بوده ونگار وسط‌که شمسهٔ بسیار بزرگی بوده به یغما رفته و تکه‌های پراکندهٔ قاب‌گرهٔ لوزی و مثلث و پنج‌ضلعی و شش ضلعی آن درطشتی ، در اختیار متولی است . لنگهٔ دیگری که برجای است به درازی ۲۱۵/۵ سانتیمتر و پهنای ۵۸ سانتیمتر و قطر ۴/۵ سانتیمتر است .

سراسر لنگه‌در،قاب‌وگره است . شمسهٔ وسط ، ستاره‌ای ده ضلعی‌است‌که میان اضلاع مثلث شکل ستاره ، ده‌لوزی قرار داده شده است وسایرقسمتهای زمینهٔ در ، با تکه‌های مثلثی و پنج‌ضلعی و شش‌ضلعی چوب شمشاد و آزاد که‌کنده‌کاریهای بسیار ظریف دارند، پرشده است (عکسهای شمارهٔ ۱۷، ۱۸و۱۹) .

قسمت بالای این‌لنگه‌کتیبه‌ایست‌که درازای آن ازلبهٔ قاب ۳۷ و پهنای آن

۲۷٫۵ سانتیمتر است و برآن با خط خوش ثلث این‌عبارات حک‌شده است :

« قدامر هذه‌الباب هاشم‌بن محمدالحسینی تاریخها فی سنةست وسبعمائه هجریه» (عکس شمارهٔ ۲۰) .

در محوطهٔ اطراف بقعه گورستانی‌قدیمی است که درآن سه‌اصله درخت آزاد کهنسال است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آنها به ترتیب ۵۶۰ و ۴۰۵ و ۳۲۰ سانتیمتراست .

درگورستان این بقعه سنگهای قبوری‌که نسبةً قدمتی دارند بدین قرارند :

« وفات مرحوم رمضانعلی ولدحیدر ۱۲۰۹ .»

« وفات مرحوم آقاحسین ولد مرحوم‌آقا صالح ۱۲۲۴ . نشانه‌ها : مهر ، تسبیح، دوانگشتر،شانه، تپانچهٔ لوله بلند، خنجر، اسب‌وشمشیری‌قدیمی.»

« وفات مرحوم عباسقلی‌خان ولد حبیب‌الله‌خان ۱۲۷۸ . نشانه‌ها:آتشدان و دو مرغ در دو طرف .»

« وفات مرحوم شیخ میرزا بابا ولدمرحوم ابوالفضل ۱۳۱۲ . نشانه‌ها:مهر، تسبیح و شانه . »

بقعهٔ صالح‌بن‌علی
در دهکدهٔ گلستان‌محلهٔ[1] دوهزار خرم‌آباد

بنای اصلی از سنگ وگل است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانیده است . سقف پلورکشی وپل‌کوبی و بام سراسر بنا را اخیراً حلب‌سرکرده‌اند .

قلعه‌کوتی
برسمت راست‌آب دوهزار در دهکدهٔ کلیشم[2]

در محل خانهٔ‌ییلاقی آقای فخرالدین مرشدی و درباغ اطراف‌آن آثار قلعه و

۱ـ گلستان محله :ده از دهستان دوهزار شهرستان‌شهسوار،سی ونه‌کیلومتری جنوب‌غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ـ بکسر کاف و ضم‌شین .

بنایی قدیمی است . چندی قبل در اراضی باغ او حمامی قدیمی پیداشدکه‌کاشیهای فراوان ازآنجا به دست صاحب‌خانه‌افتاد و آنها را به خرم‌آباد نقل کرد . نگارنده نتوانست به این‌کاشیها دسترسی پیدا کند .

قلعه‌ای سر
بر بالای قلعه‌ای مسلط به دهکدهٔ کلیشم

بر بالای بازوی‌کوهی‌که به قلعه‌کوتی‌خانهٔ آقای فخرالدین مرشدی‌ختم‌می‌شود آثار قلعه‌ای از سنگ وگچ‌است‌که ظاهراً قلعهٔ نظامی و دفاعی دهکدهٔ کلیشم بوده ، یا روزی اهالی این دهکده درآن می‌زیسته‌اند .

آثار قلعه‌ای قدیمی
در مرتع گردکوهه[1] وسیف‌چال دوهزار

بر بالای‌کوهی‌که‌مسلط بردهکدهٔ بالاس‌دوهزار ودنبالهٔ بازوی‌تپیجه‌گردن‌است، آثار قلعه‌ای قدیمی است . دیوارهای طولانی این قلعه‌که از سنگ وگچ بنا شده‌است به‌ارتفاع یکی دومتر هنوز برجای است.چون بعضی قسمتهای دیوار قلعه ازمیان‌رفته است ، طرح اصلی آن را نمی‌توان نشان داد .

شاه‌نشین‌دشت
نزدیك دهکدهٔ نوشای دوهزار

آثار بارو و غرفه‌هایی که درازای آن تا حدود سیصدمتر می‌رسد ،دراین‌دشت دیده می‌شود . چنانکه اهالی می‌گفتند کاشیهایی‌لوزی شکل از این خرابه‌ها به‌دست آمده است .

۱ــ بکسر گاف و دال .

قلعهٔ سی‌هزار
ظاهراً در سه‌هزار خرم‌آباد تنکابن

علی‌بن‌شمس‌الدین لاهجی در بارهٔ قلعهٔ سی‌هزار می‌نویسد که خان احمد خان «مبنای این بنای مبارك به دوازده برج تقسیم فرمودند و در هر برج شرفهٔ‌عالیه و عمارات متعالیه بنا نهادند و به‌همه رکن بیوت موزونهٔ مرفوعه مشیّد طرح انداختندو اتمام هر برج ورکن به‌عهدهٔ سردار الکه‌ای نهادند و رکاب عالی ازآن مقام متعالی مراجعت به‌خیر فرمود و در مدت سه سال متوالی سمت استکمال یافت .»[۱]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران و استراباد خود دربارهٔ این قلعه می‌نویسد :

« قلعهٔ سی‌هزار در تنکابن در سال ۹۱۶ هجری بوسیلهٔ سلطان احمد خان لاهیجانی تعمیر شد . این کاخ دوازده برج داشت و ساختمانش سه سال به طول انجامید . »[۲]

باقی‌آثار و بناهای تاریخی دوهزار خرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعهٔ عوج‌بن‌علی در پایین اشتوج[۳] .

۲ـ درختهای آزادکهنسال و آثار ابنیهٔ قدیمی درچلاکوه[۴] .

۳ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ نرس[۵] .

۴ـ امامزاده‌ای به نام «رشدان» در نیمه راه نوشا بمیان‌کوه در جنگل .

۵ـ جفت[۶] بزرگوار در اسل‌محله[۷] .

۶ـ ساختمان خانم معظم ـ همسر محمدولی‌خان سپه‌سالار ـ در سردابن اسل‌محله .

۱ـ تاریخ خانی ، ص ۳۸۰ و ۳۸۱ . ۲ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ رابینو، ص ۱۴۵ .
۳ـ بضم‌الف. ۴ـ بفتح چ . ۵ـ بفتح نون. ۶ـ بکسر تاء .
۷ـ بکسر الف و سین .

۷ـ ساختمان نصرت نظام (غلامحسین‌خان خلعت‌بری) بالای دهکدهٔ اسل‌محله.

۸ـ در محل دریاسر آجرهای قدیمی قالب‌بزرگ به‌دست می‌آید و سردابه‌هایی که اجسادی در آن است باکاویدن پیداشده‌است.

باقی‌آثار و بناهای تاریخی سه‌هزارخرم‌آباد تنکابن

۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ آرود.

۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ قاضی‌محله.

۳ـ گورستانی قدیمی در سربالان[1] که مردگان باوسایل دفن شده و رو به قبله نیستند.

۴ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ شهرستان.

۵ـ مسجدی قدیمی در دهکدهٔ مران[2].

۶ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ تراز،پشت دهکدهٔ خانیان.

۷ـ خرابه‌های‌عمارت محمدولی‌خان‌سپهداراعظم در دهکدهٔ میان‌رود[3]، نزدیك آب‌گرم سه‌هزار.

۸ـ کاروانسرای علی‌قلی‌خان امیراسعد درگدوك سلمبار[4].

۱ـ بفتح سین و کسر راء. ۲ـ بفتح میم. ۳ـ میانرود: ده از دهستان سه‌هزار شهرستان شهسوار، نه‌کیلومتری جنوب‌غربی شهسوار (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۴ـ بفتح سین و لام.

۶ـ بناها و آثار تاریخی نشتای تنکابن

قلعهٔ رودپشت
در دهکدهٔ رودپشت‌زوار تنکابن[۱]

این قلعه ازکوتیهای قدیمی‌است‌که سطح‌بالای‌آن درحدودهزارمترمربع‌است.

آثار ساختمانهای قدیمی
در دهکدهٔ قلعه‌سر[۲] نشتای تنکابن

دهکدهٔ قلعه‌سر برسر یکی از تپه‌های قدیمی بناشده و هنگام‌کندن پی برای ساختمانهای تازه به‌آثار قدیمی برمی‌خورند.

آثار قلعه خرابه‌ای کهن
بر بالای تپه‌ای دستی میان دهکدهٔ هنگو[۳] ومالن‌کوه[۴] (معلم‌کوه)[۵]

این خاکریز دستی بزرگ که سطح دایرهٔ بالای آن در حدود هزار و پانصد

۱ـ چون در ناحیهٔ زوار تنها این قلعه‌کوتی بود این اثر ناحیهٔ زوار را جزء نشتا یادکردیم. ۲ـ قلعه‌سر: ده از دهستان‌نشتای شهرستان شهسوار، ۱۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔشهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳). ۳ـ بفتح هاء. ۴ـ بکسرلام. ۵ـ معلم‌کوه: ده ازدهستان نشتای شهرستان شهسوار، هفده کیلومتری شرقی شهسوار و چهار کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

مترمربع است ، درجنوب دهکدهٔ هنگو وشمال مالن‌کوه (معلم‌کوه) است و ظاهراً از کوتیهای قدیمی این صفحات است که به‌باغ مرکبات تبدیل شده است .

قلعه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ کرزل[1] نشتارود تنکابن

خاك ریزدستی کـرزل ازکوتیهای قدیمی این نقاط است . از بنای اصلی قلعه چیزی برجای نبود .

بقعهٔ شاه‌رشید
برسر قلهٔ داغ کوه نشتای تنکابن

این بقعه را جزء بقاعی باید دانست که برسرکوههای بلند ازنظراحترام به‌یکی از مظاهر عظیم طبیعت ساخته‌اند. بنـای بقعه آلونك مـانند چوبین است و حصـاری سنگ‌چین‌دارد . قبور قدیمی اطراف‌آن قابل‌ذکر و بررسی است .

گورستان قدیمی حسنات[2]
در ییلاق نشتای تنکابن

نزدیك دهکدهٔ‌کجه‌ناخن[3] درکوهستان نشتا قبور زیادی معروف بـه‌قبورگبری است که مردگان سمت قبلی دفن نشده‌اند .

سیا قلعه
طرف شمال دهکدهٔ جهان‌آباد نشتای تنکابن

برتپه‌ای‌که نزدیك این دهکده است‌آثاری از قلعه خرابه‌ای برجاست .

۱ـ بضم‌کاف وکسر زاء . ۲ـ بفتح‌حاء وسین . ۳ـ بفتح‌کاف وکسر ج .

امامزاده‌ای
در دهکدهٔ رودگرمحلهٔ نشتارود تنکابن

برکنارگورستان قدیمی این دهکده‌که برسر راه است بقعه‌ای قدیمی‌بوده‌که فعلاً تمام بنا را نوسازی‌کرده‌اند وآثارقدیمی را از میان برده‌اند .

عمارت مرحوم هدایت‌الله مسعودالملك
در رودگرمحلهٔ نشتای تنکابن

طرح عمارت‌اندرونی‌همانند عمارت منتظم‌دیوان درگلیجان بوده است.درازای بنا در حدود سی‌متر و پهنای آن به هیجده متر می‌رسیده و بیست‌و چهار اطاق داشته است . این بنا یکسره از میان رفته و فقط پی و بنیادآن برجای است . ظاهراً این بنا در دوران آبادانی از بناهای خوب دوران قاجاری بوده‌است .

هدایت‌الله خان‌عمارتی هم در اوان[۱] رودبار داشت‌که فعلاً برپای است . بیشتر وسایل این ساختمان ازبادکوبه‌آمده است .

قلعهٔ مارپیچ
در دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

در شمال دهکدهٔ لوله‌ده قلعه‌کوتی قدیمی است‌که اهالی اظهار مـی‌کردند از این‌کوتی آجرهایی به قطرپنج سانتیمتر و به‌ابعاد بیست‌سانتیمتر بیرون می‌آید .

طبله‌کوتی
درپایین دهکدهٔ لوله‌ده نشتای تنکابن

بالای تپه‌ای‌که خاك دستی است آثارقلعه خرابه‌ای قدیمی دیده مـی‌شود . در

۱ـ اوان بضم‌الف اول از دهکده‌های رودباراست‌که در حدودیکی دوکیلومترازدیکین بالاتر است و درياچهٔ کوچك زیبایی دارد .

پای این خاکریز چشمه‌ای به‌نام «هفت‌چشمه» است .

درخت سفیددار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

درختی عظیم سفیددار درکنار رودخانهٔ سنگ‌رج‌کیلهٔ این دهکده هست‌که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ بر ده متراست .

امامزاده مختار
در دهکدهٔ فقیه‌آباد نشتای تنکابن

بنای قدیمی بقعه را خراب‌کرده بودند و بجای آن بنایی نوساخته بودند . دری نسبةً ظریف قدیمی باکنده‌کاری و حاشیه‌بندی داشت . بقعه در میان‌گورستانی قدیمی است‌که درختان ملج وکرزل و شمشاد در محوطهٔ‌آن زیاد است .

محیط دایرهٔ تنهٔ درختان‌کرزل به ترتیب ۴۱۰ و ۳۶۰ و۳۲۰ سانتیمتر است . سه درخت مازوی بلند در این محوطه است‌که براثر صاعقه یک‌سوم قسمت بالای‌آنها از میان رفته بود ودرختان در حال خشک شدن بودند .

۷ـ بناها و آثار تاریخی لنگای تنگابن

عمارت میرزا محمدخان ازعموزادگان سردار[۱] در دهکدهٔ عباس‌آباد لنگای تنگابن

محمد معصوم‌شیرازی درسال ۱۳۱۴ قمری در این‌خانه دعوت داشته ومی‌نویسد «عمارت برزبر تپه‌ای سبز واقع است و ساحل باصفای خوبی‌است .»[۲]

درعباس‌آباد امروز دومحل ساختمان اعیان‌نشین شناخته می‌شود . یکی محل ساختمان دبستان دخترانهٔ فردوسی عباس‌آبادکه اراضی‌آن متعلق به‌عباس‌نکوئی بوده است ودیگری اراضی متصل به‌پاسگاه ژاندارمری امروز که تپه مانندی است ومتعلق به ضیغم‌الممالک‌بوده است . ظاهراً این اراضی وتپهٔ‌آن محل خانهٔ میرزا محمدخان بوده‌که به دست پسران او محمودخان یاور وحسن‌آقا افتاده است .

چهل دختر شهر در شمال دهکدهٔ سرلنگای تنکابن

ظاهراً دهکده‌ای قدیمی دراین اراضی بوده‌که فعلاً خرابه‌های‌آن باقی است. آجرهایی به ابعاد ۱۶×۱۶ و قطر ۳ سانتیمتر ، نظیرآجرهای شهر ری، در این

۱ـ منظور از سردار، میرزا حبیب‌الله‌خان ساعدالدوله پسرمحمدولی خان است .

۲ـ طرائق‌الحقایق ، ج۳ ، ص ۶۲۶ .

اراضی به دست می‌آید . درخت نارنج کهنسالی در این اراضی است که در حدود چهارصد سال عمر دارد .

بقعهٔ سید ابوالحسن (ابوالحسین)[۱] المؤیدبالله معروف به مشهدی سره در دهکدهٔ لنگای تنکابن

ابن‌اسفندیار در تاریخ خود نسب این مرد راآورده و از مراتب فضل او چنین یادکرده است « کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله ملقب به عضدالدوله پسر حسین پسرهارون پسرحسین پسرمحمد پسرهارون پسرمحمد پسرقاسم پسرحسن پسرزید پسر امام‌السبط حسن پسر علی‌امیرالمؤمنین علیهم‌السلام. سیدابوالحسین به‌دیلمان خلق را دعوت‌کرد . جملهٔ‌گیل و دیلم اجابت فرمودند . در بغداد تحصیل علم از سید ابوالعباس‌کرد و بعد ازآن به قاضی‌القضاة عبدالجبار همدانی پیوست و در مجلس او تخریج افتاد و به‌نهایت رسید . از نوشته‌های او: کتاب‌التجرید وکتاب‌الشرح لکتاب البلغه وکتاب‌النصرة وکتاب‌الافادة ودیوان اشعار او مجلدی ضخیم برمی‌آید .»[۲]

باز در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد « درهفتاد و اندسالگی در سنهٔ ۴۲۱ روز عرفه یکشنبه وفات یافت . دوشنبه عیداضحی در لنگا که سرای او بود مدفون شد . هنوز تربت او ظاهر است ومشهدی برقرار.[۳]

سید ظهیرالدین درکتاب خود از این مرد یادکرده است . درشرح حال سید رکابزن‌کیا می‌نویسد : « واین سیدرکابزن‌کیا ازنبیرهٔ هدایت‌پناه عرفان‌دستگاه ، امامت‌قباب، عدالت‌انتساب‌کیا ابوالحسین المشهور به مؤیدبالله قدّس‌سرّه که مردم آن ولایت (یعنی تنکابن) و بعضی از رستمدار وکوهستان‌آن دیار مذهب او دارند و او

۱- در متون تاریخی نام این مرد «ابوالحسین» ضبط شده و مردم او را به نام «سید ابوالحسن» می‌شناسند و ظاهراً ضبط متون صحیح است . ۲- تاریخ‌طبرستان صفحات ۹۸ و ۹۹ . ۳- تاریخ طبرستان، ص ۱۰۱ .

زیدی‌مذهب بوده است .»[۱]

رابینو شرحی‌درحاشیهٔ صفحهٔ۲۵ و۲۶ تاریخ گیلان و دیلمستان دربارهٔ این‌مرد نوشته ، و نسب اورا چنین آورده است : «سیدابوالحسین‌المؤیدبالله عضدالدوله و سید ابوطالب یحیی‌الناطق‌بالحق ولدان الحسین‌بن هارون‌بن الحسین‌بن محمدبن القاسم‌بن الحسین‌بن زیدبن‌الامام السبط الحسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب . »

در میان نامه‌هایی‌که رابینو درآخر کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ‌کرده است در نامهٔ جوابیهٔ‌خان احمدخان به‌میرجلیل قاری‌گوکه‌چنین‌آمده است: « ولعنت به این مذهب روا باشدکه‌ناصرالحق وبعداز او ابوالحسین‌که در لنگای تنکابن قبرش واقع است وزیدیان اورا مؤیدبالله‌می‌نامند وامثال او راکه این طبقه در ادعیهٔ‌خودشان یحیی و قاسم علیه‌السلام می‌گویند ... »[۲]

رابینو در سال ۱۳۲۷قمری از این محل دیدن‌کرده و دربارهٔ آن می‌نویسد: « سیدابوالحسین المؤیدبالله‌که دردیلمان به‌تبلیغات دینی می‌پرداخت،دهکدهٔ لنگارا متصرف شد و مقر خود قرار داد و درسال ۴۲۱ قمری درآنجا وفات یافت . او را در خانهٔ خود به‌خاك سپردند . قبر او تا قرن دهم هجری زیارتگاه بود .»[۳]

بقعه‌ای‌که مدفن این مرد است تا امروز برجای است و مردم از دورترین نقاط بزیارت او می‌آیند . نگارنده‌که روز قتل امام‌حسن یعنی روز سه‌شنبه چهاردهم فروردین‌ماه ۱۳۵۲ از این بقعه دیدن می‌کرد ، صدها تن بزیارت اوآمده بودند . بنای قدیمی را اخیراً خراب‌کرده بودند و بجای‌آن بنایی چهارگوشه که چهار طرف آن ایوان‌است ساخته بودند . بقعه درمحوطهٔ نسبةً وسیعی است که گورهای

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۷ . ۲ـ ضمیمهٔ آخر کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان چاپ رابینو ، ص۱۱. ۳ـ متن انگلیسی‌سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵ .

قدیمی در اطراف آن به‌چشم می‌خورد . سنگی توخالی که نظیر آن در صفحات گیلان زیاد دیده شده است در این گورستان است. درازای آن ۱۲۳ و بلندی آن ۴۲ و قطر آن ۲۲ سانتیمتر است. درخت آزاد کهنسالی درمحوطهٔ گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۶۳ سانتیمتر است .

بقعهٔ ایوب پیغمبر
در دهکدهٔ بندبن[1] لنگای تنگابن

محمدمعصوم‌شیرازی، صاحب طرائق‌الحقایق، جمعه‌هشتم شوال‌سال‌هزارسیصدو چهارده قمری از بقعهٔ ایوب‌پیغمبر دیدن‌کرده و دربارهٔ آن نوشته است :

« چون به‌محلهٔ ایوب رسیدیم صحن و ایوان و بقعه نمایان شد . پیاده شدیم . می‌گویند مزار حضرت ایوب پیغامبر است و قدری شکست بواسطهٔ زلزله به طاقش رسیده و برلوحه‌ای‌که بر صندوق آویزان بود ، چنین نوشته‌اند : ایوب‌بن موجربن تارخ‌بن عیص‌بن‌اسحاق بن ابراهیم علیهم‌السلام . و برحول آنجا قبوربسیار است واین اشعار به‌نحوکتیبه به‌دورآن ایوان‌نوشته شده :

خطی ز آب طلا منشی قضا وقدر — نوشته بردر این کاروانسرای دو در
که ای زقافله واماندگان ره پیما — اگر کنید در این‌کاروانسرای گذر
ز یك درش چو نسیم صبا درون‌آئید — برون روید چو خورشید از در دیگر
همین رواق زراندود را که می‌بینی — نشیمن جسم و کاووس بود با نوذر
پدرچوجان‌عزیزش به‌لب‌رسید بگفت — یکی نصیحت من‌گوش‌کن تو جان‌پدر
به هردیارکه درچشم‌خلق‌خوارشدی — سبك‌سفرکن ازآنجابرو به‌جای دگر

۱ــ بندبن : ده‌کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار در بیست وهفت‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وهفت‌کیلومتری راه‌شهسوار به‌چالوس است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳) .

درخت اگر متحرک‌شدی زجای به‌جای نه جور اژه کشیدی و نه جفای تبر»[۱]

و چشمه‌ای در آن نزدیکی است که کرم ایوب در آنجا هست . گویند این همان چشمه‌ای است که ایوب بدن خودرا در آن شست و کرمها در آن بماند .

«تحقیق آنست که ایوب بن عیص بن اسحاق که در قرآن مجید مذکور است و امرئة او نامش لیا بنت یعقوب است و بعد از هفت سال ابتلا و طول مرض عرض کرد « انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب » و حضرت باری فرمود « ارکض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب» منزل مبارکش در قریهٔ « نوا » بروزن سما بوده و « نوا » از مضافات « حوران » (بفتح حاء حطی) در دو منزلی دمشق است و محل خوش آب وهوا و باصفائی است .»[۲]

در مراصدالاطلاع چنین آمده است :

«نوا بلفظ جمع نواة التمر، بلیدة من اعمال حوران و قیل هی قصبتها و هی منزل ایوب وبها قبر سام ابن نوح .» وباز گوید:

« دیر ایوب قریة بحوران من اعمال دمشق کان یسکنها ایوب و بها ابتلاه الله عزوجل و بها العین التی ارکض برجله والصخرة التی کان علیها وبها قبره .»[۳]

بنای اصلی بقعهٔ ایوب چهارگوشه وچهارطرف آن ایوان است. هرایوان نه ستون هشت ضلعی دو به دو برابر دارد . در دو طرف در ورودی بقعه، درردیف ستونهای جلو ایوان ، دو ستون لاج لنگری هفت وهشت است . سرستونها ، دهان ازدری و بسیار ظریف کار شده است . سقف بقعه و ایوانها پلورکشی و پل کوبی است . سراسر بام بناء سفال سر است .

در محوطهٔ اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . این سنگ قبرها در آنجا دیده شد :

۱ـ از این کتیبه‌ها امروز آثاری برجای نیست . ۲ـ طرائق الحقایق ، ج۳، ص ۶۲۴ و ۶۲۵. ۳ـ همین کتاب ، ص ۶۲۵ .

« وفات مرحومه مغفوره رضوان جایگاه زینب خانم بنت مرحوم حـاجی علی‌جوربندی . نشانه‌ها: مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، بینکی ، دلوازه‌وقیچی.»

« وفات مرحومه مغفوره رضوان‌جایگاه ... بنت ملامشهدی جوربندی‌لنگا ۱۲۷۳ . نشانه‌ها : قیچی ، گلاب‌پاش، دلوازه و بینکی .»

« وفات مرحوم‌کربلائی شاه‌نظر ولدمرحوم‌الهی جوربند لنگا سنه ۱۲۷۳.»

در حاشیهٔ این سنگ این دوبیت با خط خوش نستعلیق حك شده است:

« یارب همه را بمصطفی بخش جرم همه را بمرتضی بخش

از بعـد حسن امـام مظـلـوم ما را بشهید کـربـلا بخش

نشانه‌ها : مهر ، تسبیح ، شانه وآتشدان . »

« وفات مرحومه مهره بانو بنت‌علـی‌رضا ۱۲۷۴ . نشانه‌هـا: مهـر، تسبیح، گلاب‌پاش ، دلوازه وبینکی . »

«وفات مرحومه زینب بنت مرحوم‌کربلائی حـاجی سنه ۱۲۷۶ . نشانه‌ها : مهر، تسبیح، گلاب‌پاش ، قیچی ، دلوازه وبینکی .

ون‌دار (زبان‌گنجشك)کهنسالی در اراضی این‌گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۳۲۵ سانتیمتر است .

گورستان قدیمی
در مرتع کلب‌سرا[1] ، درخاس‌کوه[2] ، از مراتع لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان خارج از اندازه است . در کندوکاوها خنجر و شمشیر به‌دست‌آورده‌اند .

۱ـ بفتح‌کاف وکسر باء و فتح‌سین. ۲ـ خاس‌کوه (بکسرسین) یعنی کوه بدون درخت .

گورستان قدیمی
در کلک‌نشین[۱] از ییلاقات لنگای تنکابن

درازای گورهای این قبرستان بیش از اندازهٔ معمول است .

قلعه‌کوتی قدیمی به‌نام سفیدخانه
میان دهکدهٔ کرگاس[۲] و تالش‌خیل لنگای تنکابن

خاک‌ریز دستی مدوری است که اطراف آن خندقی عظیم است. سطح دایرهٔ بالای این کوتی بیش از هزار متر مربع است وارتفاع خاک ریز آن به ده‌متر می‌رسد. از خندق اطراف آن، جای به‌جای، گازهایی به‌شکل حباب از آب بیرون می‌آید که قابل‌احتراق است . زنگ ورنگ آب این خندق سبب‌شده است که مردم آن را «نفت‌چاه» بخوانند اما هیچگونه نشانی از نفت دراینجا نیست و این گازهم گازهای اتان ومتان یا گازهایی همانند آنها است که درباتلاقها زیاد است .

قلعهٔ ورگام‌چال[۳]
در چهار کیلومتری کرگاس از دهکده‌های لنگای تنکابن

در این قلعه آثار چاهی نسبةً عمیق است که ظاهراً فرارگاه قلعه بوده‌است .

امامزاده شاه‌رضا
در دهکدهٔ کرگاس لنگای تنکابن

بیرون دهکده در میان درختان توسکای قطور کهنسال گوری ساده است و بنایی ندارد .

۱ـ بفتح کاف‌اول. ۲ـ کرگاس (بفتح کاف) ده ازدهستان لنگای شهرستان شهسوار ۲۵/۵ کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و ۲/۵ کیلومتری جنوب‌شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ـ بفتح واو .

رنگین‌پل
در خشک‌داران لنگای تنکابن

رنگین پل ، پـل بزرگی در مسیر راه شاه‌عباسی ، نزدیـک خشک‌داران بود . آجرهای آن‌را برای بناهای شخصی یا عمومی بردند. باقی راه‌که در دوطرف پل بازمانده بود،داخل اراضی واگذاری شد و از میان رفت.

بقعهٔ سیدعلی‌بن سیدحمزه
در اراضی اسبچین[1] لنگای تنکابن

بنای بقعه نوساز و برسمت راست جادهٔ عباس‌آباد بهساقی‌کلایه است. سه‌طرف آن ایوان دارد . سقف ایوانها ، پلورکشی است و برشیرسرهای دوطرف متکی است. صندوقی چوبین و دری ساده دارد . شمشادهای کهنسالی اطراف بقعـه است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها به ۱۲۳ سانتیمتر می‌رسد. درختان پلت(افرا)درمحوطهٔ‌اطراف بقعه زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ قطورترین‌آنها بالغ‌بر ۲۸۰ سانتیمتراست .

آثار بناهای قدیمی
در جنگلهای دهکدهٔ اسبچین از بلوک لنگای تنکابن

رابینو در سال ۱۹۰۹ میلادی (۱۳۲۷ قمری) از این‌خرابه‌ها بازدیدکرده ودر بارهٔ‌آنهامی‌نویسد : « پس ازگذشتن ازگنجه‌رود و یکی‌باغ، در طـرف راست جاده ، درختان عظیم‌جنگلی است. ازآنجا راهی است‌که ازمیان درختان به خرابه‌های‌بنایی قدیمی می‌رسد . از وضع سابق بنا ، اثری روشن دیده نمی‌شودکه بتوان‌گفت قلعه یا بنایی دیگر است . مردم بقدری برای دسترسی به‌آجر، درآنجا چـاله کنده‌اندکـه هیچگونه وسیلهٔ شناختن وضع اصلی بنا را باقی نگذاشته‌اند . نام تمام این اراضـی

۱ـ اسبچین : ده ازدهستان لنگا شهسوار،بیست وشش‌کیلومتری جنوب‌شرقی‌شهسوار وکناردراه شهسوار به‌چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

اسبچین است و می‌گفتند که شخصی باقدرت، بدنام عثمان خان، در ایام قدیم در آنجا منزل داشته است.»[۱]

بقعهٔ آقا سیدمحمد
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

بقعه‌ای ساده است که یك طرف آن ایوان دارد وسراسر بام بنا، حلب‌سر است. شمشادی کهنسال کـه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۱۲۵ سانتیمتر می‌رسید ، در محوطـهٔ بقعه بود .

نرگس کوتی
در اراضی دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

متصل به بقعهٔ آقاسیدمحمد،کوتی وسیعی است کـه یك طرف آن آب‌اسبچین است که از شیرچشمهٔ عثمـان‌سرا ، سرچشمه مـی‌گیرد و یك‌طرف‌آن‌گرآب است . سنگهای‌فراوان که ظاهراً از مصالح بناهای قدیمی این تپه بوده است ، در پهنهٔ آن دیده می‌شود .

عمارت
نزدیك دهکدهٔ اسبچین لنگای تنکابن

عمارت ، آثاربناهای قدیمی است‌که ابتدای‌آن از قلعه کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین شروع می‌شود و دنبالهٔ‌آن برپشته‌هایی مـوازی با ساحل دریا ، در باغ آقای رحمن‌قلی‌خان خلعت‌بری به‌پایان می‌رسد . طول قلعه‌کوتی میان امرج‌کلا و اسبچین که شمالی جنوبی است، بالغ برصدمتر وعرض‌آن درحدود پنجاه‌متراست . آجرهایی به‌ابعاد ۶ × ۲۶ × ۲۶ سانتیمتر با سنگ و سفال فراوان در این اراضی‌دیده می‌شود.

۱ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۲۵ .

دنبالهٔ این آثار برپشته مانندی‌که مسلط برساحل دریاست ،به‌طرف شرق پیش‌می‌رود. دو طرف این پشتهٔ طولانی ، ظاهراً خندق بوده است . خانهٔ رحمن‌قلی‌خان نیز برروی دنبالهٔ همین پشته ساخته شده است. آثار سفال بی‌لعاب فراوان برروی این پشته دیده می‌شود . آثارآب‌انبار وگنگهای زیاد در شالودهٔ بنای خانهٔ رحمن‌قلی‌خان پیدا شده است . ظاهراً این آثار استحکامات زیدیان بوده‌که به دست شاه‌عباس خراب شده‌است .

مزاری به‌نام سیده‌فاطمه
بر سر راه اسبچین و خش‌کلا[1]

دراین مزارکه باقی‌ماندهٔ جنگلی بسیارقدیمی است درخت‌پلت(افرا)کهنسالی که محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن ۶۵۰ سانتیمتر است دیده می‌شود . شمشادهای قطور قدیمی نیز زیاد است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ازآنها ۱۱۵ و دیگری ۱۰۵ سانتیمتر است . درختان لرگ وکرات قطورنیز زیاد دیده می‌شود .

بقعهٔ سیدحسین
در دهکدهٔ تازه‌آباد، کنار راه ساحلی اسبچین به ساقی‌کلایه

بقعهٔ قدیمی را خراب‌کرده بودند و به‌جای آن بنایی با بلوك سیمانی ساخته بودند که چهارطرف‌آن ایوان داشت و بنای‌آن نیمه تمام بود .

درگورستان اطراف بقعه ، سنگ قبرهای قدیمی دیده شدکه ظاهراً حکایت از قدمت این بقعه می‌کند . سنگها بزرگ و مستطیل شکل و تقریباً دوسوم هریك در خاك بود و ما مجبورشدیم یکایك آنها را باکندوکاو زیاد بیرون‌آوریم . بدبختانه‌براثر فرسودگی زیاد تمام عبارات‌آن خوانده نشد .

برحاشیهٔ سنگ قبر اول‌آیةالکرسی و در مربع بالای متن :

۱ـ بفتح خاء وکاف .

« ... الدین‌بن حاجی... شامرخ...»

و در زیر این مربع دنبالهٔ آیةالکرسی .

«کرسیه‌السموات والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم.»

سنگ قبردوم به‌قطر ۱۰وپهنای۴۲ سانتیمتراست‌ودرازای‌آن به‌علت‌شکستگی معلوم نشد . برحاشیهٔ این سنگ نیز«آیةالکرسی» و در مربع بالای متن:

«هذا القبرالمرحومه فاطمه‌خاتون بنت حاجی‌شمس‌الدین‌خلیل».

و زیر مربع بالا دنبالهٔ آیةالکرسی« لایؤده‌حفظهما و هوالعلی‌العظیم» باخط بسیار خوشی حك شده بود . چهار مصراع شعر فارسی زیر این‌قسمت ازآیـةالکرسی بود که‌کلمات پراکنده‌ای ازآنها خوانده می‌شد.

بر حاشیهٔ سنگ قبرسوم آیةالکرسی و درمتن : «کاظم ویك‌حسین و دوحسن» خوانده می‌شود . سایرکلمات خورده شده و از میان رفته است .

برحاشیهٔ سنگ قبر چهارم‌آیةالکرسی و درمتن زیر نام صاحب‌قبرکه خوانده نشد « فی‌تاریخ‌شهر جمادی‌الاخرسنه‌ثمان وخمسین و تسعمایه» واضح و روشن‌خوانده می‌شود .

سنگ قبری توخـالی به‌درازای ۱۱۶ و پهنای ۴۵ و بلندی ۴۶ سانتیمتر در گورستان این بقعه است‌که برحاشیهٔ بـالای‌آن آیةالکرسی حـك‌شده است . سایـر نوشته‌های‌آن ازمیان رفته است .

بقعهٔ دانیال پیغمبر
در دهکدهٔ دانیال[1] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بنایی است مستطیل‌که طرف شرقی و شمالی‌آن ایـوان دارد. ایوانهـا دارای

۱ـ دانیال : ده ازدهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌و شش‌کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار و چهارکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به‌چالوس(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج۳).

ستون با سرستونهای قدیمی است . دو در ورودی در شمال و جنوب بقعه است . حرم بقعه با نرده‌ای به دو قسمت تقسیم شده است . صندوقی چوبین قاب‌گرهٔ نسبةً پرکار، قبر را پوشانده است. درازای آن ۱۷۸ وپهنای آن ۹۵ و بلندی آن ۹۷سانتیمتراست. درسمت قبلی برقاب پایین صندوق باخط نسخ متوسط این آیات حك شده است :

«بسمله‌و سورهٔ انا انزلنا ـتا ـ لیلةالقدرخیر. »

برقاب پایین سمت شمال این عبارات خوانده می‌شود :

«عمل استادمحمدبن استاد عباسعلی‌کلج ساکن نوشان سنه ۱۲۲۰غفرالله‌له.»

بردیوارهای بقعه،گچ‌بریهای بسیارظریف است‌که در نوع خود بی‌نظیراست و شباهت‌زیادی به‌رسّامی دارد.

در تعطیلات عید سال ۱۳۵۲که از این بقعه بازدیدکردم ، بنای آن را باگچ‌ـ بریهای ظریف خراب‌کرده بودند وگنبد و بارگاهی بجای آن ساخته‌بودند اماصندوق که قسمتی از آن به‌سرقت رفته بود برجای بود .

دو لنگه در قدیمی بقعه نیز ظاهراً به‌سرقت رفته است . ازموزهٔایران‌باستان و اوقاف شهسوارکسب خبرشد، ازآنها اطلاعی نداشتند .

قلعهٔ کشك‌سر[1]

بر بالای کوهی منفرد نزدیك دهکدهٔ نارنج‌بندبن[2] لنگای تنکابن

بربالای این‌کوه‌که‌قله‌ای منفرداست اما بازوی‌آن به‌کوههای شرقی اتصال‌دارد، آثار قلعه‌ای‌کهن دیده می‌شود . طرح قلعه به‌علت روئیدن درختان جنگلی فراوان ، معلوم نشد . پاره‌های‌آجر وگچ به طورپراکنده بربالای این‌کوه دیده می‌شود .

۱ـ بفتح‌کاف اول وکسرکاف دوم . ۲ـ نارنج بندبن : ده از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، سی‌وهفت کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وچهار کیلومتری راه شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

تپهٔ کرات چاك[۱]
در جنوب دهکدهٔ چارز[۲] از دهکده‌های لنگای تنکابن

بر بالای این تپه‌آثار قلعه‌ای قدیمی است و راه چارز به پیشبورکلاردشت از کنار این قلعه می‌گذرد .

شاه‌نشینك
در اراضی مترس[۳] چارز لنگای تنکابن

بر سر راه چارز به پیشبور به تپه‌ای منفردبرمی‌خوریم که سطح بالای آن‌در حدود پانصد متر مربع است وبه «شاه‌نشینك» معروف است .

راهی‌که از پای این تپه می‌گذرد قدیمی است و سنگ‌چین دارد .

آثار خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی
نزدیك شالی‌زارگرده‌لپو[۴] در اراضی دهکدهٔ چارز لنگای تنکابن

دراین اراضی سنگ‌چین‌های قدیمی زیاد است وظاهراً دیوارهای خـانه‌های دهکده‌ای قدیمی است .

آثار بنایی قدیمی
برقلهٔ بیه‌غوره[۵] در جنگل وشکه‌سرا[۶] از اراضی‌چارز لنگای تنکابن

بر قلهٔکوهی منفرد به نام «بیه‌غوره» پاره‌آجرهای فراوان دیده می‌شود .

گورستانی قدیمی
در اراضی مازی‌گاسر چارز لنگای تنکابن

گورهای قدیمی فراوان در اراضی مازی‌گاسر چارز برجای است.

۱ـ بکسر کاف‌اول . ۲ـ بفتح راء . چارز ده‌کوچکی‌از دهستان لنگا شهرستان شهسوار، یك کیلومتری کلارآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) ۳ـ بفتح میم‌وتاء.
۴ـ بکسر گاف و دال و فتح‌لام . ۵ـ بکسرباء . ۶ـ بفتح واو و سین.

تپهٔ کلار[1]
در باغ چای ورات ساعدالممالك خلعتبری و صفر و اسماعیل کلاری در کلارآباد[2] لنگای تنکابن

این تپه‌که ازکوتیهای قدیمی است فعلاً تبدیل به‌باغ چای شده است. کوههای جنوب شرقی این‌تپه به‌نام «پس‌قلار»[3] معروف است .

امامزاده سیدالوافی
درکلارآباد لنگای تنکابن

در محوطهٔ جنگلی بسیار وسیع و زیبایی بقعه‌ای قدیمی بوده‌که اخیراً آن را خراب‌کرده و به‌جای‌آن بقعه‌ای نوساز بزرگ‌ساخته‌اند. گورستان اطراف بقعه قدیمی است . سنگ قبر مرمر کوچکی دراین گورستان دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«وفات مرحوم عسکرولد مرحوم‌گل‌محمد جردورونی مورخ۱۲۹۵. نشانه‌ها: تسبیح ، مهر ،شانه و انگشتر .»

سرو عجیب عظیمی بر سکویی درشرق امامزاده است کـه محیط دایرهٔ تنهٔ‌آن بالغ‌بر ۴۴۰ سانتیمتر است. عمر این سروظاهراً بیش از هزارسال است.

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای تپه‌ای در جنگل اسکوله‌سر[4]کلارآباد لنگای تنکابن

ازآثاری‌که از این قلعهٔ قدیمی برجای است، چاهی است در سنگ که‌مقداری

۱ــ بفتح کاف . ۲ــ کلارآباد : ده از دهستان لنکا شهرستان شهسوار ، سی‌و هشت کیلومتـری جنوب‌شرقی شهسوار و سه‌کیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) . ۳ــ ظاهراً شکل دیگری ازپس‌قلا و پس‌قلعه‌است.
۴ــ بضم الف وفتح سین‌دوم .

ازآن پرشده و چهارپنج مترآن برجای است.

آثار بنایی قدیمی در محلی به‌نام کلیك[1] نزدیك دهکدهٔ جیسای لنگای تنکابن

گذشته ازآثار بنا در این محل، چاهی به‌عمق چهارمتر برجای‌است.می‌گویند چاهی‌که در قلعهٔ اسکوله‌سر است با این‌چاه ارتباط داشته است .

آثاربنایی قدیمی در توت باغك جیسای لنگای تنکابن

خرابه‌های بنایی‌قدیمی در این اراضی‌که روزی توت‌باغ بوده است، دیده می‌شود .

قلاسر (=قلعه‌سر) بر تیره‌ای در جنوب دهکدهٔ یال‌بندان لنگای تنکابن

برسر تیره‌ای‌که تقریباً شرقی‌غربی است و درمیان چکیزبند[2] و خشك‌دره و یال‌بندان وگردکوه است آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود . مصالح ساختمانی قلعه سنگ وگچ وآجربوده است.ابعادآجرها ۵ × ۲۶ × ۲۶سانتیمتراست .کندوکاوزیاد و روئیدن درختان جنگلی‌شکل و طرح قلعه‌را از میان برده است .

راه شاه‌عباسی در خاك تنکابن

مسیر این راه را تا شیخ‌زاهدمحله پیش از این نوشته‌ایم . دنبالهٔ آن از شیخ‌زاهدمحله به سخت‌سر(رامسر) می‌آمده است . این قسمت از راه را با سنگهای‌بسیار

۱ـ بضم‌کاف و سکون لام و فتح‌یاء . ۲ـ بفتح چ و یاء .

بزرگ فرش‌کرده بوده‌اند . از سخت‌سر، از وسط دهکدهٔ گلیجان به‌دهکدهٔ توکله می‌رفت و از دهکده‌های تشکون و سیاورز و شهرسر و کشکلستان و مازوبن به پلنگ‌آبادنشتا و غرب دهکدهٔ پلنگ‌کلا می‌رسید . درحوالی تالش‌خیل و کلام‌گافه، چهارراههای متعددی داشت. دنبالهٔ راه از دهکدهٔ اسبچین به قریهٔ دانیال متصل‌می‌شد. پل معروف به«رنگین‌پل» دراین‌مسیر بوده‌است که‌آجرهای‌آن‌را برای بناهای‌شخصی و عمومی برده‌اند . از اینجا دنبالهٔ راه به‌جیسا وشمال نارنج‌بندبن‌که معروف به«کوتی‌ـ بازاربندبن» است می‌رفته است. دنبالهٔ راه از پایین اسپی‌رود و چارز می‌گذشته وآثار آن تا امروز برجای است . این جاده پایین‌تر یعنی شمالی‌تر از جادهٔ کنونی است‌که از نارنج‌بندبن به چارز می‌آید .

قلعهٔ پلنگ[1]
دژی قدیمی در تنکابن

محل اصلی این قلعه را نیافتیم . این قلعه در سال ۹۱۲ به‌دست‌خان احمد ـ خان‌گیلانی‌گشوده شده است.[2] دو دهکدهٔ «پلنگ‌آباد»[3] و«پلنگ‌کلا»[4] که هم‌نام بااین قلعه‌بودند سبب‌شدکه به‌این دو دهکده سری‌بزنیم ولی دراطراف این‌دودهکدهٔ قدیمی نیز اثری ازاین قلعه نیافتیم .

۱ـ تاریخ خانی ص ۲۱۴ و ۲۱۵ . ۲ـ تاریخ خانی ص ۲۷۱ . درترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۷۵ ، نام این قلعه را از تاریخ خانی نقل‌کرده است . ۲ ـ پلنگ‌آباد بالا و پایین دو ده از دهستان نشتا شهرستان شهسوار در هفده کیلومتری جنوب شرقی شهسوار و دوکیلومتری جنوب شوسهٔ شهسوار به چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۴ـ پلنگ‌کلا : ده‌کوچکی از دهستان لنگا شهرستان شهسوار ، بیست‌و چهار کیلومتری جنوب‌شرقی شهسوار وسه‌کیلومتری جنوب عباس‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

هشتپر تنکابن

این کاخ در سال ۸۸۹ قمری آباد بوده و روز بیست‌وسوم رمضان موافق با بیست‌و نهم بهمن‌ماه قدیم سلطان علی‌میرزا در این قصر نزول کرده است.[۱] این کاخ ظاهراً در حوالی دهکدهٔ بلده (قلعه‌گردن) بوده است .

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین ، ص ۴۵۰ .

بخش دوم

کلارستاق

۱ـ جغرافیای تاریخی کلارستاق

منطقهٔ کلارستاق شامل دشت کلارستاق و نواحی کوهستانی است . دشت که امروز آن را قشلاق کلارستاق گویند از قدیمیترین ایام از طرف غرب به رودخانهٔ نمك آبرود (نمك آوه‌رود) خم می‌شده و حد شرقی آن به رودخانهٔ چالوس می‌رسیده است .

نواحی کوهستانی به بیرون بشم و کلاردشت و کوهستان کلارستاق تقسیم می‌شده‌اند.

ناحیهٔ بیرون بشم که مرکز آن مرزان آباد است می‌رود به بشم کلاردشت و دهکده‌های میچکار ، برار[۱] ، جوهرکلا ، چلاجو[۲] و جیرستار[۳] است .

ناحیهٔ کلاردشت مرکز آن حسن کیف است و دهکده‌هایی دارد که در کوههای اطراف این دشت قرار گرفته‌اند .

کوهستان کلارستاق شامل دو قسمت شرقی وغربی است . کوهستان شرقی شامل دهکده‌های هرجان[۴] ولی آباد و الامل[۵] است و دهکده‌های زیر جزو کوهستان غربی است :

۱ـ بفتح باء . ۲ـ بفتح چ . ۳ـ بفتح سین وتشدید نون . ۴ـ بفتح هاء و راء . ۵ـ بفتح الف و ضم میم .

انگران[۱] ، گیجان ، دلیر[۲] ، الیت[۳] ، ناتر[۴] ، بیجده‌نو[۵] ، فشکور[۶] ، کنس ـ دره[۷] ، مکار[۸] ، میرس[۹] ، کتیر[۱۰] ، تویر[۱۱] .

جغرافیای تاریخی و تاریخ شهر چالوس

نیمی از شهر چالوس در دشت کلارستاق و نیم‌دیگر آن در اراضی کجور است، زیرا دشت کلارستاق از نمك‌آبرود شروع می‌شود و به‌رودخانهٔ چالوس‌ختم‌می‌گردد . آنچه از شهر و حومهٔ چالوس در شرق رودخانهٔ چالوس است، در تقسیمات،جزء خاك کجور باید به‌حساب‌آید.ما دراین‌تقسیمات شهروحومهٔ چالوس را جزءدشت کلارستاق یادکردیم .

مرحوم اعتمادالسلطنه مطالب زیر را از متون مختلف جغرافیایی و تاریخی‌در بارهٔ چالوس نوشته است :

اعراب چالوس را شالوس می‌گویند و صاحب معجم‌البلدان‌گوید چالوس شهری است واقع در سرحد طبرستان ، درهشت فرسخی ری.[۱۲]

ابن‌فقیه‌گوید در مقابل شالوس شهری است موسوم به‌الکبیره نزدیك به کجور که حاکم آنجا اقامت دارد. ازچالوس به‌آمل ازکوهستان دیلم بیست فرسخ است.

بعضی دیگر از علمای‌جغرافی‌نگاشته‌اندکه چالوس ازآبادیهای‌معتبر طبرستان است زیراکه در زمان معتصم خلیفه ، محمدبن‌اوس راکه از امـرای خلیفه بود ، بـه حکومت طبرستان نامزدکرد. مشارالیه‌خود در رویان قرارگرفت و چالوس رابه‌احمد پسر خودسپرد .[۱۳]

۱ـ بفتح الـف و سکـون نون و کسر گاف. ۲ـ بکسردال . ۳ ـ بکسر الـف و لام و یاء مجهـول . ۴ ـ بـکسر تاء . ۵ـ بکسردال . ۶ـ بفتح فاء . ۷ـ بضم کاف وکسر نون . ۸ـ بفتح میم . ۹ـ بکسر میـم و راء. ۱۰ـ بضم‌کاف . ۱۱ـ بضم تاء . ۱۲ـ از ری تا چالوس ازهر راهـی‌که بروند بیشتر از هشت فرسنگ خواهد شد . ۱۳ـ مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۷۹ .

در حکومت عبدالله بن جازم که از قبل خلیفه مأمون حکمران طبرستان بود ، مردم چالوس خروج کردند و سالم نام ملقب به سیاه‌مرد را که از طرف جازم در چالوس بود ، براندند. و با اهالی دیلم همعهد شدند که نواب خلیفه را به‌خود راه ندهند.

حسن بن بویه که از قبل برادر خود معزالدوله در عراق و ری سلطنت می کرد و با قابوس وشمگیر دیلمی در نزاع بود، از ری با تجمل و قشون زیاد به‌چالوس به جنگ وشمگیر رفت و در چالوس با قشون وشمگیر مصاف داده ، او را شکست . وشمگیر پناه به‌الثایر بالله‌علوی برد . حسن بن‌بویه ازچالوس بعد ازاین فتح به آمل رفت و خبر فوت برادرش علی‌بن‌بویه‌که به وی رسید، آمل‌راگذاشته به‌عراق آمد . در سه‌شنبه بیست‌وپنجم شهر رمضان سنهٔ دویست وپنجاه هجری، اهالی‌چالوس واهالی کلارستاق به‌سیدحسن بن‌زید ـ داعی کبیر ـ بیعت نمودند و ازاین به‌بعد مذهب‌زیدیه اختیارکردند و محمدابوالعباس ازطرف حسن بن‌زید دردوشنبه بیست‌و سیم شهرشوال همین سال‌که داعی‌کبیر درآمل حکام به اطراف می‌فرستاد ، به‌چالوس‌حاکم‌شد. داعی کبیر بعد از انهزام از سلیمان بن عبدالله بن طاهر ـ حاکم‌ساری ـ که ازطرف‌بنی‌عباس حکومت می‌نمود، ازآمل به‌چالوس منهزماً پناه برد. همیشه ملاذ داعی‌کبیر از قشون سلیمان، چالوس بود و این واقعه در سنهٔ ۲۵۰ واقع‌گردید .[۱]

در سال ۲۶۱ هـ . ق. حسن بن زید به‌طبرستان مراجعت نمود وچالوس راآتش زد، از جهت آنکه مردم چالوس با یعقوب‌بن‌لیث موالاتی کرده بودند وضیاع‌ایشان‌را به اقطاع دیلم داد .[۲]

در سنهٔ ۲۷۱ هـ . ق . حسن بن‌زید ـ داعی‌کبیر ـ جهان را بدرودکرد ومحمد بن‌زید ـ برادرکهتر خود راکه معروف‌به داعی صغیراست ـ ولیعهدساخت .داعی‌صغیر

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴ ، ص ۸۲. ۲ـ مرآت‌البلدان به‌نقل اززبدةالتواریخ حافظ ابرو ، ص ۸۳ .

از جرجان خود را بهساری رسانید . ابوالحسین نامی که داماد داعی کبیر بود و خزاین او را بهتصرف درآورده بود ، داعیهٔ سروری داشت . بعد از ورود داعی صغیر ، فرار کرده ، بهچالوس آمد . غرّه جمادی الاخره سنهٔ مذکوره علی الغفله در چالوس بر سر ابوالحسین تاخت و او را با متابعینش بگرفت و خزاین برادر خود را بهتصرف درآورد و بعد او را تلف کرد تا رافع هرثمه ـ والی خراسان ـ از طرف بنی عباس ، بهجنگ داعی صغیر آمد . داعی بعد از استحصان در قلعهٔ کجور ، نایب رافع راکه در چالوس بود بگرفت. درحالتیکه رافع در خواج چهارفرسنگی چالوس معسکر داشت. چون تاب مقاومت نداشت ، داعی صغیر از چالوس به سمت طالقان قزوین فرار کرد.[1]

بکربن عبدالعزیز بن ابی دلف العجلی که داعی صغیر پیوسته قبول خدمت او را نموده علاوه برآنکه در روز ملاقات هزاربار هزاربار درهم به او بخشش کرد، او را بهچالوس و رویان حاکم ساخت . لیکن در خفا سپرده بود که در فقّاع که او می نوشد سم داخل کرده و چنان کردند و قبر او در ناتل در سرپل لیشام درکنار رود شیمرود واقع است . این تفصیل در خلافت المعتضد بالله بوده .[2]

در استیلای ناصر کبیر بهمملکت رویان وغلبهٔ او برمحمدبن صعلوك که ار قبل سامانیان برآمل و رویان حاکم بود ، پسرعم خود ـ سید حسن بن قاسم ـ را به چالوس فرستاد تا با محمدبن صعلوك که با پانزده هزار مرد آنجا اقامت داشت ، مصاف دهد .

سیدحسن بن قاسم، محمدبن صعلوك را منهزم ساخت و از رودخانه ای که به «بورود» معروف است و نیز «بورآباد» می گویند، خون کشتگان که درکنار آن رودخانه بهقتل رسیده بودند ، به دریا می رفت . و حصار چالوس را سیدحسن بن قاسم با زمین هموار ساخت .

در دوران سلطنت حسن بن بویه ، الثایر بالله موسوم بهجعفر بن محمدبن حسین بن

۱ـ مرآت البلدان، ج ۴، صفحات ۸۲ و ۸۳ . ۲ـ مرآت البلدان، ج۴، ص ۸۳.

علی‌بن حسن‌بن علی‌بن عمربن زین‌العابدین‌بن حسین‌بن علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، مشهور به‌«سیدابیض»، در چالوس بود.[۱]

مسعودی درمروج‌الذهب نوشته است اطروش‌که اسم حقیقی او حسن‌بن علی‌بن محمدبن علی‌بن حسن‌بن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است ، در سنهٔ ۳۰۱ هجری ، سیاه‌پوشان(= بنی‌عباس) را از طبرستان خارج نمود . اطروش سالیان‌دراز در دیلم و گیلان می‌زیست . سکنهٔ‌آن نواحی‌که در جهالت و نادانی فرو رفته و روش مغان را پیروی می‌کردند . اطروش‌آنها را به دین خداپرستی دلالت نمود . غالب آنها به‌دین اسلام داخل شدند جز بعضی ازسکنهٔ این دو مملکت‌که درکوههای بلند وقلعه‌جات و دره‌های عمیق و مأمنهای محکم سکنی داشتند و تا این‌زمان به‌مذهب قدیم‌خود باقی هستند . اطروش مساجد زیادی در این‌نواحی بناکرد ومسلمین برای مدافعه‌ازطوایف جنگی، در قزوین و چالوس استحکاماتی بنا نمودند .

چالوس محیط به‌یك قلعهٔ سختی بود و دیوارهای مرتفع داشت و سلاطین عجم بنای آنجا راکرده بودند وهمیشه درآنجاقشون زیاد برای دفع حملهٔ دیلمان‌داشتند و این قلعه، بعد از فتح‌طبرستان، به دست قشون اسلام باقی بود تا اطروش آن قلعه را منهدم ساخت .

بموجب مسطورات تاریخ رشیدی درسنهٔ ۶۹۴ ه . ق. در زمان سلطنت‌الجایتو که خود قصد فتح‌گیلانات‌کرده بود ، مقرر داشت‌که از چهارراه قشون‌به‌گیلان برود. امیرچوپان از راه اردبیل، امیرقتلوشاه از راه‌خلخال. امیرطوغان وامیرمؤمن از راه چالوس و خود سلطان از راه لاهیجان .

ابوبکر محمدبن‌حسن‌طبری چالوسی‌مشهور بدابوجعفرصوفی- واعظ ومحدث- که در نیشابور تحصیل‌کرده بود، در سال چهارصد وهفتادودو در چالوس متولد شد و

۱- مرآت‌البلدان ، ج ۴ ، ص ۸۳ .

در محرم سنهٔ پانصد وچهل وسه درآمل وفات نمود .[۱]

رابینو یکی دو مطلب بمطالب گذشته افزوده و شرح زیر را در بارهٔ چالوس نوشته است :

فرمانروایان قدیم ایران در چالوس قلعه‌ای داشتند و درآن سواره‌نظام همیشه در حال‌آماده‌باش بود تاساکنان را در مقابل حملهٔ دیلمیان‌حفظ‌کند. شهرچالوس‌خود دیوار محکمی داشت‌که به امر یکی از دختران فرمانروایان‌ایرانی ساخته شده بود. استحکامات دفاعی چالوس رادر سال۲۸۷ هجری سیدحسن‌بن‌قاسم یکسره خراب‌کرد. این شهرکه به‌نام شالوس وسالوس نیز خوانده شده است‌بنابر توصیف مقدسی شهری‌بود که‌قلعه و مسجدجامعی متصل به‌یکدیگر داشت و هردو از سنگ بنـا شده بود . در نزدیکی‌آن، دوشهردیگر نیز بوده‌است. یکی را الکبیره ودیگری‌راکنجه‌می‌خواندند. مادر حسن‌بن‌بویه را با تشریفـات بسیار در چالوس دفن کردند . از سادات مـرعشی مازندران ظهیرالدین‌بن علی‌بن قوام‌الـدین و پسرش فضل‌الله را در چـالوس به خاك سپردند .[۲]

۱ــ مرآت‌البلدان ، ج ۴، ص ۸۴ .

۲ــ متن انگلیسی سفرنامـهٔ مازندران و استراباد رابینو ، ص ۲۷ .

۲ـ بناها و آثار تاریخی دشت کلارستاق

بقعهٔ سید محمد از سادات حسینی
در دهکدهٔ زوات شرقی [۱] از بلوک دشت کلارستاق

بنایی است نه‌ترک، از سنگ و گچ به ارتفاع ۲۱۰ سانتیمتر. ترکی که در ورودی در آن قرار می‌گیرد باریکتر از ترکهای دیگر است.

گنبدی نه‌ترک کلامدرویشی بام بنارا تشکیل می‌دهد (عکس شمارهٔ ۲۱). گورستانی بسیار قدیمی با درختان کهنسال مازو و کرزل (=ممرز) و شمشاد و اوجا اطراف این بقعه‌است.

امامزاده قاسم [۲] و حلیمه خاتون
بر بالای تپه‌ای برسمت چپ سرداب‌رود

در اراضی زوات غربی از بلوک دشت کلارستاق اطاقی است که در طول آن دروسط دوش‌کش (=حمّال) قطوری کشیده‌اند که برستونی چوبین چهارسو استوار است. پلورها از دو طرف بردوش‌کش قرار می‌گیرند. بالای پلورها، پل‌کوبی با درزپوش پخ‌زده

۱ـ در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ سال ۱۲۹۹ ه.ق. این قسمت از زوات را به نام «زوات کلاگر» نام برده واز این بقعه یاد کرده است. ۲ـ از امامزاده‌قاسم در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك مورخ ۱۲۹۹ ه. ق. یاد شده است.

است . درازای این بنا هفت‌متر و پهنای آن چهارمتر است. کف اطاق نسبت به ایوان و سایر قسمتهای بنا گودتر است.

ایوانی در طرف شرقی بناست که دارای هشت‌ستون چهارسو است. سقف ایوان بلورکشی و پل‌کوبی با درزپوش پخ زده‌است . اطراف این بقعه گورستانی است که درختان کهنسالی در آن است. درخت کرزل(ممرز) در محوطهٔ این بقعه است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۳۲۰ سانتیمتر می‌رسد.

سنگ قبرهای گورستان این بقعه مورخ ۱۳۲۱ و ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ که بر بالای آن مردی باقبا حک شده است و ۱۳۳۸ که بالای آن نقش خورشید حک شده است .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ علوی‌کلا از بلوک دشت کلارستاق

این مسجد که چندی قبل آن را خراب کرده و از نو ساخته‌اند در سال ۱۲۹۹ قمری اهمیتی داشته و رقبات موقوفات آن وقف برعزاداری حضرت سیدالشهدا بوده است .[۱]

راه قدیمی زوات به کلاردشت

راه قدیمی زوات به‌کلاردشت که ازکنار سرداب‌رود می‌گذرد از نقاط زیر عبور می‌کند :

زوات ـ چالنی ـ سوته‌لار ـ کردشت[۲] ـ ساتار ـ ورگه دره[۳] ، از اینجا راه به‌کنار رودخانه می‌افتد و از این نقاط می‌گذرد :

۱ـ در مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملك، از این مسجد یاد شده است .

۲ـ بضم کاف . ۳ـ بکسر واو .

سوت ـ لجینی[۱] ـ سربن‌پل[۲] ـ پله‌ای چشمه‌سر ـ رمینك ـ والت[۳] که اول خاك کلاردشت است و از اینجا می‌توان به‌دهکده‌های دیگر کلاردشت رفت .

راه شاه‌عباسی
که معروف به راه زیربند است ازغرب به‌شرق

این راه قدیمی‌که دنبالهٔ‌آن را در صفحات گذشته یادکردیم ازاسبچین‌تاچلندر از نقاط زیر می‌گذشته است :

اسبچین‌ـ جیسا ـ نارنج‌بندبن ـ کلارآباد[۴] ـ یال‌بندان ـ کنیرك‌دمرد[۵] ـ حصاری‌سر[۶] ـ میون‌کی‌ـ مرس‌ده[۷] ـ دامنهٔ‌جیس‌کوتی ـ چاخانی ـ زوات‌غربی‌ـ[۸] زوات‌شرقی‌ـ گردك[۹] ـ گوسن‌سنگ[۱۰] ـ آهك‌چال‌ـ سنگ‌معدن‌ـ چالوس رودخانه ـ جیزاو ـ لاراوسرك[۱۱] ـ کوشکه‌سرا ـ سنگ‌تاجن[۱۲] ـ نیرنگ ـ امامزاده‌محمد ـ چشمه‌گردك‌ـ موسی‌آباد[۱۳] ـ علی‌آبادمیر‌ـ خیررودکنار ـ چلندر[۱۴] .

نهرهای قدیمی منشعب از سرداب‌رود

نهرهای سمت چپ سرداب‌رود :

۱ـ نهری‌که در مسیر ملك‌جوب‌قدیم جریان دارد ونسبةً تازه‌آباداست قسمتی از زوات غربی و چاخانی راآبیاری می‌کند .

۲ـ هچه‌رودکیله[۱۵] که شالی‌زارهای‌دهکده‌های‌کریم‌آباد‌ـ کلاچان‌ـ هرته‌کلا[۱۶]‌ـ هچه‌رود وقسمتی از نوه‌سر را آبیاری می‌کند .

۱ـ بفتح لام . ۲ـ بفتح سین . ۳ـ بکسر لام . ۴ـ بکسر کاف . ۵ـ بفتح دال وکسرمیم . ۶ـ بفتح‌حاء . ۷ ـ بکسر میم وسین . ۸ـ بفتح زاء . ۹ـ بکسر گاف و ضم دال . ۱۰ـ بکسرسین ونون . ۱۱ ـ بسکون راء اول و فتح سین و راء دوم . ۱۲ـ بکسر گاف و جیم . ۱۳ ـ بکسر سین و سکون یاء . ۱۴ ـ بکسر چ و لام و سکون نون و فتح دال . ۱۵ـ بفتح ها و کسر چ . ۱۶ـ بکسر ها و تاء .

۳ـ نجارکلاکیله که شالی‌زارهای نجارکلا ـ گیله‌کلا ـ عباس‌کلا ـ امام رود و دوجمان راآبیاری می‌کند.

نهرهای سمت راست سرداب رود :

۱ ـ زوات‌کیله[۱] که دهکده‌های زوات و عرب‌خیل را آبیاری می‌کند. چشمهٔ چاخانی که چشمه‌ای جداکانه وجزء دشت‌کلارستاق است قسمتی ازاراضی چاخانی و قسمتی از نوره‌سررا آبیاری می‌کند .

ملك‌جوب

ازرودخانهٔ سرداب رود دو نهر بسیار قدیمی به نام « ملك‌جوب » جدا می‌شود. ملك‌جوب‌شرقی پس‌ازجداشدن‌ازسرداب‌رود، اراضی‌زوات‌شرقی وشوخس‌کت[۲] (تجی‌کلا)[۳] راآبیاری می‌کند .

ملك‌جوب‌غربی اراضی دهکده‌های : زوات غربی ـ چاخانی ـ مرسده[۴] ـ میون‌کی راآبیاری‌می‌کند و تااسبچین‌زیربند پیش می‌رود .

باقی بناها و آثار تاریخی زوات دشت کلارستاق

۱ـ آثار قلعه‌ای قدیمی بربالای قلهٔ ترکه‌سر[۵] در جنوب‌غربی‌زوات .

۲ـ قلعه وگورستانی قدیمی برسرتیرهٔ جیزچال .

۳ـ قلعهٔ تجك[۶] برسر تیره‌ای درجنوب‌شرقی زوات .

۱ـ بفتح ذاء وکسر تاء . ۲ ـ شو با واو ممدوله وضم خاء و کاف .
۳ ـ بفتح تاء و کاف . ۴ ـ بکسر میم و سین و دال . ۵ ـ بکسر تاء و فتح سین . ۶ـ بکسر تاء و فتح جیم .

قلعه‌ای از سنگ
در شهر چالوس

مقدسی می‌نویسد «در چالوس قلعه‌ای از سنگ است ومسجدجامع درکنار این قلعه است.»[۱] از سوانحی‌که در این قلعه روی داده است اطلاع زیاد نداریم فقط در دوران‌اسپهبد رستم‌بن‌قارن است که ذکری از این قلعه بمیان می‌آید. جریان این واقعه ازاین‌قرار است:

در اختلافی‌که میان محمدبن‌زید و اسپهبدرستم‌بن‌قارن پیدا شد، اسپهبد رستم بدرافع‌بن‌هرثمه پناهنده شد و از او یاری جست. رافع ورستم وقتی‌به‌گرگان‌رسیدند، محمدبن‌زید به‌قلعهٔ‌جوهینه(= جهینه)پناه داد.در قلعه‌ذخیره‌نماند، محمدفرارکرد و به‌آمل وکجور و سپس به دیلمان‌افتاد. جستان وهسودان او را یاری‌کرد. درچالوس محمدبن‌هارون ـ نایب‌رافع ـ بود. حصن محکم‌کرد وذخیره برد و منجنیق‌نهاد.چون ازآمدن محمدبن‌زید خبریافت، رافع را آگاه‌کرد. رافع به‌جواب نوشت:

البته تو با اونکوشی و ازحصن بیرون نیائی، توقف‌کن. محمدبن‌زید وجستان به‌چالوس رفتند وکار برمحمدبن‌هارون تنگ‌کردند. رافع خبردار شد، از اهلم به‌ده خواج ـ چهار فرسنگی چالوس ـ آمد. خبر به‌چالوس‌رسید. جستان وهسودان دست از حصار بداشت و ازپای قلعه برفت. محمدبن‌هارون از قلعهٔ چالوس بیرون آمد و سپاه ایشان را پراکنده‌کرد.[۲]

در دوران‌خروج‌ناصرکبیر باز ازاین قلعه یاد می‌شود. ابن‌اسفندیارمی‌نویسد: «جملهٔ‌گیل ودیلم‌پیش ناصرکبیر آمدند تا ضبط طبرستان‌کند. پسر خویش‌ـ ابوالحسین احمد ـ را به‌رویان فرستاد و میهم‌گفتند عاملی بود ازآن سامانیان بیرون‌کردند و

۱ ـ احسن‌التقاسیم، ص ۳۵۹. ۲ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، ج ۱، ص ۲۵۳.

ناصر کبیر به‌کلار رفت . اسپهبدکلار ـ محمدبن‌حسن ـ بر او بیعب‌کرد . ازآنجا بـا کورشید شد و فردا به‌چالوس رفت و ابن عم‌خویش حسن‌بن‌قاسم را به مقدمهٔ لشکـر فرستادتا چالوس مستخلص کند . محمدصعلوك باپانزده هزار مرد به موضعی که‌بورود[1] گویندآمده بود . چون ناصر برسید مصاف دادند و حسن‌بن‌قاسم آن روز مصاف‌آرای لشکر بود. صعلوك را منهزم‌گردانید وخلقی بسیاررا از اصحاب اوبه‌قتل‌آوردند روز یکشنبهٔ جمادی‌الاخرة سنهٔ احدی وثلثمائه و فردا به‌چالوس رفت و ابوالوفا خلیفةبن نوح راکه درآن حصاربودگرفته و جمله خراسانیان را کشته و حصار با زمین راست گردانید چنانکه اثر پدید نبود .[2]

آثار این قلعهٔ قدیمی به‌شکل تپه‌ای ، در محوطهٔ قصر سلطنتی چالوس ، سمت راست رودخانه و جادهٔ چالوس باقی است .

مسجد جامع قدیم
در چالوس

از این مسجدکه مقدسی ازآن یادکرده است و می‌نویسد درکنار قلعهٔ‌سنگـی چالوس بوده است ، آثاری باقی نیست .[3] اما ازگذشتهٔ آن‌بی‌خبر نیستیم، از نخستین بیعتهایی‌که مردم طبرستان باسادات‌کردند در همین جامع چالـوس بوده است و شرح آن از این قرار است :

پس ازآنکه مردم‌طبرستان ازجوروآزار محمدبن‌اوس‌ستوه شدند پیش‌محمدبن

۱ـ رابینو می‌نویسد کـه‌بورسر ازدهکده‌های کلارستاق برکنار بورود است. (ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۱۴۶) بورسر از دهکده‌های قشلاقی کلارستاق است که‌در سه‌کیلومتری‌غربی چالوس در دوطرف راه چالوس به‌شهسواراست. ۲ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیـار، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ . تاریخ‌رویان مولاناولیاءالله ، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ . تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۱۷ . ۳ـ احسن‌التقاسیم ، ص ۳۵۹ .

ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی امیرالمؤمنین آمدند و قصد داشتند که با او بیعت کنند . او گفت مرا اهلیت نیست. مرا در ری دامادی است که خواهرم را دارد به‌نام حسن بن زید بن اسماعیل حالب‌الحجاره ، شجاع و کافی و عالم است و حربها دیده، کسی را به ری بفرستید واورا بخواهید . مردم چنین کردند. حسن بن زید علوی روز سه‌شنبه بیست و پنجم ماه رمضان سنهٔ ۲۵۰ به‌سعیدآباد آمد و مردم با او بیعت کردند. بیست و هفتم رمضان به‌کجور شد و مردم آنجا نیز با او بیعت کردند و محمد بن عباس وعلی بن نصر وعقیل بن مسرور را به‌چالوس فرستاد پیش حسین بن محمد المهدی الحنفی، دعوت اورا اجابت کردند و به‌مسجدجامع شدند و بیعت جملهٔ مردم آن دیار را بستدند . [۱]

مرقد مادر ثائرعلوی
در چالوس

پس از آنکه ابوالفضل الثائر العلوی درچالوس مستقر شد ومردم براو جمع شدند، خبر به حسن بویه در ری رسید . ابن‌عمید را به‌یاری علی بن کامه فرستاد ، اما لشکر آل‌بویه شکست خورد. ثائرعلوی، مادر رنجور خود را در ری گذاشته بود وفات یافت. حسن بویه در تابوت نهاد ، چنانکه رسم ملوك باشد به خوبتر وجهی به‌آمل فرستاد . ثائر علوی جسد مادر را به چالوس فرستاد و دفن کردند . [۲] مرقد او ظاهراً درگورستان عمومی بوده است .

مرقد سیدفضل‌الله و سیدظهیرالدین
در چالوس

این دوتن که از نوادگان میرقوام‌الدین مرعشی هستند، پسر و پدری هستند که

۱ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار ، ج ۱ ، ص ۲۲۹ .
۲ ـ تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، ج۱ ، ص ۲۹۹ و ۳۰۰ .

پهلوی یکدیگر در چالوس به‌خاك سپرده شده‌اند . رشتهٔ نسب ایشان چنین است : سیدفضل‌الله بن ظهیرالدین بن سید علی بن میرقوام‌الدین مرعشی .[۱]

بقعه‌ای به‌نام یوسف‌رضا
در گورستان عمومی چالوس

این بقعه‌که نسبةً قدیمی‌بود، سیلاب رودخانهٔ چالوس‌آن راکند و ازمیان‌برد.

آثار راهی قدیمی
در سمت چپ رودخانهٔ چالوس

این راه در سه‌کیلومتری جنوب چالوس بـا سنگفرش، در طرف چپ رودخانه هنوز باقی است . ظاهراً دنبالهٔ راه ناصرالدین‌شاهی‌است که به‌چالوس می‌آمده است.

آثار شهر قدیمی چالوس
زیر بناها و خیابانهای شهر کنونی

زیر شهرکنونی چالوس ، در عمق پنج تا ده‌متری آجر فراوانی دیده می‌شود . درگودبرداریها ، خرابه‌های دکان و بازار هم پیدا کرده‌اند.

دو نهرقدیمی
برسمت راست رودخانهٔ چالوس

آثار دونهرقدیمی‌که مقداری از مجرای‌آنها در سنگ کنده شده و در بعضی جاها درحدود ده تا بیست‌متر با آجر دیوارچینی‌کرده و مجرای آب راعبورداده‌اند در سمت راست رودخانه دیده می‌شود. آثار این دو نهر پشت قصر سلطنتی چالوس روشن و آشکار است . ظاهراً آب این دونهر از رودخانهٔ چالوس به آبادیهای دشت کجور می‌رفته است .

۱ـ تاریخ‌طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۳۹۳ .

گورستانی قدیمی
در جنگل مشعل و مشعل‌مازو[۱]

در جنوب چالوس گورستان قدیمی بزرگی درجنگلی به‌نام مشعل ومشعل‌مازو دیده می‌شود . گورها اسلامی است و سنگ قبری در آنجا دیده نشد .

نهرهای قدیمی که
از رودخانهٔ چالوس جدا می‌شوند

نهرهای سمت‌چپ‌آب یا نهرهای کلارستاق :

۱ـ علی‌آبادکیله‌که دهکده‌های علی‌آباد، کردخیل[۲]، درمش‌کلا[۳]، خرمنه ، تجن‌کلا[۴] و تازه‌آباد را مشروب می‌کند .

۲ـ چالوس‌کیله که در دوراهی دوسگر[۵] دوشعبه می‌شود :

شعبهٔ غربی دهکده‌های علوی‌کلا[۶]، بوره‌سر، میان‌ده را مشروب می‌کند .

شعبهٔ شرقی دهکده‌های سلیم‌آباد، گرامه‌جان[۷]، آیشه‌بن و چالوس‌محله را آبیاری می‌کند .

۳ـ آبرنگ‌کیله که دهکده‌های آبرنگ، اس‌سر[۸] تا اراضی فرج‌آبادرامشروب می‌کند .

۴ـ فرج‌آبادکیله‌که اراضی دهکده‌های فرج‌آباد را مشروب می‌کند.

نهرهای سمت‌راست‌آب یا نهرهای دشت‌کجور:

۱ـ ده‌گیری‌کیله[۹] که اراضی دهکده‌های ده‌گیری ، اشکار دشت[۱۰] لاراوسر ،

۱ـ بکسرلام. ۲ـ بضم‌کاف وکسردال. ۳ـ بفتح دال وضمیم وفتح کاف.
۴ـ بکسر تاء و جیم . ۵ـ بفتح گاف. ۶ـ بضم عین. ۷ـ بکسر گاف .
۸ـ بفتح الف وکسرسین‌اول. ۹ـ بفتح دال. ۱۰ـ بکسرالف .

کوشك‌سرا[1] ، هلیستان[2]، پالوژده[3] وکورکورسر را مشروب می‌کند .

۲ـ مجیدآبادکیله که اراضی مجیدآباد و سرزمینهای شمال پالوژده راآبیاری می‌کند .

بقعهٔ حمزه‌رضا
در دهکدهٔ کوشك‌سرای چالوس

بنایی است قدیمی از سنگ وگچ که به شکل هشت ضلعی ساخته‌اند و در هر یك از اضلاع داخل و خارج طاق‌نمایی که به زیبایی بنا افزوده است ، دیده می‌شود (عکس‌شمارهٔ ۲۲). برای تبدیل این هشت ضلعی به دایره، در داخل بنا، در زاویهٔ میان هردوضلع گوشواری ساخته‌اند ومیان دوگوشواره‌های‌اضلاع را، در بالای طاق‌نمای‌هرضلع نیز گوشوار دیگری‌افزوده‌اند و بدین‌ترتیب با افزودن شانزده‌گوشوار ، دایره‌ای به وجودآورده‌اندکه سقف بنا را برآن استوارکرده‌اند . سقف بنا از داخل مدور و از خارج کلاه درویشی هشت‌ترك است .

در وسط بنا صندوقی چسوبین به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۲۰ و بلندی ۱۳۵ سانتیمتر است که مدفن حمزه‌رضا را پوشانده است . طرف قبلی بنا پنجره‌ای نورگیر کوچك است. در ورودی شرقی‌است و ازکفش‌کن وارد بقعه می‌شود(عکس‌شمارهٔ۲۳). ابعاد داخل‌کفش‌کن ۳۵۰ سانتیمتراست .

درشمال این بنا، بنای دیگری است‌که معروف است مدفن خواهر حمزه ـ رضاست و به نام«خاتون‌رضا» خوانده می‌شود .

بنای اصلی این بقعه از داخل ۴۶۰ × ۳۵۰ سانتیمتراست .

۱ـ بکسر کاف دوم . ۲ـ بفتح‌ها . ۳ـ بکسردال .

جلو در ورودی این‌بنا، ایوانی به درازای ۴۶۰ وپهنـای ۱۶۰ سانتیمتر است که دارای پنج‌ستون چهارسوست‌که سرستونهای نسبةً ظریف دارد . سقف‌ایوان وبقعه پلورکشی و از رو پل‌کوبی است وبام‌بنا را به تازگی‌حلب‌سر کرده‌اند .

در محوطهٔ اطراف این دوبقعه‌گورستانی قدیمی است و درختـان آزادکهنسال دارد . محیط دایرهٔ قطورترین‌آنها ۶۲۰ سانتیمتر و دو اصلهٔ دیگـر به ۴۳۰ و ۳۶۰ سانتیمتر بالغ بودند .

قلعهٔ اسپی‌سنگ
در مرتع ورگاویج در جنوب شرقی چالوس

برسرکوهی‌که مسلط برجادهٔ چالوس است و حدغربی آن رودخانهٔ چـالوس و حدشرقی اشکاردشت[1] ولاراوسر و حدجنوبی مرتع جیزو وحد شمال‌غربی شهرچالوس است قلعه‌ای قدیمی‌است .

برجی‌مدور به‌ارتفاع نیم‌متر و شالودهٔ دیوارهایی‌که با سنگ وگـچ چیده شده است برجای است . آب‌انباری مدور به‌عمق شش متر که بیشترقسمتهـای‌آن راکنده و زیرو رو کرده‌اند در قسمت شمالی‌این‌قلعه است . درساختمان این‌قلعه، آجرنیزمورد استفاده بوده است. ابعاد آجرهایی‌که در اراضی قلعه دیده شده، به‌ترتیب زیراست:

۲۵ × ۲۵ × ۴٫۵ سانتیمتر و ۲۴ × ۲۴ × ۴ سانتیمتر و ۱۸٫۵ × ۱۸۵ × ۳٫۵ سانتیمتر .

۱ـ بکسر الف .

۳ـ بناها و آثار تاریخی نواحی بیرون‌بشم کلارستاق

امامزاده خلیل

در سعدآباد (سعیدآباد) نزدیك بابوده بیرون‌بشم کـلارستاق مرحوم میـرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه ازاین امامزاده یادکرده وآنرا در دهکدهٔسیدآبادمی‌داند.[۱] امروز این‌اراضی که نزدیك دهکدهٔ بابوده وکناراه چالوس‌است «سعدآباد» خوانده می‌شود . ظـاهراً این محل همان سعیدآباد رویان است‌که سعید دعلج آباد کـرده و کاخی درآن ساخته است و احتمال می‌رودکه امامزاده خلیل در محوطهٔ کاخ بنـا شده باشد .

دو سال‌قبل(۱۳۵۰ شمسی) بنای قدیمی امامزاده خلیل را به‌هم‌ریختند . فعلاً بنایی نوساز چهارگوشه است‌که‌گنبدی هشت‌ضلعی سیمانی بربـالای‌آن ساخته‌انـد . دو در ورودی جنوبی وغربی دارد و در دو ضلـع دیگر دوپنجره تعبیه شده است. در دو طرف حیاط مقابل در جنوبی، اطاقهـای خشت و گـلی برای زائـران‌ساخته‌اند. گورستانی قدیمی اطراف این بقعه است .

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

گورستان قدیمی گرمابك
بر سر تپه‌ای نزدیك گرمابك بیرون بشم کلاردستاق

بر سر تپه‌ای سنگی و منفرد ، درمغرب مرزان‌آباد ، چندسال‌قبل‌آقای مرزبان مجسمهٔ گاوکوهان‌دار با پنج ظرف سفالین و دو خنجر و یك دستبند برنزی یافت . دهم اوت ۱۹۵۴ دست به‌کار حفاری این‌محل شدند وپس ازمدت‌کمی‌کندوکاو شش گور ظاهرشد و پس از بیست روزکاوش ، سی‌ویك‌گور یافتند . در این‌گورهاآجر و سنگ به‌کار نرفته است وگاهی چند جسد در یك‌گور به‌خاك سپرده شده بود . دریك گور سیزده جسد و درگور شمارهٔ هفت ، نه‌جسد به دست آمد . گورها سمت معینی ندارند و مردگان در جهات مختلف به خاك سپرده شده‌اند . گورهای این‌گورستان گرد و بیضی وچهارگوشه است. از این‌گورستان ظروف سفالین فراوان و اشیاء زینتی ظریف به دست‌آمد .[۱]

بقعهٔ آقاعبدالرضا = عبدالرزاق
نزدیك دهکدهٔ پردنگون[۲] بیرون‌بشم کلاردستاق

بنای اصلی بقعه شش‌ضلعی است که‌پهنای هرضلع‌آن به۱۹۵ سانتیمترمی‌رسد . در چهار ضلع آن خفنگهای نورگیر و در ضلع شمالی طاقچه‌ای تعبیه شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی‌است . پهنای این در از لبهٔ چهارچوب ۸۵ و بلندی آن

۱ــ برای اطلاعات بیشتر به رسالهٔ زیر نگاه کنید :

Les de couvertes fortuites Klardasht, Garmabak, Omam et Tomadjan . Par Dr. H. Samadi .

۲ــ بشم ب وسکون راء مهمله وفتح دال‌وسکون‌نون،پردنگون: ده ازدهستان‌بیرون ــ بشم بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، هیجده کیلومتری جنوب شرقی حسن‌کیف و یك کیلومتری غرب شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۱۵۵ سانتیمتر است. میان بنای اصلی، صندوقی چوبین قاب وآلت به درازای ۲۰۲و پهنای ۷۵ و بلندی ۱۰۲ سانتیمتر قراردارد. قسمت اعظم صندوق قدیمی وکنده‌کاری بسیار ظریف‌آن درآتش‌سوزی از میان رفته است. یك بدنهٔعرضی‌آن فعلاً باقی است که نموداری از ظرافت و دقت‌کنده‌کاری‌آن است . میان این‌بدنه، ستاره‌ای شش‌پررا باکثیرالاضلاعها ترکیب‌کرده ولبه‌های این نقش‌که به‌حاشیه‌می‌رسد، به قطعات‌چوبین به‌شکل ذوزنقه ختم می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۴) . برحاشیه‌های اطراف‌آن کتیبه‌های زیر حك شده است :

چوبهٔ زیر:

«قل‌هواللّٰه‌احد اللّٰه‌الصمد لم‌یلد ولم یولد ولم‌یکن‌له‌کفواً ».

چوبهٔ سمت راست :

«احد بسم‌اللّٰه‌الرحمن‌الرحیم قل اعوذ بربّ‌الفلق » .

چوبهٔ بالا :

« [یؤ] ده حفظهما و هـوالعلی‌العظیم لااکـراه فی‌الدین قدتبین‌الرشد من الغی‌فمن یکفر ...» .

چوبهٔ سمت‌چپ :

«واللّٰه یرزق من‌یشاء بغیرحساب بسم‌اللّٰه‌الرحمن‌الرحیم » .

ظاهراً برحاشیهٔ بالای اطراف صندوق «آیةالکرسی» حك بوده است.

لنگه دری‌کوچك‌که ظاهراً مربوط به‌صندوق قدیمی بوده است، در ایوان این بناست‌که‌کنده‌کاری ظریف نظیر صندوق دارد . پهنای‌آن ۲۵ وبلندی‌آن ۷۰سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۵) .

پاره‌های چوب‌کنده‌کاری با نقشهای اسلیمی در ایوان امامزاده دیده شد(عکس شمارهٔ ۲۶) .

ایوانی طرف شرق‌بنا، درجلودر ورودی است . این‌ایوان‌عریض، لتازهٔ چوبین بلند ویازده‌ستون با سرستونهای ظریف دارد .

بردو تا ازتخته‌های پل‌کوبی سقف این ایوان(عکس شمارهٔ ۲۷)، مطالب زیر باقلم ومرکب نوشته شده است :

درچهارکنج تختهٔ مربع مستطیل اول :

« چه‌روزقیامت‌بلرزدجسد محمدبفریـاد صفدر رسد»

در امتداد ضلع کوچک‌سمت راست مستطیل، بیت زیر نوشته شده است:

«یا محمد

چه یـوم قیامت شودآشکار محمدشفاعت‌کند ذوالفقار »

متن‌کتیبهٔ مستطیل اول به شرح زیراست :

« یاهو مسبب‌الاسباب در سال‌خیرمآل پارس‌ئیل سنهٔ هزاروسیصد و بیست هجری‌بندهٔ‌سراپاتقصیرلطفعلی‌بن علی‌تیرگر بیرون‌بشمی بدستیاری‌صانع‌ماهر استاد جعفرعلی‌مع برادرش استاد سبزعلی‌لورائی از اهـل نساء به‌نظارت و پیش‌کاری خیرالزوّار مشهدی ذوالفقار الاملی وچراغ‌چی‌گری شیخ شمس‌الاملی در صدد تعمیر سقف و بنیان مسجد و حصار وکل‌دستهٔ امامزادهٔ‌لازم‌التعظیم جناب عبدالله‌الرضا علیه وعلـی‌آبائه واجـداده آلاف‌التحیة والثنا باهتمام جناب مستطاب‌آخوند ملامحمد برآمدیم و ایـن امر خیر در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه و حکومت قوی‌شوکت ابدمدت علی‌قلی‌خان ملقب بمنتصرالسلطنه زادالله عمـره [اتمام] پذیرفته انشاءالله خداوند عالم ... بانی و زحمت‌کشندهـا همه را اجر جزیل وعمر طویـل کـرامت فرمـایدو بشفاعت پیغمبـرآخرالزمان بهره‌مندگرداندکاتب . . .

فضل‌الله‌بن‌حاجی بابابن‌کربلائی محمد غریق رحمت ایزدکسی باد که کاتب رابیاك حمدی‌کند یاد ۱۳۲۰».

برتختهٔ مستطیل پایین مطالب‌زیر نوشته شده است :

«یاهو درسال خیرمآل طنقوزئیل درسنهٔ هزارو دویست‌و شصت‌و هفت‌هجری حقیر سراپا تقصیر علی‌تیرگر بیرون‌بشمی باهمهٔ‌انکسار و بی‌بضاعتی بدستیاری صانع ماهر استادمحمدقلی درصدد تعمیر سقف امامزادهٔ لازم‌التعظیم جناب عبدالله‌الرضا علیه وعلی‌آبائه و اجداده آلاف‌التحیة والثنا برآمدیم پس از اذن و امضای تولیت از مجتهدجامع‌الشرایط والارکان جناب میرزامحمد تقی‌نوری نورالله مرقده باهتمام استادی‌الوحید جناب آخوند ملا علیرضای الاملی زیدعمره زمانیکه مجتهد . . . سرکارآقا . . . تنکابنی قائم‌مقام مجتهد مرحوم مزبورگردیده و سریر سلطنت برناصرالدین‌شاه قاجارمفوض شده و فتحعلی‌خان بعداز قمع و عزل حبیب‌الله‌خان ولایات ثلث راحاکم شده و سرکار آقا اسدالله بفرمان‌فرمائی‌کلارستاق مستقل‌گشته و طایفهٔ بابی مقهور پادشاه مزبورگردیده است ازخدای مهربان ...که باعث و بانی و بکسانیکه درین‌مقام زحمت‌کشیدند ازشفاعت پیغمبرآخرالزمان بهره‌مند گردند انشاءالله ۱۲۶۷.»

سراسر بنا سابقاً لت‌پوش بوده وفعلاً حلب‌سراست .

جلوایوان حیاطی است . این‌حیاط سردری ورودی دارد . گلدسته‌ای‌بر سر در ورودی است . ابعادآن درحدود سه متراست . هر طرف‌آن چهارستون چوبین سادهٔ پخ‌زده با سرستونهای نسبتاً ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۲۸) .

در قدیمی وکنده‌کاری‌بنا، در منزل قاسم‌نجار صادقی‌است‌که دهان دهکدهٔ پردنگون است وهمسراو از نشان‌دادن آن ابا کرد .

بقعهٔ سیدمحمدبن امام‌جعفرالصادق علیه‌السلام
در دهکدهٔ گویتر[۱] ازدهکده‌های بیرون‌بشم کلارستاق[۲]

بنای اصلی بقعه از سنگ وگل وچهارگوشه است. بربالای هرکنج گوشواری دارد و پایهٔ طاق را بدین‌طرز جمع کرده وگنبدی که کمربندآن هشت‌گوشه است براین بنا زده‌اند. ابعادبنا از داخل ۲۷۵ × ۲۸۵ سانتیمتر است. هرضلع‌دارای طاقنمایی باطاق هلالی‌ٔاست و داخل‌طاقنماهای غربی و شرقی، دو محراب‌مانند، بنا شده‌است. در ورودی در طاقنمای جنوبی و داخل طاقنمای شمالی طاقچه‌ای است. صندوقی چوبین باقاب وآلت وکنده‌کاری ساده به‌درازای ۲۰۳ وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۵سانتیمتر در وسط بناست. کفش‌کنی طرف قبلی‌بناست‌که بعداً بدان افزوده‌اند و سراسر بام کفش‌کن وگنبدامامزاده را با حلب پوشانیده‌اند.

گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف امامزاده است‌که سنگهای‌تراش‌دارقدیمی درآن زیاد است. سنگ قبری تاریخ‌دار در این‌گورستان دیده نشد. تنها سنگ قبر مورخ، سنگ قبرکوچکی است درحرم بدین‌شرح:

«انت‌الباقی وفات‌المرحوم‌المغفور ملاعلی‌خلف ملااسمعیل طالقانی فی سنه ۱۲۷۶.»

تعداد دوازده اصله درخت تادانهٔ قدیمی در محوطهٔ‌گورستان به‌نظررسیدکه محیط دایرهٔ تنهٔ‌کهنترین‌آنها بدین‌ترتیب است:

۴۴۵ و ۴۴۴ و ۳۶۰ سانتیمتر.

۱ــ بفتح گاف و تاء. گویتر: ده ازدهستان بیرون‌بشم بخش کلاردشت شهرستان‌نوشهر، سیزده کیلومتری جنوب شرقی حسن‌کیف و یک‌کیلومتری شوسهٔ مرزان‌آباد به کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

۲ــ میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه‌یاد کرده است، نگاه‌کنید به‌مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملک سال ۱۲۹۹.

امامزاده یحیی
در دهکدهٔ چلاجور از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده‌است[۱] اما کندوکاو گنج‌گیران چیزی ازآن به‌جای نگذاشته بود .

امامزاده علی موسی‌الرضا
در دهکدهٔ سما[۲] از بلوك بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده یادکرده است.[۳] بنایی است از سنگ وگل با بام حلب پوش واثری تاریخی ندارد .

قلعهٔ سنگ‌سرك[۴]
بالای کوه سنگ‌سرك در بیرون‌بشم کلارستاق

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:«این قلعه راه طالقان‌را به‌کلاردشت حراست می‌کرد.»[۵] آثار قابل بررسی‌ازاین قلعه برجای نبود .

بقعهٔ شاه علمدار
بربالای قله‌ای میان بلوك بیرون‌بشم و کلاردشت

برای رسیدن به‌این قله از دهکده‌های برار و مرزان‌آباد راه‌هست . بقعه‌ای

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ . ۲ـ سما بفتح‌سین، ده از دهستان بیرون‌بشم کلاردشت شهرستان‌نوشهر، سیزده کیلومتری شمال‌شرقی حسن کیف و هفت کیلومتری شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). در جنوب این دهکده دریاچه‌ای طبیعی به‌نام «کبوددریاء» است که ظاهراً براثر زلزله و شکست کوه به‌وجودآمده است . ۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .
۴ـ بفتح سین و سکون نون وکسر گاف و فتح سین دوم و راء مهمله و سکون کاف .
۵ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ .

است ازسنگ وگچ. بام‌آن سابقاً حلب‌سر بود اخیراً بامی باسیمان ساخته‌اند.

این قلعه‌که یك سامان‌آن به‌کله‌کت[۱] و یك‌سامان‌آن به سرسیرا[۲] ویك‌سامان به کنور[۳] وسامان دیگرآن به اسبان‌سرا[۴] محدود می‌شود ، از بلندترین قلعه‌های این نواحی است و بقعهٔ شاه علمدار را باید از بقاعی دانست‌که برسرکوههای سرکشیده و بلند، به یاد عظمت و سربلندی‌آن ساخته‌اند و نظیر این بقعه‌را در صفحات‌کوهستانی گیلان درمجلدات اول و دوم فراوان یاد کرده‌ایم .

۱- بفتح کاف وکسرلام وفتح‌کاف دوم وسکون‌تاء . ۲- بفتح سین اول .
۳- بکسر کاف. ۴- بکسرالف‌و سکون سین وکسرنون و فتح‌سین دوم.

۴ـ بناها و آثار تاریخی کلاردشت کلارستاق

خاك کلاردشت ، دشت وسیعی است که میان رشته‌های کوه قرار دارد و رودخانهٔ سردابرود که از دریاچه‌های کوچك دامنهٔ شمالی تخت‌سلیمان سرچشمه می‌گیرد، از میان آن می‌گذرد . اگر خاك کلاردشت ، همان کلار قدیم باشد ازقدیم حد فاصل میان دیلمان و رویان و زمانی جزو خاك رویان یا رستمدار بوده‌است .

امیر تیمور در بازگشت از حلب ورفتن به‌سمرقند در کلاردشت درنگ کرد.[۱] شاه‌عباس در سیچقان‌ئیل سال ۱۰۲۱ درکلاردشت بود .[۲]

ناصرالدین‌شاه قاجار بارها، پس از استراحت درقصرشهرستانك ، از راهی که در زمان خوداو ساخته شده بود، به‌گردنهٔ کندوان وکنار رودخانهٔ چالوس وکلاردشت رفته است .

ساکنان کلاردشت را به دو دستهٔ اصلی گیل و خواجه‌وند باید تقسیم کرد . از طوایف گیل: میار[۳]، اکچ[۴]، امرج،[۵] سوادکوهی، لمسو[۶] (ازنورآمده‌اند) ، طالقانی انگریج[۷] ،رودگر، متکا[۸]، و فخی[۹] (فقیه) قابل‌ذکرند. میرزا طاهر تنکابنی ازطایفهٔ فخی

۱ـ مازندران مهجوری، ج ۲. ص ۲۰۶. ۲ـ تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ، ص ۱۶۴. ۳ـ بفتح میم. ۴ـ بفتح‌الف وکسر کاف. ۵ـ بفتح‌الف وکسرراء. ۶ـ بفتح لام ومیم. ۷ـ بفتح الف و سکون نون. ۸ـ بضم میم و فتح و تشدید تاء. ۹ـ بفتح فاء .

(فقیه) کردیچال کلاردشت است .

طوایف خواجه‌وندکه ظاهراً در زمان نادرشاه و کریم‌خان‌زند بدین صفحات کوچانده شده‌اند، شامل : یزدانی، دلفان‌آذری[۱]، مشعشعی، لک، قرایاقزندی و خواجه‌وند می‌باشند .

این ناحیه که از قدیمترین ایام آبادان بوده ، تمدنهای مختلف به خود دیده است . لوئی واندنبرگ درکتاب خود در بارهٔ زیرخاکیهای این ناحیهٔ قدیمی ایران مطالب زیر را نوشته است:

« در ناحیهٔ کلاردشت‌که درمغرب جادهٔ‌کرج‌به چالوس قراردارد ، درضمن‌انجام کارهای ساختمانی،گورستانی پیداشدکه اشیاء ذیقیمتی ازآن بیرون‌آمد .کشف این اشیاء نشان دادکه صنعت وهنر ناحیهٔ‌کلاردشت تحت نفوذجریانهای مختلف قرارداشته است . با این حال تمام آن اشیاء متعلق به یك قبرستان بوده است وهمهٔ آنها با هم همدوره می‌باشد و می‌توان آنها را میان سالهای هزار تا هشتصد پیش از میلاد قرار داد . درمیان‌آنها خنجری از طلا و جامهایی از همان فلز وجود داردکه بسیارقابل توجه است . نقوش جام اخیر شباهت فوق‌العاده به‌هنر «هیتی‌ها» دارد و در سه طرف آن سه شیر به سبك هنر«هیتی‌ها» نقش شده‌که سرهایشان به‌صورت برجسته، ازجدار خارجی ظرف بیرون می‌آید . در همین قبرستان چندجام بدون پایه با پیکر و سر گوزن، از جنس‌گل‌پخته، پیدا شده‌که به منزلهٔ پیش‌قراول جامهای زرین بدون‌پایهٔ عهد هخامنشی است . ظروف گلی دیگری در این گورستان پیدا شده‌که بیشترآنها به‌شکل‌کوزه‌های‌کوچك‌دسته‌دار وکوزه‌های‌کوچك نوك‌دار، شبیه به‌قوری ازگل پختهٔ قرمزرنگ می‌باشد و به‌ظروف سفالین‌گورستان تپهٔ سیلك[۲] نزدیك‌کاشان شباهت دارد.

۱ـ بکسردال . ۲ـ بکسر سین و فتح یاء و سکون لام وکاف .

درگورستانی نزدیك شهر دماوند، دو جام بدون پایه‌که قسمتی ازآن به شکل سرگوزن است و از جنس گل‌قرمز می‌باشد، پیدا شده . همراه این دوجام سکه‌هایی بوده‌که تاریخ‌گذاری آنها را آسان‌کرده است و به این طریق توانسته‌اند تاریخ یکی ازآن دو جام را از دوران پادشاهی فرهاد دوم (۱۳۸ پیش از میلاد) و دیگری را از عهد مهرداد دوم (۸۸ـ۱۲۳ پیش از میلاد) تشخیص دهند .

بنابراین جامهای مزبور از دوران اشکانیان است ، ولی با جامهای نظیرشان که درکلاردشت پیدا شده و باجامهای بدون پایهٔ طلای دوران هخامنشی ، شباهت زیاد دارد.

اشیاء دیگری‌که در ناحیهٔ‌کلاردشت و چالوس و ساری پیدا شده، نشان داده است‌که در مازندران تعداد زیادی از ظروف نقرهٔ عهد ساسانی وجود داشته‌است.

بازدرهمین ناحیهٔ‌کلاردشت جعبه‌ای فلزی‌پیدا شده‌که حاوی اشیاء نقره‌و زری از عهد ساسانی بوده . روی دو جام زرین مکشوف درکلاردشت قباداول (۵۳۱ـ۴۸۸ میلادی) سوار براسب نشان داده شده است . شاه مشغول شکارگورخری است، روی دو جام دیگر، شیری داخل دایره‌ای دیده می‌شود و روی جام دیگر شیری بالدارمجسم گردیده و باز روی جامهای دیگر یك عقاب در میان یك دایره نقش شده و در شش دایرهٔ دیگر که برآن محیط است ، شش خروس قرار داده شده . جام از نقره است ولی نقوش‌آن با ورقی از طلا پوشیده شده است . دو تنگ نقره درهمین ناحیه کشف گردیده‌که نقش قابل توجهی دارد . در روی جدار خارجی یکی از آنها نقش‌گل «لوتوس» (نوعی ازگل نیلوفر) به‌صورت مصنوعی در میان دو ترنج دیده می‌شود . در هر ترنج خروسی نقش‌شده . زمینهٔ تنگ دیگرطلایی است و روی‌آن رقاصه‌هایی‌که در زیر چهارطاقنما قرار دارند ، به‌صورت برجسته نقش‌گردیده‌اند.[۱] از طاقنماها ،

۱ـ باستان‌شناسی ایران باستان، ص ۶ .

شاخه‌های درخت مو و خوشه‌های انگور آویزان است. درکناررقاصه‌ها، نوازندگانی در میان انواع حیوانات، مانند روباه وکبك و بلدرچین و ببر دیده می‌شوند . قسمت زیرین تنگ‌که مانند عدس محدب است ، حیوان افسانه‌ای بالداری راکه شباهت به طاووس و شیر و اژدها دارد ، نشان می‌دهد و در دو طرف آن حیوان، دو سرشیرقرار گرفته و در میان دهان شیران سوراخی است . وقتی تنگ زرین پر ازشراب می‌شده، از آن دو سوراخ ، داخل در جامها می‌گردیده است .

روی دو قطعهٔ زری ابریشمی‌که در همین محل پیدا شده، شاه بهرام چهارم (۳۹۹ ـ ۳۸۸ میلادی) در حال شکار شیرها نشان داده شده است . ولیعهد همراه پادشاه و سوار بر اسب است وگاوی وحشی را موردحمله قرار داده است . وقتی توجه شود که تا این تاریخ تقریباً تمام ظروف نقرهٔ مکشوف از عهد ساسانیان در جنوب کشور شوروی پیدا می‌شد، اهمیت این ظروف‌که برای اولین بار در ایران به دست آمده ، نمایان می‌گردد و با پیدایش این جامهای عهد ساسانی ، از این‌پس ماخواهیم توانست بعضی اشیاء دیگر را که جداگانه کشف‌گردیده است ، به‌خوبی تاریخ‌گذاری کنیم .

هنگام جاده سازی در راه میان چالوس به‌کرج تصادفاً به‌آینهٔ نقره‌ای از عهد ساسانی برخوردندکه شیشهٔ آن از بین رفته بود. تزیینات پشت این آینهٔ سیمین مرکب از شاخ وبرگ وگلهای مختلف بودکه در اطراف دایره‌ای قرار داشت. درمیان دایره یك مرغ آبی نقش شده بود و تمام این نقوش به‌صورت برجسته بود و درصفحهٔ داخلی‌آینه چیزی به خط پهلوی نوشته شده بود که‌هنوز خوانده نشده است.»[۱]

۱ـ باستان‌شناسی ایران‌باستان، ص ۷ .

قلعهٔ کلار (کلارتپه)[۱]

بر بالای تپه‌ای دستی در میان کلاردشت کلارستاق

درکتب تاریخی و جغرافیایی‌ذکر «کلار» فراوان است وظاهراً همین قلعهٔ مورد بحث ماست که آن را سرحد دیلمان و رویان دانسته‌اند . سیدظهیرالدین نیز از این محل نام برده است.[۲]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« رسوم وآثار عمارت وبنای آن تا پنجاه سال قبل از این باقی بوده است . چنانکه در بعضی بیوتات لاهو، از مصالحی‌که در این‌قلعه به‌کار رفته ، از قبیل آجر ودر و پنجره هنوز موجود است . وضع و شکل تپه‌ای که این قلعه برآن بنا شده ، بیضی است . طولش از مشرق به مغرب است . بالای تپه شکسته پایه‌های آجری و آهکی و خرابه‌ای زیاد دیده می‌شود . دور تپه علی‌التحقیق نهصد و شصت ذرع و ارتفاع‌آن به‌خط عمودی ازشش‌الی هفت ذرع است . سمت شمال تپه با یك قسمت از مشرق که شمال جلگهٔ کلاردشت است، یکسره چمن است واز زیردامنهٔ شمالی‌این‌تپه،چشمه‌های آب صاف خوشگوار به وسط چمن‌جاری است ودر انتهای جلگه طرف شمال داخل رود سردابه‌رود می‌شود .»[۳]

وصفی‌که اعتمادالسلطنه از این تپه‌کرده بسیار صحیح و دقیق است امـا از شکسته پایه‌های آجری وآهکی و خرابه‌های زیاد که او یاد می‌کند اثری‌باقی‌نیست.

۱ـ شمارهٔ ثبت تاریخی‌کلارتپه ۴۸۹ است. ۲ـ تاریخ طبرستان و رویـان و مازندران ، ص ۲۸۶ . ۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۲۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

ظاهراً به‌مرورایام، مصالح این‌قلعه‌را برای‌ساختن‌بناهای عمومی یا خصوصی برده‌اند و فعلاً تبدیل به زمین زراعی شده است.

از قصه‌های محلی چنین معلوم می‌شودکـه مردی به‌نام « نعیم‌شاه » در اواخـر دوران صفویان واوایل زمان نادرشاه بربالای این تپه کاخی داشته و درآن ساکن‌بوده است . این مرد خود را به نام شاه‌کلارستاق معرفی‌کرده وسکه به نام خود زده است. در لشکرکشی نادرشاه به قفقاز که گذارش به صفحات کلاردشت افتاده، ایـن مرد را دستگیر وکورکرده است . اعقاب و بازماندگان این مرد به نام طایفهٔ «میار» تازمان علی‌اصغرخان سردار ـ پدر محمدولی‌خـان سپه‌سالار تنکابنی ـ کرّوفرّی داشته‌اند . در این وقت به‌دست سردار سرکوبی می‌شوند وبه جرگهٔ نوکران خاندان خلعت‌بـری درمی‌آیند .

بقعهٔ درویش رستم
در دهکدهٔ تورسو[1] از بلوک کلاردشت کلارستاق

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این بقعه به نام امامزاده سیدرستم یادکرده است.[2] دهکدهٔ تورسو متصل به اراضی لاهو، سرراه حسن‌کیف است. بنای بقعـه از سنگ وگل است . بـام آن لت‌پوش است و صندوقـی سادهٔ چوبین در میان‌بنا، گور درویش‌رستم را پوشانده است . آثار تاریخی در این بقعه نیافتم .

۱ـ بفتح تاء و واو و سکون راء و ضم سین با واو ساکن .

۲ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .

امامزاده زکریابن رضی‌بن جعفربن علی‌بن حسین‌بن علی امیرالمؤمنین علیهماالسلام در دهکدهٔ شکرکوه[۱] (شغرکوه) از دهکده‌های کلاردشت کلارستاق

بنایی است هشت‌ضلعی که مصالح اصلی آن آجر و گچ بوده است. با تعمیر و مرمت انجمن آثارملی در سال ۱۳۴۴ شمسی (۱۳۸۵ قمری) روی آن سیمان‌سفید کشیده شده است . در ورودی بنا در ضلع شرقی است و سابقاً درکفش‌کن کوچکی باز می‌شده ، اما امروز داخل مسجدی نوساز قرارگرفته است . در سطح هریك ازاضلاع هشت‌ضلعی، دو طاقنما داخل یکدیگر است . طاقنمای اول به‌پهنای ۹۰ وعمق ۲۲ سانتیمتر و مستطیل شکل است و داخل‌آن طاقنمای دیگری به‌پهنای ۶۵ و عمق ۱۲ سانتیمتر با طاقی جناقی است .

در بالای طاقنماهای مستطیل شکل با قراردادن آجرهای تر(عمود)شش‌عدد مقرنس درآورده‌اند .

پهنای اضلاع مقابل از داخل باهم برابر است . پهنای این اضلاع از در ورودی‌که ضلع شرقی است بدین ترتیب است : ۱۸۵ و ۱۵۲ و ۱۷۵ و ۱۷۵ سانتیمتر است . در ضلع مقابل در ورودی خفنگی نورگیر مشبك چوبین باطاق جناقی‌تعبیه شده و بالای در ورودی نیز نورگیری دارد.

بام بنا دوپوش، از داخل هشت‌ضلعی‌نزدیك به دایره است که گنبد مدوری برآن زده‌اند .

۱ـ شکرکوه :ده ازدهستان بخش مرکزی کلاردشت شهرستان نوشهر، هفت کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف و سه کیلومتری‌غرب شوسهٔ‌حسن‌کیف به‌مرزان‌آباد(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳) .

مرقد امروز سیمان‌کاری شده ، درازای آن ۱۸۵ و پهنای آن ۱۰۹ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است .

در ورودی چوبین دولنگه و با قاب و آلت ساخته شده است. نگاراصلی هر لنگه یك علامت ضرب در و یك ستارهٔ چهارپر است .

چهارچوب قدیمی در ورودی از بالا دارای هشت آویز چوبین کنده‌کاری است و دو سرستون‌نمای چوبین بر دو طرف هر قسمت بالای چهارچوب نصب شده است . پهنای چهارچوب ۱۲۲ و بلندی آن ۱۷۸ سانتیمتر است. برقطر چوب عمودی دست‌چپ چهارچوب عبارات: «عمل استادان اجل حسن بن مرحوم علی و...» خوانده می‌شود و برقطر چوب عمودی سمت راست عبارت « حسن بن مرحوم علی ... و استاد محمدبن اسمعیل ...»دیده می‌شود . نام استادان و نسبت ایشان در دو طرف کمی شباهت دارد.

در ورودی به‌کفش‌کن امامزاده قبلی است واز دو لنگهٔ ساده تشکیل شده‌است.

برلنگهٔ سمت راست‌این عبارات خوانده می‌شود:

« واقف علیا جناب زهرا خانم بنت مرحوم علی‌تنکابنی‌الاصل» .

و برلنگهٔ سمت چپ عبارات زیر حك شده است:

« واقف علیا جناب زهرا زوجهٔ آقا شیخ‌علی‌مدد ۱۳۱۰» .

نمای خارجی بقا هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع بالغ بر ۲۷۰ سانتیمتر است.درهرضلع زیرلبهٔ‌گنبد دو ردیف مقرنس‌برروی یکدیگر است. تعدادمقرنسهای هر ضلع در ردیف پایین پنج عدد و در ردیف بالا چهار عدد است. پوشش خارجی گنبد هشت‌ضلعی است (عکس شمارهٔ ۲۹).

نهر قدیمی ملك‌جوب
در کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این نهر از دامنهٔ عثمان‌کلا به‌طرف مشرق کنده شده وآب آن‌را ازگردنهٔ بشم به‌آن طرف برده‌اند.»[۱]

این نهر راکـه آب رودخانهٔ سردابرود را به بیرون‌بشم می‌برده ، سربندآن دهکدهٔ رودبارك است و سپس از دهکده‌های زیرمی‌گذشته است :

لرك[۲]، مجر[۳]، اجابیت[۴]، گرك‌پس[۵]، لاهو، تبرسو[۶]، پی‌قلا واسفندکـلا. پس از گذشتن از این دهکده‌ها ، وارد ناحیهٔ بیرون‌بشم کلارستاق می‌گردد . مقـداری از مجرای این نهر را به تازگی پاك‌کرده‌اند و آب سردابرود، درآن جاری بود.

امامزاده پنج‌تن
در اراضی میان دهکده‌های کردمحله[۷] و تلوچال از دهکده‌های کلاردشت

بنایی است مستطیل شکل.در ورودی‌بنا شرقی است وجلوآن ایوانی‌با نه‌ستون چوبین ساده‌ساخته‌اند.بام سراسر بنا، حلب‌سر است. داخل بنا پنج قبرساده است.

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹ . ۲ـ بفتح لام و سکون راء وکاف . ۳ـ بکسر میم و جیم. ۴ـ بضم‌الف. ۵ـ بفتح‌کاف و راء و کسر کـاف و فتح پ. ۶ ـ بفتح تـاء و باء . ۷ـ کردمحله:ده ازدهستان مرکزی بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، دوکیلومتـری شمال‌غربی حسن‌کیف (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

گور سید امیر کیا ملاطی
در کلاردشت

سیدظهیرالدین دربارهٔ این مرد می‌نویسدکه امیرکیا از سادات ملاطی است‌که در سال ۷۷۳ قیام‌کرد و درکلاردشت فوت شد.[۱]

قلعهٔ‌هرسی[۲]
برتپهٔ‌گومغزدوش نزدیك دهکدهٔ کلمه[۳] از
دهکده‌های کلاردشت

میرظهیرالدین می‌نویسدکه سید فخرالدین به‌دستور برادرش سیدرضی‌الدین به رستمدار روی‌آورد و در دشت رستمدار باملك‌قباد جنگ‌کرد، شکست برملك‌قباد افتاد و به‌کجور فرارکرد. او روی به‌کجورآورد و قلعهٔ‌کجور را نیزتسخیرکرد. پس از آن به کلارستاق رفت. قلعهٔ‌کلار در ایـن زمان خراب بود و قلعهٔ هرسی‌آبادان. چون خبر شکست ملوك رستمدار به‌ساکنان قعلهٔ هرسی رسیده‌بود، قلعه را بسپردند و به دعا و ثنا گفتن مشغول شدند. ایشان را استمالت داد و به انعامـات اوفر مفتخر و سربلند گردانید وچندنفری‌که از ایشان بوی نفاق می‌آمد، به‌ساری فرستاد و درآنجا مرسوم ومواجب تعیین‌کرد.[۴]

صاحب‌عالم‌آرا نام‌این قلعه را «هرسین» ذکرکرده و آن را در حوالیٔ رستمدار

۱ـ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، ص۲۷۱. ۲ـ بفتح هاء وسکون راء.
۳ـ بضم‌کاف ولام، کلمه: ده ازدهستان حومهٔ‌بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر، هشت‌کیلومتری شمال‌شرقی حسن‌کیف وسه‌کیلومتری غرب راه‌حسن‌کیف به‌مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۴ـ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص ۲۸۴ و۲۸۵ و ۲۸۶ و تاریخ مازندران مهجوری، ج ۲، ص ۲۱

یا تنکابن دانسته است.[۱] خرابه‌های این قلعه نزدیك دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت است.

قلعه‌گردن
بر قلهٔ کوهی مغرب دهکدهٔ کلمه از دهکده‌های کلاردشت

بر این قله که آثار قلعه‌ای قدیمی است، تنور و چند گور قدیمی یافت شده است.

قلعهٔ چناتر[۲] یا قلعهٔ بلو[۳]
بر بالای کوه چناتر یا بلو درشمال کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«این قلعه دهنهٔ طرف دریا راحفظ می‌کند.»[۴]

آثار قلعه‌ای قدیمی بربالای تپه‌ای سرخ‌رنگ برجای است که درمحل، امروز «گنبددوش»[۵] گویند.

امامزاده سه‌تن
در دهکدهٔ والت[۶] از بلوك کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه از این امامزاده نام برده‌است.[۷] بنایی است مستطیل که دروسط صندوقی چوبین ساده وجلودر ورودی بنا، کفش‌کن کوچکی است.

۱ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۶. ۲ـ بفتح چ وکسرتاء. ۳ـ بفتح باء.
۴ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹. ۵ ـ بکسر دال اول.
۶ـ بکسرلام، والت: ده ازدهستان‌مرکزی‌بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر، ۴/۵ کیلومتری شرق حسن‌کیف و دوکیلومتری غرب شوسهٔ حسن‌کیف به مرزان‌آباد (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۷ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملك سال ۱۲۹۹.

اطـراف بقعه گورستان عمومی قـدیمی است و دو درخت چنـار کهنسال در محوطهٔ بقعه است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
نزدیك دهکدهٔ پی‌قلای (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« این قلعه طرف جنوب‌شرقی کلاردشت است وطرف‌گردنهٔ بشم را حراست می‌کرده است .»[۱]

آثارکمی از این قلعه به‌جای مانده است .

اطاق سره[۲]
پشت دهکدهٔ پی‌قلا (پی‌قلعهٔ) کلاردشت

گورستانی قدیمی در محلی به نام «اطاق‌سره» پشت دهکدهٔ پی‌قلای کلاردشت است .

قلعهٔ شاه‌نشین
در بالای کوه شاه‌نشین در شمال غربی کلاردشت

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه نوشته است :

« این قلعه طرف تنکابن‌و وله‌دره‌را حراست می‌کرده است .»[۳]

این قلعه‌که امروز به‌نام « شاه‌نشینك » معروف است، نزدیك دهکده پیشنبور[۴]، در محلی به‌نام «مترز»[۵] داخل جنگل است و آثار آن تقریباً از میان رفته است .

۱ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی ملـك سال ۱۲۹۹ .
۲ـ بفتح سین و راء .
۳ـ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ‌ملی‌ملك سال ۱۲۹۹ .
۴ـ بفتح‌شین و سکون نون ، پیشنبور: ده از دهستان کلاردشت‌بخش‌مرکزی شهرستان‌نوشهر، هفت کیلومتری شمال‌حسن‌کیف (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳) .
۵ـ بفتح‌میم وتاء وسکون‌راء وزاء .

ازراه اصلی که ازکنار دره می‌گذرد، راهی فرعی برای‌رسیدن به‌قلعه‌کشیده بوده‌اند. آثار این راه تا زیراسکول[1] (غار) تا امروز برقراراست.

قلاکوتی
بربالای تپه‌ای در دهکدهٔ پیشنبور کلاردشت

آثـار این قلعه از میان رفته است ولـی از زیـرخـاك ایـن تپه کنگهـای (تنبوشه‌های) نسبةً کشاد بیرون می‌آید.

امامزاده هادی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام مشهور به‌حقانی
دردهکدهٔ حسن کیف بلوك کلاردشت

اعتمادالسلطنه میرزاحسن‌خان، از این امامزاده‌یادکرده و می‌نویسد:

« رودخانهٔ‌کلاردشت از وسط صحن امامزاده می‌گذرد.»[2]

بنای اصلی بقعه از داخل مستطیل‌شکل به‌درازی ۶۴۰ و پهنای ۵۹۵سانتیمتر است. در امتداد درازای بنا در وسط، دو ستون چوبین قطور بسیار قدیمـی و پرکار است‌که بالای آنها سرکشی (حمالی) چوبین چهارسوی‌کلفت کشیده‌اند.

ستون غربی شانزده ترك به بلندی ۲۳۵ سانتیمترکـه دارای سرستون بـزرگ کنده‌کاری پرکار ظریفی است وآیةالکرسی با خطی متوسط بـر آن حـك شده است (عکس شمارهٔ ۳۰).

آیاتی‌که بربالای سرستون است:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله لااله الا هوالحی القیوم لاتاخذه سنة ولانـوم

۱ــ بضم الف و سکون سین. ۲ ــ مجموعهٔ شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملـی ملك سال ۱۲۹۹.

لهمافی السموات و مافی الارض من ذاالذی یشفع عنده» .

بر پهلوی ستون دنبالهٔ آیات تا «هوالعلی العظیم» حك شده است .

بر پای همین ستون دو ردیف نوشته به این شرح است:

« امر بعمارة هذه المشهد المقدس المطهر السید الامام العابد الفاضل المدقق حسن ابن مار الحسینی(؟) فی ایام دولة ملك المعظم الشهریار الاعظم الاسکندر المفخم مالك الرقاب الامم جلال الدولة والدنیا والدین اسکندر خلدالله ملکهما و عمرهما» (عکس شمارهٔ ۳۱) .

ستون شرقی شامل دو قسمت است : پای ستون و بدنهٔ ستون . پای ستون از دو قسمت تشکیل شده است : قسمت بالای آن چوبی است شانزده ترك و قسمت پایین چوبی است به بلندی ۹۲ سانتیمتر . هر ترك قسمت بالای پاستون ۱۱ سانتیمتر است. میانهٔ ستون نیز شامل دو قسمت است : قسمت پایین آن چهارضلعی و کنده کاری است و بلندی آن به ۷۲ سانتیمتر می‌رسد . قسمت بالای میانهٔ ستون هشت‌ضلعی است.

صندوقی پرکار و ظریف در میان بناست. درازای آن ۲۳۸ و پهنای آن ۱۱۱ و بلندی آن ۱۰۰ سانتیمتر است .

ظاهراً بدنه‌های صندوق بهم‌خورده است . این عبارات با خطی متوسط بر حاشیه‌های بالای بدنه‌ها حك شده است :

«الشهید هادی کیا الحقینی فی ایام الدولة الملك المعظم الاسکندر الاعظم اکبر ملوك الجیل والدیلم جلال الدوله اسکندر ملك مظفر الاوائل والاواخر و الاجل السید الاکرم والامام الاعظم السند الافخم ... السادة الاشراف منبع ـ المکارم والالطاف افضل المتقدمین واکمل المتأخرین من حصة الله تعالی باکمل المفاخر و جعله شرف ـ خلّدالله رؤس ـ ابدالله سلطانه» .

این القاب ظاهراً مربوط به سه تن است :

بانی و سلطان وقت و صاحب‌قبر . بانی چنانکه از سطور پایین صندوق‌معلوم می‌شود ، سیدحیدر کیا است، وسلطان وقت جلال‌الدوله اسکندر و صاحب‌قبر ، هادی کیاالحقینی‌است .

عباراتی‌که در حاشیهٔ پایین صندوق حک‌است به‌این شرح است :

« امر بایجاد هذاالصندوق السیدالاجل الاعظم والسند المعظم المفخم قدوةالافاضل الامم‌العالم العامل الفاضل‌الکامل جلال‌الملة والدین سیدحیدر کیابن‌السیدالمرحوم زین‌الحاج ... فی‌شهر‌الله‌المبارك رمضان حاجی احمد کیابن رضا الحسینی‌العقیقی طلباً لجزیل ثوابه فجزاه الله خیراً خیراً ... انه‌لایضیع اجرالمحسنین الاستادالاجل افخر ... ملجـاالتلامذه فرهادابن استاد المرحوم رستم خلیل‌المحلی فی‌سنه اثنی وثمانین وسبعمایه».

بر چهارچوب در ورودی مطالبی حك بوده که به علت طول زمان ومالیدن‌گل روی‌آن، فرسوده شده و از میان رفته است. درقسمت اول آن این عبارت خوانده‌شد :

« امر بایجاد هذاالعماره ملك‌الساده منبع‌السعاده جلال‌الملة والدین قوام‌الاسلام . . . »

و در قسمت آخر سنهٔ زیر به روشنی خوانده می‌شود :

«سنه احد و سبعین وسبعمایه».

بلندی این چهارچوب ۲۱۰ و پهنای آن ۱۵۹ سانتیمتر است وپهنای هر لنگه در ۷۲ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است . دو لنگه در ، قاب و آلت‌است وکنده‌کاری نیز شده و بسیار شباهت به در ورودی امامزادهٔ شکرکوه در همین ناحیه دارد .

چهارطرف بنا ایوان است . هر ایوان ده ستون چهارگوش بخ‌زده دارد. چهار ستون چهارکنج لاج‌لنگری مارپیچ چپ‌به راست و سرستونهای تمـام ستونها ظریف است . پلورهای ایوان برشیرسرها متکی است. سقف‌پل‌کوبی با درزپوش زده، لبهٔ بام

یك‌پشته است و دور ایوان لتازهٔ ساده دارد . بام بنا، لت‌پوش است(عکس شمارهٔ ۳۲).

گورستانی در محوطهٔ اطراف بقعه است . سنگهای زیر در این گورستان به‌نظر رسید :

«وفات مرحومه مغفوره ملك‌سلطان خانم‌بنت شاهزاده حشمت‌الدوله بتاریخ شهرجمادی‌الاخر سنه ۱۲۵۲ . نشانه‌ها : رحل، قرآن، سجاده و مهر.»

بردو حاشیهٔ آن یك رباعی حك است.

«وفات مرحوم مغفورجنت ورضوان آرامگاه‌مهدیقلی‌خان ولد مرحوم‌مغفور صفرعلی‌خان خواجه‌وند بتاریخ دوازدهم شهررمضان‌المبارك سنه ۱۲۷۴.»

بر دوحاشیهٔ چپ و راست سنگ یك رباعی است.

«وفات مرحوم آقاسیدجعفرابن آقا سیدقهرمان۱۲۸۴. نشانه‌ها: مهر، تسبیح، شانه، دو انگشتر، رحل و قرآن.»

بر حاشیهٔ این سنگ بیت معروف :

«ایکه برما بگذری دامن‌کشان از سراخلاص الحمدی‌بخوان»

حك شده است.

گنجینهٔ کلاردشت

درمحل‌قصرسلطنتی کلاردشت‌که دراراضی«اجابیت»[1] است درسال ۱۳۱۸ه.ش. هنگام ساختمان کاخ کلاردشت ، تعدادی ظروف زرین و مقداری آلات مفرغی و چند پاره ظروف سفالین پیدا شد(عکسهای ۳۳ و۳۴ و۳۵ و۳۶). ظروف زرین رااز نظر اهمیت و توجه خاصی‌که درآن تاریخ اعلیحضرت فقید رضاشاه پهلوی نسبت به

۱ــ بضم‌الف ، اجابیت: ده ازدهستان کلاردشت شهرستان نوشهر ، دوکیلومتری‌جنوب حسن‌کیف ویك‌کیلومتری راه‌حسن‌کیف به رودبارك (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

پشتوانهٔ اسکناس داشتند، به خزانهٔ بانک‌ملی تسلیم شد. درسال۱۳۲۲ ه.ش. شاهنشاه آریامهرمقررفرمودندکه این ظروف زرین در اختیارموزه گذاشته شود.سه‌پاره ظرف زرین و یک‌کارد طلاکه در خزانهٔ بانک‌ملی بود به موزهٔ ایران‌باستان داده شد. آنچه که درمحل‌کاخ به‌دست آمده، امروز در موزهٔ ایران‌باستان است و به‌نام «گنجینهٔ کلاردشت خوانده می‌شود. آقای حبیب‌الله‌صمدی برای اولین‌بار این اشیاء مکشوفه را در دو رساله به‌زبان فارسی و فرانسه[1] معرفی کردند و درگزارشهای باستان‌شناسی نیز شرحی در بارهٔ آنها نوشته‌اند.[2]

۱ــ برای اطلاع بیشتر نگاه‌کنید به رسالهٔ :

Les découvertes fortuites KLARDASHT , GARMABAK , OMAM et TOMADJAN. PAR Dr . H . SAMADI

۲ــ به‌گزارشهای باستان‌شناسی، ج ۳، فصل‌چهارم، صفحات ۱۳۶ــ ۱۱۵ . درکتاب تاریخ مازندران مهجوری ، ج۲، ص ۲۰۶-۲۰۱ نیز ازاین مجموعه یادشده است . همچنین در فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۰ ازاین‌آثار یاد شده است.

۵ ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان شرقی و غربی کلارستاق

خانه و سرا و بازار نصیرالدوله شهریار در کوکوی کلارستاق

نصیرالدوله شهریار درکوکوکلارستاق خانه و سرای ساخته بود و شهر و بازار همه‌روزه بنیادکرده.[۱] امروز از این بناها اثری برجای نیست.

گور عمربن‌العلا در سعیدآباد رویان از کوهستان کلارستاق

سعیدآباد رویان را سعیدبن دعلج بنا کرد که به‌جای عمربن‌العلاء والی طبرستان بود.[۲] و این در زمان خلافت مهدی بود. امـا سه سال در طبرستان بود و بنا را تمام نکرد.[۳]

زیارت سعیدآباد رویان، قبرعمربن‌العلاء است که پس‌از قیام ونداد هرمزد و

۱ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله ، ص ۱۷۱. ۲ـ تـاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶ . ۳ـ تاریخ‌رویان ، ص۶۰ . ظاهراً این همان دهکدهٔ سعدآباد است که ده کوچکی‌ازدهستان‌بیرون‌بشم بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، بیست‌ویک کیلومتری جنوب‌غربی حسن‌کیف و کنار شوسه و رودخـانهٔ چـالـوس متصل بـه مرزان‌آبـاد است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بیرون‌کردن اعراب، عمر بدو پیوست و در طبرستان بماند تا وفات یافت ودر تاریخ خواجه‌علی‌رویانی مسطور است‌که زیارت سعیدآباد، از آن اوست و درآنجا آسوده است و پشته‌ای‌که در بالای‌گنبد است ، موضع قبر اوست . اما بر صندوق آن قبر نوشته‌اندکه «هذا القبر لعبدالله‌بن‌عمر بن‌العلاء بن‌عبدالمطلب» .[۱]

عبدالله‌بن حازم (پس ازکشتن قاضی‌صدام) به سعیدآباد شد. درآنجا حصاری بود و مردم درآنجا جمع شده بودند. ایشان را به قهر بیرون‌آورد و یکی را زنده نگذاشت و دیه را چنان خراب‌کردکه تا سالها آبادان نشد.[۲]

قلعهٔ فشکور[۳] و قلعهٔ فارس[۴]

نزدیك دهکدهٔ فشکور و در دو طرف‌آب رودخانهٔ این دهکده، آثار دوقلعهٔ قدیمی دیده می‌شودکه ظاهراً روزی محل سکنای اهالی این دهکده بوده است. دور این دو قلعه آثارساختمان زیاد است.درقلعهٔ فارس‌آثار پله و بربالای‌آن‌آثارساختمان دیده می‌شود .

بقعهٔ فخرالوصی
در دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بنایی مربع شکل است‌که از سنگ وگل ساخته شده است. این‌نوع بناها در محل به نام «باری» خوانده می‌شود . صندوقی سادهٔ چوبین در میان‌بناست . سراسر بنا، حلب‌سراست. گورستانی‌قدیمی و وسیع اطراف این بقعه‌است.

۱ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۱۹۶. التدوین فی‌احوال‌جبال‌شروین، ص، ۴۵. ۲ـ تاریخ‌رویان مولانا اولیاءالله، ص۶۹. ۳ـ بکسرفاء، دماذ دهستان کوهستان بخش‌کلاردشت شهرستان نوشهر ، بیست کیلومتری جنوب‌غربی مرزن‌آباد و هشت‌کیلومتری غرب شوسهٔ تهران و چالوس (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۴ـ بکسر راء .

پی‌قلا
در جنوب غربی دهکدهٔ فشکور کوهستان کلارستاق

بالای سردهکدهٔ فشکور، برسرراهی که به دهکدهٔ پیجده‌نو می‌رود بر قلـه‌ای منفردکه دنبالهٔ آن به راه می‌رسد، آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

بقعهٔ فضل و فاضل
بربالای کوه زردك در جنوب دهکدهٔ فشکور

بنایـی است چهارگـوشه از سنگ باگنبدی مدور کـه داخل و خارج آن‌را سفیدکاری کرده‌اند . دری چوبین ساده دارد و صندوقی چوبین در میان بناست . این بقعه یادآور معابد قدیمی است و معمولاً برای تعظیم وبزرگداشت کوههای بلند این نوع بناها را بالای آنهـا می‌سازند . نظیر این بناهـا را در مجلـد اول و دوم کتاب آورده‌ایم .

قلاکوتی
بربالای کوهی نزدیك دهکدهٔ دلیر کوهستان کلارستاق

آثار زیادی از این قلعه برجای نیست . درکندوکاوها ، تبرزین، پیکان و سایر لوازم جنگی به‌دست می‌آید.

سنگ قبری
در لزیر[1] ازکشتزارهای دهکدهٔ دلیر[2] کوهستان کلارستاق

این سنگ را داخل سنگ‌چین مزرعه ، سرپا کارکرده بودند . یك طرف آن

۱ـ بکسرلام. ۲ـ کیا و سام دو خاندان قدیمی دلیرهستند .

متصل به سنگ‌چین بود و دیده نمی‌شد (عکس‌شمارهٔ ۳۷). برطرف دیگر، این بیت به‌شکل ناقص خوانده شد :

«کشیده‌ایم [به] ناکام[سر] بجیب عدم

عزیزمن چو رسید[ی] بفاتحه [دریاب] »

بالای این سنگ سه شاخه بود و ظاهراً عمودی بر بالای قبر قرار می‌داده‌اند چه بر پهلوهای آن نیز مطالبی حك شده بود.

سنگ قبری طبیعی تخت و یکپارچه
در مقابل منزل نادعلی در دهکدهٔ دلیر

این سنگ به‌درازای ۱۳۰ وپهنای ۸۰ سانتیمتر است . با زحمت زیاد آن را برگرداندیم . معلوم شد در طول زمان مطالب آن فرسوده و ساییده شده است و قابل خواندن نیست.آنچه برآن خوانده شد عبارت «کل من علیها فان» بود .

سنگ قبری
برسرراه دلیر به‌الیت[1] از دهکده‌های کوهستان کلارستاق

این سنگ‌که قسمت بالای آن سه شاخه بود، بر یك طرف آن‌این مطالب‌حك شده بود :

«هذا مرقد آخوند... بن شیخ‌مراد ملاآقاسنه ۱۰۷۰» .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

در این‌گورستان سنگهای قدیمی زیاد بوده است. بیشترآنها را در ساختمان

۱ــ بکسر الف و یاء مجهول .

خانه‌ها و سایر بناهای عمومی به‌کار برده بودند. بریکی ازآنهاکه به دستورامیراسعد، ازپهنا به دونیم شده بود (عکس شمارهٔ ۳۸)، این عبارات حك شده بود :

بر یك طرف سنگ که در قبرستان عمومی بود :

«کشیده‌ایم بناکام سر بجیب عدم

عزیز من چو رسیدی بفاتحه دریاب »

قسمت وسط بالای سنگ :

« میراحمدبن[شکسته است]» .

سمت راست سنگ:

« [شکسته است] این‌بادگار».

بر نیم دیگر سنگ‌که سمت چپ در ورودی حمام دهکده، سرپا کارگذاشته بودند ، این عبارات خوانده می‌شد :

« جنازه‌ام چو عنان میکشد بسوی تراب

[شکسته است] بجانب احبـاب »

سنگ قبر دیگری در این قبرستان به ابعاد ۸۴ × ۶۲ سانتیمتر بودکـه بالای آن سه شاخه است و این عبارات برآن حك شده است :

«هذا وفات سلیمان ورام‌بن حسین ورام تاریخ سنه تسعمائه».

سنگ دیگری به ابعاد ۱۱۶ × ۷۶ سانتیمترکه بـالای آن‌نیز سه شاخه بود ، در سنگ‌چین اطراف امامزاده کارکرده بودند (عکس شمارهٔ ۳۹). بـرپشت‌آن نقش سپر واسب وشمشیر بود. برطرف دیگرآن‌این مطالب راکه آقای علی‌اصغراسفندیاری بیاد داشتند حك شده بوده است:

« هذا وفات سهراب بن رستم توپا»[1]

سنگ قبر دیگری در همین قبرستان بود(عکس شمارهٔ ۴۰) که بریك طرف آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« هذا وفات شمس‌الدین ابن‌حسام‌توپا عمل‌استاد محمود ».

برطرف دیگر سنگ :

«فی‌تاریخ سنهٔ‌اربعه سبعین ثمان‌مائه کاتب‌حسین‌صوفی».

بقعهٔ احمدرضا و زینب‌رضا
در دهکدهٔ الیت کوهستان کلارستاق

بنایی ساده و محقر از سنگ‌وگل است. روی‌آن راکاهگل‌کشیده و سفید کرده‌اند . صندوقی ساده در وسط بناست .

خرابه‌های شهری قدیمی
در الیت کوهستان کلارستاق

برسمت چپ راهی‌که امروز به‌دهکدهٔ الیت می‌رود ، بربالای زمینی صاف و سنگی‌که منتهی به پرتگاهی عظیم، به‌طرف رودخانه می‌شود، آثارخانه‌های‌فراوان و سنگ و سفال بی‌اندازه دیده می‌شود . رودخانه‌ای که از قعر این پرتگاه می‌گذرد به «چالوس‌رود» معروف است و ظاهراً چون سرچشمهٔ اصلی رودخانهٔ چالوس است به این‌نام خوانده‌اند . از دره‌های رشته‌کوهی‌که‌طرف دست راست راه ورود به‌دهکده است باگنگهای سفالین آب را به این شهر قدیمی می‌آورده‌اند . دره‌های اصلی این کوه‌که امروز هم چشمه وآب دارند به نامهای « ولیری‌دره » و « کوچکی دره » و

۱ــ توپا و اسفندیاری دو خاندان قدیمی الیت هستند .

«مالالیکه» خوانده می‌شوند. ازسایر ویاها وچشمه‌ها نیز آب رابه این محل آورده‌اند. امروز در مسیر این آبروها، کنگهای سفالین فراوان بیرون می‌آید.

قلعهٔ اسپرز[1]

بر سر تیره‌ای از زرین‌کوه که دنبالهٔ آن به پولادکوه می‌کشد

زرین‌کوه یالها و بازوهای فراوان دارد . یکی از یالهای آن به پولادکوه‌کـه بالاسر دزبن است می‌رسد . بر سر تیرهٔ این یال قلعه‌ای قدیمی است که آثار زیادی ازآن برجای‌نیست . شاید قابل‌تطبیق با قلعهٔ «اسپی‌روز» باشد.

امامزاده اسماعیل

در پولادکوه کنار رودخانه نزدیك دزبن

بنایی است ساده با صندوقی چوبین ساده. تا چندسال پیش دری یك‌لختی‌داشت که بر آن آیاتی ازکلام‌الله مجید حك بود وعمل استادحسین باروج منسوب‌به دهکدهٔ «بارو»[2] بود . نزدیك دهکدهٔ قدیمی باروکه امروز از میان رفته است گورستانی است که سنگهای قدیمی پس از تاریخ نهصد قمری دارد.

دخترقلعه یا قلعهٔ گرده‌رو[3]

بر بالای کوه گرده‌رو

بر بلندترین قسمتهای تیره‌ای‌که به موازات آب رودخانهٔ چالوس ، طرف چپ آب قرار می‌گیرد وبالاخره به دزبن‌ختم می‌شود، قلعه‌ای قدیمی‌است‌که برج‌دیده‌بانی آن تا امروز برجای است .

۱ـ بکسرالف و پ وداء . ۲ـ آب رودخانهٔ بـارو ، غربی اولا است‌که پس از داخل شدن به‌آب انگران(بفتح‌الف و کسرگاف)هردورود درپولادکوه به آب چالوس‌رود می‌ریزند . ۳ـ بکسرگاف و دال .

قلعهٔ دزبن یا قلاگردو
بر بالای کوهی نزدیك قهوه‌خانهٔ دزبن یا ناهارخوران

بر بالای این کوه آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است.

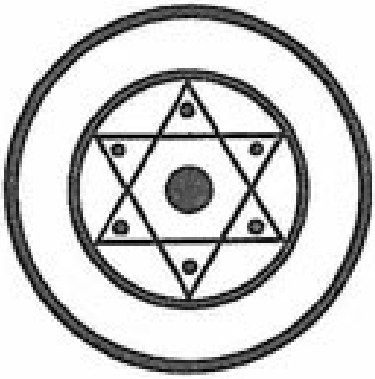
قلعه‌ای قدیمی
در کیت[1] گردن

بر این گردنه آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

آثار قلعه‌ای قدیمی
بردامنهٔ آبریز جنوبی کوه زردك

پایین‌تر از بقعهٔ فضل و فاضل، بردامنهٔ جنوبی کوه زردك که آبریز آن به طرف درهٔ دلیر است ، آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود .

سنگی قدیمی
در یونجه‌باغ تویر[2]



در این سنگ دایره‌ای بزرگ به قطر ۲۴ سانتیمتر و در فاصلهٔ سه سانتیمتری داخل آن دایره‌ای دیگر و داخل دایرهٔ دوم ستاره‌ای شش‌پر به‌ترتیبی که نشان داده شده است ، حك شده بود .

۱- بکسر کاف و یاء و تاء . ۲- تویر بضم تاء: ده از دهستان کوهستان بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، شش کیلومتری جنوب مرزان‌آباد و یك کیلومتری غرب شوسهٔ چالوس به تهران (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

امامزاده اسماعیل بن موسی الکاظم علیه‌السلام
در الامل[1] کوهستان کلارستاق

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که هر ضلع آن ازخارج ۳۷۰ سانتیمتر است. در ورودی شرقی و بلندی آن ۱۷۰ و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۱). قبری در وسط بناست که به درازای ۲۵۵ و پهنای ۱۱۰ وبلندی ۱۰۰ سانتیمتر است . بر بدنهٔ شمالی قبر باخطی بد، نام پنج تن وبر بدنهٔ جنوبی آن این عبارات نیز با خطی بد گچ‌بری شده است :

« عمل اوستاد قنبرعلی ابن مرحوم محمدکاظم نوری طایفهٔ ارجوار ۱۲۴۵».

و بالای نام استاد، نام شاگردش بدین‌ترتیب آمده است :

« شاگرد هاشم اوزج» .[2]

در دو طرف این عبارات ، نام کاتب بقرار زیر گچ‌بری‌شده است:

«کتبه علی‌اوسط ابن نوذر ».

بر بدنهٔ شرقی قبر که مقابل در ورودی امامزاده است و بر بدنهٔ غربی آن، این عبارات گچ‌بری شده است :

«باعث تعمیر امامزاده‌اسمعیل ابن موسی کاظم جناب ملا علی‌اصغر».[3]

بر بالای طاقنمایی که در دیوار جنوبی امامزاده‌است، دوقطعه کاشی درسفیدکاری دیوار نصب کرده‌اندکه دردسترس نیست. زمینهٔ هردوآبی وگل وبوته‌دار است. بریکی نقش آهویی در منتهای ظـرافت دیده می‌شود . بردیگری نقش قرقاولی بسیار ظریف است که‌آن را واژگـون کارگذاشته‌اند . احتمال می‌رود هر دوکاشی شش‌ضلی باشد، یا

---

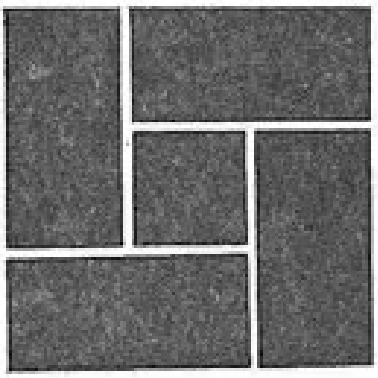
۱ ـ بفتح الف و ضم میم. ۲ ـ بضم الف وکسر زاء منسوب بـه دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور است . ۳ـ پدر شیخ بهاءالدین قطبی ساکن تویر .

استادگچ‌کار باگچکاری آنها را بدین‌شکل درآورده است .

بام بنا تا سال ۱۳۲۸ شمسی، دوپوشش وگنبدی شکل بود. دراین‌سال پوشش بالایی خراب شد و به‌جای این پوشش، خرپاکوبی وآهن‌کوبی کردند. گنبد زیرین تا امروز برقرار است .

در ورودی بقعه، از درهای معمولی کوچکتر است . دو لنگهٔ در و دماغه و چهارچوب آن کنده‌کاری دارد. کتیبهٔ کوچکی داردکه خوانده نشد .

در فاصلهٔ کمی بالای در ورودی، دریچه‌ای است که برای روشنایی داخل بقعه



ازآن استفاده‌می‌شود . پهنای‌هرلنگهٔ آن ۳۷ و ارتفاع‌آن ۱۱۰سانتیمتراست. برمتن لنگه‌ها و دماغه و چهارچوب دریچه‌کنده‌کاری است. هر لنگه، غیراز دوکتیبهٔ بالای‌آن، چهارپاره‌است که طرح هرپارهٔ آن به‌ترتیبی است‌که در شکل نشان داده شده است .

در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. بربالای سنگ قبرزنها، شکل خورشید حك شده است و سنگ قبر مردها ساده است. سنگهای‌نسبةً قدیمی‌به‌ترتیب تاریخ به این شرح بود :

« هوالرحمن‌الرحیم الحکم‌لله‌الواحدالقهار وفات المرحوم‌المغفور علی‌اکبرابن‌المرحوم عباس رکا فی‌السنة ۱۲۲۷ » .

« وفات المرحوم‌المغفور کربلائی مرادبن‌علی‌مدد تیرگر[1] ساکن قریهٔ

۱- تیرگر از تیره‌های معروف ناحیهٔ لورا وسفحات کوهستانی مازندران هستند .

سنّار[1] ۱۲۲۸ » .

«هوالحی الذی لایموت وفات المرحوم المغفور جنت‌مکان بشر ابن نصرالله تیره‌گر ساکن قریهٔ سنار ۱۲۲۸» .

« هوالحی الذی لایموت الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم المغفور قدمعلی ابن محمدشفیع نجار سنه ۱۲۴۷».

«وفات مرحوم جنت‌مکان کربلائی علی ابن مرحوم نجفقلی ولی‌آبادی[2] ۱۳۰۵».

« وفات مرحومه مرضیه خواتون بنت استادمهدی کجوری ۱۳۲۱».

نشانه‌ها : خورشید بربالای سنگ .

« سنه ۱۳۲۹ هوالباقی وفات المرحومه‌المغفوره زینب‌بنت مرحوم صفرقلی ردای الاملی .

افسوس‌که‌گلرخان‌کفن‌پوش‌شدند ازصحبت همدگر فراموش شدند»

نشانه‌ها : قسمت بالای سنگ دو مشعل در طرفین است‌که به‌طرف متن سنگ متمایل حاك شده‌اند .

« وفات‌المرحومه فاطمه‌خانم بنت یدالله از طایفهٔ سنّار ۱۳۴۰

ای خاك تیره دلبر ما را عزیزدار این‌نور چشم‌ماست‌که‌در برگرفتهٔ »

نشانه‌ها : طرف سمت راست بالای سنگ : مشعل و قیچی .

طرف سمت چپ بالای سنگ : مشعل و شانه .

در وسط صورت خورشیدی بزرگ حاك شده است .

۱ـ سنار، بکسرسین وتشدیدنون: ده از دهستان بیرون‌بشم ، بخش کلاردشت شهرستان نوشهر، سیزده‌کیلومتری شرق حسن‌کیف وسه‌کیلومتری شرق شوسهٔ مرزان‌آباد به‌کلاردشت (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ـ نام سابق ولی‌آباد، انند (بفتح الف) بود، ناصرالدین شاه به نام ولی‌آباد خوانده است .

راه ناصرالدین شاهی
از شمیران به چالوس

ناصرالدین‌شاه ، مسیو گاستکر خان‌مهندس نمساوی را مأمورساختن راه‌چالوس کرد . ابتدای این راه منظریهٔ شمیران وانتهای آن کلاردشت وچالوس بود و از نقاط زیر می‌گذشت :

تنگ‌درور ـ سینه‌سرخی ـ کلك‌چال ـ بیازچال ـ پایین قلهٔ توچال ـ چمن‌مخمل ـ گل‌کیله ـ عمارت ناصرالدین‌شاهی ـ شهرستانك ـ سرك ـ دوآب‌شهرستانك ـ ازاینجا راه کناررودخانهٔ‌کرج می‌افتاد واز دوآب تنگ‌کسیل به میدانك وگرماب وسرخ‌در و حسنك‌در و نسا و شاه‌پل می‌رفت.در شاه‌پل‌که پلی‌آجری داشت وتا این‌اواخرپایه‌های آن درآب رودخانه دیده می‌شد ، جاده از دست چپ‌آب به‌دست راست می‌رفت و از اراضی شهریار وگچسر می‌گذشت. ازگچسر به‌پل‌آئینه‌بندان‌که پلی سنگی است و هنوز برقراراست، می‌رسید.

از اینجا به‌بعد از نقاط زیر می‌گذشت :

فك‌لش[1] ـ خرگوش درهٔ بزرگ ـ خرگوش درهٔ‌کوچك ـ گلی(بکسر گاف وتشدید لام) ـ سیاچکه (بکسرچ و تشدیدکاف) فیل‌چشم ـ کندوان[2] ـ کاروانسرای بالای‌قله ـ گوخسون[3] ـ پای‌کندوان (کاروانسرا) ـ دزدگردن ـ خاکك ـ گرم‌کش(کاروانسرا) ـ گردنهٔ‌الغر[4] ـ جورهلی‌چشمه ـ جیرهلی‌چشمه ـ سیابیشه ـ گرم‌رودبار = الاملی‌اوئی‌دم (دم‌آب‌الامل) ـ پل‌شوراوئك ـ گلردی‌انند[5] (زیر ولی‌آباد امروز) کلاه فرنگی یا ناهارخوران ـ دروازهٔ سنگی که‌دراراضی گزناگله[6] است.

۱ـ بکسرفاء وکاف و فتح‌لام. ۲ـ بفتح‌کاف وضم دال. ۳ـ بضم خاء .
۴ـ بفتح‌الف وغین. ۵ـ بفتح گاف ولام وفتح الف ونون‌اول . انند نام قدیمی‌ولی‌آباد بوده است . ۶ـ بفتح‌گاف وکسر زاء وضم‌گاف دوم وکسرلام .

مزارچم شامل فیلچم و چم‌دوازده‌تائی ـ پای‌مزارچم‌که بر دوآب دره[1] وآب‌ـ چالوس بوده است . برای ساختن قسمت اعظم این راه کـه از منطقهٔ کوهستانی عبور می‌کند، ابتداسنگهارا باقلمهای‌کلفت وبلندسوراخ‌کرده وسپس‌باکمك‌باروت سنگهارا منفجر کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۲) .

از اینجا راه به‌کنار رودخانهٔ چالوس‌می‌افتاد و ازدست راست آب‌عبورمی‌کرد. در پل اوشان به‌دست چپ می‌رفت و دنبالهٔ راه به بابوده می‌رسید. ازاینجا راهـی به کلاردشت جدا می‌شد و راه اصلی‌کنار رودخانه تا به چالوس می‌رفت . قسمت دیدنی این‌راه ، دروازهٔ سنگی است که اینك به‌شرح‌آن می‌پردازیم.

دروازهٔ سنگی

مسیر دروازه شرقی‌غربی‌است . پهنای دهانهٔ دروازه۳۸۰ و بلندی طاق ازوسط ۴۷۰ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۴۳) . بـربدنهٔ داخلی سمت راست دروازهٔ سنگی سکویی ساخته شده‌که بلندی‌آن از سطح راه ۱۱۰ سانتیمتراست .

پیش از رسیدن به دروازه ، برسمت غربی راه (دیوارهٔ دست چپ) کتیبه‌ای به درازای ۴۸ و پهنای ۲۸ سانتیمتر با خطخوش‌نستعلیق‌کنده‌اند (عکس شمارهٔ ۴۴). این‌عبارات‌درسه سطر بر آن‌حك شده‌است:

« در زمانی این‌راه صورت اختتام یافت ـ که جناب جلالتمآب عزیزخـان سردارکل قشون محروسهٔ ایران‌بوده وجناب انوشیروان‌خان‌اعتضادالدوله حاکم مازندران.»

از دروازه‌که بیرون رفتیم ، بر بدنهٔ شرقی، بالای دروازه ، طرف دست راست کتیبهٔ دیگری با حروف لاتین است . دو سطر اول نزدیك بهم و زیر آنها عدد 266 و زیرآن، دو سطردیگر نزدیك بهم مانند دوسطر بالا حك‌شده است . عدد ۲۶۶ ظاهراً

۱ـ بفتح راء .

درازای راه به‌حسب‌کیلومتر است و چهارسطردیگر به‌زبان اطریشی و مطالبی‌دربارهٔ ساختن این راه است.

نزدیك طاق دروازه طرف راست در سنگ،مربعی مستطیل به درازای ۱۱۰ و پهنای ۵۶ سانتیمترکنده‌اند . در قسمت‌بالاکه یکی ازاضلاع دراز مربع‌مستطیل‌است دو سوراخ و در ضلع پایین سه سوراخ و زیر سوراخ سوم دست راست بیرون ازضلع مربع مستطیل ، سوراخی دیگرکنده شده است .

نظیر این شکل در بالای دروازه ، طرف مغرب نیز دیده می‌شود، امـا محـل سوراخهای آن با شکل شرقی فرق دارد . در جهت غربـی دروازه طرف دست راست محل‌قابی ازگچ و سنگ دیده می‌شود .اهالی‌ولی‌آبادمی‌گفتندکه دراین‌مربع‌مستطیل سنگ مرمری بودکه تمثال ناصرالدین‌شاه برآن حك بود . یاورکاوسی ـ قـرق‌بـان اعلیحضرت فقیدـآن رابیرون‌آورد وبرد .

کتیبهٔ سوم زیرطاق دروازه ، طرف راست حك شده به‌درازای ۲۱ و پهنای ۱۵ سانتیمتر است . این عبارت در دو سطر برآن دیده می‌شود :

«این بیستان بانی‌عمل اـ ستاد علی‌اکبر درکه»[1]

پس از اتمام این راه، ناصرالدین‌شاه در ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری راه را افتتاح‌کرده است . این شرحی است‌که محمدحسن‌خـان اعتمادالسلطنه در این بـاره نوشته است :

« روز دوازدهم ربیع‌الثانی سال ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین‌شاه به شکرآب و شهرستانك تشریف‌فرماگردیده، روز چهاردهم به سمت دونـاانتهاض کرده، روز بیست ویکم از دونا به سیاه‌بیشه کـه اول خاك‌کلارستاق است ، نزول‌ـ اجلال فرمودند .

۱ـ درکه از دهکده‌های شمیران و در شمال اوین است .

روز بیست و دوم دامنهٔ گردنهٔ هزارچم مضرب خیام معلّی گردید. راه هزارچم را که از مسالك صعبه بود، حسب‌الامر ، مسیو گاستکر مهندس نمساوی در کمال خوبی ساخته و دروازه‌ای از سنگ احداث کرده که از غرایب مستحدثات است و به عطایای وافرهٔ شاهانه و لقب‌خانی سرافراز آمده . نواب والا اعتضادالسلطنه ـ وزیر علوم ـ قطعه مادهٔ تاریخی برای دروازهٔ سنگی مزبور به‌نظم آوردند که در نظر انور ملوکانه نهایت مستحسن افتاد و آن قطعه بعینها در ذیل ثبت می‌شود .»

قطعهٔ تاریخ دروازه سنگی من کلام نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم متخلص به‌فخری

« درهمایون عهد دارای سترگ — خسرو عادل شهنشاه کریم
بوالمظفر ناصرالدین‌شاه راد — کز نظیرش مادر گیتی عقیم
در رکابش فتح و نصرت ملتزم — برجنابش حشمت و شوکت مقیم
امر او جان‌بخش چون امر مسیح — رای او تابنده چون دست کلیم
رهروان دیدند با چشم عیان — صد چو خود افتاده با عظم رمیم
بر جبالش کی برد مرغ خیال — در وهادش کی رسد فکر حکیم
دور مردم زین طریق پر خطر — همچو از آیات ، شیطان‌رجیم
قاطعان راه در طی طریق — خویش را دیدند چون مردسلیم
کاروانی چند زین مسلك‌گدا — کودکانی چند زین معبر یتیم
ارتفاع قله را دانا خداست — انخفاض درّه را الله علیم
شد بزرگ این راه از فرمان شاه — شارعش فرخنده چون شرع قویم
مسلکی محکم نهاد از سنگ و خاك — آنکه سنگ و خاك پیشش زر و سیم

کس ندیدست این‌چنین بنیادسخت — هیچکس نشنیده ز آثار قدیم
بس‌قوافل بگذرد بی‌خوف وترس — بس سواره بسپرد بی‌باك و بیم
گلخنی را حکم شه گلشن نمود — ز امرخسرواین جحیم آمد نعیم
این چنین کاری کند عزم ملك — خسرو اعظم کند کاری عظیم
جست پیر عقل تاریخش ز من — گفت‌فخری‌شد صراط المستقیم

۱۲۸۵

در هزار و دوصد و هشتاد و پنج — زد رقم کلك‌من از طبع‌سلیم »[۱]

لیونتان‌کلنل برسفردلوات ـ قنسول‌انگلیس در استراباد ـ درسال ۱۲۹۸قمری قسمتی از راه‌کندوان را پیموده و در بارهٔآن چنین نوشته است :

« شهرستانك قریهٔ معتبری است‌که در دره واقع شده و قریب هزارو دویست‌نفر جمعیت دارد . اطراف آن همه اراضی مزروع است و از سطح دریا دوهزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد . در اول این دره ، پای‌کوه توچال شمیران، یك عمارت سلطنتی ساخته‌اند . همه ساله شاهنشاه چند روزی درآنجا توقف می‌فرمایند و روزها به‌شکار می‌روند. در جنب عمارت آبشاری است‌که از توچال می‌آید و رودخانه‌ای می‌شودکه قریب پانزده ذرع عرض ونیم‌ذرع عمق دارد . ازکناراین‌رودخانه بسرك‌آمدیم وشب را در زیر درختان چنار منزل‌نمودیم . سرك قریهٔکوچکی است در محل تقاطع دو رودخانه‌که یکی از سمت جنوب جاری‌است، واقع شده . راه از شهرستانك به سرك بسیار خوب است. این راه را جنرال گاستکر صاحب‌منصب مهندس اطریشی‌که در خدمت دولت ایران بود، هشت سال‌قبل ساخته است . از سرك بـه‌حسنك‌در ، راه از سمت چپ رودخانهٔگچسر می‌رود . این‌رودخانه موسوم است به«لورا» و در سه ربع فرسنگ پایین قریهٔ سرك بهرودخانهٔ سرك متصل می‌شود . رودخانهٔگچسر بیست‌وشش

۱ـ مرآت‌البلدان ، ج ۳، ص ۹۸ .

ذرع عرض وچهار ذرع عمق دارد وآب آن گل آلود است وتند می‌رود. . . درحسنك‌در، رودخانه یك‌پل‌چوبین داردکه ما از روی آن عبور نمودیم . این ده بسیار کوچك و خالی از نظافت است و یك امامـزاده دارد . از حسنك‌در بـه‌گچسر از راهـی که گاستکرخان ساخته است روانه شدیم و از دره‌ای‌که قریهٔ نسا درآنجا واقع شده ، از وسط باغات و اراضی مزروع عبور نمودیم. یك فرسنگ بالاتر از قریهٔ نسا، رودخانهٔ لورا به سمت شرقی به‌گچسر که قریهٔ‌کوچکی‌است می‌رود . . .

ازگچسر الی ولی‌آباد ، در عرض راه هیچ درخت ندارد . ازگچسرراه ازکنار نهری‌که به طرف غربی جاری است می‌رود تا پای‌کوتل گچسر که پانصد ذرع ارتفاع دارد و از آنجا راه متدرجاً بالا می‌رود تاآنکه به‌قلهٔ‌کوهی‌که سه‌هزار وچهارصدذرع ارتفاع دارد می‌رسد . درآنجا تمام رشتهٔ البرز ،کوه شمیران وکوه‌آزادبر ودماوند و قلهٔ‌کوه شاهزاده نمایان است . در پای این‌کوه یك‌چشمهٔ گوگردی واقع است و قریب دو فرسنگ که راه از آنجا دور می‌شود ، گل و ریاحین و درختهای جنگلی شروع می‌شود . . .

این راه الی ولی‌آباد همه‌جا خوب مهندسی شده است. راه از ولی‌آباد به‌تویر از بغلهٔ‌کوه می‌رود . در تـه تنگه‌که ازآنجا تا به‌قلهٔ‌کوه دویست یا سیصد ذرع است، رودخانهٔ چالوس جاری است . ایـن راه بغله بسیار سخت است و اگر ساخته نبود و محجر گذارده نشده بود ، ممکن نبودکه دو قاطر درپهلوی یکدیگر بتوانند از آنجا عبور نمایند . در بالای ولی‌آباد کوه را سوراخ‌کرده ودالانی بـرای راه ساخته‌اند . تمثال شاهنشاه ایران درآنجا حجاری شده است ولکن خوب حجاری نکرده‌اند.طول این دالان سی ذرع است . تفصیل اتمام این راه را به خط فارسی درروی سنگ نقش کرده‌اند و اگر ایـن راه را از ولی‌آباد از پایین تنگه ساخته بودند و بـه بغلهٔ‌کوه نرفته بودند خیلی بهتر بود و فوائدکلی داشت . وقتیکه راه مساوی رودخانه می‌شود

جنگل و کوههای سبز چشم را خیره می‌کند ...

روزدیگر از توبر به‌الت[1] رفتیم که چمنی است خوب آب وعلف و اطراف آن همه جنگل است ودر سرچشمهٔ رودخانهٔ چالوس واقع است . الت پانصدو هفتاد ذرع از سطح دریا ارتفاع دارد. درعرض راه از قریهٔ رزان عبور نمودیم و از رودخانه از روی پل چوبین گذشتیم . در محاذی الت در یك فرسنگی قریه‌ایست موسوم به مرزان‌آباد، لوازم خود را ما فرستادیم ازآنجاآوردند.»[2]

در تاریخ مازندران مهجوری در بارهٔ راه‌کندوان به این مطالب برمی‌خوریم:

« در سال ۱۲۸۱ قمری به فرمان ناصرالدین‌شاه، مسیوالبرد مهندس‌خارجی مأمور تسطیح راه هزارچم شد و حاج میرزایحیی‌خان نوری مسؤول تهیهٔ وسایل وجمع‌آوری عمله‌ها بود واین راه پس‌ازیکسال ساخته‌شد .»[3]

آقای مهجوری در حاشیهٔ ص ۱۷۷ کتاب خود مأخذ خود را چنین یادآور شده‌اند :

« روزنامهٔ دولت شمارهٔ ۵۰۱ سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ قمری».

تا جاییکه ما اطلاع داریم راه کندوان را مسیوگاستکرخان ساخته نه مسیو البرد . شرحی‌که ایشان دربارهٔ راه‌کندوان آورده‌اند، ظاهراً مربوط به تسطیح راه هزار درهٔ جاجیرود است‌که در این‌خبر روزنامهٔ دولت «هزارچم» خوانده شده است . از اینهاگذشته ، راه کندوان راهی نبوده است‌که با وسایل آن‌روز یك ساله تسطیح شود . در نشان دادن مأخذ هم معلوم نشدکه یك شمارهٔ روزنامه چگونه می‌تواند به سال ۱۲۷۸ و۱۲۸۰ مربوط باشد!؟

۱ـ بکسر الف ولام . ۲ـ استرابادنامه، صفحات ۲۲۰ـ۲۲۴. ۳ـ تاریخ مازندران مهجوری ، ج ۲، ص۱۷۷ .

کاروانسرای سرقلهٔ کندوان

هنگامی که ازقلهٔ کندوان به‌طرف آبریزدرهٔ چالوس سرازیرشویم، برکنار راه ناصرالدین‌شاهی، کاروانسرایی است که از خارج نمای زیبادی ندارد، زیرا نیمی از دیوارهای آن را در دل کوه ساخته‌اند. این کاروانسرا که با سنگ وگچ ساخته‌شده ، پناهگاهی برای چارپاداران بوده است ومحلی برای چهارپایان ندارد.

کاروانسرای پای کندوان

پس ازبیرون‌آمدن ازتونل، برکناردراست‌جادهٔ آسفالتهٔ امروزکنارسرچشمه‌های رودخانهٔ چالوس، کاروانسرایی‌است‌که باسنگ وگچ ساخته شده‌است. این کاروانسرا از کاروانسرای سرقلهٔ کندوان بزرگتر وجادارتراست. درازای جنوبی‌آن بیست‌و دو مترو پهنای شرقی آن نه‌متراست (عکس‌شمارهٔ ۴۵). این بنا شامل دوازده‌گنبد در دوردیف در درازاست . گنبدها برچهارطاقیها استوارهستند. طاق هرچهارطاقی به‌بلندی ۱۸۰ سانتیمتر و فاصلهٔ میان جرزها ۱۳۰ سانتیمتراست. درازای هرفضاکه زیرهرچهارطاقی است ۳۹۰ و پهنای‌آن ۳۱۰ سانتیمتر و قطر تمام دیوارهای بنا ۶۰ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۴۶).

در شمال غربی این کاروانسرا، آثاربنای‌کاروانسرای قدیمی دیگری است‌که یکسره خراب شده اما دیوارجنوبی‌آن‌کم وبیش باقی است.

باقی‌آثار وبناهای کوهستان کلارستاق

۱ـ شاه‌علمدار در مرتع بلیله‌کوه که از راه مرزان‌آباد به‌برار و بلیله‌کوه باید رفت .

۲ـ آثار قلعهٔ برار برارتفاعی نزدیک دهکدهٔ برار.

۳ـ پیرسیدور(=سیتهور=سعیداعور؟) یا امامزاده فضل‌الله در چالغزمین دهکدهٔ تویر.[۱]

۴ـ کاروانسرای گرم‌کش سرراه ناصرالدین‌شاهی نرسیده به‌گردنهٔ الغر.

۵ـ امامزاده محمد در اولا که از راه الامل بایدرفت.

۶ـ معصومزادهٔ دهکدهٔ هرجان.

۷ـ گورستان قدیمی دهکدهٔ تویر که مقداری ازقبور آن در ساختن راه چالوس از میان رفت.

۸ـ گورستانی قدیمی دامنهٔ کوه فضل وفاضل میان مرتع ارن[۲] وساتره[۳].

۹ـ بقعهٔ خواجه‌کلا روبروی ولی‌آباد سمت‌چپ رودخانهٔ چالوس. بتازگی تعمیر و مرمت شده‌است.

۱۰ـ گورستان قدیمی دهشهر نزدیک دهکدهٔ دهشهر.[۴]

۱ـ نام این امامزاده در مجموعهٔ‌شمارهٔ ۴۳۳۰ کتابخانهٔ ملی‌ملک مورخ۱۲۹۹ ه.ق. آمده‌است. بنایی‌ناچیزاست وارزش‌تاریخی‌ندارد. ۲ـ بفتح‌الف وراء. ۳ـ بکسر تاء. ۴ـ دهشهر: ده کوچکی‌ازدهستان کوهستان کلارستاق،شش کیلومتری جنوب‌غربی مرزان‌آباد و ۲٫۵ کیلومتری شوسهٔ چالوس‌کرج (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

بخش سوم

کجور

۱ـ مختصری از جغرافیای تاریخی کجور

کجور درمایست شرقی غربی‌که آب رودخانهٔ‌آن در دوآب کمی بالاتر از پل‌ـ زغال به‌آب رودخانهٔ چالوس می‌ریزد. شهر تاریخی کجور از قدیمترین ایام مـرکز ناحیهٔ رویان و سپس پایتخت رستمدار بوده است.

اصطخری درکتاب مسالك‌الممالك خودکه‌میان سالهای ۳۱۸-۳۲۲ قمری‌تألیف کرده است، ازکوههای رویندج (=رویان) نام می‌برد.[۱]

در کتاب حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب‌که به‌سال ۳۷۲ قمری تألیف شده است چنین‌آمده‌که قسمتی از خاك طبرستان سلطانی جداگانه به نام«استندار» داشت و شهرهای ناتل و چالوس و روذان(= رویان)وکلار جزء این‌قسمت بود.[۲]

یاقوت در معجم‌البلدان خودکه به سال ۶۲۳ قمری نوشت ، ذیل‌کلمهٔ رویـان می‌نویسد : رویان نام شهری‌بزرگ وکورهٔ وسیعی ازکوههای‌طبرستان‌است. بزرگترین

۱ـ مسالك‌الممالك‌اصطخری،ص۲۰۴و۲۰۵.

۲ـ حدودالعالم، تصحیح‌نگارنده، ص ۱۴۳ـ۱۵۰.

شهری از طبرستان‌که در دشت است ، آمل و بزرگترین شهر کوهستانی رویان است . رویان در اقلیم چهارم است . طول آن ۷۶ درجه و ۳۵ دقیقه وعرض‌آن ۳۷ درجه و ده دقیقه است . فاصلهٔ میان گیلان ورویان دوازده فرسنگ‌است.[۱]

عبدالمؤمن که کتاب مراصدالاطلاع خود را در سال ۷۰۰ قمری می‌نوشت پس از ضبط اعراب کلمه می‌نویسد « این نام برشهر بزرگ وکورهٔ وسیعی ازخاك طبرستان اطلاق می‌شود . این شهر بزرگترین شهر کوهستانی طبرستان است و حدود خاك آن به‌کوههای ری می‌رسد.[۲]

مولانا اولیاءالله آملی درتاریخ رویان‌که درغرهٔ محرم‌الحرام سال ۷۶۴به‌پایان رسانیده است می‌نویسد :

« در این وقت از نواب خلیفه درکجورکه قصبهٔ رویان است، عمربن‌العلا نشسته بود با شش‌هزار مرد . و درگیلاناباد نصربن‌عمران نشسته بودباهزار مرد خراسانی. و در پای‌دشت عامربن‌آدم‌نشسته‌بود باپانصد مرد. و در ناتل سعیدبن‌میمون نشسته بود با پانصدمرد . و در بهرامده عمروبن مهربان نشسته بود با پانصد مرد . و در فراطادان یوسف بن‌عبدالرحمن‌نشسته بودبا پانصد مرد . و در ولاشجرد علی‌بن‌جستان نشسته بود با پانصد مرد . و در سعیدآباد سعیدبن دعلج نشسته بود با هزار مرد . و در چالوس فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین نشسته بود با پانصد مرد . الا در این وقت او غایب بود . و درکلارکه اول دیلمان‌است جویرم‌السعدی نشسته بودباپانصدمرد، این‌جمله رویان است».[۳]

۱ـ معجم‌البلدان ذیل‌کلمهٔ رویان .
۲ـ مراصدالاطلاع، ذیل کلمهٔ « رویان » .
۳ـ تاریخ‌رویان‌مولانا اولیاءالله، ص ۶۱ .

همین ناحیهٔ رویان باکمی اختلاف مرزی از اوایل قرن هفتم به‌نام «استندار» خوانده شد . در کتاب تـاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی کـه در سال ۷۴۶قمری پایان یافته است سی‌بار به‌لفظ «استندار» برمی‌خوریم. در متون همزمان یا نزدیك به زمان تألیف این کتاب نظیر نزهةالقلوب حمدالله مستوفی نیز لغـت «رستمدار» دیده می‌شود . در تاریخ گیلان و دیلمستان سیدظهیرالدین مرعشی کـه در سال ۸۸۰ بـه تألیف آن پرداخته است ، بارها لفظ «رستمدار» آمده است .با دقت و بررسی دراین متون می‌توان به این نتیجه رسید که حدود خاك رستمدار کاملاً قابل انطباق‌باحدود خـاك رویان است فقط خـاك رستمـدار ، در دشت و زمینهـای همـوار ساحلی تـا رودخانهٔ نمکاوه رود پیش رفته است ، در صـورتیکه حدود رویان به خاك چـالوس ختم می‌شد .

بنابراین خاك رویان یا رستمدارکه شهرکجور از شهرهای معظم آن بوده‌است شامل نـاحیهٔ: کوهستان ، کـلاردشت ، بیرون‌بشم ، میان‌بشم ، کلاردشت ، کجـور (شامل دشت و کوهستان) و نور (شامل دشت و کوهستان) و لورا(شامل‌دهکده‌های کنارکرج رود تا دوآب شهرستانك) و ارنگهٔ بزرگ و کـوچك و رودبار قصـران و لارقصران است . حد شرقی آن رودخانهٔ هـراز و حد غربی آن رودخانهٔ نمکاوه ـ رود و حد شمـالی آن حاشیهٔ دریای خزر و حد جنوبی آن رشته کوههـای توچال است .

ناحیهٔ کجور به بلوك دشتی و کوهستانی تقسیم می‌شود. نواحی‌کوهستانی شامل شهرکجور، توابع‌کجور، زانوس‌رستاق، کوهپر، پنجك‌رستاق.

نواحی دشتی شامل :کران[۱] خیرەرود ، بندپی ، جلندر، نهررودبار،کلرودپی،

۱ـ بفتح کاف .

گلندرود، علویکلا، کالج وکچه‌رستاق است.

در اغلب کتب تاریخی و متون جغرافیایی نام این ناحیه «کجـو» بدون راء در آخر، آمده است. ظـاهراً از آنجاکه این نام اغلب با نام «نور»کـه بخش دیگری از ناحیهٔ رستمدار است یکجـا ذکر مـی‌شود، حرف «راء» بعدهـا به آخر کجو نیز افزوده شده است. شهر قدیـم کجور در سه کیلومتری شهر جدید و در دامـن کوه بوده است.

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

پل کرات = پل ناصری
در پانصدمتری شمال دو آب کجور

در حوالی پل‌کرات که آن را پل‌زغال هم می‌گویند و بعد از ایجاد راه‌جدید، پل محکمی آنجا ساخته شده و موسوم به‌پل ناصری گردیده ... مسیو کاستکرخان نمساوی‌که درخدمت دولت علیه ایران است و به حکم اعلیحضرت‌شاهنشاه جمجاه ناصرالدین شاه خلدالله ملکه و سلطانه، مأمور ساختن این راه‌صعب‌المسلك از کنار چالوس بودگوید: «درحوالی پل ناصری بسیاری ازآثار ابنیهٔقدیمه وبعضی‌علایم‌کهنه باقی و موجود می‌بود .» و مهندس مشارالیه خود بچکان تیرزیاد درآنجاها یافته وپیدا نموده . بعلاوه بقیهٔ دیوار خرابهٔ ممتدی دیده‌که حدساً حصار قلعه وشهری بوده و خرابهٔ دکاکین حدادی و خبازی و قبور زیاد خیلی بزرگتر از قبرهای معمول حالیه با سنگهای روی قبرکه خطوط‌کوفی داشته، مشاهده‌کرده به‌واسطهٔ عدم اطلاع‌اززبان عربی و خواندن خط‌کوفی، دریافت ننمود،که تاریخ قبور ازچه زمان وکدام قرن می‌باشد. و باز مشارالیه بعضی ازاستخوانهاازقبوربه دست‌آورده‌که‌نسبت‌به‌استخوانهای مردم این زمان خیلی بزرگتر می‌باشد. نیزدر اغلب‌نقاط‌درهٔ‌چالوس، قبورزیاد درمیان

جگن و جنگل انکشاف نموده ، با سنگهای قبر که خطوط کوفی روی آنها رسم و حجاری شده و دیوارهای بسیار که همه خراب و منهدم بوده وآثارعمارت و ابنیهٔ قدیمهٔ خشتی که مدخل اغلبی از سنگ بوده، هنوز برقرار است و دلیل واضح وبرهان لایح برآبادی زیادکه حالا معدوم‌است مشهود مشارالیه گردیده . بنابراین معلوم می‌شود توحیر(=تویر)که آثار خرابهٔ او پدیدار است قصبهٔ عمده بلکه قاعده وحاکم‌نشین این ناحیه بوده وگویند این آبادی تاپانصدسال قبل معمور می‌بود .ومقارن آن سنوات زلزلهٔ عظیمی شده، کوه مجاور شهر برروی شهر خراب شد وشهررا نابود و تفرقهٔ احجار نیز مؤید این عقیده وگفتار است. وازخرابهٔ شهر توحیر چنین مستفاد می‌گردد که از طرف دریا محل تجارت بوده و بازارعمدهٔ بزرگی داشته .[1]

امامزاده جعفر و امامزاده حسن پسران امام موسی الکاظم علیه السلام دردهکدهٔ حسن آباد پنجك رستاق[2] کجور

مجموعهٔ بنای بقعه که شامل ایوان وکفش کن و حرم است طرحی مستطیل شکل دارد . ایوان بقعه شرقی است و دارای شش ستون چهارسوی ساده با سرستونهای نسبةً ظریف ولتازه‌ای تخته‌ای ساده به‌بلندی یك‌متر جلو آن است(عکس شمارهٔ ۴۷). پشت آن کفش کنی به‌همان درازای ایوان و پشت آن حرم بقعه است که صندوقی چوبین ساده در میان آن و ضریحی مشبك چوبین دراطراف صندوق است. سرکشی(حمال) درطول بنا دروسط کشیده‌اند وپلورهای سقف براین سرکش و دیوارهای طرفین متکی است.سقف بقعه وکفش کن و ایوان پلورکشی وپل کوبی است. بام سراسر تبا، لت‌پوش است . درهای جنوبی وشرقی بقعه قاب وگرهٔ ساده است، گلدسته‌ای به ابعاد دو متر ازچوب بربالای

۱ـ مرآت‌البلدان، ج ۴، صفحات ۸۰ و ۸۱ .

۲ـ بفتح پ و سکون نون و فتح جیم و سکون کاف وضم راء .

در ورودی است . در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است .

چهل تن
نزدیك دهکدهٔ آستانکرود[1] کوهپر کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه وکوچك است. ایوان آن شمالی ودارای پنج ستون ساده با سرستون است. تکائی تخته‌ای به‌بلندی یك‌متر جلوایوان است.در ورودی بقعه در این ایوان‌است وصندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنای‌اصلی بقعه است . محوطه‌ای بسیار وسیع وزیبا اطراف حیاط بقعه‌است که درختان نارون قطور زیاد درآن دیده می‌شود. از ریشه‌ای قدیمی دوپاجوش بیرون‌آمده بودکه محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۵۴ و دیگری ۳۹۵ سانتیمتر بود . محوطهٔ بقعه برکنار ناوی[2] است‌که چشمه‌های متعدد در آن می‌جوشد و آب فراوانی راتشکیل‌می‌دهدکه ازکنار بقعه می‌گذرد. برکنار این‌آب دو اصله درخت‌نارون قطوراست‌که محیط دایرهٔ تنهٔ اولی ۵۳۵ و دومی ۴۶۰ سانتیمتر است .

امامزاده حسن
در دهکدهٔ چورن[3] ازدهکده‌های کوهپر کجور

بنایی است ساده ازسنگ وگل، صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است . در محل‌معروف بودکه امامزاده‌حسن ازمریدان سیدمحمدکیا دبیرصالحانی بوده‌است. روزی اورا به‌دهکدهٔ چورن برای‌مداوای‌دختریکی‌ازسران‌قوم‌فرستاد. دختررا با نفس مسیحای خود شفابخشید. خویشان‌دختر خواستند اجر ومزدی‌بداو بدهند نپذیرفت .

۱ــ بفتح کاف. ۲ــ دره‌ای بسیارکم‌عمق که از زمینهای دو طرف بیش از یکی دو متر عمق ندارد. ۳ــ چورن (بفتح راء) : ده از دهستان کوهپر بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سه‌کیلومتری شمال‌کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) .

بالاخره شبانه مقداری سکهٔ طلا درآسترقبای او دوختند و او بهراهافتاد. بربالای این بلندی که اکنون مزار اوست رسید. ندایی شنید که چرا ازکسان دخترچیزی قبول کردی؟ جواب داد: من چیزی نپذیرفتم. ندایی رسید که تکانی به‌قبای خودبده . تکانی داد ، سکه‌ها فرو ریخت .

امامزاده حسن ازکثرت شرمندگی دراینجا جان به‌جان‌آفرین تسلیم کرد. اهالی دهکده اورا مرده یافتند، او را به‌خاک‌سپردند وبنایی برگور اوساختند .

قلعهٔ اسپی‌روز
برکوهی مسلط بردشت کجور به‌نام قلاگردن[1] نزدیک‌دهکدهٔ سرجار[2] کوهپر کجور

ازگذشتهٔ این‌قلعه بیش‌ازآنچه سیدظهیرالدین نوشته‌است اطلاعی نداریم . او یادآورشده‌که پس از بروزاختلاف‌میان‌ملک‌کاووس وملک‌اسکندر، پسران‌ملک‌کیومرس، سید ظهیرالدین برای‌رفع‌اختلاف به‌رستمدار رفت ومیان‌آن‌دورا صلح‌داد اما ازکید و مکر ملک‌کاووس ایمن نبود . ازاینروکیا جلال‌الدین دیلمی را باصدنفر دیلم نزدملک اسکندرگذاشت. ملک‌اسکندر، کیاجلال‌الدین را درقلعهٔ‌کجورگذاشت و خود به‌قلعهٔ اسپی‌روزکه هوای‌آنجا در تابستان مناسب‌تراست رفت.

ملک‌کاووس آمادهٔ شبیخون شد . ازنور سوارشد وباعجلهٔ‌تمام ازشهرکجور و مقابل قلعهٔ آن بگذشت . قلعه‌نشینان، ملک‌اسکندر را خبرکردند. تارسیدن خبر ، ملک‌کاووس به‌درقلعهٔ‌اسپی‌روز رسیده وقلعه را محاصره‌کرده‌بود. چون‌درقلعه‌ذخیره‌ای نبود، ازطرف‌شمال، قلعه را سوراخی کردند وملک‌اسکندر ازآنجابیرون‌رفت وخودرا به ساحل رسانید و به‌تنکابن‌درآمد.[3]

۱ـ بفتح قاف‌و گاف. ۲ـ بفتح‌سین. ۳ـ تاریخ گیلان ودیلمستان، صفحات ۳۰۳ و ۳۰۴ .

باز میان دو برادر اختلاف شد وسیدظهیرالدین روزپنجشنبه هفتم ذی‌الحجه‌سنهٔ ۸۷۰ مأمور رفع این‌اختلاف‌شد و روزپنجشنبه بیست‌و دوم ذی‌الحجه، ملك‌کاووس را درقلعهٔ نور ملاقات‌کرد و چنین قراردادندکه ملك‌کاووس به‌قلعهٔ‌کجور بیاید و ملك اسکندر درقلعهٔ اسپی‌روز باشد . روزیکشنبه غرّهٔ محرم، هردو برادر در محل چاه‌سر یکدیگر را ملاقات‌کردند و قرارمصالحه‌گذاشتند ، ملك‌کاووس به کجور رفت وملك اسکندر به‌قلعهٔ اسپی‌روز درآمد.[۱]

ملك‌کاووس روز سه‌شنبه‌چهاردهم شوال سنهٔ ۸۷۱ چشم ازجهان فرو بست و سید ظهیرالدین برای«تمشیت امور ملکی» به‌رستمدار درآمد و پس ازپایان مراسم تسلیت از راه نیتل به‌کجورآمد و ملك اسکندر را درقلعهٔ اسپی‌روز ملاقات‌کرد.[۲]

حاجی محمدمیرزا مهندس در بارهٔ این‌قلعه‌چنین نوشته است :

«آنچه در تاریخ دیده‌شده چون ملك‌کاووس از رستمدار بیرون‌رفت ، ملك اسکندر به‌کجورآمده و قلعهٔ‌اسپی‌ریز بانی‌آن قلعه دیوسپید نامی که‌حاکم ولایت‌رویان بودکه حکیم‌فردوسی در شاهنامه ذکراوآورده است وقتل‌اورا به‌دست رستم‌زال شرح وبسط تمام داده چنانکه‌گفته‌است:

نیاسود تیره‌شب‌و پاك‌روز همی‌راند تاپیش‌کوه‌اسفروز

ملك‌اسکندرآن قلعه‌را تعمیر نمود.»[۳]

قلعهٔ چناربن

در دهکدهٔ چناربن میان لاشك و کجور برسرراه

آثاری ازاین‌قلعه برجای نبود .

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۳۲۱ . ۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان.ص۳۲۵.

۳ـ جغرافیای تاریخی مازندران تألیف حاجی محمدمیرزا مهندس سال ۱۳۰۱، ص ۶ .

بقعهٔ خالق شیوب[1]
در شهر کجور[2]

بقعه‌ای چهارضلعی از سنگ وگل است. در ورودی قبلی است و در ایوانی‌باز می‌شودکه دارای شش‌ستون چوبین چهارسوی ساده است.اطراف بقعه‌گورستانی‌قدیمی است و بالای مدخل‌گورستان شاخ بزکوهی قرارداده شده است.

بقعهٔ حسن‌شهید
در شهر کجور

بنایی است چهارگوشه بایك ستون چوبین چهارسوی قطور در وسط وسرکشی برستون و دیوارهای دو طرف متکـی است. ایوانی جلوبنا است. سقف‌بقعه و ایوان پلورکشی وپل‌کوبی است. گورستانی وسیع وقـدیمی درجنوب بقعـه‌است . برسردر ورودی‌گورستان چندین شاخ بزکوهی‌کهنسال است.

امامزاده عبدالله
در اراضی شرقی شهر کجور

بنای اصلی بقعه چهارضلعی مستطیل‌است وایوانی‌جلوبناست.سقف بقعه وایوان پلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسربناگلی است .

۱ـ بفتح شین و تشدیدباء . ۲ـ کجورقصبهٔمرکزی دهستان‌کجوربخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، سی‌وشش کیلومتری‌جنوب‌صلاح‌الدین کلا (سردین کلا) که در۳۲ کیلومتری مشرق‌نوشهر و ۱۰ کیلومتری غرب‌المده واقع است (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ، ج ۳).

خرابه‌های شهر قدیمی کجور معروف به خرابه‌شهر در دو کیلومتری نیمی شهر کجور امروزی

این‌شهر که دردامن‌کوه بوده حصاری محکم واستواردا‌شته است .

ابن‌اسفندیار می‌نویسدکه در سال۲۷۳محمدبن زیدبن‌اسماعیل‌حالب‌الحجاره، حصارکجور را مرمت‌کرد.[۱] این عبارت می‌رساندکه قبل از اوحصاری برای این شهر ساخته بوده‌اند . ولی‌ازعبارت سیدظهیرالدین چنین برمی‌آیدکه بانی حصارکجور او بوده است .[۲]

این‌شهرکه خرابه‌های آن‌امروز درمنطقهٔ وسیعی بـاقی‌است، در تاخت و تـاز مغولان خراب شد. ملك‌جلال‌الدوله اسکندر ، روزشنبهٔ بیست ویکم ذی‌الحجه‌موافق با بیست‌و هفتم تیرماه قدیم سنهٔ ۷۴۶ هجری، بنای‌شهرکجور راگذاشت.[۳]

رابینو می‌نویسدکه در تاریخ۲۱ذی‌الحجه سنهٔ ۷۴۰قمری استندارجلال‌الدوله اسکندر، شروع به تجدید بنای قلعه و شهرکجورکرد . نامبرده باروی‌شهر را تجدید بناکرد و ارگ آن را در ۲۱ ذی‌الحجهٔ سال ۷۴۶ هجری تمام‌کرد و در ناحیهٔ رویان قلعهٔ شامدز را که خود درآن منزل‌داشت ، بنا نمود.[۴] در زمان اوشهرکجـور پایتخت بوده است.[۵]

شهرکجور امروزکه در دشت بنا شده‌است زیاد قدمتی ندارد و ظـاهراً پس از کوچاندن ایل خواجه‌وند، به امرآقا محمدخان به این صفحات، به‌دست افـراد ایل ساخته شده است . مصالح‌آن خشت وگل است وکوچکترین اثـرهنر معماری در آن

۱ـ تاریخ طبرستان ، ص ۲۵۳ . ۲ـ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، ص ۲۱۱. ۳ـ تاریخ رویان، ص ۱۳۰. ۴ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد، ص ۳۰. ۵ـ تاریخ رویان، ص ۱۲۲ .

دیده نمی‌شود. خانه‌ها یك طبقه و ابتدایی وکوچه‌ها تنگ وپرپیچ وخم است.

قلعهٔ کجور معروف به دورقلعه یا سوته‌قلعه
بربازوی کوهی مسلط برشهر کجور

بر بازوی کوهی که تقریباً جهت شمال و جنوبی‌دارد و از رشتهٔ اصلی که سمت شرقی غربی است جدا می‌شود، آثارقلعهٔ بزرگی برجای است‌که براثرکندوکاو گنج‌گیران زیر و رو شده است. آثار آب‌انبار و حمامی در اراضی آن دیده می‌شود. مصالح اصلی بناگچ وآجر و سنگ بوده است. سیدظهیرالدین، این‌قلعه را به نام قلعهٔ‌کجور می‌شناسد.[۱] و عبدالفتاح فومنی آن‌را «قلعهٔ ماران» می‌خواند[۲] و صاحب عالم‌آرا شرح مفصلی از این قلعه در ادوارمختلف‌نوشته وآن را به‌نام«قلعهٔ‌مارانکوه» ضبط‌کرده است.[۳] وعلی‌بن‌شمس‌الدین‌بن حسین‌لاهجی آن را به‌نام «قلعهٔ کجور»یاد کرده است.[۴] واعتمادالسلطنه آن را به‌نام «قلعهٔ مارانکوه‌کجور» معرفی کرده است.[۵] ظاهراً مرادخان سفره‌چی ولدتیمورخان‌که شاه‌طهماسب او را روانهٔ رستمدارکرده تا قلعهٔ کجور را تسخیرکند، بدین‌قلعه روی‌آورده است[۶] و همین‌قلعه‌است که‌پس‌ازاینکه به دست مأموران صفوی سوخته شد، به نام « سوته قلعه » شهرت پیداکرد و امروز «دورقلعه» خوانند.

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده ، صفحات ۳۰۳ و۳۰۴ و ۳۱۰ و۳۱۴.
۲ـ تاریخ گیلان، ص ۳۵. ۳ـ عالم‌آرا، ج ۱، ص ۵۳۵. ۴ـ تاریخ خانی ، ص ۳۱۵. ۵ـ التدوین فی‌احوال جبال شروین ، ص ۱۰۴ . ۶ـ عالم‌آرا ، ج۱ ، ص ۱۲۱ و ۲۰۰ و ۵۰۳ و ۵۰۴ . وج ۲ ، ص۱۳۹ شرح تسلیم شدن قلاع کجور ،ج۱ ، ص۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ .

تپهٔ سرحمام

درداخل شهر کجورامروز

تپه‌ای‌که با خاک‌ریز دستی بوجودآمده است، درداخل‌شهر کجور، پشت‌مسجد است. درکندوکاوهایی‌که‌کرده‌اند، آثار ساختمانهای قدیمی وآب‌انبار درآن‌پیداشده است . سفالهای لعابدار اسلامی و سفالهای بدون لعاب درآن زیاداست.

راه کجور به اوزرود نور

این راه از شهرکجور به‌پشت دهکدهٔ لاشك می‌رود. ازآنجا پس ازگذشتن از گردنهٔ شاه‌کوه و سنگ دروازه به ملاحسین دره می‌رسد وازاینجاپس‌ازعبورازگردنهٔ کنگرلو سرازیر می‌شود وپس ازطی راه مارپیچی درازی به اوز از دهکده‌های اوزرود نور می‌رسد.

راه شهر کجور به نهرودبار و دشت کجور

این راه از طرف شمال شهرکجور به تنگهٔ نهرودبار وگردنهٔ شاه‌نفار (نیار)[1] می‌رود . ازآنجا بـه دامنهٔ کنسان[2] و دهکده‌هـای نارنجك‌بن و ونوش‌ده و از اینجا از دامنهٔ‌کوه به ناتل و آمل ادامه پیدا می‌کند. در راه ناتل به‌آمـل در جنگلهـای انارجار و قرق[3] چندپل سنگی وآجری موجود است.

۱ـ بکسر نون. ۲ـ بضم‌کاف وکسرنون اول . ۳ـ بضم قاف اول وراء .

دروازه‌ای قدیمی
در مرتع اسم‌چران[1] بالای نیتل سر راه کجور به بلدهٔ نور

معروف است که در این محل دروازه‌ای قدیمی بوده و از آدمیان و بارچهارپایان حق عبور می‌گرفته‌اند.

راه کجور به بلدهٔ نور

این راه از شهر کجور به دهکدهٔ صالحان و دهکدهٔ شاه‌ناجر و دهکدهٔ ورازان می‌رود. از دهکدهٔ ورازان که خارج شد، ابتدای گردنهٔ قرق است. پس از طی سربالایی گردنه و سرازیر شدن از آن به تنگه‌ای می‌رسد که مستقیم به بلدهٔ نور وارد می‌شود.

راه دیگر کجور به بلدهٔ نور

این راه از کجور به کلارزمین و خواچك و نیتل و گردنهٔ سنگ‌چشمه می‌رود و به‌بلده می‌رسد.

راه کجور به‌میناك‌نور

این راه از کجور به‌انگیل و انگاس و گردنهٔ کنگرچال و پس‌از سرازیرشدن به ترخان‌ده (=میناك) می‌رسد.

راه کجور به سی‌سنگان

این راه که معروف به راه سردین‌کلا است، از کجور به‌قهوه‌خانهٔ نهررودبار و

۱ــ بفتح الف وکسرمیم وفتح چ.

تنگه و قهوه‌خانهٔ کتو و سردین‌کلا و سی‌سنگان می‌رود .

راه کجور به‌المده

این راه ازکجور به‌کدیر[1] وکدیرسر و معدن‌کلندرود والمده می‌رود .

قلعهٔ انگیل

پشت دهکدهٔ انگیل حومهٔ شهر کجور

بر سر تیرهٔ کوهی که مسلط به دهکدهٔ انگیل است، قلعه‌ای قدیمی‌است .مصالح بنای آن سنگ وآجر وگچ بوده است.

قلعهٔ شیواردره

درراه قدیمی کجور به‌سردین کلا (صلاح‌الدین کلا)

در راه قدیمی‌کجور به سردین‌کلاکه از نهر رودبار می‌گذرد، در هیجده کیلومتری شهر کجور امروزی بر بالای ارتفاعی، قلعه‌ایست به‌نام «شیواردره»که مصالح بناهای آن سنگ وگچ بوده است.

قلعهٔ ولیج[2]

بردامن کوه میان راه کجور به‌کدیر

این قلعه‌ظاهراً قابل تطبیق باقلعهٔ«ولیگ‌بن»[3] است.«درترجمهٔ‌سفرنامهٔ‌مازندران و استراباد رابینو محل‌آن «در میان راه‌قصرنجو(نشو) به‌کلار» تعیین شده‌است.[4] این‌دو محل بهیچوجه شناخته نشد . ما حدس زدیم‌که نام این قلعه باید شکل دیگری‌از

۱ـ بضم کاف . ۲ـ بفتح‌واو. ۳ـ بفتح واو وکسر گاف. ۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ‌مازندران و استراباد رابینو ، ص ۱۴۷ .

«ولیگ» باشد. بردامن کوهی برسر راه کجور به کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است و به‌نام ولیگ‌بن خوانده می‌شود .

امامزاده جعفر بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در اراضی بدی‌خیل حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از آجر با گنبدی هشت‌ترك (عکس شمارهٔ ۴۸). در ورودی شرقی و دو لنگه وقاب وآلت ساده است. ابتدا ازکفش‌کن به دارالحفّاظ و بعد به‌بنای اصلی بقعه می‌رود. محرابی در ضلع قبلی است وخفتگی‌نورگیر درضلع جنوب غربی قرار داده شده است .

در هریك از اضلاع طاقنمایی باطاق هلالی است. یك‌نوارگچ‌بری به‌پهنای‌پنجاه سانتیمتر بانقش‌گل و بوته و اسلیمی زیرگنبداست (عکس‌شمارهٔ ۴۹). گنبد از داخل عرقچینی است و نقوشی‌نظیر نقوش ظروف سفالین اسلامی بروسط آن نقاشی‌شده‌است. پایین این نقش در سمت جنوبی و شمالی‌گنبد، دو دایره است‌که داخل‌آن نقش شیرو خورشید ترسیم شده است . در دو طرف شرقی وغربی نیز دودایره است‌که داخل‌آنها نقش شیر و مار است. مار به دورکمرشیر پیچیده وگردهٔ شیررا به‌دندان‌گرفته است . قسمتی از بدن مار نیز در دهان شیراست.

صندوقی چوبین قاب و آلت ساده دروسط بناست‌که درازای آن ۱۸۵ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است.

گور مصقلة‌بن هبیرةالشیبانی
در راه کجور به‌کندسان و نور

مصقله در دوران خلافت‌معاویه از اوخواست‌تاهزار مردبدو بدهدتاطبرستان‌را

مسخر کند ، معاویه این لشکر را بدو داد . دوسال با فرخان جنگ کـرد. سرانجام درکجور کشته شد و در قریهٔ چهارسو به خاك سپرده شد. درزمان سیدظهیرالدین‌این محل‌را «کیامشغله» می‌گفته‌اند.[۱]

ابن‌اسفندیار می‌نویسد :

«گور مصقله درراه کجو به راه‌کندسان بر سر راه نهاده است. عوام‌الناس‌به تقلید وجهل زیارت می‌کنند که صحابهٔ رسول‌علیه‌السلام است.»[۲]

مولانا اولیاءالله آملی پس از شرح لشکرکشی او بدخاك‌طبرستان می‌نویسد:

«در آخر بطریق‌کجور به راه‌کندسان فرودآمد . مردم‌آنجا واهالی‌رویان درآن مقام او را بکشتند وگور او هنوز برسرراه نهاده است . عـوام‌الناس بـه تقلید و جهـل زیـارت می‌کنند کـه این از جملهٔ صحابهٔ رسول است صلی‌الله علیه و آله و سلم وآن دروغ است و در تاریخ طبرستان بهاءالدین محمدکاتب بدین موجب یادکرده است .»[۳]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

«گور او در یکی از قرای‌کجوربه‌نام «چارسو» است و مردم این مرقـدرا «کیامشغله» می‌نامند.»[۴]

آثاری از مرقد او در زیرسالحان روبروی سربوده باقی است، برجی‌چهارضلعی از سنگ وگچ است و امروز به‌نام «یزیدی» خوانده می‌شود.

۱ـ تـاریخ طبرستان و رویـان و مازنـدران ، ص ۱۹۵ ، التدویـن ، ص ۴۴.
۲ـ تاریخ طبرستان، ص ۱۵۸. ۳ـ تاریخ‌رویان، ص ۴۸و ۴۹ . ۴ـ مرآت‌ـ البلدان ، ج ۴، ص ۴۹ و ۵۰ .

شاهزاده حسین پسر امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ فیروزکلای پایین[1] حومهٔ کجور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که قطر آن ازداخل ۳۳۰ سانتیمتراست. پهنای هریك از اضلاع از داخل دومتر و در بدنهٔ داخلی هریك از اضلاع یك طاقنماست . خفتگی نورگیر مشبك‌چوبین در شرق و دو خفتگ دیگر در جنوب و جنوب‌غربی است . سقف بنا از داخل نیز هشت‌ترك است و ترکها را به نقطهٔ واحدی رسانیده و سقف را جمع‌کرده‌اند. نقش خورشیدی در وسط طاق و اطراف آن کمی پایین‌تر دو خورشید و دو دایرهٔ منقش وگل وبوته است . صندوقی تخته‌ای مرقدرا پوشانیده وضریحی‌چوبین‌مشبك درفاصلهٔ نزدیکی صندوقرا احاطه‌کرده است.درازای این ضریح ۲۳۰ و پهنای آن ۱۱۶ و بلندی‌آن ۱۱۵ سانتیمتراست.

جلو بنای اصلی بقعه مسجدی به درازای ۷۳۵ وپهنای ۵۰۰ سانتیمتر بنا شده است. ایوانی جلو مسجد و حیاط‌کوچکی جلوایوان است. در ورودی اصلی به این حیاط باز می‌شود و بالای‌آن مأذنه‌ای چوبین است(عکس شمارهٔ ۵۰).

در مسجد و حیاط سنگهای قبور زیر دیده‌شد :

« وفات‌المرحوم‌المغفور امیرخان‌ابن رحمت وغفران‌پناه شاه‌قباد خواجه‌وند من طایفه شرف‌اوند سنه ۱۲۱۴».

« وفات مرحوم مغفور تیمورخان ولد مرحوم شیرمحمدخان خواجه‌وند فیروزکلائی ۱۳۲۴» .

۱ــ فیروزکلای‌بالا: ده ازدهستان علوی‌کلایخش‌مرکزی‌شهرستان‌نوشهر ،سه کیلومتری شرق‌کجور و فیروزکلای پایین ۲/۵ کیلومتری شرق کجور است (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

« وفـات غفران‌پناه مرحوم محمد نصیر سلطان ابن‌طاطاسلطان خواجه‌وند سنه ۱۲۴۰» .

« وفات‌المرحوم نامدارخان‌ابن مرحوم کاکاسلطان خواجه‌بند یوم پنجشنبه چهارم ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۴۲».

حسینیه‌ای نزدیك بقعهٔ شاهزاده حسین است و چناری کهنسال در دیوارمحوطهٔ این حسینیه دیده شدکه محیط دایرهٔ تنهٔ آن به ۸۴۰ سانتیمتر می‌رسد .

امامزاده سیدعلی
دراراضی فیروزکلای پایین از توابع کجور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است و ازسنگ وگل بنا شده است.ایوانی درجلو بناست . سقف بنا و ایوان پلورکشی و پل‌کوبی است . صندوقی چوبین ساده در وسط بنای اصلی بقعه مرقد را پوشانده است . محوطهٔ باز اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است. دوسه‌گور قدیمی دیده شدکه‌طرف شمالی وجنوبی‌گور سنگهای یك‌پارچه به ارتفاع ۷۰ و درازای ۱۱۵ سانتیمترکار گذاشته بودند . سنگ بالاسر گورها از بالا سه‌شاخه و به‌پهنای ۹۸ و بلندی ۷۰ سانتیمتر است. بربدنهٔ خارجی‌سنگهای بزرگ و کوچك‌مطالبی‌حك‌شده بودکه خوانده نشد (عکس شمارهٔ ۵۱). همانند این سنگهارا دربقعهٔ سیدمحمدبن‌امام‌جعفرالصادق علیه‌السلام در دهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم‌کلارستاق دیدیم ولی سنگهای‌گورستان بقعهٔ سیدعلی بزرگتر و قطورتر است. این‌سنگهاظاهراً مربوط به اواخر قرن‌نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری است.

مزار سیدخدیجه
در دامنهٔ کوه نزدیك بقعهٔ سیدعلی

در شرق بنای بقعهٔ سیدعلی و در دنبالهٔ اراضی‌گورستان این بقعه بنایی‌هشت

ضلعی از سنگ وگچ است . پهنای هرضلع ازخارج ۲۰۸سانتیمتر وقطرهشت‌ضلعی‌از داخل ۴۴۲ سانتیمتروقطردیواربنا ۸۵ سانتیمتر است(عکس شمارهٔ ۵۲). بوتهٔزرشکی داخل بناست‌که دخیل زیادی برآن بسته بودند . بلندی دیوارهای بازماندهیك‌متر و نیم تا دومتر است . این بنا ظاهراً گور یکی از بزرگان یا سران قوم‌بوده است .

امامزاده‌سید ولی
در اراضی دهکدهٔ فیروزکلای بالا حومهٔ کجور

بنای اصلی‌بقعه‌اطاقی است‌به درازای پنج وپهنای‌چهارمتر. سقف بناپلورکشی‌و پل‌کوبی است و بام‌آن لت‌سر است. صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است . مسجدی در جلو بنای بقعه است. درازای‌آن پنج‌متر و پهنای آن سه‌متراست. ایوانی نیز در جلو مسجد است . در ورودی مسجد و بقعه شرقی است. گورستانی قدیمی در محوطهٔ اطراف بقعه است . در محوطهٔ متصل به‌گورستان دو اصله درخت اوجای (نارون) کهنسال است . محیط دایرهٔ تنهٔ یکی ۴۰۰ ودیگری ۴۰۴ سانتیمتراست.

اوجائی (نارون) کهنسال
متصل به بقعهٔ سیدنبی در دهکدهٔ فیروزکلای بالاحومهٔ کجور

بقعه‌ای‌کوچك در این دهکده است‌که به‌نام‌سیدنبی معروف است وبنایی‌قدیمی به‌نظرنرسید. درخت اوجای کهنسالی متصل به‌بنای بقعه است‌که محیط دایرهٔ تنهٔ آن ۷۰۷ سانتیمتر است.

چناری کهنسال
در تکیهٔ فیروزکلای‌بالا حومهٔ‌کجور

در محوطهٔ مسجد وتکیهٔ فیروزکلای بالا چناری‌کهنسال است که‌گرداگرد تنهٔ

آن بالغ بر ۵۰۵ سانتیمتر است .

آثار بناهای قدیمی
در فیروزکلای بالا حومهٔ کجور

در اراضی لوس[1] نزدیك به این دهکده پس از کندوکاو آثار اطاقهایی پیداشده است . گچ هم از مصالح ساختمانی این بناها بوده‌است.

شاه پلافه[2]
بر سر کوه رستم‌زنی[3] از کوههای فیروزکلای بالا

در این محل آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود که مصالح آن آجر و سنگ و گچ بوده است .

قلعهٔ پی‌اسپرس
در دهکدهٔ پی‌اسپرس کالج گلندرود کجور

جای یادآوری از این قلعه قاعدةً در شرح روستاهای گلندرود باید بیاید و آبریز آن به رودخانه‌ای دیگر غیر از آبریز رودخانهٔ کجور است ولی از آنجا که نزدیکترین راه آن از راه فیروزکلای بالا بود، در اینجا یادکردیم. برسر تپه‌ای منفرد که چمن‌زار است، نزدیك دهکدهٔ پی‌اسپرس آثار قلعه‌ای قدیمی وجود دارد. مصالح بنا آجر و سنگ و گچ بوده است . آثار آبانباری نیز درمحوطهٔ قلعه دیده می‌شود. بناهای قلعه براثر کندوکاو زیاد زیرو رو شده است و طرحی از وضع قدیمی قلعه نمی‌توان تهیه کرد .

۱ـ بفتح لام و سکون واو . ۲ـ بفتح پ و کسر فاء . ۳ـ بکسر ذاء و تشدیدنون به معنی ذانو است .

مرقد ملك تاج‌الدوله زیادبن کیخسرو بن شهراگیم
در دهکدهٔ کدیر[1] کجور

در ایام دولت ملك‌تاج‌الدوله، مردم‌رستمدارورویان درعین جمعیت واستراحت بوده‌اند و در سیاست رعایا وتدبیر ملك هیچ‌ملکی بهملك تاج‌الدوله نرسید. مدت‌ده سال بدین منوال روزگار بگذرانید ودرسنهٔ اربع وثلاثین وسبعمایه بهمقام‌کدیر ، بهاجل مسمای خود برسید.[2]

منبر مسجد جامع کدیر

حسام‌الدوله اردشیر پسرناماور پس ازپدرکه در سال ۶۴۰ فوت‌شد، بهجای او نشست «برادرش اسکندربن ناماور درطرف ناتل وآن حوالی نشستی و منبری‌که‌در جامع‌کدیرنهاده است ونام اسکندربن‌ناماور برآنجا ثبت‌کرده‌اند وتاریخش صد و دو سال است، این اسکندر است.»[3] اگر سراسر تاریخ‌رویان درسال ۷۶۴که سال ختم‌آن است گردآوری شده باشد، این منبر ظاهراً در سال ۶۶۲ ساخته‌شده بوده‌است.

امامزاده سیدحسین و سیدقاسم
در اراضی پارجین کیلی کدیر

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است. سقف بنا پلورکشی وپل‌کوبی است.مسجدی متصل به‌بنای بقعه است. ایوانی درجلوآنست‌که در عرض مسجدقرار می‌گیرد . بنای بقعه و مسجد در دامنهٔ تپه‌است وگورستانی وسیع اطراف بقعه است .

۱ـ کدیر (بضم کاف) : ده از دهستان کلرودپی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، بیست ویك کیلومتری جنوب صلاح‌الدین‌کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .
۲ـ تاریخ رویان، چاپ نگارنده، ص ۱۷۶. ۳ـ تاریخ رویان، ص ۱۵۴ .

چون گورها در دامنهٔ تپه قرار گرفته‌اند ، بلندی قبلی آنها بیشتر از بلندی شمالی است و سنگهای قبور را در سمت قبلی نصب کرده‌اند .سنگها مورّخ بودند ولی قدمتی زیاد نداشتند . برسنگ قبری نام طایفهٔ «بیج» حك بود. این طایفه در پیجدهٔ نور نیز ساکنند .

قلعهٔ مور

برقلهٔ کوهی به‌نام «قلاسر»[1]

بالای قلهٔ قلاسر زمینی مسطح و پهناور در حدود دوهزارمتر مربع است . این قله میان مرتع موزی‌سی و مرتع فاتمه‌لا[2] است. ازطرف قبلی به نهررودبار واز شرق و غرب به مرتع هشتاتن[3] محدود می‌شود . اراضی زیر بنای این قلعه که سالها از قلاع مهم و مشهور بوده است تبدیل به‌جنگل‌شده وآثاری از بنا درآن دیده نمی‌شود. دو گودال نسبةً بزرگ دراین محل دیده می‌شودکه ظاهراً اثرکندوکاوهای گذشته است. این‌قلعهٔ عظیم، پیش قلعه‌ای به‌نام مناچیرقلعه[4] یا مناچیرکلا[5] قلعه داردکه برکنار شاهراه شاه‌عباسی است.

ابن اسفندیار می‌نویسد که وقتی‌که افراسیاب منوچهر را دنبال‌کرد، او به رستمدار آمد وپس از چندی‌که در خورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلی‌که کوهستان خیلی به‌دریا نزدیك است،پناه جست.درآنجا میان دیهای ونوشده وکنس ، خندق بزرگی حفرکرد و با همراهان خود درآنجا ماند و خانوادهٔ خودرا به‌قریهٔ موز (در نسخه‌های خطی مور) فرستادکه درآن وقت مانهیر نام داشت‌که در یك‌طرف آن

۱- بفتح قاف. ۲- بکسرتاء . ۳- بفتح هاء وتاء دوم . ۴- بفتح‌میم.
۵- در دفاتر دیوانی «منوچهرکلاه» نویسند.

کوه غار بزرگی است. منوچهر خزاین و دفاین خود رادرآن‌غارپنهان‌کرد ودرمدخل آن قلعه‌ای ساخت که در زمان‌مؤلف به‌نام«دزمنوچهر» شهرت داشت. درزمان‌کوچك علوی از همین‌غار خزاین‌بسیار به‌دست‌آمد.[۱]

اسماعیل‌کدخدای درزن[۲] به‌کلنل ولز گفته‌بودکه درنوررودبار قلعه‌ای‌غیرقابل تسخیر به‌نام قلعهٔ مور وجود دارد.[۳]

بقعهٔ طاهر و مطهر ومدفن ملك‌کیومرث استندار در اراضی دهکدهٔ هزارخال[۴]حومهٔ شهر کجور

قدیمیترین سندی‌که درآن از بقعهٔ طاهر و مطهر یاد شده است، تاریخ گیلان سیدظهیرالدین مرعشی است. نامبرده در سال ۸۶۳ هـ. ق. از قریهٔ هزارخال‌واین‌بقعه دیدن‌کرده ، این شرح را دربارهٔ‌آنجا نوشته‌است :

« روزجمعهٔ بیست‌وهفتم شوال‌سال ۸۶۳ به‌قریهٔ هزارخال‌کـه مـزار مبارك حضرات سادات‌کرام سیدطاهر ومطهرآنجا است وملك‌مغفور ملـك‌کیومرث جهت آن دوپاك‌زادهٔ عصمت‌پناه قبه‌ای عالی‌ساخته است و وصیت‌کرده‌که او را در قدم‌آن سیددفن‌کنند و قبر اورا به‌دو شبر از قبورآن سادات پست‌تر برآورند و همچنان‌کردند. واقعاًملك مرحوم‌درایام دولت خودبسیارازاین خیرات‌کرده است و هرجاکه درآن ولایت‌نشان مزاربزرگی ازبزرگان‌دین

۱ـ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو،ص ۲۹. ۲ـبفتح‌دال‌و ذاء و سکون راء .

۳ـ «Across the Elborz mountains to the Caspian sea» by Lt.Col.H.L. Wells in the Scottish geographical magazine jan . 1898 .

۴ـ هزارخال : ده از دهستان کجور بخش مرکزی نوشهر ، سه کیلومتری جنوب کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳).

داده بودند به بالای آن‌عمارت مرغوب بفرمود ساختن . فی‌الجمله فراخور ملك خود وقعی بنهاد و متولی بنشاند تا به‌مستحقان طعامی‌برسانند و برسر راهها در هر مواضع‌که از آبادانی دور بود بفرمود تارباطی بساختند.»[۱]

میرزا حسن‌خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۳ هجری قمری، از این‌بقعه دیدن‌کرده(عکس شمارهٔ ۵۳) و شرح‌زیر را دربارهٔآن‌نوشته‌است:

«قریهٔ هزارخال در نیم فرسخی شهر کجور ، نزدیك ناجردشت و صالحان است که اردوی همایونی امسال دربین این‌سه قریه متوقف و من در روز جمعهٔ بیست وهفتم شهر شوال‌المکرم سنهٔ‌هزارو سیصدوسه، به‌قصدزیارت و تفتیش اولیّت وکیفیت بنای مشهد امامزاده‌ها که‌در آنجا مدفونند به‌قریهٔ هزارخال درآمدم. دراین قریه پنجاه خانوار بود، تمام‌آنها از ایل خاجوندند و بین ایشان اصلاً خانواری از مازندرانیان‌نیست واین‌طایفه‌را شاه‌شهید آقامحمدشاه‌قاجار حشرّه‌الله مع‌الائمةالابرار از گرّوس‌وکردستان کوچانیده ، بدین‌سرزمین مرتع و مراعی داد تا رفع‌سرکشی وطغیان مازندرانیان بدیشان شده، اشرار رستمدار وهمجوارآن از حلقهٔ اطاعت بیرون نشوند و از جادهٔ اعتدال به‌طرف دیگرنروند. چراکه اهالی‌طبرستان در ابتداء سلطنت شاه شهید خالی از شرارت نبودند و یا می‌خواسته است دفع‌شر این طایفه را ازگرّوس وکردستان بفرماید.[۲]

بقعهٔ مبارکهٔ امامزادگان در این‌قریه واقع است و بدواً گنبد و بارگاه و صندوق آن به امر ملك‌کیومرث بنا شده است ونیزخود وی را بعد از وفات

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، چاپ نگارنده ، ص ۲۹۶ و ۲۹۷ .

۲ـ مجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۸، شمارهٔ ۷۳۲، برگ ۵۰۷ الف و ب .

در آنجا دفن کرده‌اند . در بنای این بقعه آنچه که به‌نظر رسید از این قرار است :

چون از در اول داخل‌شدم ، صحنی به‌نظر آمدکه فضای آن مدفن اموات بود و دیوار اطراف‌آن در غایت‌کوتاهی وبه‌حالت خرابی وتباهی‌آمده، در وسط این‌صحن گنبد وبارگاهی برپا شده است‌که درنهایت رفعت و استحکام است. چون خواهی‌که داخل بقعه‌شوی، دری به‌نظرآیدکه ازچوب جنگل ساخته و رویش را منبت‌کرده‌اند برروی مصراع آن‌درکه دروقت دخول به یمین واقع شده، این‌فقره را به خط رقاع نوشته‌اند:

امر بهذاالباب المشهدالمبارك الملك‌المعظم .

و در مصراع‌که در سمت یساراست، این‌فقره نوشته‌شده :

جلال‌الدوله‌کیومرث‌بن شرف‌الدوله بیستون استندار.

و در جبههٔ قطری مصراع راست این‌عبارت به‌نظررسید:

عمل محمدبن‌حسین‌کیاکردی .

چون از این‌در داخل‌شوی، رواقی تنگ باشد و طولش ازجنوب به شمال هشت مترونیم و ارتفاعش ازسطح زمین تا سقف‌که قوس و هلال ساخته‌اند، پنج‌متر است و در یمین و یسار این رواق دوصفهٔ بزرگ‌بسته شده است که در زیرآن مقبره‌ای به‌نظر آمد. لیکن بنای این دوصفه بخلاف بناهای دیگر این بقعه، جدید است. براطراف این رواق دوکتیبه نوشته شده است که آنها را برروی‌گچ با رنگ سرخ وکبود مرقوم داشته‌اند. اغلب جاهای این دوکتابه محو شده وگچ‌آن ریخته شده است وکنون آنچه‌که از کلمات آن‌کتابه باقی مانده در این‌جانوشته شده و به‌جای‌کلماتی که خوانده نشده چند نقطه‌گذاشته می‌شود :

.... السلام علیك یا ابراهیم خلیل‌الله السلام علیك یا اسمعیل ذبیح‌الله السلام‌علیك یا موسی کلیم‌الله السلام‌علیك یا عیسی روح‌الله السلام علیك یا وارث محمدبن عبدالله.... السلام علیك یا وارث‌امیرالمؤمنین ... فاطمه و حسن وحسین وزین‌العابدین ومحمد... بحق‌المحمد وانت‌المحمود و بحق علی‌وانت علی‌الاعلی و بحق فاطمه و انت فاطرالسموات‌والارض و بحق الحسن وانت‌المحسن وبحق‌الحسین والیك یرجع‌الاحسان ... واغفرذنبی و استرعیبی بفضلك وکرمك یاربی .

ونیز کتابه‌ای باریك بالاتر ازکتابهٔ اولی است که تمام آن یك‌سطر وبالای سردر رواق دوم نوشته شده است . آنچه که خوانده شد از این‌قراراست:

... تحتهاالانهار ... والذین معه‌اشداء علی‌الکفار ...سراجاً منیرا ... و شاهداً وبشیرا ونذیرا ... فاوفی الی‌عبده ما اوحی ... وکان‌قاب قوسین اوادنی ...سبحان‌الذی اسری ... من‌المسجدالحرام الی‌المسجدالاقصی ... و هردوی این‌کتابه به‌خط ریحان است .

از این رواق مذکور به رواقی دیگرکه مانند مسجد و واقعاً دارالحفّاظ‌این بقعه است ، داخل می‌شود و دری دراین‌جا نصب است‌که روبروی درب‌اول واقع شده است . درهرمصراع دری، چهار سطر نوشته شده‌که دو سطر آن فوقانی و دوسطر تحتانی است و مرقومات آن بدین تفصیل‌است :

مصراع طرف دست راست	مصراع طرف دست چپ
قدتم هذاالباب بامرالسلطان الا	عظم مالك‌رقاب الامم‌السلطان
ملك‌کیومرث‌خلدالله‌ملکه‌وسلطانه	واوضح‌علی‌العالمین‌برّه واحسانه
تحتانی	تحتانی

فی‌تاریخ‌جمادی‌الاولی سنة‌تسع واربعین وثمانمائه‌الهجریة‌صانعه استاد یوسف‌بن نجار فیروزی متولی هذالزیاره الشیخ حسین‌گالش

این در به‌رواق دوم باز می‌شود که دارالحفاظ بوده و از برای انعقاد صفوف جماعت وسعت مکان دارد وعرضش ازجنوب تاشمال هشت مترونیم و طولش از مشرق الی مغرب چهارده متر است . در این رواق در سمت‌جنوب صفهٔ محراب‌داری برپاشده ونیزروبروی‌آن‌هم‌صفه‌ایست‌که پنجره‌ای بردیوارآن قرار دارد و آن پنجره روبه‌صحن باز می‌شودکه از بیرون رواق بـه درون روشنائی داخل می‌شود و طاق این رواق مانند رواق اول از آجر و به طور هلالی ساخته شده است . از این رواق به روضهٔ مطهر و مرقد منور داخل می‌شودکه دری درآنجانصب‌شده است‌که‌روبروی درب اول ودرب‌ثانی‌است. این در بخلاف درهای دیگر ساده وبی‌نقش ونگار است . بالای‌سراین‌در، سنگی نصب کرده‌اندکه این عبارت برروی‌آن نوشته‌اند :

عمل استاد حسین‌بن علی‌بناء آملی‌الحسینی .

از این در به روضهٔ مطهره باید رفت ، سطح ایـن روضه مربع و منتظم و متساویةالاضلاع است که طول هرضلعش هشت‌متر و نیم و ارتفاعش از سطح زمین تا قاعدهٔطاق، دهمتر وازقاعده تا ذروهٔگنبد که منتهی به‌نقطهٔمخروطی است، چهارمتر بود و طاق‌گنبد به‌وضع‌نصف‌کره و مانند اسطوانی است واز بیرون به‌شکل منشوری است.

از وسط دیوارهای‌جنوبی وشمالی،دوپنجره روبه صحن به جهت روشنائی و نفوذ هوا گذاشته‌انـد وآن پنجره‌ها را ازچوب جنگلی مشبك ساخته‌اند . طول هرپنجره‌هشتاد وعرض‌آنها چهل‌سانتیمتر است. در هر دیواری سه‌عدد طاقچه‌نما ساخته بودند و از وسط طاقچه‌نمائی‌که در دیوار غربی وروبروی درب بین رواق و روضهٔ مطهره بود ، سپری برجسته و محدّب ازگچ ساخته

بودندکه قطر آن هشتاد سانتیمتر به‌نظر آمد و شکل ساعدی فقط از رنگ نقش‌کرده بودندکه‌دردست‌شمشیری‌گرفته وآن را تاوسط، درپشت‌سپر به‌کار برده بودند .

در اطراف این‌روضه ، سه‌کتابه دیده‌شدکه بکلی اثری ازآنها باقی نمانده‌و گچهایش ریخته بودو بهیچوجه خوانده نمی‌شد، ولی درکتابهٔ اولی بعضی کلمات ملاحظه‌شدکه لفظ «کیومرث» و«جلال» و «الحمد» نوشته‌شده بود. معلوم شدکه این‌کتابه‌باکتابهٔ‌صندوق اول‌که نوشته می‌شود مطابق واختلافی نداشت و این‌کتابه‌هاکه خوانده نشد، به خط ریحان و تعلیق بود . نیز در دو طرف هر طاقچه‌نمائی به خط کوفی،مربعی قرارداده‌که به‌طرز«مقرنس عرابی=عرابیسك» بعضی کلمات ازآیات‌قرآنیه واحادیث‌نبویه وصلوات و سلام نوشته شده بود.

در وسط گنبد، دوصندوق ، یکی بزرگتر و دیگری‌کوچکتر واقع شده . صندوق بزرگ که طرف دست‌چپ است ، مرقد دو امامزادهٔ بزرگوار است. طول این صندوق دومتر ونیم وعرضش یك‌متر ونیم و ارتفاعش نیز یك متر و نیم است . باآنکه چهارصد وشصت وسه‌سال است که این صندوق دراین‌جا قرارداده‌است، باز هنوز در غایت‌صفا ونهایت‌استحکام‌است.هیچ‌عیبی درآن ظاهر نشده بلکه مثل‌آنست‌که‌تازه‌این‌صندوق‌را آماده‌کرده‌اند.خوشنویس‌و نقاش و نقاره‌چیان صنعتی در این صندوق به‌کار برده‌که هرصانع ماهری‌در اظهارچنان صنعت قاصر و به‌لسان انصاف به‌استادی آن صنعتگران‌اعتراف کنند .دراین صندوق دوکتابه یکی‌بالاودیگری پایین به‌خط نسخ وریحان دیده می‌شده و در وسط‌کلمات گلکاری ونقش ونگارمنحوت شده است و در حاشیهٔ‌کتابهٔ بالای صندوق این عبارات وافیه وبیانات‌کافیه دیده شد:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین والصلوة والسلام علی‌خیر خلقه محمد وآله[۱] الطیبین‌الطاهرین امابعد فان‌الملك‌الاعظم مالك رقاب‌الامم اعدل‌الملوك والسلاطین اعتضادالحکام والخواقین المؤید بتائیدرب‌العالمین جلال الحق والدولة والدین ابوالمظفرالملك کیومرث‌بن‌الملك المرحوم المغفورالشهید[۲] (عکس شمارهٔ ۵۴). الملك بیستون خلّدالله تعالی سلطنة الی‌یوم‌الدین و رحم‌ابائه و اسلافه الصالحین امر بنحت‌هذه الصندوق المرقدالمنور.[۳]

و درکتابهٔ طرف پائین صندوق از قرار ذیل نوشته شده است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الا هوالحی‌القیوم لاتأخذه سنةٌ ولانوم لهما (دراین سطر طرف دیگر چیزی نوشته نشده بود)[۴].

اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی و علی‌علی‌المرتضی و حسن‌الرضا وحسین‌شهید الکربلا[۵] و زین‌العابدین و محمدباقر و جعفرالصادق و موسی‌الکاظم و علی موسی‌الرضا و محمدتقی و علی‌نقی و حسن‌العسکری وحجةالقائم امام محمدالمهدی صلوات‌الله‌علیه[۶] وعلیهم‌اجمعین والصلوة علی‌صاحبی هذاالمرقد المنورامامین‌الهمامین السیدبن‌الشهیدبن‌الکاملین الفاضلین‌الصادقین[۷] الطاهرین[۸] المطهرین ابنا امام‌العالم العادل والشرع الناظم وهوموسی‌الکاظم

۱ــ تا اینجاکتیبهٔ قسمت بالای سراست . ۲ــ تا اینجاکتیبهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است. ۳ــ اعتمادالسلطنه«سعید» خوانده است. الف و لام وشین کلمهٔ «شهید» در کتیبهٔ پایین پا است. ۴ــ اعتمادالسلطنه کلمهٔ «المنور» رانخوانده است . ۵ــ منظور ، چیزدیگری درسطر این طرف نوشته نشده بود . ۶ــ اعتمادالسلطنه کلمهٔ « کربلا » را بدون الف ولام ضبط کرده است . ۷ــ تا اینجا کتابهٔ بدنهٔ شمالی صندوق است . ۸ــ جای کلمهٔ « الصادقین » را اعتمادالسلطنه نقطه چنین کرده است . ۹ــ تا اینجا کتابهٔ پایین پا است .

علیهم التحیة و الرضوان تم هذا الصندوق الشریف و العمل الظریف علی ید الاستاد الاجل المخدوم استاد محمد بن الحسین النجار المعروف بکیا کردی ولایة رودی کتبه محمود بن النجیب الرستمداری[1] غفرله (عکس شمارهٔ ۵۵).

در زیر این کتابه طرف پایین پا، در طرف مشرق در ورودی محجر صندوق بدین عبارت تاریخ نخست این صندوق را نوشته‌اند : فی تاریخ ربیع الاخر سنة اربع وثمانمائة الهجریة.[2]

صندوق ثانی کوچکتر و در طرف ایمن صندوق اول و سمت شمالی است . دراین صندوق ملک کیومرث مدفون است. عرض و طول این صندوق بااولی مساوی است امااارتفاعاً نیم متر کوتاهتر ازآن صندوق است[3] و دراین صندوق نیز دوکتابهٔ فوقانی و تحتانی است و بعلاوه در هر طرفی از چهار طرف دردوخط عمودی بطرف عرض دوکتابهٔ دیگر باشد وطرز خواندن کتابه‌های این صندوق باید از طرف مغرب سمت بالاسر ابتدا شود . اول سطر اول فوقانی ، بعد به خط تحتانی و بعد به دوکتابه خط عمودی شروع شده ، آنوقت در طرف دست چپ رو به شمال باید میل کرد و آنجا را خواند تا هرچهار طرف اتمام یابد . در این کتابه‌ها صلوات و سلامی که درصندوق اول نوشته شده بود ، در اینجا تا امام دوازدهم نوشته شده ، بعداً سورهٔ « انافتحنا » را الی « بماتعلمون خبیراً » نقاری کرده‌اند .»[4]

۱ــ کلمهٔ « رستمداری » روشن خوانده نشد . ۲ــ کلمه‌ای نظیر « وسلم » بعد از « الهجریه » نوشته شده است . ۳ــ اندازهٔ صندوق مرقدملک کیومرث: درازا ۲۱۰ و پهنا ۱۱۳ و بلندی ۸۹ سانتیمتر است . ۴ــ تااینجا عبارات میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه است .

طرف غرب یعنی بالاسر صندوق ملك کیومرث کتیبه‌های زیر است :

کتیبهٔ بالا :

«اللهم صل علی المصطفی وعلی علی المرتضی وعلی حسن الرضا وعلی حسین شهید بکربلا وعلی زین العابدین وعلی محمد الباقر ».

کتیبهٔ پایین :

« وعلی جعفر الصادق وعلی موسی الکاظم وعلی علی موسی الرضا وعلی محمد تقی و علی علی النقی و علی حسن العسکری و محمد المهدی».

طرف شمال این صندوق کتیبه‌های زیر خوانده می‌شود :

کتیبهٔ بالا:

«بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لك فتحاً مبیناً ـ تا ـ انزل السکینة فی».

کتیبهٔ پایین :

«قلوب المؤمنین لیزدادوا ـ تا ـ خالدین فیها و یکفر عنهم».

کتیبهٔ عمودی سمت راست از بالا به پایین:

«سیئاتهم وکان ذلك عند الله ـ تا ـ المنافقین والمنافقات».

کتیبهٔ عمودی سمت چپ از بالا به پایین :

« والمشرکین والمشرکات ـ تا ـ علیهم دائرة السوء».

طرف شرقی صندوق مرقد ملك کیومرث :

کتیبهٔ بالا :

«هذا الصندوق الروضة السلطان الاعظم الاعدل مالك رقاب الامم سلطان العرب والعجم» (عکس شمارهٔ ۵۶).

کتیبهٔ پایین :

«المؤید بتأیید الملك الجبار والمعتصم بولایة علی المختار کیومرث بن بیستون

استندار فی‌سنة ثمانة و خمسین و ثمانمائة».

طرف جنوب صندوق مرقد ملك کیومرث (عکس شمارهٔ ۵۷):

کتیبهٔ بالا :

« وغضب‌الله‌علیهم‌ولعنهم ـ تا ـ تسبحوه بکرة واصیلا» .

کتیبهٔ پایین:

«ان‌الذین یبایعونك ـ تا ـ واهلونا فاستغفرلنا».

کتیبهٔ عمودی دست‌راست از بالا به‌پایین :

«یقولون بالسنتهم‌مالیس ـ تا ـ من‌الله شیئاً ان».

کتیبهٔ عمودی دست چپ از بالا به‌پایین :

« ان[1] ارادبکم‌ضراً ـ تا ـ بماتعلمون‌خبیرا».[2]

« درطرف پایین‌پا درکتابهٔ تحتانی این‌عبارت ملاحظه شد:

المؤید بتأئیدالملك‌الجبارالمعتصم‌بولایه‌علی‌المختارکیومرث‌بیستون‌استندار فی‌سنة ثمانیة و خمسین وثمانمائة .

در صنعت نقاری و نقاشی و خطاطی‌این‌صندوق هم مثل صندوق اول‌پاکیزه‌و مرغوب ، بلکه امتیازش بیشتر است.

در رواق و روضه بیش از این انکشافی نبود ولی در بیرون بقعه و بارگاه که وسط صحن مبارك واقع شده ، براطراف چهار دیوارآن بقعه دو کتابه بلافاصله در زیرهم نوشته شده است. اولی برروی آجرهای نظامی‌ناپخته‌به خط ریحانی نوشته‌اند، بعداً آجرها را پخته بطور لوحه برروی دیوارها

۱ـ کلمهٔ «ان» درابتدای این‌کتیبه مکررآمده است . ۲ـ سورة الفتح ، ۴۸ : آیات ۱ـ ۱۱ . چون نقل اعتمادالسلطنه ناقص بود تا اینجا را نگارنده ازروی‌صندوق مرقد ملك‌کیومرث نقل‌کرده است .

نشانیده بودند و خطوط کتابهٔ فوقانی، از دیوار رو به‌جنوب شروع شده. بعد از بسمله، آیةالکرسی تا «وهوالعلی‌العظیم» و بعدازاین تاریخ را نوشته‌بود (فی‌سنة تسع و عشرین وثمانمائة).

کتابهٔ دوم تحتانی را نیز مثل کتابهٔ فوقانی شروع کرده ، به همان قلم بعداز بسمله، سورهٔ مبارکهٔ «فتح» تاآیهٔ «والمشرکین والمشرکات» نوشته‌شده‌است. ابتداء این دوکتابه از دیوار رو به‌جنوب و انتهی روبه شمال است و درسر دیوارغربی که بالای درب امامزاده است، بقیهٔ این دوکتابه است که بعضی آجرهای آن ریخته و برخی منصوب است . آجرهای ریخته را آنچه‌راکه نزد متولی موجود بود با آجرهای منصوب وفق داده، کلماتی که دیده شد دراینجا نوشته می‌شود:

هوالملک‌العزیزالملک‌الاعظم‌الاعدل خسرو ایران‌خلاصهٔ اکاسرهٔ جهان معین امیرالمؤمنین ... ملک‌کیومرث خلدالله‌تعالی‌سلطنته‌ابن‌ملک‌المغفورالمبرور ملک‌شرف‌الدوله بیستون استندار علیه‌الرحمة والغفران کتبه محمودبن نجیب‌الرستمداری فی‌تاریخ‌ثمان وعشرین و ثمانمائه».[1]

آنچه از کتیبه‌های دیوار بنا امروز برجای‌است

کتیبهٔ بالای ضلع جنوبی :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله الاهو ـ تا ـ مافی‌الارض‌من».

کتیبهٔ پایین ضلع‌جنوبی :

۱ـ از اینجا به‌بعد اعتمادالسلطنه از قول مورخین عمودنسب ملک‌کیومرث را تا آدم صفی‌الله نوشته است‌که مانقل آنرا لازم ندانستیم .

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انّا فتحنالك فتحاً ـ تا ـ نصراً عزیزا هو» (عکس شمارهٔ ۵۸).

کتیبهٔ بالای ضلع‌غربی :

«ذالذ . . . عنده . . . بهم و ماخلفهم ولایحیطون بشیءٍ من‌علمه . . . . . شاء وسع‌کرسیه».

کتیبهٔ پایین ضلع‌غربی :

«الذی انزل‌سکینة فی‌قلوب ... نهم ... جنودالسموات والارض وکا .... یدخل‌المؤ ... ثمان وعشرین» (عکس شمارهٔ ۵۹) .

کتیبهٔ بالای ضلع‌شمالی :

«السموات والارض‌ولایؤده حفظهما و هوالعلی‌العظیم فی‌سنة تسع عشرین و ثمانمائة الهجریةالنبویة وکل ح ...».

کتیبهٔ پایین ضلع شمالی :

«من‌تحتها الانهار خالدین فیها ... المنافقات والمشرکین والمشرکات».

کتیبهٔ بالای ضلع شرقی :

«حکم ... احد... کام ... ح ... هوالملك العزیز کتبه محمودبن‌نجیب ـ الرستمداری امر بعمارة المبارك ذوالهجریه مطهرمنورفی‌تاریخ ماءعلیها...»

کتیبهٔ پایین ضلع‌شرقی :

«الملائکة الاعظم الاعدل‌المغفورالمبرور» [باقی‌کلمات جا بجاست وریخته است].

ازآنچه‌که اعتمادالسلطنه‌ازآنهایادکرده است فعلاً بنای‌اصلی بقعه وصندوقهاو دارالحفّاظ برقرار است (عکس شمارهٔ ۶۰) . دو زوج در اصلی بقعه و دارالحفّاظ به سرقت رفته است و داخل بنای بقعه براثر تعمیرات مکرر با آنچه اعتمادالسلطنه

شرح داده است تفاوتهای بسیار دارد. از کتیبه‌های داخلی و نقش‌ونگارها وسپر گچ‌بری برجسته و سایر نقوش هیچگونه اثری نیست .

بنای اصلی از داخل مربع و بدابعاد ۵۴۰ × ۵۴۷ و ازخارج ۸۴۰ × ۸۴۰ سانتیمتر است . برچهارگوشهٔ بنا چهارگوشوار زده‌اند وکمربند هشت‌ضلعی گنبد را بوجودآورده‌اند و طاق را بردو ردیف مقرنس آجرکاری زده‌اند. در ورودی اصلی، شرقی است و بربالای آن خفنگی چوبین مشبك است. درهر یك از اضلاع دیگر دو طاقنما ساخته شده است و قسمت‌بالای در ورودی نیزدو طاقنما دارد. دربدنهٔجنوبی و شمالی بقعه ، دریچه داشته‌که فعلاً گرفته‌اند.

دارالحفّاظ این بقعه متصل به ضلع شرقی است و شامل محوطه‌ای چهارضلعی به ابعاد ۳۱۲ × ۳۹۸ سانتیمتر و چهارطاقنما در چهار ضلع بناست که دارای طاق جناقی‌هستند. در ضلع جنوبی دورف‌مانندداست‌که‌درآنها دوخفنگ نورگیر نصب شده است . درورودی دارالحفّاظ شرقی است وبالای‌آن‌خفنگی مشبك چوبین‌نورگیراست. سقف‌این قسمت بنا گنبدی است.

بالای در ورودی دارالحفّاظ این شرح با خطی خوش‌نسخ‌نوشته شده است:

«هوالله تعالی‌شأنه

حسب‌الامر و فرمایش اعلیحضرت قدرقدرت ناصرالدین‌شاه قاجار خلدالله ملکه الی دارالقرار در سنهٔ ۱۳۰۲ برای تعمیرگنبد مطهر امامزاده طاهرو مطهر علیه‌السلام‌بعمدةالامراء العظام ولیخان‌سرتیپ‌میرپنجهٔ تنکابن ... که محض‌اجردنیا وآخرت‌مخارج رامتحمل‌شده تعمیر نمایدلهذا بسرکاری بندهٔ درگاه‌آقا ... بیگ‌نایب‌فوج دراواخر سنهٔ ۱۳۰۴مطابق‌شهر ذیعقدةالحرام در سال فرخنده‌فال تنگوزئیل انجام پذیرفت . »

در محوطهٔ اطراف بقعه، گورستانی قدیمی است اما سنگهای قبور مورخ آن میان سالهای ۱۲۹۰ـ۱۳۰۹ ه . ق . است.

مرقد سیدمحمد کیا دبیر صالحانی
در دهکدهٔ صالحان[1] حومهٔ شهر کجور

نسب او را میرظهیرالدین چنین یادکرده است :

«محمدبن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن القاسم بن الحسن بن زیدبن الحسن ابن علی المرتضی علیه وعلیهم السلام .»[2]

اما مولانا اولیاءالله به‌اشتباه حسن مثنی را حسن بن امیرالمؤمنین پنداشته و نام او و نام پسرش زیـد را از قلم انداخته و قاسم را پسر حسن بن علی علیه‌السلام دانسته است .[3] سیدظهیرالدین می‌نویسدکه مردم اورا «سلطـان کیمدور»[4] نیز می‌خوانند .

۱ـ صالحان: ده ازدهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر، شش کیلومتری جنوب شرقی کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج۳) . ۲ـ تاریخ طبرستان ورویان و مازندران ، ص ۲۰۱ و۲۰۲ . ۳ـ در تـاریخ‌رویـان ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰ از ایـن شخص یـاد شده است . ۴ ـ لغـت « کیمدور » ظـاهـراً طبـری نیست و ریشه و اشتقاق آن شباهتی به واژه‌های طبری ندارد . احتمال داده‌ایم این لغت ترکی باشد و شاید این داستان محلی به‌حل آن کمکی کند که سلطان‌سنجر آوازهٔ شهرت سلطان‌العارفین سیدمحمد کیای دبیرصالحانی را شنیده بود (زمان حیات سلطان‌سنجر وسلطـان‌محمد اختلاف زیادی با یکدیگر دارد) ازدی از راه لاروتور به کجور آمدتااورا ببیند وقتی به گردنه‌قرقدرسید و سرازیر شدنیت کرد سیددا گوشمالی‌دهدکوه به امرسلطان محمد به‌لرزش درآمد. سلطان‌سنجر وحشت کرد ونیت بگردانید . ندا رسیدکه کوه ملرز وتا امروز این کوه به همین نام‌معروف است . بالاخره سلطان‌سنجر بـه زیـارت سیدمحمد نائل آمد و دست ارادت بدو داد. سلطان‌سنجر هنگام‌حرکت ازروی تخفیف واستحقار پرسیده بود «سلطان کیمدور» یعنی‌سلطان کیست ؟

این بقعه راسیدظهیرالدین‌روز دوشنبه بیست‌و ششم ذی‌القعدهٔ سنهٔ ۸۷۱ زیارت‌کرده، عین عبارات او چنین است :

« شب سه‌شنبه به قریهٔ صالحان به‌سر برده شد وزیارت سلطان المحققین سیدمحمد کیای دبیرقدس سره را به شفاء ادب مقبل و ملثوم ساخته‌آمد.»[1]

میرزا حسن‌خان‌اعتمادالسلطنه دررکاب ناصرالدین‌شاه درسال ۱۳۰۳ ه. ق. از این محل دیدن‌کرده و دربارهٔ آن چنین نوشته است :

«قریهٔ صالحان را باقریهٔ مزارخال‌که بدان‌اشارتی شد مسافت به قدرمیدانی بیش نیست . روز یکشنبه ۲۹ شوال سنهٔ ۱۳۰۳ که در رکاب نصرت انتساب همایونی بودم و دراین سفر از ملتزمین محسوب می‌شدم ، به قریهٔ صالحان از توابع کجور که خاك رویان می‌باشد درآمدم و در بقعهٔ مبارکـه رفتم . این بقعه در زلزلهٔ معروفه که پیش ازنودسال یـا صدسال در تمامی ممالك محروسهٔ ایران به وقوع آمد منهدم وخراب شده و جز چهار دیوارمخروبه اثـری بـاقی‌نمانده ودرتپه‌ای در جنب جنوب غربی صالحان واقـع است . دراین چاردیوار یك رواق و یك‌بقعه است‌که بلندی دراین رواق یك مترو بیست وپنج سانتیمترو عرضش‌نود سانتیمتر است. یك لنگهٔ این درمخصوص به درآن بقعهٔ دیگراست‌که پس‌ازخرابی اهل این‌قریه ندانسته این‌لنگه‌را به عوض دراین درگذاشته‌اند و لنگـهٔ این در به‌آن دربقعه نصب‌کرده‌اند. به خط ثلث به چهارچوب‌های این درکتابه‌ای نوشته‌اندکه صورت‌آن ازاین قرار است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنالك‌فتحاًمبیناً ـ الی ـ عندالله فوزاً عظیماالله مفتح‌الابواب مسبب‌الاسباب هذاباب عمارةالمشهدالمقدس وتربة معطرسلطان

۱ـ تاریخ گیلان ودیلمستان،ص۳۲۴ .

العارفین برهان المحققین تاج الواصلین خلیفة رسول رب العالمین ابوالمعارف سلطان محمد دبیر کیاصالحانی قدس‌الله سره امر بهذا المعارة و الباب الملك الاعظم والاستندار المعظم جلال الدوله ملك اسکندر بن الملك المرحوم شرف الدوله بیستون خلدالله ملکه و طاب ثراه فی تاریخ ماه مبارك محرم سنهٔ عشرین و ثمانمائه الهجریه النبویه .

این در در رواقی است که مساحت داخلش طولاً و عرضاً پنج و از سطح زمین تاقاعدهٔ طاق شش متر است . دو طاقنما در دیوار شمالی و یك طاقنما در دیوار جنوبی دارد . دراین بقعه سنگ پاره‌ای به شکل شبه اسطوانه از جنس گرانیت به نظر آمد، چون روی سنگ را پیسه گرفته و اغلب جاهای آن حك و نابوده شده بود خطوطی به وضع نسخ قدیم نوشته بودند که درست خوانده نمی‌شد، آنچه به نظر آمد ازاین قرار است :

لااله‌الاالله محمدرسول‌الله هذاقبرمبارك سلطان العارفین و قطب الواصلین سلطان محمدکیابن .. .. .. فی .... قدس‌سره العزیز . . . الله...مایه....[۱]

اگرچه ازاین عبارت واضح شد که این سنگ سنگ مقبرهٔ این بزرگوار است اما لفظ سلطان و قاعدهٔ خط شهادت نمی‌دهد که سنگ مذکور ازآثار مائهٔ دوم یا سوم باشد . طول سنگ ۷۰ و قطر وسطش ۴۵ سانتیمتر است . هرچند تخته‌های در دوم که داخل روضه می‌شود ، درجای خود بودند ولی از لنگهٔ چپش که در درب اول و از لنگهٔ راست آن که در رواق دوم افتاده بود کتابهٔ آتیه که در چهار سطر به خط رقاع نوشته بودند خوانده شد :

۱ــ در قسمت بالای کلاهك سنگ « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم » و در وسط کلاهك کلمهٔ « الله » نیز خوانده می‌شود. مقداری ازآخرونویس اعتمادالسلطنه امروزشکسته وازمیان‌رفته است .

قدتم هذاالباب فی‌اوان الدولة السلطان الاعظم مالك‌الرقاب والامم جلال‌الدولة ملك‌کیومرث . . . خلدالله ملکه وسلطنته .

بلندی این در یك متر وهشتاد سانتیمتر و عرضش یك مترو پانزده سانتیمتر است و گشوده می‌شود به روضهٔ مطهره کـه مرقد و مدفن سلطان محمدکیا دبیر و ملـك‌کاوس است.[1] ایـن بقعه مثمن‌الزاویه و هـرزاویـه، دارای سه طاقنماست کـه برروی یك دیگر واقع شده . قطر بقعه از قـاعدهٔ زاویه‌ها شش‌متر و از سطح تا قاعدهٔ طاق هشت متر است و ارتفاع طاقهم‌گویا ۳/۵ متر بوده است .

دربالای طاقنمای اول اسم مدفونین بقعه و بـانی و مأمور و تاریخ بنا را به خط ریحان وبه قلم سه سانتیمتری به روی گچ به رنگ سیاه‌کتابت‌کرده‌اند اما ازآنکه اغلب جاهای‌آن خراب شده بود بـه طور مطلوب خـوانده نشد مگر این کلمات که نوشته آمد :

بسم‌الله الرحمن‌الرحیم ... سلطان‌السلاطین و خاقـان الخواقین .... ملك اسکند .... خلدالله ملکه ... ابن‌صاحب دیـوان آقـا محمدکزازی . . . سلطان‌العارفین برهان‌المحققین ابوالمعارف سلطان محمد دبیرکیا سلطان طبرستان ... سنه...[2]

بالای طاقنمای دوم به خط خوش و مرغوب سورهٔ یس کتابت شده. در هـر طاقچه‌هم ازآیات شریفه و احادیث منیفه‌کتابه‌ای‌کرده‌اند[3] و چهـار پنجره در طاقنماهای جنوبی وشمالی وغربی قرار داده‌اند.

۱ـ از این درها هیچ اثری نبود. یك‌زوج‌ازاین‌درها درخانهٔ متولی است و او از نشان دادن آنها امتناع کرد . ۲ـ ازاین‌کتیبه امروز اثری برجـای نبود . ۳ـ از این کتیبه‌ها امروز کوچکترین اثری‌برجای نیست.

در وسط روضهٔ مطهره یك سنگ دستاس و یك کلاهك گلدسته از مس ومطلاو یك میل آهنی به‌نظر آمد. چون اثر تاریخی در آنها نبود از متولی این بقعهٔ مبارکه استفسار کردم معلوم شدکه دراینجا منارهای ازچوب بوده‌که قنادیل بر آن آویزان می‌کردند و کلاهك هم مخصوص بـه‌سر آن‌مناره بوده و میلهٔ آهنی از برای تقویت و محافظت کلاهك به‌سرمناره‌گذاشته می‌شده است و سنگ آسیا هم در رواق اول در وقت حفرقبری به‌دست آمده است.[1]

بعد از آنکه به‌خردو ریز و تخته شکسته‌های صندوقهای پای قبور نگـاه کردم ودقت نمودم واضح شدکه در این بقعه دوصندوق بوده است.

صندوق اول خواه از صنعت‌کتابت و نقاشی و خواه ازنقّاری وسایرآثارمثل صندوقهٔ امامزاده طاهرین است که در قریهٔ هزارخال دیده شد و معلوم شد که حاشیهٔ اول صندوقه بعد ازبسم الله، آیةالکرسی وصلوات وسلام برحضرت خاتم‌الانبیا و ائمهٔ اثنی‌عشر را نوشته و بعدازاین‌کتابه راکه اول‌آن به‌دست نیامد نگاشته‌اند:

... ملك‌کیومرث جعل‌الله ظلال عدالته مؤیداً علی رؤس‌المؤمنین الی‌یوم‌الدین ابن‌غفران‌پناه فردوس دستگاه ملك‌بهمن طاب‌ثراه وجعـل‌الجنه‌مثواه فی‌تاریخ ذی‌الحجه سنةاربع وستین و تسعمایه عامل هذاالصنـدوق‌المبارك اقل‌العباد علاءالدین‌بن محمدالنجار وکاتبه العبد حاجی‌محمدگیلانی.

از این‌عبارات مفهوم شد که این صندوق مخصوص به مرقد مبارك امامزاده محمددبیرکیا بوده و ملك‌کیومرث[2] در تاریخ سابق‌الذکرمرمت‌کرده است.

صندوق دوم نیز از جهت‌کتابت و نقّاری ونقاشی و سایرآثـار مثل صندوق

۱ـ از این آثارنشانی ندیدم. ۲ـ این ملك‌کیومرث غیرازملك‌کیومرث‌بن ملك بیستون است.

قبر ملك‌کیومرث است که در امامزاده طاهرین مسبوق‌الذکر دیده شد و قبر پادشاهی بودن آن مفهوم و معلوم گشت.

در حواشی صندوق ثانی سورهٔ مبارکهٔ فتح‌را قدری نوشته بعدهمان صلوات‌و سلام راکه در فوق مذکور شد نوشته و ازآن بعد این بیانات کتابت شده است :

هذاالصندوق والمرقدالمنور للمغفور بعواطف‌الملك‌القدوس ملك‌کاوس بن الملك‌کبیر ملك جهانگیربن‌المرحوم ملك‌کاوس طاب‌الله‌ثراهم وجعل‌الجنة مثواهم و مصنوع فی‌محرم‌الحرام اربع ...

در این بقعه قبرسومی بوده‌که از آثارآن قبر تخته‌پاره‌ای به دست‌آمدکه چنداسمی از اسامی دوازده امام درآن بوده و به‌خط نستعلیق شبیه به‌خط میر به‌نظرآمد لکن بیش ازاین اطلاعی حاصل نشد.[1] همین قدر به حدس می‌توان‌گفت‌که صاحب این‌قبر یکی از رجال معتبردولت‌صفویه‌بوده است .

در این بقعهٔ مبارکه هرقدر انکشافاتی بود نوشته شد بعلاوه آنکه از متولی امامزاده فرمانی‌کهنه به‌دست‌آمدکه به‌خط نستعلیق نوشته شده بود و خواندنش بحدی اشکال داشت‌که بیرون از وصف است بهرطور بوده اصل فرمان خوانده شد لکن مهر وامضای‌آن‌که مدوّر بوده به‌هیچ‌وجه خوانده نشد و تاریخ آن فرمان هم بعضی کلماتش محو شده بود . صورت فرمان اینست :

نواب وعمال وکارکنان‌کجورستاق‌چون به نشان همیون اطلاع یابند بدانند که دربنوفت مشایخان صالحان احسن‌الله تقویهم‌حکم‌حکام ماضیه دردست

۱ــ از پاره‌های صندوق قبرملك‌کاوس ومرقدسومی‌هیچگونه‌اثری‌امروزموجودنیست و امکان دارد تمام اجزای آن به سرقت رفته باشد .

دارند که خطابت کجورستاق مثل سرکش و صالحان غیبی تعلق بهما داشته بود اکنون نیز رجوع بدیشان کردیم تا محصولات آن را صرف معاش خود نمایند و بدعاگوئی و خدمتگاری حضرت سلطان العارفین برهان المحققین واقف اسرار رب العالمین سلطان محمد کیا دبیر صالحان بهسر برند و بدعا به دولت ما قیام نمایند و هیچ طایفهٔ دیگر مداخلت ننمایند جز واقفان و مشارکت ندارند و مزاحم احوال ایشان نشوند و بتصرف ایشان بگذارند و تغییر و تبدیل بقواعد آن راه ندهند چون بتوقیع رفیع موشح ومطلع کردند اعتماد نمایند و انحراف نجویند برین جوانب روند تا بمجدت و ارتضاء معرفت گردد.

تحریرا فی ماه مبارك سنه .... ثمانمائه...»[1]

آنچه امروز برجای است از این قرار است :

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است (عکس شمارهٔ ۶۱) . درهر ضلع از داخل صفهٔ کوچکی به دهانهٔ ۲۱۰ وعمق ۸۳ سانتیمتر ساخته شده و به دو قسمت تقسیم شده اند. قسمت پایین دارای یك طاق جناقی است که نیمی ازعمق صفه را پرمی کند و بالای این قسمت رفی باطاق هلالی است . محرابی در یکی از اضلاع قبلی است که دهانهٔ آن یك متر و عمق آن ۷۰ سانتیمتر و داخل آن پنج ترك است . درورودی شرقی است و در رفهای جنوب و جنوب غربی و رف مقابل در ورودی، سه خفنگ چوبین مشبك نورگیر است.

پس از دوران ناصری، گنبد را تعمیری سرسری کرده اند .فعلاً طاقی دوپوش دارد، از داخل گنبدی و از خارج هشت ترك آجری است . قطر داخلی بنا از زاویه ای به زاویهٔ مقابل ۶۸۶ سانتیمتر و قطر دیوار بنا ۱۵۰ سانتیمتر است.

۱ــ این مطالب ازمجموعهٔ کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۳۳ صفحات ۵۱۵ ــ ۵۱۸ نقل شده است .

صندوقی چوبین قاب وآلت در وسط به درازای ۲۴۹ وپهنای ۱۱۸ وبلندی‌آن با درنظر گرفتن پایه۱۳۰ سانتیمتر است. زیارتنامه‌ای‌مورخ ۱۱۴۲ در بقعه دیده‌شد. اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است وچناری‌کهنسال نزدیك در ورودی گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ‌بر ۴۹۰ سانتیمتراست.

مسجدی متصل به‌بناست‌که در ورودی بقعه‌به داخل‌آن باز می‌شود. این در به‌بلندی ۱۶۲ وپهنای ۴۶ سانتیمتروقاب وآلت دولنگه‌ای است. درازای مسجد۳۵۷و پهنای آن ۳۲۵ سانتیمتر است . در چهارطرف، چهارطاقنما باطاق جناقی ساخته شده است و روی این چهارطاق‌جناقی، گنبد رازده‌اند.زیردوطاق جنوبی وشمالی‌دوخفنگ نورگیر مشبك است.

متصل به‌جنوب مسجد و بقعه بنایی است به درازای۸۷۰ وپهنای ۲۴۰سانتیمتر که شامل سه‌قسمت است و قسمتها با سه طاق هلالی از یکدیگر مجزا شده‌اند .بالای قسمت اول، طاقی‌گنبدی با آجرزده‌اند و دوقسمت دیگر هم طاق‌داشته و خراب‌شده است، فعلاً پلورکشی‌کرده وطاق زده‌اند.

خفنگی چوبین مشبك‌نورگیر طرف غرب بناست . مصالحی‌که در این‌قسمت‌از بنا به‌کار رفته سنگ وگچ است و طاقهای‌گنبدی‌آن از آجر بوده است. معروف است که این‌قسمت مرقد خواهرسلطان محمداست.

کفش‌کنی در جلومسجداست‌که در ورودی‌آن به‌مسجد،قاب وآلت ودولنگه‌ای است. بلندی‌هر لنگه ۱۶۲ و پهنایش۴۵ سانتیمتراست.

منبری سنگی

دراراضی مصلای دهکدهٔ صالحان حومهٔ شهر کجور

در اراضی جنوبی دهکدهٔ صالحان‌که به‌نام «مصلا» معروف است منبری سنگی

است که درازای آن ۱۶۸ و پهنای آن ۴۶ و بلندی‌آن از سطح زمین ۱۳۰ سانتیمتر است . این منبر دارای پنج پله ویك‌پشتی است . برسه جانب وبرسه‌پلهٔ‌بالا کتیبه‌است (عکس شمارهٔ ۶۲). بردو بدنهٔ طرفین‌منبر، دوکتیبهٔ سه‌سطری است.

کتیبه‌های پشتی از قرارزیراند:

«عمل استاد... واخوه حسن هزارخالوئی‌م ».

و برانحنای سمت چپ پشتی این تاریخ خوانده شد:

«تحریرا فی‌ماه محرم سنه سبع و تسعمائه ».

بر بدنهٔ سمت راست منبر عبارات زیر خوانده شد:

« فی‌زمان‌سلطان‌الاعظم ملك ... سرورسلالة‌الملوك‌مظفرملك‌العظام».

بربدنهٔ سمت چپ

« اوتجد ومن‌المقام ابرهیم...»

ابرهیم‌بن ابرهیم واسمعیل ...»

بقعهٔ شاهزاده ابراهیم معروف به‌شاه‌ناجر در دهکدهٔ صالحان از دهکده‌های حومهٔ شهر کجور

خاندان شیخ‌که متولیان این‌بقعه هستند اورا ابراهیم‌بن زیدبن‌حسن‌بن‌زیدبن امام حسن‌علیه‌السلام می‌دانند. بنای اصلی بقعه چهارضلعی وابعـادآن ۵۳۲ سانتیمتر است . دوستون چوبی قطور هشت‌ضلعی دوبـه دو بـرابـر دروسط بناست و سرکشی (حمالی) روی‌آن است. پلورها روی دیوارها و این سرکش‌قراردارند . سقف‌پل‌کوبی است و درزپوشهای‌زدهٔ نقش‌دار دارد . صندوقی چوبین قاب وآلت دروسط این‌بناست که مرقد امامزاده را پوشانده است. درازای‌آن ۲۵۳ وپهنا ۱۱۷ وبلندی۱۱۶سانتیمتر است .

در ورودی بقعه جنوبی است . دری است که بلندی هر لنگهٔ آن ۱۹۳ وپهنایش ۶۴ سانتیمتر است. متن در مشبك و سه‌حاشیهٔ آئینه‌کاری دارد.

جلو بقعه‌کفش‌کنی به درازای ۵۹۳ وپهنای ۳۶۶ سانتیمتراست. دوستون‌چوبین وسط آن است که سرکشی روی‌آنهـا افتاده وپلورهای طاق براین‌سرکش و دیوارهای دوطرف متکی است.

در ورودی کفش‌کن یك‌لتی است . بلندی آن ۱۶۲ و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . کنده‌کاریهای برجسته دارد . نگارها را قبلاً ساخته و تهیه کرده‌اند وبعداً در متن درکارگذاشته‌اند .

ایوانی جلوکفش‌کن است‌که درازای آن ۹۰۰ وپهنای آن ۳۶۵سانتیمتر است. پنج‌ستون چهارسو جلو ایوان است ولتازه‌ای به‌بلندی ۷۳ سانتیمتر دردوطرف ستونها کوبیده شده است. سقف ایوان نیزپلورکشی و پل‌کوبی است و بام سراسر بنا سفال‌سر است .

مأذنه‌ای در محوطهٔ بناست‌که هرطرف آن چهار ستون چهارسوی ساده دارد . اطراف بقعه‌گورستانی قدیمی است. این‌گورستان در ورودی و حصـار و بارو دارد . در ربیع‌الثانی ۱۲۸۶ اعتمادالسلطنه در رکاب‌ناصرالدین‌شاه این بقعه را دیده است. (عکس‌شمارهٔ ۶۳).و اردوی ناصرالدین‌شاه چندی در جوار این‌بقعه برپای‌بوده‌است. (عکس شمارهٔ ۶۴). سنگ قبری قطور و قدیمی در این‌گورستان دیده شدکه پاره‌ای از نوشته‌های آن بدین‌ترتیب خوانده شد:

« صاحـب‌کیااعظم مرحوم مغفور کیازیـن‌الدین‌خاجه ابن‌اسکندر تاول »
(عکس شمارهٔ ۶۵).

برقطر سنگ برطرف راست این‌تاریخ خوانده شد:

« سنهٔ‌ثمانین وثمانمائه عمل استادعبدالله».

نشانه‌های پشت‌سنگ : سپر وشمشیر .

امامزاده یحیی
در دهکده نیتل[۱] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است‌چهارگوشه از سنگ وگل. که جلوآن کفش‌کن و ایوانی است. بام آن‌لت‌بسر بوده است. چندی است حلب‌بسر کرده‌اند.

بقعهٔ درویش‌علی
در دهکدهٔ انگاس[۲] از دهکده‌های توابع کجور

بنایی‌است چهارگوشه از سنگ‌وگل. مسجدی متصل به‌بناست و ایـوانی جلو مسجد است. صندوقی سادهٔ چوبین، در وسط بنای اصلی، مرقد درویش‌را پوشانده‌است. سقف سراسر بنا پلورکشی وپل‌کوبی است. گورستانی قدیمی اطراف بقعه است.

بقعهٔ درویش‌امیر
بر بالای بازوی فرعی کوهی در اراضی ناسنگ لاشك کجور

بنایی است هشت‌ضلعی ازآجـر و ملاط‌گچ . ابعاد هرآجر ۴/۵×۲۲×۲۲ سانتیمتراست(عکس‌شمارهٔ۶۶). پهنای هرضلع‌از داخل۱۴۷ سانتیمتر ووسط هریك از اضلاع‌دوطاقنما داخل یکدیگراست. طاقنمای بیرونی به‌شکل‌مربع مستطیل به‌پهنای ۷۶ سانتیمتر وطاقنمای داخل‌آن به‌پهنای ۵۶ سانتیمتر با طاقی جناقی است . بـالای

۱ـ بکسر نون و سکون‌یاء، نیتل : ده از دهستان توابع کجوربخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، شش‌کیلومتری‌جنوب غربی کجور(فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳). ۲ـ بفتح الف، انگاس: ده ازدهستان‌توابع کجوربخش‌مرکزی شهرستان نوشهر، ۹ کیلومتری جنوب‌غربی کجور (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

طاقنمای بیرونی که تقریباً دوسوم بلندی بنا را گرفته است طاقنمای کوچکتری است (عکس شمارهٔ ۶۷). بالای هرزوایهٔ بنا، گوشواری با سه آجر مثلثی زده‌اند و سقف را که گنبدی عرقچینی است بربالای گوشوارها و طاقنمای کوچك هشتگانه بنا کرده‌اند. در ورودی در ضلع شمال‌شرقی است. پهنای هریك از اضلاع خارجی ۲۲۵ سانتیمتر است و هریك دارای طاقنمایی جداگانه است.

داخل بنا سفیدکاری است وبرگچ دیوار با قلم و مرکب یادگاریهای فراوانی نوشته بوده‌اند که بیشتر آنها را خراب کرده بودند. پاره‌ای از آنها که خوانده شد به این شرح‌اند:

«قال‌النبی صلی‌الله علیه وسلم

الدنیا مزرعةالاخره

دنیی آن قدر ندارد که بدو رشك برند
یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
سفیده دم چو شدم محرم سرای سرور
شنیدم آیت توبوا الی‌الله از لب حور
بگوش جان من آمد ندای طوبی لك
که ای خلاصهٔ تقدیر و زبدهٔ مقدور
جهان رباط خرابست برگذر که سیل
گمان مبر که بیك مشت گل شود معمور

لمحرره درویش مقبولی شاعر غفرالله ذنوبه فی‌تاریخ سنهٔ ۸۸۶».

✡✡✡

«الدنیا مزرعة الاخره»

گر مرا روز پسین از تو درآید نظری
این گناهان مرا هیچ نماند اثری
گر من ایمان بسلامت بلب گور برم
ای چه آراسته منزل چه مبارك سفری

لمحرره عبدالضعیف النحیف المحتاج الی رحمة الله الباری قطب الدین بن شیخ نورالدین شاه رستم دریاباری فی اواخر ربیع الاخر هجریه سنهٔ سبعین و ثمانمائه از هجرة النبویه علیه السلام».

✡✡✡

«چون رسیدم بدین خجسته مقام گفتم ای ذوالجلال والاکرام

العبد شیخ حسین بن شیخ عزالدین دریاباری
معروف به لارجانی تحریر اسنهٔ خمسین تسعمائه».

✡✡✡

«افقر المحقرین ولی الدین تاریخ ۸۶۴».

✡✡✡

«قال الله تعالی قسمت بعزوجلالی

ولا دخل الجنة من اطاع ...
ولا دخل النار من عطیاه وان اطاعتی ...
الحقیر الفقیر درویش عمادالدین بن درویش احمد نائینی المعروف .....
فی تاریخ ماه مبارك شوال سنهٔ عشرین و تسعمایه».

✡❋✡

«هوالله تعالی

هرکه آمد عمارت نوساخت رفت و منزل بدیگری پرداخت

محمد ... استاد ... خیاط سنهٔ ۱۰۱۸».

✡❋✡

«تحریرا فی شهر ذالقاعده سنهٔ سبع ستین وثمانمائه».

✡❋✡

« چون رسیدم بدین خجسته مقام گفتم ای ذوالجلال والاکرام

رحمت ایزدی برآن کس باد این عمارت نهاد کرد تمام

کاتبه العبد سید ملک جان

سادات ... انگاسی

فی تاریخ شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۱۷».

یادگارهای فراوان دیگری بر لبهٔ طاقنماها و داخل آنها بوده که به علت خراب شدن گنبد بنا ، برف وباران آنها را از میان برده است . عده‌ای در سالهای اخیر نیز از این بنا دیدن کرده و با گچ و ذغال برروی یادگارهای قدیمی که هریك گویای مطالب مختلف بوده‌اند ، یادگارهای تازه‌ای نوشته‌اند و یادگارهای قدیمی را یکسره از میان برده‌اند .

قدیمی‌ترین یادگاری که در این بناخوانده‌شد مورخ ۸۶۴ ه . ق. است ومسلماً بنا مقدم براین تاریخ ساخته شده بوده است . اگر تاریخ بنای بقعهٔ درویش رستم را حدود سال ۸۰۰ قمری بدانیم ، می‌توان این بنا را جزء بناهایی دانست که ملك

کیومرس بیستون ساخته است . اما سؤالهای متعدد دیگری بی‌جواب‌می‌ماند . درویش رستم‌کیست ؟ چرابدین‌گوشهٔ دورافتاده روی‌آورده است؟ آیا دراین‌گوشه،گوشه‌نشین بوده‌است ؟ آیا اطراف این‌بقعه روزی آبادانی بوده است ؟ درویش‌رستم ازچـه فرقه از دراویش است ؟ علت علاقهٔ ملك‌کیومرس بدو چیست ؟ دوتن ازدراویش‌که‌به‌زیارت این بقعه‌آمده‌اند دریاباری هستند. دریابارکجاست ؟ آیا منظور همین‌حاشیه‌دریـای خزر است یا مفهوم دیگری دارد؟ نظیر این‌سؤالها زیاد است‌که بهیچیك نمـی‌توان جواب قانع‌کننده‌ای داد .

سنگی باخطوط قدیمی
در اراضی ناسنگ از چراگاههای لاشك کجور

ناصرالدین شاه‌کـه در سال ۱۲۹۲ ه. ق. روز هفتم رمضـان ازپـول به‌کجور می‌رفته است چنین می‌نویسد :

«دست چپ لاشك‌که دامنهٔ‌کوه است دره‌ای است‌که‌قدیم دهی‌آنجا بودمسمی به «ناسنگ» از قراریکه معروف است سنگی در حوالی آن ده است‌که‌در آن سنگ بعضی خطوط قدیمه‌کنده شده است معلوم نیست چـه‌خط است ، باید فرستاد بخوانند .»[۱]

نگارنده به علت بوران برف موفق به دیدن و خواندن این‌سنگ نشد.

بقعهٔ امامزاده یوسف وامامزاده محسن
در اراضی ناسنگ ازچراگاههای لاشك برسمت‌راست‌آب

بقعه‌ایست ساده از سنگ وگل وایوانی‌ساده با ستونهای‌گرد بـی‌تراش. سراسر

۱ـ سفرنامهٔ ناصرالدین به مازندران به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ، ج ۲ ، ص ۱۸۳ .

بام بنای اصلی و ایوان، لت‌بسر است . مقابل امامزاده درطرف چپ‌آب‌رودخانه ، گاوسرا و خانهٔ متولی است.

گورستانی قدیمی
نزدیک گاوسرای کهنک لاشک

نزدیک گاوسرایی که سمت راست‌آب و در دامن‌کوه‌است، گورستان‌قدیمی‌است.

بقعهٔ فضل وفاضل
در دهکدهٔ کندلوس[1] از دهکده‌های میخاز زانوس‌رستاق کجور

بنای بقعه از سنگ وگل ومربع‌شکل است . در میان بنا صندوق‌چوبین‌مشبك ظریف‌گورهای این دوبرادر را پوشانده است . ایوانی به‌پهنای ۳متر و درازای ۵۵۰ سانتیمتر در طرف قبلی بناست‌که با تکاتلی چوبین از ایوان غربی جدا می‌شود.ایوان غربی به‌پهنای دو متر و درازای ۹۳۰ سانتیمتر است که دنبالهٔ آن تا لبهٔ‌ایوان‌جنوبی می‌آید . جلو ایوان قبلی و دنبالهٔ ایوان غربی نه‌ستون چهارسوی پخ‌زده است که سرستونهای آنهارا رنگ‌آمیزی‌کرده‌اند .

سقف بقعه و ایوانها پلورکشی وپردی‌کوبی است . هرپردی‌که به‌اندازهٔ فاصلهٔ میان دوپلوراست، ابتدا پخ‌زده و رنگ‌آمیزی کرده و طرحی‌زیبا برآنها کشیده سپس در سقف بقعه و ایوانها کارکرده‌اند . این نوع تزیین‌که بسیار زیباست برای نخستین بار است‌که در صفحات مازندران دیده می‌شود . درخت‌چنارقدیمی‌پنج شاخه‌ای‌طرف غربی محوطهٔ بقعه وکنار رودخانه است که به‌علت اینکه دوطرف‌آن در دیوار حیاط بقعه بود ، اندازه‌گیری نشد . چشمهٔ‌آبی فراوان در محوطهٔ بقعه بیرون می‌آید وپس

۱ــ بفتح کاف و سکون نون و فتح دال .

ازگذشتن ازحوضی به رودخانه می‌ریزد. دوجمجمهٔ گاوکوهی(گوزن) با شاخهای بلند چهارسالهٔ آنها، بردیوار ایوان بقعه است .

در مقداری از اراضی حیاط بقعه یك باب دبستان و در مقداری دیگر یك باب درمانگاه نیمه‌تمام بناکرده‌اند و محوطهٔ وسیع اطراف امامزاده راکه گردشگاه و باغ عمومی بوده است ازمیان برده‌اند .

گورستانهای وراو[1] و ازیرك[2]
درغرب دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

درغرب دهکدهٔ کندلوس دو گورستان است که سمت دفن‌مردگان آنها روبه‌آفتاب درآمدن است وبا مردگان وسایل‌زندگی نظیر کوزه و دستبند و گلوبند ومیرکا[3] دفن می‌کرده‌اند .

گورستان قدیمی دروش کر[4]
در شرق دهکدهٔ کندلوس میخساز زانوس‌رستاق کجور

در مشرق دهکدهٔ کندلوس گورستانی‌وسیع است که سمت دفن مردگان شرقی است و زینتهای زنان نظیر گوشواره و دستبند و خلخال درگورها یافت شده است.

چناری کهنسال
در اراضی مونج میخسار زانوس‌رستاق کجور

در اراضی پایین‌دهکدهٔ مونج، چناری قدیمی است که‌گرداگرد تنهٔ آن از یك

۱ـ بضم واو اول. ۲ـ بضم الف و فتح راء . ۳ـ میرکا: مهره زردی و مهره‌های دیگررا گویند. ۴ـ بکسر دال وضم‌کاف . لفظ اول بمعنی درفش‌و دومی بمعنی سنگ است .

متری زمین، بالغبر ۸۶۰ سانتیمتر است .

راه میخساز به تهران

این راه از مرکز میخساز که کندلوس است شروع می‌شود و پس ازطی گدوک ـ زانوس به نسن می‌رسد . شب‌منزل نسن است . از نسن به لشك وگردنهٔ سوتك و از گردنهٔ سوتك به وارنگه‌رود می‌رسد . شب منزل وارنگه‌رود است . از وارنگه‌رود دنبال‌رودخانه به‌گاجر،وگردنهٔ‌دیزین وپس از سرازیرشدن ازگردنهٔ دیزین، شب‌منزل دربندسر یا شمشك است. از دربندسر یا شمشك کنار رودخانهٔ جاجیرود می‌رود و شب‌منزل قهوه‌خانهٔ‌نو درگردنهٔ قوچك است . از قهوه‌خانهٔ قوچك شبگیر می‌کردند و از راه نارمك به تهران می‌رسیدند .

بقعهٔ سیداحمد

در دهکدهٔ نیچکوه[1] میخساز از دهکده‌های زانوس‌رستاق کجور

بنایی است مربع‌شکل ازسنگ وگل با ایوانی در جلوآن. صندوقی تخته‌ای ساده وسط بناست .

اسنادی درمنزل آقای حاجی‌حسین‌جهانگیری در کندلوس‌میخساز بدین شرح دیده شد :

«هوهوهو

تیمناً و تبرکاً بذکر من‌له‌العزة والبقاوالدوام

شرایف حمدکثیراللطایف ولطایف شکرموفورالعطایف مالك‌الملکی را

۱ـ نیچکوه : ده از دهستان زانوس‌رستاق بخش مرکزی شهرستان‌نوشهر، چهل‌وهشت کیلومتری جنوب نوشهر و دوازده کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

سزاست که در مزارع بقاع انتم تزرعونه ام نحن الزارعون بذر جزیل الفواید انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مأته حبّه مزروع گردانیده ای زتو مزروع جهان خراب وی بتو مرجوع ثواب وعقاب و درود نامعدود درخور پیغمبریست که صاحب تاج با ابتهاج لولاك لماخلقت الافلاکست سلطان عرب و عجم معلی مجتبی مزکی ابوالقاسم حضرت بارفعت محمدمصطفی و شاه ولایت پناه وارث مرتبهٔ رفیعهٔ هارون مالك لوای فلك اعتلای سلولی اسدالله سرورغالب شاهمردان علی ابوطالب و برآل وعترت اطهارعالیمقدارشان صلوات الله و سلامه علیهم باد ای آمده آن دوازده شاه براوج لقب دوازده ماه برگوهروی دوازده برج هر اوج یعنی دوازده برج و بعد بفروختند سلالة الاماجد والاعاظم کیاشاه حسین ولد مغفرت پناه کیاسیف آرویج و مسماتان حیات وپری بنتان کیاء مومی الیه مرحوم و مسماة یاقوت بنت غفران پناهی کیاجهانبخش آرویج و کیاسیف ولد مرحومی کیاحسنکیا آرویج بسبب عدول مؤمنین جهة عدم بلوغ سیف مذکور تمامی اراضی دایر و بایر وافعدر قریهٔ پی ده زانوسه رستاق حمیت سطانها عن الشرّ والنفان مع چنداصله درخت گردکان و چنار وعیون و اعشاب وکل مایتعلق بهذاالباب را بسعادت نصابی عزت ـ دستگاهی استاد ناصر وقوام الدین ابنان مرحومی شمس الدین بناکنده لوسی بمبلغ نوزده هزار دینار تبریزی نصفه توضیحاً للاصل وتبییناً للفرع نه هزار و پانصد دینار موصوف منعوت و مبیع مسفور محدود است قبلیاً باملاك مرادکوج وسالارکوج وشرقیاً باملاك عزت دستگاهی آقاعلی کوج و مهدی کوج و شمالیاً بلیسو و غربیاً بجوی کوچك و بینهم عقد مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ اسلامیه جاری شد مشتمل برایجاب و قبول و تسلیم وتسلم و تملیك و تملك و رویهٔ معتبره قبل العقد و تفرق ابدان و معترفشدند بایعان

مذکوران و بایعات مومی‌الیهن‌که تمامی ثمن معقود علیه از مال خالص مشتریان مزبوران بدیشان رسیده و زمّهٔ مشتریان از اداء آن‌کلاً و بعضاً بری و عری‌گشته و بعدالیوم بموجب این مبایعهٔ شرعیه مبیع مذکور مالی گشت از اموال مشتریان و ملکی شد از املاك ایشان و همچنین بایعان مسطوران و بایعات مذکورات اسقاط خیارات سیّما خیارالغبن الفاحش‌بل افحش نمودند وضمان درك کاینا ماکان شدند .

التاریخ عشراول شهر جمادی‌الاول‌سنه‌ستة وثلین‌بعدالف».

[بر حاشیهٔ سمت راست عبارات زیراست] :

«الشهود کیا فرامرزتورج و مولانا عبدالله‌کندلوس وملاعبدالعلی‌کندلوسی و حسین‌بناکندلوس ومحمد درزی وملاعلی واسفندیار دیاری وسیفسرخاب‌و اسکندرلهراسب وابراهیم ولد او وحاجی‌گالش ابندانکی .

[جای مهر][1]

کیاحسنکیا آرویج برادرکیاشاه‌حسین آرویج متن بود فوت شد از هریك پسرخود و هو زین‌العابدین و یك زوجهٔ معقودهٔ مدخوله وایشان نیز دعوی کرده حصهٔ خود را بمبلغ پنجهزار دینار تبریزی بعزت‌دستگاه شمس‌الدین محمدبنا فروخته ضامن درك‌حیث ماکان‌شدند. [جای مهر][2]».

[در بالای سند این‌عبارت است:]

«فدوقعت‌هذه‌المبایعة المبارك‌الصحیحة‌الشرعیه‌لدی. [جای مهر][3]».

۱ـ مهری‌بزرگ‌گرد با سجع : «افوض امری‌الی‌الله وانا‌العبد روحی‌بن فتح‌الله».

۲ـ مهری بزرگ‌گرد با سجع : «قال رسول‌الله صلی‌الله کل تقی‌نقی . . . صدق» .

۳ـ مهری بزرگ وگرد با سجع : «افوض امری‌الی‌الله و انا‌العبد روحی‌بن‌فتح‌الله».

«هوالمالك

الحمدلله الذی احل البیع والشری وحرّم الغصب والربوا والصلوة والسلام علی خیر خلقه و مظهر حقه محمد وآله امناء الدین و حفظة شرع المبین و بعد مبنی بر تنمیق اینخطاب شرعی المبدأ والمآب آنکه بفروخت زبدة الاشباه یوسف بن ابراهیم عربیشاه بعد ازآنی که همشیره اش مسماة تی تی تمامی حصهٔ املاك موروثی خود را بیوسف مذکور هبه نمود وثبت عندی ثبتها بجناب عمدة الاکفاء استاد ناصر بن غفران پناه شمس الدین بنا [و رفعت پناه علی بن علاء الدین بنا ونادر العصری استاد ابراهیم بنا وقوام الدین بنا] مقدار بیست و چهار پیمانه تخم افشان که کائنست در جانب شمالی قریهٔ مونج من اعمال زانوسه رستاق بلا مشارکت و منازعت احدی بمبلغ شش هزار دینار تبریزی پنجدانگی سدسه ضبطاً للاصل وتوضیحاً له یکهزار دینار موصوف منعوت و محاط میشود مبیع مسفور قبلیاً متصل بزمین فربورز رودباری و شرقیاً متصل بمرز بزرگ وبحریاً ایضاً متصل بمرز بزرگ وغربیاً متصل به زیارتگاهه و جاده و فیمابین بایع و مشتریون مشارالیهم صیغهٔ عقد مبایعهٔ صحیحه مشتمل بر ایجاب و قبول و قبض و اقباض و تسلیم و تسلم و تملیك و تملك و رویه معتبره قبل العقد وتفرق ابدان جاری شد وبایع مسطور اسقاط جمیع خیارات سیّما خیار الغبن الفاحش بل الافحش نمود و ضامن درك شرعی شد.

کان ذلك سلخ شهر شعبان المعظم سنة ستة وعشرین بعد الف».

[بربالای این هبه نامه این عبارت نوشته شده است:]

«وقعت هذه المبایعة الصحیحة الشرعیه لدی و انا اقل الخلیقة بل اللاشیء .
[جای مهر][1]».

[برحاشیهٔ سمت راست این مطالب آمده است:]

«الشهود صلاحیت آثار مولانا نظرعلی کلکوتی وتقوی شعاران ملا ابراهیم و ملاحسین کندلوس وکاوس بن کیا بیستون سل و استاد ابراهیم بن غیاث الدین کوچ و گرشاسف بن غفران پناه علی لونج و ملك سلطان بن ملك ارغش و علاءالدین درویش کوچ و ملا عبدالعلی بن ملاسیف الدین و استاد میربن چلستون مرزبان .

اسامی مشتریون که فیمابین سطر رابع وخامس مندرجند خط فقیر است نمقه.
[جای مهر][2]».

بقعهٔ امامزاده ابراهیم معروف به دنگاسی[3] در دهکدهٔ ساس[4] از دهکده‌های زانوس رستاق کجور

بنایی است ساده ازسنگ وگل. صندوقی چوبین ساده وسط بناست و ایوانی در جلو بنا ساخته‌اند . «دنگاسی» به معنی دو «انگشتی» است و چنانکه از این لقب پیداست ، دو انگشت امامزاده در اینجا به خاك سپرده شده است.

دراین دهکده بقعهٔ دیگری به‌نام «امامزاده جعفر» است که آن‌نیز بنایی ساده و لت‌بسر است .

---

۱ و ۲ــ مهری گردباسجع : «افوض امری الی الله الغنی عبده الراجی فتح‌الله ثانی» .

۳ــ بفتح دال وسکون نون، به‌معنی دوانگشتی است. ۴ــ ساس: ده ازدهستان زانوس رستاق بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، چهل‌ودو کیلومتری جنوب نوشهر و ده کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

راه گدوك زانوس

میان‌نسن[1] از دهکده‌های نور و زانوس کجور

سفر دوم ناصرالدین‌شاه بـه مازندران در سال ۱۲۹۲ هـ . ق. بوده است . شاه در این‌سفرپس ازگذشتن ازشهرستانك و دوآب، کناررودخانهٔ لورا برای ناهارخوردن توقف‌کرده است . از اینجا میرشکار ومیرزا عبدالله‌خان پیشخدمت ویك‌نفر مهندس‌را فرستاده است تا راه گدوك‌زانوس را تعمیـر و مرمت کنند . سپس خـود شاه از راه دونا و کمربن به‌نور می‌رود و چنین می‌نویسد:

« به ده نسن نرسیده ، در سرراه ملك‌چشمه عمله‌کار می‌کند.این‌راه به‌قریهٔ زانوس‌کجور می‌رود. چون راه اردواست می‌سازند . از ملك‌چشمه به‌نسن یك میدان اسب راه است. دوشنبه سوم رمضان به زانوس‌کجورباید برویم . اما راهی از قریهٔ پیل‌نور به دهات میخسازکجور می‌رود که نزدیك زانوس است . صبح زود از راه ملك‌چشمه به طرف زانوس به راه افتادیم . راهـی که می‌ساختند مملو از مردم وبنه بود. لابد ازکنار راه که سنگلاخ وبیراه است راندیم . بسیاربدگذشت. »

چناری بسیار کهنسال

در محوطه‌ای به‌نام چنارین در دهکدهٔ زانوس کجور

در محوطه‌ای گشاده‌درپایین‌دست‌دهکدهٔزانوس‌چناری‌است‌که شایدقدیمی‌ترین چنار نواحی مازندران باشد . محیط دایرهٔ تنهٔ آن از یك متری زمین ۱۱/۸۰ متر است .

۱ــ بکسر نون و سین .

گورستانی قدیمی
در اراضی ون[1] پشت دهکدهٔ زانوس کجور

گورستانی نسبةً وسیع پشت دهکدهٔ کنونی زانوس است که اغلب گورهای آن سمت قبلی نیستند . در این گورها زینت‌آلات زنان یافت شده است .

بقاع درویش‌رستم و درویش‌شهراگیم
در دهکدهٔ کوچك اطاق‌سرا[2] نزدیك زانوس کجور

بنای بقعهٔ درویش‌رستم ، از خارج هشت ضلعی و از داخل چهار ضلعی است (عکس شمارهٔ ۶۸) . پهنای هر یك از اضلاع هشت‌ضلعی دومتر تمام و پهنای هر ضلع چهارضلعی داخل ۲۶۳ سانتیمتر است. درچهارضلع داخلی چهار طاقچه و بالای آنها چهار طاقنما و بالای طاقنماها ، چهاررف مانند است که بهزیر لبهٔ گنبد منتهی می‌شوند. این چهاررف وچهارگوشوار بنا دارای طاقهای جناقی هستند. گنبد عرقچین‌بنا برطاق گوشوارها و رفها استوار است. صندوقی قاب وگره از چوب آزاد گور درویش رستم را پوشانده است. درازای آن ۱۹۷ و پهنایش ۱۱۰ و بلندیش ۸۲ سانتیمتراست.صندوق برپایه‌ای چوبین استوار است که بلندی آن ۳۸ سانتیمتراست.

در ورودی بقعه دو لتی وشرقی‌است و درکفش‌کن جلو بقعه باز می‌شود .بلندی هرلنگه ۱۳۴ و پهنای‌آن ۳۷٫۵ سانتیمتراست .

عبارات زیر براین‌در با خط متوسط نسخ حك شده است :

برپازوی سمت راست چهارچوب در :

۱ــ بفتح واو. ۲ــ اطاقسرا : ده از دهستان‌زانوس‌رستاق‌بخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر، چهل‌و چهارکیلومتری‌جنوب نوشهر و۹ کیلومتری پول (فرهنگ جغرافیایی‌ایران، ج ۳).

«الله لااله الاهوالحی القیوم لاتأخذه سنة ولانوم له مافی السموات ومافی الارض من ذا الذی یشفع».

بر بازوی بالای چهارچوب :

«عنده الا باذنه یعلم مابین ایدیهم وماخلفهم ولایحیطون» .

بر بازوی سمت چپ چهارچوب :

« بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالسمیع علیم تحریرا فی ماه محرم سنة اربع و تسعمایه».

بر دماغهٔ در :

« هذاالعمارت المشهد المبارك فخر فخرا بندخدا[1] درویش رستم ناف اورّ قبره عمل استاد اجل درویش محمد ابن رستم » .

بر بائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست متصل به دماغهٔ در :

« این دنیا بدوستی کسان داشته‌اند
بنگر که زداشتن چه برداشته‌اند
این طاق و رواقها که افراشته‌اند
آخر همه رفته‌اند و بگذاشته‌اند کاتب گودرز».

بر بائوی سمت راست لنگهٔ راست :

« صل علی محمد مصطفی وصل علی علی المرتضی و فاطمة الزهرا وحسن رضا و حسین شهید بکربلا و امام زین العابدین».

برپاسار بالای لنگهٔ راست :

«در تاریخ ماه رمضان معظم».

۱ــ ظاهراً : فخر فقرا بندهٔ خدا .

برپاسار پایین لنگهٔ راست :

« در مسجد بهرزه بازمکن» .

برپائوی سمت چپ لنگهٔ سمت چپ :

« و امام محمدباقر و امام جعفرصادق و امام موسی‌کاظم و امام علی‌موسی ـ الرضا[1] صلی‌الله‌علی محمد وآله‌اجمعین».

برپائوی سمت‌راست لنگهٔ سمت‌چپ :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌قل‌هوالله‌احدالله‌الصمدلم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفواً احد درکه خالق[2] جبار برتوبگشاید

دیگر کسی‌نتواندکه برتودربندد درکعبهٔ‌مقصود».

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« سنة اربع وتسع مائه» .

برپاسار پایین :

« چون درآئی بجز نماز مکن».[3]

پنجره‌ای مشبک‌چوبین ظریف در ضلع شمالی بنای بقعهٔ درویش رستم است‌که این عبارات برآن مشبک‌کاری شده است :

« بانی قاسم پاشاه عمل استاد علی‌اصغر » .

بام بنا کلاه درویشی ومصالح آن سنگ لاشه و ساروج است .

بقعهٔ درویش شهراکیم چهار ضلعی است که ابداً مدخلی ندارد (عکس شمارهٔ ۶۹). چندی قبل یك بدنهٔ آن را سوراخ‌کرده و داخل بقعه رفته وکف آن را کنده و

۱ـ علت اینکه‌کاتب نام سایر ائمه را ذکرنکرده است روشن نشد. ۲ـ ظاهراً: دری‌که خالق. ۳ـ مصراع دوم «درمسجد بهرزه بازمکن » است امـا معلوم نیست که چرا کاتب دنبال‌عبارت «درکعبهٔ مقصود» نوشته است .

برسردابی رسیده‌اندکه سه تابوت از چوب سروبرروی یکدیگر درآن بوده است. در هر ضلع این بنا محراب مانندی است . بردیوار غربی بنا این کتیبه بسردوسنگ بر سمت راست و چپ این ضلع نصب شده است . خط کتیبه بسیار بد وناخواناست :

« هـذاالعمارات المغفورابـن المـرحوم درویش شهراکیم و درویش رستم نورقبرهما ـ فی ماه صفر سنة ثمان سبعین وتسع‌مئه» .

قلای نین

در دهکدهٔ سما از دهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

درپایین دهکدهٔ سماآثارقلعه‌ای قدیمی به‌نام «نین» برجای‌است.دراین‌دهکده بقعه‌ای به‌نام «شهزاده‌قاسم » دراراضی «شیخ‌کلا» است. بنایی‌است ساده از سنگ وگل که خارج وداخل آن را سفیدکاری‌کرده‌اند. بام‌بنا لت‌بسراست.

بقاع پیردرویش و امامزاده‌اسماعیل و امامزاده زید

دردهکدهٔ فیروزآباد ازدهکده‌های پنجك‌رستاق کجور

هرسه بقعه بنایی ساده از سنگ وگل دارندکه داخل وخارج‌آنهاراسفیدکاری کرده‌اند . درختان‌کهنسال اوجا (نارون وحشی) در محوطهٔ بقعهٔ پیردرویش جالب و قابل ذکر است. بقعهٔ امامزاده اسماعیل‌را اخیراً حلب‌بسرکرده‌اند. دوبقعهٔ دیگرهنوز لت‌بسراند.

چناری‌کهنسال، ابتدای دهکدهٔ فیروزآباد برسرچشمه است‌که داخل‌آن خالی شده است. چناری قدیمی دیگر نیزدرآخر محل است.

باقی بناها و آثار تاریخی کوهستان کجور

۱ـ فلا گردن در ازارك[1] سرراه چالوس .

۲ـ آثار قبورقدیمی درپل زغال کجور .

۳ـ قلعه‌ای قدیمی درپشت دشت‌نظیر در فیروزآباد.

۴ـ گردکتی[2] درفین[3] قلعه‌ای قدیمی‌است‌درپنجك‌رستاق[4] پشت کندوسر.

۵ـ سلطان‌سرا مقابل ازارك از دهکده‌های کجور.

۶ـ دزدقلعه ، قلعه‌ایست قدیمی‌که‌ازکانی به‌ساریس و ازآنجا به‌قلعه می‌روند.

۷ـ حموم‌تپه، تپه‌ای نزدیك دزدقلعهٔ ساریس.

۸ـ امامزاده ابراهیم ، دیوارسنگـی ولت‌بسر درمنجیر ازدهکده‌های پنجك‌ـ رستاق کجور .

۹ـ امامزاده عبدالله درکینج زانوس‌رستاق کجور.

۱۰ـ قلعه‌ای قدیمی به‌نام «لوسرکتی»[5] میان بسطام و فیروزآباد.

۱۱ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ پی‌چلو[6] از دهکده‌های حومهٔ‌کجور.

۱۲ـ بقعه‌ای در دهکدهٔ لیگوش[7] از دهکده‌های توابع‌کجور.

۱۳ـ امامزاده‌ای میان اویل[8] و کوهپر کجور .

۱۴ـ امامزادهٔ سرجار[9] در دهکدهٔ سرجارکوهپر کجور.

۱ـ بفتح الف. ۲ـ بکسر گاف و دال وضم‌کاف. ۳ـ بکسر فاء و فتح‌یاء.
۴ـ بفتح پ و سکون نون و فتح‌جیم. ۵ـ بضم لام و سکون واو و فتح‌سین وضم‌کاف.
۶ـ بکسر پ و چ ، ده ازدهستان‌بلدهٔ‌کجوربخش‌مرکزی‌شهرستان نوشهر(فرهنگ‌جغرافیایی ایران،ج ۳). ۷ـ بکسرلام و سکون یاء، ده از دهستان توابع کجور بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، سه‌کیلومتـری جنوب کجور (فرهنگ جغـرافیایی ایران ، ج۳) .
۸ـ بفتح‌الف . ۹ـ بفتح سین.

۴ـ جغرافیای دشت کجور

بلوك دشت‌کجور ازطرف مغرب به‌رودخانهٔ چالوس، از طرف مشرق‌به‌رودخانهٔ برم[۱]، درشرق‌المده[۲] ازطرف جنوب به‌نواحی‌کوهستانی‌نور و از طرف‌شمال به‌کنارهٔ دریای خزر محدود می‌شود.

این خاك پهناور را به‌نواحی چند تقسیم کرده‌اندکه ازغرب بمشرق‌به‌این‌ترتیب قرار می‌گیرند:

کران[۳]، خیرەرودکنار، چلندر[۴]، بلدهٔ‌کجور(شهرکجور)، کلرودپی[۵]، علوی‌ـ کلا[۶]، کچرود[۷]، کالج[۸]، (درجنوب‌کچرود).سامان‌غربی‌کران رودخانهٔ چالوس وسامان شرقی آن خیرەرود است.

ناحیهٔ خیرەرودکنار از رودخانهٔ خیرەرود شروع می‌شود وبه رودخانهٔ‌کوچکی که میان چلك[۹] غربی و شرقی است ختم می‌گردد. حد غربی چلندر رودخانهٔ کوچك چلك وحد شرقی‌آن آب ملکار[۱۰] است.

ناحیهٔ بلدهٔ‌کجور(شهرکجور) میان قریهٔ اندرور[۱۱] تا رودخانهٔ نمك‌آب‌است.

۱ـ بفتح بـاء و کسر راء. ۲ـ بفتـح الف و لام و سکـون میم و کسر دال.
۳ـ بفتح کاف. ۴ ـ بفتح چ و لام. ۵ـ بضم کاف وکسر لام. در تلفظ محلی کلی‌رودپی نیز می‌گویند. ۶ ـ بفتح عین و لام. ۷ ـ بفتح کاف وکسر چ.
۸ـ بکسرلام. ۹ـ بکسرچ وفتح‌لام. ۱۰ـ بضم میم. ۱۱ـ بفتح‌الف وسکون نون‌وفتح‌دال وسکون راء و فتح واو.

کلرودبی[۱] حد شرقیش رودخانهٔ نمك‌آب و حد غربیش رودخانه‌کلی‌رود[۲] است .

علوی‌کلا میان دو رودخانهٔ کلی‌رود و کچه‌رود[۳] است . کچرستاق[۴] خاك میان رودخانهٔ کچه‌رود تا دهکدهٔ هندومرز است .

حد و سامان بلوك کالج از دهکدهٔ هندومرز تا پل رودخانهٔ بـره‌است که حـد فاصل میان خاك کجور و نور است .

۱ـ بضم کاف وکسرلام وظاهراً تلفظ صحیح آن به کسر کاف است . زیرا رودخانهٔ این ناحیه تـا امروز « کلی‌رود » بکسر کـاف تلفظ مـی‌شود . ۲ـ بکسر کـاف .
۳ـ بفتح کاف . ۴ـ بفتح کاف وکسر چ وضم راء .

٤ ـ بناها و آثار تاریخی دشت کجور

امامزاده محمدبن موسی الکاظم علیه‌السلام

در دهکدهٔ خیرسر از دهکده‌های کران کجور

بر سرراه نوشهر به نیرنگ و چشمه گردو برسمت چپ جاده ، بنایی است مستطیل شکل‌که درازای آن ازخارج ۸۵۰ و پهنای‌آن ۵۵۰ سانتیمتر است . ایوانی به پهنای ۳۶۵ سانتیمتر در شرق بناست و در ورودی بقعه در این ایوان باز می‌شود . صندوقی چوبین در وسط بنای اصلی بقعه است که درازای آن ۱۸۰ و پهنای آن ۶۲ سانتیمتر است . در اطراف بنا گورستانی قدیمی است که درختان نسبةً کهن :گردو، انجیر، توت ، اوجا ، انار ، هلی (آلوچه) ، شیشار (شمشاد) ، فك (بید) ، تیسکا، فرمونی واربه (خرمندی) درآن دیده می‌شود. برسنگ قبری درگورستان بقعه‌ابیات زیر حك شده بود :

« تاج از فرق فلك برداشتن — تا ابد آن تاج بر سر داشتن
جاودان در اوج قدرت زیستن — ملك عالم را مسخر داشتن
برتو ارزانی‌که ما را خوشتر است — لذت یك لحظه مادر داشتن »

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سنگ‌تجن[1] ازدهکده‌های کران کجور

تاریخ بنا و بانی این حمام روشن نشد. شکل ظاهری بنا قدمت آن را نشان می‌دهد.

نهرهای قدیمی که از چشمه گردو جدا می‌شود

این نهرها به نام دهکده یا مزرعه‌ای هستند که آنها را مشروب می‌کنند و به ترتیب از قرار زیرانند:

سنگ تجن، خیرسر، تازه‌آباد، کردی‌کلا[2]، نهر نیرنگ‌که قسمتی ازاراضی دهکدهٔ نیرنگ را مشروب می‌کند. نهر شکری‌کلا[3] که قسمتی از اراضی کشت شکری‌کلا را مشروب می‌کند. نوشهر، موسی‌آباد، کورکورەسر، اجارم[4] (مزرعه است و رعیّت‌نشین ندارد)، گرده کل[5]، شهر پشت[6] (مزرعه است و رعیت‌نشین ندارد).

۱ـ بکسر گاف و فتح تاء وکسرجیم. ۲ـ بضم کاف اول. ۳ـ بضم‌شین‌و سکون کاف. ۴ـ بضم‌الف و راء. ۵ـ بکسر گاف وفتح کاف. ۶ـ بکسر راء و ضم پ.

بقعهٔ سید علی کیاسلطان‌بن سیدعلی‌عمران‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ سید علی کیا [۱] از دهکده‌های خیررودکنار کجور

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که درازای هرضلع آن ازخارج سه متر تمام است (عکس شمارهٔ ۷۰) . داخل هر یك ازاضلاع داخلی طاقنما مانندی به عمق ۲۰و پهنای ۱۲۰ سانتیمتر است . مرقد سید علی‌کیا در وسط بناست . درازای آن ۲۱۰و پهنای آن ۹۶ سانتیمتر است که با آجر و گچ از سطح زمین بالا آورده‌اند . سقف بنا از داخل گنبد مدور توسری خورده و از بیرون هرم مثمن‌القاعده است . مصالح اصلی بنا آجرو ساروج است .متصل به ضلع شرقی،کفش‌کنی به درازای ۳۴۰ وپهنای ۲۱۵ سانتیمتر ساخته‌اند . در مدخل این کفش‌کن جلوخان مانندی است . اطراف بقعه گورستانی قدیمی است . چناری کهنسال دراین گورستان است که محیط دایرهٔ تنهٔ آن بالغ برده متر است . مأذنه‌ای‌که قسمت پایین‌آن از آجر وگچ و گلدستهٔ آن از چوب است در جلو در این گورستان است (عکس شمارهٔ ۷۱) . کفش‌کن ومأذنه درحدود صد سال قبل به دست سید امین حسینی متولی وقت ساخته شده‌است .تولیت بقعه فعلاً با سید رضای حسینی است .

۱ـ سید علی‌کیا : ده از دهستان خیررودکنار بخش مرکزی شهرستان نوشهر ، هفت کیلومتری شرق نوشهر و یك‌کیلومتری جنوب جادهٔ نوشهر بابلسر (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

امامزاده عبدالله بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ بندپی از دهکده‌های خیره رود کنار[1] کجور

بنای اصلی بقعه هشت‌ضلعی است که درازای هر ضلع آن از خارج ۲۶۰ سانتیمتر است. برجدار داخلی هریك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵ وعمق ۲۵ سانتیمتر ساخته‌اند. در ورودی بقعه جنوبی است و مرقد معصومزاده در میان بنای اصلی بقعه با صندوقی پوشیده شده است. درازای آن ۱۷۰ و پهنایش ۷۰ و بلندی آن ۱۱۰ سانتیمتر است. بام سراسر بنا لت‌پوش است.

غارهای رشته کوهی آهکی
درجنوب چلك و چلندر از دهکده‌های کجور

در جنوب آبادیهای چلك و چلندر رشته‌کوه آهکی است که غارهای کوچك و بزرگ درآن دیده می‌شود. از آنها می‌توان غارهای دیوسفید و بزلی[2] (مجلهٔ شکارو طبیعت شمارهٔ ۴۶ شهریور ماه ۱۳۴۲) وغار ارژنگ و غارگبری (بولتن فدراسیون کوهنوردی) را نام برد.

قلعهٔ دزدبن
درنزدیکی دهکدهٔ دزدك از دهکده‌های چلندر کجور

درجنوب دهکدهٔ دزدك و درسامان پلستان و کهنه چلندر، قلعهٔ قدیمی‌عظیمی بوده است. این قلعه را روزی برتپه‌ای که از خاکریزی دستی به وجود آورده‌اند،

۱ـ نام‌این رودخانه درتاریخ طبرستان سید ظهیرالدین «خیره رود» به معنی‌رودخانهٔ سرکش ودریده است. سرکشی‌آن همین بس‌که درسیل ۱۳۴۶ پل بتنی را بااستحکام تمامی که داشت از جای‌کند. امروز به غلط «خیررود» گویند. ۲ـ بضم باء وکسرزاء.

ساخته بوده‌اند . امروز بالای این خاکریز به شکل دایره است و محیط آن درحدود سیصد متر به نظر می‌رسد. اطراف‌آن تاامروز خندقی است‌که روزی ازآب‌چشمه‌های دزدبن پر می‌شده است . پهنای این خندق سی و پنج تا چهل متر و گودی آن نیز درهمین حدود است . بر بالای این خاکریز دستی آثاری از بنا برجای نبود . پاره آجرهایی که قطر آنها به هشت سانتیمتر می‌رسید زیاد دیده می‌شد . درحدود شصت‌و پنج سال پیش‌آجرهای این قلعه به دهکدهٔ دزدك حمل‌کرده وحمامی‌ازآنهاساخته‌اند. پس‌از بررسی‌حمام معلوم شد این آجرهای قالب بزرگ مربوط‌به دوران ساسانی‌است. سفال بی‌لعاب فراوان در بالای خاکریز ودامنه‌های خندق دیده می‌شود . در جهت شمالی قلعهٔ دزدبن، بطرف دریا نه تپهٔ دستی دیگر است وقلعهٔ دزدبن دهمین خاکریز دستی است . برخاکریز یك و دو و سه که درامتداد شمال و جنوبی نزدیك به ساحل دریا قرارمی‌گیرند، امروز دهکده‌های سیدکوتی[1] ، پایین‌محلهٔ‌دزدك و دهکدهٔ دزدك[2] بنا شده‌اند . اراضی اطراف این تپه‌های دهگانه که امروز تبدیل به مزارع پرنج‌کاری شده‌اند در زمان محمدشاه قاجار (۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۰ه.ق.) آبگیر و باتلاق بوده است رابینو نیز ازاین مرداب یادکرده و می‌نویسد : « ازملکار راه باریکی‌که باتنهٔ درخت مفروش و در بیشتر جاها در زیر آب بود ساخته‌اند . این راه به دهکدهٔ چلندرکه در میان باتلاقها محصور است منتهی می‌شود . اگر اسب ، هنگام شب ، دراین راه درگل گیرکند امیدی به نجاتش نخواهد بود . »[3]

مکنزی به خرابه‌هایی واقع در یك میلی حوض‌کوتی رفته و در آنجا آثاری یافته‌که

۱ـ کوتی به معنی تپه‌ای کوتاه یا خاکریزی دستی است . ۲ـ نام « دزدك » نشان می‌دهد که روزی بناهای این محل قلعه مانند بوده است .

۳ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص ۵۲ .

نشان می‌داده است سابقاً درآنجا قلعهٔ بزرگی وجود داشته است . این قلعه محصور به دو رشته خندق و بارو بوده است . خندق داخلی دست‌کم بیست پـا عمق داشت وعمق خندق خارجی بیش از ده پا نبود . برتپهٔ وسطی‌آجرهای بسیار بود . درآنجامکنزی دو درخت بسیار زیبای جنگلی که در عمر خویش مانند آن را ندیده بود ، مشاهده نمود . از آن نقطه تا کوهپایه‌ها بیش از یك میل راه نیست و بریك صخرهٔ آهکی‌به ارتفاع تقریباً سی‌پا از زمین غاری است‌که بلندی دهانهٔ آن در حدود شش‌پا و پهنای آن چهار پا است و منظرهٔ دلفریبی از جلگه ودریا در مقابل این غار واقع شده‌است[۱] (عکس شمارهٔ ۷۲) .

درتاریخ ابن اسفندیار مذکور است: وقتیکه افراسیاب منوچهر را دنبال‌کرد، او به رستمدارآمد و پس ازچندی‌که درخورشیدرستاق آواره شد در چلندر درمحلی که‌کوهستان خیلی‌به دریا نزدیك‌است، پناه‌جست. درآنجااوپیش دهکده‌های ونوشه‌ده وکس، خندقی‌بزرگ حفر کرد و با همراهان خود درآنجا ماند .[۲]

رودخانهٔ کوچکی به نام « دزدك رود » که‌آب چشمه‌های اطـراف قلعهٔ دزدبن است از نزدیکی دهکدهٔ دزدك می‌گذرد و به دریا می‌ریزد .

سید ظهیرالدین که پس‌از مرگ میرزین‌العابدین می‌خواست میرعبدالکریم‌را به مازندران ببرد از این‌آب گذشته و آن را به نام « دزکه روی سرچلندر » خوانده است.[۳]

۱ــ این غار تا امروز برجای است و به نام غار « دیوسفید » درمیان اهـالی معروف است. ۲ــ ترجمهٔ سفرنامهٔمازندران واستراباد رابینو،ص۵۲. ۳ــ تاریخ گیلان و دیلمستان ، ص ۴۶۲ . شکل امروزی این‌نام «دذك رودس» می‌شود.

امامزاده نوح
دردهکدهٔ اندرور[1] ازدهکده‌های بلدهٔ کجور

بنایی است ساده با دوستون چوبین در طـول بنا و صندوقی ساده درمیان آن . در ورودی که درایوان باز می‌شود نقوش برجسته داشت. ایوان امامزاده شرقی‌است و جلوآن پنج ستون چهارسوی‌است‌که سرستونهای دهان‌اژدری پر کار دارد. این بنا در میان اراضی بر نجکاری‌است واطـراف‌آن درختان : ون شمشاد ، توسکا وبه زیاداست.

درمیان درختان درخت سوری کهنسال به نظر رسیدکـه گرداگرد تنهٔ آن از یك متری زمین ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۷۳) .

امامزاده بلال‌بن زیدبن امام موسی‌الکاظم
در دهکدهٔ پی‌کلا ازدهکده‌های بلـدهٔ کجور

بنای اصلی بقعه اطاقی است چهارگوشه که مرقدی درمیان است کـه درازای آن ۱۴۰ وپهنایش ۷۵ وبلندیش ۶۰ سانتیمتراست‌که اخیراً آن را کاشیکاری کرده‌اند. درطول اطاق دو ستون چوبین چهارنبش کناره پخ زده است که پلورگیری (حمالی) برآنها قرار داده و سرهای پلورهای دوطرف برآن متکی است . در ورودی وایـوان بقعه شرقی است. جلو ایوان چهار ستون با سرستونهای دهان‌اژدر است. سمت راست ایوان مأذنه‌ای چوبین به ابعاد ۱۸۰ و بلندی ۱۷۰ سانتیمتر است . بنای بقعه درزیر درختان کهنسال: انار ، شمشاد ، توت ، مازو ، ممرز ، شب‌خسب و انجیر است .

۱ـ بفتح الف وسکون نون وفتح دال وسکون راء وفتح واو . اندرور : ده ازدهستان بلدهٔ کجوربخش مرکزی‌شهرستان نوشهر، بیست وسه کیلومتری شرق‌نوشهر وهفت‌کیلومتری صلاح‌الدین‌کلا (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

راه قدیمی مالرو
از صلاح‌الدین‌کلا (سرین‌کلا) به شهر کجور

این راه قدیمی که تا چندی پیش آبادان بود و آمد و رفت زیـادی داشت از صلاح‌الدین‌کلا به تاج‌الدین‌کلا ، ملاکلا ، میان شل[۱] ، شیوا دره ، کـدو[۲] ، افراین[۳] ، ستل[۴] ، نهـررودبار ، چماردره[۵] ، کالچه‌رود[۶] ، می‌رود و سپس بـه نهرکجور می‌رسد . دنبالهٔ این راه به یالو و از راه نردبان یالو به لار و افجه و تهران می‌رود .

رابینو دربارهٔ این راه نوشته است :

نزدیکترین راه بین تهران و دریای خزر از طریق گردنهٔ افجه و درهٔ لار واز آنجا از راه یالو یا گردنه سفیداب به نور وبعداز گردنهٔ دیگری به نام « فرق » بـه درهٔ کجور و از آنجا از کنار رودخانه‌ای که به دریا می‌ریزد به ساحل دریا می‌توان رفت . ازاین راه مسافر می‌تواند درظرف سه روز به‌آسانی و یا دو روز تابستان‌بدون عوض‌کردن اسب به ساحل دریا برسد می‌گویندراین راه پنج ماه درسال مسدود است و بنابر اطلاعی‌که اهل محل می‌دادند چند منزل ذیل را باید پیمود. از تهران به افجه ۲۴ میل (۶ فرسخ)، نور ۲۴ میل، کجور ۱۶ میل ، صلاح‌الدین‌کلا ۱۶ میل.[۷]

قلعهٔ دختر یا قلعهٔ شیوادره
میان مرتع میان‌شل وکدو برسرراه صلاح‌الدین‌کلا به کدیر[۸]

بردوقلهٔ‌کوه بردوطرف جادهٔ قدیمی‌صلاح‌الدین‌کلا به‌کدیر آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثاری‌که براین دوقله‌است‌ومقداری‌ازآنها برجای مانده،ازآجرساخته‌بوده‌اند.

۱ـ بکسرشین . ۲ـ بفتح‌کاف. ۳ـ بفتح الف وکسر باء . ۴ـ بفتح سین و سکون تاء و لام . ۵ـ بکسر چ . ۶ـ بکسر لام . ۷ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۵۴ . ۸ـ بضم‌کاف .

ملاط هردو قسمت گچ و برقلهٔ دست چپ که آثار حمام و آب‌انبار است ساروج نیز بکاررفته است. این اطلاعات ازگله‌داران وچوپانان کسب شده و نگارنده این‌قلعه را ندیده است .

راهی قدیمی معروف به شاهراه
از صلاح‌الدین‌کلا به کدیر

این راه که ظاهراً راهی فرعی است که از شاهراه شاه عباسی جدا می‌شده از نقاط زیر می‌گذرد و به کدیر و شهر کجور می‌رود :

صلاح‌الدین‌کلا (سرین‌کلا)، چالك[۱]، الاشتونی[۲]، پرامکلی[۳]، نردکه چال[۴]، اوخواره ، چله‌سر[۵]، سفید ، شاهانه‌پل ، انجم[۶]،کدیر و از کدیر به شهرکجورکمتر از یك فرسنگ است .

قلعه‌ای قدیمی
در اراضی کشتزار تاج‌الدین‌کلا [۷] از دهکده‌های بلدهٔ کجور

برخاکریزی دستی‌که اطراف آن جر (خندق) عمیقی بود ،آثار قلعه خرابه‌ای به جای بود . آجر پاره‌ها و سفال زیادی بربالای آن دیده می‌شد اراضی قلعه امروز صنوبرکاری شده و از میان رفته است .

۱- بفتح‌لام . ۲- بفتح‌الف وسکون‌شین . ۳-بفتح ب وسکون میم وکسر کاف. ۴- بفتح نون و سکون راء و فتح دال . ۵- بکسر چ و لام و فتح سین . ۶- بفتح الف و سکون نون وضم جیم . ۷- تاج‌الدین‌کلا ، ده از دهستان بلدهٔ کجور، بخش مرکزی شهرستان نوشهر، سیزده کیلومتری‌غرب‌المده ویك‌کیلومتری جنوب شرسهٔ المده به نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج ۳) .

قلعه‌ای قدیمی به نام « مازی کوتی »
میان دهکده‌های تاج‌الدین کلا و ملاکلا از دهکده‌های بلدهٔ کجور

فقط تپهٔ کوتاهی که ظاهراً دستی است از آن برجای مانده است .

خالد کیا سلطان‌بن عون‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
درمناچیر کلا (منوچهر کلا) [۱] از دهکده‌های علوی کلای کجور

بنایی است که از خارج وداخل هشت ترك است (عکس شمارهٔ ۷۴) . هریك از ترکها از داخل ۱۹۰ سانتیمتر است که بر جدار آنها ، طاقنمایی با طاق هلالی به پهنای ۹۵ سانتیمتر ساخته‌اند .دونورگیر دراضلاع شمالی و جنوبی است. در ورودی بقعه شرقی است . بلندی آن ۱۷۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این در به مسجدی گشوده می‌شود کـه درازای آن ۵۴۰ و پهنایش ۴۰۰ سانتیمتر است. بـر بالای ستون چوبین وسط مسجد و دیوارهای دو طرف پلورگیری (حمالی) قطور است که پلورهای دوطرف سقف براین پلورگیر ودیوارها متکی است. چهارستون جلوایوان مسجد، دهـان اژدر و بسیار زیبا و پرکار است . سقف بقعه و مسجد و ایوان لمبه‌کـوبی بـا درزپوش است . لبهٔ بنا دو پشته و بام سراسر بنا سفال‌پوش است .

سنگ قبری قدیمی دراین بقعه به‌این شرح دیده شد :

« الحکم‌لله واحد القهار

وفات‌المرحوم المغفور المبرور الی‌رحمة‌الله الملك‌الغفور سید صالح‌طاج‌بن ملك مظفر فی‌شهر ربیع‌الاخرسنة ثمان عشرین الف کاردرویش مرتضی» .

۱ــ منوچهر کلا،ده ازدهستان علوی کلابخش‌مرکزی شهرستان نوشهر،هفت کیلومتری غرب‌المده وسه کیلومتری جنوب شوسهٔ المده به‌نوشهر (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳).

پشت سنگ یك بیت شعر است که خوانده نشد .

در فاصلهٔ شانزده متری ایوان، سقانفار یا مأذنه‌ای چوبین زیبا ساخته‌اندکه بر شش پایهٔ چوبین متکی است. کف این مأذنه ۴۸۰×۳۳۰ سانتیمتر است و چهارده ستون ظریف در اطراف آن قرار داده‌اند . تمام لمبه‌های سقف مأذنه را با رنگهای سرخ و نیلی و سبز طراحی و نقاشی کرده‌اند . لبهٔ طاق سه پشته و سراسر بام آن لت‌پوش است (عکس شمارهٔ ۷۵) . اطراف بقعه درختان : انار ، گردو ، شمشاد ، توت، افرا ، ممرز (شرم) ، لك (کهل) وآزاد است. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازدرختان آزاد۵۳۰ سانتیمتر بود .

سنگهای زیر درگورستان بقعه است :

« الحکم‌لله واحدالقهار وفات‌المرحوم فرخ‌سیر ابن‌محمود تاریخ دوم شعبان ۱۲۲۰».

«الحکم‌لله واحدالقهار رب‌انزلنی منزلاً مبارکاً وانت خیرالمنزلین‌وفات مرحوم استاد بابا ابن مرحوم استاد حبیب ازجماعت سراچی[1] شهرمحرم الحرام ۱۲۸۶ »

جمشید کیاسلطان

در قصبهٔ المده مرکز قشلاقی کجور

بنای اصلی بقعه هشت ترك و بام آن کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۷۶). درازای هرضلع آن از داخل ۱۸۰ سانتیمتر و در جدار هرضلع ، طاقنمایی به بلندی ۱۹۰ سانتیمتر و پهنای یك متر تمام است . بالای طاقنماها رف مانندی است و بالای رفها پیش‌آمدگیهای مثلث شکل است‌که طاق عرفچینی داخل بر آنها متکی است .

۱ــ این کلمه « براچی » نیز خوانده می‌شود .

در ورودی بقعه شرقی و بلندی آن ۱۵۰ و پهنای آن ۹۰ سانتیمتر است . درطاقنمای ضلع جنوبی ، دونورگیر یکی در بالا و دیگری پایین آن است . صندوقی ساده و بدون کنده‌کاری ازچوب آزاد ، دروسط بنای اصلی، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۰۰ و پهنایش ۱۰۵ و بلندی آن ۱۲۰ سانتیمتر است . کفش‌کن بقعه شامل یك اطاق باطاق ضربی است . ابعاد آن در حدود چهارمتر است . دربدنه‌های جنوبی و شمالی این کفش‌کن دو طاقچه است . طاقچهٔ شمالی‌که طاق آن افقی است به‌ابعاد۷۵ سانتیمتر است. طاقچهٔ جنوبی‌که طاق آن هلالی است ، بلندی آن از وسط هلال۸۵و پهنای آن ۶۵ سانتیمتر است . در دوطرف درازای کفش‌کن دو تخت زده‌اندکه پهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است .

مصالح بنا آجر وملاط گل‌آهك وروکشهای متعدد ازگچ وفرش[1] وآهك دراین بنادیده می‌شود.اطراف بقعه درختان‌چناروآزاداست. محیط دایرهٔ تنهٔ یکی‌ازچنارها ۶۴۰ ومحیط دایرهٔ تنهٔ دودرخت آزادکهنسال‌آنجا بالغ بر۵۰۵ و۵۲۰سانتیمتراست.

کتیبه‌ای ازآجر بانوشته‌های برجسته بربدنهٔ ترك شمال شرقی این بنا کار گذاشته‌اند . این‌کلمات برآن خوانده می‌شود :

«امر بعمارة هذاالمزار السلطان ملك کیومرث‌بن ملك بیستون فی‌محرم سنةاحدی خمسین و ثمانمئه ۸۵۱ » (عکس شمارهٔ ۷۷) .

حمامی قدیمی
در قصبهٔ المده مرکزقشلاقی کجور

خرابه‌های این حمام تا چندی پیش برجای بود شهرداری درنوسازیهای تازه یکسره آن را از میان برده است .

۱ــ فرش ، بضم‌شین ماسهٔ نرم‌است‌که آن را باآهك مخلوط نموده وبه جای‌گچکاری دیوارها به‌کار می‌رود .

قلعه‌ای قدیمی
دردهکدهٔ کاسه‌گرمحله از دهکده‌های کالج کجور

دراراضی کاسه‌گرمحله تپه‌ای عظیم است کـه خاکریز دستی است . بـرسراین خاکریز روزی دژی مستحکم بناشده بوده‌است. ظاهراً باید جای یکی ازمسلحه‌هایی باشد که ابن‌اسفندیار درتاریخ طبرستان خود ازآنها یاد کرده است . بربالای این‌تپه علی‌سالار فاتح، بنایی عظیم ساخته است که فعلاً در دست سیروس خواجه‌نوری است (عکس شمارهٔ ۷۸) .

باقی‌ماندهٔ راه شاه عباسی
دراراضی کاسه‌گرمحلهٔ کالج کجور

درفاصلهٔ کمی از تپهٔ کاسه‌گرمحله و در جنوب آن ، دنبالهٔ راه شرقی غربی‌شاه عباسی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۷۹) . این راه قدیمی جادهٔ گلندرود را قطع می‌کند و به طرف شهر آمل می‌رود .

بخش چهارم

نور

۱. مختصری از جغرافیای کوهستان نور

چهار دهکده به نامهای دونا (= دینا) ، الیکا[۱] ، کلونگاه[۲] ، وکمربن[۳] در آبریز رودخانهٔ چالوس قرار دارند که از قدیم جزء کوهستان نور به حساب آمده است . آب رودخانهٔ دونا در پل زنگله[۴] و آب رودخانهٔ کلونگاه والیکا و کمربن در هرجان[۵] دره به رودخانهٔ چالوس می‌پیوندند . ما نیز برای حفظ سنت این دهکده‌ها و آثار تاریخی آنها را جزء نور به حساب آوردیم .

گذشته ازاین چهار دهکده بخش اصلی کوهستانی نور از « نسن »[۶] یکی از دهکده‌های اوزرود[۷] شروع می‌شود و به دهکده‌های ترسناق[۸] یعنی تیرسّاو[۹] کرسی‌ورزان ختم می‌گردد . دهکده‌های درهٔ نمارستاق[۱۰] که رودخانه‌ای جداگانه است وآب آن

۱ـ بکسر الف . ۲ـ بفتح کاف و سکون لام و فتح واو وسکون نون .
۳ـ بفتح کاف و میم و سکون راء و ضم نون . ۴ـ بفتح زاء وسکون نون و ضم گاف.
۵ـ بفتح هاء و راء . ۶ـ بکسر نون و سین . ۷ـ بضم الف و کسر زاء .
۸ـ بفتح دوتاء و ضم راء . ۹ـ بکسر تاء و یاء و راء و تشدید سین . ۱۰ بفتح نون وضم راء .

بالاتر از دو آب سیاه‌بیشهٔ نور به رودخانهٔ هراز می‌ریزد نیز جزء بخش کوهستانی نور به شمار آمده است . درهٔ اصلی نور غربی شرقی است و آب رودخانهٔ نایه (= ناحیه) دردهکدهٔ اوز به آن می‌پیوندد . آب رودخانهٔ کمررود که دره‌ایست جنوبی شمالی و آب رودخانهٔ یالورود که رودخانه‌ایست تقریباً شرقی غربی درکلیك به رودخانهٔ اصلی متصل می‌شود . عبود این رودخانه از بلده‌که گذشت ، آبهای دهکده‌های میان رودبار به آن می‌رسد . این رودخانه پایین‌تر از دوآب نمارستاق و بالاتر از دهکدهٔ شامزید در سیاه‌بیشه به آب هراز ملحق می‌گردد .

۲ـ بناها و آثار تاریخی کوهستان نور

آشپزخانه‌ای عمومی
دردهکدهٔ کمربن کوهستان نور

دردهکدهٔ کمربن آشپزخانه‌ای عمومی است که شامل دواطاق بزرگ است. طاق این دو اطاق گنبدی عرقچینی واز سنگ وگـچ زده شده است . سوراخی دریکی از جرزها تعبیه کـرده بودند تا بتوان سوخت را ازخارج به داخل آشپزخانـه ریخت. اجاقهای متعدد بـزرگ در پای ضلع جنوبی وجود داشت . این بنا کـه نظیر آن در دهکده‌ای دیده نشده است قدیمی بود .

مسجدی قدیمی در کمربن
از دهکده‌های کوهستان نور

دروسط این مسجد قدیمی یك ردیف فیلپاست وطاقهای عرقچینی که ازسنگ و گچ زده‌اند براین فیلپاها ودیوارهای اطراف متکی است. تاریخ تعمیر آن سال ۱۲۵۵ هجری قمری بود . سردری بتازگی آقای مولانا برای آن ساخته بودند .

گورستانی قدیمی
میان فغفره [۱] و اشر [۲] در دهکدهٔ کمربن کوهستان نور

میان اراضی فغفره و اشر کنار خط ماشین‌رو جدید، قسمتی ازکوه براثر تسطیح راه فروکش کرده بود وسنگهای طرفین قبر و لحدهای قبور قدیمی بیرون آمده بود.

گورستان دهکدهٔ کمربن

سنگهایی‌که دراین گورستان مورخ بود تاریخ آنها تا ۱۲۷۰ هجری قمری می‌رسید بعضی‌از آن سنگها بدین شرح بود :

« هوالباقی

وفات‌المرحومه‌المبروره المغفوره فاطمه‌نسا بنت مرحوم عبدل توران [۳] فی سنة۱۲۷۰ ».

« وفات‌المرحومه المغفوره المبروره [مابقی نوشتهٔ سنگ زیر خاك بود]و برگوشهٔ‌آن « فی سنة ۱۲۸۱» روشن خوانده می‌شد .

« هوالحی‌الذی لایموت وفات‌المرحومه المبروره بتول خانم بنت آخوند ملاحسین من‌طایفهٔ توران [۴] بتاریخ دهم رجب [شکستگی] » .

درحاشیهٔ طرفین سنگ :

« صدق‌الله و رسوله و ماوعدناالله و رسوله » .

نشانه‌ها نقش خورشید و شانه .

---

۱ ـ بفتح فاء و سکون غین و فتح فاء دوم . ۲ ـ بفتح الف و شین .

۳ و ۴ ـ توران یکی از تیره‌های قدیمی ساکن کمربن و کلونگاه هستند . مرحوم‌شیخ‌علی مدرس از تیرهٔ توران واهل کلونگاه بوده است .

راه قدیمی از کاروانسرای پای کندوان تا نسن[1]

این راه پس‌ازسرازیرشدن ازگردنهٔ کندوان به‌کاروانسرای قدیمی پای‌کندوان که خرابه‌های‌آن تـا امروز برکنارهٔ راست رودخانهٔ چالوس تـا امروز بـاقی است ، می‌رسد و از اینجا کنار آب تا پل زنگله ادامه دارد . فاصلهٔ کاروانسرا تا پل زنگله هفت کیلومتر است . ازاینجا بـه اراضی زیر دهکدهٔ دونا به نام «اویر»[2] و ازآنجا به سرگردنهٔ « ترك بشم»[3] می‌رود . فاصلهٔ دونا تا سرگردنهٔ ترك‌بشم شش‌کیلومتـر است . ازسرگردنهٔ ترك‌بشم پس‌ازطی شش‌کیلومتر به قهوه‌خانهٔ کمربن می‌رسیم . ازقهوه‌خانهٔ کمربن پس‌ازگذشتن ازاراضی فغفره و اشر و«جیراسبی‌او»[4] ولاچال به سرگردنهٔ لابشم می‌رسیم . فاصلهٔ این قسمت نه کیلومتر تمام است و ازسرگـردنهٔ لابشم بـه «اولچ»[5] و دهکدهٔ نسن‌وارد می‌شویم . فاصلهٔ این قسمت راه هفت کیلومتر است . راه ماشین‌رو جدید بر مسیر راه قدیم چارواداری ساخته شده است .

رنگ وجن[6]

دراراضی دهکدهٔ ایلکا از دهکده‌های اوز رود نور

در اراضی دهکدهٔ ایلکا ، غارها و اطاقهای زیرزمینی است کـه ظاهراً روزی از آنها سرب یا فلز دیگر یا چنانکه از نام پیداست، رنگ استخراج می‌شده است .

۱ـ بکسر نون وسین . ۲ـ بفتح الف. ۳ـ بضم تاء وسکون راء و کسر کاف وفتح باء . ۴ـ اسبی بکسر الف به معنی « سپید » و او به معنی « آب »است .
۵ ـ بضم الف و کسر لام . ۶ـ بفتح‌راء وسکون نون وکسر گاف و فتح واو وضم جیم‌و سکون نون . ن . ك. به مقالهٔ‌آقای عبدالحسین امینی به نام «غار رنگ و جان » مجلهٔ تاج سال دوم شمارهٔ ۹، دوشنبه دوم مرداد ۱۳۲۹ .

مسجدی قدیمی
در دهکدهٔ کلونگاه نور

مسجد قدیمی این دهکده به نام مسجد « امام حسن عسکری » است و طرح بنای آن قدیمی به نظر می‌رسد .

گورستانی قدیمی
برسر راه کلونگاه از دهکده‌های نور

برسرراه کلونگاه گورستانی قدیمی است که نگارنده به علت برف زیاد موفق بدیدن سنگهای آن نشد .

گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ نسن از دهکده‌های اوز رود نور

در پشت منزل سید علی‌اکبر حسینی محلی به نام « فلاکوتی » است که ظاهراً محلهٔ قلعهٔ قدیمی دهکدهٔ نسن بوده است. دراینجا سنگ قبری با مشخصات زیر بوده که فعلاً به خانه‌ای منتقل کرده‌اند :

این سنگ به پهنای ۶۸ و بلندی ۹۰ سانتیمتر است وعبارات زیر برروی آن حك شده است :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمة‌الله الملك‌الغفور نام‌آور انگریج[1] ابن محمد بتاریخ شهر محرم‌الحرام سنهٔ ۱۰۹۳ » .
(عکس‌شمارهٔ ۸۰)

۱ــ این تیره از انگرود به نسن کوچیده‌اند و به نام انگرودی نیز شهرت دارند . امروز به نامهای « یزدانی » و « ناماور » خوانده می‌شوند .

برپشت این سنگ عبارات زیر است :

« اشهدان لااله‌الاالله اشهدان محمداً رسول‌الله اشهدان علیاً ولی‌الله یفعل‌الله مایشاء ویفعل مایرید بتاریخ شهر ربیع‌الثانی سنهٔ ۱۰۹۳ » .

سنگ دیگری از این گورستان قدیمی را کسی بـه‌گمان اینکه ارزشی دارد در کاه‌انبار خـود مخفی‌کرده بود . پهنای ایـن سنگ ۴۰ و بلندی آن ۷۰ سانتیمتر بود ومتن نوشته‌های‌آن به۲۲ × ۲۸ سانتیمترمی‌رسید. این‌عبارات برآن خوانده شد:

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌محمد قاسم‌ابن‌مرحوم شاه‌کرم‌بالو[1] ۱۰۲۳ هو» .

درگورستان کنونی نسن سنگهای زیر به نظر رسید :

«الحکم‌لله الواحد القهار وفات المرحوم قاسمعلی پیج[2] ولـد محمدجعفر بتاریخ‌شهر شوال سنهٔ ۱۱۳۱ » .

« الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه حوا بنت محمدباقر انگرودی بتاریخ سنهٔ ۱۱۸۴ » .

« وفات‌المرحوم المبرور الی‌رحمة‌الله الملك الغفور حاجی الله‌وبردی ابـن المرحوم [شکسنگی] ۱۲۲۰ » .

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌المبرورکربلائی‌محسن ابن‌مرحوم کربلائی محمد باقر نوری » .

اطراف سنگ :

« الله محمد علی فاطمه حسن حسین یاهو سنهٔ ۱۲۳۱».

۱ــ تیرهٔ بالوامروز به نام « بالوئی » شهرت دارند و در دهکدهٔ نسن ساکنند معروف است که اینان از آن طرف شیراز بدینجا کوچ کرده‌اند .

۲ــ از تیره‌های ساکن در نسن و پیجده نزدیك انگرود.

برسنگی سیاه محلی عبارات زیر حك بود :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم هادی ولد مرحوم کربلائی‌لطفعلی ۱۲۶۲ » .

«هوالحی‌الذی لایموت

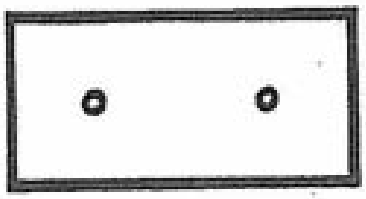
وفات المرحوم المغفور المبرور مشهدی شبیر ولد مرحوم‌آخوند ملاعلی».

«هوالله تعالی الحکم‌لله الواحد القهار وفات‌المرحومه خدیجه بنت جبار نوری بتاریخ سنهٔ ۱۳۱۱ » .

نشانه‌ها : مهر و سجاده .

« هوالباقی ۱۳۳۰ وفات مرحوم مغفور مشهدی حبیب‌الله ولد ملاحسن انگرودی نسنی » .

نشانه‌ها : شانه و چیزی بدین شکل :



گورستانی‌قدیمی

در دهکدهٔ پیل از دهکده‌های اوزرود نور

سنگی بزرگ به بلندی ۹۰ وپهنای ۱۰۵ و قطر ۲۵ سانتیمتر در این‌گورستان دیده شد که گنج‌گیران آن را از جای کنده و به روی انداخته بودند . بر یك طرف آن عبارات زیر خوانده شد :

« لاالهالاالله محمد رسول‌الله و علی ولی‌الله

حب دنیا رابقا [ئی] نیست انتم غافلون

جهدکن تا در نمانی درصف لایعلمون

وفاة مرحوم الی رحمةالله تعالی مولانا علی‌خطیب[1] روقاسی[2] نورالله قبره » .
(عکس شمارهٔ ۸۱) .

« هـوالحی‌الذی‌لایموت وفـات‌المرحوم محمد ولدالمرحوم کـربلائـی علی‌اکبر خطیب

ای چرخ هزار خانه ویران کردی درملك عدم توغارت جـان کردی
هـر دانهٔ قیمتی‌کـه آمـد بوجود بردی و بزیر خاك پنهان کـردی

سنهٔ ۱۲۷۲ » .

«کل شیءٍ هالك وفات مرحوم محمد ولدمرحوم مغفور ملاسلیمان ملقب رئیس[3] ۱۲۷۶ » .

مسجد جامع
دردهکدهٔ پیل[4] از دهکده‌های اوزرود نور

دراین دهکده مسجدی نسبةً قدیمی بود که اهالی اظهار می‌کردند امام حسن عسکری بنا کرده است. امامزادهٔ دهکده در این مسجد بود و به نام امامزاده نعمت و احمد و عـابدین حسن ولدان امام زین‌العابدین علیه‌السلام خوانده می‌شد .

گورستان قدیمی
دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

گورهای قدیمی دراین گورستان زیاد بود ولی سنگ نوشته نداشت . دوسنگ

۱ـ خطیب‌ازتیره‌های قدیمی‌ساکن دهکدهٔ پیل هستند. ۲ـ این کلمه « سوقاسی» نیز خوانده می‌شود . ۳ـ رئیس از تیره‌های قدیمی ساکن دهکدهٔ پیل هستند . سایـر تیره‌ها : ترك ، خطیب ، بالو و ملا می‌باشند . ۴ ـ پل (بکسرپ = پیل) ، ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان‌آمل، چهارده کیلومتری غرب بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

نسبهٔ قدیمی آن به‌این شرح بود :

« هذاالمرقدالشریف المعظم المنیف للعالم‌المحقق والفاضل المدقق‌الفایض الفوایض سبحانی العارف معارف ربانی‌مرحوم شیخ محمد ابن آخوند ملا محمدجعفرساکن‌قریهٔ میناك تحریرافی‌چهاردهم‌فروردین‌ماه‌قدیم۱۳۲۴ه.

« هوالحی‌الذی‌لایموت وفات مرحومه جوان‌ناکام شهربانو بنت محمدقلی بتاریخ اول فروردین ماه فرس قدیم مطابق شوال سنهٔ ۱۳۶۸ برحمت ایزدی پیوست » .

تکیه‌ای نسبهٔ قدیمی
دردهکدهٔ میناك از دهکده‌های اوزرود نور

بربالای در ورودی این‌تکیه کتیبهٔ زیر نوشته شده است :

« یا اباعبدالله الحسین حسب‌الفرمایش مقرب‌الخاقان میرزا محمد شفیع مستوفی دام اقباله‌العالی و باعانت سرکار مقرب‌الخاقان آقا میرزا محمد حسن وزیر این تکیه و مسجد جناب سیدالشهدا بکفایت افتخار الحاج حاجی‌ملا امامقلی یوشی و مباشرت عالیجناب فخرالحاج حاج ملا جعفر صورت اتمام پذیرفت بتاریخ شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۳۰۰ عمل ملا محمد علی یوشی » .

امامزادگان طیب‌و طاهر ولدان امام زین‌العابدین علیه‌السلام
دردهکدهٔ جورکلاك (کلاك‌بالا) از دهکده‌های اوز رود نور

بنایی است ازآجر ازخارج هشت ضلعی وازداخل مربع باگنبدی‌کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۶) .

صندوقی که مرقد را پوشانده است ساده و دو در ورودی بقعه نیز ساده بود . متصل به ضلع شرقی وجلو در ورودی بقعه مسجدی کوچك بود که سرستونهای چوبین داخل آن قدیمی بود . در ورودی این مسجد نیز ساده است .

گورستانی قدیمی

در دهکدهٔ جورکلاك (کلاك بالا) از دهکده‌های اوزرود نور

سنگهای قبور این گورستان نسبةً قدیمی و به این شرح بود :

« هوالرحمه‌الحکم‌لله واحدالقهار عبدفخرالدین ابن‌عبدالهادی رستمدار فی‌تاریخ سنهٔ ۱۰۷۷ .

خدایا کریما ز روز جزا بکن رحم بروالد پاشا ».[۱]

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم‌المبرور الواصل الی‌رحمةالله آخوندملامحمد زمان بتاریخ شهر شعبان ۱۱۵۰ » .

« اللهم صل‌علی محمد وآل‌محمد الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم‌المبرورالواصل الی‌رحمةالله ملك‌الغفور آخوند ملاعزیزبن درویش شرف‌الدین بتاریخ شهر ربیع‌الاول سنهٔ ۱۱۵۶» .

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم محمدشفیع‌ابن رفیعا بتاریخ سنهٔ ۱۱۹۰» .

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم کربلائی محمدشریف ولد مرحوم مهرعلی بتاریخ شهر جمادی‌الاخر سنهٔ ۱۲۴۰ » .

۱ـ این بیت وزن ندارد . پاشا از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك‌بالا هستند .

گورستانی قدیمی

دردهکدهٔ جئر[1] کلاك (کـلاك پایین) از دهکده‌های اوزرود نـور

سنگهای قدیمی این گورستان بدین شرح بود :

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات المرحوم حاتم‌علی‌ولد مرحوم‌محمدیوسف بتاریخ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۳۸ » .

« الحکم‌لله الـواحد القهار وفات المرحوم المبرور المغفور الی‌رحمة‌الله رضوان جایگاه حسن‌علی‌بـن مرتضی‌قلی ملقب بکلیج[2] بتـاریخ شهـر جمادی‌الثانی سنهٔ۱۲۳۹ .

[در] فصل بهار گشتم القصه هلاك دارم جگر [ی] کباب‌و چشم‌نمناك
گلها همه سر زخاك بیرون کـردند الاگل من کـه سر فـرو برد بخاك
ای خـاك تیره دلبر مـارا عزیزدار کاین‌نورچشم‌ماست‌که دربرگرفتهٔ».

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات مرحوم مغفور علی‌کـرم ناکام ولد مرحوم یحیی‌کلیج بتاریخ پنجم‌تیرماه قدیم سنهٔ ۱۲۷۴».

قلعهٔ نارچو

برقله و بازوی کوهی در جنوب شرقی کلاك‌بالا

برقلهٔ کوهی منفرد (عکس شمارهٔ ۸۳) و بازویی که در شمال غربی آن واقع می‌شود آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی است. میان این قله و بازو دره‌ای بسته وعمیق است که جلوی دهانهٔ آن را دیواری از سنگ و گچ چیده‌اند تا کسی نتواند از این

۱ـ بکسر جیم . ۲ـ بضم کاف . ظاهراً از خاندانهای قدیمی ساکن کلاك‌پایین بوده‌اند که امروز اثری از ایشان نیست . خاندانهای قدیمی کلاك پایین امـروز نام‌آور و آلمرزان خوانده می‌شوند .

دره به بناهای قلعه راه پیدا کند(عکس‌شمارهٔ ۸۴). درازای این دیوار ده متراست و هفت متر از بلندی آن تا امروز بر جای است و پهنای آن به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد. در فرورفتگی شمالی بازوی شمال غربی آب‌انباری مدور است که قسمت پایین آن درکوه کنده شده و قسمت بالای آن باسنگ و گچ چیده شده است. بربالای قلهٔ منفرد و بازوی شمال غربی آن دیوارهای بناهای فراوانی است. در پاره‌ای جاها بلندی دیوارها تا یك متر نیز می‌رسد. باقی آنها خراب شده ومصالح ساختمانی آنها که سنگ تراشیده و گچ سرندی بوده است به دامنه‌های پرشیب قله و بازو ریخته است. در دیواری‌که جلودره بسته‌اند، چندین سوراخ بزرگ وکوچك دیده می‌شود. قلهٔ نارچو ۴۲ درجهٔ شمالی وقلهٔ آزادکوه ۱۳۳ درجهٔ غربی وقلهٔ چله‌خانه ۱۳۷درجهٔ غربی است.

آثار بنایی ازسنگ
برگردنهٔ چله‌خانه زیر قلهٔ آزاد کوه

برسر این گردنه بنایی از سنگ و گچ به درازا و پهنای دو متر است. پهنای دیوارها به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد. بام این بنا که گنبدی شکل بود تا سال ۱۳۲۸ شمسی برجای بود. در ورودی این اطاق رو به شمال و به طرف قلعهٔ نارچواست و فعلاً بر اثر حفاری زیاد جعلها اسافلها اعالیها.

برای رسیدن به چله‌خانه از راه کلاك‌بالا یا از راه وارنگه رو[1] وسوتك[2] می‌توان رفت.

---

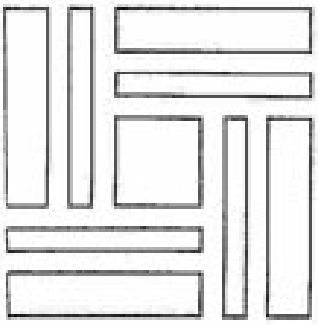
۱ ــ دهکده‌ای از دهکده‌های لودا است که آب رودخانهٔ آن پس از اتصال به آب ولات‌رو (ویه ــ لات ــ رود) وگاجره وگردنهٔ دیزین در گچسر به آب کندوان می‌ریزد.

۲ــ بفتح تاء.

آثار بنایی قدیمی
برقلهٔ آزاد کوه

برقلهٔ آزادکوه سه اطاق چهارگوشه ازسنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۸۵). پهنای دیوارهای آنها به ۷۵ سانتیمتر می‌رسد . بلندی دیوارهای موجود در حدود یك متر است. شاید سابقاً این اطاقها طاقهایی داشته‌اند فعلاً براثر حفاری وکندوکاو گنج‌گیران زیر و رو شده‌اند .

امامزاده موسی‌بن عون‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ اوز از دهکده‌های اوزرود نور



بنایی‌است هشت ضلعی بابامی‌کلاه‌درویشی (عکس شمارهٔ ۸۶) و صندوقی قاب و آلت‌کاری در وسط بنای اصلی‌مرقد را پوشانده است . طرح صندوق امامزاده بدین شکل است :

در ورودی بقعه بسیار ظریف وپرکار است (عکس‌شمارهٔ ۸۷) و برچهارچوب و بائوها و پاسارها وتنکه‌ها کنده‌کاری دارد .

برقسمت بالای چهارچوب :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنا لك فتحاً مبیناً لیغفرلك‌الله ماتقدم ».

برقسمت سمت چپ چهار چوب :

« من‌ذنبك و ماتأخر ـ تا ـ ایمانهم والله جنود ».

برقسمت سمت راست چهارچوب :

« امر باتمام هذاالباب مزار متبرك مبارك حضرت امامزاده معصوم کیاپاشابن کیایوسف ویلك رحمة خدای برصاحب خیرباد

خدایـا بذلت مـران از درم که صورت نبندد دری دیگرم» .

برقسمت پایین چهارچوب کـه احتمال پا خوردن و فـرسودگی داشته است ، کنده‌کاری نکرده‌اند .

برپائوی سمت راست لنگهٔ سمت راست :

« السموات و الارض و کان‌الله علیماً حکیما ـ تا ـ و کان ذلك عندالله » .

بر پاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« فوزاً عظیما و یعذب‌المنافقین » .

برپاسار بالای لنگهٔ سمت چپ :

« والمنافقات والمشرکین و المشرکات » .

برپائوی چپ لنگهٔ سمت چپ :

« الظانین بالله سوءالظن ـ تا ـ مبشراًونذیرا».

برپائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست :

« لیومنوابالله و رسوله ـ تا ـ اجراً عظیماً » .

برپائوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« سیقول‌لك المخلفون ـ تا ـ بل‌کان‌الله‌بما » .

برپاسار پایین لنگهٔ سمت چپ :

« تعملون خبیراً » .

برتنگهٔ چهار گوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« یاالله »

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« یامحمد یا علی »

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت راست :

« بتو امید دارم از همه باب ».

بر پاسار زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ :

« افتتح یامفتح‌الابواب» .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت راست :

« فرمایندهٔ هذمالباب المبارك ».

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ وسط لنگهٔ سمت چپ :

« کیاپاشاین کیایوسف ویلك » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« کس بی‌کسانی ومن بی‌کسم » .

بر بالای تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

«گرم دست‌گیری بجائی رسم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« عمل یعقوب‌کم » .

بر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل‌خشنام لپاسانی ».

زیر تنکهٔ چهارگوشهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« فی‌تاریخ سنة ثلاثة و عشرین و تسعمایه » .

دو امامزاده در آبادی اوز به نامهای : موسی‌کیاسلطان و دیگری امامزاده محمودبن عبدالله‌بن امام علی‌النقی‌بودکه‌آثار تاریخی قابل ذکری نداشتند . امامزاده

محمود در ملامحلهٔ اوز قرار داشت .

امامزاده سید زکریا
در دهکدهٔ اوزکلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك است و گنبدی کـلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۸۸ و ۸۹) . سقف بنا گنبدی عرقچینی است . کفش‌کنی متصل به بنای اصلی است و مصالح ساختمانی بقعه وکفش‌کن سنگ وگچ است. صندوقی قاب وآلت‌کاری مرقد را پوشانده است. وسط سقف‌گنبدی عـرقچینی پنج خورشید دایره‌وارنقش کرده بودند. گل ولای سیل از درهٔ مجاور بقعه ، به داخل کفش‌کن آمده بود وتا شصت سانتیمتری دیوارهای داخل کفش‌کن را پرکرده بود و اهالی مشغول پاك‌کردن بودند . بریکی‌از درگاههای بیرون کفش‌کن کاشیکاری داشت و به سبك دوران قاجاری میان گوشه‌های هرچهار کاشی گل‌میخی آهنین زده بودنـد . بریکی از کاشیها این عبارات خـوانده می‌شد :

«تعمیرکنندهٔ امامزاده سیدزکریا عالیشانان‌استاد محمد تقی واستادعلی‌اکبر خلف مرحمت‌پناه ملاابراهیم کاشانی سنهٔ ۱۳۰۲ » .

در ورودی بقعه یك لختی ، ساده و بدون نقش بود . این عبارات بـر آن حك شده بود :

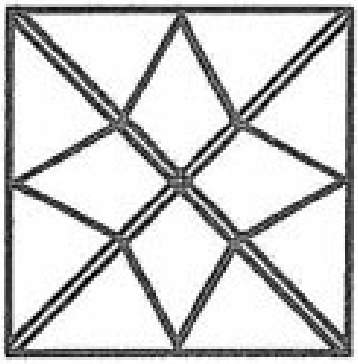
« ساخت باب مشهد مبارك سید معظم سید علی رحمه‌الله درتاریخ ماه مبارك سنهٔ ثمانین و ثمانمائه » .

و برقسمت پایین آن عبارات زیر خوانده می‌شد :

« درختان تابوند درکوه و بیشه بشادی باز باد این در همیشه

فرمایندهٔ باب مشهد یعقوب‌بن محمدکلاکی عمل استاد خسروبن مرحوم‌علی نجّار فی [خوانده نشد]

هرکه از ماکند به نیکی یاد یاد او درجهان بنیکی باد».



صندوق بقعه قاب وآلت‌کاری وطرح اصلی آن بدین شکل است :

بالای بدنهٔ جنوبی صندوق ایـن عبارات حك شده بود :

« بانی این صندوق گردیدکربلائی حسین و علی ولد مرحوم‌آقاعمادکلاری به نجّاری استاد سلم‌الله و محمدصادق فی‌سنة ۱۲۰۷ » .

بالای بدنهٔ شمالی صندوق نیز آیاتی ازکلام‌الله مجید حك بود و بدین ترتیب ختم می‌شد :

« و ماهوالاذکر للعالمین نصرمن‌الله و فتح قریب این چند کلمه یادگاری کربلائی‌نادعلی ولد مشهدی مرتضی‌قلی ».

دروسط بدنهٔ شرقی صندوق ، دری‌کوچك دولختی بودکه این آیات ازکلام‌الله مجید برحواشی این دولنگه حك شده بود .

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم اذاجاء نصرالله والفتح ـ تا ـ توابا».

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سورهٔ اخلاص تـا آخر وپس از کلمـهٔ « احد » یاطافی یا وافی یا معافی . . . [دوسه‌کلمه‌را لای سیل‌گرفته بود] » .

«آیة‌الکرسی‌ازالله‌لااله ـ تا ـ وسع‌کرسیه » .

« اللّٰه نورالسموات والارض ـ تا ـ یضیء ولولم » .

در این امامزاده زیارتنامه‌های متعدد باخط خوش بود . یکی از آنها زیارتنامهٔ وارثی بود که برسنگ پادزهر حك شده و مورخ به سال ۱۱۲۷ قمری بود. شمایلهای متعدد با نقاشیهای متوسط دراین بقعه دیده می‌شد .

امامزاده محمودبن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
دردهکدهٔ نایه (ناحیه)[1] از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی بابامی‌کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۹۰) وسقفی‌گنبدی عرقچینی که نقش پنج خورشیدرا دایره‌وار داخل‌گنبد کشیده‌اند . در اضلاع هشت ضلعی درداخل بنا یکی در میان سرو وخورشید نقاشی شده است بالای سردرگاههای اضلاع هشت‌گانه باخط خوب‌نسخ گچ‌بری شده‌است ودو نورگیرمشبك طرف قبلی و طرف شرقی بنای بقعه است .

ازطرف غرب مسجدی متصل به بقعه است‌که درازای‌آن شمالی جنوبی است و فیلپاها وستونهای‌آن قدمت‌آن رابه خوبی نشان می‌دهند. درورودی یك لختی‌قدیمی دارد .ایوانی‌جلو بقعهٔ اصلی است‌که درازای آن ۵۳۵ و پهنایش ۱۸۰سانتیمتر است. راهرویی‌دراین ایوان است‌که‌به درورودی یك لختی مسجد قدیمی‌ختم می‌شود. طرف شرقی بقعهٔ اصلی نیزمسجدی‌نوبنیاد بنا کرده‌اند و ازهمین طرف انبار کوچکی وصل بـه بقعه ساخته‌اند .

---

۱ ـ ناحیه : ده از دهستان اوزرود بخش نورشهرستان آمل ، هفت کیلومتری غرب بلده و چهل‌ودوکیلومتری شرق راه چالوس. معصوم زاده‌هایی بـه نام شاهزاده محمود وچند معصوم زاده دیگر دارد کـه بناهای آن قدیمی است و زیارتگاه توابع نور است (فـرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

در ورودی بقعه دو لنگـه‌ای است (عکس شمـارهٔ ۹۱) . بلندی آن ۱۴۵ و پهنایش به ۷۳ سانتیمتر می‌رسد . این عبارات با خطی متوسط بر آن حك شده بود :

بر تنکهٔ مستطیل شکل بالای لنگهٔ سمت راست:

«لااله الاالله ».

بر تنکهٔ مستطیل شکل بالای لنگهٔ سمت چپ :

« محمداً رسول‌الله علیاً ولی‌الله».

بر تنکهٔ دیگرمستطیل‌شکل بالای لنگهٔ سمت راست :

« رسیدم درین موضع اندریقین
خوش‌آمد مرا یادگاری چنین».

بر تنکهٔ دیگر مستطیل شکل بالای لنگه سمت چپ :

« اگرمانمانیم درین جا بسی
زمایادگاری بماند همین » .

قسمت وسط لنگهٔ سمت‌راست وقسمت وسط لنگهٔ سمت‌چپ کنده‌کاری‌ظریف و طرحی جالب دارد .

بردوتنکهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« درختان تابوند درکوه و بیشه
بشادی باز بـاد این در همیشه
عمل استاد حبیب ابن استاد حسین نجّارکمری».

بردوتنکهٔ پایین لنگهٔ سمت راست :

« وقف کرد استاد نصیرالدین‌ابن استاد سهراب کاردگـر المعروف فی‌النای فی‌تاریخ ماه مبارك جمادی‌الاخر سنة ستة ثمانون و ثمانمائه ».

ضریحی مرقد امامزاده را پوشانده است . بانی این ضریح وکیل‌الملك نـوری

است و به سرکاری مرتضی‌خان‌ابن اسمعیل‌خان در تاریخ ۱۲۸۸ قمری به اتمام رسیده است .

ایـن ضریح دارای دری دولنگه است و این ابیات بر لنگهٔ سمت راست حـك شده است :

« آفتاب ملك نوراست این ضریح صورت غلمان و حور است‌این‌ضریح
در بساط هشـت جنـت در بهشت زینت حور و قصور است این ضریح
چشمهایش در تجلی تـا به چرخ برگ شاخ نخل طور است این‌ضریح
شـاهـزاده حضـرت محمـود را شمع بزم اندر حضوراست این‌ضریح
ثمان و ثمانین و مأتین بعدالف سنهٔ ۱۲۸۸ » .

بر تنکهٔ سمت چپ ابیات زیرحك شده است :

« یـابن‌کاظم مـوسی کاظم دخیل خدمت دارالامور است ایـن ضریح
[یك بیت زیر دماغه است و خوانده نشد]
از وکیـل‌الملك نـوری خدمتی مانده تـا یوم نشور است ایـن ضریح
مرتضی‌خـان‌ابـن اسمعیل‌خـان یـادگارکوی نور است این ضریح » .

بر بالای لنگهٔ سمت چپ در ضریح:

« عمل استاد محمد و استاد علی ابن بسطامی » .

بر پایین لنگهٔ سمت چپ :

« لعنةالله بر بدعت گذارندهگان معاف شد (؟) » .

درمسجد قدیمی متصل بـه بقعه یك لختی است (عکس شمارهٔ ۹۲) . بلندی آن ۱۶۰ و پهنایش ۸۳ سانتیمتر است . طـرح کنده‌کاریهـای آن ساده است و ایـن عبارات بر آن حك شده است :

برقسمت بالای در :

«المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء والمنافق فی المسجد کالطیر فی القفص».

برقسمت وسط در :

«وقف کرد استاد خرداك آهنگر ابن حسن حداد فی تاریخ ماه ذی‌قعده‌الحرام سنة سبع و سبعون و ثمانمائه».

انبارکوچك متصل به بقعه نیز دری به بلندی ۱۲۰ وپهنای ۶۰ سانتیمتردارد.

بربالای لنگهٔ سمت راست عبارات زیر حك شده است :

« بخریه استاد سهراب ».

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« ابن‌استاد عزالدین کاردگر کمرودی ».

برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :

« [عمل] استاد سلیمان‌بن حسین نجار فیروزی».

امامزاده خطیب و نجیب

در دهکدهٔ نایه (ناحیه) از دهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی از سنگ وگچ بابامی‌کلاء درویشی (عکس‌شمارهٔ ۹۳). سقف بنا گنبدی و عرقچینی است و داخل بقعه نیز هشت ضلعی منظم است‌که درازای هر ضلع آن به یك متر می‌رسد . برحاشیهٔ پایین گنبد عرقچینی آیهٔ ۳۵ ازسورهٔ نور با نام نویسنده بدین ترتیب نوشته شده است :

«الله نورالسموات والارض ـ تا ـ بکل شیء علیم کتبه علی‌اصغر۱۳۰۳».

براضلاع جنوبی وغربی وشمالی نیز همین آیه ازاول تاآخر نوشته شده‌است و درآخر نام کاتب سابق‌الذکر به‌این شرح‌آمده است :

« کتبه علی‌اصغر من‌طایفهٔ ملا ۱۳۳۸ ».

تمثالی ازمعراج پیغمبر صلوات‌الله بانقاشی‌خوب داخل بقعه بردیوار نصب‌است‌و این عبارات ذیل آن نوشته شده است :

« فرمایش‌حسن‌ملافرزند صادق وقف‌امامزاده خطیب ونجیب معراج حضرت خاتم‌انبیا ص بتاریخ غرهٔ رمضان‌المبارك ۱۳۳۲».

ضریحی‌مشبك درمیان بنای‌اصلی‌بقعه است‌که این‌عبارات برآن حك شده‌است:

« آفتاب ملك حور است‌این ضریح شاخ برگ نخل طور است‌این‌ضریح
آیتی انـدر جـلال ایـن دو مـاه مانده تا یوم نشور است ایـن‌ضریح
بدستیاری صناعت دستگـاهی استاد حسین نجّارباشی خادمان ایـن آستان
طایفهٔ ملا ولدان ملا شریف قـاری سنهٔ ۱۳۳۸ نوری ناحیهٔ مـن‌طـایفهٔ حیدریه » .

سراسرکف ودیوارهای اطراف نانیم متری، کاشیکاری دوران قاجاری‌است بریك قالب کاشی نقش طاوس ظریفی دیده می‌شود .

بالای در ورودی بقعه این ابیات با خط نستعلیق خوب نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم فالله خیر حافظاً و هوارحم‌الراحمین

آیدازاین لاله‌زاربوی‌خطیب ونجیب میوزد ازاین‌مزاربوی‌خطیب‌ونجیب
هرکه در این آستان سر بزمین آورد بشنود ازاین‌غبار بوی‌خطیب‌ونجیب
هرکه نماید گذر بر در این بـارگاه میبرد از اوقرار بوی خطیب‌ونجیب
میوزد از هـرگلی درکف هـر بلبلی برسر هرشاخساربوی خطیب ونجیب
حق حقیقت‌که نورمشك‌ندارد ضرور یافت دگراشتهار بوی خطیب‌ونجیب
از دم عـاجز هنوز میوزد از خلق او درچمن این دیار بوی‌خطیب‌ونجیب
بـانی این روضه شد حاجی‌الله قلـی تاکه‌شفیعش‌شوندحشر خطیب‌ونجیب[۱]

۱ـ ظاهراً این ابیات را خود حاجی الله‌قلی ساخته است !

التماس دعـا دارم از زایرین این حقیر حاجی الله‌قلی فـی جمـادی‌الثانیه سنة ۱۳۱۹ » .

بنـای اصلی بقعه از شرق و جنوب بـه مسجدی متصل می‌شود کـه سقف آن پلورکشی و پردی کوبی است .

بقعهٔ امامزادگان داودکیا سلطان‌بن سالاربن جعفربن امام محمدتقی علیه‌السلام و حسن کیا سلطان‌بن ابـوطالب‌بن ابوالحسن‌بن‌امام محمدتقی علیه‌السلام در اراضی سنگ‌پل نایه (ناحیه) ازدهکده‌های اوزرود نور

بنایی است هشت ضلعی که بام آن سابقاً کلاه درویشی بوده و اخیراً بهم زده و بـه شکل گنبد پیازی درآورده و آهن پوش کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۴) . داخـل بقعه نیز هشت ضلعی است و هر ضلع آن بالغ بر ۱۶۰ سانتیمتر است . دو نورگیر در دو طرف جنوبی وشرقی است . دو چهلچراغ قدیمی به سقف گنبدی عرقچینی داخل آویخته است .

ضـریحی مشبك چهارگوشهٔ فلزی کـه روی آن را آب نقره داده‌اند ، مـرقد امامزادگان را پوشانده است. درازای این ضریح ۲۰۴ و پهنای آن ۱۳۸ و بلندی‌آن ۱۹۰ سانتیمتر است. سراسر بالای ضریح نردهٔ کوتـاه فنری از جنس ضـریح است و قسمت پایین ضریح تا بلندی ۴۴ سانتیمتری فلز یك پارچهٔ بدون شبکه است .

برلنگهٔ راست در ورودی بقعه عبارات زیر حك شده است :

«استاد حسین نجّارباشی ولدمرحوم مشهدی جعفر من‌طایفهٔ حیدریه۱۳۳۹».

برلنگهٔ چپ آن عبارات زیر خوانده می‌شود :

« بانی این درگاه محمد ولد حاجی محمدعلی من طایفهٔ حیدریه » .

درشمال امامزاده، مسجدکوچکی به درازی ۶۸۰ و پهنای۳۰۰سانتیمتراست .

بقعهٔ جمشیدکیا سلطان در هسّل‌او[1] و بقعهٔ شاهـزاده ابوالقاسم در شاه دارسن[2] نایه (ناحیه) هر یك دارای اطاقی و ایوانی است و آثار تاریخی درآنها دیده نشد .

امامزاده امان‌الله‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام دردهکدهٔ پیجده[3] ازدهکده‌های اوزرودنور

بنای اصلی بقعه هشت ترك ومصالح آن سنگ وگچ است . (عکس شمارهٔ ۹۵) قطر دیوارهای بنا ۱۲۰ سانتیمتر است که خود نشانی برقدمت بناست. بـام آن کلاه درویشی و سفیـدکاری بوده‌است در سال ۱۳۴۰ شمسی آقای حسن نـورمحمدی پسر رجبعلی آن را حلب‌پوش‌کرده است . در شرق بنای بقعه ایوانی است که قبورچندتن درآن بود و تاریخ سنگهای قبور ایشان مقدم برسال ۱۳۰۰ قمری نبود. ازاین‌ایوان به‌کفش‌کن امامزاده وارد می‌شوند و از کفش‌کن با گذشتن از دری کـوچك و ظریف به حرم امامزاده می‌رسند. روی این درظریف را رنگ سبز زده وظرایف هنری‌آن‌را پوشانده بودند .

ضریحی مشبك در میان فضای مربع شکل در زیر گنبد عرقچینی داخلی قرار دارد که مرقد امامزاده را پوشانده است .

۱ــ بفتح هاء و تشدید سین . ۲ ــ بکسر سین . ۳ ــ پیج از خاندانهای قدیمی ساکن نورند .

امامزاده جعفربن امام علی‌النقی علیه‌السلام
دردهکدهٔ انگرود[1] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك باگنبدی کـلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۹۶) که از سنگ و گچ ساخته‌اند و داخل وخارج آن را سفیدکاری کرده‌اند . داخل بنا چهارگوشه است و گنبد مدور عرقچینی دارد . در هر یك از ترکها از داخل وخارج طاقنمایی بنا شده است .

جلودرورودی بقعه مسجدی به‌درازای ۲۰ر۱۰ و پهنای ۱۰ر۳ متر بناکرده‌اند. چهار طـاق گنبدی شکل توسری خورده، بام مسجد را تشکیل می‌دهند . در انتهای مسجد، کفش‌کن کوچکی است‌که در دولختی ورودی بقعه درآن باز می‌شود . این‌در به بلندی ۱۵۰ و پهنای ۷۰ سانتیمتر است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۹۷) . این عبارات برلنگهٔ سمت راست آن حك شده است :

برقسمت بالا :

« فرمایندهٔ هذاالباب مزار مبارك‌کیا جعفرسلطان ».

برقسمت پایین :

« عمل خشنام‌بن علادین[2] لواسانی ».

عباراتی‌که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

برقسمت بالا :

«کمال‌ابن سیاوش بازیار المعروف بانگروج[3] ».

برقسمت پایین :

---

۱ ـ بفتح الف و سکون نون وکسر گاف . ۲ ـ منظور علاءالدین است .

۳ ـ انگروج (بفتح‌الف وسکون نون) وانگریج منسوب‌به دهکدهٔ انگرود راگویند.

« فی تاریخ ماه مبارك شعبان سنة ثلاث و ثلاثین[1] و تسعمایه » .

صندوقی از چوب گـردو در میان بنای اصلی بقعه مرقد امامزاده را پـوشانده است . درازای آن ۱۶۰ و پهنـای آن ۸۰ سانتیمتر است . بر بدنه‌های ایـن صندوق کنده‌کاری بسیار ظریف است . برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آن این آیات باخط خوش نسخ حك شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انافتحنالك فتحاً مبیناً ـ تا ـ هوالذی انزل» .

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی :

« السکینة فی‌قلوب ـ تا ـ کان‌الله علیماً حکیماً ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی :

«لیدخل‌المؤمنین والمؤمنات ـ تا ـ ظن‌السوء علیهم دائرة ».

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« السوء و غضب‌الله ـ تا ـ کان‌الله عزیزاً حکیماً ».

بربدنهٔ جنوبی صندوق این عبارات حك شده است :

« عمل علاءدین‌ابن محمدبن حسن لواسانی

عمل خشنام‌ابن علاءدین‌بن محمود نجّار لواسانی ».

بربدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده می‌شود :

« فرمایندهٔ هذه صندوق حضرت امامزاده احمدبن فریدون اسفار

فی‌تاریخ ماه مبارك ذی‌الحجة سنة اربع ثلاثین وتسعمایه ».

---

۱ ـ « دراصل: ثلاثین .

امامزاده احمد کیا سلطان بن امام موسی الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ خجیر کلا از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی که از سنگ وگچ ساخته و خارج وداخل آن را سفیدکاری کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۹۸) . بنا ازداخل چهارگوشه است که با جمع کردن کنجها ، گنبدی عرقچینی برچهار دیوار زده‌اند . مسجدی جلو در ورودی بقعه است . ابتدا بـه مسجد و سپس به حرم بقعه وارد می‌شوند بـالای در ورودی مسجد شاخ بزکوهی بزرگی نصب شده است . در ورودی بقعه و صندوق مزار آن کنده‌کاری ساده داشت ، این عبارات برصندوق بقعه حك شده است :

« عمل استاد اسفندیاربن کیا فلك‌الدین کلوت[1] درشهر محرم » .

در دهکدهٔ خجیر کلا ، بقعهٔ سادهٔ دیگری به نام « درویش محمد » نیزهست .

گور کیا داودبن کیا جمال‌الدین ویلك
در دهکدهٔ یوش[2] از دهکده‌های اوز رود نور

دردامنهٔ کوهی که مسلط بر دهکدهٔ یوش است، گورستانی قدیمی است کـه از قدیمترین ایام مردگان این دهکده را در آنجا بـه خاك سپرده‌اند . بـر بالای زمین بلندی در این گورستان گورکیا داود دربنایی چهارگوشه به ابعاد چهار متر قراردارد (عکس شمارهٔ ۹۹) . بام این مرقد هرمی مربع‌القاعده بوده که قسمتی از آن فروریخته است یـا گنج‌گیران طماع خراب کرده‌اند. داخل گور این مـرد را کنده بـودند و

۱ ـ بضم کاف و لام از خاندانهای قدیمی ساکن کوهستان مازندران . تمام ساکنان اسپودرگا (آسیاب درگاه) لورا نزدیك گچسر نیزاز خاندان کلوت‌اند . ۲ـ یوش : ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل ، هفت کیلومتری غرب بلـده و چهل و دو کیلومتری شرق شوسهٔ چالوس درحدود کندوان (فرهنگ جغرافیایی‌ایران،ج ۳) .

جمجمه واستخوان لگن‌خاصرهٔ اوراازتابوتی‌که باآن‌تابوت به خاك سپرده شده بود، بیرون کشیده بودند . کتیبه‌ای از سنگ مرمر بالای در ورودی این بنا است که این کلمات برآن خوانده می‌شود :

« الواصل الی‌رحمةالله تعالی

المغفور کیا داود[1] بن‌کیا جمال‌الدین ویلك

علا . . . . تاریخ . . . . . نمائه » (عکس‌شمارهٔ ۱۰۰).

طرح خانه‌های قدیمی‌اربابی‌دهکدهٔ یوش وپنجره‌های مشبك‌پرکارآنهاموضوعی است در خـور بررسی و مطالعهٔ بیشتر . مسجد وتکیهٔ این دهکده متعلق بـه دوران قاجاری است . کتیبهٔ زیر در تکیه دیده شد :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

درعهد فیروزمهد اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ممالك‌ایران ناصرالدین شاه قاجارخلدالله سلطانه جناب مؤتمن‌السلطان وکیل‌الملك محمداسمعیل‌ـ خان نـوری حکمران کرمان و بلوچستان دام مجده این تکیه را بنا نمود بتاریخ شهر ذیحجةالحرام سنهٔ هزار و دویست وهشتاد » .

این کتیبه نیز در همین تکیه برسنگ حك شده است :

« یاابا‌عبدالله‌الحسین

حسب‌الفرمایش عالیجاه مقرب‌الخاقان جناب جلالت‌مـآب اجل اکرم اعظم

---

۱ ـ در محل معروف بودکـه کیاداوود سه برادر دیگر به نامهای : کیااسفندیار و کیاجمشید وکیا کریم داشته است که گور آنان بردامنهٔ کوهها، مقابل یکدیگر است .

محمداسماعیل‌خان وکیل‌الملک[1] دام اقباله‌العالی این تکیه جناب سیدالشهدا بتاریخ شهر ذی‌حجةالحرام سنهٔ ۱۲۸۰ بکفایت و استحضار عالیجاه عمدة‌الاعاظم آقا محمدکاظم ملقب برئیس‌الذاکرین و بسعی و اهتمام عالیشان محمدابراهیم بیک کرمانی کماشتهٔ معظم‌الیه سمت انجام پذیرفت » .

بقعهٔ سید سعدین بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ یاسل[2] از دهکده‌های اوزرود نور

بنای اصلی بقعه هشت‌ترك باگنبدی کلاه درویشی است (عکس شمارهٔ ۱۰۱)و از داخل چهارگوشه که پس از جمع‌کردن کنجها گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است که به مسجدی به درازای ۶۰۰ و پهنای ۵۳۰ سانتیمتر بازمی‌شود .درازای مسجد تقریباً شرقی‌غربی است.درضلع شمالی مسجد دوطاقنماست که پهنای هر یك به ۲۶۰ سانتیمتر می‌رسد . درضلع جنوبی نیز نظیر این دو طاقنما دیده می‌شود . در یکی ازاین طاقنماها، در ورودی مسجد و در دیگری در ورودی بقعهٔ اصلی است . در ضلع شرقی مسجد نیز دو طاقنماست که پهنای هر یك بالغ بر ۱۵۰ سانتیمتر است . نظیر این دو طاقنما درضلع غربی است ولی در دو طاقنمای‌آن نورگیرهای مشبك چوبین نصب شده است .

---

۱ ــ وکیل‌الملك لقب مرتضی‌قلی‌خان پسرمحمداسماعیل خان نیزبوده است . محمد ــ اسماعیل‌خان سردار و حکمران کرمان و بلوچستان و سیستان پسر مرحوم فتحعلی‌خان کوه‌نور حکمران اردبیل ومشکین وشاهسون است.ازسران وسرشناسان بوش اولاد رستم‌خان را نیز باید نام برد . مرحوم محمدرضا خان و مرحوم حاجی علیرضاخان ومرحوم محمد ــ یوسف بیک‌آقا و مرحومه نوری خانم والدهٔ مرحوم‌آقا میرزا زکی مستوفی خاقان مغفور فتحعلیشاه ومرحوم آقامیرزا نصرالله کلانتر نور ساکن بلدهٔ طیبهٔ نور اولاد مرحوم رستم‌خان طاب‌ثراه بوده‌اند . ۲ــ بفتح سین. ده از دهستان اوزرود بخش نور شهرستان آمل،۷۰ کیلومتری غرب‌بلده و۴۲ کیلومتری شرق راه چالوس (فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج ۳).

در طول مسجد ، در وسط بنـا ، سه پایه چیده‌اند و طاق ضربی چهـار قسمتی مسجد براین پایه‌ها و دیوارهای اطراف متکی است .

در ورودی بقعه دو لنگه و هر لنگه از الواری یك پاره ساخته شده است .

براین دولنگه عبارات زیر حك شده است :

برلنگهٔ سمت راست :

« هذاالباب درویش یوسف.»

برلنگهٔ چپ :

«این درویش موسی یاسلی .»

برلنگهٔ راست :

« عمل استاد محمودابن استاد .»

برلنگهٔ سمت چپ :

« خشنام‌بن محمود لپاسانی .»

صندوقی با کنده‌کاریهای بسیار ظریف ، دروسط بنای اصلی ، مرقد راپوشانده است . این عبارات بر بالای بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« قد وقف عـذا فی هذاالقبرالشریفة المبارکـة التی سمی‌السیادة والهدایة و النقابة من آل طه ویس زبـدة اولاد سیدالمرسلین سید سعـدین قدس‌الله روحه وعلیه [و علی] آبائه‌التحیة والسلام .»

برپایین بدنهٔ شمالی این عبارات با خط بسیار خوش نسخ حك است :

«جناب تقوی شعار ورع‌آثارساعی وبانی این‌قبر بزرگوار درویش‌یعقوب‌بن درویش احمد نیلاً لثواب‌الله تعالی و فوزالحسنات عمل استاد ابرهیم‌بن خوشنام‌نجّارلباسانی تحریرافی‌غرة محرم‌الحرام‌سنة ستةستین وتسعمایه.»

در مسجد بقعهٔ سید سعدین یك جفت کفش چوبی بزرگ است که معروف است کفش سید مزبور است (عکس شمارهٔ ۱۰۲) . لوحه‌ای چوبین که ظاهراً لوحهٔ گور درویش گرشاسب بوده است در این مسجد است و عبارات زیر بر آن حك شده است :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور درویش‌گرشاسب ابن درویش‌محمد سنة تسعة ومائة بعدالف ۱۱۰۹ » (عکس شمارهٔ ۱۰۳) .

برسنگ قبری‌که بردیوار مسجد نصب بود ، عبارات زیر حك شده بود :

« وفات مرحوم مغفور جنت‌مکان کربلائی غلامعلی ولد مرحوم کربلائی ... چهاردهم نوروزماه ۱۳۲۳ . »

سروجنگلی کهنسالی
در درویش‌خاك یاسل

برکناراراضی‌کشت دهکدهٔ یاسل ونزدیك به ساحل رودخانهٔ اصلی میان‌اراضی ریس‌گردن و لاراب سر ، سرو جنگلی کهنسالی است .

امامزاده الیاس‌بن زیدبن امام علی‌النقی علیه‌السلام
در دهکدهٔ بل[1] از دهکده‌های اوزرود نور[2]

بنای سابق هشت ترك بوده وگنبدی‌کلاه درویشی‌داشته است. بنا بر تقریراهالی این بنای قدیمی براثر زلزله شکست برداشته بود. تمام بنا را تاشالوده وبنیاد خراب کرده بودند و عین طرح قدیمی آن بنایی از نوساخته بودند . دیوارهای هشت ترك آن به اتمام رسیده بود وطاق عرقچینی داخلی آن نیز زده شده بود و مشغول ساختن

۱ــ بضم‌باء . ۲ــ دهکدهٔ بل برسامان ناحیهٔ اوزرود و ناحیهٔ میانرود بالای نور است و گاهی جزء میانرود بالا به حساب آمده است .

گنبد کلاه درویشی آن بودند . هیچگونه آثار تاریخی از در و صندوق در آن دیده نشـد .

امامزاده یوسف‌بن یعقوب‌بن محسن‌بن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دهکدهٔ کلیك[1] از دهکده‌های کمرود[2] نور

بنـای اصلی بقعه چهار ضلعی و از سنگ وگچ است (عکس شمارهٔ ۱۰۴) . داخل هر یك از اضلاع از خارج سه طاقنما است . بام بقعه گنبدی عرقچینی است‌که بـالای آن را حلب‌پوش کرده‌اند . وسط گنبد از کف اصلی بنا درحدود پـانزده متر بلندی دارد و ظـاهراً بلندترین بناهای مذهبی کوهستان نور است . ایـن بنا دو در کنده‌کاری دارد . در اولی به مسجد و در دوم بـه حرم باز می‌شود . در اولـی ظاهراً برای این مسجد ساخته نشده است و مـربوط به بنایی شخصی بوده کـه بعدها بعداز خرابی بدینجا منتقل کرده‌اند . دری دو لنگه است کـه برکتیبهٔ بـالای لنگهٔ سمت راست بیت زیر حك شده است :

« ایـن عمارت تـا ابد معمور باد ساحبش بر دشمنان منصور باد »
(عکس شمارهٔ ۱۰۵) .

برکتیبهٔ بالای لنگهٔ سمت چپ کلمات زیرخوانده شده است:

« عمل احمد . . . کار . . . . اثنی . . . . تسعمائه » (عکس‌شمارهٔ ۱۰۶).

در دوم در ورودی بنای اصلی بقعه است‌که دراین مسجد قراردارد بلندی آن از داخل چهـارچوب ۱۵۸ و پهنای دولنگه غیراز چهـارچـوب ۸۵ سانتیمتراست (عکس شمارهٔ ۱۰۷).

۱ــ بضم‌کاف و سکون لام و فتح یاء . ده از دهستان بلده بخش‌نور شهرستان آمل ، چهارکیلومتری جنوب بلده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳) . ۲ــ بضم‌کاف و میم.

این ابیات ازابن‌یمین فریومدی بر آن حك شده بود:

برقسمت بالای لنگهٔ سمت راست :

«بیا زابن‌یمین ای دوست بشنو

مرین شایسته پندرایگان را .»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت‌چپ :

«یکی وسی وپنج است‌آن‌کزآنها

نبایـد بـود غافل مؤمنانـرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت راست:

« زده عشری وزان‌پس منزلی‌چند

اگـر ممکن بود ببریدن آنرا .»

برقسمت وسط لنگهٔ سمت‌چپ :

« بدین‌مفزای چیزی هم‌مکن‌کم

منت ضامن بهشت جاودانـرا .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست :

«عمل حبیب‌ابن‌المرحوم حسن‌کمری .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ :

« فی‌سلخ رمضان‌المبارك سنة تسعمایه.»

در وردی‌کفش‌کن یا مسجد و در ورودی اصلی بقعه رو به‌شمال نصب‌شده‌اند . برپشت زیارتنامهٔ‌بزرگی‌که درحرم امامزاده است ، نویسنده برای‌اثبات نسب‌امامزاده یوسف به‌کتاب ساختگی «بحرالانساب» تألیف ابومخنف‌ابن لـوط‌بن یحیی خزاعی استنادکرده است . تصنیف این کتاب را به امام حسن عسکری علیه‌السلام هم نسبت

داده‌اند ومترجم آن‌را از زبان عربی به زبان فارسی سیدمرتضی علم‌الهدی رضی‌الله‌عنه دانسته‌اند. درغرب مسجد بقعهٔ امامزاده یوسف، انبار و اطاقهای دیگری نیزساخته‌اند.

گورستان خانوادگی سلاطین استندار

بردامن تپه‌ای به‌نام گورستان در دهکدهٔ کمر[1] ازدهکده‌های کمررودنور

مرکز ملوك استندار را نباید تنها قلعهٔ بلدهٔ نور یا قلاع کجور دانست زیرا ملك‌اسکندربن ملك‌بیستون و فرزندان او در همین دهکدهٔ کمر زندگی می‌کرده‌اند. سید ظهیرالدین مرعشی می‌نویسد:

« در جمادی‌الاخر سال ۸۶۰ به قریهٔ کمر به خانهٔ فرزندان ملك‌اسکندربن ملك بیستون‌که برادر ملك‌کیومرث مرحوم بود، نزول‌واقع شد... تا روز جمعه‌که هفتم رجب وسلخ مردادماه‌قدیم بود، آنجا به‌جهت بعضی‌امورکلیه اقامت رفت.»[2]

اگر ملك اسکندر و فرزندان اودر دهکدهٔ کمر زندگی می‌کرده‌اند عادةً باید مرقد ایشان را در همین دهکده جست . گذشته از این چون درهٔ کمررود درهای منفرد و جداگانه و برکنار است و ازمسیر راههای عمدهٔ نور دور افتاده است ، قاعدةً باید اجساد سایرافراد این خاندان را نیزدر اینجا به خاك سپرده باشند. دیگراینکه درسایر گورستانهای بخش کوهستانی نور که از نظر نگارنده گذشته است ، بناهایی استوار وپایدار برای مقابر وگورها نساخته‌اند. پس این‌مقابر باید متعلق به خاندانی معتبر و سرشناس باشد . اینك به شرح این گورستان می‌پردازیم .

۱ـ کمر(بضم کاف و میم)، ده مرکز دهستان کمررود بخش‌نور شهرستان آمل ، ۱۰ کیلومتری جنوب بلده(فرهنگ‌جغرافیایی ایران، ج۳) .

۲ـ تاریخ گیلان ودیلمستان چاپ نگارنده ، ص ۲۸۱ .

در مغرب آبادی کمر ، سمت چپ رودخانهٔ کمررود ، بسر دامنه و سرتپه‌های زرد رنگ خاکی، گورستانی قدیمی عمومی است‌که تا امروز اجساد مردگان دهکده کمر را در آنجا به خاك می‌سپارند. امتداد این رشته تپه تقریباً شمالی جنوبی است. آثار بناهای چهارگوشهٔ متعدد برسرگورهای این گورستان است و بنایی هشت ضلعی عظیم و جسیم نیز در منتهی‌الیه جهت شمالی تپه است . اینك شرح این بناها :

آسیاب دهکدهٔ کمر در کنار رودخانه و دامنهٔ شرقی تپه گـورستان است . در شمال آسیاب پلی چوبین برروی رودخانه زده‌اند از این پل و نهری‌که در امتداد تپه است بگذریم به اراضی گورستان می‌رسیم .

مقبرهٔ شمارهٔ یك: بنایی بوده است هشت ضلعی که درازای هرضلع آن ۲۲۵ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۱۰۸) . داخل هر یك ازاضلاع طاقنمایی بوده است‌که پهنای آنها به ۸۰ سانتیمتر می‌رسیده است . این بنا از داخل چهارگوشه است وگور یا گورهای داخل آن را براثر کندوکاو زیرورو کرده بودند .

مقبرهٔ شمارهٔ دو : که درست در غرب مقبرهٔ شماره یـك است بنایی عظیم و هشت ضلعی است (عکس شمارهٔ ۱۰۹) . پهنای هر یك از ترکهای هشتگانه ۳۲۰ و قطر دیوار بنا ۱۲۰ سانتیمتر است . طاقنمایی برجدار خارجی هر یك از تـرکهاست کـه پهنای آن ۱۵۰ سانتیمتر است . بـر هر یك از جدارهای داخلی ترکهـا چهار طاقنماست وپهنای هر یك ۹۵ سانتیمتر است . طاق طاقنماهای زیرین جناقی (عکس شمارهٔ ۱۱۰) و طاق طاقنماهـای بالایین به سه مثلث از سه جانب ختم می‌شود کـه شباهت زیادی به نیم‌گنبد کلاه درویشی دارد (عکس شمارهٔ ۱۱۱) .

در ورودی بنا شرقی است. بلندی آن ۲۲۰ و پهنایش ۹۰ سانتیمتر است . این بنا گنبدی عرقچینی داشته‌که امروز خراب شده است یاخراب‌کرده‌اند . بلندی دیوار

موجود آن بالغ بر ۷۰۰سانتیمتر تمام است .

مقبرهٔ شمارهٔ سه: در جنوب مقبره شمارهٔ دو است. بنایی است به ابعاد ۲۰۰ در صدو هفتاد و پنج سانتیمتر . در قسمت بالای هر یك از اضلاع طاقچه‌مانندی ساخته‌اند . شاید کتیبهٔ بنا در طاقچهٔ بالای در ورودی بوده است . آثار گچی که بر دیوارهای این طاقچه مالیده‌اند دلالت برمحل نصب کتیبه می‌کند .

مقبرهٔ شماره چهار: درجنوب مقبرهٔ شمارهٔ سه و بر بالای بلندی ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۱۲) .ابعاد آن ۱۸۰ × ۱۲۵ سانتیمتر است و در حدود یك مترونیم ازدیوار آن برجای است . درجنوب این مقبره آثار پنج مقبرهٔ چهارگوشهٔ دیگر دیده می‌شود. سه مقبرهٔ آنها بالاتر و در امتداد یکدیگرند و دو مقبرهٔ آن پایین‌تر و پهلوی یکدیگر بنا شده‌اند .

مقبرهٔ شمارهٔ پنج: نزدیك مقبرهٔ شمارهٔ چهار و در انخفاض درهٔ کم عمق دامنهٔ تپه است . مجموع مقابر شمارهٔ پنج بالغ بر نه ساختمان چهارگوشه است که دوتای آنها بزرگتر بوده است . بنیاد و شالودهٔ این مقابر برقرار است .

مقبرهٔ شمارهٔ شش : بر بازوی جنوبی تپه قرار دارد وشامل سه بنای اصلی بوده است که فعلاً دو بنای آنها خراب شده و درحدود بیست سانتیمتر از دیوارآنها برجای مانده است . مشخصات دیگری که برجای مانده بدین شرح است :

بنایی است از سنگ وگچ به ابعاد ۳۳۰ سانتیمتر (عکس شمارهٔ ۱۱۳) . در ورودی آن شرقی است . بلندی درگاه ۲۳۰ و پهنای آن ۷۰ و قطر دیوار بنا ۵۷ سانتیمتر است . در بالای درگاه طاقچه‌مانندی است که ظاهراً جای کتیبه بوده (عکس شمارهٔ ۱۱۴) . و چنانکه اهالی می‌گفتند مردی یهودی بتازگی سنگ‌کتیبه را که مرمر بوده خریداری کرده و برده است . بر بالای این طاقچه‌ای‌که ظاهراً محل کتیبه بوده است و زیر لبهٔ دیوار که به بام منتهی می‌شود ، دو مقرنس کشکولی است

که داخل آن را رنگ سرخ زده‌اند . طرف چپ این دو مقرنس ، چهار مقرنس کشکولی سفید رنگ و پس‌از آنها دو مقرنس قرمز و پس‌از اینها ، چهار مقرنس سفید رنگ است. برطرف راست دو مقرنس‌کشکولی بالای‌کتیبه ، سه مقرنس‌سفید و بعداً دو مقرنس قرمز و پس از آنها با مقرنس نبشی چهار مقرنس سفید رنگ است . مجموع مقرنسهای بدنهٔ شرقی بادو نبشی بیست ویك عدد است (عکس شمارهٔ ۱۱۵). در بدنهٔ غربی نیز نظیر این مقرنسهای کشکولی دیده می‌شود . بردو بدنهٔ شمالی و جنوبی بیست عدد قرنیس بارنگهای سفید و سرخ است .

درداخل بنا در وسط هر ضلع طاقچه‌مانندی به بلندی ۱۸۴ وپهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج بنا را باچهار گوشوار جمع کرده و بدین ترتیب بنای چهارگوشه را به هشت ضلعی تبدیل‌کرده وگنبدی مدور برآن زده‌اند . بالای هرکنج هشت ضلعی ، سنگی تیزونوك‌دار تعبیه شده است که به شکل مثلث متساوی‌الاضلاع نموده می‌شود. سفیدکاری داخل بنا گچ غربالی‌است‌که با دست به دیوارها مالیده‌اند.

چوبهایی داخل بنا در امتداد کف طاقچه‌ها به دیوارها دیده می‌شود . طرف جنوبی وشمالی بنا ، انتهای سه تیر از هر طرف بیرون است که نشان می‌دهد بنا از داخل کلاف بندی داشته است .

بام بنا دوپوش است و بالای گنبد مدور عرقچینی ، بامی به شکل هرم مربع‌القاعده ساخته‌اند .

مقبرهٔشماره‌هفت : پایین‌تراز سه مقبرهٔ شمارهٔ شش بنا شده است. تعداد این مقابر که بالغ بر نه عدد است پهلوی یکدیگرند و همهٔ آنها مربع شکل‌اند که فعلاً بنیاد و شالودهٔ آنها برقرار است و بنای آنها را یکسره از میان برده‌اند .

مجموعاً دراین گورستان قدیمی سه مقبره بر پا و نسبةً سالم است وپنجاه ونه بنای دیگر را خراب کرده‌اند . آثار دیوارهای بیست و سی سانتیمتری از بعضی بر

جای است و از تعداد بیشتری فقط پی‌وبنیاد باقی مانده است .

نوح امام
در شمال آبادی کمر دامنهٔ کوه

بنایی است ساده با دو ایوان در دوطرف شرق وغرب. در ورودی بنا در ایوان شرقی باز می‌شود . نورگیری مشبك ازگچ ، بر دیوار جنوبی بنا نصب بود که ظرافتی داشت .

در جورمحلهٔ کمر بنایی ساده به‌نام «شاهزاده جلال‌کیا سلطان‌محمد» است که آثار تاریخی قابل‌ذکر درآن دیده نشد.

درویش‌محمد
در دهکدهٔ بردین[1] (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است ساده از سنگ وگل و بامی‌گل‌اندود . ایوانی در مشرق و مسجدی کوچك درشمال این بناست.

امامزاده محمدبن‌امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در شیخ محلهٔ بردین (بردون) ازدهکده‌های کمررود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۱۱۶). فضای داخل امامزاده چهارگوشه است . کنجها را با چهارگوشوارجمع‌کرده و فضای مربع‌شکل‌را هشت‌ضلعی‌کرده وگنبدی عرقچینی از داخل‌برآن زده‌اند . در ورودی بقعه درمسجد کوچك باز می‌شود. دو فیلپا در درازی مسجداست و دوطاق‌ضربی مسجدکه‌ازسنگ و

۱ــ بشم باء و سکون راء .

گچ ساخته‌اند بر فیلپاها و دیوارهای اطراف متکی است. تکیه‌ای در شمال امامزاده است . ابیاتی ازهفت‌بند محتشم‌کاشانی بربالای دیوارهای تکیه نوشته‌اند. تاریخ‌بنای تکیه سال ۱۲۸۷ قمری است. در تکیه سنگ قبری ازمرمر سفید با خطی خوش‌دیده شدکه این عبارات برآن حك شده بود :

«هوالباقی

تاریخ بیستو چهارم شهر محرم‌الحرام هزاروسیدوسی وهشت۱۳۳۸ آقاشیخ حبیب‌الله‌بن مرحوم شیخ‌سعدی‌بن شیخ‌فغان‌بن شیخ‌قربان‌بن شیخ‌زال خطیب نوری طاب‌ثراهم داعی حق‌را درقریهٔ بردون بلبیك اجابت نموده و بجنان جاوید خرامید .»

آقاشیخ عبدالرحیم خطیبی‌نوری اظهار می‌کردکه این سنگ قبر متعلق‌بمرقد پدر اوست .

سنگ سیاهی بدین شرح در همین تکیه دیده شد :

«الملك‌لله واحدالقهار

وفات‌المرحومه نسابنت نادعلی یوم یکشنبه چهارم تیرماه‌قدیم ۱۲۴۰. »

دور سنگ صلوات بردوازده امام است .

امامزاده ابراهیم
در زیارسر[1] پایین دهکدهٔ بتیرکلا[2] از دهکده‌های کمرود نور

بنایی است هشت‌ترك با بامی‌کلاه درویشی . داخـل بنا چهارگـوشه و گنبدی عرقچینی دارد . صندوقی چوبین در وسط بناست‌که مرقد امامزاده ابراهیم‌راپوشانده است . در ورودی بقعه درکفش‌کن باز می‌شود . در این کفش‌کن نیزصندوقـی است که معروف است مرقد خواهر امامزاده ابراهیم است .

در بالا محلهٔ بتیرکلا بنایی ساده معروف به امامزاده حاجی است .

امامزاده سپه‌سالاربن برهان‌بن محمدبن حسین‌بن
امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ سراس[3] (سراسب) از دهکده‌های کمرود نور

بنای اصلی بقعه از خارج شش ترك است (عکس شمارهٔ ۱۱۷) . کفش‌کـن و مسجدی متصل به امـامزاده در سمت شمالی‌آن است . در ورودی بقعه در مسجد باز می‌شود . فضای داخـل بقعه مدور و گنبدی عرقچینی براین فضای مدور زده بودند .

صندوقی تخته‌ای ساده مـرقد امامزاده را پوشانده بود . این عبارات بـر بدنهٔ شمالی آن حك شده بود :

« هذه‌الصندوق امامزاده انوشروان‌ابن امام موسی کاظم علیه‌السلام وقف‌کرد صندو [ق] را گنه‌آقا داخوه شمسالدین‌ابن سیشابا خلف سیشبا (؟) »

بردو طرف این کتیبه با مرکب عبارات زیر نوشته شده بود :

۱ـ بکسر راء و فتح سین . ۲ـ بفتح باء وکاف . فرهنگ جغرافیـایی ایران نام این دهکده را به غلط بطاهر کلا نوشته‌است. این دهکده را اهالی وهمسایگان بیشتر بتیر (بفتح باء و کسر تاء) می‌خوانند . ۳ـ بفتح سین، به معنی سراسیاب است .

« عمل استادعـز[ا]لدین‌ابن یوسف نجّارلباسانی فی‌ماه ربیع‌الثانی سنة خمسة وسبعین و تسعمائه . »

مقبره‌ای قدیمی
در اراضی گل‌بخشان[1] دهکدهٔ سراس از دهکده‌های کمرود نور

بنایی است چهارگوشه کـه از سنگ وگچ ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۱۸) . بـامی هرم مربع‌القاعده داشته که بیشتر آن فروریخته و خراب شده است . در محل تلاقی بام با دیوارها ،قرنیسهای‌کشکولی ازگچ غربالی ساخته‌اند. تعداد آنها بردیوار جلووعقب بنا با درنظرگرفتن‌قرنیسهای نبشی،هریك پانزده عدد وقرنیسهای‌دیوارهای طرفین ، هر یك چهارده عدد است . ابعاد بنا ۳۷۵ و بلندی دیوارآن تا زیر قرنیسها ۱۹۰ سانتیمتر است . در ورودی بنـا شرقی‌است، بلندی آن ۱۵۰ و پهنـای آن ۸۰ سانتیمتر است . داخل بنا نیـز چهارگوشه است و کنجها را با چهار گـوشوار جمع کرده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . بر سه جدار دیوار داخلی ، غیرازدیواری‌که درورودی درآن تعبیه شده است، سه طاقچه به بلندی وپهنای ۵۰ سانتیمترساخته‌اند. قسمت اعظم دیوار شمالی را خراب کرده بودند و کف بنا و گور صاحب قبر به قصد گنج‌گیری زیرورو شده بود .

مقبره‌ای دیگر
در اراضی گل‌بخشان سراس

بنایی است چهارگوشه به ابعاد ۴۵۰ سانتیمتر از سنگ وگـچ (عکس شمارهٔ ۱۱۹) . پهنای در ورودی ۷۸ سانتیمتر و بلندی دیوارهای باقیمانده دو متر است .

۱ــ بضم گاف و فتح باء .

امامزاده محمدبن مطهربن مهدی‌بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام
در دهکدهٔ مرج [1] از دهکده‌های یالورود نور

مرج دهکده‌ای تازه‌آباد است و قدمت زیاد ندارد . چنانکه اهالی می‌گفتند سابقاً اراضی‌آن مرتع بوده است .[2] امامزادهٔ معتبر این آبادی امامزاده محمد است که بنایی‌است هشت ترك با بامی کلاه درویشی (عکس شمارهٔ ۱۲۰) . فضای داخلی مدور وسقف‌آن‌گنبدی عرقچینی است .کفش‌کن ساده‌ای درجلو در ورودی بقعه‌است.

امامزاده حسن‌بن مطهربن مهدی‌بن امام زین‌العابدین
در دهکدهٔ مرج از دهکده‌های یالورود نور

بنایی است هشت‌ترك با گنبدی کلاه فرنگی مانند . مصالح ساختمانی بنا سنگ وگچ سرندی است و از داخل و خارج سفیدکاری شده است . کفش‌کنی درجلو در ورودی با همین مصالح ساخته و سقف آن‌گنبدی توسری خورده است.سنگ قبری سیاه رنگ درکفش‌کن بود که تاریخ ۱۲۰۲ برآن حك بود .

بنایی‌ساده به نام حاجی درویش محمد نیزدردهکدهٔ مرج بودکه جنبهٔ تاریخی نداشت . قدمگاهی در شمال آبادی به نام «آقا شاسپول» بود. درخت ریس [3] کهنسالی به نام « آقاریس » بربالای کوه گچی مقابل آبادی است که آن را متبرك می‌دانند .

مسجد جامع
دردهکدهٔ یالی (یالو) از دهکده‌های یالورود نور

مسجدی‌است‌بزرگ‌که شش فیلپای مربع به ابعاد ۱۱۸ سانتیمتر در درازای بنا

۱ــ بفتح میم وسکون راء . ۲ــ ظاهراً کلمهٔ « مرج » عربی از این لغت‌گرفته شده است . ۳ــ ریس نوعی سروجنگلی است .

در وسط ساخته شده است. فاصلهٔ میان فیلپاها ۲۳۰ سانتیمتر است . محرابی گچکاری داردکه سورهٔ مبارکهٔ نـور اطراف آن گچبری شده است و بـر یکی از فیلپاها نیـز بسمله، باخط ثلث جلی گچبری شده بود. درطرفین محراب دوپنجره است ودرورودی مسجد درکنار یکـی از طاقنماهای جنوبی است . در سال ۱۲۳۰ این مسجد تعمیر و مرمت شده است. سقف قسمتی از بنای مسجدضربی، و بالای هردو فیلپا و دیوارپهلو، سقفی گنبدی زدهاند .

امامزاده صالح و محسن و حسین
در تکیهٔ دهکدهٔ یالو از دهکدههای یالورود نور

بنای تکیهٔ یالو نسبةً قدیمی است . متصل بـه یکی از شاهنشینهایتکیه ، در ورودی امامزاده استکه رو به مشرق گشوده میشود . داخل بنا هشت تـرك و داخل هرترك درگاهی استکه طاق درگاهها را جمع کرده وگنبدی مدور از داخل برفضای داخلـی بقعه زدهاند . بـام بیرونی کلاه درویشی است و بـدنهٔ آن هشت تـرك است (عکس شمارهٔ ۱۲۱) .

سقاخانهٔ مشبك چوبینیکار کربلائیحمزهٔ سراسبیکه ظرافت زیاد دارد دراین تکیه است . ایـن سقاخانه در دوران منتخب سلطان از چـوب سور (سروجنگلی) ساخته شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۲) .

علم تکیه نظیر علمهاییاستکه در تهران دیده میشود و شباهتی بـه علمهای گیلان نداشت (عکس شمارهٔ ۱۲۳) .

کاروانسرایی قدیمی
در دهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور

دهکدهٔ یالو از قدیمترین ایام برسر راه چارواداری نور بوده است.از تهران، معمولاً ازکاروانسراهای پامنارکه حرکت می‌کردند،شب‌اول رادرافجه می‌گذراندندو روز بعد پس‌از گذشتن از افجه‌بشم و دشت لار و بستك وگردنهٔ کهو (کبود) به دهکدهٔ یالو که نخستین دهکدهٔ کوهستانی نور است می‌رسیدند . یالو بارانداز وشب منزل بود و به همین سبب کاروانسراهای متعدد داشت . از آنهاست کاروانسرایی از سنگ و گچ که بنای آن بیشتر زیرزمین است و بام آن بیش‌از یك متر ونیم ازسطح زمین بلندی ندارد . این کاروانسرا به باره‌بند زمستانی بیشتر شباهت دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۴) .

بنایی قدیمی
در دو آب دهکدهٔ یالو

برسردوآبی که‌دردهکدهٔ یالواست‌بنایی‌هشت‌ترك‌بابامی‌کلاه‌درویشی ازسنگ و گچ بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۲۵) . ایـن بنا از داخل نیز هشت ترك است و با گوشوارهایی‌که در کنجها زده‌اند ، بدنهٔ داخلی را به شکل دایره درآورده و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . میان این گنبد سوراخی است . فاصلهٔ کف بنا تا این‌سوراخ ۴۷۰ سانتیمتر است. در اضلاع هشتگانه از خارج طاقنماهایی به پهنای ۸۵سانتیمتر ساخته‌اند . دو نورگیر کوچك در دو ضلع جنوبی و غربی بر بـالای ترکهاست . در جدار تـرکهای داخلی‌نیز طاقنماهایی نظیر جدار خارجی است . پهنای هـر یك از ترکهای بیرونی ۱۸۰ سانتیمتر است . آبروها یا قرنیس‌های کشکولی مانند بر بالای

ترکها در محل اتصال بام ساخته‌اند. رنگ داخل پاره‌ای از آنها تا امروز سرخ بود. بنا از داخل سفیدکاری با گچ غربالی است که با دست مالیده‌اند. بنا برگفتهٔ آقای کریم صدیق بهزادی این بنا مرقد کاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون است و کتیبه‌ای داشته که این کلمات برآن حک بوده است :

« کیکاوس‌بن کیومرث‌بن بیستون شیعه و محب حضرت علی‌بن ابی‌طالب . »

امامزاده
دردهکدهٔ ورزن[1] ازدهکده‌های یالورود نور

بنایی است مدور از سنگ و گچ با گنبدی مخروطی (عکس شمارهٔ ۱۲۶) . در ورودی ساده و تخته‌ای است و صندوقی تخته‌ای ساده مرقد را پوشانده است . در دامنهٔ کوه متصل به این بقعه گورستان و آثار دهکده‌ای قدیمی است . نزدیک به اراضی « لاراب‌سر » در دهکدهٔ ورزن گورستانی است‌که مردگان را با تابوت به‌خاک سپرده‌اند .

امامزاده محمد وامامزاده ابراهیم پسران امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ هتر[2] از دهکده‌های یالورود نور

بنای اصلی بقعه شش ترک است و بامی‌کلاه درویشی شش ترک کوتاه دارد (عکس شمارهٔ ۱۲۷) . این بنا درکنار یکی از شاه‌نشینهای تکیهٔ دهکده است . ازاین شاه‌نشین دری‌کوچك به‌کفش‌کن بقعه باز می‌شود. بلندی این در ۱۲۰ و پهنای آن ۷۰ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ ۱۲۸).این عبارات برآن حك شده است :

برلنگهٔ راست: برلنگهٔ چپ:

«صاحبه و مالکه نجم‌الدین» « بن‌ابرهیم‌درزی سنة عشرین‌تسعمائه.»

۱ـ بفتح واو و سکون راء و فتح زاء . ۲ـ بفتح هاء و تاء .

ازکفش‌کن نیز دری به بقعه دارد . این در دولنگه و هر لنگه از الواری یك پارچه ساخته شده‌است. بلندی آن ۱۴۰ و پهنای آن ۷۳ سانتیمتر است. برهردولنگه گل و بوته‌های ظریف کنده‌کاری شده و از ظرایف هنری بخش نور به شمار می‌رود. این عبارات برآن حك شده بود :

برلنگهٔ سمت راست :

« امر باتمام هذه‌العماره

کیاذل‌ابن کیاشمس‌الدین آرویج

عمل استاد خوشه‌نام

ابن استاد علادین لباسانی.»

برلنگهٔ سمت چپ :

« متولی آستانه مولانا سلیمان

ابن مولانا مهدی غفرذنوبه

فی‌تاریخ غرهٔ ذی‌قعده

سنة تسع ثلثین و تسعمائه .»

داخل بناچهارگوشه است که چهارکنج را با چهارگوشوار جمع‌کرده وگنبدی مدور بر فضای داخلی زده‌اند .

براثر بادی‌که در خرداد مـاه ۱۳۴۶ وزیده بود ، قبهٔ مسین گنبد افتـاده بود (عکس شمارهٔ ۱۲۹) ، این عبارات با خطی بد بر آن حك شده بود :

« عمل استاد علادین رودگر تاریخ رجب سنة ست عشرین تسعمائه .»

امامزادهٔ دیگری در داغ‌محلهٔ هتر است که شامل اطاقی ساده و ایوانی درجلو آنست .

باقی بناها و آثار تاریخی یالورود

۱ـ بر بالای کوه‌کهو (کبود) که آبریز جنوبی آن بـه طرف لار و آبـریز شمالی آن جزء مازندران است ،آثار دیواری بسیار قدیمی است که به نام « سدرستم» یا « سد نوشیروان » معروف است . می‌گویند ایـن دیوار را از سنگ و سرب ساخته بوده‌اند و پهنای آن به اندازه‌ای بوده که یك گاری می‌توانسته بر بالای آن حـرکت کند. این دیوار به دیوار مازیاری نیزمعروف است، ممکن است مازیارآن راتعمیرو مرمت کرده باشد .

۲ـ دو غار درپای کهو (پایین گردنهٔ کبود) طرف مازندران است و ظاهراً از غارهای محل زندگی انسان اولیه است .

۳ـ آبشاری درشرق این غارها است. خط ناصرالدین شاه وصدراعظم بامرکب چاپ برلوحهٔ سنگی نزدیك این آبشار تا چندی پیش خوانده می‌شد .

۴ـ درکـوه پلك در شمال آبادی یـالو ، دخمه مانندی است کـه استخوان فراوان آدمی ، کوزه، سرنیزه، پیکان وآتشدانهای گلی وفلزی درآن یافت شده است .

۵ـ گورستانی درجنوب آبادی یالو میان فتح‌آباد و نظیرباغ است .مردگان‌را در این گورستان راست نشانده‌اند و اطراف آنها را گچ گرفته‌اند.[۱]

بقعهٔ شیخ سلطان احمد

دربلده از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنایی است هشت ترك و بسیار بلند (عکس شمارهٔ ۱۳۰) . پس‌از بنای‌امامزاده یوسف در دهکدهٔ کلیك ، این دومین بنای بلند خاك نور است . پهنای هـر یـك از

۱ـ این اطلاعات را آقای کریم صدیق بهزادی در اختیار نگارنده گذاشتند .

ترکهای داخلی آن ۲۶۵ سانتیمتر است . در جدار ترکهای داخلی دو طاقنما بر روی یکدیگر ساخته‌اند که پهنای آنها ۱۱۸ سانتیمتر است . درطاقنماهای بالایین که در چهار جهت اصلی‌قرار می‌گیرند ، چهار نورگیر مشبك چوبین تعبیه شده است . بـام بنا از خارج کلاه‌درویشی و از داخل گنبدی عرقچینی است . برکمربندگنبد داخلی با مرکب یا رنگ سیاه‌حاشیه‌بندی کرده‌اند . در داخل گنبد درجهت شمال وجنوب، دو نقش شیر و خورشید را با گچ ، برجسته‌کاری کرده‌اند و در جهت شرق و غرب دو نقش شیر است که ماری به کمر و پاهای او پیچیده است . شیرکمر گاو را گـرفته و مارکه سرگاوکوهی دارد،کمر شیر را به دندان گرفته است. دمهای شیرها نیزشباهت به‌گاوکوهی دارند . بالای طاقنمای جنوبی با خط‌کوفی چهارگوشه (کـوفی بنایی) دوبار نام محمد و داخل آن چهار بار نام علی را گچ‌بری بسیار ظریف‌کرده‌اند .

صندوق مرقد در جنوب غربی بنای اصلی است . این نوشته‌ها بـر بدنهٔ شمالی آن حك شده است :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی

بانی وباعث قبرحضرت شیخ احمدنوری آقا ورداسف سراج متولی آستانهٔ شیخ‌حسین وشیخ شریف عمل استادابراهیم و محمود ومظفر فی تاریخ ذوالحجـه سنهٔ ۱۱۰۲ .»

برسمت چپ همین کتیبه :

« البته تمام شد بدست استاد علی گرشاسف ومنوچهر واستاد حسین پوشگر کاردگر .»[1]

بردوسنگ قبری که در حرم بود سنوات ۱۱۴۲ و ۱۲۰۸ خوانده شد .

۱ـ احتمال اینکه این اعلام پس و پیش خوانده شده باشد می‌رود .

مسجد جامع بلدهٔ نور

مسجدی است که دردرازای آن سه فیلپا ساخته وتشکیل چهاردهنه داده‌اند که بر هر قسمت از دهنه‌ها طاقی مدور زده‌اند . متن بنا سنگ و آهك است و روکار را سفیدکاری کرده‌اند . در این مسجد منبری از سنگ سیاه یك‌پارچه است که درازای آن ۱۵۰ و پهنایش ۸۰ سانتیمتر است و دارای پنج پلهٔ اصلی است . عباراتی بر آن نقر شده بوده است که به علت مرمت و روکشی باسیمان ، از میان رفته و بهیچ‌وجه قابل خواندن نیست . بالای سر منبر این عبارات بردیوار نوشته شده بود :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یا اباعبدالله ادرکنی درزمان تولیت عالیجناب فضایل‌مآب شیخ اسمعیل بدستیاری استاد الله‌داد نوائی [۱] به اتمام رسید سنهٔ ۱۲۷۰ .»

بربالای محراب کتیبهٔ زیر بارنگ سیاه نوشته شده بود :

« تصدی شیخ جمال‌الدین سلطان احمدی وبدستیاری استاد یحیی سلطان احمدی و استاد علی‌اصغر گرجی اتمام یافت شهر رمضان ۱۳۷۳ خرداد ماه ۱۳۳۳ .»

فانوس بسیار زیبا از سقف مسجد آویخته است که اضلاع آن از چهار مربع و هشت مثلث تشکیل شده است که طرحی زیبا و عجیب است (عکس شمارهٔ ۱۳۱) . براین مربعها و مثلث‌ها گل و بوته‌های زیبایی ترسیم شده است . برقسمت بالا وپایین فانوس که چهارگوشه است حاشیه‌بندی ظریفی دارد .

نزدیك مسجد جامع سنگ‌قبری سیاه‌رنگ به درازای یك متروپهنای ۳۲ وقطر

۱ــ نوا از دهکده‌های زیبای بالا لاریجان است .

۲۵ سانتیمتر است. برحواشی آن صلوات بر دوازده امام ودر متن ابیات زیر حک شده است :

« ازجور زمانه صد هزاران فریاد و ز پستی چرخ و از فلک صد بیداد
قاهرعلی‌بیک غجر جاوشلو چون گشت ازین دارفنا بی‌بنیاد
دل کز غم او چولالهٔ پرخون شد داغ دگرآورد بر آن داغ نهاد
تاریخ شهر محرم الحرام سنهٔ ۹۷۹ .»

تکیهٔ بالای بلده ومسجد متصل به‌آن

بنایی است چهار ضلعی ساده. بر دیوار مسجدی که در غرب تکیه است کتیبهٔ زیر برسنگی حک شده و نصب‌گردیده است :

« هوالواقف علی‌الضمایر وقف صحیح و شرعی نمودند عالیجاهان مقربی‌الخاقان میرزااسدالله و محمدزکی‌خان خواجه‌نوری[1] یکباب مسجدو مدرسه و تکیه و سقاخانه و دکاکین جدیدالبنای واقعه در بلوک محروسهٔ نور من قهستانات دارالمرز مازندران خفّت بالنصروالامان را و تولیت موقوفات مزبوره رابشرایطی‌که دروقفنامچهٔ جداگانهٔ علیحده مرقوم است بعالیجناب خیرالحاج حاجی عبدالمحمد نوری[2] مفوض داشتند قد اجرت الصیغة الوقفیة فی شهر ذی‌حجةالحرام سنة ۱۲۴۰.»

تکیهٔ مقابل مسجد را حاجی میرزا یحیی‌خان[3] ساخته است . درسال ۱۳۱۸

۱ــ محمد زکی‌خان‌ومیرزااسدالله‌خان ازاقارب مرحوم‌حاجی میرزا یحیی‌خان برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری هستند . ۲ــ حاجی عبدالمحمد نوری پدرزن ناصرالدین شاه است . دختر حاجی به نام‌صفیه سلطان عنبرخانم بود که ناصرالدین‌شاه از قصبهٔ بلده به عقد خود در آورده بود . ۳ــ برادر کوچك میرزا آقاخان صدراعظم نوری است .

شمسی براثر زلزله خراب شد و ساکنان باعزینهٔ خود تجدید بنا و تعمیر و مرمت نموده‌اند .

امامزاده اسمعیل
در محلهٔ بازار قصبهٔ بلدهٔ‌نور

بنای بقعه زیاد جنبهٔ تاریخی نداشت. درورودی دولنگه‌ای داشت‌که هر لنگه یك پارچه بود. نگار اصلی‌کنده‌کاری در،شش ضلعی بودکه از میان ستاره‌ای درآورده بودند . این عبارات برآن حك شده بود :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« ولیکن خداوند بالا و پست .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

« بعصیان در رزق برکس نبست .»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« ای درت کعبهٔ ارباب نجات .»

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« قبلتی و جهك فی‌کل‌صلات .»

خانهٔ میرزا آقاخان صدراعظم نوری
درقصبهٔ بلدهٔ نور

بنایی است ساده بردوطرف‌حیاطی بزرگ، پنجره‌های ارسی بسیار زیبا و پرکار کـه شیشه‌هایی رنگین دارد (عکس شمارهٔ ۱۳۲) . عمارتی‌که در ربیع‌الثـانی سال ۱۲۵۶ قمری ناصرالدین شاه در آن بوده و درکنار آن اردو زده است ، غیراز ایـن بناست . بااینکه زیر عکس‌آلبوم ناصرالدین شاه ، به خط خـود او نوشته شده است

« عمارت اجداد میرزا آقاخان است (عکس شمارهٔ ۱۳۳) »[1] ولی باید گفت که این عمارت را خود میرزا آقاخان ساخته و سایر برادرها که هفت تن بودند درجوار آن ساختمانهایی ساختند . برادر معروفتر حاجی میرزا یحیی‌خان بود. این بناها واراضی اطراف آن پس‌از مرگ اینان به دست دو دختر افتاد . آقایان محلی این دو دختر را به خانهٔ خود راه ندادند و غاصبانه درآنجا نشستند . مرحوم امیر مصدق این محل را به اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر فروخت . شاهنشاه آریامهر اعلان فروش آنجا را دادند . احمدعلی خان بهزادی آنجا را خرید و بناها را یکسره خراب کرد.[2]

قلعهٔ پولاد یا قلعهٔ نور

قلعهٔ پولاد که درکتب تاریخی به نام قلعهٔ نور شناخته می‌شود ، در شمال قصبهٔ بلده، بربالای پوزهٔ کوهی‌که رو به جنوب است، بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۳۴) . دامنهٔ غربی این پوزه به صفرکلا تنگه ودامنهٔ شرقی‌آن به پولادتنگه منتهی می‌شود. دروازهٔ قلعه پایین پوزهٔ کوه ، بالای خانه‌های مسکونی بلده تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۱۳۵) . می‌گفتند تخته پل قلعه از این دروازه تا نزدیك امامزاده اسمعیل می‌رسید . روزها آن‌را می‌انداختند و اول غروب با زنجیرهایی‌که داشت ،به طرف دروازه می‌کشیدند و جمع می‌کردند . بنای قلعه شامل سه قسمت اصلی است و بارویی اطراف آن است (عکس شمارهٔ ۱۳۶) . برجهای متعدد در هر قسمت بارو به چشم می‌خورد (عکسهای شمارهٔ ۱۳۷ و۱۳۸ و۱۳۹ و۱۴۰) . قطر دایرهٔ هر یك‌نسبت به پهنه‌ای که برآن بنا شده مختلف است . بیشتر برجهای اصلی تا امروز باقی‌است و پاره‌ای به بلندی هفت هشت متر می‌رسد .

۱ـ عکس‌شمارهٔ ۱۰۰۵۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران .

۲ـ این‌اطلاعات را آقای خانباباخان سلطانی نوری در اختیار نگارنده گذاشتند .

آب قلعه از چشمهٔ مرتع ملرز با گنگ (تنبوشه) به قلعه سوار می‌شده است و مردم هروقت کنگی بـرای حمام بخواهند ، به قلعه می‌روند و گنگهای قـدیمی را بیرون می‌آورند و به‌کار می‌برند . در صفرکلاتنگه نیز چاه‌آبی بوده کـه بـرسرآن بنایی مستحکم با بامی گنبدی ساخته بودند . پلکانی از قلعه بدین بنا ساخته بودند و در مواقع ضروری ازآب این چاه استفاده می‌کردند . ازصفرکلا تنگه[1] به پولادتنگه دردل سنگ نقبی کنده‌اند . ظاهراً از ارگ قلعه (عکسهای شمارهٔ ۱۴۱ و ۱۴۲)نیز راهی به‌این نقب بوده است ودرمواقع لزوم برای فرارازاین نقب‌استفاده می‌کرده‌اند.

باغ و عمارت ملك کاووس معروف به باغ نو
دربلدهٔ نور

باغ و عمارت ملك کاووس را برادرش ـ ملك اسکندر ـ دوبار ویران کـرد . یك بار دررجب سال ۸۶۰[2] و باردیگر در ذی‌الحجهٔ سال ۸۶۷ . میرظهیرالدین شرح خرابی بار دوم را چنین نوشته است :

«جناب ملکی‌مآبی ملك‌اسکندر با برادرزاده‌ها و اهل ملك خود باغ ملك کاووس که آنجا (بلده) ساخته و به انواع ثمـار آن را آراسته و عمارت مرغـوبه احداث نموده بود مجموع را ویـران ساخت وعمارت را منهـدم گردانید وهیزم بسیار از آن چوبهای عمارات و درختان میوه جمع شد.»[3]

۱ـ از صفرکلاتنگه که بالارفتیم،راهی به‌طرف دست راست به‌گردنهٔ قرق و ورازان و شاه‌ناجـر وشهرکجور می‌رود . دو آب بالاتر ازاین راه به نیتل و دوآب بالای آن به پول کجور راه دارد .

۲ـ تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ، چـاپ نگـارنده ، ص ۲۸۲ .

۳ـ تاریخ گیلان و دیلمستان ، چاپ نگارنده ، ص ۳۰۷ .

چهل‌دختران
در اراضی کشتزار بلده معروف به سراپرده

از آثار قدیمی چهل‌دختران که ظاهراً گورستانی قدیمی بوده است ، سنگ قبری بزرگ وسفیدرنگ با خالهای سیاه برآن دیده شد . درازای این سنگ ۱۳۰و پهنای آن ۸۰ و قطرش ۲۵ سانتیمتر است و نظیرسنگهایی است که درگورستان پیل دیده می‌شود.این کلمات با خطی درشت برآن حك شده بود :

« هذاالقبر المرحوم المغفور » .

باقی به علت فرسودگی و فروریختگی خوانده نشد .

بر سر تپه‌ای دراراضی سراپرده بنایی چهارگوشه از سنگ وگچ بودکه فعلاً خراب شده یا خراب کرده‌اند . درحدود یك متر از چهار دیوار آن برجای است . ابعاد بنا ۲۶۰ و پهنای طاقنماهای داخل اضلاع ۱۲۰ سانتیمتر است . در آن غربی و پهنای آن ۷۵ سانتیمتر است . در طاقنماهای این محل ، روی سفیدکاری ، گچ را با رنگ سرخی مخلوط کرده و ماله‌کشی کرده بودند .

خرابه‌هایی‌ازسنگ وگچ نزدیك همین مقبره‌است که‌به نام حمام معروف‌است.

گنبدی در پولاد تنگه

هنگامی‌که راه این‌تنگه‌را روبه بالا می‌رویم، طرف دست راست، برسرکوهی منفرد ، بنایی است که از خارج هشت ترك و از داخل چهارگوشه است . در ورودی آن شرقی است ودرحدود دومتر ازدیوار غربی برجای است. پهنای هر یك ازاضلاع داخلی۲۸۰ سانتیمتر است. برجدار هر یك ازاضلاع طاقنمایی به پهنای ۷۵سانتیمتر است . داخل طاقنماها را پس‌از سفیدکاری ، مادهٔ قرمز رنگی داخل گچ ریخته و

روکش رنگینی برسفیدکاری کشیده‌اند. برجدارترکهای خارجی نیز طاقنماهایی‌که به پهنای ۸۵ سانتیمتر است دیده می‌شود.

گنبدی در مرتع کلین‌دره [1]

این گنبد برسر راه بلده به ورازان ودر یك سوم راه‌گردنهٔ فرق[2] است . بنایی است هشت تـرك بـا بامی گنبدی عرقچینی از سنگ وگـچ (عکس شمارهٔ ۱۴۳) . پهنای اضلاع داخلی ۱۳۰ سانتیمتر است . بـرجدار هرضلع طاقنمایی بـه پهنای ۸۰ سانتیمتر و بلندی دو متر است . حـاشیهٔ طاقنماها بـاگل اخرا یا رنگ دیگری حاشیه‌کشی شده است. بنا از داخل هشت ترك ودر هر ترك یك طاقنما با طاق جناقی است (عکس شمارهٔ ۱۴۴) .

امامزاده عبدالله بن امام زین‌العابدین علیه‌السلام در دهکدهٔ چل[3] از دهکده‌های میانرود نور

بنای بقعه از داخل و خـارج هشت تـرك است (عکس شمارهٔ ۱۴۵) . سقف داخل، گنبدی عرقچینی و بام آن کلاه درویشی است. کفش‌کن کوچکی‌جلوامامزاده است که در ورودی آن به طرف شمال است . مسجد کوچکی در پهلوی کفش‌کـن و در طرف شرقی آن بنا کرده‌اند . متن بنا از سنگ و گچ است .

سنگی بزرگ و چهارگوشه‌که بالای آن قسمتی اضافی دارد ، نزدیك به بنای بقعه است . این عبارات برآن حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۶) :

۱ـ بضم کـاف وکسر لام و سکون یاء . برای رسیدن به مرتع کلین‌دره از مـراتع ریزه‌بن (بضم بـاء) ، خروش (بفتح خـاء) ، دیودارنو ، رشیدی سره (بفتح سین) ، پری‌انجـم (بفتح پ و الـف و سکون نون و ضم جیم) بـاید عبور کرد . ۲ـ بضم قاف و راء . ۳ـ بکسر چ .

قسمت بالای سنگ :

« فرمودهٔ کدخدا جمشیدکوس .»[1]

در وسط سنگ :

« باتمام رسانید عمارت زرین‌کیا سلطان کدخدا جمشید .»

برحاشیه‌های سمت راست و پایین و سمت چپ :

« ز اهل قبر دردم این ندا درگوش جان آمد

که محنت خانه‌ای داریم اینجا میتوان‌آمد .»

چنانکه نوشتهٔ این سنگ حاکی است، سنگ اتمام بنای زرین‌کیاسلطان‌است که به فرمودهٔ کدخدا جمشیدکوس بنا شده است . چون احتمال می‌رود که این‌سنگ در همین محل بوده و از جایی دیگر بدینجا آورده نشده است ، می‌توان به‌این‌نتیجه رسید که این سنگ اتمام بنای همین امامزاده است که مدفن زرین‌کیاسلطان بوده و امروز امامزاده عبدالله شده است .

از بلده که به دهکدهٔ چـل می‌آمدیم از دهکده‌های زرین‌کمر و کـوس‌محله گذشتیم در کوس‌محله بنای محقری با بام گلی بود کـه بـه نـام امامزاده سام شهرت داشت . مسجدکوچکی متصل به امامزاده بود که قسمت پایین دیوارهای آن سنگ‌و گچ بود و شکل ظاهری بنا قدیمی به نظر می‌رسید .

امامزاده محمودبن امام موسی‌الکاظم علیه‌السلام در دویلات[2] از دهکده‌های میانرود نور

بنایی است ساده با بامی گلی در میان آبادی دویلات. دو درخت ریس‌کهنسال

۱ـ کوس‌محله از دهکده‌های میانرود نور مسکن ومأوای این خاندان قدیمی است .

۲ـ بفتح دال وکسرواو. لات به معنی زمینهای کنار رودخانه است .

در زمینهای گورستان اطراف امامزاده است . جلو در ورودی بقعه کفش‌کنی است که سنگ قبر نسبةً قدیمی در آن بدین شرح دیده شد :

« الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفور الی‌رحمة‌الله درویش زرینکمر ولد مظفر باغبان[1] ومادرزوجهٔ اوپری بنت حسین‌کمانگر تحریرا فی‌شهر ذوالحجه ۱۰۷۸ .»

«الحکم‌لله الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالمبرور الی‌رحمت‌الله تعالی درویش شاهبیگ‌ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ .»

«الحکم‌لله‌الواحدالقهار وفات‌المرحوم المغفورالی‌رحمت‌الله تعالی‌درویش میرزا ابن زرینکمر سنهٔ ۱۱۰۱ .»

قلعهٔ گلپیر[2]

بالای‌کوه گلپیرکه در شمال دهکدهٔ دویلات و در طرف راست رودخانه است، آثار قلعه‌ای کهن باقی مانده است (عکس شمارهٔ ۱۴۷) . این کوه بلند وگنبدی شکل است و سنگهای دامنهٔ آن به شکل پله‌های طبیعی در آمده است . بالای آن چنانکه سید حسین کدخدای دویلات اظهار می‌کرد آثار حمام و برج و بارو است . گورستان کهنه‌ای نیز بربالای کوه ، در اراضی این قلعه است . آب مصرفی ساکنان قلعه از چشمهٔ ایلتا[3] باگنگ (تنبوشه) به قلعه می‌آمده است .

۱ـ باغبان از خاندانهای قدیمی ساکن دردویلات هستند. در دوسنگ دیگری که در گفش‌کن امامزاده بود واطراف‌آن را گچ کشیده بودند و متن سنگ درست خوانده نمی‌شد، کلمهٔ باغبان در هر دو روشن خوانده می‌شد .

۲ ـ بضم گاف وکسر لام .

۳ـ بکسر الف و لام و تشدید سین .

کتیبه‌ای بر سنگ
درمحلی به نام پیت حمام سر

درطرف دست چپ رودخانهٔ دویلات ، کوهی به نام « سرخ‌کمر »[1] است که درست روبروی کوهی است که قلعهٔ گلپیر بر آن بنا شده است . در محلی از این کوه به نام « پیت حمام سر » کتیبه‌ای رو به مشرق بر سنگ به این شرح کنده شده است (عکس شمارهٔ ۱۴۸) :

« خسرو فرهاد قوة آن بذاتش ذونسو[2]
شاه کاوس کیومرث ابن سلطان سسو[3]
هشتصد و هشت و چهل از هجرت صدررسل
کند بتوفیق خدا این‌کوه چوکوه بیسو[4] »

پلی قدیمی
پایین دهکده ولاشد از دهکده‌های میانرود نور

پایین دهکده ولاشد پلی‌که طاق آن از آجر و گچ است بردوکمر بزرگ ساخته‌اند . بالای پل را باسنگ وگچ پوشانده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۴۹) .

امامزاده محمدبن ابی‌بکربن علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام
در دهکدهٔ کلا از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه بنایی است هشت ضلعی با بامی‌کلاه درویشی‌که سوراخهایی‌در جدارهای این بام دیده می‌شود و در یکی از جدارها سوراخی بزرگتر برای ورود به

۱ــ بکسر خاء . ۲ ــ ۳ــ ۴ــ معانی لغات‌قوافی روشن نیست . ملک‌کاوس روز سه‌شنبه چهاردهم شوال سنةاحدی وسبعین وثمانمائه ۸۷۱ فوت‌شد (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالدین ص ۳۱۴) .

فضای میان گنبد زیرین و بالایین ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۱۵۰) . درمحل اتصال ترکهای هشتگانه به بام‌کلاه درویشی فرنیس مانندی است که از مقرنسهای مستطیل شکل ساخته شده است . مقابل در ورودی بقعه یك کفش‌کن یا پیش‌صحنی است . از این کفش‌کن دری به حیاط جلو کفش‌کن باز می‌شود . یك طرف این حیاط تکیه است واطاقهایی برای استراحت زوار دراطراف حیاط‌است. یك کلاه فرنگی‌تابستان‌نشین که ظاهراً تخت تعزیه خوانی است در وسط حیاط است .

داخل بقعه نیز هشت ترك است و در هر ترك یك طاقنما به پهنای ۸۵ سانتیمتر تا زیر طاق ساخته‌اند . پهنای هر یك از اضلاع داخلی ۱۷۰ سانتیمتر است . طاق بقعه بسیار بلند و نظیر طاقهای بقعهٔ شیخ‌سلطان احمد دربلده و امامزاده یوسف در کلیك است . طاق از داخل عرقچینی است و با رنگ ، گل و بوته برآن نقاشی کرده‌اند . دراصلی بقعه به طرف جنوب شرقی باز می‌شود .

بر در ورودی بقعه که در این وقت به سرقت رفته و پس‌از کشمکشهای زیاد پیدا شده بود وبه تهران برده بودند در موزهٔ ایران باستان بدان دسترسی پیدا شد . این در کنده‌کاری نبود و ارزش زیاد نداشت .

این دو بیت برآن حك شده بود :

« من غلام علی عمرانم خاکپای شه خراسانم
پیرو احمدم محمد نام گرچه نجّاری ازلواسانم »

در وسط بنای اصلی ، صندوقی چوبین مرقد امامزاده را پوشانده است . این صندوق را از نظر ظرافت و پرکاری باید یکی از شاهکارهای هنری ایران دانست .

بدنهٔ شمالی صندوق شامل سه قسمت یعنی سه مربع مستطیل است ، برقسمت راست مربع مستطیل سمت راست (عکس شمارهٔ ۱۵۱) :

« اللّٰه لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تا ـ الارض من‌ذی . »

برقسمت بالای همین مستطیل:

« الذی یشفع عندهالا .»

قسمت سمت چپ همین مربع مستطیل :

« باذنه یعلم مابین ایدیهم و ماخلفهم ـ تا ـ السموات والارض .»

قسمت پایین همین مربع مستطیل :

« ولایؤده حفظهما و هوالعلی العظیم .»

قسمت وسط همین بدنه تمام کنده‌کاریهای ظریف بر پاره‌های چوب است که تمام آنها را کم و زیانه کرده و جفت‌گیری نموده‌اند (عکس شمارهٔ ۱۵۲) .

پایین مربع مستطیل وسط این کلمات باخط خوش نستعلیق حك شده است :

«عمل علاءالدین بن محمد نجّارلباسانی عفاعن سیأتهما .»

عباراتی‌که برقسمت‌مربع مستطیل سمت چپ حك بود:

برقسمت دست چپ این مربع مستطیل (عکس شمارهٔ ۱۵۳) :

« اللهم صلعلی سیدنا ونبینا محمد و آله‌اجمعین و سلم تسلیما دایماً ابداً کثیرا.»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل .

« برحمتك یا ارحم‌الراحمین .»

برحاشیهٔ سمت راست همین مربع مستطیل :

« رضینا‌قسمةالجبار فینا لنا‌علم ولاعداء مال .»

« فان‌المال یفنی عنقریب .»

قسمت بالای همین مربع مستطیل :

« وان‌العلم باقٍ لایزال .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی صندوق :

« بسم‌الله الرحمن الرحیم یس والقرآن الحکیم ـ تا ـ سداً ومن خلفهم.»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« امر باتمام هذاالصندوق فی‌روضةالشریف و بقعةالمنیف حضره سلطان الاصفیاوبرهان الاتقیا وقطب‌الاولیا سلطان ابابکر کیا علیه صلوات رب‌العلی سلطنت و معدلت‌پناه مملکت و نصفت دستگاه نور حدیقهٔ انوشیروانی ونور حدقهٔ کیومرثی شهاباً .»

قسمت پایین بدنهٔ شرقی صندوق :

« ثاقباً لسماءالسلطنة والعدالة والاقبال ملك بهمن خلدالله تعالی ظله‌السامی العا [لی] الی‌یوم‌الدین ابن غفران پناه .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی (عکس شمارهٔ ۱۵۴) :

« سداً فاعشیناهم ـ تا ـ خشی‌الرحمن بالغیب فبشره .»

بدنهٔ جنوبی صندوق نیز شامل سه مربع مستطیل است . بر طرف دست راست مربع مستطیل سمت راست ، رو به بالا :

« نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ علی‌علی‌علی .»

برحاشیهٔ دست چپ همین مربع مستطیل :

« علی‌الله فی‌کل‌الامور توکلی و بالخمس اصحاب العباء توسلی محمد و علی کلاهماایلی .»

برحاشیهٔ پایین همین مربع مستطیل :

« محمدالمصطفی و علی‌المرتضی .»

برقسمت مربع مستطیل وسط نقش و نگار کنده‌کاری بسیار ظریفی برپاره‌های چوب است که پس ازکم و زیاده با یکدیگر جفت‌گیری کرده‌اند .

برحاشیهٔ سمت راست مربع مستطیل سمت چپ (عکس شمارهٔ ۱۵۵) :

« قال النبی صلی الله علیه وآله و سلم الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر صدق . »

برحاشیهٔ بالای همین مربع مستطیل :

« الدنیا ساعة وجعلها طاعة . »

برسمت چپ همین مربع مستطیل :

قال رسول الله صلوات الله و سلامه [علیه] المؤمن فی المسجد کالسمك فی الماء و المنافق فی .»

برقسمت پایین همین مربع مستطیل :

« المسجد کالطیر فی القفس[1] .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی دنبالهٔ سورهٔ یس بدین ترتیب آمده است :

«بمغفرة واجر کریم انانحن ـ تا ـ و ماانزل الرحمن من شیء .»

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« رضوان دستگاه المغفور المبرور السعید ملك بیستون برّدالله مضجعه و جعل الجنة مثواه فی تاریخ غرة شهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة سنه خمسین وتسعمایه الهجریة النبویة خیر البریة صلوات الله علیهم اجمعین . »

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ غربی :

« انانتم لاتکذبون ـ تا ـ تطیّرنا بکم لئن لم تنتهوا . »

برحاشیهٔ پایین همین بدنه :

« هرکه اورا کند به نیکی یاد نام او در جهان به نیکی باد

یا واسع المغفرة اغفرلی » .

برحاشیهٔ چهار طرف روی صندوق نیز نوشته‌هایی به این شرح دارد :

برحاشیهٔ شمالی :

۱ـ درعربی معمولاً قفس را با صاد می‌نویسند .

« اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی الامام علی المرتضی وصل علی الامام حسن السرضا وصل علی الامام حسین الشهید بکربلا وصل علی الامام علی زین العابدین وصل علی الامام محمد الباقر .»

برحاشیهٔ شرقی روی صندوق :

« وصل علی الامام جعفر الصادق وصل علی الامام موسی الکاظم وصل علی الامام علی بن .»

برحاشیهٔ جنوبی :

« موسی الرضا وصل علی الامام محمد التقی وصل علی الامام علی النقی وصل علی الامام حسن العسکری وصل علی الحجة القائم والخلف الصالح الامام الهمام محمد المهدی الهادی صاحب .»

برحاشیهٔ غربی :

«الزمان وقاطع البرهان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین وسلم تسلیماً کثیرا.»

برچهار چوب در ورودی بقعه نیز عباراتی به این شرح حك شده است :

برکلکی چهار چوب :

« امر باتمام هذا الباب حضرت سلطان ابابکر فرمود خواجه محمد بن حسن جیلانی .»

برطرف سمت چپ :

«خواجه محمد خادم آستان حضرت بلقیس مکان تی تی فاطمه استی گیلان .»

برطرف سمت راست :

« تاریخ ماه مبارك رمضان سنة سبع عشرین و تسعمایه .»

بریکی ازدرهای مسجد بقعه که فعلاً درانبار است عبارات زیر حك شده است (عکس شمارهٔ ۱۵۶):

برکلکی چهار چوب :

« هذاالباب لمسجد ابابکر علی‌علیه‌المرضات‌الله تعالی و طلباً لثوابه .»

برقسمت سمت چپ چهارچوب دنبالهٔ آیهٔ دوم سورهٔ فتح از :

« لک‌الله ماتقدم من‌ذنبك ـ تا ـ صراطاً مستقیماً صدق‌الله .»

برقسمت سمت راست چهار چوب :

«وینصرك‌الله نصراً عزیزا ـ تا ـ وکان‌الله علیماً حکیما .»

برلنگه سمت راست :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
الله‌لااله‌الاهو‌الحی
ولانوم‌له مافی‌السموات
یشفع عنده‌الابإذنه
وماخلفهم ولایحیطون
وسع کرسیه‌السموات والارض ولا
اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفی
وصل علی‌امام حسن‌رضی
وصل‌علی‌امام زین‌العابدین
وصل‌علی امام جعفر صادق
وصل‌علی امام علی‌ابن موسی‌رضی
وصل‌علی امام علی‌النقی
وصل‌علی امام محمد مهدی
صلوات‌الله علیه وعلیهم

برلنگهٔ سمت چپ :

« انافتحنا لك‌فتحاً مبیناً لیغفر
القیوم لاتأخذه سنة
ومافی‌الارض من‌ذی‌الذی
یعلم مابین ایدیهم
بشیء من‌علمه‌الابما‌شاء
یؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم
وصل‌علی امام علی‌المرتضی
وصل‌علی‌امام حسین شهیدکربلا
وصل‌علی‌امام محمدباقر
وصل‌علی امام موسی‌کاظم
وصل‌علی امام محمد تقی
وصل‌علی امام حسن عسکری
صاحب‌الزمان وقاطع البرهان
اجمعین الطیبین الطاهرین

درمسجد بهـــــرزه بـــــاز مکن چو درآئی بجـــــز نمـــــازمکن

امـــــر باتمام هـــــذهالبـــــاب درویش حسین‌ابن استاد خسرو نجّار

نوری غفرالله ذنوبهما

تحـــــریرا فی‌اواسط شهر رجب غرض نقشیست کز ما باز ماند

سنة ثـــــلث اربعین وتسعمایه.» کـه هستی‌را نمی‌بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت

کند در کار درویشان‌دعائی . »

بردر دیگر مسجد این امامزاده عبارات زیر حك شده است (عـکس شمـارهٔ ۱۵۷) :

بر بالای لنگهٔ سمت راست :

« وقف کرد خسرو جوان بخت ملك شاه غازی .»

بربالای لنگهٔ سمت چپ :

ابن‌المرحوم ملك شاه رخ[1] خلدالله ملکه .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت راست :

« تمت هذهالباب فی‌شهر شوال .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت چپ :

« سنة سبعة سبعین و ثمانمائه عمل حسین‌بن حسن نجّار.»

۱ــ ملك شهرخ‌بن ملکه‌کاوس (تاریخ گیلان و دیلمستان میرظهیرالـدین صفحات ۳۰۷ و ۳۱۴) ملك شهرخ روز پنجشنبه ۲۸ ذی‌الحجهٔ ۸۷۱ به دست عزالدین درزی کشته شد (همین کتاب ص ۳۱۵) .

قلعه‌ای قدیمی
برقلهٔ کوهی به نام سبحان‌الله

دردره‌ای که دهکدهٔ کلا درآن واقع است قلهٔ کوهی به نام « سبحان‌الله » است. بربالای این قله آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده یحیی
دردهکدهٔ تاکر[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

بنای اصلی بقعه چهارگوشه و ابعاد آن از داخل ۳۴۰ سانتیمتر است . در هر ضلع طاقنمایی به پهنای ۲۲۰ و طاقچه‌ای به پهنای ۷۰ سانتیمتر است . چهار کنج را با چهار گوشوار جمع کرده و طاقی گنبدی عرقچینی زده‌اند . بام بنا از خارج هشت ترك است. این بقعه درچهار جهت اصلی ایوان دارد . ایوان شمالی شامل پنج دهانه است کـه یك دهانهٔ آن کوچکتر است کـه مدخل بنـای اصلی بقعه از اینجاست . ایوانهای شرقی و جنوبی وغـربی هر یك چهار دهانه دارد و پهنای هر دهـانه ۱۸۰ سانتیمتر است . محوطه‌ای اطراف بقعه است که چند قبر درآن دیده می‌شود .

تکیهٔ تاکر

در ورودی تکیه شمالی است و در جهت شمال ، ایوان واطاقی بنا کـرده‌اند . راهرویی طرف چپ وراهروی دیگری طـرف راست ایوان است . ازاین دو راهـرو می‌توان به ایوان و اطاق رفت .

ایـوان شرقی چهار دهانه است و هر یك صفه مانندی به عمق یك متر دارد و سقاسنگی در دهانهٔ سومین است . در این جهت نیز تکیه در ورودی دارد . درضلع

۱ـ بضم کاف .

جنوبی تکیه ، دواطاق در طرفین و دهلیزی در وسط است . طرف غربی را صفه‌هایی ساخته‌اند . صفهٔ وسط دری داردکه به شبستانی وارد می‌شود .

در وسط تکیه تختی بود که سقف داشت (عکس شمارهٔ ۱۵۸) . ایـن ابیات برآن خوانده شد :

« هوالمعزّ

چو فضل‌الله از کثرت جان فشانی شده زمـرهٔ چـاکـران حسینی [۱]
همین بس ورا فخر اندر دو عالم بـدین آستـانش بـود پـاسبانی
نداردبه دل خوفی ازروز محشر چو بر بندد او رخت از دارفـانی
پناه و معینش حسین و علـی باد درعقبی بود زنده و جـاودانی . »

بالای در ورودی تکیه این بیت نوشته شده است :

« بخلدقصررفیعی‌زلطف‌حق‌شدممالك ز پاسبانی این‌آستان نظام ممالك [۲]

». ۱۳۲۷

بیت یا خانه ، مولد میرزا حسینعلی بهاءالله [۳]
در دهکدهٔ تاکر از دهکده‌های میانرود بالای نور

پهلوی در تکیه دری است که به باغی بزرگ و آباد باز می‌شود . اراضی این باغ پله‌بندی شده است . درختان میوهٔ زیادی در آن کاشته‌اند . بنایی دوطبقه دراین

۱ـ این بیت قافیه ندارد . ۲ـ تکیه تاکر را فضل‌الله خان‌بن محمد حسن‌خان معروف به نظام‌الممالك نوری ساخته است . ۳ـ پدر میرزا حسینعلی، عباس‌آقا میرزا بزرگ است‌که زیردست قائم‌مقام در زمان فتحعلی‌شاه به حکومت تهران می‌رسد و در تهران خانه‌ای می‌سازد ومقیم می‌شود .پسرش میرزا حسینعلی دردهکدهٔ یالو از دهکده‌های یالورود نور نزد علامهٔ نوری درس خوانده است .

باغ است که مولد میرزا حسینعلی بهاءالله بوده است . در طبقهٔ پایین تالاری دروسط است که پنجره‌های ارسی‌زیبادارد (عکس شمارهٔ ۱۵۹) . دو طرف این تـالار پلکان است که به تالار و دو اطاق طرفین می‌رود و ادامهٔ آنها به طبقهٔ بـالا می‌رسد . طبقهٔ بالایین شامل چهار اطاق در امتداد هم و دو اطاق بالای دو اطاق زیرین و دوراهروی جنبی است.یکی از اطاقهای طبقهٔ زیرین را سرایدار نشسته بود و باقی اطاقها خالی بود . پنجره‌های مشبك‌نورگیر باشیشه‌های رنگین(عکس شمارهٔ ۱۶۰) در راهروهای بالا نصب بود .

سجادالدین محمد

دردهکده ایوا [۱] از دهکده‌های میانرود بالای نور

از تاکر بـه ایوا ، راه کنار رودخانهٔ نـور است و سپس به دست راست جـدا می‌شود وپس‌از طی سه چهار کیلومتر سر بالایی تند، به دهکدهٔ ایوا می‌رسد . ایوا بر بالای بلندی و مسلط برررودخانهٔ نور است. دو خاندان قدیمی لمسو[۲] و کمانگردرآن زندگی می‌کنند . در مرتع لاسبن[۳] متعلق به این دهکده بنای محقر گل‌سری است که آن را مرقد سجادالدین محمد می‌دانند وبالادست دهکدهٔ ایوا چندین بنای‌گل‌سری دیگر است که تمام مدفن امامزادگان است .

۱ـ بکسر الف وتلفظ یاء مجهول . ۲ـ بفتح لام وکسر میم . ۳ـ بضم‌باء

امامزاده علی رکن‌الدین و علی نورالدین
دردهکده فیول [۱] از دهکده‌های میانرود بالای نور

پانصد متری دهکدهٔ سه خانواری فیول بربالای تپه بنایی‌است شامل یك بقعه، یك مسجد، یك کفش‌کن یاپیش‌صحن که تمام در امتداد هم ساخته شده‌اند. در اصلی بقعه شرقی است و بمسجدی باز می‌شود. سنگ مرمر سفیدی طرف دست چپ در ورودی کفش‌کن به دیوار نصب شده است.

این ابیات برآن خوانده می‌شود :

« فغان از دورنگی چرخ مشعبد — که از پا درآورد سروی ممجد
ز تأثیر اجرام و از گردش او — بکام شرنگست تنگ طبرزد
چوبارسفر بست وبگشود محمل — از این دیرفانی بخلد مخلد
رقم زد بتاریخ او کلك مشرق — به جنت رود شاد روح محمد

۱۲۷۶ . »

گورستانی بزرگ‌که اطراف امامزاده و بر تپهٔ مقابل آن است نشان می‌دهد که این دهکده روزی بسیار آبادان بوده است . از یك کیلومتری این دهکده در راه ایوا ، سفالهای فراوانی در دو طرف راه ریخته است که این خود نشانی دیگر از آبادانی این دهکده ، درگذشته است . عده‌ای از ساکنان این آبادی که از خاندان لمسو [۲] بوده‌اند به دهکده‌های کنس‌پا [۳] ، باری‌کلا [۴] و ونوشه [۵] رفته وساکن شده‌اند .

۱– Fiyol . ۲– بفتح لام و کسر میم . ۳– بضم کاف و کسر نون.
۴– بفتح کاف . ۵– ونوشه همان بنفشه‌ده موقوفهٔ امامزادهٔ دهکدهٔ کلا است . این دهکده و دو دهکدهٔ دیگرحومهٔ آمل هستند .

معصومزادگانی به نامهای باعث و عباس و عبدالله در دهکدهٔ نج[1] از دهکده‌های میانرود بالای نور

دهکدهٔ نج شامل سه قسمت است : بالامحله ، پایین‌محله واطاق‌سرا . بر سر تپه‌ای بر بالای بالامحله بنای مختصر گل‌سری به‌نام معصومزاده باعث است. مسجدی ساده متصل به بناست . این بنا چون در اراضی « بزدوش »[2] واقع شده ، به نام « آقا- بزدوش » نیز معروف است.

در پایین محله، در باغی ، بنای مختصری شامل بقعه و کفش‌کن است که به نام معصومزاده عباس شهرت دارد . بنای معصومزاده عبدالله در تکیهٔ دهکدهٔ نج است .

درویش‌محمد در اطاق‌سرای نج

بنایی است ساده و استوانه شکل با بامی هشت ترك بایك کفش‌کن (عکس شمارهٔ ۱۶۱) و در و صندوقی ساده بدون کنده‌کاری . صندوق قدیمی بقعه ، قدیمی و پرکار بوده است. قطعه چوب کنده‌کاری که معمولاً برچهارگنج صندوق قرارمی‌دهند در بقعهٔ درویش‌محمد است که ظاهراً مربوط به صندوق قدیمی مرقد بوده که ازمیان رفته است (عکس شمارهٔ ۱۶۲) ، کنده‌کاریهای ظریف و پرکاری دارد .

تکیهٔ نج

تکیهٔ نج نسبةً بنایی است قدیمی . دروسط محوطهٔ آن تختی سرپوشیده برای مراسم تعزیه‌خوانی ساخته‌اند . سنگ قبر زیر در تکیه دیده شد :

۱- بضم نون . ۲- بضم باء .

« الحکم‌لله‌الواحدالقهار

وفات مرحوم مغفور الی رحمة‌الله الملک‌الغفور حاجی محمد رفیع ولد کربلائی لطیف .

هرکه آید بجهان اهل فنا خواهد بود

آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

زین دارفنا چو رخت بربست رفیع ماندند به‌آه و ناله احباب جمیع

اره از دینی نالـه دود نیکـو [۱] تاریخ رفیع را علی باد شفیع

بتاریخ شهر ذیقعده ۱۱۹۸ .

ابن مرحوم مزبور محمدبنی بابوکر.»[۲]

گورستانی قدیمی
درمرتع لمند روبروی دهکدهٔ نج

اراضی پایین تاکر و روبروی دهکدهٔ نج معروف به لمند است . دراین مرتع وسیع گورستانی قدیمی است‌که از گورهای آن انواع کوزه‌های سفالین کوچك بیرون می‌آید .

خانهٔ مسکونی منتظم‌لشکر
دردهکدهٔ نج از دهکده‌های میانرود بالای نور

از خانه‌های قدیمی اعیان‌نشین دهکدهٔ نج خانهٔ بیلاقی منتظم‌لشکر است که

۱ـ این مصراع درست خوانده نشد. ۲ـ بابوکر ازخاندانهای قدیمی ساکن نج است و بفتح کاف تلفظ می‌شود . سایر خاندانها : شنگل (بفتح شین و ضم گاف) ، شریار (بفتح شین) ، ارغات (بضم الف) ، درویش ، سولکاسری(بفتح سین دوم) ، دبشوس (بفتح دال) .

پنجره‌های مشبك نورگیر آن که تعداد آنها نیز زیاد است، از مشبك‌کاریهای ظریف و پرکار است (عکسهای شمارهٔ ۱۶۳ و ۱۶۴) .

باقی بناها و آثار قصبهٔ بلده

۱ـ بالای بلده زمینی است به نام دزدك . دراین زمین آثار قبور قدیمی‌است.

۲ـ امامزاده نینوا که اصل و نسب او معلوم نیست .

۳ـ مسجد بالای بلده را زکی‌خان جدّ میرزا آقاخان صدراعظم نوری ساخته است . کتیبهٔ آن قابل ملاحظه است .

۴ـ تکیهٔ مین‌باشیان را جدّ آقای مهرداد پهلبد ساخته است ومرحوم محمد ـ حسن معین‌اصطبل ناصرالدین شاه ـ جدّ آقای خانبابا سلطانی نوری ـ تعمیر کرده است .

۵ـ تکیهٔ پایین را سالار معزز مین‌باشیان ـ پدرآقای مهرداد پهلبد ـ تجدید بنا کرد . این تکیه قدیم ساز است و فعلاً مرکز ژاندارمری است . مرحوم محمد ـ حسن‌خان معین‌اصطبل لوازم تکیه و کتیبه‌ها[1] را خریده که تا امروز برجای است .

۶ـ سنگهای قبور قدیمی درگورستان بلده.

۷ـ پورباغ ، باغی است قدیمی درجنوب رودخانهٔ متصل به قصبهٔ بلده که در دست امیر مصدق خواجه‌نوری بود . بنای کلاه‌فرنگی این باغ را به تازگی منهدم کرده‌اند .

۱ـ کتیبه غیرازاصطلاح رائج امروزی‌آن به‌پارچه‌های‌سیاهی گویندکه پهنای آنها در حدود نیم متر و درازی آنها زیاد است و اشعاری در رثاء حضرت امام حسین برآنها نوشته شده است و دور بنـای تکیه می‌آویزند .

۲ـ جغرافیای ترستاق نور[۱] = ترتیه‌رستاق[۲] نور

سه دهکده به نامهای: رزن[۳] وکرسی وتیرسا[۴] به نام ترستاق خوانده می‌شوند. این سه دهکده برکنارهٔ چپ رودخانهٔ نور وکنار یکی از شعب این رودخانه قرار گرفته‌اند. رزن تقریباً درکنار جادهٔ کوهستانی نور ودو دهکدهٔ دیگر بالاتراز رزن در دامنهٔ کوه بنا شده‌اند. ترستاق نیز جزء کوهستان نور به حساب می‌آید.

۱ـ بفتح تاء اول وکسر تاء دوم و ضم راء. ۲ـ بفتح تاء اول و ضم راء دوم.
ن.ك. به تاریخ گیلان ودیلمستان سیدظهیرالدین چاپ‌نگارنده صفحات۲۸۳ و۲۸۴ و۳۰۸.
۳ـ بفتح راء و زاء. ۴ـ بکسر راء وتشدید سین.

۷ـ بناها و آثار تاریخی تنرستاق نور

امامزاده ابراهیم

دردهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تنرستاق نور

بنا یی‌است هشت ضلعی اما دوضلع شمالی و جنوبی آن بزرگتر از سایراضلاع است . پهنای اضلاع کوچکتر هریك ۱۶۸ سانتیمتر و پهنای اضلاع بزرگتر هـریك ۱۹۲ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع طاقنمایی باطاق جناقی و بالای هر یك از این طاقهای جناقی ، رفی ساخته شده است. سقف از داخل ، گنبد عرقچینی و بام بنا کلاه‌درویشی است . صندوقی چوبین کنده‌کاری وسط بناء مرقد را پـوشانـده است . ضلع بزرگتر آن شامل شش تکه و ضلع کوچکتر آن شامل سه تکـه است . درازای ضلع بزرگتر ۲۱۴ سانتیمتر و پهنای آن ۱۲۰ سانتیمتر است .

این صندوق که کنده‌کاریهای نسبةً ظریف دارد در سال ۱۲۲۳ ه . ق . براثر زلزله و فـروریختن سقف امامزاده شکسته شده است و نجّـاری کـه درسال ۱۲۳۸ دوباره آن را تعمیر کرده است پاره‌های صندوق را نتوانسته در محلهای اصلی خـود قرار دهد از اینرو آشفتگی در مطالب هر بدنهٔ صندوق دیده می‌شود .

شرح زلزلهٔ نامبرده برحاشیهٔ بالای بدنهٔ جنوبی با قلم و مرکب بـدین ترتیب نوشته شده است :

« در سال هزار و دویست وبیست و سه از هجرت نبوی صلواةالله از ضرب زلزله صندوق امامزاده شکسته شد و در سال هزارو دویست و سی وهشت حسب‌الخواهش عالیشان لطفیخان‌بیگ‌ابن شیخ مقصودعلی ترستاقی [به دست] صناعت‌دستگاه استاد نورمحمد نمارستاقی ساخته شد سنهٔ ۱۲۳۸ » .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه باقلم و مرکب آیات زیر نوشته شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد الله‌الصمد لم‌یلد ولم‌یولد ولم‌یکن‌له کفواًاحد بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انااعطیناك‌الکوثر فصل‌لربك و انحر ان‌شانئك هوالابتر . »

بربالای همین بدنه آیات و عبارات زیر حك شده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم انا‌انزلناه فی‌لیلةالقدر ـ تا ـ سلام هی‌حتی مطلع‌الفجر حرره محمدیوسف‌بن ملاابراهیم ترستاقی اللهم اغفرله ولوالدیه وللمؤمنین . »

برتکهٔ سمت راست همین بدنه :

« باعث هذاالصندوق‌المبارك الوارثها شیخ علی کیا و شیخ افضل. . . »

برفاصلهٔ میان دو تختهٔ سمت راست این آیات حك شده است :

« السموات والارض ولایؤده حفظهما و هوالعلی‌العظیم‌لا . »

برفاصلهٔ تختهٔ دوم و سوم این عبارات حك شده است :

« هذاالمؤمن‌المقدس سلطان‌الاولیا و برهان‌الاتقیابحرالفضائل والعلوم ـ المرسوم . . . »

برفاصلهٔ تختهٔ سوم و چهارم رباعی ناخوانای زیر حك شده است :

« بی‌جود علی بودجو . . . . بی‌حب علی . . . سودخودی

بالله کـه اگر علی امامت نبود صـد قبلـه . . . . . »

برفاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم قسمتی از صلوات کبیر به این شرح است :

« حسن العسکری [و] حجة القائم قایم دایم امام محمد المهدی . »

برفاصلهٔ تخته پنجم و ششم قسمتی از صلوات کبیر به‌این شرح حك شده است:

«اللهم صل علی امام محمد تقی اللم صل علی امام علی النقی اللهم صل علی امام...»

بدنهٔ غربی سه تختهٔ کنده‌کاری گل و بوته‌ایست وقسمتی از آیات کلام‌الله‌مجید بدین ترتیب برآن حك شده است :

« مع ایمانهم ولله جنود السموات والارض وکان‌الله علیماً حکیما لیدخل. »[1]

برتخته‌های بدنهٔ شمالی صندوق نیزعبارات وآیاتی بدین شرح حك شده‌است:

برحاشیهٔ بالا :

« المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و یکفر عنهم و کان ذلك عنـدالله فـوزاً عظیمـا و یعـذب المنافقین والمنـافقـات والمشرکین و المشرکات الظانین. »[2]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ اول و دوم:

« لصاحب الزمان صلوات‌الله وسلامه‌علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« الصادق اللهم صـل علی امام موسی الکاظـم اللهم صل علـی امام علـی بن موسی الرضا . »

بر فاصلهٔ میان تختهٔ سوم و چهارم :

« اللهم صل علی امام حسن الرضا اللهم صل علی امام حسین شهید بکربلا اللهم. »

۱ــ سورة الفتح ۴۸، قسمتی از آیهٔ ۴ وابتدای آیهٔ ۵ . ۲ــ سورة الفتح ۴۸ ، آیهٔ ۵ و نیمی از آیهٔ ۶ .

بر فاصلهٔ میان تختهٔ چهارم و پنجم :

« بن محمد [بن] زیدبن امام حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام فی شهر شوال سنة ثمان ستین وتسعمایه .»[۱]

بر فاصلهٔ میان تختهٔ پنجم و ششم :

« امر الله الموسوم مجیر الشیعة من النار دال السمو (؟) ابرهیم سپاه انگیز بن حسن .»

بر تکهٔ آخر سمت چپ بدنهٔ شمالی صندوق از بالا به پایین :

« عمل شادمحمد دیلمانی [و] استاد کمال صوفی . »

بر قسمت پایین :

« کاتب این کلام روح افزا ملکی حقیر چاکر شاه .»

قسمت کنده کاری بر حاشیهٔ پایین همین بدنه :

«الوثقی لاانفصام لها ـ تا ـ فیها خالدون .»[۲]

عبارات و آیاتی که بر بدنهٔ شرقی صندوق حک شده است بدین قرارند :

بر فاصلهٔ میان تختهٔ دوم و سوم :

« امام زین العابدین معصوم پاك اللهم صل علی امام محمد باقر اللهم صل علی امام جعفر .»

بر حاشیهٔ جانبی همین بدنه :

« [لا] اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسك بالعروة .»[۳]

۱ـ دو حرف تاء و سین در تسعمایه روشن است و از سایر حروف نشانی نیست .

۲ـ سورة البقرة ۲، قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ و آیهٔ ۲۶۳ . ۳ـ سورة البقرة ۲ ،قسمتی از آیهٔ ۲۶۲ .

در ورودی بقعه قدیمی است وکنده‌کاری دارد . این عبارات بردولنگهٔ سمت چپ و راست خوانده شد :

عباراتی که برلنگهٔ سمت چپ حك شده است :

« اشتری هذاالباب حسن
ابن سلطان‌العارفین کیا .»

عباراتی که برلنگهٔ سمت راست حك شده است:

«ابن کیا اعظم علاءالدین شیرامه
اسفارنگیـج بسّرالله قـبره . »

برپایین لنگهٔ سمت چپ :

« عمل استاد حاجی‌ابن استاد محمود
فی‌تاریخ سنة تسع اربعین و ثمانمائه
درختان تا بوند درکوه و بیشه
بشادی باز باد این‌در همیشه.»

برپایین لنگهٔ سمت راست :

« پیروز نجّاربن شمس‌نجّار .»

با جورکردن قسمتی از عبارات پراکندهٔ صندوق نام‌صاحب مزار چنین بدست می‌آید :

« هذاالمؤمن المقدس سلطان‌الاؤلیا و برهـان‌الاتقیا بحرالفضائل والعلوم‌ـ المرسوم امرالله‌الموسوم مجیرالشیعة من‌النار دال‌السمو (؟) ابرهیم‌سپاه ـ انگیزبن‌حسن‌بن‌محمد[بن]زیدبن‌امام‌حسن‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهم‌السلام فی شهر شوال سنة ثمان ستین و تسعمایه .»

تاریخی‌که درآخر این‌عبارات است، تاریخ اتمام‌صندوق مرقد امامزاده‌ابراهیم

است . اگر رقم مآت آن‌را درست خوانده باشیم ، قدمت در ورودی بقعه صدونوزده‌سال بیشتر از صندوق می‌باشد .

باعث صندوق شیخ‌علی‌کیا و شیخ‌افضل‌اند و نویسندهٔ عبارات‌آن محمدیوسف‌بن ملاابراهیم تترستاقی است . اما در ورودی به‌دستور حسن‌بن علاءالدین شیرامه اسفارنگیج و بدست استادحاجی ابن استاد محمود ساخته شده وپیروزنجّارکارهای نجّاری آن‌را انجام داده است .

امامزاده محمود معروف به غریب‌آقا
در دهکدهٔ تیرسا از دهکده‌های تترستاق نور

بنایی است چهارگوشه و ساده از سنگ وگل. دری ورودی‌ساده دارد.صندوقی چوبین باکنده‌کاریهای بسیارظریف درگوشهٔ بناست.درازای‌آن ۱۷۶ سانتیمتروبلندی آن ۶۵ سانتیمتر است .

برفاصلهٔ دو تختهٔ وسط بدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر حك شده است :

« سعی‌کنندهٔ این مرقد مبارك نوباخلدوکمالدین انگریج .» (؟)

بریکی از تخته‌های بدنهٔ جنوبی از بالا به پایین:

« صادق‌المبارك حاجی‌کیا فی‌تاریخ تسع وتسعمایه .»

بر بدنهٔ غربی که یکی از بدنه‌های کوچك است در دو ردیف « یاالله یامحمد یاعلی» سه‌بار تکرار شده است.

برتخته‌ای جداگانه که روی صندوق گذاشته بودند وظاهراً روزی در قسمتی از بدنه جای داشته است عبارت زیر خوانده شد:

« عمل استاد محمدخان گیلانی .»

آشیخ نیکه

در اراضی ترت[1] از دهکدهٔ رزن تنرستاق نور

بنایی است از خارج هشت‌ترك باگنبدی کلاه‌درویشی و از داخل چهارضلعی که چهار طاقچه در چهارضلع دارد. با ساختن گوشواری درهر گوشهٔ سقف ، بنا را جمع کرده وگنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه شمالی است . دری قدیمی با کنده‌کاریهای ظریف داشته‌که در سال ۱۳۵۱ یعنی سه‌سال پیش، به‌سرقت رفته است .

صندوقی چوبین با کنده‌کاریهای ظریف در وسط بناست . درازای آن ۲۲۸ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است . صندوق برپایه‌ای مشبك چوبین به‌بلندی ۲۴ سانتیمتر قرارگرفته است .

بربدنهٔ شمالی صندوق عبارات زیر خوانده شد :

برفاصلهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« ملك‌کان سلیمان مطلب هوشه (؟)

ملـك همانست شه سلیمـان کی

نصر من‌الله وفتح قریب . »

برتخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم صندوق است :

« نـاد علیاً مظهرالعجائـب تجده عون لك فی‌النوائب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی . »

برتخته‌ای که میان تکهٔ سوم و چهارم است :

« صل علی امام‌علی‌بن موسی‌رضا و صل‌علی امام محمدتقی و صل علی امام حسن عسکری . »

۱ـ بکسر تاء و راء و سکون تاء .

بر تخته‌ای که در فاصلهٔ میان تکهٔ چهارم و پنجم است :

« السموات والارض ولا یؤده حفظهما ـ تا ـ هوالعلی العظیم الله مفتح الابواب. »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ پنجم و ششم است عبارات زیر حک‌شده است :

« اللهم صل علی محمدالمصطفی و صل علی علی المرتضی وصل علی امام حسن رضا و صل علی امام حسین . »

برپایهٔ چوبین صندوق از غرب به شرق :

« بانی این کار آشیخ دم‌فضل ددا طاپس[1] فضل و درویش اطا یحیا النائی درویش رولا الکاتب یوسف نافلا [کذا] . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ شرقی صندوق حک شده است:

« یا ایها [الذین] آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیرا و سجوه بکرة واصیلا... »[2]

بر تختهٔ میان تکهٔ اول و دوم این بدنه :

« صل علی امام محمدمهدی صاحب الزمان هادی البرهان صلوات الله علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین . »

بر تخته‌ای که میان تکهٔ دوم و سوم این بدنه است :

« وصل علی امام زین العابدین وصل علی امام محمدباقر وصل علی امام جعفر ـ صادق و صل علی امام موسی . »

آیات وعباراتی که بر بدنهٔ جنوبی صندوق حک شده است .

بر تخته‌ای که در فاصلهٔ لبهٔ صندوق و تکهٔ اول است :

« الله لااله الا هوالحی القیوم ـ تا ـ من ذاالذی. »

بر تخته‌ای که در میان تکهٔ دوم و سوم است :

۱ـ بضم ب. ۲ـ سورة الاحزاب ۳۳، آیات ۴۱ و ۴۲ و مقداری از آیهٔ ۴۳ .

« تا من باشم کنم تولابعلی حشر. . . . . آل‌نبی
باچهارمحمددوحسن‌یك‌موسی باچهارحسین .... علی .»

براین صندوق هیچگونه تاریخی دیده نشد. استخوان‌بندی و طراحی وکنده‌کاریهای آن شبیه صندوق امامزاده ابراهیم است وظاهراً به‌دست‌یك‌استاد ساخته‌شده‌و کارآن ظاهراً چندسالی قبل‌یا چندسالی بعداز تاریخ ۹۶۸ ه.ق. به‌اتمام رسیده‌است .

در اراضی امامزاده دوچنارکهنسال است‌که گرداگرد تنهٔ یکی‌ازآنها ۳۶۰و دیگری ۳۰۴ سانتیمتر است .

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ تترستاق نور

۱ـ آثارقلعه‌ای قدیمی‌که پاره‌های آجرنیزدرآن دیده شد دراراضی چنگل‌جار[1] رزن برسمت راست رودخانهٔ نور .

۲ـ آثار قلعه‌ای قدیمی از سنگ وگل در اراضی ایمچی رزن.

۳ـ گورستانی قدیمی در اراضی بروك[2] رزن .

۱ـ بفتح چ و سکون نون و فتح گاف وسکون لام . ۲ـ بفتح باء .

۵ـ جغرافیای تاریخی دشت نور

دشت‌نور از غرب‌به دشت کجه‌رستاق کجور واز شمال به‌حاشیهٔ دریای خزر و از شرق به اهلم‌رستاق وپایین خیابان و بالاخیابان‌که این دوناحیه به‌نـام لیتکوه نیز شناخته می‌شود واز جنوب به‌رشته کوههای شمالی ترستاق و میان‌رودبار بالا محدود می‌گردد. نیمی از این خاك‌که در شمال است دشت است ونیم‌دیگر که درجنوب‌است میان‌بنداست یعنی‌کوهستان جنگلی ونیمه‌جنگلی است . این‌ناحیه را به‌قسمتهای‌زیر تقسیم‌کرده‌اند :

۱ـ ناتل‌کنار که کنار دریاست واراضی‌آن میان قصبهٔ سولده ودهکدهٔامیرآباد است . ازشمال به‌کنار دریا و ازغرب به‌کجه‌رستاق کجور و ازجنوب به ناتل‌رستاق و از شرق به اهلم‌رستاق محدود می‌شود . مرکز این‌قسمت قصبهٔ سولده است .

۲ـ ناتل‌رستاق که میان دهستانهای اهلم‌رستاق وناتل‌کنار و لاویج قراردارد و مرکزآن چمستان است .

۳ـ میان‌بند ، دهستانی است در جنوب‌غربی سولده . معدن زغال گلندرود در این‌قسمت است و دهکده‌های پیمد وگلندرود جزء میان‌بند است.

۴ـ میـان‌رودبار پایین کـه آب‌آن از رودخانه‌هـای نایـلارود و میان‌رود و

انگتارود[1] است . دهکده‌های مهم آن جلیکان[2] و دارکلا است .

۵ـ هلوپشته[3] ازنواحی کوهستانی قشلاق‌کجور است، هوای آن‌سردسیراست و زمستانها اهالی به ناتل‌رستاق و ناتل‌کنار می‌روند .

۶ـ لاویج نام دهکده‌هایی است‌که کنار رودخانه‌ای به‌همین نام قرار دارندکه از ارتفاعات‌جنوبی سرچشمه‌می‌گیرد ودرسولده به دریا می‌ریزد. این‌ناحیه، کوهستانی جنگلی است و در دهکدهٔ تنگه از دهکده‌های‌آن از قدیم سرب استخراج می‌کرده و ساچمه می‌ساخته‌اند . سه مزرعهٔ میرخمند[4] وخورتاب‌رود و ایزوا مرکز تابستان‌نشین اهالی است .

۷ـ نائیج نام دهکده‌هایی است‌که پاره‌ای ازآنها در دشت و چندپارچه ازآنها کنار رودخانه‌ای قرار می‌گیردکه ازگزناسرا[5] ورودبارك سرچشمه می‌گیرد و درایزده به دریا می‌ریزد. ازآبادیهای دشت‌آن علی‌آباد وجوربند و از دهکده‌های‌کوهستانی، واز وگزناسرا است .

ابت در سال ۱۲۵۹ هـ . ق. دربـارهٔ این قسمت از خـاك نـور مطالب زیر را نوشته است :

« ازکچه‌رود که گذشتیم جنگل کم می‌شود و زمینهـای کشت وسعتی پیدا می‌کند. بعد به سوله‌رود رسیدیم‌که زیاد پهن نبود اماآب‌آن سریع حرکت می‌کرد. این‌رودخانه بخشهای کجور و نور را از یکدیگر جدا می‌کند . راه ما به طرف شرق‌متمایل شد و درشانزده میلی به رستم‌رود رسیدیم. این رودخانه هشتاد قدم پهنا داشت . تپه‌های ساحلی جلب‌نظر می‌کرد وسپس‌به

۱ـ بفتح الف و سکون نون و کسرگاف. ۲ـ بفتح جیم. ۳ـ بفتح هاء .
۴ـ بضم خـاء . ۵ـ بفتـح گـاف .

عزت‌ده (ایزده) رسیدیم . این دهکده دومحله داردکه نیم‌میل از یکدیگر فاصله دارند . ساکنان آن به ۱۲۰ خانوار می‌رسند . رودخانه پلی چوبی داشت‌کـه ۸۰ قدم درازای آن بود . این محل در دست حسینقلی است‌که رئیس نوریها است .»[1]

مکنزی در سال ۱۲۷۵ ه.ق . راجع‌به دشت‌نور عبارات زیررا نوشته است :

« راه مابه طرف جنوب منحرف شد وبه سولده وارد شدیم‌که‌کمتراز نیم‌میل از دریا فاصله دارد . ازاین‌پس جاده ازروی چند رودخانه بابلهای چوبین لغزان می‌گذرد. آخرین‌کوه‌کجور درسمت غرب جنوب غربی دیده می‌شد. خانه‌ای کـه درآن منزل کردیم به‌دست صدراعظم اخیرساخته شده است . مصالح بنای آن‌آجر وشکل آن مربع وبـام آن سفالین بود . اطاقهای آن جادار و وسیع بود وحمامی نزدیك‌آن بود که آن نیز تازه ساختمشده بود . سولده ده بزرگ وآبادی است چون میرزاآقاخان ازاین دهکده است ، بـا نوریها بسیار خوب تامی‌کند. یك پل سه‌دهانهٔ آجری روی رودخانهٔ سولده است. سرچشمهٔ این رود درکوههای لاویج است . کوهی که ازسولده دیده می‌شود، کوه سوردار است‌که سمت‌جنوب غربی است وپوشیده ازبرف است. کوههای لش‌کنار وپیمد ولاویج نیز پیداست . زمینهای اطراف سولده باز و گشاده است و درختان آن‌تنك است. هرخانه تالاری دوطبقه بـرای خواب درحیاط دارد. پرده‌هایی ازنی‌اطراف‌آن‌آویخته است. از سولده گذشتیم و به ساحل دریا آمدیم . پس‌ازگذشتن از رودخانهٔ تمیشان (تنشون بـه قول

1— Keith Edward Abbott : Narrative of A journey from Tabriz along the Shores of the Caspian Sea to Tehran . P . 33 .

نویسنده) به رستم‌رود رسیدیم . درساحل چپ این رودخانه ویك فرسنگی سولده ، دهکدهٔ رستم‌رود است که پنجاه خانوار در آن ساکنند و سپرده به محمداسماعیل‌خان‌نوری است کـه فعلاً درکرمان است وسالیانه صدتومان مواجب دارد. ساحل‌دریا تپه وچمنزاراست. فاصله‌ای نرفتیم‌که به هاشم‌رود رسیدیم . کمی آنطرف‌تـر کارخانهٔقند محلی بود کـه مازندرانیان کلیه[1] می‌گویند. این کارخانه بقدری ساده بودکه ارزش آن را نداشت شکلی از آن رسم‌کنم. پس‌از اینکه در بارفروش (بابل)، دولت کارخانهٔ قندساخت و رعیت مجبور شد مـواد اولیهٔ خودرا به آنجا ببرد ، کشت نیشکرکم شد و ارزش قند زیاد شد. این شرح برای نشان دادن پیشرفت دولت کافی است. در یك فرسخی رستم‌رود ، به رودخانهٔ گل‌آلود عزت‌ده (ایزده) رسیدیم به نام دهکده‌ای‌که در دوساحل رودخانه است. آب‌آن تند وبسترآن شیب‌دار است. حمامی دراین دهکده است. از عزت‌ده آخرین کوه‌کجور در غـرب جنوب غرب دیده می‌شود و رشتهٔ اصلی البرز نیم‌دایره‌ای شکل است کـه قسمت آخر آن که‌ازعزت‌ده پیداست ، در جنوب شرقی قرار می‌گیرد . از اینجا باگروه درویشان خوش‌لباس‌با اسبان خوب خداحافظی کردیم. ایشان از سولده همراه ما بودند. رسیدن خود را بـه عزت ده با شیپوری اعـلام کردند.شن سرراه تااهلم‌رودکه سامان میان نوروآمل است، مزاحم بود. »[2]

۱ـ بکسر کاف وسکون لام .

۲ _ Charles F . Mackenzie : Narrative of A journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 _ 1859 . pp . 36 , 37 .

رابینودرسفرنامهٔ خود دربارهٔ مراکزگرمسیری‌نور چنین می‌نویسد:

« بلوك‌نور ازالمرود[۱] شروع می‌شود . ایـن رودخانه بستری پرشیب‌دارد . سولده ده بزرگی است‌کـه در نیم‌میلی دریاست . برروی رودخانـهٔ سولده که ازارتفاعات‌لاویج[۲] سرچشمه می‌گیرد، پلی‌یاسه‌طاق‌آجری‌است.»[۳]

ارتفاعاتی راکه ازسولده می‌توان دید،عبارتنداز سوردارکه‌درسمت جنوب‌ـ غربی واقع شده وپوشیده ازبرف است . لش‌کنار[۴] وپیمد[۵] ولاویج . اراضی میان‌آنها و دریا ، هموار وصحرا است، یا باجنگلهای‌کم درخت و پراکنده پوشیده شده‌است.چهارمیل دیگرراه پیموده به رودخانهٔ رستم‌رود رسیدیم . دهکدهٔ رستم‌رود، درساحل‌چپ‌رودخانه و وصل‌به دریاست. قدری‌دورتراز هاشم‌رود گذشتیم وپس‌ازعبوراز تپه‌های شنی به ایزده آمدیم . »

سرهنگ لووت[۶] دربارهٔ این قسمت ازخاك‌نور چنین نوشته است :

« ناحیهٔ نورکه ایزده به‌آن تعلق دارد ، در کنار دریـا است وحدود آن از سولده در مغرب تـا اهلم‌رود در مشرق است و در قسمت داخلی وسعت آن زیادتر و از نزدیك کلارستاق در مغرب تا رودخانهٔ هرهز[۷] درمشرق است و از طرف جنوب به‌کوههای لارولاریجان محدود می‌شود. دره‌های علیای‌نور خیلی خشك وبایر است وبواسطهٔ محصور بودن به رشته‌های تپه‌های اطراف

۱ـ بفتح الـف ولام . ۲ـ اصل : لابیج . ۳ـ ایـن همان پلی است کـه میرزاآقاخان صدراعظم‌نوری‌بناکرده‌است. ۴ـ بفتح‌لام. ۵ـ بکسرب‌وسکون‌یاءو ضم میم . ۶ـ Lovett. ۷ـ بفتح‌هاء وسکون‌راء وفتح‌هاء دوم ، تلفظ نام قدیمی رودخانهٔ هراز است .

می‌توان آن را مانند کوهستانهای حدود اصفهان یا شیراز دانست .»[۱]

برررودخانهٔ ایزده پلی چوبی بود که از روی آن عبور کردیم وسپس به دهکدهٔ سوته‌کلا و پس‌از آن به اهلم‌رود رسیدیم.[۲]

۱ــ C. Bresford Lovett : Itenerary Notes of Route Surveys in Northern Persia in 1881 and 1882 .

۲ــ همین کتاب، به‌نقل از ترجمهٔ سفرنامهٔمازندران واستراباد رابینو،ص ۵۵. ص ۵۶ .

۶ـ بناها و آثار تاریخی ناتل‌کنار دشت‌نور

قلعهٔ کهنه‌دوك

در ناتل‌کنار دشت‌نور یا نزدیك این ناحیه

ملك بیستون پس‌ازکشتن برادر خود، حکمرانان محلی وهمسایگان او تصمیم گرفتند اورا ازمیان بردارند.اما چون فصل زمستان بود، این تصمیم را به بهارموکول کردند . علی‌بن‌شمس‌الدین ـ مؤلف تاریخ‌خانی ـ در این‌باره چنین نوشته است :

« موسم بهار که شد ، میرزاعلی ، میرعضد را جهت‌لشکر، نزدسلطان‌هاشم‌و ملوك‌رستمدار فرستاد و ملك‌اشرف و ملك‌شاه غازی لواسانی و از تنکابن کیامحمدکیا بالشکر و از مازندران بر موجب مقرر میرعبدالکریم و میرکمال‌الدین و آقارستم ولشکرهزاره‌جریب، درمقام وتاشان جمع‌آمدند و از آن منزل، میرعضد را به ملازمت میرزاعلی عاید گردانیدند. وروزانهٔ دیگرازآن منزل‌کوچ‌کرده، به پای قلعهٔ‌کهنه‌دوك که ویران شده بود منزل تازه گردانیدند .

آقا رستم مصلحت دید که بربنیان آن قلعهٔ‌کهن ، بنای قلعه‌ای نو باید نهاد که لشکری‌که درپیش باشد، ازعقب‌ایمن بود، سه روز به همین منزل توقف

فرموده ، اتمام قلعه‌ای ازچوب ، درعهدهٔ اهتمام لشکری فرمود و به سه روز در دست لشکری سمت استکمال یافت و بـه آنوقـه ونگاه داشتن سپاهیان آماده ساخته ، استحکام قلعه نمود .»[۱]

رابینو از قلعه‌ای به نام « دون » یاد کرده[۲]، احتمال می‌رود که این قلعه با قلعهٔ « دوك » یکی باشد.محل اصلی این‌قلعه برنگارنده معلوم نشد ظاهراً قابل تطبیق با یکی دوقلعه خرابهٔ نزدیك دهکدهٔ ناتل امروزی است .

خشت پل = پل آجری

بر رودخانهٔ سولده در ناتل کنار در مسیر راه کناره

رابینو دربارهٔ این پل می‌نویسد:

« برروی رودخانهٔ سولده کـه از ارتفاعات لاویج سرچشمه می‌گیرد ، پلی آجری با سه دهانه بنا شده است. »[۳]

ناصرالدین‌شاه در سفرنامهٔ خود از این پل یـادکرده است . او می‌نویسد:

« حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است ، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است واین رودخانه از وسط سولده گذشته، آبادی‌را دوقسمت کرده است .»

این پل به دستور میرزانصرالله‌خان اعتمادالدوله صدراعظم‌نـوری معروف بـه میرزاآقاخان‌نوری، ساخته شده‌است (عکس شمارهٔ ۱۶۵). دهانهٔ میانی این پل امروز باقی است و دوچشمهٔ دو طرف را کور کرده‌اند . مصالح اصلی بنا ، آجر است . کف پل را بـا سنگ قلوه‌ای فرش کرده‌اند و دو طرف لبهٔ آن را دست‌اندازی بـه بلندی

۱ــ تاریخ‌خانی، چاپ نگارنده،ص ۹۴ و۹۵ . ۲ــ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد،ص۱۵۱ . ۳ــ متن انگلیسی سفرنامهٔ مازندران واستراباد رابینو، ص۳۱ .

نیم‌متر ساخته‌اند . طاق چشمهٔ میانی‌که برجای است ، جناقی است . بلندی آن ازلبهٔ دست‌اندازی‌که بالای جناق است تاسطح‌آب دراوایل شهریورماه ۱۳۵۳، ۵۸۰سانتیمتر است . درازای سنگ فرش که بردوطرف سراشیبی جناق پل است به بیست‌وچهارمتر می‌رسد .

حمام صدراعظم

در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

بنای این حمام که روی‌درخرابی دارد تا امروز برجای است (عکسهای‌شمارهٔ ۱۶۶و۱۶۷) . دارای سربینه‌ای چهارگوشه است‌که چهارطرف آن‌را تخت زده‌اند . در میان سربینه حوضی‌گرد بـا لبهٔ بلندی است . از سربینه راهروبی بـه گرمخانـه می‌رود . بر دست راست راهرو، مستراح حمام است . گرمخانه، صحن مستطیل دارد که دریك ضلع کوچك آن خزینهٔآب‌گرم است ودر دو ضلع بزرگ، دوشاه‌نشین‌است. در شاه‌نشین سمت‌چپ ، حوض کوچـك‌آب سرد و دریك ضلع آن نوره‌خانه بنا شده است. ساکنان محل قصد داشتند حمام‌را یکسره خراب‌کنند واین اثر نیك صدراعظم‌را از میان ببرند .

عمارت صدراعظم

دردهکدهٔ سولده ازدهکده‌های ناتل‌کنار دشت‌نور

ناصرالدین شاه در سفرنامهٔ خود می‌نویسد :

« میرزاآقاخان مـرحوم یکدست‌عمارت خوب دراینجا (سولده) ساخته ، اما حالا قدری خراب شده است. به میرزاداودخان حکم شد که به شراکت

نظام‌الملك آنجا را تعمیر کند.»[۱]

این ساختمان را که نزدیك به حمام صدراعظم بوده است یکسره ازمیان برده‌اند و امروز اثری از آن برجای نیست.

مسجد صدراعظم
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

ناصرالدین‌شاه درسفرنامهٔ خود می‌نویسد:

«حمام و مسجد و پل سنگی خوبی که برروی رودخانه است، از بناهای میرزاآقاخان مرحوم است.»[۲]

این مسجد را نیز اهالی در نوسازیهای اخیر از میان برده‌اند و به‌جای آن مسجدی نوبنیاد ساخته‌اند.

مدرسهٔ آقاشیخ یحیی مجتهدنوری
در دهکدهٔ سولده از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

این مدرسه که روزی محل تدریس آقاشیخ یحیی بوده است، امروز اثری از آن برجای نمانده ودر اراضی آن آقای حسین مجتهدزاده خانهٔ مسکونی ساخته است.

امامزده قاسم بن امام موسی الکاظم علیه السلام
در ایزده (عزت‌ده) از دهکده‌های ناتل کنار دشت نور

اطاقی است به‌ابعاد ۳۶۰ سانتیمتر. صندوقی چوبین ساده درمیان بناست، درازای آن دو متر وپهنای آن ۸۵ وبلندی آن ۱۳۵ سانتیمتر است. سقف اطاق پلورکشی و

۱ــ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه، میرزا داودخان ومیرزا کاظم‌خان نظام‌الملك هر دوتن پسران میرزا آقاخان نوری هستند. ۲ــ سفرنامهٔ ناصرالدین‌شاه.

لمبه‌کوبی بـادرزبوش زده است . در ورودی بنا جنوبی است . در جنوب ومشرق بنا ایوان است . درازای ایـوان جنوبی ۵۷۰ و پهنای آن ۲۰۰ سانتیمتراست . درازای ایوان شرقی ۳۵۰ وپهنای‌آن ۱۵۰ سانتیمتر است . ستونهای ایـوانها چوبین است و سرستونهای ظریف دارد .

اطراف امامزده درختان نارنج و فك (بید) و اوجای زیاد است . گـرداگرد تنهٔ یکی‌ازدرختان اوجا پنج‌متر ودیگری به سه مترمی‌رسید .

باقی بناها و آثار تاریخی ناتل‌کنار

۱ـ قلعه‌ای قدیمی در مرتع شاله از مراتع سولدهٔ ناتل‌کنار.

۲ـ معصوم‌زاده‌ای در دینه‌کو سولدهٔ ناتل‌کنار.

۷ـ بناها و آثار تاریخی ناتل‌رستاق دشت نور

عمارت میرزا کاظم‌خان نظام‌الملک نوری[1]
دردهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت نور

درازای بنا ۲۵ و پهنای آن ۱۲ متر است . درازای آن شرقی غربی وپهنای آن شمالی جنوبی است . مرکز بنا اطاقی ۵×۳ متر است که در دو طرف شمالی و جنوبی آن دو ایوان است . جلو هر دو ایوان ستونهای پرکار و سرستونهای ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۶۸) . در دو طرف این اطاق و این دو ایوان دو راهرواست که در عرض بنا ساخته‌اند . در ضلع غربی راهرو غربی ، سه اطاق تودرتو و مغرب آنها دواطاق بزرگ تودرتو است . در ضلع شرقی راهرو شرقی نیز سه اطاق تودرتواست و در مقابل این سه اطاق ، ایوانی سرتاسری ، در عرض بناست که روی به مشرق‌دارد. بنا در دست ادارهٔ آموزش و پرورش محل بود و تا چندی پیش دبستانی در آن دائر بوده است . اخیراً دبستانی نوساز دراراضی شمالی همین بنا ساخته و دست از این بنا کشیده‌اند. درهای بنا را کنده بودند و سفالهای بام آن در یکی دو جا ریخته بود

۱ـ میرزاکاظم‌خان نظام‌الملک پسر میرزا نصرالله‌خان اعتمادالدوله معروف به میرزا آقاخان صدراعظم نوری است .

(عکس شمارهٔ ۱۶۹) . بزودی این بنای آجری مستحکم براثر غفلت مسؤولان امر از میان خواهد رفت .

حمام میرزا کاظم‌خان نظام‌الملك نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت نور

این حمام پهلوی عمارت نظام‌الملك و در شرق آن بنا شده است (عکس‌شمارهٔ ۱۷۰) . حمامی نسبةً بزرگ است.شامل سربینه وگرمخانه و خزینهٔ آب‌گرم . این حمام تا امروز دائر است و از آن استفاده می‌شود .

تکیهٔ حاجی یحیی‌خان نوری
در دهکدهٔ چمستان از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

تکیهٔ چمستان بنایی چهار ضلعی و ساده است که از بناهای حاجی یحیی‌خان نوری است .

نهرهای منشعب از لاویج‌رود

سربند لاویج‌رود در توسکابن است . از توسکابن نهری به طرف دست راست جدا می‌شود و دهکده‌های: عبدل‌آباد ، عرب‌خیل ، طالب‌آباد ، سنگین‌ده ، سیاکلا، مغان‌ده ، رستم‌رود و ایزده بالا وپایین را آبیاری می‌کند .

از توسکابن نهری به سمت چپ منشعب می‌شود و دهکده‌های : اسپی‌کلا ، سیدکلا ، مردو[1]، نصرت‌آباد ، حاجی‌آباد ، وسولده را مشروب می‌کند .

امامزاده سید حسین
در جنگل‌سازی‌یك[2] از اراضی اسبی‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است ازخارج چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۷۱) و از داخل هشت‌ترك .

۱ــ بفتح میم . ۲ــ بفتح یاء دوم .

پهنای هریك ازترکهای داخلی آن ۱۸۰ سانتیمتر است . بام بنا ، گنبدی مدور و نوك‌تیز است. برجدار هر یك از اضلاع داخلی ، طاقنمایی است. در دوضلع شمالی‌و جنوبی ، در وسط طاقنماها ، دو نورگیر مشبك چوبین است . صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بنا مرقد را پوشانده است . درازای آن ۱۹۰ و پهنایش ۱۰۰ وبلندیش ۱۳۰ سانتیمتراست . در ورودی بقعه درکفش‌کن است (عکس شمارهٔ ۱۷۲) . بلندی آن ۱۶۰ وپهنای هرلنگه ۴۸ سانتیمتراست . این عبارات‌برآن نقرشده‌است :

برپائوی سمت راست لنگهٔ سمت چپ :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم ـ تا ـ بماشاءوسع. »

برپاسار‌بالای لنگهٔ سمت چپ :

« کرسیه‌السموات والارض ولایؤده . »

برپائوی سمت چپ از بالابه پایین :

« حفظهماوهوالعلی‌العظیم ـ تا ـ والذین‌کفرواالولیاؤهم الطاغوت . »

برپاسار دوم لنگهٔ سمت چپ :

« ناد علیاً مظهرالعجائب ـ تا ـ کل هم وغم .»

برپاسارسوم لنگهٔ سمت چپ :

« سینجلی بولاتیك یاعلی یاعلی یاعلی سنه ۱۳۰۶. »

برپائوی راست لنگهٔ سمت راست :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الهی بنبیی عربی و رسول مدنی . »

برپائوی چپ لنگهٔ سمت راست :

[« به علت فرسودگی خوانده نشد درآخر] حرره . . . . فی ۱۳۰۶ .»

برپاسار بالای لنگهٔ سمت راست :

« عمل کربلائی کاظم نجّار جزنی. »[1]

«اللهم صل علی‌محمد وآل محمد عجل فرجهم . »

برپاسار سوم :

« وقف امامزاده سید جلیل سمی‌خامس‌آل‌عبا . »

اطراف بقعه محوطهٔ جنگلی وسیعی است. حوضی‌به درازای ۳۷۰ وپهنای ۲۸۰ سانتیمتر نزدیك بنای بقعه است. درختان عظیم و کهنسال آزاد در ایـن محوطه زیاد است . گرداگردتنهٔ یکی از آنها ۵۶۰ و دیگری ۴۵۰ سانتیمتر است . گرداگرد تنهٔ درختان‌آزاد دیگر کمتراز اینهاست .

آثار گورستان قدیمی وخانه‌سرا دراطراف بقعه دیده‌می‌شود. ظاهراً دهکده‌ای قدیمی بوده که به عللی از میان رفته است .

تپه‌ای قدیمی به‌نام‌امسی‌یك[2]

طرف قبلی‌جنگل سازی‌یك در اراضی اسپی کلای فائل‌رستاق دشت‌نور

کوتی بزرگی است که آثار سنگهای بنابرآن زیاداست وظاهراً زمانی حفاری نیز شده است .

امامزاده‌قاسم

در دهکدهٔ پایین ورازده ازدهکده‌های فائل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل هشت‌ترك و از خارج چهارضلعی (عکس شمارهٔ ۱۷۳) . در دوضلع شمالی وجنوبی دو نورگیر مشبك چوبین است . در جداراضلاع داخلی تا زیر سقف طاقنماهایی ساخته‌اند . در طاقنمای ضلع غربی و دو ضلع دوطرف آن و بر

۱ــ جزن بفتح‌جیم وزاد، ازدهکده‌های طالقان است. ۲ــ بفتح‌الف وسکون‌میم و فتح یاء دوم .

طاقنماهای دوضلع در ورودی که شرقی است گچ‌بری دارد. درازای هر یك از اضلاع به ۱۸۰ سانتیمتر می‌رسد .

سقف بنا پلورکشی است. ابتدا دربالای هریك از اضلاع هشت‌ضلعی دو شیرسر نصب کرده تا دهانهٔ سقف را جمع‌تر کنند،سپس روی شیرسرها را بسته وپلورها را بر آنها استوار کرده‌اند.جهت پلورها، شمالی جنوبی است .بالای پلورهای چهارنبش را پردی کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند و درز آنها را با درزپوش لبه‌زده ، پوشانده‌اند . صندوقی در وسط بنا مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۰۰ و پهنای آن ۱۱۵ و بلندی آن ۱۱۶ سانتیمتراست وبرچهارپایه به‌بلندی ۱۲ سانتیمترمتکی است . بدنهٔ مرقد تا جائیکه اززیرصندوق دیده می‌شودکاشیکاری است.کارصندوق نوعی شبکه‌کاری بسیار ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۴) . یعنی ابتدا آنها را باظرافت تمام (در حدود پنج‌شش‌میلی‌متر)تراشیده‌اند وبه شکل‌ستاره‌ای بیست‌وچهار پردرآورده وبرمتن تخته‌ای چسبانیده‌اند. بربالاسروپایین‌پای صندوق هریك یك نگار ودر دوبدنهٔ دیگر هریك دو نگار(شمسه) ستاره‌ای۲۴ پر،کارکرده‌اند. چهار طرف هرنگار حاشیه‌بندی دارد . زمینهٔ حاشیه به‌رنگ نارنجی‌است وحاشیهٔ مشبکی که روی‌آن چسبانیده‌اند به رنگ سبزاست . این حاشیه‌بندی زیبایی خاصی به‌نگارها داده است . در ورودی بقعه شرقی است . بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۵۰ سانتیمتراست . هر دو لنگه در، مشبك‌کاری چوبین ظریف است (عکس شمارهٔ ۱۷۵) . برپاسار وسط لنگهٔ سمت چپ این عبارات نقر شده است :

« بتاریخ غرهٔ جمادی‌الاخر . »

برپاسار وسط لنگهٔ سمت راست :

« فیسنهٔ ۱۲۹۹ . »

کفش‌کنی جلو در ورودی بنا و متصل به آن است . سقف آن مانند سقف بقعه ظرافت‌کاری دارد. جلوکفش‌کن چهارستون با تکاتلی چوبین مشبك ظریف است . بام بقعه و کفش‌کن سفالپوش است . سنگ قبر مرمری داخل بقعه است کـه این عبارات با خط نستعلیق خوش بر آن حك شده است:

«هوالله تعالی‌شأنه

الحکم‌لله الواحدالقهار

وفات مرحوم مغفورمبرور الی‌رحمةالله الملك‌الغفور علی‌نقی‌ابن کربلائـی محمدلطیف بابوکر[1] ۱۱۷۷ ه‍(عکس‌شمارهٔ ۱۷۶) .

اطراف بقعه گورستان قدیمی است و درختان گردو وانار کهنسال زیاد دارد .

قلعه‌کوتی موزی‌سی

در دهکدهٔ قلعه‌کوتی ازدهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

قلعه‌کوتی دهکدهٔ کوچکی است باچهار خانوار سکنه درجنوب دهکدهٔ پایین ورازده . در اراضی این دهکده ، خـاك‌ریز دستی بزرگی بوده است . بر بالای ایـن خاکریز روزی قلعه‌ای ساخته بوده‌اند . در خرابه‌های این قلعه شمشیر وخنجر و سپر فراوان قدیمی‌به دست‌آمده است. چنان می‌نماید که زرّادخانه‌ای بوده است . مقدار زیادی از خاکهای این خاکریز را در اراضی کشتزار پهن کرده و در حـدود یك‌سوم خاکریز برجای است .

۱ــ از خاندانهای قدیمی ساکن نور .

سید اسکندر

در خرابه باری‌کلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است از داخل به شکل مربع مستطیل به درازای ۶۰۰ و پهنای ۴۱۰ سانتیمتر. سقف بنا، پلورکشی و پردی‌کوبی (پل‌کوبی) ساده است. دونورگیر مشبك در دو جهت شمالی و جنوبی تعبیه شده است. صندوقی چوبین مشبك‌کاری ظریف پرکار، نظیر صندوق امامزاده قاسم‌که سابقاً شرح دادیم، دروسط بنا، مرقدرا پوشانده است. درازای صندوق۱۸۵ وپهنای‌آن ۱۰۰ و بلندی‌آن ۱۰۵ سانتیمتراست. صندوقها و درهای مشبك وتکائلهای مشبك جلو کفش‌کن بقعه‌های امامزاده قاسم و سیداسکندر کار یك استاد نجّار است. اما نام خود را در هیچیك از این آثار یاد نکرده است.

در ورودی بقعه سیداسکندر شرقی است. بلندی آن ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۵۰ سانتیمتر است. هر لنگه دارای دو تنکهٔ مشبك‌کاری و سه پاسار و دو باثواست. در ورودی بقعه تاریخ ندارد وظاهراً درحدود سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ یا یکی دوسال پس و پیش ساخته شده است. در ورودی در کفش‌کنی به درازای ۴۶۰ و پهنای ۳۳۲ سانتیمتر باز می‌شود. در جنوب این کفش‌کن سه ستون با سرستون وتکائلهای مشبك چوبین است. اطراف بقعه، محوطهٔ وسیعی‌که گورستانی قدیمی است و درختان‌آزاد کهنسال درآن فراوان است. گرداگرد تنهٔ بعضی‌ازآنها ازاین قراربود:

۶۰۰ سانتیمتر، ۳۵۶ سانتیمتر، ۳۴۰ سانتیمتر، ۲۳۰ سانتیمتر. درخت مازوی کهنسالی نیز نزدیك بقعه دیده می‌شود.

بیت
در دارکلا از دهکده‌های ناتل‌رستاق دشت‌نور

سه در اطاق در امتداد هم است کـه اخیراً به همان طرح قدیم با آجر تجدید بنا کرده‌اند . سراسر بام لت‌پوش است. قدمگاهی است که مورد احترام بهائیان‌است.

شاه‌بالو
دردهکدهٔ آهودشت[1] ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی است هشت ترك از آجر که بلندی آن تا زیر قرنیس‌گنبد یازده متر تمام است (عکس شمارهٔ ۱۷۷) . در هر یك از اضلاع داخلی طاقنمای بلندی است‌که تا ابتدای انحنای گنبد داخلی می‌رسد . سقف بنا از داخل گنبد عرقچینی است و بـام آن ازخـارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است. بدنه‌های اضلاع داخلی نقش و نگارهای زیبـای‌قدیمی داشته کـه در تعمیرات بعدی روی آن را با گچ پوشانده‌اند. از ایـن نقشها ستاره‌ای هشت‌پر در وسط گنبد عرقچینی برجـای است (عکس شمارهٔ ۱۷۸) که دنبالهٔ هرپر آن ادامه پیدا می‌کند و به‌کمر گنبد می‌رسد .

در طاقنمای داخلی سمت چپ در ورودی بقعه در دایره‌ای عبارات زیـر نوشته شده است :

« درب‌الیاس‌گفت گیرد (؟) درین آستان دعای بخیر می‌خواهد متولی‌این مقام درویش حسن دارا » (عکس شمارهٔ ۱۷۹).

در درگاه سمت راست در ورودی در دایره‌ای نام معمار وپیشکار بناست که به

۱ـ آهودشت:ده ازدهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان‌آمل، بیست ویك‌کیلومتری جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳) .

علت فرسودگی روشن خوانده نشد . این کلمات برآن واضح بود :

«معمار پیشکارآن پاشابن تهمراس بکشاه‌جمشید ...» (عکس‌شمارهٔ۱۸۰).

در طاقنمای ضلع جنوبی محرابی است . برحاشیه این محراب آیات زیر با رنگ نوشته شده است :

« اولیاءالله‌لاخوف علیهم ولایحزنون بالغ‌امره قدجعل‌الله لکل‌شیء قدرالله لاالهالا هوالله الله . »

بر بدنه‌های خارجی اضلاع نیز طاقنماهایی است‌که تابالای بنا کشیده می‌شود. بر بالای طاقنماها کتیبه‌های کاشی بوده که فعلاً سه کتیبهٔ آن باقی است وآنچه باقی مانده صلوات برچهارده معصوم است (عکس شمارهٔ ۱۸۱) . بالای کتیبه‌ها سه رگ آجر است و بالای رگ سوم انتهای قرنیس‌های نیم‌کشکولی با سینه‌کفتری است. در هر ضلع هفت قرنیس نیم‌کشکولی است و بر بالای هردو قرنیس یك کاشی آبی به شکل نیمه‌بیضی کار شده است . مجموع کاشیها در هرضلع به شش عدد می‌رسد . بالای‌کاشیها،کتیبهٔ دندانه و بالای آنها قرنیسی از سنگ لاله است‌که آبهای ترکهای گنبد از لبهٔ آنها برزمین اطراف گنبد می‌ریزد .

برسردر ورودی‌کتیبه‌ای چهارگوشه‌ازگچ است‌که نام بنابرآن خوانده می‌شود:

« عمل بهرام بنّابن‌علی . . . . بنا » (عکس شمارهٔ ۱۸۲) .

ابیات زیر بنابرنقل آقای خانباباخان سلطانی بربالای در ورودی این بنابوده است و امروز نشانی از آن برجای نیست .

« بردرگه دوست چون رسی‌گولبیك کانجا نه سلام راه دارد نه علیك

این وادی کعبه است نگهدار قدم این‌وادی عشق است‌فاخلع‌نعلیك»

کتیبه‌ای از آجر بخته بربالای نمای خارجی ضلع قبلی است که این شعر با

خطی خوش بر آن حك شده است :

« شه کیومرث ابن سلطان بیستون ظل خدا

درزمان هشتصدوچل ختم فرمود این بنا .»

(عکس شمارهٔ ۱۸۳) .

برسر در ورودی اصلی بنا خفتگی مشبك چوبین نیم دایره ایست که بسیار ظریف و پرکار است (عکس شمارهٔ ۱۸۴) . بر دست راست سردر ورودی گچ بریهای قدیمی باقی مانده که دقت و ظرافت کار را نشان می‌دهد نقش آن گل و بوته و پرنده است (عکس شمارهٔ ۱۸۵) . زیراین گچ بری ازکاشی، دوازده ضلعی هایی درآورده اندکه در مرکز به شش ضلعی تبدیل می‌شود (عکس شمارهٔ ۱۸۶) .

دلاك خانه

بنای هشت ترك کوچکی درسمت راست در ورودی بنای شاه بالوست که ظرافتی تمام دارد و معروف به دلاك خانه است (عکس شمارهٔ ۱۸۷) .

سنگ قبری قدیمی که ظاهراً مربوط به قرن نهم هجری است از زیر خاك هنگام تعمیر بنا بیرون آورده بودند (عکس شمارهٔ ۱۸۸) .

محمدبن بکربن علی ابن ابی طالب علیه السلام
دردهکدهٔ بوته ده ناتل رستاق دشت نور

بنـایی ساده است ، تکیه‌ای وسیع و بزرگ اطراف بناست . سقانفـاری نسبةً قدیمی در وسط تکیه است . سقانفارها به جـای گلدسته و مأذنه است و شیپور ایـام عزا نیز در بالای آن نواخته می‌شود .

امامزاده رضا

دردهکدهٔ کچل‌ده ازدهکده‌های میان‌رود[1] سفلای نور

بنایی است هشت‌ترك کـه درازای هـرضلع از داخل ۱۸۰ سانتیمتر است . بر جدارهای داخلی و خارجی اضلاع طاقنماهایی با طاقهای هـلالی است (عکس‌شمارهٔ ۱۸۹) . سقف از داخل گنبدی عرقچینی است‌که برروی اضلاع هشت ضلعی ، بدون گوشوار مستقیماً زده‌اند . دراضلاع غربی وجنوبی و شمالی سه سوراخ نورگیراست و در ضلع جنوبی، نورگیر مشبکی از گچ در دهانهٔ سوراخ تعبیه کرده‌اند . در ورودی بقعه دولنگه‌است، بلندی هـر لنگه ۱۵۰ و پهنایش ۴۰ سانتیمتر است . دوکتیبه بـر پاسارهای زیرین تنکهٔ بالا باخطی خوش حك شده است :

برپاسار لنگهٔ سمت راست :

«عمل استاد میرزا علی ولد مشهدی رمضان قصری .»

برپاسار لنگهٔ سمت چپ :

« بتاریخ دهم شهرربیع‌الاول مطابق ۱۰۲۹ کتبه عبدالله . . . . »

بنـا از خارج نیز هشت‌ترك است و گنبدی‌کلاه‌درویشی بلنـد دارد . مسجد و کفش‌کنی بـه بنا الحاق کرده‌اندکه هیچگونه اثر هنری در آن نبـود .

گورستانی بزرگ اطراف بقعه است . درختان آزاد کهنسال دراین گورستان زیاد است. یکی‌از درختان که براثر خشك شدن‌آن را انداخته بودند، گرداگردتنهٔ آن به ۵۶۰ سانتیمتر می‌رسد.درخت آزاد دیگری که برپاست‌گرداگردتنهٔ آن به ۵ متر تمام می‌رسد .

سقانقاری زیبا در محوطهٔ قبرستان بنا شده است (عکس شمارهٔ ۱۹۰) .

۱ــ آب میانرود از انگتارود است .

امامزاده محمدبن بکربن علی‌علیه‌السلام
در بوته‌ده ناتل‌رستاق دشت‌نور

بنایی ساده و ناچیز بود . هیچگونه اثر هنری در آن دیده نمی‌شد . بربام بقعه سقانفاری بود . جمع بودن بنای بقعه و سقانفار تنها دراین محل دیده شد (عکس شمارهٔ ۱۹۱). معمولاً سقانفار از بنای بقعه جدا ساخته می‌شود .

مسجد علامهٔ نوری
در دهکدهٔ سعادت‌آباد[1] ازدهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

بنای مسجد مستطیل شکل است . درازای بنا ۲۵ و پهنایش ۸ متراست . در درازای بنا در وسط، شش فیلپای آجری است‌که مقطع آنها مربع است.پلورهای سقف بردیوارهای دو طرف وبردوش‌کش روی فیلپاها استوار است . سراسر سقف بنا از بالا پل کوبی است وبام آن سفال‌سر است.در ورودی شرقی است و پنجره‌هایی در اطراف بناست .

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ سعادت‌آباد از دهکده‌های میانرود سفلای دشت‌نور

بنایی‌است از سنگ وگچ (عکس شمارهٔ ۱۹۲) که سربنیهٔ بزرگی داردکه در چهار طرف‌آن چهار صفه است . سقف سربنیه‌گنبدی وسقف صفه‌ها گهواره‌ایست . در چهارزاویهٔ سربنیه چهار محفظهٔ کوچك است‌که هریك‌گنبدی‌کوچك دارد. در وردی حمام‌دریکی از این محفظه‌ها ودر گرمخانهٔ آن دردیگری است . راهرویی در میان

۱ــ نام قدیمی سعادت‌آباد «نای» یا «نی» است .

سربنیه وگرمخانه است . گرمخانه فضایی است مربع شکل که در دوطرف آن دوصفه است . دریکی ازصفه‌ها ، حوض‌لوزی با اضلاع تزیینی ساخته‌اند که آب سرد درآن جریان دارد. ازهمین‌صفه به فضایی‌که شاه‌نشین حمام است می‌رود که راهی‌به خزینهٔ آب‌گرم دارد. مدخل خزینهٔ‌آب‌گرم درمیان فضای‌گرمخانه است. ازارهٔ دیوار داخلی حمام تـا یك متر کاشیکاری است . کاشیها هشت ضلعی دو بـه‌دو برابر است کـه میان اضلاع کوچك آنها قالب‌کاشی‌کوچك مربع شکلی کارکرده‌اند. بالای کاشیها یك رگ حاشیه‌بندی دارد.

نهرهای منشعب از رودخانهٔ انگتارود

نهرهای دست چپ‌آب انگتارود :

نهر ایرکاکه سربندش ایرکا است ودهکده‌های افراده وسعادت‌آباد را مشروب می‌کند. ازایرکا، نهری‌به‌کیوسر (کیاسر) می‌رود واراضی دهکده را آبیاری می‌کند.

نهرهای دست راست آب انگتارود :

نهری‌که سربندآن درآجی‌کلااست،ازآجی‌کلا به پولادکلا وهسه‌با[1] (همصفا)و تن‌رز[2] ودلیرکان وکجلده می‌رود واراضی‌کشت این دهکده‌ها را آبیاری می‌کند.

حمامی قدیمی
در دهکدهٔ امیرآباد از دهکده‌های میانرودسفلای دشت‌نور

حمامی‌استازآجر،دارای سربنیه‌وگرمخانهٔ بزرگ‌که‌به دستورامیرمصدق‌نوری ساخته شده است.دهکدهٔ امیرآباد رانیزامیرمصدق آبادکرده وبه‌نام خود نامیده است.

۱ـ بفتح‌ها و کسر سین . ۲ـ بفتح تاء وکسر نون و فتح راء .

عمارت قشلاقی امیرمصدق‌نوری
در دهکدهٔ عبدل‌آباد[1] از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است دوطبقه ازآجرکه در وسط طبقهٔ‌پایین سرسرایی است . در دوطرف این سرسرا دواطاق است که پهنای آنها متصل به‌سرسراست . ودر دوطرف این اطاقها دو اطاق دیگر است که دوبال بنا را تشکیل می‌دهند. نظیر همین طرح عیناً درطبقهٔ دوم است . پلکانی از سرسرای وسط طبقهٔ اول به‌طبقهٔ دوم ساخته‌اند که راه رسیدن به طبقهٔ دوم است. سراسر سقف پلورکشی وپل‌کوبی است. لبهٔ بنا دارای یك شیرسرو یك پشته است. بام بنـا سفال‌سراست. فعـلاً این عمارت محل دبستان عبدل‌آبـاد است (عکس‌شمارهٔ ۱۹۳). باغ‌اطراف بناکه وسعتی داشته،امروزمحدود به‌حیاط‌دبستان شده است وباقی اراضی آن را دیگران تصاحب کرده وساختمان کرده‌اند .

امامزاده بلال‌بن‌عون‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ نانواکلا[2] از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

بنایی است چهارگوشه (عکس شمارهٔ ۱۹۴) که در وسط آن صندوقی تخته‌ای ساده مرقد امامزاده را پوشانده است . دربابین پا و بالای سر مرقـد دو ستون چوبین قطور چهارسوی پخ‌زده است‌که سرکشی برآن استوار است . پلورها برسرکش وسط و دیوارها متکی است . بریك‌بدنهٔ ستونی کـه نزدیك در ورودی است عبارات زیر دو خطه‌نقرشده است :

۱ــ عبدل‌آباد : عبدالله‌آباد ده از دهستان ناتل‌رستاق‌بخش نور شهرستان آمل ، شانزده کیلومتری‌جنوب شرقی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) . ۲ــ نانواکلا : ده ازدهستان‌ناتل‌رستاق بخش نورشهرستان آمل،دوازده‌کیلومتری جنوب شرقی‌سولده (فرهنگ جغرافیایی‌ایران ،ج ۳) .

« نجّاری‌کاری این‌معصوزادهٔ جلیل‌القدر را سرکارصناعت دستگاه کربلایی مرتضی‌بن‌لطفعلی طایفهٔ گرجی حرر سلمان بن محمدبن ملامحمود ملك ساکن قریهٔ یالو فیسنة ۱۲۹۸. »

بریك بدنهٔ دیگر ستون یادی ازبنّای این ساختمان شده است :

« عمل کربلائی مرتضی ۱۲۹۸. »

بریك جدارستون بالاسرکه ستون دوم است این کلمات نقرشده است :

« عمل گمگشتهٔ دیاروفا سرگشته وغریب وبینوا رمضانعلی متو ۱۲۹۸ . »

ایوانی نیز درجلو بناست‌که آن نیز پنج‌ستون چوبین‌چهارسو در درازا دارد . در دو طرف کفش‌کن دو جرز است که گچ‌بری ظریف دارد (عکس شمارهٔ ۱۹۵) و بر بالای آن سرکشی است‌که پلورهای ایوان بردیوارها و این سرکش استوار است .

گورستانی وسیع اطراف بقعه است که درختان کهنسال فراوان آزاد و گردو منظره‌ای بسیار دلپذیر به‌آن داده است . لاویجه‌رود ازکنار محوطهٔ بقعه می‌گذرد .

آب‌انباری قدیمی
در دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های فاتل‌رستاق نور

بنای اصلی از بنیاد چهارگوشه است که هر ضلع آن شش‌متر است . دیوارهای بنا سنگ وساروج وگنبد بالای آن را که‌برآمدگی آن زیاد است از سنگ وآجر و ساروج زده‌اند . پاشیرآن پانزده پله می‌خورد وبه شیرآب دسترسی پیدا می‌کند . تا سه‌چهار سال پیش که این دهکده لوله‌کشی نداشت ازآب آب‌انبار استفاده می‌کردند. هنوز آب‌انبار از حیز انتفاع نیفتاده است .

آن از شمال به سلیاکوتی واز طرف جنوب به سنگ‌بند واز طرف مشرق به سرکاج و از طرف مغرب به خوریه (خریه) منتهی می‌شود .

درگورستان قدیمی آن که بسیار وسیع است ، یکی دوگنبد ومسجد خرابه‌ای به نظر می‌رسد که بقعهٔ سیدعبدالله یکی از آنهاست (عکس شمارهٔ ۱۹۷) . بقعهٔ سیدعبدالله هشت ترك است. دوترك قبلی وشمالی‌آن پهن‌ترازسایراضلاع‌است ودرازای آنها به ۲۴۰ سانتیمترمی‌رسد . درازای دوضلع غربی وشرقی از داخل ۱۶۰ و اضلاع میان اینها ، هر یك یك‌متر تمام است . سقف بنا گنبدی بیضی شکل است . صندوقی سادهٔ چوبین در وسط بناست. در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی به درازای سه‌مترو پهنای ۲۱۰ سانتیمتر بازمی‌شود . دونورگیرمشبك در دوضلع شمالی وجنوبی است .

شاه رضاکیا سلطان

درگورستان قدیمی ناتل ازدهکده‌های ناتل‌کنار نور

بنایی‌است هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۱۹۸)که درازای هرترك‌آن۲۱۰سانتیمتر است.سقف بناگنبدی‌مدور به‌بلندی هشت متروبام بنا ازخارج‌کلاه‌درویشی‌است. بالای دیوارها ، شانزده‌طاقنمای‌کوچك بناکرده وبدین‌ترتیب دهانهٔ هشت ضلعی راجمع و نزدیك به دایره‌ساخته وکمربندگنبد رابرطاق طاقنماها استوار نموده‌اند .گنبد را با گچ‌بری به‌چهارقسمت کرده وچهار شیروخورشید درآنها نقاشی‌کرده‌اند .

صندوقی بزرگ چوبین در وسط بناست که‌درازای‌آن ۲۶۰ وپهنایش ۱۲۰ و بلندیش ۱۱۰ سانتیمتر است .

کفش‌کنی چهارگوشه به‌ابعاد ۳۴۰ سانتیمتر در جلو در ورودی است‌که سقف آن‌گنبدی‌گرد ونوك‌تیز است.

درورودی دو لنگه به‌بلندی ۱۶۰ و پهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتر است .

بر بائوی سمت راست لنکهٔ سمت چپ عبارات زیر نقرشده است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم گشاده‌باد بدولت همیشه این درگاه بحق‌اشهد ان‌لااله‌الاالله الله‌لااله‌الاهوالحی‌القیوم لاتأخذه.»

بر پاسار بالای‌لنکهٔ سمت چپ :

«سنة ولانوم لهما فی‌السموات وما فی‌الارض .»

بر بائوی سمت‌چپ لنکهٔ سمت‌چپ:

« من‌ذاالذی یشفع عنده‌الاباذنه یعلم ما بین‌ایدیهم وماخلفهم ولایحیطون .»

بر پاسار سوم :

«بشیء من‌علمه الابماشاء وسع کرسیه‌السموات . »

بر بائوی سمت چپ :

«والارض ولایؤده حفظهما وهوالعلی‌العظیم‌لااکراه فی‌الدین‌قدتبین‌الرشد.»

بر پاسار پنجم :

«من‌الغی فمن یکفر بالطاغوت ویومن بالله فقداستمسك بالعروة .»

بر پاسار دوم نام مدفون دراین بناست‌که درمیان آیات‌کلام‌الله مجیدگنجانده شده‌است :

«شاه رضاکیا سلطان‌بن عمرابن‌امام‌موسی‌کاظم.»

بر پاسار بالای لنکهٔ سمت راست:

«آنانکه خاك را بنظر کیمیاکنند آیابودکه‌گوشهٔ چشمی بما کنند .»

بر بائوی سمت‌راست لنکهٔ راست :

«الوثقی ـ لاانفصام‌لها والله سمیع‌علیم ـ تا ـ اصحاب‌النارهم فیهاخالدون.»

بر پاسار دوم :

«عمل صندوق و در بدست

هرکـه خوانـد دعا طمع دارم زانکـه من بندهٔ گنـه کارم .»

بر پاسار سوم:

«یاصاحب‌الزمای سرجدت شتاب‌کن

عالم خراب‌گشت تو پا در رکاب کن

۱۳۰۱.»

بر پاسار پنجم :

«حرر رضا ولد مرحوم مغفور معصومعلی توب غفرالله‌له ولوالدیه.»

بر بائوی سمت چپ لنگهٔ سمت راست‌که دنبالهٔ عبارت پاسار دوم است :

« محمدکاظم ولد مرحوم الله‌وردی میان‌بندی نوری شهررجب مطابق سنهٔ هزاروسیصدو یك ازهجری نبوی‌صلی‌علی‌وآله.»

مسجد جامع

در دهکدهٔ ناتل از دهکده های ناتل‌رستاق نور

مصالح بنای این مسجد آجر وگچ بوده است (عکس شمارهٔ ۱۹۹) . درازای آن۲۳ متر وپهنایش ۹۶۰سانتیمتر است و قطر دیوارهای بنا به۸۰ سانتیمتر می‌رسد. بیش‌ازیك‌سوم از دیوارشمالی وکمی از دیوارشرقی آن برجای مانده است . حوضی مستطیل شکل در غرب بنای مسجد است .

قلعه‌ای قدیمی
در اراضی جنگل گل‌باغ ناتل در ناتل‌رستاق نور

مصالح بنا ازآجر وگچ بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۰) . دیوارهای اطاقها و آب‌انبارگودآن برجای‌است. پهنای دیوارهای موجود به۱۱۰سانتیمتر می‌رسد . قلعهٔ دیگری‌نیز در اراضی‌گل‌باغ است که خندقی عمیق دارد. درازای سطح بالای‌آن۵۰ متر وپهنایش ۲۵متراست. در جنگل‌گل‌باغ که‌خود مسلماً روزی باغ‌گل بوده‌است ، آثـار فراوانی از بناهای قدیمی به‌چشم می‌خورد .

راه سنگفرش
از ناتل تا پای‌کوه جنوبی

از ناتل قدیم راهی سنگفرش به پای‌کوه جنوبی‌کشیده شده است واز محلهای زیر می‌گذرد :

گل‌باغ ، مالامال، لرک[1] چشمه و سنگ‌بند .

قلعهٔ همت‌آباد
در جنگل همت‌آباد نزدیك دهکدهٔ کـردآباد
از دهکـده‌های‌ناتل‌رستاق نور

نزدیك به دهکدهٔ‌کردآباد جنگلی به‌نام همت‌آباداست.دراین‌جنگل تپه‌ایست که آثار قلعه‌ای قدیمی برآن پیداست .

۱ــ بفتح لام و سکون راء و کاف .

قصر و حمام و بازار و مسجد واتاشان
در جنگل واتاشان در جنوب دهکدهٔ نصرت‌آباد
از دهکده‌های ناتل‌رستاق نور

سید ظهیرالدین مرعشی در بارهٔ این آثار می‌نویسد :

« سید فخرالدین هنگامی که فصل خزان رسید به ولایت ناتل‌آمد و قریهٔ واتاشان را جهت موطن ومسکن ومقام ایالت و سلطنت خودتعیین فرمود و مردم رستمدار را خبر دادند تا جمع‌شوند و نزد برادران‌خود جهت‌عمارت آن دیار مدد طلب داشتند . حسب‌الاراده ازآمل وساری بیگاری واستادان ماهر روان ساختند و در روز سعید طرح عمارت‌کشیدند و حفر خندق‌عظیم به گرداگرد آن‌سرا فرمودند کرد و بنیاد قصر و حمام و بازار و مسجد و ابواب‌البرّ را از هر نوع طرح کشیدند و مردم را به‌سرکار بساز داشتند و به‌جهت هرسرکاری سردار دانا وکامل تعیین فرمودند .»[۱]

ظاهراً همین آثار است‌که امروز تبدیل به‌یکی دوتپه شده و در چهارصدمتری جنوب جادهٔ سولده به چمستان ، درجنوب دهکدهٔ کوچك نصرت‌آبادکنونی ، به‌جای مانده است و به‌شکل خاکریزی دستی به بلندی ۷متر که قطر دایرهٔ بالای آن سی‌متر است دیده می‌شود . خندق آن برجای است و در نزدیکی آن تپهٔ دیگری نیز باقی است .

رابینو دربارهٔ این بناها می‌نویسد :

« فخرالدین بن قوام‌الدین مرعشی پس‌از فتح رستمدار ، واتاشان‌را درناتل برای مقرّ خود برگزید و از ساری و رستمدار افرادی فراهم‌آورد وخندق

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ص ۲۸۶ .

عمیقی دورشهر حفر کرد و اقامتگاه و حمامی برای خود وبازار و مسجدی جهت مردم ساخت.»[۱]

پل لیشام
برروودخانهٔ شیم‌رود در شرقی ناتل از دهکده‌های ناتل‌رستاق

لیشام‌دیلمی براین رود پلی‌بسته است‌که به نام «پل‌لیشام» معروف است. سید ظهیرالدین می‌نویسد:

«آن رودخانه‌را که از شرق ناتل جاری است و شیم‌رود می‌خوانند، پلی‌که بدانجا لیشام دیلمی بسته بود «پل لیشام» می‌گفتند.»

ازاین پل هیچگونه نشانی برجای نیست. آبی‌که امروز از زیرکوه«سوردار» سرچشمه می‌گیرد به‌نام «شامی‌رو» معروف است. ظاهراً «شامی‌رو» شکل دیگری از «شیم‌رود» است ولیشام برروی همین رود پل بسته بوده است.

گور بکربن عبدالعزیزبن ابی دلف عجلی
نزدیك پل‌لیشام‌که برروودخانهٔ شامی‌رو (شیم‌رود) بوده است

سیدظهیرالدین می‌نویسد:

درجنگی‌که میان داعی‌صغیر یعنی محمدبن‌زیدبن اسماعیل‌حالب‌الحجاره‌و اسپهبدرستم‌بن قارن واقع شد، اسپهبد به رافع‌بن هرثمه پیوست و اورا به مازندران آورد. داعی ازآمل‌فرارکرد وبه‌کجور رفت و ازآنجا بدیلمان افتاد. داعی در دیلمان به جمع سپاه پرداخت وبه چالوس آمد. رافع در چهار فرسنگی چالوس در دهکدهٔ خواج آمد. داعی ازچالوس بگریخت.

۱ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران واسترابادرابینو، ص ۱۵۱.

رافع به قزوین رفت. لشکر خلیفه با رافع جنگ کردند واورا شکست دادند ناچار به خراسان رفت. در ایـن وقت بکربن عبدالعزیزبن ابی دلف العجلی به داعی محمد پیوست. داعی اورا بسیارعزیزومکرم داشت و از برای اواز اسب به زیر آمد وتحف وهدایای فراوان به او داد از آن جمله هزارهزار بار درهم درصدصرّه بود واو رابا طوقوعلم روانهٔ ناتل کرد ودر خفیه دستور داد تا زهر درقفاع کنند وبدو دهند. بالاخره او را مسموم کردندو در سرپل لیشام که بررودخانهٔشیمرود (=شامی رو) است اورا مدفون ساختند.»[۱]

باقی بناها و آثار تاریخی دشت نور

۱ـ آثار دیواروحمام خرابه در دهکدهٔ دلیرسرای از دهکده‌های ناتل‌رستاق.

۲ـ قلعه کل در دهکدهٔ سیدکلا[۲] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۳ـ مدرسهٔ آقا شیخ محمدتقی مجتهد کلاگر در دهکدهٔ سیدکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۴ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ ولیسده ازدهکده‌های ناتل‌رستاق کنار جادهٔ چمستان به‌آمل نزدیك به الشه‌رود .

۵ـ امامزاده‌ای در اسپی کلا[۳] ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۶ـ قلعه‌کوتی در شهرکلا ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۷ـ قلعه‌کوتی در دهکدهٔ انارجار ازدهکده‌های ناتل‌رستاق .

۱ـ تـاریخ طبرستان و رویان و مـازندران چاپ دزن ، صفحـات ۲۹۵ و۲۹۶ .

۲ـ سیدکلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمل، ۹ کیلومتری جنوب‌شرقی سولده .(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۳ـ اسپی کلا : ده از دهستان ناتل‌رستاق بخش نور شهرستان آمـل ، دوازده کیلومتری جنوب شرقـی سولده (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

۸ـ بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

امامزاده قاسم‌بن علی‌بن امام محمدباقر معروف به چارسی آقا دراراضی دهکدهٔ پیمد از دهکده‌های میان‌بند نور

بنایی‌است چهارگوشه، با ایوانی مقابل در ورودی که دارای شش‌ستون‌با سر-ستونهای‌ظریف است. سه‌طرف ایوان‌دارای‌شیرسر است ولیهٔ بام دارای دوشیرسر ویك پشته‌است. بلورهای سقف‌ایوان‌برچوبهای‌بالای‌شیرسرها متکی است. صندوقی تخته‌ای ساده، دروسط‌بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. در ورودی بناشرقی است. در محوطهٔ اطراف بقعه‌گورستانی‌قدیمی‌است. درطرف قبلی وشمالی این‌گورهاسنگهایی یك‌پارچه به پهنای شصت سانتیمتر و درازای یـك مترونیم و دربالاسر و پایین‌پا سنگهایی بـه درازای ۸۰ سانتیمتر و بلندی شصت سانتیمتر قرار داده‌اند. سنگهای بالاسر دارای سه برآمدگی است و معمولاً نام مدفون برسنگ بالای سرحك شده است. هیچیك‌از نامها براثر فرسودگی خوانده نشد. نظیر این سنگها در گورستان فیروزکلای‌کجور و گورستان دهکدهٔ گویتر بیرون‌بشم کلارستاق دیده شده است. اطراف گنبد شاه‌بالو در آهودشت را که‌کنده بودند همانند این سنگها پیدا شده بود. تاریخ این‌نوع‌سنگها تا جائیکه نگارنده اطلاع دارد مقدم برسنهٔ ۹۰۰ هجری قمری نیست.

درایوان بقعهٔ چارسی آقا سنگ سیاهی است که این عبارات بر آن حك شده است :

« وفات مرحومه جنت‌آشیان کبریا خاتون بنت مرحمت‌پناه استاد علیخان ملقب به سیف بتاریخ روز یکشنبه رمضان‌المبارك ۱۲۶۱ . »

برسنگ قبردیگری در عمین گورستان عبارات زیر حك شده است :

برکنج سمت راست بالای سنگ :

« عمل ابراهیم‌حیدر . »

برکنج سمت چپ بالای سنگ :

« ۱۳۱۳ . »

دروسط سنگ :

« وفات . »

برکنج سمت راست پایین سنگ :

« مشهدی یحیی . »

برکنج سمت چپ پایین سنگ :

« ابن‌ملاامین . »

دزدچال[1] = دزدبن[2]

درچارسی انارکشی ورمال[3]

درزیر دست دهکدهٔ « وازك »[4] و بالادست دهکدهٔ « سرگلن » طرف راست رودخانه ، دردل‌کوه ، سه غار در سنگ دیده می‌شود که جلو دهانهٔ دوغارراچیده و

۱ــ بضم دال اول و کسر دال دوم . ۲ــ بضم دال اول و کسردال دوم وفتح‌باء .

۳ــ انار (بفتح الف) ، کشی (بفتح کاف) ، ورمال (بفتح واو) . ۴ــ بفتح ذاء .

شکل هندسی به‌آنها داده‌اند . این غارها نظیر کافرکلیبهای[1] بالا لاریجان ساختهٔ دست انسان قبل‌از تاریخ است .

قلعهٔ دارگوش

درارتفاعات دهکدهٔ وازك از دهکده‌های میان بندنور

برسمت چپ رودخانهٔ وازك ، برقلهٔ کوهی منفرد کـه اطـراف آن شیب تند و پرتگاه است ، آثار قلعه‌ای قدیمی است . سفال شکسته‌های فراوانی درپای کوه و در شیبهای تندآن دیـده می‌شود . تنها راه رسیدن به بالای کـوه ، از اراضـی کشتزار دهکدهٔ وازك است. ظاهراً این قلعه ازسنگ ساخته شده بوده است زیرا نشانی‌ازآجر در بالای کوه و در اطراف آن دیده نشد . دربالای همین کوه ، گورستانی قدیمی‌که ظـاهراً قبور ساکنان قلعه بوده است تا امروز برجای است . گـورها دارای لبه‌هـای سنگی به بلندی ۵۰ سانتیمتر بوده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۰۱) . و نظیر گورهایی‌است که در چارسی‌آقا و فیروزکلای‌کجور و گویتر بیرون‌بشم‌کلارستاق دیده شده است . برجدار بیرونی‌تمام سنگها یك حاشیه‌مانـد نقش‌داراست و سنگ بالاسر دارای سه برآمدگی است. نوشته‌هایی باخط بد درشت براین سنگها حك بوده است ولی بمرور زمان از میان رفته است . تعداد این نوع گورها بالغ بر ده عدد است . نزدیك محل التقای وازك‌رود با آب گلندرود[2] ، برپای کوهی که قلعهٔ دارگوش برآن بوده است ، گورستانی دیگر است . دراین‌گورستان قدیمی نام مدفونین را برسنگهایی‌که سیلاب آورده است کنده‌اند . یعنی قسمتی از سنگ را صاف کرده و عباراتی بر ایـن قسمت هموار ، حك کرده‌اند . هیچیك ازاین نوشته‌ها براثر فرسودگی قابل خواندن نبود .

۱ــ بضم کاف دوم . ۲ــ بفتح کاف ولام و سکون نون وکسردال .

قلعه‌ای قدیمی

میان درویش‌کلا و لشکنار[1] از دهکده‌های میان‌بند نور

برسرتپه‌ای منفرد و برآمده میان دو دهکدهٔ درویش‌کلا ولشکنار آثار قلعه‌ای قدیمی است .

امامزاده عبدالله

درسوردار[2] میان‌بند نور

اطاقی است چهارگوشه به ابعاد ۴۲۹ × ۴۹۰ سانتیمتر . درمیان درازای بنا ، دوستون چوبین قطور چهارسو با سرستونهای پرکار قرار داده و سرکشی (حمالی) برآنها کشیده‌اند . بالای دیوارها ، شیرسرهایی نصب کرده و روی آنها را با تیرهای چهارسو بسته‌اند . پلورهای سقف بنا، براین شیرسرها و سرکش بالای ستونها استوار است . بالای پلورها پردی‌کوبی (پل‌کوبی) با تخته‌های رنگین و نقاشی شده است . نقش‌ونگارهای مختلف براین تخته‌ها کشیده و آنها را تزیین کرده‌اند . درزپوشها نیز لبه‌زده و مزین و منقش‌اند .

صندوقی چوبین در وسط بنا ، مرقد را پوشانده است . درازای آن ۲۱۰ و پهنا و بلندیش نیز ۱۰۷ سانتیمتر است .

در ورودی دو لنگه است و کنده‌کاری دارد . بلندی هرلنگه ۱۶۰ و پهنایش ۴۵ سانتیمتر است .

ایوانی بسا چهارستون و سرستونهای پرکار جلو بنای اصلی است . سه طرف ایوان دارای شیرسر است و برسرکش بالای ستونها ، از دوطرف شیرسر دارد . بر

۱ــ بفتح لام و سکون شین وکسر کاف . ۲ــ سوردار نام محلی است از دهستان میان‌بند بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) .

سرکش و سرستونها ، ابیاتی ازهفت‌بند محتشم بامرکب نوشته‌اند. بردوطرف شیرسرها نیز نوشته‌هایی بوده است که بمرور زمان ازمیان رفته‌اند و فعلاً روشن و خوانا نیست . برتختهٔ بالای یکی‌از شیرسرهای ایوان این عبارت خوانده شد :

« یامحمد این عمل کربلائی مرتضی . »

امامزده صالح

برباالاترین نقطهٔ کوه‌سوردار میان‌بند نور

اطاقی است به ابعاد چهار مترونیم . صندوقی تخته‌ای ساده به درازای ۲۰۷ و پهنای ۱۰۷ وبلندی ۱۳۷ در وسط اطاق است . دوستون چوبین قطور دربالاسروپایین پای صندوق‌است. سرستونها وتراش‌بدنهٔ ستونها بسیارپرکاروظریف است (عکس‌شمارهٔ ۲۰۲) . دو پنجرهٔ نورگیر مشبك دردوضلع‌قبلی‌وشمالی است. وسط هرضلع طاقنمایی محراب مانند است . در بالای دیوارها بانصب شیرسرهای متعدد به زیبایی سقف افزوده‌اند . پلورها برشیرسرها استوار است . بالای پلورها ، پردی‌کوبی (پل‌کوبی) است.تمام تخته‌های پردی رنگین ونقش ونگاردار است.

در ورودی شرقی است ودرکفش‌کنی باز می‌شود . بلندی آن ۱۵۵ وپهنای هر لنگه ۴۲ سانتیمتر است .

برلنگه‌های در ورودی ، این عبارات نقرشده است .

بر لنگهٔ سمت راست :	بـر لنگهٔ سمت چپ :
« ای درت‌کعبهٔ ارباب نجات	«قبلتی وجهك فی کل صلات
نماند بعصیان کسی درگرو	که دارد چنین سیدی پیش‌رو
فرمایش جناب آقای نوری	در تمیشان این درها ساخته

علاء رئیس . . . . . » شده بتاریخ ۱۰ شهر شوال ۱۳۲۰ عمل محمود نجّار .»

بردماغهٔ در ورق نقره‌را به‌شکل‌دل، چهارپروداپره درآورده وکوبیده بوده‌اند. بردایره‌ای که بربالای دماغه باقی مانده است، آیاتی از کلام‌الله مجیدنقر شده است. برچهارچوب در، چشمهای‌نقرهٔ نذری چندی کوبیده شده بود.

باقی بناها و آثار تاریخی میان‌بند نور

۱ـ چهل‌تن ، گورستانی نزدیك سوردار .

۲ـ سنگ قبری قدیمی در دهکدهٔ لزیر[1] جلوخانهٔ آقای محمد اسدی که از چشمه گیجه آورده‌اند . ظاهراً درچشمه‌گیجه‌گورستانی قدیمی بوده است. نگارنده نتوانست این سنگ را ببیند.

۳ـ گورستانی قدیمی در دهکدهٔ‌وازك پنج‌کیلومتری مشرق‌گلندرود نرسیده به افراچال. معروف است هفتادتن از امامزادگان دراینجا به خاك سپرده شده‌اند .

۱ـ بفتح لام .

۹ـ بناها و آثار تاریخی میان‌رودپایین نور

۱ـ سیداسکندر امامزاده‌ای سرراه سعادت‌آباد (نای=نی)[1] به ورازده .[2]

۲ـ فلاکتی که ظاهراً محل قلعه‌ای قدیمی بوده است . امروز نام دهکده‌ایست ازدهکده‌های میانرود سفلای نور نزدیك قاسم‌آباد و کنس‌پا[3] .

۳ـ راه قدیمی آمل به نور ازکنار دهکدهٔ جلیکان از دهکده‌های میانرود ـ سفلا می‌گذرد. این دهکده درسیزده‌کیلومتری غرب شهرآمل است .

۱ـ سعادت‌آباد: ده ازدهستان میانرودسفلی بخش‌نورشهرستان آمل،دوازده کیلومتری غرب آمل.آب ازرود انگتارود است (فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) . ۲ـ ورازده بالا وپایین : ده از دهستان میانرود سفلی بخش نورشهرستان آمل ، دوازده‌کیلومتری غرب آمل(فرهنگ جغرافیایی ایران ،ج۳) . ۳ـ بضم کاف وکسرنون .

۱۰ ـ بناها و آثار تاریخی لاریج نور

۱ـ قلعهٔ لاویج درجنگل پی نسا.

۲ـ امامزاده‌ای در دهکده لاویج .

۱۱ـ بناها و آثار تاریخی نائیج نور

جغرافیای نائیج نور

نائیج نام دهکده‌ایی است که کنار رودخانه‌ای به‌نام وازرود قرار گرفته‌اند. آب این رودخانه از پشت تیرهٔ ترسناق[۱]، از دهکده‌های تابستان‌نشین گزناسره[۲]، خوش‌واش[۳] و نوجمه[۴] ورودبارك سرچشمه می‌گیرد وازچمستان[۵] و ابزده (عزت‌ده) دو دهکدهٔ زمستان‌نشین گذشته به دریای خزر می‌ریزد.

از چمستان کنار آب که رو به‌بالا برویم از محلهای زیر می‌گذریم:

جوربند، تنگ‌سر[۶] وازتنگه، لسی پشت[۷]، پایین‌واز، بالاواز، گزناسره، خوش‌واش، نوجمه، پس از طی دامنهٔ کوه رو به غرب می‌توان به رودبارك رسید و از رودبارك پس‌ازگذشتن ازگردنهٔ لیلرد[۸] می‌توان‌به سرداو وهلوپشته رفت. دهکده‌های

۱ـ ترسناق (بفتح تاء اول وسکون تاء دوم وضم راء) نام سه دهکدهٔ رزن وکرسی و تیرساق است که کناررودخانهٔ نوربیلاقی قرار گرفته‌اند. ۲ـ بفتح گاف وسکون زاءو فتح سین وکسرراء. ۳ـ بکسر شین اول. ۴ـ بضم‌نون وجیم. ۵ـ بفتح چ وکسرمیم. ۶ـ بکسر گاف. ۷ـ بکسر لام و فتح یاء دوم و سکون شین. ۸ـ بکسرلام و سکون یاء وضم لام دوم.

تا پیلار وسغل[1] و سنگ‌درکا[2] وانگتارود[3] نیزجزء نائیج‌به‌شمار است . آب انگتارود به‌الیشه‌رود[4] (الشه‌رود) که سامان دشت‌نور وخاك آمل است می‌ریزد .

آقانورکیا سلطان

در دولت‌آباد اودم[5] ازاراضی جوربند نائیج نور

بنایی است ازآجر وگچ ، از خارج مدور واز داخل هفت ترك است . یعنی دو ضلع شرقی‌آن رابه شکل یك ضلع درآورده ودر ورودی بقعه را درآن قرارداده‌اند. درازای ایـن ضلع ۲۵۰ و درازای اضلاع دیگر ۱۶۰ سانتیمتر است . در هر یك از اضلاع دیگر، طاقنمایی کوتاه باطاقی جناقی ساخته‌اند . بام بنا گنبدی مدور است و مرقد میان بنارا صندوقی‌تخته‌ای ساده پوشانده است.درحدود پنجاه‌سال‌قبل کفش‌کنی، جلو در ورودی ، متصل به‌بنای اصلی، اضافه کرده‌اند. محوطهٔ اطـراف بقعه جنـگلی انبوه است ودرختان شهر(شمشاد جنگلی) فراوان دارد. گرداگرد تنهٔیکی ازدرختان شهربه ۹۵ سانتیمتر می‌رسید. یك اصله درخت تیجی (امرود)کهنسال پربار ودرختان کراب وکهله نیز دراطراف بقعه دیده می‌شود .

دولت‌آباد ظاهراً آبادی قدیمی بوده‌که از میان رفته است، آثار بنا وساختمان در نقاط زیر دیده می‌شود :

دولت‌آباد اودم ، شهرکنی[6]، خمند[7]، پی‌دره .

دولت‌آباد اودم یعنی قسمتی از دولت‌آباد کـه کنار آب رودخانه می‌افتد . و

۱- بفتح سین وغین . ۲- بفتح‌دال. ۳- بفتح الف و سکون نون و کسر گاف . ۴- بفتح الـف . ۵- بضـم الـف و فتح‌دال . ۶- بضـم کـاف . ۷- بفتح خا، ومیم .

«شهرکتی» تپه‌ایست که ظاهراً محل دهکدهٔ قدیمی بوده است . خمند به معنی اراضی همند وهموار است .

امامزاده اسماعیل
در دهکدهٔ پایین‌واز نائیج نور

ساختمانی است مربع شکل‌که سرپوشیده‌ای متصل به‌آن است. این سرپوشیده دارای هفت ستون چوبین چهارسوی درشمال وپنج ستون درشرق است کـه تمام آنها سرستون ظریف دارند. کله‌ای[1] (اجاقی) دراین سرپوشیده است که به آتشدان بیشتر شباهت دارد . میان دو ستون ازستونهای شمالی بناکتیبهٔ چوبین برسرنال[2] (حـمال) است که این عبارات برآن حك شده است :

« ۱۳۲۲

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یـا اباعبدالله ـ فادخلوها بسلام‌آمنین عمل استاد علی‌اصغر ولد ارجمند کربلائی علی‌مراد سراثی التماس دعا.»

ساختمان اصلی بقعه متصل به‌این سرپوشیده است ودرمیان‌آن صندوقی چوبین ساده مرقد را پوشانده است.سراسربام بنا،یك چکش‌گـردان دارد. لبهٔ بام یك‌پشته و سراسر بام، لت‌پوش است .

۱ـ بفتح کاف وکسرلام . ۲ـ بفتح سین .

قلاسر

میان دوآب وازرود[1] و جز[2]

برسرکوهی منفردکه ظاهراً آن را کنده واز رشتهٔ پشت بریده و قطع کرده‌اند، آثار قلعه‌ای قدیمی است . از بناهای قلعه چیزی برجای نیست . چاه آب آن نمودار است وقسمتی از سمج و فرارگاه آن باقی است .

قلعهٔ دارنا

بردست راست آب وازرود

بر بلندترین قلهٔ منفرد این ناحیه آثار قلعه‌ای قدیمی است . آثار دیوارهای آجری وچاه وآب‌انبار وگنگهای آب‌آن تا امروز برجای است .

علی‌بن‌شمس‌الدین مؤلف تاریخ خانی ازاین قلعه در دورانی که اختلاف میان ملك‌بیستون وملك کاووس ـ فرزندان ملك‌جهانگیر ـ پیش‌آمده است مطالبی به شرح زیر نوشته :

«پس‌از وفات‌ملك‌جهانگیر استندار میان دوپسرش ملك‌کاووس وملك‌بیستون برسرملك پدراختلاف شد.ملك‌کاووس ازمیرزاعلی‌کیاکمك خواست. میرزا علی لشکرتنکابن‌را به سرداری کیامحمدکیا ولشکرگرجیان‌را به‌سرداری کاکوحسام و لشکر سختسر (رامسر) را به سرداری شیخ‌حسن بفرستاد تا به کجور روند وازآنجا ملك‌اشرف رابردارند وبااو به قلعهٔ‌نورنزد ملك‌کاووس بروند . درآنجا ملك‌شاه‌غازی را از لواسان بخواهند وبه اتفاق از بلدهٔ‌نور

۱ـ بکسر ذاء . ۲ـ بضم ج وسکون ذاء .

روانهٔ قلعهٔ دارنـا شوند . پس‌از رسیدن بـه قلعهٔ دارنا، ملـك‌کاووس خیال می‌کردکه مردم قلعه پس‌ازدیدن‌لشکریان سرازاطاعت ملك‌بیستون‌بپیچندو به او بگروند . اما چنین نشد . سه شب درآنجا مکث کردند بـالاخره کار به جنگ وجدال کشید.اختلاف میان‌سران لشکرکمکی ملك کاووس،ملك بیستون‌را جسورترکرد. سرانجام ملك کاووس را دستگیر کردند وکشتند. میرزاعلی‌که شکست لشکریان و کشته شدن ملك‌کاووس را شنید از جـای بشد از میرعبدالکریم وآقارستم ولشکرمازندران‌کمك خواست . اما چون زمستان بود ، کار به بهار افتاد .

هنگام‌بهار ،میرزاعلی،میرعضدرانزدسلطان‌هاشم‌وملوك‌رستمدارومالك‌اشرف‌و ملك‌شاه‌غازی‌لواسانی‌فرستادوازایشان‌کمك خواست.ازتنکابن،کیامحمدکیا بالشکریان وازمازندران میرعبدالکریم ومیرکمال‌الدین وآقارستم ولشکر هـزارجریب در محل واتاشان جمع شدنـد . ودر محل قدیمی کهنه‌دوك قلعه‌ای ازچوب بنا کردند تاپشت لشکریان بدان‌گرم باشد وبه حوالی قلعهٔ دارنا، رفتند. آقارستم فردای‌آن روز به‌عنوان‌گشت به‌پای قلعهٔ دارنارفت و هشت روزی درپای قلعه بماند وهرروز جنگ ازطرفین‌برپای بود وطرفین کشتهٔ بسیار دادنـد . در این وقت از مازندران خبررسیدکه بـدیع‌الزمان میرزا به مازندران‌آمده وقصد تسخیر آنجا را دارد. آقارستم پس‌از نوشتن نامه‌ای به میرزاعلی خودنیز روانهٔ مازندران شد و کار ملك‌بیستون برجای ماند .»[۱]

۱ــ تاریخ‌خانی،چاپ‌نگارنده، صفحات : ۹۱ــ۹۶ .

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی
برسر کوه علمدار سمت راست وازرود

کوه‌علمدار دنبالهٔ یال قلاسراست. برسرقله‌ای منفرد ازاین‌یال، آثاروخرابه‌های قلعه‌ای قدیمی برجای است .

قلعهٔ شاه‌کوه
برکوهی منفرد بردست چپ وازرود

از خرابه‌های این قلعه که‌بالای تنگهٔ رودبـارك قرار می‌گیـرد چندآب‌انبار باقی است .

قلعهٔ گلا[1]
در مرتع گلاپشت دهکدهٔ بالاواز

خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دراین مرتع دیده می‌شود.

قلعه‌کوتی
در مرتع کوتی بردست راست‌آب وازرود

در این مرتع نیز آثار قلعه‌ای قدیمی برجای است .

خرابهٔ دهکده‌ای قدیمی
در همند[2] بلی[3] طرف چپ آب وازرود

میان‌آب رودبارك و آب بلی، درهٔ کوچکی است. نزدیك این دره همندی‌است که درآن آثار خانه‌های قدیمی دیده می‌شود .

۱ـ بفتح گاف. ۲ـ بضمهاء وفتح میم، بمعنی‌زمین‌صاف‌است. ۳ـ بفتح یاء.

قلعهٔ فیروزکوه

پشت دهکدهٔ پایین‌واز برطرف چپ آب وازرود

آثار قلعه‌ای قدیمی که مصالح آن سنگ وآجر بوده است برجای است .

گنج کول[1]

بالای تیرهٔ دوم کوه پشت دهکدهٔ نوجمه[2]

گنج‌کول یعنی تپه‌ای‌که درآن گنج است. چون ازاین تپه که ظاهراً گورستان قدیمی است درکندوکاوها لوازمی به‌دست آورده‌اند به این نام معروف شده است .

قلعه‌ای قدیمی درگردنه‌سر[3]

در مرتع دوله‌سرای رودبارك نائیج

در این مرتع آثار دیوارهای قلعه‌ای قدیمی برجای است . مصالح آن سنگ‌و گچ است .

صندوق نوجمه

در یکی از خانه‌های نوجمه صندوقی چوبین مورخ ۱۲۷۲ قمری دیده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۳) .

۱ـ بکسر جیم . ۲ـ بضم نون وجیم . ۳ـ بکسرنون .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت‌نور

۱ـ پلی سنگی در شمال دهکدهٔ علی‌آباد[1] نائیج نور .

۲ـ شاه ملاسلیمان در شمال دهکدهٔ علی‌آباد نائیج نور .

۳ـ امامزاده قاسم در دهکدهٔ امیارده[2] (انبارده) نائیج نور .

۴ـ آقاشاهپورسی (آقا شاه فارسی) در قلعه‌ای به نام شاپورسی درشمال دهکدهٔ گزناسرا[3] ازدهستان نائیج نور.

---

۱ ـ علی‌آباد : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل ، ۹ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۲ـ انبارده : ده از دهستان نائیج بخش نور شهرستان آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳) . ۳ـ گزناسرا : ده ازدهستان نائیج بخش‌نور شهرستان آمل، ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳) .

بخش پنجم

لارتصران وبالا لاریجان

۱ـ جغرافیای تاریخی لارتصران

درهٔ لار ازسمت شمال‌غربی به ناحیهٔ کوهستانی نور واز طرف جنوب به‌افجه و لواسان و بومهن و از مغرب به کوههای امامه و گرمابدر و از طرف شمال به‌کوههای دلارستاق لاریجان محدود می‌شود . پهن‌ترین نقطهٔ این دره در میانرود است و در اینجاست که رودخانهٔ لار ازمیان کوه‌الرم وکوه پهنك می‌گذرد و در همین جاست‌که چمن سیاه‌پلاس با چمن‌لار بـه هم میرسند . پهنای درهٔ پهنك در حـدود پنج تا شش کیلومتر است و تنگترین قسمت این دره شاید در « بستك » باشد که فاصلهٔ میان‌کوه شرقی و غربی بیش‌از سیصد متر نیست .

آب درهٔ لار ازکوه خرسنگ سرچشمه می‌گیرد و پس از پیمودن ده کیلـومتر آبهای سفیدآب و ملك‌چشمه به آن افـزوده می‌شود و مسیر خود را به طرف جنوب می‌گرداند تا به میانرود برسد که آب کوههای کاسونه و جودی به‌آن می‌پیوندد . از

اینجا مسیر آن ازغرب به شرق است و آبهای چشمه‌ها و دره‌های فرعی به‌آن می‌ریزد تا به پل بلور برسد و به آب هراز ملحق شود .

با بودن زمینهای مساعد و آب فراوان ، هیچگونه آبادانی در این پهنهٔ وسیع دیده نمی‌شود واراضی قابل‌کشت آن تمام مرتع و چراگاه است . شاید برف فراوان و سرمای شدید ، سبب شده است که این درهٔ پهناور فقط تابستان‌نشین باشد .

سید ظهیرالدین مرعشی خرابی لار را به دوران باستانی و داستانی ایران رسانده و می‌نویسدکه‌گرگین میلاد درری حکومت داشت زمستانها به درهٔ کرج‌رود و تابستانها به درهٔ لار می‌رفت . چون در زمان شاه کیخسرو با بیژن گیوان غدرکرده بود و او را در قید اسار انداخته و گیورا موطن و مقام ارقم بود وگودرز را اصفهان، گرگین درآن قرب جوارنتوانست بودن به‌گرگان رفت ، پس‌از آبادکردن گرگان در آنجا نیز نماند به لارپارس رفت ولار رستمدار از آن باز ویران گشت.[۱]

در سال ۱۰۷۴ قمری شاه عباس ثانی (۱۰۷۳ ـ ۱۰۵۲) از ساری از راه فیروزکوه به چمن‌لار رفت[۲] شاه قصد داشت از راه لواسان متوجه شهر تهران شود ولی نشیب و فراز راه را که دید از راه دماوند خود را به تهران رساند.[۳]

رابینو در سفرنامهٔ مازندران واسترآباد ازمراتع‌لار بدین ترتیب نام برده‌است:

« چشمه‌شاه ، چهل‌چشمه، گیلردك ، امامزاده امام‌موسی ، یورت‌خان‌احمد، یورت خانلرخان ، خرسنگ ، لته‌بند ، سه دره ، کاروانسرای سرخك و کاروانسرای بستك وکاروانسرای سفیداب سرراه تهران به بلدهٔ نوراز طریق لشکرك . »[۴]

---

۱ ـ تاریخ طبرستان ورویان ومازندران، چاپ دون،ص ۳۰ . ۲ ـ عباسنامه، ص ۳۲۸ . ۳ـ عباسنامه، ص۳۳۰ . ۴ـ ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد ، ص ۱۵۵ ن. ك. به متن انگلیسی ، ص۴۲ـ۴۰ .

محمدحسنخان صنع‌الدوله کـه در سفر ییلاق سنهٔ هزارودویست و نود وهشت هجری ئیلان‌ئیل ترکی‌درالتزام رکاب‌ناصرالدین‌شاه بوده، رساله‌ای‌به نام «جغرافی‌لار» نوشته که دارای مطالب مفیدی است . نسخه‌ای‌از این رساله درکتابخانهٔ ملی است.[۱] چنانکه ازمطالب ایـن رساله برمی‌آید درقرون اولیهٔ اسلامی در ناحیهٔ لار آبادانی بوده است .

۱ــ شمارهٔ ۶۳۹ کتب خطی کتابخانهٔ ملی ایران .

۲ـ بناها و آثار تاریخی لارقصران

قلعهٔ محمدعلی بیگ پیکان

میان مرتع گل گچ و بستك لار

بر بالای کوهی برسمت راست آب، قلعهٔ بزرگی ازسنگ وگچ است. قلعه قدیمی بـه نظر رسید. احتمال دارد چون در این اواخر به دست محمدعلی بیگ افتاده باشد به نام او معروف شده است .

کاروانسرای سفیداب

پایین کوه سفیداب و نزدیك چشمه‌ای به همین نام

درپای کوه سفیداب ، کاروانسرایی از سنگ وگچ است . طـاقهای مدوری از سنگ وگچ برآن زده‌اند .

قلعه نو

در بالای کوهی به همین نام نزدیك سفیداب لار

در سمت چپ رودخانهٔ لار ، در شمال کوهی به نام «قلعه نو» آثار قلعه خرابهٔ قدیمی از سنگ وگچ است .شاید قلعه‌ای‌که سید فخرالدین در سال ۷۸۴ در لار فتح

کرده این قلعه باشد . سیدظهیرالدین جریان فتح این قلعه را چنین نوشته است :

« چون خاطر ازقلعهٔ نور ورودبارنور آسوده‌گشت،به جانب‌لارتوجه‌نمودندو در موضعی‌که اسپی‌او (سفیدآب) می‌خوانند نزول کردند. ودر لار قلعه‌ای بودحصین‌وکوتوال‌آنجا مقیم وذخیره موجود.چون به‌پای قلعه فرودآمدند، کوتوال قلعه جنگ را آماده گشت ودر مقام عناداهتمام نمود . دانستند که چون اول‌سنبله می‌شود، در آن مقام وحوش وطیور را به صحرا بودن ، به سبب شدت‌سرمامکن نیست . فرمودند که بالای قلعهٔ اولی ، قلعه‌ای دیگر بنیاد نهادند ، چنانکه سرکوب قلعهٔ اولی باشد وبه سعی تمـام در آن مهام اشتغال نمودند و آن قلعه را تاهوا خنك گشتن تمام ساختند و علوفه تعیین کردند وصدوپنجاه‌نفرمردکار را باسرداری‌دانا وشجاع درآن قلعه بازداشتند وچون نسق فرمودند ، اصحاب قلعهٔ اولی سرازخـانه بیرون نمی‌توانستند برآورد که اگر بیرون می‌آمدند، بـه زخم ناوك جاندوز مجروح و مقتول می‌ساختند. وآثار قلعهٔ‌کهنه در «قلعه‌نو» اکنون باقی است .... مردم قلعهٔ لار چون دیدندکه فایده نمی‌کند، امان خواستند وقلعهٔ‌لار را بسپردند وهر دو قلعه را فرمودند تا ویران ساختند . »[1]

قلعه‌ای قدیمی وکاروانسرایی سنگی در بستك لار

برسمت چپ آب لار و درفاصلهٔ کمی ازآن ، دریلاق بستك، پوزهٔ کوهی است که از شرق به‌غرب کشیده شده ونزدیك کاروانسرای بستك به‌کنار دره منتهی می‌شود. در یکی‌دونقطهٔ دامنهٔ این کوه،آثار برج‌نگهبانی است وبر بالای آن که قلعه‌ای منفرد

۱ــ تاریخ طبرستان و رویان ومازندران، ص۲۸۸ .

است ، آثار بناهایی از سنگ و گچ دیـده می‌شود . این قلعه را به نام «قلعهٔ بستك» می‌شناسند .

برکنار این پوزهٔ کوه کاروانسرایی از سنگ وگچ با طاقهای گنبدی است کـه برسرراه کاروانی نور است .

امامزاده پنج تن

در مغرب کوه فولادچشمه درکنار رودخانه

بنایی است ساده ازسنگ وگچ‌که هیچگونه آثارهنری درآن دیده نشد .

قبر ملك‌سلطان

پایین‌کوه خشك‌رود درچمن ملك‌سلطان

گوری منفرد به‌نام «قبر ملك‌سلطان» درچمنی پهناور به همین نام است .

کافر قلعه

در بالای کوهی به همین نام درجنوب کوه غرغره

قلعه خرابه‌ایست از سنگ وگچ . قدمت بنای آن شاید به دوران اسماعیلیان برسد .

امامزاده ابن امام موسی

در لار قصران

بنایی است از سنگ وگچ برسمت راست رودخانهٔ لار بابامی کهواره‌ای که با همین مصالح زده‌اند. کف بنا را کندوکاو کرده بودند .

عمارت خانلرخان سیل‌سپر [۱]

در دامنهٔ شمالی کوه پهنك در چهل‌چشمهٔ لار

خانلرخان سیل‌سپر که در ورامین املاك دارد ، در چهل‌چشمهٔ لار طبرستان ییلاق می‌کند . بنای عمارتی کرد که از برف خراب شد. آثار آن باقی است .[۲]

خوشی‌خانه = قوشخانه

در جنوب درهٔ لار میان درهٔ قوشخانه و الرم[۳]

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۸ ه.ق. که در رکاب ناصرالدین‌شاه به درّه لار رفته ، این شرح را دربارهٔ بنای خوشی‌خانه نوشته است :

« خرابهٔ معروف‌به خوشی‌خانه عبارت است از تپه‌ای خاکی‌که درّه قوشخانه در طرف جنوب آن و خرابه‌های الرم‌در طرف شمال در محاذاة آن واقع است وتپهٔ مزبور در سمت جنوب رودخانهٔ لار ، در جلگه دیده می‌شود و ارتفاع آن به‌خط عمودی بیست‌وهشت ذرع است ومحیط آن هشتاد ذرع و در این سنوات‌کسی ملتفت نبود که این تپه طبیعی است یا مصنوعی ، یعنی آثار خرابهٔ عمارتی یا بنائی است .

درسفرییلاق هذه‌السنهٔ ثیلان‌ئیل هزارودویست‌ونودوهشت‌هجری حسین‌خان محلاتی پیشخدمت که پدر او ابراهیم‌خان پیشخدمت، علاقه در لواسان دارد، به‌عرض حضوراقدس‌همایون رسانیدکه لواسانیهابعضی کاشیهای ممتاز از تپهٔ قوشخانه به‌لواسان آورده ودرحمام نصب کرده‌اند . همچنین بعضی

۱ـ بکسر سین دوم وضم پ ،ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استراباد رابینو، ص۱۵۵.

۲ـ مرآت البلدان،ج ۴،ص ۳۰۳ . ۳ـ بفتح الف ولام وسکون راء ومیم .

آجرهای خوب بزرگ . آقا محمدعلی امین حضرت آبدارباشی مأمور تحقیق وانکشاف این مسئله شده ، تپه را پیدا نمود ومعلوم شد که این تپه خاکی وطبیعی نیست، بلکه عمارت عالی دراین محل بوده که خراب شده ومصالح زیاد آن عمارت این تپه را تشکیل داده و بمرور دهور باد ، خاك برروی خرابه‌ها ریخته و علف روئیده و هیأت تپهٔ طبیعی بهمرسانیده است . محض مزیداستبصار، حکم همایون شد بعضی جاهای تپه را حفر کنند وجناب امین‌الملك ونگارنده مأمور شدیم که استقصائی در این باب بنمائیم . در اثنای حفر وکاوش تپه، بعضی کاشیهای بسیارممتاز خوب بهیأت وشکلهای مختلف پیدا شد که متن آنها سفید بود و وسط را بطرزهای مختلف نقاشی کرده و دور هر کاشی کتیبه‌ای بخطی کـه مابین خط نستعلیق ونسخ بـود ، اشعار نوشته . ابتدا چنین بنظر آمد کـه این بنا مقبرهٔ شخصی بزرگ یـا بقعهٔ امامزاده‌ای بوده . بعد دوسه فـردناقص از اشعار کتیبه پیداشد وخواندیـم معلوم شد که بقعه ومقبره نبوده ، زیرا که اشعار مناسبتی با این قسم اماکن نداشت واز جمله اشعار مزبوره یکی این است .

بکام تو بادا همه کارتو خداوند بادا نگهدار تو

خلاصه معمارمخصوصی از شهراحضار شدکه به‌قاعدهٔ معماری وبنائی، اطراف تپه را خالی کند تا چه معلوم گردد. بعداز آنکه یك‌ماه تقریباً در این‌محل کارکردند ودوثلث ازتپه را ازخاك وآجرپاره‌های خراب‌شده پاك ومستخلص ساختند، معلوم و محقق شدکه این عمارت تفرجگاه ومحل نزهت و تفریح بوده وملکهای رویان ورستمدارآن را به‌جهت ییلاق‌خود بنا کرده بوده‌اند. وضع این عمارت آنچه خود نگارنده رفته و به رأی‌العین و تحقیق دیـد ،

دومرتبه بوده، پایین مشتمل برچهار صفه وچهار راهرو، درچهار ضلع ویك گنبد بزرگی در وسط . عرض صفه‌های پایین سه ذرع و طول دو صفه چهار ذرع وطول دوصفهٔ دیگر هشت ذرع وچهار درگاه‌که به‌دالانهای کوچك‌باز می‌شده، مدخل ومخرج این حوضخانه بوده که مردالانی اطاقی سه‌ذرع در سه ذرع به نظر می‌آید و از سمت مشرق پلـه می‌خورد و به مرتبهٔ فوقانی می‌رفته است.

مرتبهٔ فوقانی عمارت مثمنی بوده و دور مرتبهٔ فوقانی ، از آثارآجری کـه هنوزمفروش است وهرّه‌ای‌که دورفرش‌آجری باقی می‌باشد، معلوم می‌گردد که ایوانی بوده است و فوقانی منحصر به یك اطاق ، شاید دریکی از سالها برف زیادی آمده باشد یا زلزلهٔ شدیدی شده ، سقف مرتبهٔ فوقانی را کـه طاق بوده، خراب کرده، روی سقف حوضخانه ریخته، آن هم خراب شده‌و کم‌کم بواسطهٔ عدم توجه ومراقبت رو به‌انهدام نهاده است .

در وسط حوضخانه، حوضی مربع مستطیل به‌نظرمی‌آید .

این عمارت‌بسیار عالی واطراف‌آن یقیناً باغ بزرگی بوده، زیراکه دراصل وسط جلگهٔ لار واقع شده است . شخصی که این عمارت را بنا کرده چون در آن اوقات اسلحهٔ‌آتشی ازقبیل توپ وتفنگ دراین حدود معمول‌نبوده و فقط سلاحی‌که برای جنگ ازدور به‌کار می‌بردند، تیروکمان وفلاخن‌بود، دربنای عمارت ملاحظه شده‌که ازاسلحهٔ دورانداز معمولهٔ‌آن وقت محفوظ باشد و پیداست که مثل فلاخن و تیروکمان بهیچوجه از مسافت بعیده‌کـه کوههای اطراف لار باشد ، به این عمارت نمی‌توانسته است رسید. خلاصه از درهٔ قوشخانه ، آب به اطراف این عمارت وجلگه می‌آورده‌اند چنانکه

آثار نهر قدیمی آن در بعضی جاها که به دقت ملاحظه نمایند بخوبی نمایان و پیداست .

در سمت جنوب تپهٔ مزبوره به فاصلهٔ بیست ذرع، یك تپهٔ کوچکی که بعضی آجر شکسته ومصالح کهنه دارد ، به نظر می‌آید و احتمال کلی می‌رود که آن تپهٔ کوچك عمارتی بوده از متعلقات این قصر. نیز به‌فاصلهٔ صد ذرع به طرف جنوب شرقی ، به همین فاصله طرف جنوب غربی ، زمین پست وبلند مصالح کهنه وپاره‌های آجر زیاد ریخته است وظن غالب این‌است که عمارت اندرونی یا بیوتات عملهٔ خاصهٔ بانی قصر خوشی‌خانه بوده است .

این قصر از حیثیت مکان در بهترین نقاط لار واقع شده است . کاشی‌هائی که ازحیثیت وضع ولون خیلی مختلف می‌باشد و نقشهای بسیار عجیب وغریب بسیار ممتاز وگچ‌بریهای بسیار خوب‌که در گچ‌بری به خط کوفی عبارات‌و خطوط درآورده بودند ، دیده شد. در یك قطعهٔ کاشی آبی رنگ فیروزه ، به خط ثلث برجسته،لفظ «ملکی» خوانده می‌شود. اما بقیهٔ کاشی شکسته و مفقود بود ، تاریخ مختصری‌که مشکوك است که آیا تاریخ است یا نقش و بته ، در این کاشیها مشهود می‌شد و چون کاشی شکسته بود ، تحقیق آن صورت تعذر داشت . به رقم هندسی یك هشت‌که نوك مثلث آن پریده و دو رقم دیگر که بالای‌آنها هم پریده‌که هشتصدوپانزده یا هشتصدوبیست‌ودو یا هشتصدوچهل‌وچهار یاچهل‌ونه باشد،ازاین‌قبیل به‌نظرمی‌آمد ودرصورتیکه نقش وگل وبته نباشد ارقام اعداد باشد، درهشتصد آن حرفی‌نیست ودورقم دیگر مشکوك است . اقوی دلیل براینکه خوشی‌خانه، قصر معتبر ومحل ییلاقی شخصی بزرگ بوده این است‌که درهرقطعه کاشی‌که زیاده از اندازهٔ کف دستی نیست ، یکی دونخود طلای بسیار ممتاز آبی به طور تذهیب به

این کاشی چسبیده که حالا به اشارهٔ دست به خوبی آن ورق طلا، از روی کاشی برداشته می‌شود و این اوراق طلا در گل و بته‌های کاشی درجائی استعمال شده که آن گل و بته را برجسته واز روی کاشی سوا کرده بوده‌اند و این طلاها را روی خطوط و گل و بته‌های برجسته چسبانیده‌اند. امتیاز کاشی کاری این محل هرچه نوشته شود کم است. علی‌الخصوص در تعریف یك قسم کاشی که درقدیم معمول بوده با یك فلزی و یك قسم مینا کاری پخته در کاشی می کرده‌اند. که در آفتاب و روشنائی رنگ پرطاووسی داشته است. این صنعت حالا در ایران متروك است و فرنگیها هم هرچه خواسته‌اند بفهمند درك نکرده‌اند. شخصی که پنجاه سال قبل باکمال دقت نقشهٔ کار را برداشته، درّه قوشخانه را درّه خوشخانه نوشته و باید این لفظ صحیح باشد چرا که آب این دره به این قصر می‌آمده و دره منسوب به این قصر است، چنانکه در محاذاة قصر واقع شده و احتمال بلکه یقین است که اسم عمارت مزبوره «خوشی‌خانه» بوده و در تلفظ «خوشخانه» گفته‌اند و کم‌کم به «قوشخانه» مشتبه گردیده والادراین محل موقع قوشخانه نیست. علاوه بر اینکه درطبرستان ومازندران و این نواحی لغت ترکی کمتر استعمال می‌شده وقوش لغت ترکی است.

آجرهای عمارت خرابهٔ خوشی‌خانه به اندازهٔ بیست و پنج سانتیمتر در بیست و پنج سانتیمتر است وقطر آن پنج سانتیمتر می‌باشد.»[۱]

۱ــ جغرافی لار، شمارهٔ ۶۳۹، نسخ خطی کتابخانهٔ ملی تهران.

تپهٔ نقاره‌خانه
برسمت چپ آب رودخانهٔ لار

روبروی خرابه‌های قصر خوشی‌خانه تپه‌ایست که معروف به‌نقاره‌خانه است،ظاهراً این تپه نیز آثار بنا وساختمان است .

نمدجوق

نمدجوق نهری‌است قدیمی که سربندآن در رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود ده کیلومتر ازمحل‌التقای‌رودخانهٔ دلی‌چای بارودخانهٔ لارفاصله دارد. می‌گویند برای اینکه آب در مسیر این جوی فرونرود وهرز نشود ، کف وبدنهٔ جوی را با نمد فرش کرده بوده‌اند. این نهر بسیار قدیمی است ، زیرا در حدود هفت‌کیلومتر که از مصب آن دور شدیم برطرف دست راست به‌بندی برمی‌خوریم که کتیبه‌ای به درازای ۱۱۰و پهنای ۸۰ سانتیمتر برسینهٔ سنگی که مسلط برنهر است کنده‌اند. متن کتیبه از میان رفته وظاهراً به‌عمد آن را محوکرده‌اند . در سطر دوم کلمهٔ «سلطان» ودر سطر آخر کلمات «من‌شهور»کم وبیش‌خوانده می‌شود (عکس شمارهٔ ۲۰۴). برگوشهٔ سمت‌راست پایین ، خارج از متن کتیبه «کتبه محمود رستمداری» روشن و واضح‌است. بی‌عیب و سالم ماندن نام کاتب ، نشان می‌دهد که متن را باید به عللی از میان برده باشند .

در حدود دوکیلومتر ازاین بندبه طرف سربند نهرکه پیش‌رفتیم به‌بند دیگری ازگومی‌رسیم‌که برای‌نهر نمدجوق، مسیری در دل‌سنگ‌کنده‌اند (عکس‌شمارهٔ۲۰۵). این مسیر به درازای ده متر وپهنای ۸۰ وبلندی ۹۰ سانتیمتر است . برسنگهای طرف دست راست این بند علائم و خطوط کوفی قدیمی دیده شد . یکی از کتیبه‌هابه ابعاد

۵۰ × ۷۰ سانتیمتر بود (عکس شمارهٔ ۲۰۶) .



نشان زیر درکتیبه‌ها تکرار می‌شد (عکس شمارهٔ ۲۰۷) وکلمات «حسن»،«علی» و « محمد » در میان متن کتیبه‌ها خوانده شد (عکس شمارهٔ ۲۰۸) .

این نوشته‌ها نظیر سنگ نوشته‌های آزوی‌نوا بود وظاهراً یادگاری گروهی است‌که نشانی مخصوص داشته‌اند .

تا سربند که‌آب‌نهر نمدجوق ازتند آبهای دلی‌چای جدا می‌شود پیش رفتیم و نشانی از کتیبه‌های دختر زردشتی و عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم نیافتیم .[1]

در میان ساکنان پلور واسك معروف است که نهر نمدجوق را دختری زردشتی ساخته وکتیبه‌ای درسربندنوشته است‌که‌این‌کارعظیم وشگرفی بودکه زنی انجام داد و پس‌از این مردی که قدرت تعمیر کردن این نهر راهم داشته باشد پیدا نخواهد شد .

عباسقلی‌خان لاریجانی امیرمکرم‌که از مطالب چنین کتیبه‌ای باخبر می‌شود، کمر به تعمیرو مرمت این نهر می‌بندد وآب را به اراضی‌مزروعی نیك[2] و سنگ‌چین می‌رساند و برکتیبه‌ای میان نیك و داربند می‌نویسد :

« دخترآتش پرست بادپیمارابگو خاك‌برسرکن‌که‌آب رفته‌باز آمدبه‌جو

عباسقلی لاریجانی .»

نهر نمدجوق برسمت چپ رودخانهٔ دلی‌چای است ودر حدود سه کیلومتری محل‌التقای‌آن بارودخانهٔ لار به دوشعبه تقسیم می‌شده‌است، شعبه‌ای به‌اراضی نیك و

۱ـ راهنمای ماآقای قدمعلی پدیدار بود . ۲ـ بکسرنون وفتح‌یاء .

شعبهٔ دیگر به اراضی سنگ‌چین می‌آمده است . دراراضی سنگ‌چین فعلاً بناهایی برای سدسازی ساخته‌اند .

رودخانهٔ‌دلی‌چای ازجنوب‌شرقی دماوندکوه ازچشمهٔ«کلوم» سرچشمه می‌گیرد. سربند نمدجوق به‌نام «سربند تاریخ» مشهور است. ازاین سربند ، نهر دیگر برسمت راست دلی‌چای کنده‌اند که آب آن برای اراضی مزروعی « نمک‌کوسر » و « دنبك » می‌رفته است .

دهکده‌ای قدیمی
در اراضی سنگ‌چین و نمك‌کوسر لار

در دوکیلومتری مصب دلی‌چای ، بردوطرف این رود ، آثار دهکده‌ای قدیمی است . اراضی کشت سنگ‌چین و نمك‌کوسر متعلق به این آبادی بوده است . سنگ فراوانی در پهنه‌ای به ابعاد پانصد درسیصد متردر دوطرف دلی‌چای،محل این آبادی بوده است (عکس شمارهٔ ۲۰۹) و سفال فراوان بی‌لعاب در اطـراف این سنگهاست . سه‌چهار پاره سفال لعاب‌دار به رنگ آبی آسمانی و نیلی دیده شد. دو پاره از سفالها در دوطرف لعاب داشتند .

آبادی و گورستانی قدیمی
در یوردالرم [۱]

در یوردالرم، بالای‌قهوه‌خانهٔ‌گزل دره[۲]، درکنار آب رودخانهٔ لارآثار سنگ‌چین زیادی است‌که خانه‌های دهکده‌ای قدیمی بوده است در نزدیـکی این سنگ‌چینها، گورستانی قدیمی است . هیچگونه نوشته‌ای در این گورستان دیده نشد .

۱ـ بفتح الف ولام وسکون راءومیم . کلمه‌ای ترکی وبمعنی زیبا وقشنگ است .

۲ـ گزل بضم گاف وفتح زاء و سکون‌لام

آثار تاریخی
در دهنهٔ درهٔ لار از مضافات بالا لاریجان

در دهنهٔ این دره آثار قدیمی پیدا می‌شود . بعضی جاهای آن را پنج‌سال قبل حفرکردند شمعدان چدنی کار قدیم وبعضی اسباب دیگر بیرون آمد.[۱]

۱ـ مرآت‌البلدان،ج ۴،ص ۳۰۳ ، پنج سال قبل ظاهراً سال ۱۲۹۱ ه . ق. است .

۳ـ جغرافیای تاریخی لاریجان

کلمهٔ لاریجان که در بیشتر کتب تاریخی مازندران «لارجـان» (بکسر راء) ضبط شده است، ظاهراً از دوجزء «لارج» + «ان» ترکیب شده است. کلمهٔ «لارج» شکل دیگری‌است از کلمهٔ «لاریگ» که درفارسی دری«لاری» می‌گوئیم. ظاهراً پس‌از خراب شدن دهکده‌های لارقصران، مردم‌آن، به‌نواحی گرمتر که کنار رودخانهٔ هراز باشد، آمده‌اند.

در دوران قاجاری وشاید بیشترازآن، لاریجان به چهار بلوك تقسیم مـی‌شده است:

بلوك علیا یا بالا لاریجان‌که اسك[1] مرکز آن بود ودهکده‌های زیر جزء آن به شمار می‌آمد:

رینه، ایرا، نیاك، کنارکام[2]، نوا، زیار، لاسم، مون، انهه، کندلی[3]، گیلاس‌کیا، گرنا، لزورك (لزیرك)، گرماب‌سر، ملارد، اهرینه، گزانه، گزنك، مزرعهٔ پلور[4].

۱ـ درجلد ۲ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی شمارهٔ ۷۲۶، صفحات ۲۸الف و۲۸ب، اطلاعاتی دربارهٔ اسك دارد. ۲ـ ضبط‌اعتمادالسلطنه‌است. امروزکنارانگام یاکنارانجام گویند. ۳ـ اهالی «کندلو» گـویند. ۴ـ ظاهراً پلـور در ایـن وقت آبادی نداشته است.

بلوك سفلی یا پایین لاریجان شامل بخشهای: امیری، بهرستاق ودلارستاق است. در دوران قاجار مجموعاً هفتادوپنج قریه جزء لاریجان بوده است.

درّه لار که از قدیم بـه‌نام «لارقصران» یـا «لاررستمدار» شناخته شده است، هیچگاه ناحیه‌ای جداگانه نبوده و بیشتر اوقات سلاطین استندار کـه در رویان یـا رستمدارسلطنت‌داشته‌اند بردرّه‌لارو قصران داخل(بخش‌لواسان‌امروز) مسلط بوده‌اندو از آنجا کـه آبریزآن به‌طرف مازندران و درّه هرازاست، مـااین ناحیه رانیز جزء لاریجان به‌حساب آوردیم وآثار تاریخی آن را جزء بلوك لاریجان ذکر کردیم.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه روزیکشنبه اول شهر رجب‌المرجب سال۱۲۹۶ ه.ق.ازشمیران‌به سمت‌ییلاق‌لار، دررکاب ناصرالدین‌شاه حرکت‌کرده وروز چهارشنبهٔ چهارم در مرغ‌سر وروز پنجشنبهٔ پنجم وجمعهٔ ششم وشنبهٔ هفتم ویك‌شنبهٔ هشتم رجب در سیاه‌پلاس‌لار اتراق‌کرده‌اند. روز دوشنبهٔ نهم به‌پلور وسه‌شنبهٔ دهم به اسك پایتخت لاریجان رسیده‌انـد. چهارشنبهٔ یازدهم وپنجشنبهٔ دوازدهم وجمعهٔ سیزدهم در اسك اتراق کرده‌اند. شنبهٔ چهاردهم به‌رینه رفته وازرینه به‌پلور بازگشته‌اند. روزیکشنبهٔ پانزدهم درپلور اتراق‌کرده‌اند. روز دوشنبهٔ شانزدهم از پلور به‌لاسم و تنگهٔ انگمار حرکت کرده ودر انگمار توقف‌کرده‌اند. ارتفاع انگمار از زمین شمیران ۱۴۵۰ پا است. از اینجا ظاهراً به فیروزکوه رفته‌اند و این قسمت از مسافرتشان به‌کار مطالعهٔ ما ارتباطی ندارد.

اعتمادالسلطنه ازیکی دودهکدهٔ دیگر بلوك بالا لاریجان دیدن‌کرده واطلاعات مفیدی برای ما به‌یادگار گذاشته است‌که مادر ذیل هریك از دهکده‌ها به بررسیهای او اشاره خواهیم کرد.

برای گردآوری بناها وآثار تاریخی بالا لاریجان و پایین‌لاریجان ودشت لار ماازکتل امامزاده هاشم شروع‌کردیم و در امتداد رودخانه ، تاسامان نمارستاق نور پیش رفتیم ودرّه‌های فرعی چپ‌و راست آب هراز را از زیر نظرگذراندیم .

۴ـ بناها و آثار تاریخی بالا لاریجان

بزم‌موشا = کتل امامزاده هاشم

کتل امامزاده هاشم از سایر گردنه‌های رشتهٔ البرز پست‌تراست و به علت همین پست بودن اغلب بادگیر است . در فصل زمستان بورانهای شدیـدی دارد و در دوران چارواداری، سالی نبودکه این‌کتل هفت‌هشت قربانی نگیرد. بسیاری از چارواداران‌و مسافران دربورانهای شدید این‌کتل از میان رفته‌اند . قهوه‌چی مسن قهوه‌خانهٔ کتل ، خاطرات زیادی از مرگ‌و میرچارواداران ومسافران‌به خاطرداشت وبرای آیندگان‌و رونـدگان نقـل می‌کـرد . از اینرو مردمان خیراندیش ، بـرای سلامت گذریان ، کاروانسراهایی بر سراین راه ساخته‌اند .

رودهن دهکدهٔ بزرگی‌است وکاروانسراهای متعدد داشت وبارانداز مسافران و چارواداران بود . از رودهن کـه به راه می‌افتادند به‌کاروانسرایی در اراضی اوزینه (پیست آبعلی امروز) می‌رسیدند. از اینجا راه به سر بالایی می‌افتاد تـا بـالای کتل امامزاده هاشم که به‌کاروانسرای دیگری می‌رسید .

کاروانسراهای دامنهٔ جنوبی وشمالی کتل ، نزدیك به‌یکدیگر است و فاصلهٔ میان آنها ازیکی دو فرسنگ تجاوز نمی‌کند . فواصل میان یکی دو کاروانسرا مثل

کاروانسرای دشت موشاوسرکتل وکاروانسرای‌سرکتل وگمبوج نیزازاین مقدار کمتر است. این کوتاهی فاصله بیشتر از این نظر بوده است‌که کسانی که دربورانهای شدید گیر افتاده‌اند ، بتوانند زودتر به پناهگاهی برسند .

هنگامی‌که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ ه. ق. ملك‌کاووس را دنبال می‌کرد ، ازبژم‌موشا گذشته ، اما هیچگونه یادی از امامزاده یا کاروانسرای سرکتل نکرده است.مسلماً امامزاده وکاروانسرای بالای‌کتل پس‌از این تاریخ ساخته‌شده‌اند. او می‌نویسد :

«چون‌شب‌درآمد وهوابغایت خنك بود واواسط قوس‌شده بود وآنجاقلعه‌های رفیعه است مثل بژم‌موشا که خنکی آن موضع مشهور است . از آن باغ لوندرسوار شده، به‌قریهٔ پلور به‌خانقاهی[1] که آنجاست زمانی مکث رفت ، چندانکه دست‌و پای مردم که خنك شده بوده ونزدیك بودکه از کاربیفتند، در خانقاه به آتش‌گرم‌کردند واز آنجا روان گشته از راه بژم‌موشا دوانیده آمد. چون‌صبح برآمدازآن موضع‌مخوف پربرف بعون‌الله به‌سلامت گذشته شد وبرملك کاووس دوانیده آمد .»[2]

امامزاده هاشم وکاروانسرای آن دربالای کتل امامزاده هاشم

در بالای کتل امامزاده هاشم‌که بلندی آن از سطح دریا ۲۶۴۰ متر است ، در

۱ــ به مفهومی‌که امروز ما به‌کار می‌بریم نیست. این لغت درست به معنی بارانداز و کاروانسراست . خانقاهی که بتواند « سیصد نفر ازگیل ودیلم‌وگرجی وتنکابنی» همراهان سیدظهیرالدین‌را جای بدهد باید جای بزرگی بوده باشد. از این بنا امروز اثری نیست.

۲ــ تاریخ گیلان‌و دیلمستان، ص۲۸۴ .

زمان شاه‌عباس امامزاده (عکس شمارهٔ ۲۱۰) و کاروانسرایی ساخته شده است . ضلع شرقی‌این کاروانسرا ۱۵ متروضلع شمالی‌آن۱۵/۵متراست.ازاینجا دیواربنا مضرس‌و دندانه‌داراست وپس‌وپیش رفته است.اندازه‌های‌آن به‌ترتیب ازاین قرارند:قسمتی از ضلع غربی۵/۵ متر، دوباره همین‌ضلع روی به‌شمال به‌درازای۶/۵متر ساخته شده‌باز امتداد ضلع رو به‌غرب بـه درازای ۳/۷۵ متر است و باز امتداد ضلع درجهت شمالی ۱۱/۵ متر. امتداد رو به غرب ۶متر وامتداد رو به‌جنوب ۶/۲۵ وامتدادرو به غرب ۷/۱۵ و قسمتی ازضلع جنوبی ۱۸ متر وقسمت دیگر آن ۱۰ متر تمام است .

به دستور علیاحضرت شهبانو ادارهٔ کل باستان‌شناسی نمای سنگی تازه را روی پایه‌های شاه‌عباسی گذاشتند ومـرمت کردند (عکس شمارهٔ ۲۱۱) . در امتداد جنوب امامزاده قهوه‌خانه ومحل باربودکه فعلاً شبستانی‌به جای‌آنها ساخته‌اند . قسمت‌شمالی شبستان باقیماندهٔ آثار شاه‌عباسی است .

کاروانسرای شاه‌عباسی درمشرق بنای امـامزاده است کـه فعلاً تبدیل به انبار شده است .

راه‌شاه‌عباسی
از سرکتل امامزاده هاشم تاآبگرم بالا لاریجان

این راه که امروز به راه شاه‌عباسی‌معروف است ، ظاهراً خیلی پیشتراز زمـان شاه‌عباس ، ساخته و پـرداخته بـوده و آمـد و رفتی داشته است . شاه‌عباس همچـون ناصرالدین‌شاه ،آن را تعمیر ومرمتی‌کرده است . راه قدیم از نقاط زیر می‌گذرد :

کاروانسرای‌کتل امامزاده هاشم، گمبوج[1] پیرعلی ،گمبوج نعل‌شکن ، پلـور ، سگ‌چال ، نرزن[2] ، پایین محل‌پادگان فعلی،پایین‌امامزاده محمدطاهر ، پشت دهکدهٔ

۱ـ بفتح گاف و سکون میم . ۲ـ بفتح‌نون وسکون راء وکسرزاء .

رینه یعنی بالاسر آبادی ، درّهٔ استاد قربان، چالك، از وسط دهکدهٔ گرنا[۱] زیر جادهٔ ماشین روکنونی عبور می‌کند،له‌برده[۲] ، ورس‌دار قدیم[۳] بالای لزبرك[۴]، دریچه‌گلی[۵]، غول‌سنگ[۶](غول درگیلکی به‌معنی کرواصم‌است)، گل‌گیرون[۷](کشتارگاه فعلی آبگرم)، ملك‌چشمه، حمام شاه‌عباسی،آبگرم امیرآباد ، پشت دهکدهٔ گزونه[۸](گزانه) از اینجا راه به‌کنار آب هراز می‌رسیده است .

راه تهران به‌آمل که به‌دستور ناصرالدین‌شاه ساخته شده است

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در سال۱۲۹۲ قمری دربارهٔ این راه می‌نویسد:

« به جائی رسیدیم که طاق‌نصرتی زده بودند وموزیکان می‌زدند . معلوم شد که ابتدای راهی است‌که شصت هزارتومان دیوان خرج‌کرده وساخته است. امروزکه شاه تشریف می‌آورند ، تشریفات این راه است. ازآنجاکه طاق‌نصرت بود الی دوفرسخ‌راه بدبود. . .از راه‌سؤال شد. عرض کردم تا اینجا که خوب نیست تا بعدچه شود.[۹] سابق‌که این راه‌جدید را شاه نساخته بود، عبور قافله وغیره‌دراین راه زیادبود. ازعراق خشکه‌بار به‌آمل می‌آوردندو ازآمل برنج به‌عراق می‌بردند . . . راه سابق بقدری تنگ بودکه قاطر و پیاده نمی‌توانست عبورکند . اما حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه و عرابه بخوبی می‌تواند گذشت. لیکن‌به نظرمن این راه شصت‌هزار تومانی نیست. ممکن بود با شصت‌هزار تومان بهتراز این راه ساخته شود . این راه زیاده

۱ـ بفتح گاف‌وسکون‌راء . ۲ـ بفتح‌لام‌وسکون‌هاء وفتح‌باء . ۳ـ بفتح‌واو وسکون راء . در ده متری ورس‌دارقدیم سنگی‌است توخالی‌که معتقدند کافر کس» (بکسرفاء وفتح کاف‌دوم)است‌وهر کس‌از آنجامی گذردسنگی‌بدان‌پرتاب‌می کند. ۴ـ بفتح‌لام‌وراء.
۵ـ بفتح گاف . ۶ـ بکسرلام . ۷ـ بکسرگاف‌اول . ۸ـ بفتح گاف .
۹ـ روزنامهٔ‌خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص۵۴ .

از ده سال عمر ندارد. افسوس که تمام پول دیوان خرج نشده که ابدالدهر باقی باشد . آنچه من تخمین مخارج این راه الی کامرود که منزل امروزاست و ازقرارمعلوم نصف راه ساخته‌شده است، هشت فرسخ ازقرارهرفرسخ شش‌هزار ذرع. دراین چهل‌وهشت‌هزارذرع تقریباً پنج‌هزارذرع پل‌سازی‌شده باسنگ‌کنی ازقرارذرعی دوهزاردینار یك هزار تومان. الباقی چهل‌وسه هزارذرع ازقرارذرعی یك‌قران. درصورتیکه ده یك به‌مباشرداده‌شده باشد تومانی‌یك عباسی به مستوفی وده شاهی به مباشر جزء چهل‌و سه هزار قران که عبارت ازچهارهزار و سیصد تومان می‌شود . بعلاوهٔ هزارتومان پل‌سازی وسنگ‌بری ، پنج هزاروسیصد تومان تابحال خرج شده .»[1]

گمبوج[2]

ازکاروانسراهای بسیارقدیمی وعجیب‌کاروانسرایی است‌به‌نام «گمبوج» درشیب شمالی بژم‌موشا (گردنهٔ امامزاده‌هاشم) برسرراه هراز .

این‌کاروانسرا که بیشترقسمتهای‌آن سالم مانده است، امروز برسمت چپ‌آب، نزدیك پلی‌است‌که درآخر گردنه قرارمی‌گیرد. بنایی است‌که چهارطرف‌آن‌باره‌بند و در وسط که گنبدی بلند دارد ، محل استراحت مسافران و چهارپاداران‌است (عکس شمارهٔ ۲۱۲) . درازای ضلع‌شرقی ۲۲/۵ متر ودرازای ضلع‌شمالی‌تا جایی‌که قابل اندازه‌گیری است، ۱۶متراست .[3] کمربندگنبدمیانی ازنیم‌متری طاق ۲۳/۵متر است . ابعادفضای مربع داخلی‌که محل‌نشستن مسافران است ۶۸۰سانتیمتراست. دری ورودی درضلع‌جنوبی این قسمت است‌که طاقی‌جناقی بردرگاه‌آن زده‌اند . بلندی این در از

۱ـ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۵.
۲ـ بفتح گاف و سکون میم .
۳ـ مقداری ازدیوار داخل کوه است .

وسط جناق طاق ۲۰۰سانتیمتراست . دراضلاع‌غربی وشمالی وشرقی فضای مرکزی‌نیز سه مدخل‌باطاقهای هلالی‌است که بلندی آنها ازمیان هلال طاق یك متر وپهنای آنها ۱۲۰ سانتیمتر است . طاق‌گنبدی فضای مرکزی برگوشوارها ودیـوارهای چهارطرف متکی است . بلندی گوشوارها ازسطح اصلی بنا ۲۶۰سانتیمتر وبلندی طاق تاسطح‌بنا درحدود هشت متراست .

قطرچهار دیوار فضای مرکزی و قطر دیوارهای باره‌بندها یك مترتمام است . پهنای باره‌بنـد غربی ۲۳۰ سانتیمتر و درازای آن یازده متر تمام است . طاق باره‌بندها هلالی وبلندی‌آنها ازسطح‌بنا، ۲۲۰ سانتیمتر است .

در ورودی اصلی‌بنا، درجنوب ضلع‌شرقـی است وپهنای آن بـه ۲۳۰سانتیمتر می‌رسد . این درگاه به باره‌بند جنوبی راه دارد . طـرف راست پس‌از ورود از ایـن درگاه، درگاه‌کوچکتری‌به پهنای‌یك متراست وبلندی‌آن ازوسط طـاق جناقی دومتر تمام است . مصالح‌بنا سنگ رودخانه وگچ غربالی است .

راه قدیمی بالا لاریجان

ازگدوك امامزاده‌هاشم (بژم‌موشا) تا شهرآمل

این راه‌یکی ازراههای‌بسیارقدیمی ایران‌است ودر بندبریده راهسازی دوران پیش‌ازاسلام‌تاامروزبرجای‌است وتا جائیکه می‌دانیم درزمان شاه‌عباس وناصرالدین‌شاه نیزتعمیرومرمت شده است . این راه ازمحلها وآبادیهای زیر درمسیرخود می‌گذرد : گدوك امامزاده‌هاشم ،گمبوج، سیّدك[1] پایین قلعه دختر، رباط‌پیرعلی، پلـور[2]،

۱ـ بکسرسین وتشدید وفتح یاء . ۲ـ بضم پ ولام.

قاضی‌مزرا[۱]، لومر[۲]، رینه[۳]، مـون، گرمابدر، کـزنك[۴]، شنگلده[۵]، وانـه، شکل‌شاه (درتنگ‌بریده)، فلابن[۶]، بیجون[۷] (بایجان)، آهیون، کیلو، کاهـرو (کهرود)، پنجو، سیاویشه، شامزید، عمارت، کلرد[۸]، کرسنگ[۹]، سلپار[۱۰]، لاغرزمین، آمل.

میرزاحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«راهی‌که بسمت آمل می‌رود ازدامنهٔ جنوبی اسك‌است که‌به قـریـهٔ نیاك می‌رسند بعد بهمون که داخل راهی‌است که درعهد ناصرالدین‌شاه قـاجار ساخته شده.»[۱۱]

دهکدهٔ نیاك درتنگهٔ سمت راست است واز راه دور است وایـن راه هم درعهد ناصرالدین‌شاه تعمیرومرمت شده وساخته‌نشده است.

قلعه دختر

در پای بژم موشا (کتل امامزاده هاشم)، طرف شمالی، بربازویی شرقی غربی که دامنهٔ شرقی آن پرتگاهی‌است کهمنتهی به جادهٔ هراز می‌شود قلعه‌ای بسیارکهن‌و قدیمی به‌نام قلعه دختر است. دوتاو با شیب بسیارتند طرف جنوب وشمال این بازوی کوه است که از این دوطرف هم بعلت شیب‌تند این دو تاو دسترسی به قلعه تا امروز مشکل است. این بازو درست میان چشمه وپل پای کتل و نخستین بهمن‌گیر، قرار گرفته است وسراسر بناهای‌قلعه برسرآن ساخته شده است(عکس شمارهٔ ۲۱۳). بناهای قلعه بردوسطح سنگی است، سطح سنگی غربی بالاتر وسطح سنگی شرقی پایین‌تـر

۱ـ بفتح میم وسکـون ذاء. ۲ـ بفتـح میم. ۳ـ بکسر راء وسکون‌یاء.
۴ـ بفتح گاف وزاء ونون. ۵ـ بفتح‌شین وسکون‌نون وضم گاف. ۶ـ بفتح قاف و ضم بـاء. ۷ـ بـکسر بـاء و سکـون یـاء. ۸ـ بفتـح کـاف و کسر لام.
۹ـ بفتح کـاف وکسرراء. ۱۰ـ بکسرسین و سکون لام. ۱۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۲۹ ب.

می‌افتد . دیوار شمالی در سراشیبی غربی شرقی بنا شده است، درازای آن ده متر و بلندی آن درحدود سه متر است برکنج شمال‌شرقی دیوار، انحنایی است که ظاهراً باقی ماندهٔ برجی است.دیوار شرقی‌سطح بالا شیبش کمتر است وبلندی آن درحدود سه متر است (عکس شمارهٔ ۲۱۴). آب‌انبار قلعه درسطح سنگی پایین‌تر است (عکس شمارهٔ ۲۱۵). یکی ازاضلاع مربع دهانهٔآن سه‌متر وضلع مربع‌کف‌آن دومتر است. بلندی دیوار سنگی آن از لبهٔ طاق تاکف بـه سه مترمی‌رسد (عکس شمارهٔ ۲۱۶).

قطر دیوارهای قلعه به۱۲۰ سانتیمترمی‌رسد وقطرسمت بالای دیوارها ازپایین آن کمتر است .

پوزه‌ای که قلعه برآن بناشده است طرف چپ‌آب هراز است . درست در مقال این پوزه طرف راست‌آب نیزقلعه‌ای منفرد است که پیش‌آمده ودرنتیجه درّه را تنگتر کرده است . بالای آن نیز آثار بنا از دور دیده شد .

قلعهٔ سنگ‌دك[1]

در جنوب دهکدهٔ پلور

در جنوب دهکدهٔ پلور،طرف راست جادهٔ هراز واراضی سمت چپ رودخانه ، نزدیك پمپ‌بنزین، تپه‌ای منفرد وسرکشیده است. بر بالای آن‌آجرپاره و بنیاد بنادیده می‌شود .

قلا = قلادوش

در غرب دهکدهٔ پلور

بر تیرهٔ کوهی‌که سمت چپ آب‌هراز و پشت دهکدهٔ پلور است ، آثار قلعه‌ای

۱ــ بکسر گاف و فتح دال .

قدیمی برجای است. ظاهراً در قدیم محل سکنای اهالی پلور، یـا قلعهٔ دفاعی ایـن منطقه بوده است. آثار ساختمان وپاره آجر درآن دیده می‌شود.

قلعهٔ تیرکوه
در شمال غربی دهکدهٔ پلور

دنبالهٔ تیرهٔقلادوش که رو به‌شمال می‌رود،به‌پلی که قدیم بر آب لاربسته‌بوده‌اند، می‌رسد. در اینجا نیز آثار بناهایی از آجر وگچ دیده می‌شود.

تپهٔ مروانك
درجنوب شرقی دهکدهٔ پلور

تپه‌ای بلند ومنفرد برسمت راست آب، در جنوب‌شرقی دهکدهٔ پلـور است. بازوی شرقی این تپه را ظاهراً برشی داده‌اند. بربالای آن‌آثـار بنایی قدیمی است. میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه این تپه‌را به نامهای «مهروان» و«مروان» ضبط کرده و شرحی دربارهٔ مروان و عمرولیث نوشته است.[۱]

آثار دهکده‌ای قدیمی به‌نام‌کاردی‌چال
متصل به تپهٔ مروانك پلور

درجنوب تپهٔ مروانك‌آثار دهکده‌ای قدیمی است. این دهکده به عللی رو به خرابی رفته واهالی آن به‌آمل رفته ودرآنجا ساکن شده‌اند. اینان‌که امروز «کاردل» خوانده‌می‌شوند، ادعاهایی نسبت به اراضی اینجا دارند.اعتمادالسلطنه شرحی راجع به‌این دهکده نوشته است.[۲]

۱ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی،ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۳ب.

۲ـ همان‌صفحهٔ کتاب سابق‌الذکر.

پلی شاه‌عباسی برروی رودخانهٔ لار
نزدیك محل التقای رودخانهٔ لار با هراز

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« پل برروی رودخانهٔ لار، شاه‌عباسی‌است. راه عبور مردم از تهران به‌آمل ، از همین پلور است . درتمام راه دو کاروانسرای سنگی، یکی پایین‌گردنهٔ امامزاده‌هاشم ، یکی درحوالی پل ، ازبناهای شاه‌عباسی، برروی رودخانهٔ لار رود از قدیم الایام پلی بوده است ، الحال به حکم دولت تعمیر شده است . »[۱]

رباط شاه‌عباسی
در دهکدهٔ پلور

این رباط که‌اعتمادالسلطنه ازآن‌نام‌برده‌است، تاسال ۱۳۵۰شمسی برجای بود. سراسر بنای آن درجاده‌سازی برای سدلار ازمیان رفت. مصالح بنای‌آن تماماً سنگ‌و ساروج بود . درآن‌که طاق هلالی‌داشت رو به مشرق بود (عکس شمارهٔ ۲۱۷) . ازدر که وارد می‌شدیم در مقابل ، تختی‌بود به ابعاد پنج‌شش متروبلندی هشتاد سانتیمتر که مسافران‌وچهارپاداران‌روی‌آن‌می‌آرمیدند. دروسط‌کاروانسرا سه‌ردیف‌فیلپافرارداشت که‌دوازده طاق‌مدورسنگی برفیلپاها ودیوارها متکی‌بود(عکس‌شمارهٔ ۲۱۸).این‌کتیبه را برپاره‌سنگی سیاه‌که متعلق به‌محل نبود، حك‌کرده وبربالای مدخل گذاشته‌بودند.

کتیبهٔ سردر ورودی رباط پلور :

« شدبدوران شاه عالمگیر شاه‌عباس‌آن سپهر غلام

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی ، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۳۳ ب .

کمترین بندهٔ درش خاقان — کمترین بندگان او بهرام
بانی این رباط از سرصدق — ولی بن محمد خیّام
هم بسعی محمد بنّا — یافت اتمام این خجسته مقام
لازم آمد بیان تاریخش — تا شود ثبت دفتر ایام
بذ هجرت هزار و سی و چهار — کاین عمارت تمام گشت تمام»

خانقاهی قدیمی
در دهکدهٔ پلور از دهکده‌های بالا لاریجان

هنگامی که سیدظهیرالدین مرعشی در رجب ۸۶۰ هـ. ق. ملک کاووس را دنبال می‌کرد به این خانقاه درآمد و دربارهٔ آن چنین نوشته است :

« به قریهٔ پلور به خانقاهی که آنجاست زمانی مکث رفت، چندانکه دست و پای مردم که خنک شده بود و نزدیک بود که از کار بیفتد در خانقاه به آتش گرم کردند . »[1]

باقی بناها و آثار تاریخی پلور

۱ـ سنگهای قبور قدیمی در نیک. برای رسیدن به نیک، باید در حدود ده کیلومتر در جادهٔ نوساز لار پیش رفت، سپس به راه فرعی آن که از دست راست جاده جدا می‌شود وارد شد.

۲ـ گورستانی قدیمی در تپهٔ سرکش پلور .

۳ـ سه طاقچهٔ حجاری شده ، زیر پل قدیمی برروی آب لار .

۱ـ تاریخ گیلان و دیلمستان، ص ۲۸۴. خانقاه را معلوم نیست سیدظهیرالدین به چه معنی استعمال کرده است. شاید به معنی کاروانسرا و بارانداز باشد .

زیار[1] و لاسم[2]

آب زیار و لاسم از کوههای غربی قزقانچای فیروزکوه سرچشمه می‌گیرد وزیردست پلور، کمی بالاتر از تونل اول راه هراز به‌رودخانهٔ هراز می‌پیوندد. راه اصلی این دو دهکده کنار همین آب است اما از پهلوی تونل اول نیز راهی سربالا به زیار می‌رود وپس از مسافت سه‌کیلومتر به هکدهٔ زیار می‌رسد. از دهکدهٔ زیار تا لاسم درحدود دو فرسنگ سنگین است. از لاسم راهی به دریاچه‌های تار و مومج[3] دماوند است که باگذشتن از گردنهٔ انگمار[4] می‌توان به این دودریاچه رسید. ازلاسم راهی به فیروزکوه است که ازدهکده‌های قزقانچای می‌گذرد و به‌این‌ترتیب به فیروزکوه می‌رسد:

رزمون[5]، وزنا[6]، نجفدر[7]، بهان، آسور، اندریه، ارجمند، وشتان[8]، علی‌آباد، سوله‌بن، دوآب شهرآباد، فیروزکوه.

از لاسم راهی قدیمی به دهکدهٔ نوا می‌رود. این راه ازگردنهٔ املا[9] می‌گذرد. در املا امامزاده قوام‌الدین‌بن سیدجلال الدین اشرف‌بن امام‌موسی الکاظم و گورستان قدیمی آن قابل بررسی است.

۱ـ ده ازدهستان بالالاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل، دوازده کیلومتری جنوب رینه(فرهنگ جغرافیایی ایران،ج۳). ۲ـ بکسرسین،ده ازدهستان بالالاریجان بخش لاریجان‌شهرستان آمل،چهارده کیلومتری جنوب رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران،ج ۳).
۳ـ بفتح میم دوم. ۴ـ بکسر گاف. ۵ـ بفتح راء و سکون زاء.
۶ـ بفتح واو وسکون زاء. ۷ـ بفتح نون وجیم وسکون‌فاء وفتح دال. ۸ـ بضم واو. ۹ـ بفتح الف وسکون میم.

امامزاده هادی‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ زیار از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت ترك باگنبدی کلاه‌درویشی. بنا از داخل‌نیز هشت‌ترك است و گنبدی عرقچینی‌دارد (عکس شمارهٔ ۲۱۹). صندوقی چوبین ساده در وسط بناست .

امامزاده عبدالله‌بن موسی‌بن جعفرعلیه‌السلام در دهکدهٔ زیار بالا لاریجان

بنایی است‌با همان‌مشخصات‌امامزاده هادی‌بن‌موسی‌بن جعفرعلیه‌السلام (عکس شمارهٔ ۲۲۰) .

گورستانهای گبری

گورستانهای قدیمی درمراتع زیورکوه، بهبن‌کوه، میانرود و خرابه خونه‌سر است .

آبشار شیخ علی‌خان

این آبشار میان آبادی زیار و مرتع بزم واقع‌است وبلندی آن درحدود چهل متر است ومقدار ده سنگ آب آن به رودخانهٔ زیار می‌پیوندد .

کتیبه‌ای میان زیار ولاسم

میان زیار ولاسم رودخانهٔ کوچکی است که به‌آب مرارمعروف است. درکنار این رودخانه دوسنگ بسیاربزرگ بهم متصل‌اند. برسنگی یك‌تن شکارچی باتفنگ و کلاه ظل‌السلطانی است که روی اسب سوار است و شکاری در جلو او زانوزده

است و این ابیات براین سنگ حك شده است :

« بخ‌بخ این ماء سبیل است می‌کند اینجا گذار
یـا که زینها گشت پیـدا قدرت پروردگار
خوش بود اینجا سماور بـا کباب و یارو می
گه ببوئی گه بنوشی گه خوری گوشت شکار
سید غلامعلی لاریجانی .»

سیدغلامعلی اصلاً نیاکی بوده وپسران او در «رزکهٔ» آمل به نام «نیاکیان» تا امروز هستند .

پلهای‌قدیمی
برروی رودخانهٔ لاسم

اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« برروی رودخانهٔ لاسم ازقدیم‌الایام پلهایی از سنگ وگچ بسته‌اند.» [1]

پاره‌ای از این پلهاوآثار آنها تا امروز برجای است .

امامزاده احمدرضا
در دهکدهٔ لاسم از دهکده‌های بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این امامزاده چنین نوشته است :

« امامزاده‌ای در لاسم است مشهور به احمدرضا،گنبدی ازگچ‌و آجردارد ، لوزی الشکل ، ضریح امامزاده از چوب است. ازدرکه وارد می‌شویم سمت در به‌ضریح آیةالکرسی نوشته شده ، طرف مقابل این کلمات نوشته شده :

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج ۲، شمارهٔ۷۲۶، ص۳۴ب .

هذه العمارة المبارکه و روضة المتبرکه المزار المغفور المبرور المرحوم السعید الشهید بن حساران قدس الله العزیز . در چند پارچه چوب دیگر که بین الکتیبتین پایین و بالا عمود است این کلمات نوشته شده است :

صدهزاران بشارت ومغفرت بروح روان او واصل کن عمل محمدعلی نجّارفی تاریخ ماه مبارك ربیع الاول سنة احدی وعشرین وثمانمائه. الله برنویسندهٔ این رحمت کن کاتب حسین بن اسکندر و برناظم این رحمت کن.در سایر اضلاع ضریح آیات قرآن است . »[1]

آنچه به نظر نگارنده، از این امامزاده رسید به این شرح است :

نام امامزاده به مرور ایام « احمدرضاکریم» شده است . بنایی است هشت ترك که هر ترك آن ۱۹۳ سانتیمتر است وبام آن گنبدی کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۲۱) . بنا از داخل نیز هشت‌ترك است وگنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی دو لنگه است. بلندی آن ۱۴۰ وپهنای هر لنگه ۴۰ سانتیمتراست(عکس شمارهٔ ۲۲۲) . این عبارات بر این دولنگه دیده می‌شود :

« عمل استاد افراسیاب.

ابن استاد علی نجّار معروف بلارجانی .

در مسجد بهرزه باز مکن چون‌درایی بجزنماز مکن .»

صندوقی در وسط بنای اصلی، مرقدرا پوشانده است. این آیات وعبارات بر آن خوانده شد:

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شمالی آیة‌الکرسی بدین ترتیب حك شده است :

« الله لااله الاهوالحی القیوم ـــ تا ـــ من ذا الذی یشفع .»

۱ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی، ج۲،شمارهٔ ۷۲۶،ص ۳۴ب و۳۵ الف .

برحاشیهٔ پایین همین بدنه:

« عنده الا باذنه ـ تا ـ الا بعلمه وسع .»

برحاشیهٔ بالای بدنهٔ شرقی عبارات زیر حك شده است :

« امر هذا الصندوق ادریس بن صالح .»

بر بدنهٔ جنوبی صندوق عبارات زیر است :

« هذه العمارة المبارکه وروضة المتبرکه المزار المغفور المبرور المرحوم السعیدالشهید بن خیاران قدس‌الله‌العزیز .»

برهمین بدنه :

« کاتب‌خسرو بن‌اسکندرطلب رحمت‌کن عمل محمدبن علی بابو نجّار.»

منبری چوبین دراین بقعه است‌که این‌کتیبه برآن حك شده است :

«الله محمد علی فاطمه حسن وحسین یاقاضی‌الحاجات وقف امامزادهٔ‌لاسم نمود ۱۲۱۵ .»

برتخته پاره‌ای‌که بر دیوار امامزاده نصب بود ، باخط متوسط نسخ آیـاتی از ابتدای سورهٔ مبارکهٔ یس تاانتهای آیهٔ یازدهم حك شده است (عکس شمارهٔ ۲۲۳) .

تکیه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

نزدیك امامزاده و طرف جنوب آن ، تکیهٔ بزرگ قـدیمی است . پنجره‌های ارسی آن که تعداد آنها هم زیاد بود جلب نظر می‌کرد (عکس شمارهٔ ۲۲۴).

خانه‌ای قدیمی
در دهکدهٔ لاسم

خانه‌ای قدیمی وبزرگ در دهکدهٔ لاسم‌است کـه روی در خرابـی دارد . بر دیوارهای‌اطاقهای مسکونی طبقهٔ‌دوم این‌خانه‌گچ‌بریهای‌جالبی دیده می‌شود(عکسهای شمارهٔ ۲۲۵ و ۲۲۶ و۲۲۷) .

قلعه‌ای قدیمی
بر بالای کوه انگمار[1]

اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

« کوه مرتفع برفی سخت سنگی‌کـه موسوم به انگمار است از قرار گفتهٔ شکارچیها قلعه‌ای‌قدیمی دراین‌کوه‌است که‌آن‌قلعه‌هم موسوم به قلعهٔ‌انگمار است .»[2]

کتیبه‌ای بر سنگ
در کنار چشمهٔ انگمار

درکنارچشمهٔ انگمار، تخته سنگی‌است که این بیت بر آن حك شده است:

« انگمـار است سلسبیـل و جنـت المـأوالـزور
حیف ازاینجا نیست غلمان حیف ازآنجا نیست حور.»

قلعهٔ گلندان[3]
در املا[4]، سر راه لاسم به نوا

بر سرراه قدیمی لاسم به‌نوا دراراضی معروف‌به املا آثار قلعه‌ای قدیمی‌به نام

۱ـ بفتح الف وسکون نون‌وکسر گاف. ۲ـ کتب‌کتابخانهٔ‌بیوتات‌سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص ۳۵ الف . ۳ـ بکسر گاف وفتح لام و سکون نون . ۴ـ بفتح الف وسکون میم .

گلندان است . این راه ظاهراً درقدیم آمدورفتی داشته وآبادان بوده است. گنبوجی زیر قلعه، سرخیابان پای چشمهٔ طرف نوا است .

امامزاده قاسم‌بن حسن‌بن موسی‌الکاظم علیه‌السلام
در دهکدهٔ اسك[1] ازدهکده‌های بالالاریجان

بنای‌اصلی مسجدی‌است که مرقدی باصندوق مشبك‌تازه‌سازی درمیان‌آن است. در ورودی مسجد ومزارشرقی‌است. مصالح‌بنا سنگ وگل وگچ وبام‌آن‌گل‌سری‌است.

خانهٔ امینی

در اسك خانه‌های قدیمی نسبةً زیاداست ازآنها می‌توان خانهٔ امینی رانام برد که پنجره‌های ارسی وگچ‌بریهای‌آن قابل ملاحظه است (عکس شمارهٔ ۲۲۸) .

امامزاده‌یحیی
در بالامحلهٔ دهکدهٔ اسك

بنایی تازه‌ساز است‌که‌آقای موسی‌گودرزی‌به جای‌بنای قدیمی ساخته است . سروی‌کهنسال نزدیك بقعه است . مسجدی ساده وبی‌پیرایه دارد .

مسجدجامع[2] اسك ومرقد امامزاده علی‌عسکر

بنایی است مستطیل‌شکل‌که شش فیلپا دردو ردیف درطول آن ساخته ودوازده

۱ــ دهکدهٔ اسك شامل محلات زیراست : درزی‌محله، قادی‌محله ، رئیس‌محله، کلاری‌محله، تیرگرمحله، دهل‌محله، باغ‌محله، امیرمحله. نام‌این محله‌هابه‌نام خاندانهایی است‌که درآنجا زندگی می‌کنند . کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶: ص ۳۰ الف ودرس ۳۰ ب،شرحی ازخاندانهای اسك دارد . ۲ــ مسجدجامع که منظم به تکیه است ازبناهای حاجی‌کاظم‌نام ازطایفهٔ درزی یکصدوبیست‌سال است که‌بنا شده . کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ۷۲۶، ص۳۰ب،این مطالب را اعتمادالسلطنه‌در سال ۱۲۹۶ در رکاب ناصرالدین‌شاه نوشته است .

طاق براین فیلپاها ودیوارهای اطراف زده‌اند . ازداخل سفیدکاری است وازخارج گچ رابا دست مالیده‌اند . مصالح اصلی بنا سنگ وگچ است . مرقد امامزاده دروسط بنای مسجد است .

امامزادهٔ دیگری دردهکدهٔ اسك به‌نام « امامزادهمحمد» است که بنایی ساده با ایوانی جلوآن است وبام هردو، گل‌سری است .

امامزاده علی بن عبدالله[1] معروف به فشنك آقا[2]
دراراضی پشنك دهکدهٔ اسك ازدهکده‌های بالا لاریجان

شجرهٔ این امامزاده بر تخته‌پاره‌ای باخط خوش‌استعلیق، بسیارظریف بدین شرح کنده‌کاری شده و در دست متولی بود :

«علی بن عبدالله بن محمد بن حسن بن حسین بن طیعر بن امام الهمام زین العابدین بن حسین الشهید بن اسدالله الغالب مطلوب کل طالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام شرف اختتام یافت» (عکس شمارهٔ ۲۲۹) .

درمقدمهٔ این شجره ظاهراً تاریخ بنای امامزاده بوده است .

بنای اصلی بقعه ازداخل وخارج هشت‌ترك است (عکس شمارهٔ ۲۳۰) . جلودر ورودی اصلی پیش‌صحنی یا کفش‌کنی‌است . در ورودی کفش‌کن وبقعه شمالی‌است . سقف بنا گنبدی عرقچینی وبام آن کلاه‌درویشی‌است. ازداخل وخارج سفیدکاری دارد و مصالح‌اصلی بنا سنگ وگچ است. همسرامیرمکرم‌لاریجانی معروف‌به «خاورخانم» در درگاه ورودی صحن مدفون است .

۱ـ نام‌این امامزاده‌را اعتمادالسلطنه علی‌عسکرذکرکرده است. کتب‌یوتات‌سلطنتی، ج۵، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۰الف. ۲ـ بکسرفا، وسکون‌شین وفتح‌نون وسکون‌کاف، چون بنای‌این امامزاده در مزرعهٔ پشنك است به این نام معروف شده است .

بقعهٔ دیگری در اراضی پشتك اسك به نام امامزاده‌جعفراست که پیش‌صحن یا مسجدی جلو در ورودی است. درمسجد ودربقعه شمالی است . بنای اصلی ازداخل و خارج هشت‌ترك است. سقف‌بناگنبدی عرفچینی وبام بنا کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۳۱) .

بقعهٔ دیگری درهمین مزرعه به‌نام امامزاده‌شیرین است‌که معروف‌است خواهر امامزاده علی و امامزاده جعفراست . بنایی‌است محقر که ایوانی رو بـه‌جنوب دارد . طرف شمال‌شرقی بقعه‌به‌کوه متصل‌است . اهالی معتقدندکه شیرین دراینجا غیب شده‌و نظیرقصهٔ‌بی‌بی‌شهربانو را برای او ذکر می‌کنند .

باغ عباس‌آباد

این‌باغ در دهکدهٔ اسك‌به‌دست عباسقلی‌خان لاریجانی‌امیرمکرم احداث شد . محل‌تفریح وتابستان‌نشین اوبود . ساختمانی هم داشت‌که فعلاً یکسره خراب شده واز میان رفته است. جد امیرمکرم را در امامزاده‌ابراهیم‌آمل به خاك سپرده‌اند .

غار اسك

این غارکه ازطویلترین غارهای ایران است، بالای نخستین‌تونل راه هرازقرار دارد . طول غاردرحدود ۴۵۰ متروپهنای‌آن درپاره‌ای جاها به‌ده‌متر می‌رسد . اوایل غار چاهی‌است‌که درحدود سی‌مترعمق دارد . چهارصد مترکه ازدهانهٔ غارپیش رفتیم به‌کوره راهی می‌رسد ودنبالهٔ‌غارپنجاه متردیگرپس‌ازاین‌کوره‌را ادامه‌پیدا می‌کند .[۱]

۱ــ برای اطلاعات بیشتر ن.ك. به‌مجلهٔ خواندنیها، سال دوازدهم، شمارهٔ ۴۳ شنبه‌پنجم بهمن ۱۳۳۰ . مجلهٔ نیرو وراستی سال پنجم ، شمارهٔ ۱۵۵، چهارشنبه۲۸مردادماه۱۳۲۶. کتب‌کتابخانهٔ‌بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۱الف، شرحی دربارهٔ این غار دارد .

کافر کلی

در نقاط مختلف بـالالاریجان در میان بندها و پرتگاهها اطاقهایـی درسنگ تراشیده‌اند . در هیچیك از نقاط ایران این اطاقها تااین حد متمرکز نیستند . ایـن اطاقها ازکوه کاروان درشمال دهکدهٔ اسك شروع می‌شوند وبه زیربرج بیامه‌سی ختـم می‌گردد. دردره‌های فرعی‌نظیردرهٔ‌نیاك نیز این اطاقها ساخته شده‌اند. اغلب‌آنهابه‌نام «کافرکلی»یعنی«غارکافر» خوانده می‌شوند .اعتمادالسلطنه دربارهٔ‌کافرکلی اسك چنین نوشته است :

«سمت شمال اسك محدوداست به‌کوه کاروان که‌کوهی بی‌دامنهٔ تندی است مشابه‌دیوار وازبنیان این‌کوه تقریباً تا دوثلث‌آن مغاره‌های‌بزرگ مصنوعی‌و سوراخهائی که دست انسان‌باکلنگ‌کنده‌است دیده می‌شود.تقریباً ۲۰۰الی ۲۵۰سوراخ‌است .آنچه‌به‌نظرمن می‌آید وباید همین‌طورازروی‌تخمین‌باشد در سوابق ایام وقتی‌که اهالی این‌بلد مذهب زردشتی داشته ، دخمهٔ اموات بوده . اگر چه عقیدهٔ اهل بلد اینست که سکنهٔ سابق اینجا این مواضع را کنده بودند برای خودشان . این حدس صائب‌نیست شایـد شق اول صحیح باشدوحالاآنچه دسترس‌است وممکن است‌گوسفندآنجا برود زاغه‌کرده‌اند. آنچه قدری‌بلند است وگوسفندنمی‌رود وآنچه‌با نردبان انسان صعودمی‌کند آذوقهٔ گوسفند می‌گذارند . آنچه هیچ نمی‌شود رفت به حالت اولیه بـاقی است. اگر صعود بواسطهٔ طناب وغیره‌کنند محتمل است استخوان آدم پیدا شود واین قسمت شمال به تفصیلی‌که مذکـورشد فی‌الواقـع ریشهٔ دماونـد است به این معنی‌که از یك راه صعب‌المسلکی با سرازیری بسیار تند ویك دربند تنگی که درآن دربند هم ازاین دخمه‌ها زیاد است راهی است کـه

به قریهٔ رینه می‌رود وخود رینه وصل به ریشهٔ دماوند است. ازجلگهٔ رینه تقریباً سه‌هزار قدم‌که پایین می‌آیند به دربند سنگی تنگی می‌رسند که ابتدای آبادی اسك از اینجا شروع می‌شود.»[1]

کافرکلیهای دیگر بالا لاریجان

از کافرکلی اسك که بگذریم ودر امتداد رود هراز رو بهشمال حرکت‌کنیم در کنار راه و دره‌های فرعی دست چپ ودست راست‌آب کافرکلیهای زیر را می‌بینم :

۱ـ در تنگهٔ پهلوی اسك به‌نام تنگهٔ سره (عکس شمارهٔ ۲۳۲).[2]

۲ـ در نیم کیلومتری این تنگه داخل تنگهٔ دست چپ یك ردیف شش‌تایی .

۳ـ در تنگهٔ دیگری پایین‌تراز این تنگه کافرکلی تکی بغل‌کوه است .

۴ـ در تنگهٔ‌آنه‌منون در طرف چپ هراز روبروی درهٔ نیاك درآخر تنگه، سه کافرکلی است یکی طرف چپ ویکی طرف راست ویکی در میان آن دو .

۵ـ کمی پایین‌تراز این تنگه، دربند وپرتگاه دست‌چپ آب هراز یك ردیف ده عددی است . (عکس شمارهٔ ۲۳۳) .

۶ـ داخل درهٔ نیاك پشت انجیلا، ده عدد نامنظم پهلوی یکدیگر است .

۷ـ در درهٔ نیاك زیر راه نوا، چهار عدد پهلوی یکدیگر .

۸ـ کافرکلی تکی انبه در دهکدهٔ انبه .

۹ـ ردیف کافرکلیهای مون (عکس شمارهٔ ۲۳۴) .

۱۰ـ درپرتگاهی که پایین برج بیامه‌سی است سه عدد جدا از یکدیگر.

دمرکان در مطالعهٔ بالالاریجان طرحهای داخلی بعضی ازاین‌کافرکلیها را داده

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی،ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶ ، ص۲۹ الف .

۲ـ بفتح سین وکسر راء اول وفتح راء دوم .

است ولی معلوم نکرده که متعلق به‌کدام است .

رینه

رینه از دهکده‌های آباد بالا لاریجان است و به محلات زیر تقسیم می‌شود : سالارمحله ، موشامحله ، خیرمحله [۱] ، کریم‌محله ، قرقشه‌محله [۲] ، بایه‌محله ، فرامرز محله، خسین‌محله [۳] ، قصاب‌محله ، مسیرمحله [۴] ، ابیاك‌محله [۵] ، مهمیدمحله [۶] ، (شاید محمود) ، کردمحله .

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه محلات رینه را بدین ترتیب یادکرده است:

« سالارمحله مرکب است ازسه محله : سالارمحله، گرجی‌محله، احمدان‌محله. چالکامحله ، کفشگرمحله ، بایه‌محله ، کردمحله، منصورمحله ، خسین‌محله ، فرامرزمحله ، عرب‌محله ، قصاب‌محله ، این پنج محله جزء کردمحله هستند.» [۷]

خاندانهای زیر در محلات مختلف این دهکده زندگی می‌کنند :

کیاسالار ، موشائی ، خاندان محمدشاهی از کرمانشاهان‌آمده‌اند. گروهی که در رینه ساکن شدند جزء طایفهٔ ملابشمارآمدند دسته‌ای‌که به موشا رفتند جزء طایفهٔ برزگر شمرده شدند و جمعی که به‌آمل آمدند جزء طایفهٔ کفشگر شدند . کردهای کردمحلهٔ رینه ازکردکوی‌گرگان بدینجاآمده‌اند. خاندان فرامرزهم از زابل‌سیستان بدینجا روی‌آورده‌اند. خاندان خسین خود را ازنسل خسروپرویز می‌دانند . خاندان قرقشه ازلار به رینه کوچ کرده‌اند . در اصل دوبرادر بودند یکی به رینه و دیگری

۱ـ بفتح خاء و کسرباء . ۲ـ بفتح‌قاف وسکون راء وفتح قاف‌دوم وکسرشین .
۳ـ بفتح خاء . ۴ـ بفتح میم . ۵ـ بفتح الف . ۶ـ بفتح میم وسکون‌هاء.
۷ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص ۳۱ب .

به لار فارس رفت . خاندان بایه (بائی) از سوادکوه‌اند و در رینه ساکن شده‌اند .

طایفهٔ قصاب از اعراب کوچ کننده بودند که در رینه مقیم شده‌اند . خانـدان خیر در نوشته‌ها واسناد «خزر» خوانده می‌شوند .

خاندان ابیاك هم از اعراب هستند. خاندان سالارکیا ، خاندان اصلی وبـومی رینه است .

امامزاده محمدطاهر
در اراضی امامزاده‌سر رینه

بنای اصلی بقعه از خارج و داخل هشت‌ترك است . بام‌آن کلاه‌درویشی است و از داخل گنبدی عرقچینی دارد . در ورودی اصلی بقعه شرقی است‌که درمسجدی باز می‌شود. در درازای مسجد، در وسط، پنج‌ستون چوبین است که بربالای آنها فرسبی[1] کشیده‌اند .

طاق مسجد پلورکشی است ، پلورها چهارنبش است وبـردیوارهای دو طرف و فرسب میانی متکی‌است. بالای پلورها، پل‌کوبی بادرزپوش است . علمی نظیرعلمهای تهران در مسجد بود ولی زیاد قدیمی به‌نظر نرسید. مسجد دارای‌ایوانی ساده باهشت ستون چوبین‌است.درحرم بقعه صندوقی‌مشبك‌قدیمی‌است که‌سه‌طرف‌آن برجای‌است و یك‌بدنهٔ دیگر آن را به سرقت برده‌اند .

امامزده یحیی
در مسیر محلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه گل‌سری‌است‌که هفت‌پله ازکف دومسجدزنانه و مردانه بلندتر است . سقف بنای اصلی بقعه وسقف مسجدها پلورکشی وپل کوبی است .

۱ـ بفتح فاء وراء وسکون سین وباء . حمال ودوش‌کش را گویند .

امامزاده حمزة بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام
در کریم‌محلهٔ رینه

بنای اصلی بقعه از خارج هشت ترك با گنبدی کلاه درویشی واز داخل چهار-گوشه‌با گنبدی عرقچینی‌است. درهرضلع بقعه ازداخل دوطاقنما باطاق‌هلالی‌است که یکی داخل دیگری است. درها وصندوق بقعه تخته‌ایست وکنده‌کاری ندارد. بقعه را ازکاشیهای نقش‌دار دوران‌قاجاری فرش کرده‌اند. بنای‌بقعه مشرف برتکیه ودرجنوب مسجد جامع است . وسط تکیه تختی است ومنبری برآن است .

مسجد جامع رینه

بنای مسجد جامع قدیمی‌است . در درازای بنا دوفیلپا در وسط بنا ساخته‌اندو شش رواق با طاقهای گنبدی به وجود آورده‌اند . قبل‌از ورود به مسجد ، به مأذنه‌ای برمی‌خوریم که از سنگ وگچ ساخته وحلب‌پوش کرده‌اند . مصالح بنای مسجد نیز سنگ و گچ است .

قلعهٔ لوندر
در رینه از دهکده‌های بالا لاریجان

سید ظهیرالدین مرعشی دربارهٔ این قلعه می‌نویسد :

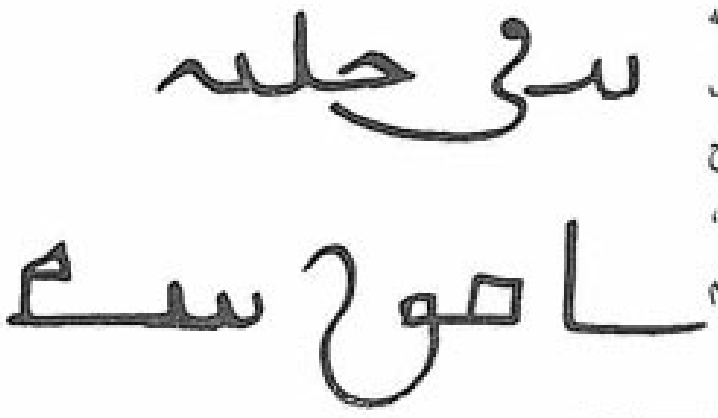
« سیدفخرالدین‌پس‌از تسخیرقلعهٔ کارو(کهرود) متوجه تسخیرلارجان وقلعهٔ لوندر گشت . کیاحسن‌کیای‌ضماندار، به قلعه متحصن شد وبنیاد عنادوتمرّد نمود ومطلقاً نصیحت قبول نکرد.اما مردم لارجان را عطایا وموهباب فریفته گردانید واکثر تابع وفرمانبردارگشتند وبرابر قلعهٔ لوندر در موضع رینه، قلعه‌ای دیگربنیادکردند وبه زمان‌اندك‌به‌اتمام‌رسانیدند وچندنفرازموافقان دولت خودرا باسردارنیك بازگذاشتند وبه‌قلع‌وقمع جمع‌لارجانی‌که موافق

کیاحسن‌کیا بودند اقدام نمودند وخود متوجه کجور گشتند و چون مدت شش‌ماه برآن بگذشت، کیاحسن‌کیا امان طلبید وقلعه‌را تسلیم نمود و اورا از قلعه بیرون آوردند وبه آمل جای دادند و قلعه را به کوتوالان لایق سپردند وقلعهٔ رینه‌که جهت تسخیر لوندر ساخته بودند خراب‌کردند وآثار آن هنوز باقی است . »[1]

کلماتی باخط کوفی
برلوحه‌ای سنگی میان راه رینه به پلور

محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه که درسال۱۲۹۶در رکاب ناصرالدین‌شاه به رینه‌و سایر دهکده‌های بالا لاریجان رفته‌است ، کتیبه‌ای به‌خط کوفی برسرراه رینه به‌پلور دیده ودربارهٔ‌آن نوشته است:

« از قریهٔ رینه‌که به پلور می‌آیند، دروسط راه‌گردنه،کنار راه واقع شده. درسر این راه لوحی به‌خط کوفی برپارچه‌سنگی منقور بوده . بمرورده‌ور بواسطهٔ زلزلهٔ یاعوارض دیگر،این پارچه‌سنگ محکوك، ازجای‌خود جدا شده،غلطیده،سیصدچهارصدذرع پایین‌افتاده‌است وشکسته‌است. آنچه دراین لوح باقی‌مانده‌بعینه در صفحهٔ ۲۱ نقل شده. چون این‌لوح درکنار راه بوده ، بنابراین لوح اسم بانی ندارد . »[2]



۱ــ تاریخ‌طبرستان‌و رویان‌و مازندران، ص ۲۹۰ .

۲ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۱ب .

پلی از سنگ معروف به پل مون
برسر راه نیاك در راه قدیم هراز

پلی ازسنگ ، برروی رودخانهٔ هراز ، برای رفتن‌بـه نیاك وسایر دهکده‌های مجاور آن ساخته‌اند. یال شرقی‌این پل تاجناق طاق شانزده متر ویال غربی‌آن‌تاجناق طاق چهارده متراست. پهنای اصلی‌پل دومتروبا درنظرداشتن جان‌پناهها ۲۴۵سانتیمتر است . بلندی جان‌پناهها ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر وبلندی پل ازسطح سنگ‌چین که محل عبوراست تا سطح آب، ۶۶۰ سانتیمتر است . پایهٔ غربی پل برکمری بسزرگ استوار است وپشت‌آن را سنگ‌چین‌کرده‌اند وخاکریزنموده‌اند. پایهٔ شرقی را تا جایی‌که در آب قرار می‌گیرد، ازسنگ رودخانه وساروج وقسمت‌بالاتررااز‌سنگ‌وگچ چیده‌اند و طرفین پل‌را با گچ غربالی سفید کرده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۳۵).این پل درحدودپنجاه سال قبل به خرج حاجی آقا رضانیاکی ساخته شده است .

باقی بناها وآثار تاریخی مون واطراف‌آن

۱ـ قلعه‌ای قدیمی میان مون و انبه‌که آثاری از آن باقی‌است . این‌آثاربرسر گردنهٔ گمدگلی[1] است .

۲ـ چهاردرویش دردهکدهٔ مون .

۳ـ تونلی قدیمی میان نیاك ومون سمت راست رودخانه .

۱ـ بکسر گاف وفتح‌میم و گاف دوم.

قلا دوش

بر کنارهٔ راست‌آب هراز نزدیك تخته‌پل نیاك

از تخته پل نیاك که به‌طرف دهکده می‌رویم، سمت‌راست بر بالای قله‌ای سنگی منفرد وکوتاه آثار قلعه‌ای قدیمی‌است. این قلعه‌دارای سه زاغه‌بوده‌که دوتای آنها رو به غرب ویکی رو به جنوب است .

بقعهٔ درویش تاج‌الدین‌حسن‌ولی

در دهکدهٔ نیاك از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از داخل وخارج هشت‌ترك . برهریك از اضلاع داخلی طاقنمایی درازوباریك‌است و نورگیری‌کوچك درضلع قبلی‌است.سقف‌بنا ازداخل‌گنبدعرقچینی‌و از خارج کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۳۶) . مصالح بنا سنگ وگچ است .

در ورودی بقعه در ضلع شمال‌شرقی است وکنده‌کاریهای بسیار ظریف دارد . این عبارات بردماغهٔ در نقرشده است :

«نذرحضرت زیارت‌پناه عدالت‌دستگاه معزالدولة والدین امیرحسین‌کیاابن المرحوم السعید الامیرالکبیر المتوفی بجوار الملك‌الولی سیفاً‌للحق و دولت (؟) امیرعلی خلدالله [ملکه‌العا]لی دوام دولته وعدالته وطاب‌ثراه فی‌عشرین‌شهرذوالقعدة سنةست وستین وثمانمائه عمل‌استادبایزیدابن‌استاد محمد نجّار جیلاردی»[1] (عکس‌شمارهٔ ۲۳۷) .

صندوقی چوبین مرقد درویش حسن‌ولی‌را پوشانده است. بربدنهٔ شرقی صندوق این عبارات حك شده است :

۱ــ عبارات کتیبه بهم ریخته وپریشان است .

«نذر کرد امیر اعظم امیر حسین بن امیر داود طاب ثراه فی تاریخ ماه محرم سنة ثمانة ستین وثمانمائه.»

متصل به بقعهٔ درویش تاج‌الدین حسن مسجدی بزرگ و تازه‌ساز است. رختخوابهای متعدد و سماورهای مختلف را، برای رفع حاجت زوار، وقف این مسجد کرده‌اند. صندوقی نسوز بزرگ آهنین، برای تحف وهدایا، در این مسجد است که طایفهٔ نیاك آن را وقف کرده‌اند. این عبارات بر آن نوشته شده است:

«متعلق است به حضرت سید تاج‌الدین (سید حسن ولی) و این هدیهٔ ناچیزی است که از طرف طایفهٔ نیاك تقدیم گردید ۱۳۴۴.»

پشت قرآنی خطی نسبةً قدیمی، در مسجد درویش حسن ولی، مطالب زیر نوشته شده است:

«تاریخ غرس چنار کوچك در پیش روی تکیهٔ نیاك که سیادت‌پناه میر محمد شفیع ولد میر سعید نیاکی غرس کرد فی سنة ۱۲:۲۰۳ :»

تاریخ غرس چنار میان ده نیاك در پیش مسجد که سیادت‌پناه میر زین‌العابدین ولد میر عباس غرس نموده فی سنة ۱۲:۲۰۲ :»

سید علی = سید عالی

بقعه‌ای هشت ترك با گنبدی کلاه‌درویشی متصل به مسجد و بقعهٔ درویش‌تاج‌الدین حسن است (عکس شمارهٔ ۲۳۸). در ورودی آن داخل مسجد باز می‌شود. داخل بنا نیز هشت‌ترك است و گنبدی عرقچینی دارد. صندوق چوبین مشبك ساده مرقد سید را پوشانده است.

درویش سهراب

درجوار بقعهٔ درویش تاج‌الدین‌حسن، بقعهٔ دیگری به‌نام درویش سهراب‌است. بنایی است ازخارج‌وداخل هشت‌ترك(عکس شمارهٔ۲۳۹). بام‌آن‌گنبدی کلاه‌درویشی‌و سقف آن گنبدی عرقچینی است . در ورودی این بقعه شرقی است . صندوقی مشبك تازه‌کار مرقد درویش را پوشانده است . بنا از خارج‌و داخل سفیدکاری است .

امامزادهٔ عبدالله‌بن‌علی‌بن موسی‌بن جعفر علیه‌السلام در دهکدهٔ کنار انگام[1] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای اصلی بقعه مدور است وگنبدی کلاه درویشی دارد واز داخل هشت ضلعی است وسقف آن گنبدی‌عرقچینی است (عکس شمارهٔ ۲۴۰) . یك جا چراغی درکنج یکی ازاضلاع باگچ ساخته‌اند. صندوقی‌سادهٔ تخته‌ای مرقدرا‌پوشانده‌است . مسجدی‌و ایوانی متصل به بقعه است .

بقعهٔ سید مصطفی وسید مرتضی متصل به‌بنای تکیهٔ‌این‌آبادی است. بنایی است گل‌سری باصندوقی چوبین ساده.

۱ــ بفتح الف ، کنارانگام دهکده‌ای است برسرراه نوا . درحدود سی‌وچهارخانوار تابستان‌نشین دارد که به‌خاندان : سادات‌حسنی واسحاق‌تبار تقسیم می‌شوند .

امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر علیه‌السلام
در دهکدهٔ نوا[1] از دهکده‌های بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه دربارهٔ امامزاده یحیی مطالب زیر را نوشته است :

« در نوا امامزاده‌ای‌داردکه اصل مزار روی‌تخته‌سنگ‌بزرگی‌است وگنبدی به شکل لوزی روی آن است . بتوسط چهار پله از مسجدی کـه دو ستون سنگی دارد به حرم امامزاده صعود می‌کنند. این مسجد سمت مغرب‌است و ازطرف سمت مشرق ایوانی‌است‌که بواسطهٔ یك در نیز داخل حرم امامزاده می‌شود . اسم امامزاده یحیی است .»[2]

سپس عباراتی را که بردرحك شده است نقل می‌کند .

نمای خارج بنا هشت‌ترك است با گنبدی کلاه‌درویشی و از داخل مدور است و سقف آن گنبدی عرقچینی است. تمام بنا، روی کمری یك پارچه ساخته شده و مرقد امامزاده را نیز درسنگ درآورده‌اند . صندوقی چوبین در میان بناست که پایه‌ای‌از سنگ وگچ دارد. درازای صندوق ۱۷۰ وپهنای آن ۷۵ وبلندی آن۸۰ سانتمیر است. بربدنهٔ غربی آن این عبارات باخط نسخ متوسط حك شده است :

۱ــ خاندانهای چندی در دهکدهٔ نوا از قدیمترین ایام زندگی می‌کنند ونامهای این خاندانها از این قرار است: ۱ــ خاندان‌خان از نسل‌رضاقلی‌خان مستوفی که نسب‌او به‌امیر علیشیر نوائی می‌رسد. ۲ــ عاشق (بضم‌شین) که با طایفهٔ‌خان ارتباط دارند . ۳ــ خاندان ملا که از نسل ملامحمدشهر آشوب هستند. ۴ــ خاندان گودرز که خود را ازنسل گودرز کشواد می‌دانند . ۵ ــ خاندان درزی یا جامه گر . ۶ ــ خاندان جفتا ظاهراً بازماندگان نوکران امیرعلیشیروهمراهان‌اوهستند. ۷ــ خاندان‌بلالی. ۸ــ خاندان‌دلیس. ۹ــ خاندان‌باتب(بکسر تاء). ۱۰ــ خاندان جمال. تا جائیکه مورخان نوشته‌اند امیرعلیشیر نوائی را با این دهکدهٔ نوا ارتباطی نبوده است. ۲ــ کتب کتابخانهٔ بیوتات‌سلطنتی،ج۲ ،شمارهٔ۷۲۶ ،ص۳۸ب .

« هذه‌العمارة ازفرمودهٔ رئیس‌صالح‌حسین حعاله عمل‌استاد محمودنجّاردر تاریخ سنهٔ‌تسع عشروتسعمایه .»

بربدنهٔ جنوبی‌صندوق بانوعی‌کنده کاری که خراش روی تخته است :

« بنا کنندهٔ این عمارت بایزید ابن‌حاجی جواد .»

صندوق ازچوب گردوست وسراسر قسمتهای آن‌کم وزبانه وقاب‌وآلت‌است واز نگارهای فراوان ترکیب شده است .

زیارتنامه‌ای برسه پاره‌تخته که قابی چوبین دارد مورخ به سال ۱۳۰۰ با خط خوش نسخ وگل وبوته‌ای طرف‌راست و دوگل وبوته طرف پایین در امامزاده است.

مسجدی متصل به بنای بقعه است. دری دارد قاب وآلت که برپاسارها وپائوها کنده‌کاری ظریف است (عکس شمارهٔ ۲۴۱). بلندی‌آن ازلبهٔ خارجی دوقسمت چهار-چوب ۱۹۰ وپهنای آن از دولبهٔ خارجی چهارچوب ۱۳۵ سانتیمتراست . این عبارات برکلکی چهارچوب حك شده است :

« این درمبارك بوجه سرکارمرحومه‌گلابی‌خانم صبیهٔ‌آصفجاهی میرزارضاقلی بعمل استاد آقابابا باتمام رسید سنهٔ ۱۲۱۷.»

امامزاده یحیی در محل معروف به «پیریاله» است واهالی کنارانگام در موارد اختلاف سامان ملکی بامردم نوا می‌گویند «سامان ما تا پیریالـه است» منظور ایشان بنای این بقعه است .

در دهکدهٔ نوا امامزاده‌های دیگری‌به نامهای:امامزاده‌زکریا وامامزاده اهل-علی وامامزاده عبدالله دیده شد که بناهایی مختصر وناچیز دارند .

تکیه ومسجد نوا[1]

دردهکدهٔ نوا تکیه‌ای بسیاربزرگ وقدیمی است. برجرزهای‌دوطرف طاقنماها گچ‌بریهای نسبةً ظریف است. بریکی از جرزها کلمات زیر خوانده شد :

« عمل کمترین قربانعلی جغتائی ـ کتبه مشهدی‌حسین روضه‌خوان . »

قلا پیش و قلا میرك
دوقلعهٔ قدیمی در دهکدهٔ نوا

نام‌اصلی «قلاپیش» قلعهٔ شروین بوده‌است‌که درمغرب‌آبادی نوا ساخته بوده‌اند. زمینهایی به‌نام «قلامیرك» تا امروزمعروف ومشهور است. تا چندی پیش برج وباروی هر دوقلعه برقرار بود. امروز از آنها نشانی برجای نیست .

نوا مولد سه تن از شاهزادگان‌قاجار

میرزاحسن‌خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد :

« نوا مولد سه نفر از شاهزادگان بزرگ قاجار : عباس میرزا، محمدعلی ـ میرزا، محمدقلی میرزا است . »[2]

پشت یکی ازقرآنهای وقفی‌درموزهٔ‌آستانهٔ حضرت‌معصومه سلام‌الله‌علیها عبارات زیر دیده شد :

۱ـ محلات دهکدهٔ‌نوا ازاین قرارند: ۱ـ جغتائی‌محله . ۲ـ عاشق‌محله (بشم‌شین) . ۳ـ ملامحله . ۴ـ گودرز محله. ۵ـ جمال‌محله . ۶ـ باتب‌محله (بفتح تاء) ۷ـ بیلی‌محله (بکسر باء وسکون یاء)ظاهراً بلالی‌محله. ۸ـ رئیس‌محله. ۹ـ حمزه‌محله. ۱۰ـ درزی‌محله . ۱۱ـ پیرعلی (پیلالی) محله . ۱۲ـ قـرامـحله. ۱۳ـ هوالـه‌محله (بفتح هـاء).

۲ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۲ب .

« خداوند عالم در قصبهٔ نوا درسنهٔ ۱۲۰۳ پنج اولاد ذکور به خاقان مغفور مرحمت فرمود :

نـواب محمدعلی‌میرزا از زن‌گرجیهٔ تفلیسیه ۷ شهر ربیع‌الثانـی ۱۲۰۳ .

نواب محمدقلی‌میرزا ۲۳ شهر رمضان از دختر محمدخان دائی قوانلو دائی آقا محمد خان ۱۲۰۳.

محمدولی‌میرزا غرّهٔ ماه شوال از دختر اصفهانی ۱۲۰۳.

نواب‌عباس‌میرزاچهارشنبهٔ۴ذی‌حجةالحرام ازصبیهٔ فتحعلی‌خان دولو۱۲۰۳.

نواب حسینعلی‌میرزا روزعیدضحی از صبیهٔ محمدجعفرخان عرب بسطامی ۱۲۰۳. »

صاحب روضةالصفای ناصری نام این شاهزادگان را چنین یاده کرده است :

شاهزاده نایب‌السلطنه عباس‌میرزا در چهارشنبه ذی‌حجهٔ سال۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا از بطن صبیهٔ محترمهٔ فتحعلی‌خان قاجار دولو، برادر جان‌محمدخان و در سال ۱۲۴۹ رحلت کرد.شاهزاده محمدقلی‌میرزا پسرسوم فتحعلی شاه در شب‌هفتم ربیع‌الثانی۱۲۰۳ درقصبهٔ نوا متولدشده، والده‌اش صبیهٔ محمدخان قوینلوخان خاقان شهید وهمشیرهٔ امیرکبیراعتضادالدوله سلیمان‌خان قاجار بوده .»[1]

نقوش وخطوط سیاه‌کوه و قبله کتو[2]
در آزوی نوا

درآخر درّه نوا خرابه‌های دامنه‌دار و وسیعی‌به نام «آزو»است‌که نشان‌می‌دهد روزگاری آبادی بزرگی در اینجا بوده است . بر سر راه این آبادی ابتدا به اراضی

۱ـ روضةالصفای‌ناصری، ج۹،ص۳۴۲. ۲ـ بفتح کاف .

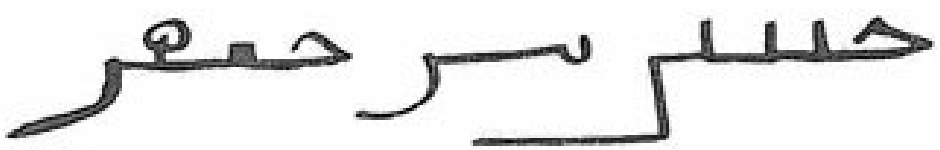
سیاه‌کوه و پس‌ازآن در غـرب این خرابه‌ها به‌گلردی[1] به‌نام «قبله‌کتو» برمی‌خوریم . دراین دونقطه نقوش‌وخطوطی‌است‌که ما تمام‌آنها را تقریباً بررسی‌کرده‌ایم. اعتماد‌السلطنه ظاهراً درسال ۱۲۹۸ هـ. ق. به دوپاره از این سنگها برخورده واین شرح را دربارهٔ آنها نوشته و رونویسی از آنها تهیه‌کرده است .

صورت خطوط سنگهایی که در نواست[2]

سنگی است کـه این چند کلمه درآن به این شکل :



در سنگ دیگر این چند نقش بود :



اما آنچه که مامطالعه وبررسی کردیم :

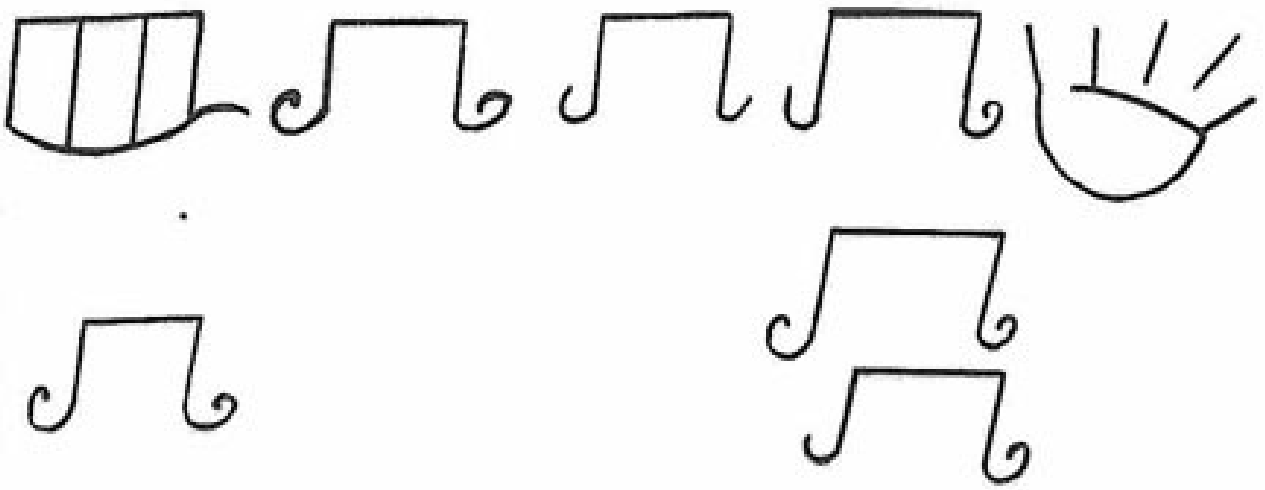
برسنگ اول در ابتدای درّهٔ سیاه‌کـوه نقوش بزو میش‌کوهی و دو نقش بدیـن ترتیب بود :

۱ـ گلرد(بفتح گاف ولام) و ولرد(بفتح واو ولام)به قسمتی ازکوه گویندکه سنگهای بزرگ درآن فروریخته یاغلتیده وجمع‌شده‌باشد .

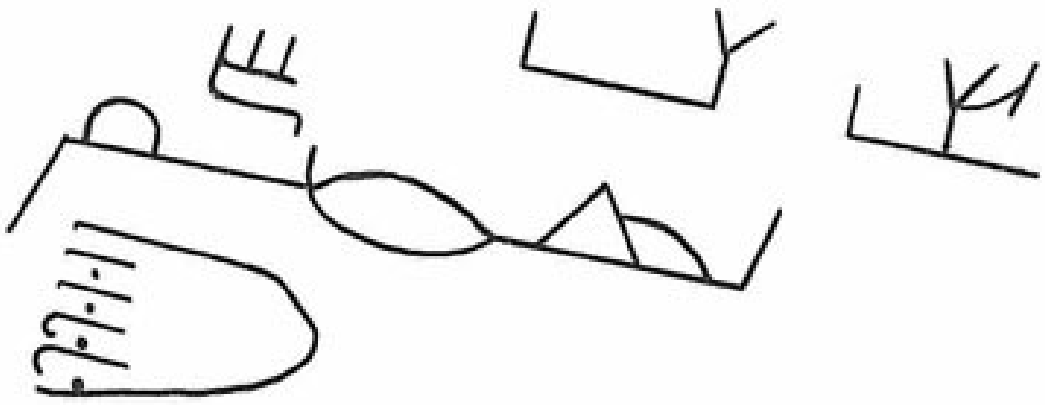
۲ـ کتب‌کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج۲، شمارهٔ ۷۲۶،ص۳۲ب .



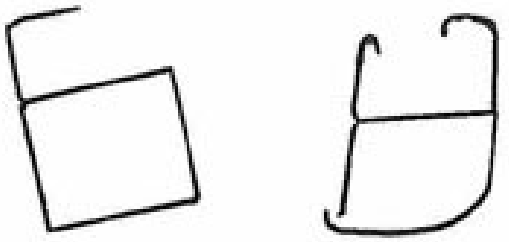
برسنگی که در دوراهان آزو متمایل افتاده بود، نقوش زیر نقر بود :



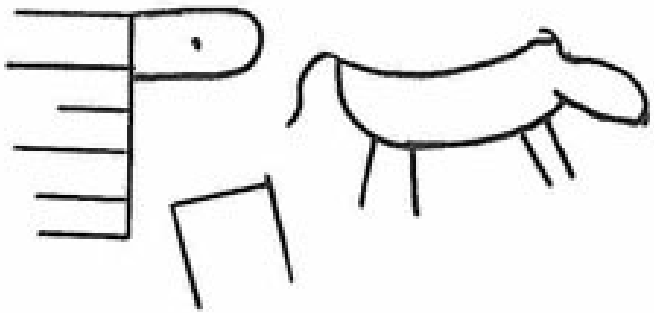
روی سنگی که افقی افتاده است :



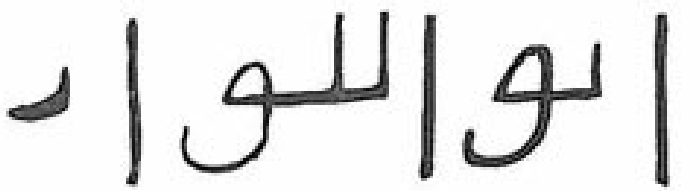
برلبهٔ دست راست این سنگ :



برلبهٔ دست چپ این سنگ :



از دوراهان که گذشتیم به‌سر تخت کنار چشمه می‌رسد . لبهٔ بالای این تخت سنگی که نظیر نیمکت است ۱۲ سانتیمتر، پشتی تخت ۴۰ سانتیمتر و کف تخت ۴۵ سانتیمتر است. درازای تخت تاجایی که می‌توان حدس زد کنده‌کاری در سنگ دارد، ۲۸۰ سانتیمتر است. این حروف برطرف دست راست پشتی تخت دیده می‌شود ومابقی آن را به قصد گرفتن گنج شکسته‌اند :



پس‌از گذشتن از سرتخت وطی مسافتی به اراضی «قبله‌کنو» کـه‌گلرد وسیع و بزرگی است می‌رسیم . در اینجا سنگهای بزرگ وکمرها روبهم ریخته‌اند و سنگی نیست‌که در اینجا نقوش وخطوط برآن نقر نشده باشد. مقداری ازآنها عکسبرداری شده ودرعکسهای‌شمارهٔ ۲۴۲ و۲۴۳ و۲۴۴ و۲۴۵ و۲۴۶ و۲۴۷ و۲۴۸ و۲۴۹ و۲۵۰و ۲۵۱ و۲۵۲ نشان داده شده‌اند .

راه آزو به شونادشت (شاهان دشت)

ازآزوی نوا راهی برای شاهان‌دشت‌است و از محلهای زیر می‌گذرد :

انجی[1] ـ شونا ـ دجمار[2] .

درشونا سنگهای قبور زیادی‌است که کلمات عربی برآنها حك شده است .

امامزاده زین‌العابدین

در پایین‌محلهٔ گرنا[3] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است از سنگ وگچ . نمای خارج آن هشت‌ترك و بام آن کلاه درویشی است . در ورودی بقعه جنوبی است . ازکفش‌کن دری شرقی نیز به‌حرم باز می‌شود . در یکی ازاضلاع جنوبی، طاقنما مانندی‌است وبالای آن نورگیری تعبیه کرده‌انـد . در طرف‌غرب بقعه طاقنمای عمیقی‌است‌که به‌نام «حرم» معروف است ومی‌گویندهمسر امامزاده دراینجا به‌خاك‌سپرده شده‌است. درمحوطهٔ باز اطراف بقعه،گورستان عمومی است. درخت سفیدارکهنسالی درمحوطهٔ گورستان است . در نزدیك امامزاده‌تکیه‌ای قدیمی ومسجدی نوساز است (عکس‌شمارهٔ ۲۵۳) .

۱ـ بفتح الف . ۲ـ بکسردال . ۳ـ گرنا(بفتح گاف) ده‌ازدهستان‌بالاـ لاریجان بخش‌لاریجان شهرستان‌آمل،سه‌کیلومتری‌شمال‌رینه(فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران،ج۳).

امامزاده قاسم
در بالاخط گرنا

بقعه‌ایست هشت‌ترك با گنبدی کلاه درویشی . در اصلی بقعه شمالی است و داخل پیش‌صحنی باز می‌شود که فعلاً استفادهٔ مسجد ازآن می‌کنند. داخل بقعه مدور و سقف آن گنبدی عرقچینی است . صندوق و درها تخته‌ای ، ساده و بدون کنده‌کاری است .

درویش‌حسین
در بالاخط گرنا

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه . بام بنا هرم مربع‌القاعده است . مسجدی متصل به‌بناست که در ورودی آن شمالی است . در اصلی بقعه شرقی است . چهارکنج بنا را از داخل باچهارگوشوار جمع کرده‌اند و گنبدی عرقچینی برآن زده‌اند . در ورودی بقعه دولختی است وکنده‌کاری قدیمی دارد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است .

در اسناد و مدارکی که در مقبرهٔ درویش تاج‌الدین حسن‌ولی به‌دست‌آمده ، از این مرد یاد شده است . درگرنا ودهکده‌های اطراف معروف به «قاضی‌سوم» است.

حمام شاه‌عباسی
در دهکدهٔ آبگرم بالا لاریجان

اعتمادالسلطنه در بارهٔ این حمام می‌نویسد :

« سنگی بالای در حمام این‌جاست ، مشهور است از بناهای شاه‌عباسی‌است.

معلوم است سنگهای آن وقت غالباً به‌خط رقاع بوده و سنگ‌الحال ریخته و شکسته است . آنچه خوانده می‌شود :

. . . السلطان الغازی شاه . . .»

آثار حمام شاه‌عباسی تا امروز برجای است .

خرابه‌های دهکده‌ای قدیمی
در اراضی آبگرم بالا لاریجان

در اراضی آبگرم آثار دهکده‌ای آباد قدیمی به‌نام «وهمن‌آباد» است. ظاهراً این دهکده براثر زلزله خراب شده است .

برج بیمه‌سی
در اراضی امیرآباد آبگرم بالا لاریجان

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه دربارهٔ این برج چنین نوشته است:

« در انتهای جلگهٔ این‌آبادی (آبگرم) ، آثاری است مربع‌شکل که از سنگ‌وگچ‌ساخته‌شده دوازده ذرع‌در دوازده ذرع‌است (عکس شمارهٔ ۲۵۴). دری از سمت شمال دارد . از در که وارد می‌شوند، دیوار روبرو رامقابل درکنده‌اند، نصف دیوار خالی شده است . وسط این چهارحصار قبری‌است که در میان سنگ بیرون‌آورده‌اند . از قرار وضع مضجع ، قبر مسلمان بوده است . واردآن‌قبرکه می‌شوند پس ازچندقدم مضجع است . جناب امین‌الملك در این فرجه رفته ، استخوان دست و پای مرده هم دیده شده بوده است . طاقی از سنگ وگچ هم روی این قبرداشته‌که الحال هم قدری ازآن طاق باقی است. سمت مشرق این چهاردیوار دره‌ایست که تقریباً

هزار ویانصد الی دوهزار ذرع عمق دارد، ته دره‌گزنك واقع است.»[۱]

این بنا که تا امروز با همان مشخصاتی کـه اعتمادالسلطنه نقل‌کـرده برجای است ظاهراً مدفن ملك‌بهمن از سلاطین استندار است . درازا و پهنای بنا از داخـل ۹۸۵ سانتیمتر است . بـلندی مدخـل ۳۲۰ سانتیمتر(عکس شمارهٔ ۲۵۵) و بلندی دیوارهای باقیمانده بیش از شش‌متر و قطر دیوارها دومتر است .

امامزاده جعفر بن ربیع
در دهکدهٔ گزنگ[۲] از دهکده‌های بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی که دو ضلع جنوبی و شمالی‌آن بزرگتر از سایراضلاع است . درازای هریك ازآنها ۲۷۲ سانتیمتر و درازای اضلاع کوچکتر هریك ۱۲۰ سانتیمتر است . بام آن فعلاً گلی است و ظاهراً بامی گنبدی داشته که ریخته است . صندوقی مشبك سادهٔ چوبین مرقد را پوشانده است . در ورودی درکفش‌کنی ساده باز می‌شود .

امامزاده نبی و گورستانی قدیمی
در دهکدهٔ گزنگ از دهکده‌های بالا لاریجان

بنای امامزاده و تقریباً تمام‌گورهای این‌گورستان قدیمی را آب هراز کند و از میان برد.

امامزاده سلطان سید محمد قرشی
در اراضی امامزاده سر گزنگ بالا لاریجان

بنایی است هشت‌ضلعی . در ورودی آن شرقی‌است و در مسجدی باز می‌شود و

۱ـ کتب کتابخانهٔ بیوتات سلطنتی، ج ۲، شمارهٔ ۷۲۶، ص۳۴ الف .

۲ـ گزنك (بفتح گاف و زاء و نون) ده از دهستان بالالاریجان بخش لاریجان شهرستان آمل ، هشت‌کیلومتری شمال رینه (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

از در غربی نیز به مسجدی دیگر می‌توان رفت. درازای هریك از اضلاع بنا ۲۱۸ سانتیمتر است وقطر دیوار بنا ۱۴۳ سانتیمتر است. در دو ضلع شمالی و جنوبی، دو صفه است که طاقی هلالی دارند و در زیر طاقها خفنگهای نورگیر تعبیه کرده‌اند. در چهار ضلع چهار درگاه باطاق هلالی‌است و در دوضلع دیگر دو در ورودی‌شرقی‌و غربی نصب شده است. بالای این اضلاع هشتگانه را جمع‌کرده ورف مانند مدوری به‌وجود آورده‌اند. سپس در امتداد اضلاع اصلی بنا، دیواری‌که‌کمی تمایل‌به‌داخل دارد چیده و با جمع‌کردن بالای این‌دیوارکمربندگنبدرا به‌وجود آورده‌اند وگنبدی نیز برآن زده‌اند.

نمای گنبد از خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی است (عکس شمارهٔ ۲۵۶). قسمت هشت ترکی زیرگنبد را با نوارهایی از رنگ به‌هشت قسمت کرده و درهر قسمت نقاشیهای گل و بوته‌کشیده‌اند. دو ردیف کتیبه در همین قسمت است. ردیف بالا اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است وکتیبهٔ پایین شامل ابیات زیر است:

« یارب این بارگه کیست چه فردوس برین
میبرد حسرت جاروکشیش حورالعین
پر به‌پر فوج ملك بردر او چون دربان
قدسیان بر در کاشانهٔ او سوده جبین
گوئیا باغ بهشت است که آید بنظر
چه عجب روضهٔ پر نور بخلد است قرین
خردم‌گفت که‌این در زکدامین صدف است
ساخته کحل بقا خاك درش روح‌الامین
خواهی عارف شوی از نام گرامیش اگر
شاه و سلطان محمد قریشی نسب این

بـانی روضهٔ شه میرزا محمـدخان است
که بنا کـرد چنین گنبد فیروزه نگین »

برضلعی شمالی درقسمت زیرکمربند گنبد، تابلویی ازرنگ‌و روغن ازمیرزا- محمدخان معروف به امیرمکرم لاریجانی‌است.

مسجد غربی

بنایی است مستطیل‌شکل (عکس شمارهٔ ۲۵۷) به درازای ۶۱۵ و پهنای ۳۴۰ سانتیمتر . ابتدا دو طاق جناقی برروی جرزهای دوطرف زده و سپس داخل‌آنهارا پر کرده و سقف‌بنا را بوجود آورده‌اند.در اضلاع شرقی‌و شمالی‌و غربی درهای چوبین دولختی نصب است . درضلع غربی دوچلدخانه است. سنگ قبری بر ضلع شمالی این مسجد نصب است که عبارات زیر برآن خوانده می‌شود :

«کل شیی هالك‌الاوجهه

وفات مرحوم مغفور مبرور جنت ورضوان جایگـاه مشهدی غلامحسین ولد مرحوم مغفور مبرور جنت و رضوان‌جایگاه نوروزعلی بیگ اسکی[1] فیره[2] مسکن بتاریخ پنجم محرم‌الحرام مطابق ۱۳۱۳ .

ای‌که بر ما بگذری دامن‌کشان از سر اخلاص الحمدی بخوان »

در دو طرف سنگ دو بیت شعرفارسی است.

مسجد شرقی

در شرق بنای اصلی امـامزاده ، مسجدی دیگر است که درازای آن ۷۱۵ و پهنایش ۶۰۰ سانتیمتر است . دو فیلپای مربع از سنگ وگچ در طول بناست که‌ابعاد

۱ـ اسك (بفتح الـف و سکـون سین وکاف) از دهکـده‌هـای بالا لاریجان است .
۲ـ فیره از دهکده‌های دلارستاق نور است .

هریك ازآنها ۹۵×۹۲ سانتیمتر است. دو ردیف طاق درطول بنا زده‌اند که‌هر ردیف آن شامل سه قسمت است.

در ضلع قبلی محرابی از داخل دیوار اصلی درآورده‌اند . دو خفتگ نورگیر نیز در این ضلع تعبیه کرده‌اند . در منتهی‌الیه غربی ضلع جنوبی ، در پای طاقچه ، سنگ قبر مرمری زرد تیره با خط خوش نستعلیق نصب است که این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

«هوالحی‌الذی لایموت

هذا القبر للعالم الفاضل الصمدانی و جامع‌المنقول والمعقول مروج مذهب جعفری الشیخ محمدعلی‌گزانی فی‌یوم الاحد السابع والعشرین من‌شهر ربیع‌المولود فیسنة ۱۳۲۷ . »

در دو طرف سنگ :

« وفدت علی‌الکریم بغیر زاد من‌الحسنات والقلب السلیم

و حمل‌الزاد اقبح کل شیء اذا کان الوفود علی‌الکریم »

وصل به دیوار شرقی این مسجد، در حیاط این بقعه چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ آن بالغ بر ۳۶۵ سانتیمتر است .

امامزاده عابدین رضا

در دهکدهٔ شنگلده از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی است از خارج و داخل چهارگوشه ، از داخل چهار کنج آن‌را چهار ـ گوشوار زده و دهانهٔ چهارضلعی‌راگرد کرده و گنبدی مدور بر آن زده‌اند. بام بنا از خارج چهارترك است . ایوانی در سمت شمال و مسجدی در غرب این بناست (عکس

شمارهٔ ۲۵۸). در غرب بنای امامزاده گورستانی قدیمی است و درختان کهن گردو و چنار در این گورستان زیاد است.

گرداگرد تنهٔ یکی از گردوها ۳۹۶ سانتیمتر و گرداگرد چناری هفت شاخه که دارای ریشه‌ای تنهاست به دوازده‌متر می‌رسد.

امامزاده حسن

در اراضی جلیهٔ شو نادشت[1] (شاهان‌دشت)[2] امیری لاریجان

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع آن از خارج دومتر تمام است (عکس شمارهٔ ۲۵۹). صندوقی کوچک سادهٔ چوبین در وسط بنا قبر را پوشانده است. این بنا که بر اثر زمین لرزه خراب شده بود در سال ۱۳۵۲ش. با مخارج آقای هادی نژاد و کمک اهالی بازسازی شده و بام آن را که هرم مثمن القاعده است، حلب‌پوش کرده‌اند.

طرف غربی این بقعه آب‌هراز و طرف جنوبی آن آب آبشار است که از ییلاق شونا و دجمار می‌آید و پس از گذشتن از اراضی یورشون‌دشت به آب‌هراز می‌پیوندد. چناری کهن‌سال نزدیک بقعه است و درختان خرمندی و ون (زبان گنجشک) در محوطهٔ آن زیاد است.

۱ــ شو نادشت که امروز به غلط «شاهان‌دشت» می گویند یعنی دشت شونا و شونا دهکده‌ای قدیمی در دو سه کیلومتری ملک قلا طرف شرق بوده است که امروز امامزاده و گورستانی قدیمی در آنجا به‌جای مانده است و در گذشته در سال ۱۳۰۷ قمری مکرر آن را «شونه‌دشت» خوانده است.

۲ــ شاهاندشت ده از دهستان امیری بخش لاریجان شهرستان آمل، ۱۵ کیلومتری شمال شرقی رینه، آثار قلعه خرابه‌ای به نام ملک بهمن دارد. آبشار کنار قلعه در حدود ده سنگ و ارتفاع آن ۵۰ متر است (فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳).

ملك‌قلا[1] = قلعهٔ شونادشت

در جنوب دهکدهٔ شونادشت (شاهاندشت) از دهکده‌های امیری لاریجان

عظیمترین وعجیب‌ترین بنای تاریخی لاریجان « ملك‌قلا » است که به‌معنی «ملك‌قلعه» است. ظاهراً این‌قلعه به‌نام ملك‌بهمن آخرین‌سلطان‌سلسلهٔ استندارلاریجان «ملك قلا» نامیده شده است .

ملك‌بهمن پسر ملك‌کیومرث پسر ملك‌کاووس از احفاد کیومرث‌بن‌بیستون‌بن گشتهم‌بن‌زیار است . درزمان حکومت شاه‌طهماسب (۹۸۴ـ۹۳۰) سه‌طبقه ازسلاطین استندار که بنی‌اعمام بودند حکومت داشته‌اند .ملك عزیز والی نور، ملك سلطان محمد والی کجور و ملك‌بهمن والی لاریجان بوده‌اند .

فرهادخان قرامانلو ـ سپه‌سالارشاه عباس ـ پس از فتح‌قلعهٔ آمل‌که از قلاع ملك‌بهمن بود، به‌او پیغام فرستاد و اورا به‌اطاعت شاه‌عباس دعوت‌کرد . ملك‌بهمن بااینکه دوسه بار به‌خدمت شاه‌عباس رفته‌بود ، باطناً خیال تسلیم نداشت . حتی ملك سلطان حسین‌لواسانی‌را که از خویشان اوبود و دم از اطاعت شاه‌عباس‌می‌زد بگرفت‌و بکشت .

فرهادخان به‌ملك‌قلاآمد وقلعه‌را به‌توپ‌بست ومشغول‌تهیهٔ‌سایرلوازم‌قلعه‌گیری شد. جماعت امیری که از سپاهیان ملك‌بهمن بودند با فرهادخان موافقتی نمودند . ملك‌بهمن دستور داد تا وردان‌امیر که رئیس ایشان بودبکشتند. جماعت امیری ازاو برمیدند و راه پنهانی قلعه‌را به‌فرهادخان نمودند .

۱ـ بفتح میم وکسرلام وفتح قاف، به معنی قلعهٔ ملک‌است که یادآور نام ملك‌بهمن‌بن ملك کیومرث‌بن ملك‌کاووس است که در سال ۱۰۰۶ قمری به‌امر شاه‌عباس اول به‌قتل‌رسید (عالم‌آرای عباسی،ص ۵۲۲).

ملك‌بهمن‌که حالرا بدین‌منوال دید، به‌خانهٔ فرهادخان آمد و اورا دعوت به‌قلعه کرد تاحیله و تزویری درکار اوکند . فرهادخان قبول نکرد وخود اورا نیز اجازهٔ مراجعت نداد و اورا همراه خود بدخدمت شاه‌عباس برد. شاه‌عباس ملك‌بهمن‌را به‌فرهادخان سپرد و فرهادخان به‌دست بازماندگان ملك‌حسین‌لواسانی داد تا اورابه قصاص خون‌پدر بکشتند .

ظاهراً این قلعه دراین ایام به‌نام «قلعهٔ‌دشمنکور» خوانده می‌شده است چنه روضة‌الصفا می‌نویسد که ملك‌کیخسرو پسر ملك بهمن -پس‌از قتل پدر- در سن‌هفده سالگی به قلعهٔ دشمنکور رفت که خزاین پدرش درآنجا بود و چون قدرت مخالفت درخودندید بدخدمت شاه‌عباس آمد و لاریجان و دشمنکور ضبط دیوانی شاهی‌شد .[1] این وقایع در حدود سال ۱۰۰۵ رخ داده است .

وضع کنونی قلعه

بنای قلعه برسرکوهی منفرد و نوك‌تیزاست(عکس شمارهٔ ۲۶۰) که یك‌طرف‌آن دره‌ایست که آب، بسترسنگی آنرا بمرور ایام خورده وتنگی باریك‌به‌وجودآورده که منتهی‌به‌آبشاری درحدود۲۵متری‌شود(عکس‌شمارهٔ ۲۶۱).آب این‌دره که بسیار صاف وگوار است از سرچشمه‌های شونا و دجمار شروع می‌شود و پس‌از گذشتن از آس‌تنگه وتنگهٔ آبشار و یورشون دشت ، از طرف راست به‌آب هراز می‌پیوندد و جنوب قلعه به رشتهٔ سنگی دیوار مانند به نام «مازیارکر»[2] منتهی می‌شود . دامنهٔ شمالی مازیارکر قطعه زمینی صاف‌است‌که بادیوارهای قطورازسنگهای‌عظیم‌خشکه‌چین،آنرا محصورکرده‌اند(عکس شمارهٔ۲۶۲).ظاهراً این‌قطعه‌زمین‌صاف‌که‌امروز بدل به‌باغ سیب شده است‌گردشگاه و تفرجگاه اهالی قلعه بوده است. این‌دیوارها منتهی

۱- روضة‌الصفا، ج۸، ص ۱۲۲ و۱۲۳. ۲- بکسر راء وکاف .

به دروازه‌ای می‌شده که معروف به‌دروازهٔ سنگی بوده است و بیرون این دروازه که امروز نامی ازآن باقی است برجی مدور بنا کرده بوده‌اند .

از بناهای قلعه دیوارهایی به‌ارتفاع هشت نه متر برجای است که تمام از سنگ و گچ چیده شده‌اند . در قسمت تنگهٔ آبشار بناهایی ازخشت قالب بزرگ دیده شد که ظاهراً در ازمنه متأخرساخته‌اند . چون بامهای ساختمانهای‌قلعه خراب شده وبالای قلعه‌را گنبد مانند کرده است، دسترسی به دیوارها و اندازه‌گیری آنها فعلاً غیرمقدور است . اطاقها و سایرساختمانهای قلعه درسطوح مختلف بنا شده‌اند.هرجاییکه‌می‌توانستند قطعه‌زمین مسطحی به وجودبیاورند، اطاقی‌وپناهگاهی ساخته‌اند . برای ساختن بنیاد دیوارها وبرجهای قلعه بی‌شك استادان بنارا در زنبیل گذاشته وآویخته‌اند و مصالح بنارا نیز با زنبیل به‌ایشان رسانده‌اند تا سنگهای‌اولیه پی را در دل پرتگاههای مخوف‌کار گذارند . بااینکه نگارنده قلاع کوهستانی‌البرز را مورد مطالعه قرار داده ، اما قلعه‌ای به‌این عظمت کمتر یاد دارد .

دمرگان در نهم دسامبر ۱۸۸۹ (۱۳۰۷ه .ق.) از خرابه‌های این‌قلعهٔ مستحکم دیدن کرده و در بارهٔ آن چنین نوشته است :

« بلندی‌کوهی‌که ملك قلعه (عکس شمارهٔ ۲۶۳) برآن بنا شده‌است ۱۶۳۰ متر است وارتفاع ده شونه‌دشت به۱۴۱۰متر ازسطح دریا می‌رسد.این قلعه که قرنها حافظ دروازه‌های دماوند بوده است ، برروی صخره‌ای عظیم که مأمن مستحکمی بوده ، بنا شده است . صخره‌ای که این دژ برآن بنا شده است ۲۲۰ متر ازسطح اراضی دهکدهٔ شونه‌دشت بلندتر است و از سویی‌که این دژ پشت به‌کوه داده ، بندی است که بلندی آن به ۶۳ متر می‌رسد . تمام سطح این صخره که تقریباً سیصد متر در صد متر است می‌تواند ازآب

تنگهٔ شونا به‌حد کافی مشروب شود . ساختمانهای این قلعه یکی بر روی دیگری و طبقه طبقه است و همچون آشیانهای عقاب به این صخره متکی است . پلکانی پیچ درپیچ در سراشیبی این صخره در دل سنگ‌کنده‌اند که دست یافتن به درّ با گذشتن ازآنها ، بسیار مشکل بوده است . چنانکه از بناهای قلعه پیداست ، این قلعه در یك زمان ساخته نشده است ، بلکه مجموعه‌هایی از استحکامات است که آنهارا به‌یکدیگر مرتبط نموده‌اند . هیچ فضایی بی‌مصرف و بیهوده نمانده است . برکوچکترین زوایا برجی و دیواری ساخته‌اند (عکس شمارهٔ ۲۶۴) .

دفاع این قلعه ازچهار جهت مورد مطالعه وبررسی قرارگرفته و به‌دقت‌زیاد تـدارك آن را دیـده‌اند . بـاره و حصارهای اصلـی در جبهـهٔ جنوبـی یکـی بالای دیگـری قـرار گـرفته و بلندی آنها به ۶۵ متر می‌رسد . ضخامت دیوارها در این قسمت به‌دو متر و سه متر می‌رسد و در زیر آنها برتگاههای ترسناکی به‌وجود آمده است . قطر دیوارهای طرف‌کوه بیش‌از یك‌متر نیست. طبقات مختلف‌این‌بنا به‌وسیلهٔ پلکانها وراهروهای‌زیرزمینی به یکدیگر مرتبط بوده‌اند . این راهروها امروز مسدود شده‌اند ولی‌آثار آنها برجای است . پلکانی‌که به ارگ قلعه می‌رفته برجـای است و درازای آن بیست تا سی متر است . آثار پله‌هایی در روی صخره‌ای کـه شیب ۳۰ درجه دارد و به داخل قلعه می‌آمده است برقرار است . قسمت پایین این پلکان از میان رفته است . باروها و برجها ودیوار بناها و درگاهها، چهار-گوشه و زاویه دارند وکوچکترین اثری ازنمای بیضی یا هلالی در بنادیده نمی‌شود. کتیبه و آثار نقاشی دراین بنا نبود.این‌قلعه دست‌کم دوبار گرفتار آتش‌سوزی شده است. در باروها وحصارها هنوزسنگهای سوخته ودود زده

که نشان آتش‌سوزی است دیده می‌شود . پس از نخستین ویرانی ظاهراً قسمتهای مختلف را از نو ساخته‌اند . قسمتهای قدیمی‌تر بنا از سنگهای تراشیده و آهك بنا شده است. در بارهٔ تاریخ ساختمان قسمتهای‌قدیمی‌بنا، اظهار نظری نمی‌توان کرد . به‌موجب قطعات سفالی‌که در خرابه‌های قلعه دیده شد آخرین خرابی‌و ویرانی آن باید در حدود قرن چهاردهم (هشتم هجری)باشد . در اطراف قلعه نشانی از بناهای خراب است .»[۱]

برج نگهبانی قلعه
در جنوب‌غربی قلعه در اراضی سنگ دروازه

برجی از سنگ وگچ که یك‌چهارم آن برجای مانده در جنوب غربی ملك‌فلا بر دامن رشتهٔ مازیارکر بنا شده است . این برج که مسلط بر راه قدیم آمل است برج دیدبانی قلعه است ، تا در مواقع مخاطره اهالی قلعه را خبردارکند .

برج گنبدسی
در اراضی‌گنبدسی شونادشت (شاهان دشت) امیری‌لاریجان

در اراضی گنبدسی‌که در شمال قلعه قرار می‌گیرد ، در فاصلهٔ سه‌کیلومتری قلعه برجی از سنگ و گچ است که روزی طاقی گنبدی داشته است . محیط داخلی برج ۱۷/۳۰ متر و پهنای دیوار آن در یك‌متری کف اصلی بنا ۸۰ سانتیمتر و بلندی برج تا زیر لبهٔ طاق ۶۵ سانتیمتر است . با لبه‌ای سنگی دور دایرهٔ بنا را جمع کرده و سقفی گنبدی برآن زده بوده‌اند(عکس شماره ۲۶۵) . قسمتی از سقف آن که از سنگ وگچ بنا شده بوده است تا امروز باقی است .

۱ـ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، صفحات ۲۴۱-۲۴۶ با دخل و تصرف و مقابله .

این بنا سه در ورودی به‌طرف شرق و غرب و شمال دارد. پهنای درهای شرقی و غربی ۷۰ سانتیمتر و پهنای در شمالی ۹۰ سانتیمتر است . چون طاق درگاهها را خراب کرده بودند بلندی درهای ورودی معلوم نشد . مصالح اصلی بنا سنگ و گچ است و داخل و خارج آن را با گچ مالەکشی کرده‌اند . رنگهای مختلف گچهای داخلی و قشرهای آن نشان می‌دهد که این بنا دو سه بار تعمیر شده است . ظاهراً مدفن یکی از بزرگان محل بوده است .

درویش الیاس

در آس‌تنگهٔ شو نادشت (شاهان‌دشت) امیری‌لاریجان

بنای اصلی بقعه از داخل چهارگوشه و ابعادآن ۲۲۲ سانتیمتراست. در ورودی شرقی است و پهنای آن از داخل چهارچوب ۶۰ و بلندی آن ۱۲۲ سانتیمتر است . این در به داخل مسجدی باز می‌شود . طرف قبلی بنا طاقچه‌ای است که سوراخی نورگیر به خارج دارد . طرف غربی و شمالی طاقچه‌هایی در وسط اضلاع ساخته‌اند. بالای در ورودی رف مانندی باطاق جناغی است . قبری در وسط بناست که صندوقی کنده‌کاری داشته که به علت آتش‌سوزی از میان رفته است . بدنهٔ شمالی صندوق به پهنای ۹۰ و درازای ۱۶۰سانتیمتر باقی است (عکس شمارهٔ۲۶۷) .این صندوق مورخ ۹۲۰ قمری بوده است و آیاتی از قرآن‌مجید برحواشی بدنهٔ جنوبی حك شده بوده است .

درازای مسجدی که در شرق بنای‌اصلی است۴۸۰ و پهنای آن ۳۱۰ سانتیمتر است. سقف آن هلالی‌است و با سنگ و گچ زده شده است . دو صفه در ضلع شمالی و دو صفه در ضلع جنوبی است که یکی ازآنها را بعداً به بخاری تبدیل کرده‌اند .

نمای خارجی اصلی بقعه هشت ضلعی است و گنبدی کلاه‌درویشی کوتاه دارد

(عکس شمارهٔ ۲۶۸). بام مسجد شیروانی مانند است که روی آن را با سنگ لوزه پوشانده‌اند. (عکس شمارهٔ ۲۶۹) .

مصالح اصلی بنا سنگ و ساروج است که به جای خاکستر داخل ساروج آن زغال‌چوب زده‌اند. نمای خارج بنای بقعه و مسجد گچ ماله‌کشی است .

غریب‌شاه

بقعه‌ای قدیمی بوده است که به تازگی آن را نوسازی کرده‌اند . بنای اصلی اطاقی است چهار گوشه که صندوقی چوبین ساده در میان‌آن بر روی قبر قراردارد. ایوانی در جلوی اطاق است .

باقی بناها و آثار تاریخی شونادشت (شاهان‌دشت)

۱ـ گورستانی قدیمی در ییلاق شونا .

۲ـ بقعهٔ سیدقوام‌الدین در گورستان وسط آبادی شونادشت .

برج گبری

نزدیک دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

برجی است به شکل مخروط ناقص باگنبدی مخروطی . دمرگان دربارهٔ آن نوشته است :

«کمی دورتر از دهکدهٔ وانه برجی‌است که‌آن‌را به‌گبرها نسبت می‌دهند. طرح بنای آن جالب توجه است »[1] «(عکس شمارهٔ ۲۷۰).[2]

۱ـ هیأت علمی فرانسه در ایران ، ترجمهٔ کاظم ودیعی ، ص ۲۴۱ .

۲ـ طرح دمرگان از برج گبری‌وانه . به‌صفحهٔ ۱۹۱ متن فرانسه مراجعه شود .

امامزاده عبدالله

در دهکدهٔ وانه از دهکده‌های امیری لاریجان

بنایی‌است هشت‌ترک‌که بهنای هر ترک‌آن از داخل۱۵۴سانتیمتراست. برهرضلع داخلی غیراز ضلعی‌که در ورودی امامزاده درآن‌است، طاقنمای‌بلندی‌است‌که تا زیر کمربندگنبدمی‌رود وبالای‌کمربند،گنبدی توسری‌خورده زده‌اند کەوسط‌آن‌بارنگ‌و روغن، ستاره‌ای هشت‌پر رسم‌کرده‌اند (عکس‌شمارهٔ۲۷۱). سپس‌گنبدرا به‌چهارقسمت کرده و چهار بوته جیقه در هر قسمت کشیده‌اند و داخل آنها را با نقوش خورشید و ملائکه و گل و بوته پرکرده‌اند . در زیرکمربند گنبد نیز اشکالی از پرندگان باسر آدمی‌و شیرو اژدها با رنگ‌و روغن نقاشی شده است.

برکمربند گنبد کتیبه‌ایست که هر مصراع را درمستطیلی تحریرکرده‌اند.

اشعار این‌کتیبه به‌این شرح است :

« این بارگاه کیست که پیوسته از زمین
نورش رود به کنگرهٔ چرخ چارمین
این بارگاه کیست که از بهر خدمتش
جمعی ملک ستاده فوجی ز حور عین
این بارگاه کیست که جاروب درکهش
مژگان جمله شاه و گدا سوده بر زمین
ای زادهٔ امام برادر ترا امام
بنما نظر به مهدی سلطان بی‌قرین »

در وسط بنا ، صندوقی قاب وآلت ساده است که دورآن ضریح چوبین مشبک بسیار ظریف به درازای ۲۲۵ و پهنای ۱۷۲ و بلندی ۱۳۴ سانتیمتراست .

بنا از خارج نیز هشت‌ترك است و پهنای ترکها میان ۲۳۲ و ۲۴۶ سانتیمتر است . یعنی ترکها یکی‌در میان برابرند . درمیان ترکهای خارجی نیز طاقنماهایی به‌دهانهٔ ۸۴ سانتیمتر ساخته شده است .

اهالی محل‌گنبد قدیمی‌آن‌را که‌یکی ازگنبدهای زیبای مازندران بود(عکس شمارهٔ۲۷۲) درسال ۱۳۵۳ خراب‌کردند وگنبدی تقریباً پیازی بی‌قواره (عکس‌شمارهٔ ۲۷۳) برای آن ساخته‌اند . چنانکه از برداشت کار معلوم بود قصد داشتند تمام بدنهٔ آن‌را موزائیك‌کاری کنند . عجیب است‌که تا امروزهم دستگاهی نیست که جلو این خرابکاریها را بگیرد .

مسجدی تازه‌ساز درضلع شمالی بناست و در ورودی امامزاده در آن‌بازمی‌شود.

امامزاده ابراهیم

در دهکدهٔ دینان[1] از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعه از داخل چهارگوشه است که هرضلع‌آن ۳۰۷ سانتیمتر درازا دارد. چهارکنج بنارا با چهارگوشوار جمع کرده و تبدیل به هشت ضلعی نموده و گنبدی توسری خورده بر آن زده‌اند.درحاشیه‌ای‌که ازپایین‌گوشوارها شروع می‌شود وسراسر طاق، نقش‌و نگار دارد . میان‌گنبد نقشی دایره‌ای و سپس با نوارهای رنگین‌گنبد را به‌هشت قسمت‌کرده و داخل قسمتهاراگل‌اندازی‌کرده و اسلیمیهای رنگین‌کشیده‌اند. در ورودی شرقی است و بالای آن خفتگی نورگیر نصب‌کرده‌اند .

۱ــ دینان ده از دهستان امیری‌بخش لاریجان، ۲ کیلومتری شمال‌خاوری‌دینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج۳). محلات دهکدهٔ دینان بدین‌ترتیب‌اند:
۱ــ پاشامحله. ۲ــ چاله‌باغ. ۳ــ کلان(کلون)محله. ۴ــ توبن(بضم‌تاءوسکون واو وکسر باء) .

در ضلع قبلی نیز دری داردکه به‌انباری باز می‌شود. در دو ضلع شمالی وغربی دوطاقچه با طاق جناقی است .

در وسط بنا صندوقی از قاب وآلت مرقـد را پوشانده است . در این صندوق تخته‌های قاب‌را درمیان آلتهای چوبین سیاه‌رنگ قرارداده‌اند. بناازخارج‌هشت‌ترك‌و بام‌آن گنبدی کلاه‌درویشی است . ایوانی در سمت شمالی بقعه‌است که جلوآن چهار فیلپای آجری است (عکس شمارهٔ ۲۷۴) . گورستانی قدیمی در شمال و شرق بنـای امامزاده است .

در ورودی بقعه دولختی است و درکفش‌کنی‌باز می‌شود.هرلنگهٔ آن ازیك‌پاره الوار است . پهنای هرلنگه ۷۳ و بلندی آن ۱۵۳ سانتیمتراست.

کتیبه‌های زیربرآنها دیده می‌شود :

بربالای لنگهٔ سمت راست در سه سطر:

«برتربت غریبت چون‌بگذرندخلایق

ازصدق دل بخوانند الحمدوقل‌هوالله

یادگاری میرمحمدشفیع در ماه ذی‌قعدهٔ سنهٔ ۱۲۲۳ .»

بربالای لنگهٔ سمت‌راست در سه سطر :

« تاریخ درقبل ازین سنهٔ ۸۹۸

هرکه بر درگهت از روی تکبر گذرد

بی‌شك از پای درآید بیقین سر بنهد »

باقی متن دولنگه گل‌اندازی رنگین است.

صندوق بقعه به‌درازای ۱۸۸ و پهنای ۱۲۶و بلندی ۱۳۳ سانتیمتر است. این عبارات و آیات برآن حك‌شده است:

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شرقی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم الحمدلله رب‌العالمین ـ تا ـ ولاالضالین. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع جنوبی :

« لااله الاهوالحی ـ تا ـ حفظهما و هوالعلی‌العظیم. »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع‌غربی :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قل‌هوالله‌احد ـ تا ـ کفواً احد . »

کتیبهٔ حاشیهٔ بالای ضلع شمالی :

« حرره سید آقابزرگ فی شهرصفرسنهٔ ۱۲۰۴ ـ ابراهیم‌بن روح‌الله ابن زرین‌کیاابن جعفرابن موسی‌ابن محمدتقی ع ـ عمل نجّاری ازسید جعفر نیاکی استادزمان است .»

امامزاده روح‌الله

در دهکدهٔ دینان از دهکده‌های امیری لاریجان

بنای بقعهٔ امامزاده روح‌الله در شمال امامزاده ابراهیم‌است ، ازنسب‌نامه‌ای که برصندوق امامزاده ابراهیم حك شده است معلوم می‌شودکه روح‌الله پدر ابراهیم وپسر زرین‌کیا است . ابعاد بنا ۲۳۷ × ۲۴۹ سانتیمتر است . از داخل‌گنبدی‌توسری‌خورده دارد و گنبد خارجی قدیمی آن از میان رفته و فعلاً مأذنه‌ای به جـای آن برگنبد داخلی ساخته‌اند . درگورستان قدیمی اطراف این دو بقعه، چناری کهنسال است که گرداگرد تنهٔ‌آن هفت متر تمام‌است .

باقی بناها وآثار تاریخی امیری لاریجان

۱ـ امامزاده‌ای در دهکدهٔ‌آخای امیری .

بند بریده
در زمان ناصرالدین‌شاه

اعتمادالسلطنه در بارهٔ بندبریده مطالب زیررا در سال ۱۲۹۲ قمری نوشته است :

« باز جاهای بدگذشتیم . به بندی رسیدیم که از همه سخت‌تر بود . انصافاً خوب ساخته‌اند . راه قدیم لاریجان ازطرف راست پیدا بود . بهیچوجه‌راه نبود . کوه‌که یك‌پارچه سنگ بود وصاف(عکس‌شمارهٔ ۲۷۵). از وسط‌دامنهٔ این‌کوه با آهك وسنگ سکوئی بسته‌اندکه پی وپایهٔ سکو به‌زمین‌نرسیده . معلق است میان زمین و آسمان (عکس شمارهٔ ۲۷۶ و ۲۷۷). از روی‌این سکوها که عرض زیادتر از یك‌چارك نبود ، سابق عبور قوافل و مترددین مازندران بود . حالا طوری ساخته شده که‌کالسکه عبور می‌کند. در این تنگه تمثال مبارك شاه را بروی سنگ حجاری کرده است ، سواره بالباس رسمی . حسنعلی‌خان وزیر فواید هم پیاده ایستاده راپورت راه را عرض می‌کند .»[۱]

شکل شاه
در تنگهٔ بندبریده

در تنگهٔ بندبریده ، برسمت چپ‌آب هراز، تمثال و کتیبه‌ای ازناصرالدین‌شاه برجای مانده‌است. بلندی‌آن ازکف فعلی جاده تازیر نقش ۲۷۰سانتیمتراست. درازای این‌نقش وکتیبه‌ها هشت‌متر تمام وپهنای‌کتیبه‌ها که دور می‌چرخد ۳٤سانتیمتر وعمق

۱ـ روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه ، ص ۵۵ .

قسمت پایین شکل ۱۶۰ سانتیمتر است .

در شکل شاه ناصرالدین‌شاه در وسط براسب سوار است و پنج‌تن از درباریان طرف راست و پنج‌تن طرف چپ او حجاری شده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۷۸) .

این ابیات بر اطراف این‌شکل حك شده است :

سطر بالا :

« در روزگار ناصردین شاه کامکار
کزعدل راه راست طلبکرد و یافت کام
امرش بهر طریق صراطی است مستقیم
امنش بهر فریق نشاطی است مستدام
منت خدایرا که ز تأیید خود چنین
شاهنشهی گزید مؤید بر انام
شاهان دهر نامورند از برای مال
وین پادشاه مال فشاند از برای نام
هر کار خام عاقبت الامر پخته کرد
از بسکه زرّ پخته برافشاند و سیم خام
در راه لارجان که دژم بود کار جان
گاه عبور قافله از غفلت تمام »

سطر سمت راست سنگ :

« بیغولهٔ که گاه گذر غول سهمگین
اول سرود بسمله آنگه نهاد گام
از سهم مار گرزه نکردند زو گذر
وز هول‌شیر شرزه نجست اندرو کنام »

سطر افقی پایین :

« راهی که گر بریده‌شدن خواستی زاو
گفتی بپای خود نرود کس بسوی دام
در شاهنامه نیز ز زالی فسانه گوست
افسانهٔ که عبره در او کرد پور سام
بآسایش رعیت مازندران زمین
آراست حکم ساری شاهنشه اینمقام
بکشوده شد چو کف کریم ملك بملك
راهی که بسته بود چو پیشانی لئام
حجار ز امر خسرو فرهادسان بسنگ
تمثال کرد از شه پرویز احتشام
خور بی‌کله زکوه ادا برنمود رخ
چون تاج شهریار پدید آمد از رخام
تاریخ آن بامر شهنشاه خواستند
چون بود خاص خدمت مداحی اینغلام
محمدحسین میرزای مهندس راقمه ابوالفضل ساوجی
عام بناش خامهٔ رضوان نوشت و خواند

. . . . . .

وسط سنگ زیر سم اسب ناصرالدین‌شاه عبارت زیر است :

« عمل کمترین علی‌اکبر فی سنة ۱۲۹۵ . »

پلی از سنگ و ساروج
نزدیك به انتهای تنگهٔ بندبریده

نزدیك به دهانهٔ شمالی تونلی که در سمت راست تنگهٔ بندبریده زده‌اند، پلی آهنی است که می‌توان باگذشتن از روی‌آن به‌دست چپ آب هراز رسید . در حدود یك‌کیلومتر که درجادهٔ سمت چپ آب هراز روبه‌جنوب رفتیم به پلی خراب می‌رسیم پایهٔ سمت راست‌آن و مقداری از هلال طاق آن تا امروز باقی است . راه قدیمی که ظاهراً مربوط به دوران ساسانی است ، از سمت راست آب هراز با گذشتن ازاین پل بسمت چپ آب می‌آمده است (عکس شمارهٔ ۲۷۹) . مقداری از راه قدیم ، برسمت راست آب که به‌این پل‌منتهی می‌شود، بربالای دیواری از سنگ وگچ دیده می‌شود.

پل قلابن[1]
میان قهوه‌خانهٔ بایجان و آب‌گرم استرابکو (استراباکو)

نزدیك به بهمن‌گیری که در شمال قهوه‌خانهٔ قلابن است پایه‌های پلی قدیمی تا امروز برجای است (عکس شمارهٔ ۲۸۰) . مصالح پل، سنگ و ملاط ساروج بوده است . پایه‌ها برکمرهایی از سنگ استوارند . پلی یك‌دهانه برروی این دو پایه زده بوده‌اند . فاصلهٔ میان دو پایه ۱۸ متر تمام است .

۱ــ بفتح قاف و ضم باء .

امامزاده هفت‌تنان

در دهکدهٔ هفت‌تنان[1] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

در ورودی اصلی بقعه به بلندی ۱۹۸ و پهنای هر لنگهٔ آن ۶۱ سانتیمتر است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۱). هر دو لنگه دارای پاشنه‌های گردان‌است . برروی لنگهٔ سمت راست عبارات زیر خوانده می‌شود :

« صاحب‌الخیرات هذاالباب والعمارات ملك‌سلطان حسین واخوه ملك‌بهمن ابن‌کیومرث مع‌والدة سیمین خونرا (؟)بنت‌ملك‌بهمن فی‌شهر ذوالحجه سنة سبعین وتسعمایه » (عکس شمارهٔ ۲۸۲) .

این در به‌کفش‌کنی باز می‌شود که در امتداد شمال و جنوب‌است . درازای‌آن دهمتر و پهنای آن ۲۰۸ سانتیمتر است که سه مدخل به‌مسجد طرف شرقی دارد.

مسجد

در میان مسجد شش‌فیلپا در دو ردیف سه‌تایی است . ابتـدا برروی فیلپاها و دیوارهای جنبی طاقهای جناغی زده و سپس قسمتهای خالی میان طاقهارا گنبدوار پر کرده‌اند. درضلع‌جنوبی مسجد، محرابی در دیوار دیده می‌شود که بالای‌آن خفنگی نورگیراست .

در انتهای ضلع‌غربی کفش‌کن، دری دولختی است که به اطاقی چهارگوشه باز می‌شود . با در نظرگرفتن چهارچوب، بلندی‌آن ۱۴۴ و پهنایش ۹۵ سانتیمتر است .

۱ــ هفت‌تنان ده از دهستان بهرستاق بخش لاریجان شهـرستان آمل، ۲۴ کیلومتری شمال شرقی رینه ، چهارکیلومتری مشرق بایجان (فرهنگ جغرافیایی ایران ، ج ۳).

لنگه‌ها دارای کنده‌کاری بسیارظریف و پرکار است. برکلکی چهارچوب این درکتیبهٔ زیر است.

« نادعلیاً مظهرالعجایب ـ تا ـ یاعلی یاعلی یاعلی لافتا الا علی لاسیف الا ذوالفقار .»

اطاق مزبور به‌ابعاد ۲۶۲ × ۲۲۵ است . طاقی کوتاه وگنبدی دارد . در عرض اطاق صفه‌ای باطاق هلالی دیده می‌شود.

در پهنای شمالی کفش‌کن، در ورودی اصلی بقعه است. بلندی‌آن ۱۶۲٫۵ و پهنای آن ۳۸٫۵ سانتیمتر است. هردولنگه برروی پاشنه‌هایی گردان هستند .

عبارات زیر بر قسمت بالای لنگهٔ سمت راست است :

«امامزاده‌های‌واجب‌التعظیم‌والتکریم‌امامزاده‌نبی‌وولی‌ومالک‌ومعصومو کنانه.»

برقسمت بالای لنگهٔ سمت چپ این عبارات خوانده می‌شود :

« وبسعه و خدیجه ایشان فرزندان هادی‌بن موسی‌کاظم‌اند صلوات‌الله علیه‌و علیهم اجمعین برحمتك .»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌راست عبارات زیرحك شده است :

« وقف کنندهٔ هذه‌الباب خواجه کمال‌الدین‌بن خواجه‌زرین کمر مونی [1] المعروف بصالحانی [2] فی‌تاریخ ۹۸۱.»

برقسمت پایین لنگهٔ سمت‌چپ‌کتیبهٔ زیر است :

« عمل استاد شرفالدین ابن‌افضل صوفی نقار لباسانی و بابوحسین وزرین‌کمروخوجه‌نی یادگاری خوتون حانیه یعقوب مانی [3] مراة ما(؟)»

۱ـ مون ده ازدهستان بالالاریجان‌بخش لاریجان شهرستان‌آمل،چهارکیلومتری شمال شرقی دینه(فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳). ۲ـ صالحان ده ازدهستان توابع کجور بخش‌مرکزی شهرستان نوشهر ،شش‌کیلومتری جنوب‌شرقی‌کجور(فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران، ج ۳). ۳ـ ظاهراً منظور نویسنده مونی بوده که به‌لفظ قلم نوشته است .

از این‌در به بنای اصلی بقعه وارد می‌شویم که هشت‌ترك دو بدومساوی است و قطر جنوب به شمال بلندتر از قطرشرق به غرب است . در میان ترکها طاقنماهایی با طاق جناغی‌است که از پایین تا زیر گنبد می‌رود . درطرفین‌بالای طاقنماها، ابیاتی فارسی نوشته‌اند که درست خوانده نشد. در ضلع شرقی و غربی خفتگهای نورگیر چوبین مشبك است . قطردیوار بنا ۱۵۴ سانتیمتر است. سقف‌بنا از داخل‌گنبدی واز خارج هشت‌ترك کلاه‌درویشی‌است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۳).

صندوقی بسیاربزرگ در وسط این‌بناست که‌گور هفت‌تن از امامزادگان را پوشانده‌است. میان صندوقهای بررسی شده تاکنون صندوقی به‌این بزرگی دیده نشده است . درازای آن ۵۷۷ و پهنایش ۱۹۳ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتراست.

این کتیبه‌ها برچهار طرف آن حك شده‌است :

بر قسمت بالای ضلع شرقی صندوق:

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یس‌والقرآن الحکیم ـتاـ وجعلنامن[1] الله محمد علی . »

برقسمت بالای ضلع قبلی دنبالهٔ آیات بدین‌ترتیب است:

« خلفهم سداً ـ تاـام لم‌تنذرهم لایؤمنون.»[2]

برقسمت بالای ضلع غربی :

« بین‌ایدیهم سداً ـتاـ القریه اذجاءها المرسلون.»[3]

برقسمت بالای ضلع شمالی :

« اذ ارسلنا علیهم‌اثنین ـتاـ قالواماانتم الابشر مثلنا.»[4]

۱ـ سورهٔ یس، ۳۶ ، آیات ۱تا۹ . ۲ـ سورهٔ یس ، ۳۶ ، آیات ۹ و ۱۰ .

۳ـ سورهٔیس،۳۶، آیات ۱۱تا۱۳. ۴ـ سورهٔ یس، ۳۶، آیات ۱۴ و ۱۵.

برقسمت پایین ضلع شرقی عبارات زیراست :

« نصرمن‌الله و فتح‌قریب و بشرالمؤمنین یامحمد. »

این قسمت ظاهراً نسبت به‌سایر کنده‌کاریهای صندوق تازه‌تراست .

« صاحب‌الخیرات هذاالقبر خواجه کمال‌الدین مونی مع ولدها خصوصاً بابو حسین وزرینکمر و مراد مونی المعروف بصالحانی‌عمل بابوشاه‌ابن جلال‌الدین نجّار دماوندی و استاد ضحاك در تاریخ محرم‌الحرام‌سنة تسع سبعین[و] تسعمایه .»

برقسمت پایین ضلع قبلی عبارات زیرحك شده است :

« نادعلیاً مظهرالعجایب ــ تا ــ یاعلی یاعلی یاعلی

عمل استادضحاك‌ابن‌استاد حسین نجّار اروی . »

برقسمت پایین ضلع غربی صلوات‌کبیر بدین‌ترتیب حك شده است :

« اللهم‌صل‌علی محمدالمصطفا وصل‌علی‌علی‌المرتضا وصل علی فاطمةالزهرا وصل علی حسن‌الرضا وصل‌علی‌حسین کربلا وصل‌علی‌زین‌العابدین وصل‌علی محمدالباقر وصل‌علی جعفرالصادق وصل‌علی موسی‌کاظم‌وصل‌علی‌موسی‌الرضا وصل علی محمدالتقی وصل‌علی علی‌النقی . »

برقسمت پایین ضلع شمالی دنبالهٔ‌آن بدین‌ترتیب حك شده است :

«وصل علی‌حسن‌العسکری وصل‌علی امام محمدمهدی صاحب‌الزمان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین.»

سنگهای‌قبوری که‌در کفش کن است

بر دیوار غربی کفش‌کن سه‌سنگ قبر به شرح زیر نصب شده است:

«وفات‌مرحوم محرم ولدمرحوم کربلائی‌جمال‌بهرستاقی نوسرمسکن بتاریخ

آذرماه قدیم سنهٔ ۱۲۲۹.»

« وفات مرحوم کربلائی قربان ولد مرحوم زکی ۱۲۷۸. »

« وفات مرحوم صفرسلمانی [شکستگی‌سنگ] سنهٔ ۱۲۸۰.»

« وفات مرحوم عباسقلی ولد حاجی قربانعلی سنهٔ ۱۲۹۳. »

مرقد آقا ملاحسین نوسری

در جنوب غربی بنای اصلی بقعهٔ هفت‌تنان بقعهٔ کوچکتری است که از داخل هشت‌ترك و از بیرون چهارترك است. سقف‌آن از داخل گنبدی‌است توسری‌خورده و از بیرون هشت‌ترك است (عکس‌شمارهٔ ۲۸۴). داخل این بنا آقاملا حسین‌نوسری به خاك سپرده شده است.

امامزاده زین[1]علی

در دهکدهٔ لوت[2] از دهکده‌های بهرستاق لاریجان

ظاهراً بنایی است هشت‌ترك و گنبدی هشت‌ترك کلاه درویشی دارد. نگارنده به علت بوران شدید موفق به دیدن‌آن نشد.

قلابن[3]

در اراضی قلابن پایین لاریجان

در فاصلهٔ میان قهوه‌خانهٔ قلابن وآب‌گرم «استرابکو» (استراباکو) برطرف‌دست چپ آب هراز بربالای دامنه‌ای خاکی بنایی است که قدمت‌آن به‌دوران قبل ازاسلام

۱ـ بکسر ذاء و سکون باء وکسرنون. ۲ـ در فرهنگ جغرافیایی ایران این کلمه‌را با طاء مؤلف نوشته‌اند. ۳ـ بفتح قاف و ضم باء.

می‌رسد . درازای آن ۱۲٫۷۰ و پهنایش ۹٫۲۵ متر است. این‌بنا پرستشگاه یامسکن پیشوایان دینی بوده است . پی‌بنا و قسمتی ازپایهٔ بنا از سنگ شکسته و ملاط گچ و بقیهٔ آن تا بام طبقهٔ دوم از خشتهای خام به ابعاد ۵٫۵ × ۲۰ × ۲۰ و ۸ × ۳۶ × ۳۶ سانتیمتر ساخته شده‌است (عکسهای شمارهٔ ۲۸۵ و ۲۸۶). قسمتی ازدو ضلع شمالی و شرقی بنا برکمری استوار است .

در ضلع شمالی صفه‌ای با طاق جناغی است که دهانهٔ آن ۳۳۰ سانتیمتر است . دیوار این قسمت پس از پایهٔ سنگی ، خشت با ملاط گل است . دو طرف پایهٔ طاقرا چوبهایی چهارنبش کارکرده‌و طاق صفه‌را برروی چوبها، باخشت وگچ زده‌اند (عکس شمارهٔ ۲۸۷) . انتهای این‌صفه‌کمری‌است که ازآن یادکردیم . در قسمت شمالی ضلع شرقی صفه‌ای به دهانهٔ ۳۳۵ و ۲۶۰ سانتیمتراست که باز منتهی به‌همان کمر می‌شود. به همان سبك صفهٔ ضلع شمالی، در این صفه نیز طاق زده‌اند . دیوار صفه سفیدکاری داشته که ظاهراً در ادوار بعد روی‌آن‌را کاهگل‌کشیده‌اند . کف این‌صفه سنگ‌چین با ملاط گچ است . دنبالهٔ صفه، باقی ضلع دیوار شرقی است .

مدخل اصلی بنا درضلع جنوبی بوده است که ظاهراً به‌طبقهٔ پایین و بالا راه داشته است . این قسمت بنارا طوری کندوکاو کرده بودندکه آثار آن کم وبیش محو شده بود . از طبقهٔ بالا دیواری به درازای ۳۶۰ و قطر ۹۵ سانتیمتر تا امروز (دی‌ماه ۱۳۵۳) برجای‌است (عکس شمارهٔ ۲۸۸). در اطراف بنا تا فاصلهٔ زیادی‌تکه سفالهای ادوار مختلف فراوان است . پاره سفالی با لبهٔ دوران پارتی دیده شد.

در جنوب این بنا، به فاصلهٔ صدمتری، کمری عظیم بوده‌است که روی آن‌را تراشیده و صاف کرده و سطحی به‌ابعاد ۲۶۰ × ۲۸۰ سانتیمتر به‌وجود آورده‌اند . برروی این سطح صاف ناوی‌کنده و چهارگوشه‌ای به ابعاد ۱۴۵ سانتیمتر ساخته‌اند . دهانهٔ ناو در سطح سنگ ۲۱ و عمق آن ۲۷ سانتیمتراست (عکس‌شمارهٔ۲۸۹). دهانهٔ

ناو گشادتر از ته وکف آن است . دوپله درسمت غربی سنگ درآورده‌اند ، درازای آنها ۴۶ و پهنایشان ۲۵ و بلندیشان ۲۸ سانتیمتر است (عکس شمارهٔ ۲۹۰) . این سنگ‌را سیدقربان شاهاندشتی درحدود چهل‌سال قبل بادیلم وباروت، به‌قصدگنج‌یابی شکسته است .

در شمال این بنا و دامنهٔ تپه وکوه نزدیك به‌آن ، بقایای بناهـا و دیوارهای اطراف آنها که با سنگ چیده شده‌اند دیـده می‌شود و نزدیك به‌این بناهـا پله‌های سنگ‌چین شده که از شمال به جنوب امتداد دارد فراوان است (عکسهای شمـارهٔ ۲۹۱ و ۲۹۲) .

کلاه‌فرنگی
در علی‌آباد لاریجان

مقابل قهوه‌خانهٔ پنجو، برطرف راست‌آب هراز،بنایی دوطبقهٔظریف و زیباست که‌به‌نام‌کلاه‌فرنگی معروف است (عکس‌شمارهٔ۲۹۳). این‌بنارا میرزا محمدخان امیر مکرم‌لاریجانی بناکرد وپس‌از اوبه‌آقا علی بیگ ازنزدیکان اومنتقل شد.دراین وقت به‌نام علی‌آباد خوانده شد . امروز در دست‌آقای فریدون زارع ـ نوهٔناهبرده ـ است.

کلاه‌فرنگی بنایی‌است، ازداخل وخارج هشت‌ترك. پهنای ترکهای‌داخلی‌طبقهٔ پایین‌هریك دومتر تمام است.درهرترك، صفه‌ای به دهانهٔ۱۷۱ وعمق۱۷۶ وبلندی۲۴۵ سانتیمتر از تیزی طاق است. برای پوشاندن سقف هرصفه ، ابتدا دو طاق هلالی‌زده و سپس میان آنهارا پرکرده‌اند . در ورودی بنا شرقی‌است و صفه‌های شمالی و غربی و جنوبی درهایی به‌خارج دارند .کف صفه‌ها شصت‌سانتیمترازکف‌اصلی بنا بلندتراست. برای پوشاندن سقف فضای‌وسط دوسرکش(حمال) قطور، درجهت شرقی غربی‌انداخته و روی آنها را پل‌کوبی کرده‌اند .

طبقهٔ دوم که برروی سفه‌ها و فضای وسط طبقهٔ اول ساخته شده‌است اطاقی‌است هشت‌ترك که پهنای هر ترك آن ۲۷۴ سانتیمتر است. در میان هر ترك دری نصب کرده‌اند که به ایوانی باز می‌شود که دور بنا می‌گردد. برای پوشاندن سقف اطاق طبقهٔ دوم، سرکشی (حمالی) در وسط کشیده و روی آن‌را پسردی‌کوبی (پل‌کوبی) کرده‌اند. سرکشها و تیر و تخته‌های سقف طبقهٔ اول و طبقهٔ دوم تمام نقش ونگار و رنگ‌کاری دارد.

پهنای ترکهای خارجی طبقهٔ اول بنا ۳۵۴ سانتیمتر وبلندی‌کرسی ازکف‌زمین ۸۳ سانتیمتر است، حمامی قدیمی در شمال بناست. اطراف‌بنای‌کلاه‌فرنگی و اراضی نزدیك به‌آن‌باغ و درختکاری است.

در جنوب کلاه‌فرنگی، برکنارهٔ راست آب‌هراز، در دامن‌کوه، دیواری دراز ازسنگ وگچ است که ظاهراً راه‌قدیمی‌آمل از بالای‌آن می‌گذشته است.

باقی بناها و آثار تاریخی بهرستاق لاریجان

۱ــ امامزاده‌ای در دهکدهٔ نوسر بهرستاق.

۵ـ جغرافیای طبیعی و انسانی دلارستاق[1]

دلارستاق دره‌ایست که سمت آن از جنوب‌غربی به‌شمال‌شرقی است . آب آن از آبریزها و چشمه‌های شمالی دماوندکوه است ودر رباط (کهرود)[2] به‌رودخانهٔ هراز می‌ریزد. آب دره‌های دهکده‌های کرف[3] و تینه و فیره‌که جزء دلارستاق بشمارند، بالاتر از رودخانهٔ اصلی دلارستاق به‌آب هراز می‌پیوندند .

دلارستاق شامل یازده‌آبادی بزرگ وکوچك بدین شرح‌است:

۱ـ دیلا(= دلا،حاجی‌دلا) تابستان‌نشین‌آن درحدود ۵۰ خانوار است وشامل خاندانهای زیر اند :

ابیاك[4]، رعیّت‌باب (شامل : گوسر وجك[5] وقلیاف[6] ، سلمان ، میون ملیج[7]) . مجموع این خاندانهارا دیگران ، یعنی ساکنان دهکده‌های دیگر به نام « غائی» می‌شناسند .

۲ـ میانده (دهکده‌ای میان دلا و تاندل) که نه خانوار تابستان‌نشین دارد و خاندانهای زیر درآن ساکنند .

۱ـ بکسر دال، معمولاً بشکل دیلارستاق می‌نویسند و با یاء مجهول تلفظ می‌کنند.
۲ـ بفتح کاف . ۳ـ بضم کاف. ۴ـ بفتح الف . ۵ـ بفتح جیم. ۶ـ بضم قاف. ۷ـ بفتح میم دوم .

پیروسری[1]، جورملیج، سادات جعفری که از دهکدهٔ دینان (دینون) امیری آمده‌اند و سه پشت است که در اینجا ساکنند، میون سری .

۳ـ رزان[2] (رزن)[3] که‌هشت خانوار تابستان‌نشین دارد و ساکنان آن از طایفهٔ «مغول»اند .

۴ـ تاندل[4] (= توتل)[5] که درآن ۷۰ خانوار تابستان‌نشین مقیم‌اند وشامل این خاندانها هستند:

بیلار[6] (= بیلدار که به‌معنی‌رعیت است. امروز در صفحات مازندران بلودار (بفتح باء)همین معنی‌را دارد)،سم‌تراش[7]، متنهار[8]،درکائی[9]، خواجه، ایباك، سلیمانی، الکائی[10]، (= ایلدائی)، نوری.

۵ـ دهکدهٔ لهر[11] که ساکنان‌آن‌به چهارده‌خانوار می‌رسند وشامل خاندانهای زیراند :

الیاس، رئیس، حسن، حاجی ولك[12] (= ویلك)، خدری، [13] مجموع این خاندانهارا ساکنان دهکده‌های دیگر به‌نام بنّار[14] (= بندار) می‌شناسند .

۶ـ کیان (کیون) که در تابستان ۱۵ خانوار تابستان‌نشین درآن ساکنند و از خاندانهای زیر تشکیل می‌شوند :

۱ـ بکسر پ و سکون یاء . ۲ـ بفتح راء . ۳ـ بفتح راء و ضم زاء
۴ـ بفتح‌دال . ۵ـ بضم نون اول و تشدید و فتح‌نون دوم. ۶ـ بتشدید لام .
۷ـ بضم سین . ۸ـ بضم میم و فتح تاء و سکون نون . ۹ـ بفتح دال .
۱۰ـ بفتح الف و کسر لام . ۱۱ـ بکسر لام و هاء . ۱۲ـ بکسر واو وفتح‌لام.
۱۳ـ بفتح خاء . ۱۴ـ بفتح باء و تشدید نون .

کیائی ، اراغه[1]، بنّار(= بندار)، اسپی‌جن[2] .

۷ـ کارو (کهرود) که شامل ۴۵ خانوار تابستان‌نشین است.

۸ـ نل[3]، فقط دو خانوار دراین دهکده ساکنند .

۹ـ کرف، دارای ۳۵ خانوار تابستان‌نشین است .

۱۰ـ تینه، در حدود سی خانوار تابستان‌نشین دارد .

۱۱ـ فیره ، در این دهکده بیست خانوار ساکنند .

۱ـ بفتح الف‌اول. ۲ـ بکسر الف وضم جیم . ۳ـ بضم نون .

۶ـ بناها و آثار تاریخی دلارستاق

مرقد سلطان احمد نریزنده

در دهکدهٔ دیلا[۱] از دهکده‌های دلارستاق لاریجان

بنایی است از سنگ و گچ ازخارج هشت‌ترك(عکس شمارهٔ ۲۹۴) و از داخل مدور. سقف‌آن گنبد عرقچینی وبام آن کلاه‌درویشی است و اخیراً تمام‌بدنهٔ خارجی بنارا حلب‌پوش کرده‌اند . برکمربند گنبد داخلی ابیات زیررا گچ‌بری کرده‌اند :

« این بارگاه کیست که تا صبح وانپسین
جن و ملك بخاك درش مینهد جبین
این بارگاه‌کیست که محتاج درگهش
هستند کائنات همه روی این زمین
این بارگاه کیست که از فیض رحمتش
خوشحال و خرّمند هزاران دل غمین
این بارگاه کیست که تابنده نور او
باشد یکی چو روضهٔ فردوس عنبرین

۱ـ با یاء مجهول .